بسم الله الرحمن الرحیم

فلسطین

از منظر
حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدّ ظلّه العالی)
رهبر معظّم انقلاب اسلامی

موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی
دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)

مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی
دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)

فلسطین

از منظر
حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله العالی)
رهبر معظم انقلاب اسلامی

به کوشش: سعید صلح‌میرزایی
ناشر: انتشارات انقلاب اسلامی
(وابسته به مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی)

نسخه الکترونیکی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۵۱-۰۲-۴
نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان دانشگاه جنوبی، کوچه‌ی عطارد، شماره‌ی ۷
تلفن: ۶۶۹۷۷۲۶۸ - ۶۶۴۱۰۶۴۹ -- تلفن مرکز پخش:۰۹۱۹۵۵۹۳۷۳۲ - ۶۶۴۱۰۶۴۹
تهران، صندوق پستی: ۶۱۳ ـ ۱۳۱۸۵ ـ پست الکترونیکی: Book@khamenei.ir

پیشگفتار

بر هیچ‌کس پوشیده‌نیست که انقلاب اسلامی ایران بر پایه‌ی مبانی دین مبین اسلام به‌وجود آمده است. بر همین اساس حمایت از منافع جهان اسلام و بالخصوص ملتهای مظلوم مسلمان از اولین شعارهایی بود که توسط بنیانگذار مقدس جمهوری اسلامی قدّس سره مطرح گردید.

این در حالی بود که رژیم منحوس پهلوی جزو اولین دولتهای اسلامی بود که اسرائیل این دولت جعلی را به رسمیت شناخته‌بود.

آرمان امام‌خمینی قدّس سره جان تازه‌ای به پیکر انتفاضه دمید و ابتکار تعیین جمعه‌ی آخر ماه مبارک رمضان به عنوان «روز جهانی قدس» عامل ماندگاری مسأله‌ی فلسطین گردید.

پس از ارتحال آن حکیم الهی، عَلَم این آرمان‌خواهی بر دوش خلف صالح او یعنی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دام ظلّه العالی قرارگرفت.

گستره‌ی اطلاعات معظم له و اشراف ایشان بر مبانی فقهی، تاریخی و سیاسی مسأله‌ی فلسطین، هر محقق و شیفته‌ی علم را به پای سخن ایشان می‌کشاند.

اثر حاضر تلاشی ناچیز به منظور تسهیل استفاده‌ی علاقه‌مندان بهره‌مندی از محضر ایشان است.

براساس وعده‌ی صدق ایشان، آزادی فلسطین و نابودی اسرائیل از وقایع حتمی خواهدبود و امیدواریم که ما نیز آن روز طلایی را ببینیم و به امامت ایشان در قدس، نماز برپا نماییم.

فهـرست

مقدّمه

معروف است؛ پیش از جنگ اوّل جهانی و در زمان سلطان عبدالحمید عثمانی گروهی از متنفّذین یهودی به او پیشنهاد می‌کنند که سرزمین فلسطین را جهت اسکان یهودیان عالم به آنها بفروشد!

جوابی که وی به آنها داد نشان‌دهنده‌ی ته‌مانده غیرت اسلامی در یک سلطان مستبد عثمانی است.

وی می‌گوید: «ما تاکنون نشنیده‌ایم که یک آدم زنده (ولو محتضر) را کالبدشکافی کنند.» بعد از ناکامی عثمانی در فتح وین سقوط تدریجی این امپراطوری شروع شد. شکست در برابر روسها و از دست دادن کریمه نشانه‌های دیگری از زوال تدریجی این حکومت مسلمان بود. اروپائیان همزمان با محاصره‌ی نظامی و سیاسی عثمانیان، یک جنگ روانی را هم علیه آنها سامان دادند و لقب مرد بیمار اروپا به دولت عثمانی دادند.

دوره‌ی حدود سی ساله‌ی صلح مسلّح اروپا که همه‌ی دول قدرتمند اروپا، خود را برای جنگی بزرگ و قابل پیش‌بینی آماده می‌کردند، مجموعه‌ی انگلیس و فرانسه و روسیه که خود را در تقابل با آلمان و اتریش می‌دیدند، زمینه‌های تصرّف و تجزیه عثمانی به عنوان متّحد ژرمن‌ها را نیز فراهم می‌کردند. در سال۱۹۱۳ سفرای انگلیس و فرانسه تلاشهای زیادی برای تنظیم قرارداد ۱۹۱۳ معروف به قسطنطنیه بین ایران و عثمانی صورت دادند

که سبب اوّلیه برای ضرورت انعقاد این قرارداد، تجاوزات متعدّد عساکر عثمانی به خاک ایران در سالهای نخستین بعد از انقلاب مشروطه و شکایتها و گله‌مندی ایران بود. اهتمامی که دو دولت بدسابقه‌ی استعماری در شکل‌دهی این قرارداد نشان دادند موجب شگفتی بود که علی‌الخصوص در سال بعد، ۱۹۱۴ یعنی مدّت کوتاهی قبل از آغاز جنگ جهانی اوّل، نواقص و مشکلات قرارداد مرزی قسطنطنیه را با پروتکل الحاقی ۱۹۱۴ به اصطلاح اصلاح کردند.

پس از شروع جنگ و شکست عثمانی و اقدامات بعدی فرانسه و انگلیس معلوم شد که غرض آنها از محکم کردن خط مرزی شرقی عثمانی با ایران، طراحی برای دوره‌ی اشغال پس از فروپاشی آن دولت و زمینه‌سازی برای تقسیم غنائم ارضی در منطقه‌ی خاورمیانه بود. سال۱۹۱۶ (در اواسط جنگ اوّل) به‌طور محرمانه، قراردادی بین سایکس و پیکو نمایندگان دو دولت انگلیس و فرانسه منعقد شد و عملاً خطوط تقسیم غنائم جنبه‌ی قطعی گرفت. در سال۱۹۱۷ با نفوذ وزیر خارجه‌ی وقت، انگلیس اعلامیه‌ای صادر کرد و طی آن اعلام نمود که دولت انگلیس خود را متعهّد می‌داند که جهت اسکان و سامان‌دهی یهودیان آنها را در فلسطین متوطّن نماید. سال ۱۹۱۸ جنگ اوّل با شکست عثمانی و ژرمنها به پایان رسید. وقتی "لُرد آلن بی" ژنرال انگلیسی وارد بیت‌المقدس شد، کلامی تاریخی بیان کرد که ماهیت مهاجمین غربی را نشان می‌داد. نقل است که گفت: «امروز، جنگهای صلیبی به پایان رسید!!» یعنی کینه‌ی شکست فضاحت‌بار صلیبیان در بیت‌المقدس را به صورت میراثی شیطانی در دل داشتند و با اشغال آن، عقده دل را گشودند.

یک‌بار مرحوم حافظ اسد رئیس‌جمهور متوفّای سوریه در رابطه با کینه‌توزی صلیبیان، برای اینجانب داستان دیگری را نقل کرد و گفت: «وقتی "ژنرال گورو" یکی از فرماندهان فرانسوی در جنگ اوّل جهانی وارد دمشق شد به سر قبر صلاح‌الدین ایوبی، فاتح جنگهای صلیبی رفت و بر آن پای کوبید و گفت: «صلاح‌الدین ما بازگشتیم!!»

بعد از اتمام جنگ جهانی اوّل، جامعه‌ی ملل، جهت برقراری به اصطلاح

صلح و امنیت در جهان و جلوگیری از تکرار فاجعه‌ی جنگ توسط فاتحین و صد البته در جهت مقاصد و منافع پس از جنگ آنها تشکیل شد و قیمومت فلسطین را به انگلیس داد، یعنی به غصب قبله‌ی اوّل مسلمین توسط انگلیس مشروعیت بخشید و انگلیس هم وعده بالفور را به‌تدریج اجرائی کرد. به این ترتیب که با کمک بقیه‌ی غربیان به شمول اتحاد جماهیر شوروی، یهودیان را به فلسطین کوچ دادند و با کمکهای پنهان و آشکار آنها مسلمانان را از خانه و کاشانه و سرزمین آباء و اجدادیشان اخراج کردند و املاک آنها را تحویل صهیونیستها دادند که درصدد پیاده کردن طرح هرتزل، مصوّبه‌ی اوّلین کنگره‌ی صهیونیسم (در سال ۱۸۹۷) بودند.

بزرگنمائی جنایات نازیها در جنگ دوّم جهانی علیه یهود، موجب به کار گرفتن وسائل ارتباط جمعی غرب و امکانات هنری هالیوود برای مظلوم‌نمائی افراطی یهودیان از جمله اقدامات زمینه‌ساز برای مشروعیت بخشیدن به توطئه غرب برای اشغال سرزمینهای اسلامی و قبله‌ی اوّل مسلمین بود. این مجموعه اقدامات از شگفتیهای روزگار ما بود که به فرض صحت همه‌ی ادعاها در رابطه با یهودی‌کشیهای آلمانها، چرا باید مسلمانان غرامت اقدامهای ضدّبشری ژرمنهای پروتستان را بدهند؟!

سازمان ملل متّحد بعد از جنگ دوّم با همان مقاصد، توسط دول فاتح تشکیل و جانشین جامعه ملل شد و از اوّلین اقدامات این سازمان، تصویب تشکیل کشور اسرائیل بود که تمامی صاحبان حق وتو به آن رأی مثبت دادند و یک سلسله‌ی جدید ار جنگهای صلیبی جدیدی (صلیبی- صهیونیستی) آغاز گردید. بعد از جنگ اوّل جهانی مخالفت علما و اندیشمندان جهان اسلام و مقاومت مسلمانان به‌خصوص فلسطینیان شروع شد و عملاً سناریوی جنگ احزاب تکرار شد و کّل کفر در برابر کل اسلام قرار گرفت.

مقاومت در برابر اشغال فلسطین و قدس، محور مبارزات اعراب و جهان اسلام گردید. اتحادیّه عرب حول محور آزادی فلسطین و سازمان کنفرانس اسلامی پس از آتش زدن مسجدالاقصی با محوریت آزادی قدس تشکیل گردید. چهار جنگ بین اعراب و اسرائیل در سالهای ۱۳۲۷ (۱۹۴۸)، ۱۳۳۵ (۱۹۵۶)، ۱۳۴۶ (۱۹۶۷) و ۱۳۵۲(۱۹۷۳) اتّفاق افتاد که تقریباً همه‌ی آنها

منجر به شکست اعراب در برابر اتحادیّه‌ی غرب- صهیونیسم شد. هر جنگ و هر شکستی خود موجب تحولات اساسی در جهان عرب شد. در بین فلسطینیان نیز این فراز و نشیبهای عظیم سیاسی- نظامی موجب تحولات فرهنگی- فکری عمیقی گردید. کودتای نجیب- ناصر در مصر، عبدالکریم قاسم در عراق، روی کار آمدن حزب بعث در سوریه، انقلاب الجزایر، کودتای عبداله سلال در یمن، جعفر نُمیری در سودان، معمّر قذافی در لیبی تحت‌تأثیر ناسیونالیسم چپ عربی صورت گرفت و مبارزات عدنیها باعث آزادی عدن و تشکیل کشوری تحت نام جمهوری دموکراتیک یمن به ریاست قحطان‌الشعبی شد. فلسطینیان نیز تحت‌تأثیر این تحولات سریع و فجایع وحشتناک صهیونیستها، مراحل دشواری را پشت سر گذاشتند و راههای مختلفی را در طول مبارزات خود آزموده‌اند.

حاج امین‌الحسینی، مفتی بیت‌المقدس، لُجنه‌ای سیاسی مرکّب از نمایندگان دولتهای اسلامی تشکیل داد با این امید که بتوانند حقوق غصب‌شده‌ی فلسطینیان را از طریق مجامع بین‌المللی استیفا کنند. عزّالدین قسام، عارف وارسته‌ی فلسطینی تفنگ در دست گرفت و با مریدانش با صهیونیستها و انگلیسیها جنگیدند. ناامیدی از لیبرالیسم غربی گروهی از فلسطینیان را به سوی سراب مارکسیستی و قبله‌گاه کرملین سوق داد که برخی از مسیحیان فلسطین نظیر جورج حبش و نایف حواتمه نقش اساسی در این میان داشتند. ناامیدی از قوم‌گرائی عربی و چپگرائی، فلسطینیان را به سمت نهضتهای اسلامی سوق داد. جنبش فتح سرشاخه فلسطینی اخوان‌المسلمین تشکیل شد. از سوی دیگر شکست ناصر در جنگ ۶ روزه سال۶۷ پایانی موقت بر مبارزه‌جوئی عربی از نوع چپ قومی بود و مرگ او در سال ۱۳۴۹، یکسره خط پایانی ناصریسم را رقم زد، فلسطینیان جنبش فتح با انگیزه‌های اسلامی در نبرد کرامه با نیروئی پانصد نفری سپاهیان ۱۲هزار نفری صهیونیستها را در کنار نهر اردن شکست دادند. سقوط سطوت ناصر و پیروزی چشمگیر فلسطینیان موجب شد که ملک حسین در اردن در غیاب قدرت ناصریستها، فلسطینیان را سرکوب و قتل‌عام کند که یک‌بار دیگر معلوم شد که حکومت اُردن جزء مکمّل سلطه‌ی غرب بر قلب جهان اسلام بود که آنجائی که وارثان

بن‌گورویون در مقابل مبارزان مسلمان ناتوان می‌شوند فرزند عبدالله اردنی نقش عبدالله‌بن اُبّی منافق صدر اسلام را ایفا کند و ماجرای سپتامبر سیاه را به راه انداخت که در همان سال با فاصله‌ی کوتاهی جمال عبدالناصر سکته کرد و شایع شد قتل‌عام فلسطینیان توسط شاه اردن، مرگ ناصر را سبب شد.

با مرگ ناصر، شعله‌ی پان عربیسم کم‌نور شد، مبارزه بی‌قدر و قیمت گردید و علفهای هرز سازش و وادادگی رشد کرد. انورالسادات خون شهدای فلسطین و عرب را در کمپ‌دیوید در طبق ذلّت گذاشت و در حضور کارتر تقدیم مناخیم بگین کرد. عصر سازش آغاز شد و قریب ۲۰ سال به درازا کشید. یاسر عرفات تفنگ را بر زمین گذاشت و با شاخه‌ی زیتون به سازمان ملل رفت. حکومتهای عرب و فلسطینیان قدم‌به‌قدم عقب نشستند و تشکیل جبهه‌ی پایداری توسط کشورهای سوریه، لیبی، الجزایر، یمن جنوبی و سازمان آزادی‌بخش فلسطین هم دردی دوا نکرد و با فروپاشی شوروی آن نیز فروپاشید.

سلسله حلقات سازش که از گفتگوهای راجرز شروع و با کمپ‌دیوید اوج گرفته بود، در مادرید شدت گرفت و در اسلو بر روی کاغذ آمد و در وای ریور و واشنگتن و کمپ‌دیوید ۲ به کمال رسید.

این سلسله سازش هر چه جلوتر می‌رفت دست رژیم صهیونیستی بازتر و حلقه‌ی محاصره عرفات تنگ‌تر می‌شد، تا اینکه سرانجام در رام‌الله رهبر سازمان آزادی‌بخش فلسطین به محاصره کامل درآمد و شاید به دست نفوذیهای صهیونیستها مسموم شد و عملاً سازش به احتضار افتاد.

اگر مجدداً به عقب برگردیم و نقش علمای شیعه را در امر فلسطین بررسی کنیم پرونده‌ی پیچیده فلسطین را که از قریب یک قرن تاکنون نقش محوری در جهان اسلام داشته است به کمال نزدیک‌تر کرده‌ایم.

مسأله‌ی اشغال فلسطین بازتابهای متعدّد و گسترده‌ای را در سراسر جهان به دنبال داشت. یکی از واکنشهای مهم در قبال این رویداد، برخوردی بوده که از جانب روحانیت شیعه صورت پذیرفت و بدون هیچ تغییری، در طول هفتاد سال گذشته ادامه یافته است. علّامه مطهری دلیل این خصیصه‌ی روحانیت شیعه را چنین برمی‌شمارد: روحانیت شیعه در ذات خود یک نهاد

مستقل است. از نظر روحی به خدا متکی بوده و از نظر اجتماعی به قدرت مردم و لهذا در طول تاریخ به صورت یک قدرت رقیب در مقابل زورمندان ظاهر شده است.

حال با توجه به این ویژگی باید بدانیم که این طبقه از اندیشمندان مسلمان اصولاً با مسائلی چون موضوع فلسطین و نفوذ صهیونیستها چه برخوردی را می‌نمودند و مقابله با آن را به چه قسمی لازم می‌شمردند. یکی از روحانیون گمنام ایران به نام محمدحسن‌بن محمدابراهیم گیلانی که با حادثه‌ای مشابه قضایای فلسطین در عهد خود مواجه شده بود، حکم واجب را برای مقابله با این خطر یکی از اقسام جهاد بیان داشته، و وجوبش را چنین متذکر می‌شود:

«دوّم جهاد در صورت هجوم اهل شرکت و ضلالت است بر بلاد مسلمانان، به نوعی که خائف باشند اهل بلاد از غلبه و استیلای اهل کفر بر بلدان، یا اگر چه قلیل شد اخذ مال ایشان و این نوع جهاد واجب است بر کافه‌ی مسلمانان که قادر باشند بر جهاد... و این جهاد در غیبت و حضور امام(ع) بی‌تفاوت رواست».

شیخ‌محمدرضا همدانی از علمای عصر ناصری نیز در رساله‌ای به نام ترغیب‌المسلمین الی دفاع المشرکین، طی حکم صریحی در برابر چنین هجوم و صدمه‌ای می‌نویسد:

«جهاد که غرض حفظ بیضه اسلام و انتظار امر معاش و معاد انام است، مادام که غرض صورت نیافته، امر به جهاد باقی است.»

مطالعه‌ی تاریخ معاصر جنبشهای شیعی، روشن می‌سازد که همین طبقه‌ی روحانیت در سخت‌ترین شرایط و هنگامی که شداید از هر سو اساس و بنیان جامعه‌ی اسلامی را در معرض آفات و حوادث قرار می‌داد، نه تنها در کسوت راهبری جهاد درمی‌آمدند، بلکه با ژرف‌اندیشی و دقت‌نظر به‌سرعت مطامع استعماری یا اهداف درازمدّت بیگانگان را شناسایی کرده، مانع از وصول ایشان به مقصد غایی خود می‌شدند. برای مثال، وقتی که در عراق قوای انگلیسی به مبارزه با مردم برخاستند و کوشیدند تا قیام ملت عراق را از مجرای طبیعی خود منحرف سازند و شرایط دشوار و خفقان‌آوری را پدید

آوردند، این انقلاب شیعیان عراق به رهبری روحانیون بود که ایشان را ناامید و محکوم به شکست کرد. یکی از علمای نجف که در سالهای جنگ جهانی اوّل شاهد قیام شیعیان نجف بوده و حوادث را به‌دقت ثبت کرده، در بخشی از خاطرات روزانه‌اش درباره‌ی علل قیام و جهاد شیعیان می‌نویسد:

«بعضی دیگر را اعتقاد بر این باشد که محض عِرق اسلامی و حمیّت اسلامیت بوده [که] نتوانسته ببیند که بلده مقدسه‌ی نجف که مرکز روحانیت و دیانت و قبّه اسلام [و] چشم و چراغ اسلامیان است در تحت فرمانروایی صلیبیان حکمران و آمر بر این بقعه‌ی مقدسه که مطاف ارواح مقدسه‌ی انبیاء و اولیاء و ملائکه مقربین و محیط رحمت و فیوضات حضرت احدیت بوده... بیرق تثلیث بالاسر جقه توحید کوبیده شود.»

روحانیت شیعه با اتکا به چنین پشتوانه‌هایی و با توجه به وظیفه‌ی شرعی خود در خصوص قضیه‌ی فلسطین، از همان ابتدا حرکتی را آغاز کردند که دقت در اهداف و مواضع نخستین این رهبران دینی و مقایسه‌ی آنها با آمال امروزی ایشان، ما را مطمئن می‌سازد که روحانیون شیعه به‌واقع از جمله سرسخت‌ترین و سازش‌ناپذیرترین مجموعه‌هائی بوده‌اند که در برابر خطر صهیونیسم بدون هیچ‌گونه تأمّل و مسامحه‌ای از خود واکنش نشان داده‌اند. مرحوم آقامحمدحسین آل کاشف‌الغطاء، اعلم علمای نجف در پاسخ به استفتای محمدصبری عابدین، آموزگار حرم شریف قدس، مطابق اسناد موجود فتوایی را به این مضمون انتشار می‌دهد:

«**جل شأنه می‌فرماید «وَ كَذلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذا أَخَذَ الْقُرى وَ هِيَ ظالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَليمٌ شَديدٌ»**[1]. چه ظلمی از این بالاتر می‌باشد که انسان حقوق رفتگان و احفاد خود را از بین ببرد و پایمال نماید و بلکه می‌توان گفت چه ظلمی از این بالاتر است که انسان حق مقدسات و دین خود را پایمال کرده و از عظمت نوامیس و قرآن خود بکاهد.»

او سپس با اشاره به فروش اراضی فلسطین و حکم شرعی افرادی که در این گونه معاملات دست داشته‌اند، چنین اظهارنظر می‌کند:

---

۱. سوره‌ی هود، آیه‌ی۱۰۲

...آیا بعد از این همه یقین ندارند که این فروش جنگ با اسلام می‌باشد؟آیا کسی شک دارد که این فروش یا همراهی در فروش یا کوشش و دلالی با رضایت در این کارها جنگ با خدا و پیغمبر[ص] او، پایمال نمودن دین اسلام است؟... آنها را از دین و حوزه‌ی اسلام خارج و جزء کفار بشمارید و در تمام کارها از آنها دوری کرده و با آنها ازدواج ننموده و با آنها معاشرت نکرده و همچنین خرید و فروش و سلام و علیک و رفت و آمد و گفت و شنید با آنها ننموده و به‌علاوه مرده‌های آنها را مشایعت نکرده و در قبرستانهای مسلمانان هم دفن ننمایند. اسامی آنها را بایستی در تمام مجامع «نوادی» و روزنامه‌ها و مجله‌ها به اسم خارج‌شدگان از دین معرفی کرده و اسم ببرید...
"محمدحسین آل کاشف‌الغطاء، نجف اشرف"

موضوع مخالفت علما با طرح تقسیم فلسطین در جامعه‌ی ملل شاید به‌واقع گام آغازین رویارویی علمای جهان اسلام و غرب بود که پرچم آن را روحانیت شیعه‌ی ایرانی مقیم عراق بلند نمود. این بزرگان با فراخوان سایر علمای اسلامی، این مهم را بی‌واهمه و هراس چنین به فعالیت درآوردند: آقایان هبةالدین شهرستانی و سیّدمحمدمهدی صدر و سیّدمحمدمهدی اصفهانی که از علمای ایرانی ساکن بغداد و کاظمین هستند و شیخ راضی آل‌یاسین که از علمای شیعه‌ی عرب است با شرکت یوسف عطا، مفتی بغداد و حبیب‌العبیدی، مفتی موصل و ابراهیم راوی که هر سه از علمای درجه اوّل موصل و بغداد هستند، تلگرافی به مضمون ذیل به جامعه‌ی ملل و وزارت خارجه‌ی انگلیس مخابره نموده‌اند:

«اینجانبان که نمایندگان روحانی مذاهب اسلامی هستیم، از قرار کمیسیون سلطنتی راجع به تقسیم فلسطین که یک کشور اسلامی و عربی عزیزی است اظهار عدم رضایت نموده و نسبت به آن اعتراض و آن را یک ضربتی به قلب اسلام و عرب می‌دانیم.»

آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی طی یادداشتی برای سفارت دولت ایران در بغداد اظهار امیدواری می‌کند که دولت ایران در جامعه‌ی ملل از همه گونه تلاش برای دستیابی ملت فلسطین به حقوق حقّه‌ی خویش فروگذاری ننماید. علّامه کاشف‌الغطاء در اقدامی همسو با فعالیت آقا سیّدابوالحسن

اصفهانی، پادشاه وقت عراق، ملک غازی را مورد همین گونه خطاب قرار داده است. سفارت ایران در بغداد این حرکت را این‌گونه تشریح می‌کند:

«علمای عرب شیعه‌ی نجف مجدداً تلگرافهایی به ملک غازی و کمیسر عالی فلسطین مخابره نموده و از مظالم انگلیس در فلسطین دادخواهی کرده‌اند. آقای شیخ‌محمدحسین کاشف‌الغطاء که از مشاهیر علمای عرب در نجف می‌باشد نیز تلگرافی به کمیسر عالی انگلیس و کمیسیون فنی انگلیس مخابره نموده و اضافه کرده است که مردم از علما فتوای جهاد خواسته‌اند...»

یکی از جراید بغداد هم خبری را درج می‌کند که نشان‌دهنده‌ی روحیه‌ی مبارزاتی و خدشه‌ناپذیر روحانیون است. براساس خبر النهار بغداد، علمای اسلام در ۱۳۱۷/۳/۲۵ با اجتماع «در تحت قبه حضرت امیر[ع] در نجف تجمع نموده، در باب صدور حکم جهاد مذاکراتی نموده و حکم مزبور به امضای همه‌ی آقایان علما صادر خواهد شد و ریاست جلسه‌ی مزبور هم با آقای کاشف‌الغطاء خواهد بود.» روحانیون شیعه برای بررسی این موضوع از علمای سوریه، لبنان، اردن، مصر، یمن، امارت‌نشینهای خلیج‌فارس، ترکیه، افغانستان و ایران دعوت کرده‌اند که در این اجلاس حضور یابند. علّامه کاشف‌الغطاء سپس خود رأساً حکم جهاد را صادر کرد:

«ای اسلام و ای عرب، بلکه ای برادر و یا اینکه ای بشر، وضعیتی که فلسطین سر بریده به آن رسیده است به نظر همه مشهود و عیان شده و چنان‌که گفته‌ایم باز هم می‌گوییم که موضوع فلسطین قضیه‌ی بالاختصاص خود فلسطین نبوده... ای عرب، ای مسلمین، ای بشر، جهاد در فلسطین بر هر انسان واجب شده، نه بر عرب و مسلمین تنها... این است دعوت و ندای عمومی اینجانب که به امّت عرب و اسلام می‌فرستم. خدا گواه است که اینجانب از دهه‌ی ششم عمر تجاوز کردم و اگر ازدحام و ازدیاد انواع علل رنجوری بر این استخوانهای پوسیده‌ام حمله نمی‌آوردند، اوّل شخصی بودم که به این دعوت لبیک می‌گفتم... "محمدحسین آل کاشف‌الغطاء"

او سپس در فتوایی دیگر به تقسیم‌بندی کشورهای جهان اسلام می‌پردازد که باید در این جهاد نقش ایفا نمایند. به‌زعم ایشان، نخستین کشوری که

باید رایت جهاد برمی‌داشت اردن هاشمی بود که زعمای آن ادعای سیادت می‌نمایند و پس از آن، حجاز است که به دلیل پرتوافکنی خورشید اسلام باید قدم در این راه بگذارد. آن‌گاه مصر و سوریه را مورد خطاب قرار داده، آنها را به دلیل همجواری ذی‌حق می‌شمارد و سپس می‌گوید:

«می‌گویند چهارصد میلیون مسلمان در کره‌ی زمین موجود است. چطور می‌شد اگر ده یک این عده از راه غیرت اقدام نموده، برای ادای وظیفه‌ی خویش نسبت به فلسطین، و به یاری مجاهدین آن ملحق می‌شدند؟ البته گره‌ی فلسطین گشوده می‌شد، اشغال آن خاتمه می‌پذیرفت... به خدا قسم که از مرحله خیلی دور افتادیم و پرت گشتیم و هنوز آنچه را که باید بیان نکردیم... کنگره‌ها منعقد و مقررات آن تقدیم می‌شود و هیئتها برای لندن مسافرت می‌کند، با همه‌ی اینها قشون انگلیس شکم زنهای آبستن را در فلسطین سفره می‌کند، بی‌گناهان را بی‌جان و خونهای پاک را روان می‌سازد و با تمام شدت به تبهکاریهای بزرگ خود ادامه می‌دهد و حجاز و اردن هم با چشم و گوش همه چیز را می‌بینند و می‌شنوند، با وجود این با کمال تفریح رفت و آمد دارند. حتی دو بز آنها از جای خود نجنبیدند. ای کاش به این هم اکتفا و شرّ خود را از سر فلسطین کوتاه می‌کردند و با ستمکاران مساعدت و همراهی نمی‌نمودند. ولی عموم مسلمانان در اقطار زمین چیزی که دارند اعتراض هست، هیاهو، نطق، مقاله‌نویسی، شعرگویی و بعضی مساعدتهای مادی بسیار کم که حالِ یک قطره آب بر سنگ را دارد و حال آنکه خیلی از مسلمانان دارای هزارانِ بلکه میلیونها لیره هستند. آیا هیچ شنیده شد یکی از آنها با هزار لیره استرلینگ کمکی کرده باشد، چنان‌که یهودیان که عده‌شان کمتر و طبعشان پست‌تر است، می‌کنند؟

این جملات نمایانگر روح حاکم بر روحانیت شیعه است. اگر منصفانه مورد قضاوت قرار گیرد، بیانگر درد اصلی جهان اسلام بوده و هست. دردی که اگر چه بیمار مبتلا به آن تاکنون تاوان سنگینی را برای تسکینش پرداخته، اما حاضر نشده به درمان اساسی خود برخیزد. علّامه کاشف‌الغطاء در پایان اعلامیه‌ی خود با رشادت جملاتی را می‌نویسد که به واقع زیبنده‌ی اوست. او که درد اصلی جهان اسلام را یافته، این صراحت را دارد که حقایق را هر چند تلخ و ناگوار، بیان کند تا شاید مسلمانان به خود آیند و سر از خواب

غفلت بردارند. کلام او در این باب چنین است:

«با وجود همه‌ی اینها، کاش مسلمانان به حق اعتراف کنند و حقیقت را پاک و پوست‌کنده اظهار نمایند. آن حقیقت این است که بلیه مسلمانان از خود مسلمانان است و از بلیه صهیونی و انگلیس خیلی بزرگ‌تر می‌باشد. این حقایق آشکار را هر کس می‌داند و جز شاگرد کوچک دبستان کسی آن را ابراز نمی‌نماید. نجف اشرف، مدرسه‌ی کاشف‌الغطاء، محمدحسین آل کاشف‌الغطاء، ۲۴ شوال ۱۳۵۷ برابر ۱۹۳۸/۱۲/۱۸.»

در دهه‌ی چهل قرن چهاردهم هجری شمسی آغاز حرکت آشکار امام خمینی و تلاش جدّی‌تر ایشان در حوزه‌ی سیاست نقش اساسی در پایه‌گذاری موج جدید بیداری اسلامی در ایران و جهان اسلام داشت. هدف‌گیری داخلی مبارزه‌ی ایشان در داخل کشور، اسقاط رژیم پهلوی و جایگزینی آن با یک نظام مبتنی بر مردم‌سالاری دینی، در منطقه‌ی جهاد علیه صهیونیسم و تلاش برای آزادی فلسطین و در بُعد جهانی تقابل با استکبار و در رأس آن آمریکا بود.

اگر بخواهیم هدف اصلی مبارزه‌ی حضرت امام(ره) را در یک جمله خلاصه کنیم می‌شود: «رهائی ایران و جهان اسلام از قید سلطه و استکبار، اعاده‌ی عزت و عظمت مسلمین، تشکیل حکومت اسلامی بر مبنای ارزشها و مبانی اسلامی.»

ایشان وجود رژیم استبدادی پهلوی را در ایران، نفوذ صهیونیسم در منطقه‌ی خاورمیانه و حاکمیت سلطه‌ی غرب و شرق بر کل جهان را حلقه‌های یک سلسه‌ی مرتبط با هم می‌دانست و به حق معتقد بود که اگر قرار است ایران آزاد شود و جهان اسلام عزت گذشته را بازیابد باید با هر سه عامل مزبور مقابله کرد و یکی از رموز اصلی موفقیت نهائی انقلاب اسلامی و ماندگاری جمهوری اسلامی ایران همین جامع‌نگری حضرت امام (ره) بود. فروپاشی شوروی سابق و بهم ریختگی دنیای دوقطبی شکل گرفته بعد از جنگ دوّم جهانی در پیمان یالتا، موجب تحولات عظیمی در جهان شد.

مک لوهان موضوع دهکده جهانی را مطرح کرد و بوش پدر اعلام کرد که دنیای آینده یک‌قطبی است و امریکا به عنوان تنها ابرَقدرت باقیمانده

مسئولیت به اصطلاح امنیت جهان را به عهده دارد. ساموئل هانتینگون نظریه‌پرداز امریکا موضوع برخورد تمدّن‌ها را ابتدا به صورت مقاله و سپس کتاب منتشر کرد و عملاً جهان اسلام را جایگزین جهان کمونیسم کرد و نوشت که تقابل اصلی آینده، بین غرب و جهان اسلام است و گسلهای خونینی این دو تمدّن را از هم جدا می‌کند. بعداً در جریان جنگ کوزوو، در کنفرانسی در قبرس قریب به این مضمون را گفت که: «این نمونه همان برخوردهای خونینی بین تمدّن غربی و تمدّن اسلامی است که من پیش‌بینی کرده بودم.» براساس بعضی تحلیلها با تحریک غیرمستقیم امریکا صدام به کویت حمله کرد تا امریکا و غرب بهانه‌ای پیدا کنند که صدام را به همراه سلاح‌های اهدائی غرب و شرق دفن کنند. بوش اوّل به عراق حمله کرد و تا یکصد کیلومتری بغداد پیش رفت و متوقف شد تا زمینه‌ی اشغال درازمدّت عراق توسط امریکا را فراهم کند.

در سپتامبر ۲۰۰۱ برجهای دوقلوی نیویورک به طور مشکوکی مورد حمله یک هواپیمای مسافربری قرار گرفت و نکته‌ی تأمل‌برانگیز این بود که کلیه‌ی ساکنین یهودی برجها قبلاً آنها را ترک کرده بودند! بلافاصله فرمان حمله و اشغال افغانستان صادر شد و بوش دوّم به دلیل خامی که داشت پشت پرده، طرح مشترک صلیبیان و صهیونیستها را آشکار و علناً اعلام آغاز «جنگ صلیبی» کرد. آخر او از معتقدین شاخه‌ای از کلیسای پروتستان به نام «اُ اَنجلیستها» می‌باشد که دست‌ساخته و تحت فرمان صهیونیسم است. در سال ۲۰۰۳ پس از قریب ۱۲ سال زمینه‌سازی، مرحله‌ی دوّم حمله به عراق را فرمان داد و کار نیمه‌تمام پدرش را تکمیل و عراق را اشغال کرد و بنا داشتند برای عراق فرمانداری بگذارند که برای امریکا در آن کشور همان مأموریتی را انجام دهد که «لرد کرزن» به عنوان نایب‌السلطنه انگلیس در هند انجام می‌داد و این شخص را معلوم کردند و او همان آقای «برمر» بود.

تأسیس پایگاه امریکا در آذربایجان، قرقیزستان و افغانستان و تأسیس مرکزیت ناوگان پنجم در بحرین و انعقاد قرارداد هسته‌ای با هند و اشغال عملی و اعلام‌نشده‌ی پاکستان، حمایت از تجزیه‌طلبان سودانی و درگیر کردن ناتو به حسب اقتضاء در این اشغالگریها نشان از عملیاتی‌شدن همان

تصمیم اتخاذ شده برای اشغال نظامی– سیاسی جهان اسلام و سرکوب هر حرکت ضدغربی و نجات صهیونیسم از انتفاضه‌ی فلسطین و محاصره‌ی جمهوری اسلامی بود.

تمام این اتفاقات یعنی از آغاز فروپاشی شوروی تا تحولات فوق‌الاشاره، در زمان رهبری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رخ داد.

لذا حضرت ایشان علاوه بر وراثت، میراث سنگین حضرت امام خمینی(ره)، بار سنگین تقابل با تمامی این توطئه‌های پیچیده‌ی خارجی و عوامل مزدور داخلی آنها را بر دوش گرفتند و الحق دست خدا همراه ایشان بود که توانستند از این گردابهای مُهلک، کشتی جمهوری اسلامی را به سلامت هدایت نمایند. نه فقط دفاع از منافع جمهوری اسلامی، مسئولیت نجات امت اسلامی را هم بر شانه‌ی خود احساس می‌کردند.

ایشان با جدیّت و صداقت تمام، پرچم آزادی قدس و فلسطین را برافراشته نگه داشتند و علی‌رغم همه‌ی فشارها به تدابیر خویش در این زمینه ادامه دادند و تقریباً در تمامی عرصه‌ها، در جهان اسلام آمریکا و عواملش را به عقب‌نشینی وادار کردند و یا آنها را متوقف نمودند.

زنجیره‌ی مقاومت در برابر صهیونیستها در زمان رهبری معظم له تحکیم یافت و حتی گسترش پیدا کرد. امروز این خط مقاومت که از ایران شروع شده از عراق، سوریه، لبنان، اردن، غزه، ساحل غربی، مصر، لیبی، تونس، الجزایر، مراکش، سودان، یمن، بحرین، پاکستان و افغانستان می‌گذرد. موج جدید بیداری اسلامی که کلید آن توسط حضرت امام(ره) زده شد و در زمان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ادامه پیدا کرد امروز قوی‌تر از هر روز دیگر به جلو می‌رود و همگی قیام‌کنندگان در اهداف ذیل با جمهوری اسلامی ایران همراه هستند: سرنگونی استبداد داخلی، قطع دست آمریکا و متّحدینش از کشورهای مسلمان، بازگشت ارزشهای اسلامی، تأسیس مردم‌سالاری دینی و آزادی نهائی تمامی سرزمین فلسطین.

دکتر علی‌اکبر ولایتی

یادی از دومین روز قدس[1]

روز قدس؛ روز اسلام، انسانیّت، انقلاب و امام

امروز روز بزرگ و جهانی قدس است، روز تجمع آرمانهای مسلمانان جهان در یک کلمه و در یک جمله است، روز اتحاد صفوف همه‌ی مسلمانان از همه‌ی ملتها و کشورهاست، روز اسلام است، روز انسانیّت است، روز انقلاب است و روز امام ماست.

امتیاز روز قدس بر ایام الله دیگر

پس از انقلاب پیروزمند ملت ایران، ما مردم ایران روزهای یادبود متعدّدی داشته‌ایم، روز ۲۲ بهمن، روز ۱۵ خرداد، روز ۱۷ شهریور، روز ۱۲ فروردین و روزهای دیگر. اما در میان همه‌ی این روزهای یادبود، روز قدس از دو نظر دارای امتیاز و برجستگی است. اوّل از این نظر که اگر آن روزهای دیگر مربوط به ملت ایران است، روز قدس مربوط به ملت ایران و همه‌ی ملتهای مسلمان است. در روز قدس همه‌ی ملتهای مسلمان، بلکه همه‌ی ملتهای مستضعف عالم، احساس همبستگی و همدردی با ملت ایران می‌کنند، ملت ایران مانند پیشاهنگی در ماجرای روز قدس و مسأله‌ی

---

۱. بیانات در خطبه های نماز جمعه‌ی تهران ۵۹/۵/۱۷

فلسطین، برای فداکاری آماده می‌شود و ملتهای دیگر هم باید دوش به دوشِ این ملت انقلابی و با برخورداری از تجربه‌های ما، گام به گام و بازو به بازوِ با ما به سوی آزاد کردن سرزمینهای اشغالی فلسطین پیش بیایند.

امتیاز دوم روز قدس این است که آن روزهای دیگر روز خاطره‌ی فداکاریها و پیروزیهای گذشته است، اما روز قدس، روز تصمیم و همّت گماشتن بر فداکاریها و پیروزیهای آینده است. اگر در آن روزهای دیگر، در آن خاطره‌های دیگر، ملت ما یاد از گذشته می‌کند، در روز قدس ملت ما به یاد آینده، انگیزه و همت و تصمیم در خود ذخیره می‌کند، به حرکت می‌افتد و راه را به سوی آینده باز می‌کند.

روز قدس؛ روز شکستن پشت مستکبران امریکایی و مزدوران صهیونیستش

مسأله‌ی قدس که امروز ما درباره‌ی آن باید به یک آگاهی روشن و به یک تصمیم قاطع برسیم، برادران و خواهران! مسأله‌ی بسیار باعظمت و بااهمیّتی است. مسأله‌ی قدس و روز قدس و ماجرای فلسطین، عبارت از آن نقطه‌ای است که باید مستضعفان عالم با الهام از روح ایمان و توکل به خدای بزرگ، پشت مستکبران بزرگ جهان و در رأس آنها امپریالیزم امریکا و مزدوران صهیونیستش را بشکند و خُرد کند.

ماجرای قدس برای ملت ما و برای همه‌ی امت بزرگ مسلمان یک ماجرای تعیین‌کننده است. انقلاب ایران اگر در داخل این مرزها به پیروزی رسید، این به معنای آن نیست که ما قانع بشویم و فکر کنیم پیروزی نهائی را به دست آورده‌ایم. تا وقتی که این زخم متعفّن، این غدّه‌ی چرکین در دل سرزمینهای اسلامی و عربی به نام دولت غاصب اسرائیل وجود دارد، ما نمی‌توانیم احساس کنیم که پیروز شده‌ایم، نمی‌توانیم حضور دشمن خود را در کنارِ گوش خود، در سرزمینهای غصب شده و اشغالی خود ملاحظه کنیم.

آینده‌ی فلسطین

اما آینده چگونه است؟ اما آینده‌ی فلسطین و قدس چگونه است؟ من

در این باره به شما مقداری آگاهی بدهم تا ملت ایران بداند همچنانی که یک طلسم شکست‌ناپذیر را در این منطقه شکست، یعنی بزرگترین دژهای مستحکم را در منطقه‌ی خاورمیانه بلکه در سراسر آسیا توانست متلاشی کند، دژ بزرگ و نیرومند امپریالیست؛ یعنی حکومت جبّار و غاصب پهلوی را توانست در منطقه شکست بدهد، همچنین این طلسم دوم را که به صورت یک قدرت افسانه‌ای درآمده است، انقلاب ما خواهد شکست و از بین خواهد برد.

وعده‌ی الهی؛ شکست دوباره‌ی بنی اسرائیل

این را باید ما از وعده‌ی خدا بیاموزیم. خدای متعال در سوره‌ی بنی‌اسرائیل خطاب به بنی‌اسرائیل می‌کند «**لَتُفْسِدُنَّ فِی الْأَرْضِ مَرَّتَیْنِ وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوًّا کَبیرا**»[1] ای فرزندان اسرائیل! شما دو روز و دو بار در تاریخ فساد ایجاد می‌کنید و بزرگی در زمین به وجود می‌آورید و استعلاء و استکبار به خرج می‌دهید، اما در هر دو بار کسانی از بندگان خدا، از جنود پروردگار پیدا می‌شوند که شما را به سزای فساد و علوّ و استکبارتان برسانند و این قضیه‌ی همیشه زنده‌ی تاریخ است.

هر امتی که با صَلاح، با سلاح حقّ و حقیقت و عدالت‌طلبی حاضر شود راه طبیعی سنّتهای تاریخ را بپیماید، خدا به او کمک خواهد کرد، اما هر ملتی که فساد کند، بر مستضعفین طغیان کند، ارزشهای انسانی را ندیده بگیرد، آن ملت محکوم به فنا و نابودی است.

مسأله‌ی فلسطین یک مسأله‌ی انسانی؛ نه صرفاً عربی یا اسلامی

امروز در سطح دنیا چه می‌گذرد؟ امروز صهیونیستها در منطقه‌ی عربی مشغول به چه کار و چه عملی هستند؟ یک نگاه ساده به منطقه بیندازید برادران و خواهران مسلمانی که دلتان به یاد برادران فلسطینی می‌تپد، یک انسان آواره جلب ترحم هر انسان آزاده‌ای را می‌کند. امروز یک ملت، یک

۱. سوره‌ی إسراء، آیه‌ی۴

ملت به نام ملت فلسطین آواره است، از خانه‌ی خود آواره است، از وطن و کشور خود آواره است.

این کودکان محروم و مظلوم در زیر چادرها، در اردوگاهها متولد می‌شوند، با کمک دولتها و ملتهایی که به وظائف واقعی خود هم در قبال آنها عمل نمی‌کنند، مدّعیان، با کمک اینها این کودک بزرگ می‌شود. در زیر چادر سِلاح می‌آموزد، در زیر چادر درس می‌خواند، در اردوگاه زندگی می‌کند. یک ملت دو، سه میلیونی را از خانه، از کاشانه، از شهر، از معبد، از مسجد، از همه چیز خود و از زندگی خود محروم کردن، آنها را به کشورهای بیگانه راندن، این بزرگ‌ترین فاجعه‌ای است که در طول تاریخ بشر می‌توان سراغش را داشت. به این سبب است که ما معتقدیم مسأله‌ی فلسطین صرفاً یک مسأله‌ی عربی و حتّی صرفاً یک مسأله‌ی اسلامی نیست، یک مسأله‌ی انسانیِ بسیار بااهمیّت است.

جنایات صهیونیست‌ها؛ بی‌سابقه در دنیا

نوع فاشیسمی که امروز رهبران صهیونیستِ خائن و همین بگینِ خائن – که امروز در رأس دولت اسرائیل غاصب قرار گرفته است،– نوع فاشیسمی که این دولت فاشیست جنایتکار انجام می‌دهد و اِعمال می‌کند، در دنیا بی‌سابقه است. شما ببینید در دیریاسین چه کردند، در زندانهای اسرائیل چه کردند، جوانهای مسلمان را گرفتند در زندانها بردند، آنها را شکنجه کردند، حتّی با سرنگ خون جوانهای مسلمان را کشیدند و در بانک خون برای عناصر مزدور اسرائیلی آنها را ثبت کردند و ضبط کردند. شما ببینید با ثروتهای مردم فلسطین چه کردند، با مردان و زنان و جوانان آنها چه فاجعه‌ای را بروز دادند و انجام دادند، با دولتهای مسلمان چه کردند.

غده‌ی چرکین سرطانی به نام اسرائیل؛ مایه‌ی تفرقه‌ی دولتهای مسلمان

این غده‌ی چرکین سرطانی را امپریالیست‌ها، دشمنان بزرگ بشریّت در داخل وطن اسلامی و عربی ما کاشتند، امروز این غدّه رشد کرده است،

مایه‌ی تفرقه‌ی دولتهای مسلمان شده است. شما ببینید در میان این سران دولتهایی که نام اسلام بر خود نهاده‌اند هیچ کدام از اینها را، هیچ یک از اینها را شما نمی‌توانید نشان بدهید که توانسته باشند به وظائف اسلامی و انسانی و عربی خود به طور کامل در قبال مسأله‌ی فلسطین انجام وظیفه کرده باشند، چرا؟ زیرا آنها را سرگرم کرده‌اند به مسائل داخلی کشورهای عربی. این فاجعه‌آفرینی از کجا به وجود آمد؟ از وجود همین غدّه‌ی چرکینی که به نام اسرائیل نامیده می‌شود و در قلب سرزمینهای مسلمان‌نشین و عرب‌نشین این غدّه‌ی چرکین به وسیله‌ی دولتها و قدرتهای بزرگ به وجود آمده است.

شکست اسرائیل توسط مسلمانان؛ عامل خوشبختی آنان در دنیا

امروز ملت فلسطین به پا خاسته است و به هوش آمده است. همان خطابی که آن روز قرآن به بنی‌اسرائیل می‌کرد که در حال یک مبارزه‌ی بزرگ بر ضدّ طغیان بودند، امروز همین خطاب به مسلمانان فلسطینی و همه‌ی مسلمانان غیور است که «**إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَ إِنْ أَسَأْتُمْ فَلَها**»[1] اگر نیکوئی کنید، اگر مجاهدت در راه خدا کنید، اگر عمل به فرمان خدا کنید، اگر در راه مبارزه‌ی با دشمنانِ انسانیت و دشمنانِ دین و حقیقت، ای مسلمانان فلسطینی! ای مسلمانان عرب! و ای مسلمانان عالم! اگر به این وظائف عمل کنید این نیکی را در حق خود کرده‌اید.

آن روزی که در این منطقه یک قدرت عظیم اسلامی به وجود بیاید و این قدرت بتواند مشت محکمی به دهان قدرتهای بزرگ متجاوز شرقی و غربی وارد کند، دیگر ملتهای اسلامی روی استضعاف، روی مستمندی، روی فقر و گرسنگی را نخواهند دید. شما ببینید در کشورهای اسلامی از فقر، از بیسوادی و جهل چه خبر است. توی این سرزمینهای با این وسعت، چندین ده میلیون مسلمان در این منطقه زندگی می‌کنند، اما هیچ یک از لوازم یک زندگی انسانی و شرافتمندانه برای این مردم فراهم نیست، چرا اینجور است؟ زیرا که قدرتهای بزرگ، مصلحت خود را در آن دیده‌اند که برای این‌که

---

۱. سوره‌ی إسراء، آیه‌ی۷

بتوانند منافعشان را تأمین کنند، این ملت را، این ملتها را در زیر فشار، در زیر آتش اختلاف و نفاق همواره نگهدارند، آنها را به خودشان سرگرم کنند، آنها را به مسائل داخلی‌شان سرگرم کنند و نگذارند به یک وحدت عظیم جهانی نائل بیایند و عامل و پایگاه امپریالیسم در این منطقه اسرائیل خائن است.

جدابودن حساب صهیونیسم و یهود

صهیونیسم را ما به حساب یک مرام و یک مذهب نمی‌گذاریم، به حساب یهودی‌گری نمی‌گذاریم، بسیارند در دنیا یهودیان آزاده و پاک‌نهادی که از صهیونیسم بیزارند، این یک مسلک فاشیستی سیاسی متجاوز است که جز با ستم و ظلم و تصرّف سرزمینهای متعلّق به مسلمانان مستضعف و محروم امکان ادامه‌ی حیات ندارد.

وجوب شرعی کمک به مردم فلسطین

ما مردم ایران و مسلمانان انقلابی ایران، بعد از آنی که توانسته‌ایم نظر دنیای اسلام را به سوی خودمان جلب کنیم و توانسته‌ایم این مشت محکم را به دهان امپریالیزم امریکا وارد بیاوریم، حالا باید در این راه هم این قدم بزرگ را برداریم، ما باید به ملتهای عرب درس مبارزه‌ی در راه فلسطین و فداکاری برای فلسطین را بدهیم.

برای ما مسأله‌ی فلسطین همان‌طوری که گفتم یک مسأله‌ی انسانی و یک مسأله‌ی اسلامی است. مسأله‌ی انسانی است، برای خاطر این‌که یک مشت جنایتکار ضدّ بشر در این منطقه جمع شده‌اند و جز جنایت و جز تجاوز و جز سلطه‌گری هیچ کاری ندارند، جز توطئه‌چینی بر علیه ملتها و دولتهای انقلابی.

امروز هم به دشمنان ما دارند کمک می‌کنند، امروز هم دارند به آن کسانی که مرزهایشان با ما مشترک است و علیه ما توطئه می‌چینند، آنها دارند کمک می‌کنند، آنها پایگاه توطئه‌گری امریکایند علیه ایران و انقلاب ایران در این منطقه، به علاوه مسأله‌ی فلسطین، برادران و خواهران! برای ما یک مسأله‌ی

اسلامی است. اسلام بر ما لازم کرده است که ما از سرزمینهای مسلمان‌نشین دفاع کنیم. بر ما واجب کرده است که ما به حقوق مظلومان و ستمدیدگان و مستضعفان برسیم، برای ما لازم کرده است که ما به مال و به جان، از مردمی که سی‌سال است فریاد می‌کشند «یاللمسلمین»[1] و کسی به آنها جواب نمی‌دهد، به کمک اینها بشتابیم.

کوتاهی دولتهای مسلمان در مسأله‌ی فلسطین

ملت فلسطین سی سال است دارد می‌گوید «یاللمسلمین» کدام یک از این دولتهای عرب می‌توانند ادعا کنند که به «یاللمسلمین» برادران فلسطینی جواب دادند؟ هر کدام از این دولتهای عرب که آمدند سرکار، برای این‌که مردم خودشان را جذب کنند به طرف خودشان، شعار پشتیبانی از فلسطین دادند.

من به دولتهای شمال افریقا می‌گویم، به دولتهای خاورمیانه می‌گویم، به دولتهایی که در خط مرز اسرائیل غاصب قرار دارند می‌گویم و به دولتهایی که در خلیج فارس قرار دارند، کدام یک از اینها آنچنان که وظیفه‌ی یک دولت اسلامی است، به برادران فلسطین و به مسأله‌ی فلسطین کمک کردند؟ سی سال است ناله‌ی استغاثه‌ی چند میلیون انسان مسلمان محروم مستضعف، بلند است، کی باید به داد اینها برسد؟

مسأله‌ی فلسطین؛ اساسی‌ترین و مهم‌ترین و اصولی‌ترین مسائل انقلاب

رژیم غاصب و جبّار پهلوی حتی نمی‌گذاشت ما درباره‌ی مسأله‌ی فلسطین فکر کنیم، حتی نمی‌گذاشت از این مسأله سر در بیاوریم، نمی‌گذاشت احساس کنیم و مردم ما احساس کنند که مسأله‌ی فلسطین جزئی از مسأله‌ی ایران و جزئی از انقلاب ایران است. اما امروز امامِ این امت، بیدار و زنده است. امروز امام امت، به حق بر روی اساسی‌ترین و مهم‌ترین و اصولی‌ترین مسائل انقلاب ماَ انگشت گذاشته و امام امت بر روی مسأله‌ی قدس انگشت گذاشته

---

۱. ای مسلمانان! به فریاد ما برسید!

است و این اوّلین بار در تاریخ مبارزات عربی و اسلامی و فلسطینی است که یک روز به نام روز قدس معیّن شده است. دیشب شما روی پشت بامها رفتید و صدای تکبیر را بلند کردید، در سراسر کشورهای عربی و اسلامی آن کسانی که ندای شما را شنیده بودند و دعوت شما را دانسته بودند به ندای شما پاسخ گفتند و فریاد تکبیر در سراسر آسمانهای آفاق کشورهای اسلامی گوشهای ستمگران را کَر کرد، خواب مستکبران را برآشفت و این حرکت باید پیش برود و ملت ایران باید به جدّ، به راستی نه به تعارف، نه به زبان، باید جدّاً ملت ایران و دولت ایران و دستگاههای قانونگذاری و دستگاههای اجرائی برای روز قدس و برای مسألهی فلسطین باید تصمیم‌گیری کنند جهت کمک‌رسانی.

ممکن بودن محوکردن اسرائیل با ارده و عزم ملتها

مسألهی قدس و مسألهی فلسطین را جدّی بگیرید. بیت‌المقدس، این شهر باعظمتی که حرم امن پیامبران خدا بوده است، قبلهی نخستین مسلمانان بوده است، این در زیر سلطهی اشغالگران صُهیونی و در اختیار غاصبان ضدّ بشر است، باید آزاد بشود بیت‌المقدس. سرزمین فلسطین باید آزاد بشود، باید به مردم خودش برگردد، نگویند شما چطور می‌توانید از روی نقشهی جغرافیا یک کشور را بردارید، نگویند چگونه می‌توان یک دولتی را که سی سال است مورد حمایت ابرقدرتهاست از بین برد؛ ارادهی انسانها و عزم ناشی از ایمان، همهی مشکلها را آسان می‌کند، همهی معجزه‌ها را امکان‌پذیر می‌کند.

شما دیدید ملت ایران با دادن دهها هزار شهید، با پذیرش مجروحها مجروحین انقلاب ما این‌جا به عنوان نمونه و اسطوره مقابل چشم شما و مقابل چشم مهمانهایی هستند که برای روز قدس آمدند. ملت ایران صدهزار مجروح این‌جوری داده، ملت ایران هفتادهزار شهید داده، ملت ایران باز هم آماده اَست که شهید و مجروح بدهد. ملت ایران برای خاطر خدا و برای اقامهی نام خدا و برای احیاء اسلام، برای اقامهی یک دولت بزرگ اسلامی، یک قدرت عظیم اسلامی – که بینی امریکا و شوروی را به خاک بمالد و

ابرقدرتها را از این منطقه مأیوس کند – باز هم حاضر است فداکاری کند و باز هم حاضر است شهید بدهد.

انقلاب اسلامی ایران؛ الگوی همه‌ی انقلابهای اسلامی

انقلاب ایران، مادر همه‌ی انقلابهای اسلامی در سراسر این منطقه شده است و خواهد شد. بعد از پیروزی انقلاب شما، احساسات اسلامی و ایمانی در سراسر این منطقه به جوش آمده است. امروز جنبشهای آزادی‌بخش بر مبنای ایدئولوژی اسلام در منطقه این‌جا و آن‌جا به وجود آمده و آتشها شعله‌ور شده است، اما شما باید ادامه بدهید، ملت ایران باید بداند که این فرزندان به کمک او خواهند شتافت. ای مادرِ انقلابهای اسلامیِ جهان عرب و جهان اسلام! ای انقلاب اسلامی ایران! و ای ملت بزرگ مسلمان در ایران! و ای رهبر عظیم‌الشأن! بی‌گمان آن کسانی که زائیده‌ی این انقلابند؛ یعنی انقلابهای دیگری که در سراسر کشورهای مسلمان‌نشین به وقوع پیوسته است و به وجود آمده است و خواهد آمد، اینها به کمک انقلاب اسلامیِ ایران می‌آیند، اما انقلاب اسلامی ایران باید راه خود را ادامه بدهد. ما باید امریکا را مأیوس کنیم و دیدیم که می‌توانیم مأیوس کنیم.

وظیفه‌ی ما در برابر امپریالیزم امریکا و ملتهای مستضعف عرب

... امروز در مقابل ما دو عامل رو به روی یکدیگر قرار دارد، یک عامل امپریالیزم امریکاست که در منطقه در صورت دولت غاصب اسرائیل تجلّی و تجسّم پیدا کرده است، ما باید این دولت غاصب را – که مظهر سلطه و تجاوز امریکائی است – مورد فشار قرار بدهیم و هدف به نابودی آن بگماریم. عامل دیگر، در روبروی آن، و در مقابل آن ملتهای مستضعف عربند. این ملتهای مستضعف را ما باید برادران خود و هم‌جبهه‌گان خود بدانیم، باید اینها را دعوت کنیم به یک قیام عمومی و همگانی.

مَثَلِ ریگ و مَثَلِ سطل آب!

و من امروز به نام شما مردم تهران و به نام ملت ایران در این تریبون میلیونی عظیم، در این اجتماع میلیونی بزرگ در روز قدس به همه‌ی کسانی که به عنوان میهمانان عزیز ما در روز قدس به این جمعیت، به این کشور و به خانه‌ی خود، خانه‌ی اسلامی خود آمده‌اند اعلام می‌کنم؛ بروید سلام مسلمانان انقلابی ایران را به مردم کشورهای خود برسانید، تجربه‌ی ما و معجزه‌ی خدا درباره‌ی ما را به آنها بگوئید، آنها را وادار کنید که حرکت کنند، همچنانی که امام امت فرمودند یک میلیارد مسلمان، یک میلیارد انسان، نیروی عظیم و شگفت‌انگیزی است برای دنیای امروز، اگر هر کدامی یک ریگ، یک سطل آب، همان‌طوری که امام امت فرمودند[1] و همان‌طوری که در سال گذشته در مثل چنین روزی مرحوم آیت‌الله طالقانی رضوان‌الله‌علیه گفتند که هر کدام از ما اگر یک ریگ بیندازیم به طرف دولت اسرائیل، مسلّم این شیطان را زیرِ تلّ ریگها دفن خواهیم کرد.

ای ملت مسلمان! ای ملت بزرگ و قهرمان ایران! روز قدس روز شعار بزرگ انقلاب اسلامی ما و شماست و ما باید خودمان را آماده کنیم. من به شما امروز اعلام می‌کنم باید آمادگیهای نظامی و تسلیحات و تجهیزات رزمی خود را هر روز توسعه بدهید و کیفیت آن را بالا ببرید. ما در مقابل خود مسأله‌ی فلسطین را داریم، مسأله‌ی امپریالیزم امریکا را داریم، مسأله‌ی تجاوزها و توطئه‌ها را داریم.

---

۱. اشاره به فرمایش امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۲۴: «برای من یک مطلب به شکل معماست و آن این است که همه دوَل اسلامیّه و ملتهای اسلام می‌دانند که این درد چیست، می‌دانند که دستهای اجانب در بین است که اینها را متفرق از هم بکند، می‌بینند که با این تفرقه‌ها ضعف و نابودی نصیب آنها می‌شود، می‌بینند که یک دولت پوشالی اسرائیل در مقابل مسلمین ایستاده- که اگر مسلمین مجتمع بودند، هر کدام یک سطل آب به اسرائیل می‌ریختند او را سیل می‌برد- مع ذلک در مقابل او زبون هستند. معما این است که با اینکه اینها را می‌دانند، چرا با علاج قطعی، که آن اتحاد و اتفاق است روی نمی‌آورند؟ چرا توطئه‌هایی که استعمارگرها برای تضعیف آنها به کار می‌برند، آنها توطئه‌ها را خنثی نمی‌کنند؟» صحیفه امام، ج۹، ص۲۷۴

بخش اول:
کلیات

فصل اول
اهمیت مسأله‌ی فلسطین

مسأله‌ی فلسطین؛ مهمترین مسأله‌ی دنیای اسلام

مسأله‌ی فلسطین، مهمترین مسأله‌ی دنیای اسلام است. هیچ مسأله‌ی بین‌المللی‌ای در دنیای اسلام از این بالاتر نیست؛ چون تسلّط غاصبانِ سرزمین فلسطین و قدس بر این بخش از پیکر امّت اسلامی، منشأ بسیاری از ضعفها و دشواریها در دنیای اسلام است.[1]

غمگینی روح مقدّس پیغمبر(ص) در عوالم بالا از مسأله‌ی فلسطین

امروز یک زخم دردناک و عمیق در پیکر جامعه‌ی اسلامی است. آیه‌ای که تلاوت کردند، درباره‌ی نبیّ مکرّم اسلام می‌فرماید: «**عَزيزٌ عَلَيْهِ ما عَنِتُّمْ**»[2] رنج شما برای او سخت و دشوار است؛ «**حَريصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنينَ رَؤُفٌ رَحيمٌ**»[3]. امروز رنج دنیای اسلام – که برجسته‌ترین بخش آن، مسأله‌ی فلسطین است– قلب مقدّس پیغمبر را می‌آزارد؛ «**عَزيزٌ عَلَيْهِ ما عَنِتُّمْ**». با وضعی که امروز ملت فلسطین دارد، روح مقدّس پیغمبر در عوالم بالای آفرینش الهی مملو از غم

---

۱. بیانات در اجتماع بزرگ زائران حرم امام خمینی(ره) ۱۳۸۱/۰۳/۱۴
۲. سوره‌ی توبه، آیه‌ی۱۲۸
۳. همان

می‌شود. راه علاج چیست؟ تلاش و مجاهدت است.[1]

ببینید چطور استکبار با چنگ و دندان و با حالت خون‌خوارانه و بدون اندکی انسانیت و رحم ایستاده است، تا اگر بتواند، برای خواستهای استکباری خود، ملتهای اسلامی و آرزوهای آن‌ها را لگدمال کند. امروز این قضیه‌ی فلسطین، یکی از بزرگترین مسائل و مصایب دنیای اسلام است و در آینده نیز خواهد بود. مگر شوخی است که ملتی را از خانه و زندگی و کشور و سرزمین خود آواره کنند، غاصب مزدور خبیثی را آنجا بنشانند، همه‌گونه به او کمک کنند، همه‌ی جنایات او را صحه بگذارند، دستشان تا مرفق در خون مردم منطقه فروبرود، به این‌ها هم قانع نباشند، بخواهند از مسلمانان و از صاحبان خانه امضاء بگیرند که این خانه متعلق به آن غاصب است و صاحب‌خانه در آن حقی ندارد؟! می‌خواهند این کار را بکنند.[2]

مسأله‌ی فلسطین؛ فوری‌ترین مسأله‌ی جهان اسلام

برادران و خواهران عزیز در همه‌ی جهان اسلام! از تجربه‌ها درس بگیریم. امت بزرگ ما امروز به برکت بیداری اسلامی، دارای قدرت عظیمی است. کلید حل مشکلات فراوان کشورهای اسلامی، در دست همت و یکپارچگی این مجموعه‌ی شگرف است، و مسأله‌ی فلسطین، فوری‌ترین مسأله‌ی جهان اسلام است.[3]

مسأله‌ی فلسطین؛ مصیبت بزرگ جهان بشریت

مسأله‌ی فلسطین، یکی از مصایب بزرگ جهان بشریت کنونی است. هر کس که احساسی در مورد انسان و حقوق انسان دارد و دم از حمایت از انسانهای مظلوم می‌زند، باید در این قضیه صاحب داعیه باشد و این قضیه

---

۱. بیانات در جمع مسؤولان و کارگزاران در سالروز ولادت فرخنده‌ی نبی‌اکرم(ص) و امام جعفر صادق(ع) ۱۳۸۱/۰۳/۰۹

۲. سخنرانی در دیدار گروه کثیری از آزادگان، در اولین سالگرد آزادی و بازگشت به کشور ۱۳۷۰/۰۵/۲۸

۳. بیانات در چهارمین کنفرانس حمایت از ملت فلسطین ۱۳۸۷/۱۲/۱۴

را، قضیه‌ی خود بداند. شاید بشود گفت که قضیه و مصیبت فلسطین، جزو قضایای کم‌نظیر تاریخ است. تا آن‌جا که ما دانستیم و شناختیم، این‌طور حادثه‌یی با این عظمت نسبت به یک ملت، در طول تاریخ هم کم‌نظیر است.

شما هرچه از مصایب انسانی فرض کنید، در مصیبت و قضیه‌ی فلسطین جمع است؛ از قتل نفوس بی‌گناه، از آواره کردن انسانها و بی‌خانمان کردن آنها، از شکنجه و زجر و حبس و تبعید و از این قبیل، از اهانت به کرامت انسانی، از نابود کردن سرمایه‌های بشری یک عده انسان، از فشار و ظلم و اختناق و اجازه‌ی فعالیت ندادن به یک عده بشر. همه‌ی این مصایبی که اگر در گوشه‌یی از عالم برای جمعی از مردم اتفاق بیفتد، بشریت را جریحه‌دار و داغدار می‌کند، در قضیه‌ی فلسطین در طول چهل و پنج سال اخیر اتفاق افتاده است.

آن کسانی که دم از طرفداری از حقوق بشر می‌زنند، اگر راست می‌گویند، باید از حقوق ملت فلسطین سخن بگویند. شما کدام ملت را سراغ دارید که در این چهل و پنج سال اخیر، به قدر ملت فلسطین شکنجه دیده باشد، مصیبت کشیده باشد، عزیزانش را از دست داده باشد و حقوقش نادیده گرفته شده باشد؟ چه‌طور شد که اگر در گوشه‌یی از عالم، یکی از این مصایب برای عده‌یی انسان پیش بیاید، کسانی ادعا می‌کنند که دلسوز و غمخوار حقوق بشرند؛ سینه سپر می‌کنند، حرف می‌زنند و اقدام می‌کنند؛ اما مجموع این همه مصیبت را در مردم فلسطین نادیده می‌گیرند؟![1]

اهمیّت بیت‌المقدس، در کنار مسأله‌ی فلسطین

در کنار مسأله‌ی فلسطین، بیت‌المقدس نیز از اهمیت والایی برخوردار است. امروز توطئه‌های رنگارنگی برای غصب و بلعیدن این شهر مقدس و از بین بردن آثار اسلامی آن توسط صهیونیستها در جریان است، ولی این شهر

۱. سخنرانی در دیدار شرکت کنندگان در کنفرانس بین‌المللی حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین ۱۳۷۰/۰۷/۲۷

به همه‌ی مسلمانان تعلق دارد و همه‌ی قدس پایتخت همه‌ی فلسطین است و مسلمانان اجازه نخواهند داد نقشه‌های شوم دشمنان جامه‌ی عمل بپوشد و با آن مقابله خواهند کرد.[1]

مسأله‌ی فلسطین؛ مسأله‌ی اوّل جهان اسلام، به دو دلیل

امروز مسأله‌ی فلسطین، مسأله‌ی اوّل جهان اسلام است. امروز همه‌ی امّت اسلامی، بخصوص کشورهای نزدیکتر - مثل ملت و کشور ما - باید به این نکته توجّه کنند که هم صهیونیستهای حاکم بر فلسطین و غاصب فلسطین و هم پشتیبانان آنها، سعی می‌کنند ماجراهای داخل فلسطین را مسأله‌ی داخلی دولت غاصب اسرائیل وانمود کنند، که به‌هیچ‌وجه این‌گونه نیست. اگر در داخل فلسطین یک نفر هم قیام نمی‌کرد، به خاطر خود مسأله‌ی فلسطین، دنیای اسلام، خصم صهیونیستها و حامیانشان بود؛ حال که دیگر مردم فلسطین هم قیام کرده‌اند و خودشان آگاهانه وارد میدان شده‌اند.

فلسطین از دو نظر مسأله‌ی دنیای اسلام است: یکی از نظر این‌که فلسطین قطعه‌ای از خاک اسلامی است. در بین همه‌ی مذاهب رایج اسلامی، هیچ اختلافی نیست و فقها همه بر این اتّفاق دارند که اگر قطعه‌ای از خاک اسلامی به وسیله‌ی دشمنان اسلام جدا شد و حاکمیت دشمنان اسلام بر آن قطعه به‌وجود آمد، همه باید وظیفه‌ی خودشان را مجاهدت و تلاش برای برگرداندن آن قطعه به سرزمین اسلامی بدانند. لذا ملتهای مسلمان در هر جای دنیا که هستند، این را وظیفه‌ی خودشان می‌دانند. البته خیلیها نمی‌توانند اقدامی بکنند؛ اما هرکسی بتواند و هر طوری که بتواند، باید اقدام کند و اقدام می‌کند. برای همین هم هست که شما ملاحظه می‌کنید همه‌ی دنیای اسلام از روز قدسی که امام بزرگوار در جمعه‌ی آخر ماه رمضانِ هر سال معیّن کردند - که جمعه‌ی آینده است - استقبال می‌کنند و شما امسال خواهید دید که به فضل الهی و با توفیق پروردگار، روز قدس از هر سال، پُرشورتر و کوبنده‌تر در همه‌ی دنیای اسلام برگزار خواهد شد.

۱. پیام به مناسبت روز قدس ۱۳۷۹/۰۹/۲۹

جهت دوم این است که اساساً تشکیل دولت یهودی - یا به تعبیر درست‌تر، دولت صهیونیست - در این نقطه از دنیای اسلام، با یک هدفِ بلند مدتِ استکباری به وجود آمد. اصلاً به وجود آوردن این دولت در این نقطه‌ی حسّاس که تقریباً قلب دنیای اسلام است - یعنی قسمت غرب اسلامی را که آفریقاست، به قسمت شرق اسلامی که همین خاورمیانه و آسیا و مشرق است، متّصل می‌کند و یک سه راهی است بین آسیا و آفریقا و اروپا - برای خاطر این بود که در بلند مدت، تداوم سلطه‌ی استعمارگرانِ آن روز - که در رأسشان دولت انگلیس بود - بر دنیای اسلام باقی بماند و این‌طور نباشد که اگر یک وقت دولت اسلامیِ مقتدری - مثل دورانهایی از حکومت عثمانی - به وجود آمد، بتواند جلوِ نفوذ استعمارگران و انگلیس و فرانسه و دیگران را در این منطقه بگیرد. لذا یک پایگاه برای خودشان درست کردند. بنابراین طبق اسناد تاریخی، تشکیل حکومت صهیونیستی در آن‌جا، بیش از آنچه که آرزوی مردم یهود باشد، یک خواست استعماری دولت انگلیس بود. شواهدی وجود دارد که در همان زمان بسیاری از یهودیها اعتقادشان این بود که احتیاجی به این دولت نیست؛ این دولت به نفعشان نیست؛ لذا گریزان بودند. بنابراین، این یک آرزو و ایده‌ی یهودی نبود؛ بیشتر یک ایده‌ی استعماری و یک ایده‌ی انگلیسی بود. البته بعد که به وسیله‌ی امریکا گوی سیاست دنیا و گوی استکبار از دست انگلیس ربوده شد، این هم جزو همان ابواب جمع مواریث استعماری بود که به امریکا رسید و امریکاییها حداکثر استفاده را کردند و الان هم استفاده می‌کنند. بنابراین نجات فلسطین و محو دولت غاصب صهیونیستی، مسأله‌ای است که با مصالح ملتهای این منطقه - از جمله با مصالح کشور عزیز ما ایران - سرو کار دارد. کسانی که از روز اوّلِ انقلاب، یکی از برنامه‌ها را مقابله و معارضه با نفوذ و اقتدار صهیونیستها قرار دادند، با محاسبه این کار را کردند. این برنامه، طبق مصالح کشور و مصالح عمومی جمهوری اسلامی و مردم ایران انتخاب شده است. در کشورهای دیگر نیز همین‌طور است. همه‌ی روشنفکران کشورهای اسلامی، همه‌ی سیاستمداران آزاداندیش، همه‌ی آنهایی که دستشان در حنای استکباریِ امریکا رنگ نگرفته است، معتقدند که باید با اسرائیل مقابله کرد؛

یعنی این را جزو مصالح کشورشان می‌دانند.[1]

مسأله‌ی فلسطین؛ مهمترین مسأله‌ی جهان اسلام

می‌توان گفت که این جلسه، مهمترین مسأله‌ی جهان اسلام را در دستور کار خود قرار داده است. تحقیقاً امروز در زندگی مسلمین و در آفاق اسلامی، هیچ مسأله‌یی به اهمیت و خطورت مسأله‌ی فلسطین نیست. بیش از چهل سال است که بتدریج مسلمین را با غصب بخشی از خانه‌ی خودشان عادت داده‌اند. فقط غصب خانه‌ی مسلمین نیست؛ بلکه قضیه بالاتر از این است. مسأله این است که دشمنان جهانی اسلام، بخشی از خانه‌ی مسلمین را برای حمله به صفوف مسلمین و برای مبارزه با خواسته‌ها و حرکات آنها، سنگر قرار داده‌اند.

متأسفانه در دنیای اسلام، آن کسانی که امکانات در دستشان بوده و می‌توانستند درباره‌ی این مسأله تصمیمهای مؤثری بگیرند، آن را در زاویه‌ی فراموشی – ولو نه به لفظ، اما در باطن امر – قرار دادند. ما اگر به خود بیاییم، خواهیم دید که این بزرگترین بلایی است که در دوره‌های اخیر، بر مسلمین نازل شده است.[2]

بیت‌المقدّس، محور اصلی

محور اصلی انتفاضه‌ی اقصی، بیت‌المقدّس است. یعنی جرّقه‌ای که به انفجار خشم مردم فلسطین انجامید، اسائه‌ی ادب صهیونیستها به مسجدالاقصی بود. مردم فلسطین با دریافت رسالت خطیری که در حراست از یکی از مقدّس‌ترین مکانهای مذهبی مسلمانان بر دوش دارند، به صحنه آمدند و با ایثار و فداکاری، شعله‌ی مقدّس مقاومت و مبارزه علیه اشغالگران صهیونیست را برافروختند.[3]

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۹/۰۹/۲۵

۲. سخنرانی در دیدار شرکت‌کنندگان در اولین کنفرانس اسلامی فلسطین ۱۳۶۹/۰۹/۱۳

۳. سخنرانی در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین۰۴/ ۰۲/ ۱۳۸۰

مسأله‌ی فلسطین؛ محور اصلی خیزش اسلامی

خیزش اسلامی و یا به تعبیر دیگر جنبش بیداری اسلامی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و ظهور حرکت امام خمینی رضی‌الله‌عنه در دو دهه‌ی اخیر، با قدرتِ تمام در صحنه‌ی منطقه و جهان اسلام ظاهر شده است. امروز محور اصلی این جنبش و حرکت، مسأله‌ی فلسطین است. انتفاضه‌ی اقصی توانست حتّی در خارج از مرزهای جغرافیایی فلسطین و برون از ملت فلسطین، عموم ملتهای مسلمان و عرب را به صحنه بکشاند. تظاهرات میلیونی ملتهای مسلمان – از غرب تا شرق جهان اسلام – نشان داد که مردم فلسطین می‌توانند بر روی حمایتهای آنان حساب کنند و درعین‌حال نقش قابل توجّهی در ایجاد وحدت مسلمانان ایفا نمایند.

روزی که مقاومت اسلامی در لبنان به همّت دلاورمردان لبنانی و با توصیه و حمایت امام راحل شکل گرفت، اسرائیل، بیروت – یعنی پایتخت لبنان – را در اشغال خود داشت و بر مقدّرات سیاسی این کشور چنگ انداخته بود. آن روز وقتی مقاومت اسلامی شعار «زحفاً زحفاً نحوالقدس»[1] را سر داد، گروهی از بی‌خبران، آنان را ساده‌اندیش خواندند و به طعنه سؤال کردند: آیا می‌شود به سوی قدس حرکت کرد، حال آن‌که شما لبنانیها از ورود به پایتخت کشور خود ناتوان هستید؟ از آن تاریخ تا پیروزی تاریخی مقاومت اسلامی بر اسرائیل، فقط هجده سال به درازا کشید. تصدیق می‌فرمایید که هجده سال، در تاریخ مبارزات ملتها زمان زیادی نیست.[2]

مسأله‌ی فلسطین؛ مهم‌ترین مسأله‌ی بشریت امروز

مهمترین مسأله‌ی امروز، مسأله‌ی فلسطین است که در نیم‌قرن اخیر همواره مهمترین مسأله‌ی جهان اسلام و شاید مهمترین مسأله‌ی بشریت بوده است. این‌جا سخن از محنت و آوارگی و مظلومیت یک ملت است؛ سخن از غصب یک کشور است؛ سخن از ایجاد غده‌یی سرطانی در قلب

۱. پیش به سوی قدس
۲. سخنرانی در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین ۱۳۸۰/۰۲/۰۴

کشورهای اسلامی و در نقطه‌ی التقای شرق و غرب جهان اسلام به یکدیگر است؛ این‌جا سخن از ظلم مستمری است که اکنون دو نسل پی‌درپی از ملت مسلمان فلسطین را فرا گرفته است. امروزه که قیام خونین اسلامی متکی به توده‌های مردم در سرزمین فلسطین، خطر واقعی و جدی را به اشغالگران بی‌وجدان و بیگانه از انسانیت و بی‌محابا از جنایت گوشزد می‌کند، شیوه‌های دشمن از همیشه پیچیده‌تر و هشداردهنده‌تر است و مسلمین در سراسر جهان باید مسأله را از همیشه جدیتر بگیرند و برای آن فکری و کاری بکنند.... و این است خبر تازه‌ی امروز.[۱]

هدف از بحث درباره‌ی فسطین: آزادی آن

در مسأله‌ی فلسطین، آنچه که هدف است، استنقاذ فلسطین است؛ یعنی محو دولت اسرائیل. فرقی بین سرزمینهای قبل از سال ۶۷ و بعد از آن نیست. هر یک وجب از خاک فلسطین، یک وجب از خانه‌ی مسلمین است. هر حاکمیتی غیر از حاکمیت مردم فلسطین و حاکمیت مسلمین بر کشور فلسطین، حاکمیت غاصب است. حرف، همانی است که امام راحل عظیم الشأن فرمود: «اسرائیل بایستی محو بشود». یهودیهای فلسطین، اگر دولت اسلامی را قبول می‌کنند، در آن‌جا زندگی کنند. بحث، بحث یهودی‌ستیزی نیست. مسأله، مسأله‌ی غصب خانه‌ی مسلمین است. رؤسا و زعمای مسلمین، اگر تحت تأثیر قدرتهای جهانی قرار نداشتند، می‌توانستند این مهم را انجام بدهند؛ ولی متأسفانه نکردند.[۲]

فلسطین؛ پاره‌ی تن اسلام

البته آنها از اوضاع این سه هفته‌ی فلسطین اشغالی، از قیام جوانان، از شجاعت مردان و زنان، از عزم و اراده‌ی والای آن مردم مظلوم و خشمگین، به‌شدّت عصبانیند و مرتّب می‌خواهند گناه را به گردن این و آن بیندازند.

---

۱. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۳۷۰/۰۳/۲۶

۲. سخنرانی در دیدار شرکت‌کنندگان در اولین کنفرانس اسلامی فلسطین ۱۳۶۹/۰۹/۱۳

نه آقا! عامل قیام فلسطین جمهوری اسلامی نیست؛ عامل قیام فلسطین، مردم لبنان نیستند؛ عامل قیام فلسطین خود فلسطینیها هستند؛ عامل قیام و انتفاضه‌ی فلسطینی، رنجها و غمهای متراکم شده در وجود این نسل جوانی است که امروز با امید و نشاط به میدان آمده است. ما البته آنها را تحسین می‌کنیم؛ ما آنها را از خودمان می‌دانیم؛ ما فلسطین را پاره‌ی تن اسلام می‌دانیم و با ملت فلسطین، با جوانان فلسطین احساس برادری و همخونی می‌کنیم؛ اما آنها هستند که انتفاضه را راه می‌برند.[1]

حل نشدن مسأله‌ی فلسطین

آنها اشتباه کردند که خیال کردند ملت فلسطین و کشور فلسطین تمام شد. فلسطین باقی مانده است؛ ملت فلسطین باقی مانده است. در کنار وجود ملت فلسطین، یک غصب بزرگ هم وجود دارد. عدّه‌ای را از اطراف دنیا جمع کردند، یک ملت جعلی و دروغین تشکیل دادند، اسمی هم روی آن گذاشته‌اند، با ابزارهای قدرت هم آن را مجهّز کرده‌اند؛ این در کنار واقعیت ملت فلسطین، امروز خودنمایی می‌کند؛ این حقیقت را نسل فلسطینی، امروز با همه‌ی وجودشان درک کرده‌اند؛ اوّلین قدم معرفت است؛ این معرفت را پیدا کرده‌اند و فهمیده‌اند که آن موجود جعلی، با همه‌ی پشتیبانیهای جهانی، غیرقابل شکست نیست؛ درست هم فهمیده‌اند؛ لذا وارد میدان شده‌اند.

مسأله‌ی مهم این دوران، مسأله‌ی فلسطین

مسأله‌یِ مهم این دوران، مسأله‌ی فلسطین است که انتفاضه‌ی بزرگ فلسطین و بیتَ‌المقدّس همچنان ادامه دارد. کسانی که گمان می‌کردند می‌توانند با اِعمال زور و فشار، ملت فلسطین را از مطالبه‌ی حقِ مسلّم خودش منصرف کنند، اشتباه کرده بودند؛ نتوانستند و نخواهند توانستِ ملتَ فلسطین را از ادامه‌ی این راه برگردانند. ممکن است با سرکوب و فشار و

---

۱. سخنرانی در اجتماع بزرگ بسیجیان شرکت کننده در اردوی فرهنگی، رزمی یاران امام علی(ع) ۱۳۷۹/۰۷/۲۹

ارعاب، چند صباحی این نسل را به سکوت تحمیلی و اجباری وادار کنند؛ اما این خوابِ خوشِ بی‌تعبیری است که صهیونیستها گمان کرده‌اند خواهند توانست از این پس به‌راحتی بر سرزمین غصب‌شده‌ی فلسطین حکومت کنند.[1]

ارتباط فلسطین به سرنوشت غیر فلسطینیها

این وضع فلسطین است. مسأله‌ی فلسطین، شوخی و سرسری نیست. امروز اساسی‌ترین مسأله‌ی دنیای اسلام است و به سرنوشت غیر فلسطینیها در سرتاسر دنیای اسلام بستگی دارد. مسؤولان کشورهای اسلامی خیال نکنند که اگر مردم فلسطین را در چنگال خونریز دشمنانشان رها کردند، اسرائیل پس از بلعیدن و هضم کردن آنها - که البته چنین چیزی هرگز پیش نخواهد آمد - دولتهای مسلمان را راحت خواهد گذاشت.[2]

حج می‌تواند دنیای اسلام را متوجّه مسؤولیت سنگین خود کند. حج می‌تواند این معرفت را به ملتهای اسلامی بدهد که حضور در صحنه و داشتن موضع قاطع در این قضیه، با منافع خود آنها پیوستگی دارد. بعضی خیال می‌کنند حمایت از مردم فلسطین، خارج از منافع ملی کشورهاست. این اشتباه بسیار بزرگی است. وقتی یک ملت مسلمان به ملتهای دیگر متّکی نباشد و از طرف آنها حمایت نشود، این‌گونه راحت در معرض تطاول دشمن قرار می‌گیرد. اگر دنیای اسلام متحّد بود، یک ملت این‌طور مظلوم نمی‌شد. این قضیه ممکن است برای ملتهای مسلمان دیگر هم پیش بیاید؛ کمااین‌که دیدید در مواردی برای ملتها پیش آمده است. همبستگی اسلامی، برای دشمنان جهان اسلام و دشمنان ملتهای این منطقه و غارتگران بین‌المللی، کار را مشکل می‌کند و اجازه نمی‌دهد آنها طبق میل خود، هرطور خواستند و انتخاب کردند و مصلحت دیدند، به یک کشور و ملت اسلامی تعرّض کنند. پس حمایت عمومی دنیای اسلام از ملت فلسطین، در حقیقت حمایت

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۷۹/۱۰/۰۷
۲. بیانات در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی به مناسبت عید سعید فطر ۱۳۸۰/۰۹/۲۵

دنیای اسلام از یک یک کشورهای مسلمان است؛ این ضامن و حامل منفعت همه‌ی آنهاست؛ این چیز کمی نیست. حج، این معرفت و وحدت و عزم و تصمیم را به آنها می‌دهد. بنابراین مسأله‌ی حج و استفاده از همه ظرفیتهای این واجب عظیم الهی، برای بهبود حال مسلمین جهان و همه کشورهای اسلامی، بسیار مهم است. هرچه بتوان در این زمینه، کار و تلاش و خدمت کرد، باارزش است.[۱]

جنگ با فلسطین، در واقع جنگ با موجودیت اسلام

امروز شما ملاحظه کنید؛ به‌وضوح می‌شود دید که جنگ همه‌جانبه‌ی بزرگی را علیه همه‌ی امت اسلام، و نه قسمتی از آن، راه انداخته‌اند. این جنگ هم ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و امنیتی دارد و هم ابزار عظیم تبلیغاتی امروز را در اختیار دارد. آنچه شما امروز در فلسطین یا در عراق یا در افغانستان مشاهده می‌کنید، فقط جنگ علیه یک ملت نیست و اگر با فلسطین می‌جنگند، در واقع با موجودیت اسلام در این منطقه می‌جنگند. اگر رژیم صهیونیستی را با همه‌ی وجود می‌خواهند تأیید و تقویت کنند، برای این است که می‌خواهند یکپارچگی دنیای اسلام و قدرت آن را با مانع بزرگی مواجه کنند. یکی از دالانهای فتح دنیای اسلام، فتح فلسطین است و یکی از دالانهای آن نیز حالا عراق شده است؛ می‌خواهند دنیای اسلام را قبضه کنند.[۲]

عدم فراموشی فلسطین از خاطر مسلمانان

مسأله‌ی فلسطین و قدس شریف جزو مسائلی نیست که دنیای اسلام بتواند آن را از یاد ببرد. اگر روزی غاصبان سرزمین فلسطین و حامیان

---

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار کارگزاران حج و مسؤولان برگزارکننده‌ی مراسم دهه‌ی فجر۱۳۸۰/۱۱/۰۳

۲. بیانات در دیدار قاریان شرکت کننده در بیست‌ویکمین دوره‌ی مسابقات بین‌المللی قرآن کریم ۱۳۸۳/۰۶/۲۶

بین‌المللی‌شان گمان می‌کردند که می‌توانند نام فلسطین و ملت فلسطین را به دست فراموشی بسپارند، آن روز دیگر سپری شده است. امروز ملت فلسطین با همه‌ی وجود خود، با همه‌ی همت خود در عرصه‌ی مقاومت ایستاده است و همین موجب شده است که غاصبان قدس، موقعیت عظیم و خطیر فلسطین را بیش از پنجاه سال قبل حس کنند. آن روز آنها تصور می‌کردند که فلسطین یک نقطه‌ی از یاد رفته و فراموش شده است؛ فلسطین را سرزمین بی‌مردم نام می‌گذاشتند. البته برخی از کوتاهی‌ها هم به این توهم باطل کمک کرده بود. امروز این‌طور نیست؛ امروز ملت فلسطین ایستاده است و ملتهای مسلمان هم دلشان سرشار از غیرت و حمیت اسلامی نسبت به سرزمین شریف قدس و سرتاسر کشور فلسطین است و دنیای اسلام نباید فلسطین را هرگز از یاد ببرد.[1]

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی به مناسبت عید سعید فطر ۱۳۸۴/۰۸/۱۳

فصل دوم
جمهوری اسلامی و مسأله‌ی فلسطین

مسأله‌ی فلسطین در جمهوری اسلامی؛ مسأله‌ی عقیده، نه یک استراتژی سیاسی

ما در جمهوری اسلامی مسأله‌ی فلسطین برایمان یک مسأله‌ی تاکتیکی نیست، یک استراتژی سیاسی هم نیست، مسأله‌ی عقیده است، مسأله‌ی دل است، مسأله‌ی ایمان است. لذاست که بین ما و بین مردممان در این زمینه هیچ گونه فاصله‌ای وجود ندارد؛ همان قدر که ما برای مسأله‌ی فلسطین اهتمام قائلیم، مردم ما هم – آنهائی که میدانند مسأله‌ی فلسطین چیست که اکثریت عظیم ملت ما، بلکه قاطبه‌ی ملت ما هستند – همان انگیزه را دارند. و شما مشاهده میکنید در روز قدس و در جمعه‌ی آخر ماه رمضانِ هر سال، که امام آن را به عنوان روز قدس معین کردند، مردم می‌آیند در شهرهای بزرگ، در شهرهای کوچک، حتّی در روستاها، مثل راهپیمائی ۲۲ بهمن – ۲۲ بهمن یادآور و سالگرد پیروزی انقلاب ماست که یک مسأله‌ی مربوط به خود ملت و داخل کشور است – همان احساسات را به خرج میدهند؛ همان حضوری را نشان میدهند که در روز ۲۲ بهمن نشان میدهند. در روز قدس هم مردم در همه‌ی شهرهای کشور، در همه‌ی شهرهای بزرگ و کوچک و روستاها،

می‌آیند در خیابانها؛ هوا گرم باشد، هوا سرد باشد؛ و حضور خودشان و انگیزه‌ی خودشان را نشان میدهند.[1]

این موضعگیریها، این تحلیلها و این نگاه، ناشی از چیست؟ اگر بنده و نظام جمهوری اسلامی و دستگاههای تصمیم‌گیر در جمهوری اسلامی، این مواضع را اتّخاذ و اعلان می‌کنند، ناشی از چیست؟ ناشی از یک رؤیت سیاسی صرف است؟ نه. این ناشی از نگاه دین است.[2]

میگویند چرا ایران از مردم بحرین پشتیبانی میکند. خب، ما از همه پشتیبانی کردیم. ما سی و دو سال است که از مردم فلسطین داریم پشتیبانی میکنیم؛ کدامیک از کشورها، دولتها و ملتها در این سی و دو سال این پشتیبانی را کردند؟ مگر ملت فلسطین شیعه‌اند؟ در مورد غزه مردم ما چقدر تلاش کردند. جوانهای ما رفتند فرودگاه که راه بیفتند بروند غزه! عازم بودند بروند غزه، علیه اسرائیل بجنگند. خیال میکردند راه باز است. راه بسته بود، نمیشد بروند. ما گفتیم نروید. جلوشان را گرفتیم که وسط راه سرگردان نشوند؛ راه نمیدادند که. مردم ما نسبت به غزه، نسبت به فلسطین، نسبت به مصر، نسبت به تونس، همه جا ابراز احساسات کردند؛ آنها که شیعه نبودند. بنابراین بحث شیعه و سنی نیست. بدخواهانه و بددلانه سعی میکنند مسأله‌ی بحرین را به عنوان یک مسأله‌ی شیعه و سنی وانمود و قلمداد کنند.[3]

حمایت از ملتهای مظلوم بویژه ملت فلسطین، جزو سیاستهای کلی نظام

۳۹ـ اعتلای شأن، موقعیت، اقتدار و نقش جمهوری اسلامی ایران در منطقه و نظام بین‌الملل به‌منظور تحکیم امنیت ملی و پیشبرد منافع ملی با تأکید بر:

---

۱. دیدار رهبران گروه‌های جهادی فلسطینی شرکت کننده در افتتاحیه‌ی همایش غزه ۱۳۸۸/۱۲/۰۸

۲. بیانات در دیدار گروه کثیری از جوانان استان اردبیل ۱۳۷۹/۰۵/۰۵

۳. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۰۱/ ۰۱/ ۱۳۹۰

..... ۶ـ ۳۹ـ حمایت از مسلمانان و ملتهای مظلوم و مستضعف بویژه ملت فلسطین.[۱]

ناقص بودن پیروزی ایران بدون نابودی اسرائیل

ما علاج مسأله‌ی فلسطین را در راه‌حلهای دیکته‌شده‌ی ابرقدرتها نمی‌دانیم؛ علاج زخم فلسطین، فقط قلع غده‌ی سرطانی حکومت صهیونیستی است، و این کاملاً ممکن است. مسلمانان در حج باید به این مسأله اندیشیده، برای آن متعهد شده و هماهنگ شعار و عمل را در راه آن به کار برند. ملت ایران مانند همیشه خود را در کنار مبارزان فلسطینی می‌داند و بدون پیروزی در قضیه‌ی فلسطین، پیروزی خود را ناقص می‌شمرد.

امام راحل عظیم، از نخستین روزهای شروع مبارزه در ایران، مسأله‌ی فلسطین را در صدر مطالب خود قرار داد و در طول مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، آن را تعقیب کرد و پس از ارتحال ملکوتیش نیز با زبان وصیت‌نامه‌ی سیاسی، الهی‌اش با ما و همه‌ی مسلمانان عالم، درباره‌ی آن حرف زد. این واجب، تخلف‌ناپذیر است. شما حاجیان نیز دارای همین وظیفه‌اید، و اگر همه به وظیفه عمل کنیم، زخم عمیق پیکر اسلام بهبود خواهد یافت –ان‌شاءالله – و خدا با ماست.[۲]

مشخصه‌ی «خط امام»؛ توجه ویژه به مبارزه با رژیم اشغالگر قدس

من رؤوس مطالبی را در خصوصیات این خط و این جهتگیری – که ما به آن «خط امام» می‌گوییم و مشخصه‌ی حرکت نظام جمهوری اسلامی در ده سال حیات با برکت امام بوده است – عرض می‌کنم: خط امام، یعنی آن مسلک و سلوک حکومتی امام امت. یعنی چیزی که تفسیرکننده‌ی نظام جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی، می‌تواند با جهتگیریهای مختلفی تحقق یابد. آنچه که این جهتگیریها را به صواب نزدیک می‌کند و مورد قبول

۱. ابلاغ سیاستهای کلی برنامه‌ی پنجم توسعه توسط رهبر معظم انقلاب ۱۳۸۷/۱۰/۲۱
۲. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۳۶۸/۰۴/۱۴

و اعتقاد امام رضوان‌الله‌تعالی‌علیه بوده است، اینهاست:

...هشتم، توجه ویژه به مبارزه با رژیم اشغالگر قدس و رژیم غاصب صهیونیستی بود. مبارزه با اسرائیل، جایگاه خاصی در منطق امام – در راه و رسم حکومتی – داشت. از اموری که در نظر امام امت به‌هیچ‌وجه برای ملتهای مسلمان قابل اغماض نبود، مبارزه‌ی با صهیونیستها بود؛ چون امام بزرگوار، نقش ویرانگر و مخرب این رژیم تحمیلی را از سالها پیش از پیروزی انقلاب، به درستی تشخیص داده بودند.

.... ما با ظلم و استکبار و فشار بر ملتها، مخالفیم. با تحمیل و زورگویی ابرقدرتها مخالفیم و در مقابل آن می‌ایستیم. ما در مقابل سازش با اسرائیل می‌ایستیم. ما از ملت مظلوم فلسطین، با همه‌ی امکان، دفاع می‌کنیم.از ملت لبنان که زیر فشار صهیونیستهاست، دفاع می‌کنیم. ما از اسلام، از اسلام بیدار شده و ملتهای به هویت اسلامی برگشته، در هر جای دنیا باشند، دفاع و حمایت می‌کنیم. امروز پس از آن‌که ابرقدرت شرق، متلاشی شده و از بین رفته، امریکا یک ابرقدرت بی‌رقیب در دنیاست که دچار غرور شده است. دچار این اشتباه بزرگ، که خواهد توانست دنیا را طبق میل خود و اراده‌ی خود، اداره کند و بچرخاند. نظام و ترتیبات نوینی که اینها برای دنیا پیشنهاد می‌کنند، بر این اساس است؛ بر اساس محور بودن امریکا؛ و بعد از امریکا، قدرتهای دیگری که در درجه‌ی بعد قرار دارند و تسلط اینها بر همه‌ی عالم؛ بر همه‌ی کشورها؛ بر همه‌ی ملتها؛ بر همه‌ی منابع مهم جهان و بر همه‌ی آبراه‌های حساس عالم. به تصور اینها، سرنوشت دنیا در اختیار خودشان است! امروز قدرتهای مسلطی که دیگر در مقابلشان بلوک شرق و شوروی سابق را ندارند، احساس می‌کنند که باید دنیا و سیاست عالم، یکپارچه، در اختیار آنها قرار گیرد و هر چیز که در این راه، مانعی محسوب شود، با آن به مبارزه برخیزند.[1]

۱. بیانات در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام(ره) ۱۳۷۱/۰۳/۱۴

جهانی بودن نهضت امام

یک نقطه‌ی دیگر از نقاط روشن خط امام، جهانی بودن نهضت است. امام نهضت را جهانی میدانست و این انقلاب را متعلق به همه‌ی ملتهای مسلمان، بلکه غیر مسلمان معرفی میکرد. امام از این ابائی نداشت. این غیر از دخالت در امور کشورهاست، که ما نمیکنیم؛ این غیر از صادر کردن انقلاب به سبک استعمارگران دیروز است، که ما این کار را نمیکنیم، اهلش نیستیم؛ این معنایش این است که بوی خوش این پدیده‌ی رحمانی باید در دنیا پراکنده شود، ملتها بفهمند که وظیفه‌شان چیست، ملتهای مسلمان بدانند که هویتشان چگونه است و کجاست. یک نمونه‌ی این نگاه جهانی، موضعگیری امام در باب فلسطین است. امام صریحاً فرمود: اسرائیل یک غده‌ی سرطانی است. خوب، غده‌ی سرطانی را چه کار میکنند؟ غیر از قطع غده، چه علاجی میتوان برای آن کرد؟ امام ملاحظه‌ی کسی را نکرد. منطق امام این بود. این حرف شعاری نیست؛ این منطقی است.[1]

امیدآفرینی انقلاب برای فلسطینیها

این انقلاب در دنیای اسلام و دنیای عرب، امیدها را زنده کرد. وقتی انقلاب ما پیروز شد، به‌طور کلّی دنیای عرب و دنیای اسلام در یک حال رکود و سکوت و نومیدی به‌سر می‌برد؛ صهیونیستها کار خودشان را پیش برده و همه را ترسانده بودند و هیچ ملتی گمان نمی‌کرد در امیدی برایش باز باشد. ناگهان دروازه‌ی عظیم فَرَج گشوده شد و ملتها امید پیدا کردند. صهیونیستها خیال می‌کردند فلسطین را خورده‌اند و تمام شده است. شما ببینید امروز ملت فلسطین با همه‌ی وجود و با همه‌ی توان وسط میدان آمده است و با این‌که فشار زیادی هم روی او وارد می‌کنند، باز ایستاده است. این فقط شکست اسرائیل نیست؛ این شکست امریکاست؛ این شکست همه‌ی قدرتهای صهیونیستی است که بر دنیا مسلّطند. یک ملت بی‌سلاح محصور در اراضی فلسطین، همه‌ی اینها را عاجز و بیچاره کرده است. این روح

---

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی(ره) در بیست و یکمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۸۹/۰۳/۱۴

امیدواری بود که ملت لبنان را بیدار کرد. همان ایام انقلاب ما، لبنان غوغایی بود؛ صهیونیستها هر کاری می‌خواستند، با لبنان می‌کردند: حمله می‌کردند، می‌کشتند، تجاوز می‌کردند و هواپیماهایشان در آسمان لبنان می‌آمدند و می‌رفتند؛ مثل این‌که آسمان کشور خودشان است! در عوض، گروههای لبنانی به جان هم افتاده بودند. نزدیک پیروزی انقلاب، یک نوار دو ساعته از مرحوم دکتر «چمران» آورده بودند؛ بنده در مشهد آن را گوش می‌کردم. خودش در لبنان بود و جزئیات مصیبتهای مردم لبنان را در آن‌جا شرح می‌داد. الان کار مردم لبنان به جایی رسیده است که به اسرائیل ضربه‌ای می‌زنند که از اوّل حضور صهیونیستها در این منطقه، هیچ دولت عربی چنین ضربه‌ای به آنها نزده است. دو سال قبل، آنها را وادار به عقب‌نشینی کردند؛ چند هفته‌ی پیش هم علی‌رغم صهیونیستها چند صد زندانیِ خود را آزاد کردند و قدرتمندانه جشن گرفتند. اگر در دل ملتی امید نباشد، این چیزها پیش نمی‌آید؛ این امید را شما دادید. امروز این امیدآفرینی در همه‌ی دنیای اسلام و عرب به چشم می‌خورد.[1]

موضع ما

مگر مسأله‌ی فلسطین و غصب این سرزمین اسلامی از نیم قرن پیش تا امروز عوض شده است؟ مگر حقایق تاریخی و جغرافیایی قابل عوض شدن است؟ فلسطین، فلسطین است؛ سرزمینی است اسلامی، متعلق به ملت و مردم خود. دشمنی بیاید خانه‌ی شما را غاصبانه تصرف بکند، بعد زورگویانه از شما بخواهد که این تصرف را امضاء کنید! کدام ذلت از این بالاتر؟!

موضع ما در مقابل اسرائیل، همان موضع همیشگی است. اسرائیل در منطقه، یک غده‌ی بدخیم سرطانی است که باید قطع شود و ریشه‌کن گردد. برخلاف تصور ظاهربینان که به پشتیبانی ابرقدرت امریکا از اسرائیل نگاه می‌کنند و این کار را محال می‌دانند، این کار محال نیست؛ این شدنی است و خواهد شد. ابرقدرتها جاودانه نیستند. قدرتهای مادّی، یک روز هستند و

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۲/۱۱/۲۴

یک روز نیستند. دیروز قدرتی به نام اتحاد جماهیر شوروی در دنیا به‌عنوان ابرقدرت بود؛ اما امروز نیست. این صحنه‌ی تجربه‌ی تاریخ، پیش چشم ماست.[1]

مسأله‌ی بیت‌المقدس، جزو مسائل ملت و نظام جمهوری اسلامی

این مطلب، جزو مسائل ملت و نظام جمهوری اسلامی است و آن، مسأله‌ی بیت‌المقدس شریف و ملت مظلوم فلسطین است. مگر ما می‌توانیم از این مسأله غافل بشویم، یا آن را به دست فراموشی بسپاریم؟ خصوصیت نظام اسلامی همین است که تصمیم‌گیری آن، بر اساس عقیده و تکلیف الهی است. هیچ‌کدام از فقهای اسلام، تردید و اختلافی ندارند که آن وقتی که دشمن بر سرزمین مسلمانان مسلط شد و کیان اسلامی را در کشوری تهدید کرد، وظیفه‌ی همه‌ی آحاد مسلمین است که در یک جهاد بزرگ و همه‌گیر، با آن دشمن مبارزه کنند، او را از آن سرزمین اسلامی اخراج کنند و مجازات و تنبیه نمایند. آیا صهیونیسم خبیثِ خطرناکِ جنایتکار و دشمن اسلام و مسلمین، متجاوز است یا نیست؟ آیا سرزمین فلسطین، خانه و قبله‌ی مسلمین است یا نیست؟

امروز، چهل و اندی سال است که خبیث‌ترین دشمنان اسلام و انسانیت – یعنی همین صهیونیستهای غدار و مکار – بر بخشی از وجود ما، بر بخشی از خانه و سرزمین ما تسلط پیدا کرده‌اند. وظیفه‌ی ما چیست؟ وظیفه‌ی مسلمانان چیست؟ وظیفه‌ی ملتهای دیگر اسلامی در قبال فلسطین چیست؟ آیا وظیفه سکوت است؟! اُف برآن سران کشورهای وابسته و خائن که برای خاطر دو روز بیشتر حکومت کردن و جلب محبت امریکا و قدرتهای بزرگ، از وظیفه‌یی با این عظمت، صرف نظر می‌کنند.[2]

---

۱. سخنرانی در ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۰۵/۰۹

۲. سخنرانی در دیدار گروهی از آزادگان، جمعی از خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان، مسؤولان اجرایی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی و ائمه‌ی جمعه‌ی استانهای کرمانشاه، یزد و چهارمحال و بختیاری، و گروهی از مردم شهرهای گرگان، گنبد، محلات، گتوند، شوشتر، سپیدان، تهران، شیراز و جهرم ۱۳۶۹/۰۸/۰۲

مردم ایران و نظام جمهوری اسلامی؛ مایه‌ی امید مسلمانان

امروز، آن ملت و مرکزی که مسلمانان با توجه به آن، در میان این‌همه گرفتاری، دلشان امید پیدا می‌کند، مردم ایران و نظام جمهوری اسلامی است. این مسلمانان مظلوم فلسطینی و لبنانی که به‌طور روزمره مورد تهاجم جنایت‌آمیز اسرائیل قرار دارند و همین روزها هم آمدند بمباران کردند و این جنایاتها ادامه دارد، امیدشان به هیچ‌کدام از این قدرتها و مدعیانی که ادعا می‌کنند، نیست. اگر امیدی داشته باشند – که دارند – به انقلاب اسلامی و به حرکت پُربرکت ملت مسلمان ماست. شما، مایه‌ی امید مسلمانان هستید.[1]

اهمیت حفظ عزت جمهوری اسلامی، برای تقویت روحیه‌ی ملتهای مظلوم

حفظ عزت و کرامت انقلابی جمهوری اسلامی و ملت ایران در مناسبات بین‌المللی، یکی دیگر از نقاط اصلی است. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تحولی ژرف در ارتباطات بین‌المللی از دو نظر به‌وجود آورد:

...برای حفظ این رونِد روبه اشتعال و تقویت روحیه‌ی ملتهای اصیل و مظلوم، جمهوری اسلامی موظف است کوچکترین تغییری در چهره‌ی با صلابت و موضع باعزت خود در مناسبات بین‌المللی ایجاد نکند؛ با قلدران، از موضع قدرت و با دولتهای ضعیف، از موضع حمایت و با ملتهای بپاخاسته، از موضع رعایت و هدایت سخن بگوید و عمل کند؛ دولت امریکا را به مثابه‌ی رأس فتنه و استکبار و رمز غداری و شیطنت و به خاطر ستمش به کشورهای ضعیف و حمایتش از صهیونیسم غاصب و دشمنیش با بیداری و آزادی ملتها و خصومت عمیق و جنایتبارش با ملت ایران، محکوم و منفور و مطرود دانسته، هیچ فرصتی را برای افشای چهره‌ی تزویرآلود و رسوا کردن آن مدعیان آزادی و غیره و بیان این حقایق از دست ندهد.[2]

---

۱. بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر ۱۳۶۹/۰۴/۲۰

۲. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۶۹/۰۳/۱۰

الگوبودن ایران برای فلسطینیان

ایران عزیز ما و نظام مقدّس جمهوری اسلامی و ملت بزرگی که در این منطقه‌ی پُرافتخار زندگی می‌کنند، می‌توانند برای دنیا الگو باشند؛ همچنان که از بعد از انقلاب تا امروز در میدانهای مختلف الگو بوده‌اند. این را بدون هیچ تردیدی بدانید که ملت فلسطین همین امروز که با شجاعت کامل در حال مبارزه است، ملت ایران را و درس ایران را، درس فراموش نشدنی خود و الگوی فراموش نشدنی خود به حساب می‌آورد و این را، هم دوستان شما در سراسر عالم که بسیارند، و هم دشمنان شما که مراکز قدرت استکباری‌اند، به‌خوبی می‌دانند. فلسطین، امروز با نام خدا به مبارزه‌ی بابرکت و پُرشکوه خود ادامه می‌دهد. یک بار دیگر غلبه‌ی اراده‌ی انسانهایی که دل در گرو ایمان به خدا و اعتقاد به خود دارند، بر همه‌ی قدرتهای مادّی، بارز و واضح خواهد شد. دنیا خواهد دید که ملت فلسطین در سایه‌ی استقامت، گام به گام به سمت هدفهای خود پیش خواهد رفت. فلسطین متعلّق به ملت فلسطین است. امروز این ملت در میدان است. در دنیای اسلام هم غوغایی است از هیجانی که این ملت در فضای بین‌المللی با ایستادگی شجاعانه‌ی خود آفریده است.

البته ملتهای مسلمان وظیفه‌ی سنگین‌تری دارند؛ دولتهای مسلمان هم وظایف بزرگی دارند. ایران اسلامی ـ ملت و دولتش ـ همدوش، هم‌آوا و هماهنگ با ملت فلسطین همدردی می‌کند؛ با آنها همراهی می‌کند؛ در میدانهای مختلف، در میدانهای گوناگون، این ملت را مورد حمایت قرار می‌دهد.[1]

ایران؛ الگوی مقاومت ملتها

ما افتخار میکنیم که ملت ما، دولت ما، مسؤولین ما، جوانان ما و فرزانگان ما در همه‌ی این سالها نسبت به این قضایا بی‌تفاوت نبودند؛ اعلام موضع کردند، ابراز نفرت کردند. این روحیه را ملت ایران نباید از دست بدهد. این روحیه را از دست ندهید؛ بخصوص شما جوانها. یک عده میخواهند مطلب

۱. بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی جمعی از پرسنل نیروی انتظامی ۱۳۷۹/۰۷/۱۸

را واژگونه نشان بدهند؛ اعتراض میکنند: آقا! چقدر میگوئید مرگ بر فلان، مرگ بر فلان. اعتراض میکنند: چرا جنایات آمریکا را یا صهیونیستها را یا هم‌پیمانانشان را در تریبونهای جهانی علنی مطرح میکنید؟ باید مطرح کرد، باید گفت. ملتها درس میگیرند.

... ملتها الهام میگیرند، دولتها یاد میگیرند و رهبران ملی تشجیع میشوند، وقتی می‌بینند یک ملت این جور ایستاده است. چرا ما خجالت بکشیم؟ ...امروز و در دوران عظمت اسلام، سربلندی نظام اسلامی و سربلندی ملت ایران به خاطر مواضع ضد استکباری‌اش، آدم می‌بیند اگر کسی در تریبونهای جهانی در مقابل آمریکا و اسرائیل و صهیونیسم و هم‌پیمانانشان بایستد و صریح حرف بزند، یک عده این جا خجالت میکشند! دست به دست هم میمالند ومیگویند: آقا! آبرویمان رفت! مثل همان خجالت کشیدنی که در دوران طاغوت، از نماز خواندن یکی میبردند. چرا خجالت بکشیم؟! مواضع صریح ملت ایران - و بخصوص جوانها - در مقابل ظلمها و ستمهای بین المللی هرگز نبایستی متوقف بشود.[1]

پیشتازی دولت جمهوری اسلامی در حمایت از فلسطین

ملت عزیز ما مسأله‌ی فلسطین را با همه‌ی وجود درک کرده است؛ ظلمی را که به دنیای اسلام شده، احساس کرده است؛ وظیفه‌ای را که خودش در این زمینه دارد، درک کرده است. دولت جمهوری اسلامی، همیشه در این قسمت پیشتاز بوده است؛ احساس وظیفه کرده است و آنچه را که می‌توانسته، انجام داده است. یقیناً این، نتایج بزرگی به دنبال خواهد داشت و ما امیدواریم - نشانه‌هایش را هم می‌بینیم - که تدریجاً دولتهای اسلامی بعضی حقایق را بیشتر لمس می‌کنند؛ بعضی به متن قضیه نزدیکتر می‌شوند و راه را به سمت آنچه که وظیفه‌ی امت اسلامی است، نزدیکتر می‌کنند.[2]

---

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار استادان و دانشجویان کردستان ۱۳۸۸/۰۲/۲۷

۲. بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز مبعث پیامبر گرامی اسلام(ص) ۱۳۷۹/۰۸/۰۴

دمیدن جان تازه در کالبد فلسطین توسط نهضت امام خمینی‌قدّس‌سرّه

نهضت امام خمینی(قدّس‌سرّه)، جان تازه‌ای در کالبد قضیه‌ی فلسطین دمید و پشتوانه‌ی ایمان اسلامی را که همواره با جهاد فداکارانه همراه است، بار دیگر برای آن ایجاد کرد. سیاستهای خاورمیانه‌ای آمریکا پس از قرارداد کمپ دیوید سرنوشت خسارت باری را برای قضیه‌ی فلسطین و ملت فلسطین ترسیم کرده بود و این همان سیاستی بود که در نهایت به قرارداد اسلو و پیامدهای دردناک آن منتهی گشت. در این سیاستها محو روحیه‌ی جهاد و مقاومت و حذف تدریجی ملت فلسطین از کلیه معادلات منطقه و تکیه‌ی آن ملت به امیدهای واهی بجای تکیه‌ی او بر اراده و نیروی ذاتی خود پیش‌بینی شده بود. روح ایمان اسلامی و انگیزه‌ی جهاد فی سبیل‌الله که بار دیگر با مبارزات مردم فلسطین آمیخته شد، بزرگترین مانع را در برابر پیشرفت سیاستهای استکباری و انگیزه‌های خائنانه پدید آورد. امروز ملت فلسطین به برکت همین روحیه و انگیزه با همه‌ی وجود در صحنه حاضر است و با اراده و عزم و فداکاری خود آینده‌ای را که برای دشمنان و حتی دوستان فلسطین قابل پیش بینی نبود، شالوده ریزی می‌کند.[1]

ملت ایران، پشتیبان ملت فلسطین

من به ملت ایران، به پیروان بعثت محمدی‌صلی الله علیه و اله عرض میکنم که راه، همین ایستادگی است. نظام جمهوری اسلامی به تبعیت از امام بزرگوارش این ایستادگی را انتخاب کرده است؛ ما از این ایستادگی سود بردیم و ضرر نکردیم. همه‌ی بلندگوهای استکبار جمع شدند که ملت ایران و دولت ایران و نظام جمهوری اسلامی را با انواع و اقسام استدلالها از پشتیبانی فلسطینها باز بدارند، ملت ایران قبول نکرد، بعد از این هم قبول نمیکنیم؛ ما از ملت فلسطین دفاع میکنیم.[2]

۱. پیام به کنفرانس بین‌المللی امام خمینی(ره) و حمایت از فلسطین ۱۳۸۱/۰۳/۱۲
۲. دیدار مسؤولان نظام به مناسبت مبعث حضرت رسول اعظم(ص) ۱۳۸۷/۰۵/۰۹

اهتزاز پرچم اسلام توسط امام راحل، موجب بیداری ملت فلسطین

در حقیقت، امام بزرگوارِ ما در این نهضت عظیمی که در کشورمان و در جهان اسلام به وجود آوردند، دو پرچم را بلند کردند و برافراشته نگاه داشتند: یک پرچم عبارت است از پرچم احیای اسلام؛ به عرصه آوردن این قدرت عظیم و لایتناهی.

.... در بعد اول که برافراشتن پرچم اسلام بود، این موجب شد که مسلمانان در همه‌ی جای دنیا احساس هویت کردند؛ احساس شخصیت کردند. بعد از آنی که در طول سالهای متمادی کوشش شده بود که هویت اسلامی خرد شود، له شود، وقتی این انقلاب به وجود آمد، وقتی قامت برافراشته‌ی امام بزرگوارِ ما در منظر مردم مسلمان عالم پدیدار شد، همه احساس کردند که یک هویتی، یک شخصیتی، یک اصالتی پیدا کرده‌اند. همین موجب شد که در شرق و غرب دنیای اسلام نشانه‌های بیداری مسلمانان پدیدار بشود: ملت فلسطین بعد از ده‌ها سال ناکامی جان گرفت؛ جوانان کشورهای عربی که بعد از شکستِ در سه جنگ که دولتهایشان با رژیم صهیونیستی داشتند و دلمرده و مأیوس بودند، دوباره روحیه گرفتند - اینها دیگر مربوط به دنیای اسلام است؛ مخصوص به مسائل کشور ما نیست - رژیم صهیونیستی که غده‌ی سرطانی در دل کشورهای اسلامی است و تا آن روز یک چهره‌ی شکست‌ناپذیر از خود نشان داده بود و خیلی‌ها در دنیای اسلام باور کرده بودند که رژیم صهیونیستی شکست‌ناپذیر است، از دست جوانان مسلمان سیلی خورد؛ انتفاضه‌های فلسطینی شروع شد، ضربه‌های پیاپی بر رژیم غاصب وارد شد؛ چه در انتفاضه‌ی اول، چه در انتفاضه‌ی اقصی، چه در شکست و عقب‌نشینیِ نه سال قبل از لبنان، چه در جنگ سی و سه روزه و چه در سال گذشته در جنگ بیست و دو روزه‌ی با مردم مظلوم غزه. همه‌ی اینها ضرباتی بود که بر رژیم صهیونیستی وارد شد. این در حالی است که آن روزی که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، رژیم صهیونیستی از نظر دولتهای مسلمان و ملتهای مسلمان، بخصوص ملتهای عرب، یک رژیم شکست‌ناپذیر به حساب می‌آمد. این موجب شد که رژیم صهیونیستی عجالتاً شعار از نیل تا فرات را کنار بگذارد و به دست فراموشی بسپرد. ملتهای مسلمان - از

آفریقا تا شرق آسیا - به فکر ایجاد نظام اسلامی و حکومت اسلامی افتادند. با فرمولهای گوناگون؛ نه لزوماً با همان فرمول نظام جمهوری اسلامی ما؛ اما به فکر حاکمیت اسلام بر کشورشان افتادند. بعضی از کشورها موفق هم شدند؛ بعضی هم آینده‌ی نویدبخشی در انتظارشان هست از حرکتهای اسلامی.

روشنفکران در دنیای اسلام با امید تازه‌ای به میدان آمدند. همان شاعران و هنرمندان و نویسندگانی که با یأس حرف میزدند، احساس شکست میکردند، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بعد از حرکت عظیم امام بزرگوار و ایستادگی‌های این ملت، روحیه‌ی‌شان عوض شد، لحن کلامشان و شعرشان و قلمشان تغییر پیدا کرد؛ رنگ امید به خود گرفت. و این رشته سر دراز دارد.[1]

دولت صهیونیست و آمریکا؛ دشمن اصلی برای جمهوری اسلامی

دشمن اصلی برای جمهوری اسلامی کیست؟ امروز دشمن اصلی ما در دنیا، صهیونیسم و استکبار است. اصل قضیه در دشمنی با اسلام و نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران، صهیونیسم و استکبار است.

اگر بخواهیم استکبار را درست ترجمه کنیم، امروز با دولت متجاوز و مستکبر و یاغی و گردنکش آمریکا تطبیق می‌کند.

البته پلیدتر از آمریکا، دولت صهیونیست، در فلسطین اشغالی است. چرا؟ چون بالاخره دولت آمریکا، یک دولت و متّکی به یک ملت است. در صورتی که اساساً دولت غاصب صهیونیستی، متّکی بر یک ملت نیست! ملت ساکن آن مناطق، ملتی است که امروز آواره است! اسراییل، از اوّل با ظلم و آدمکشی، با دروغ و فریب به وجود آمده است. در آن روز یک عدّه افراد زورگو و متجاوز، با پشتیبانی دولت انگلیس به منطقه‌ی فلسطین آمدند. اهالی آن منطقه را بیرون کردند و فرزندان و بازماندگان آنها - بیش از یک میلیون نفر - هنوز هم در زیر چادرها و در شرایط اردوگاهی زندگی می‌کنند! زیر چادر، یا چیزی شبیه چادر، در کوخها زندگی می‌کنند! مردم فلسطین،

۱. بیانات در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ۱۳۸۸/۰۳/۱۴

در خارج از فلسطین، با حال کوخ نشینی و اردوگاه نشینی زندگی می‌کنند. خانه‌های آنها و وطن آنها در اختیار کسانی است که از اروپا، از استرالیا، از آمریکا، از آسیا و از آفریقا به آن‌جا رفته‌اند و یک ملت جعلی و دروغین به وجود آورده‌اند و در آن جا به نام یک ملت، زندگی می‌کنند و دولتی هم دارند! اساساً چنین ملتی، وجود و هویّتی ندارد.

پس، امروز در رأس دشمنان خارجی این ملت - که مبارزه‌ی اصلی سیاسی خارجی ما در دنیا با اوست - رژیم فاسدِ غاصبِ خبیثِ صهیونیستِ حاکم بر فلسطین اشغالی و پشت سر او، رژیم ایالات متّحده‌ی امریکاست. ایالات متحده‌ی امریکا با آن عرض و طول و با آن پیشرفتهای علمی و یک کشور و ملت بزرگ، بازیچه‌ی دست صهیونیستها شده است؛ مثل غولی که افسارش دست یک سگ است و هر جا می‌خواهد، او را می‌برد. امروز، دولت امریکا با آن حجم ثروت و سابقه و اهمیتی که از لحاظ سیاسی و اقتصادی و نظامی برای خودش در دنیا قائل شده است، بازیچه‌ی دست صهیونیستها و دولت اسراییل شده است.وقتی رئیس جمهور امریکا، علیه جمهوری اسلامی، تصمیمی اتّخاذ می‌کند، به مجمع صهیونیستهای امریکا می‌رود و در آن‌جا گزارشش را می‌دهد و در دنیا پخش می‌شود. این، برای ملت امریکا ننگ است.

اینها دشمنان اصلی ما هستند. البته در گوشه و کنار دنیا، باز هم علیه ما دشمنی و خباثت می‌شود، اما اینها اهمیت چندانی ندارد و مسأله‌ی اصلی نیست.[1]

شروع دوباره نهضت در فلسطین، با ایستادگی جمهوری اسلامی

صهیونیستها به خیال خودشان، دیگر نفس راحتی کشیدند؛ ولی بعد دیدند که در دنیا نقطه‌ای وجود دارد که در آن‌جا به برکت پرچم و حاکمیت

۱. بیانات در دیدار مردم مشهد و زائران حضرت علی‌بن موسی‌الرضا(ع) در صحن حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۷۵/۰۱/۰۴

اسلام و به برکت ایمان مردم به قرآن و احکام و آیات آن و به برکت نترسیدن و شجاعتشان و اعتنا نکردن آنها به ابرقدرتها و استکبار، مردم و دولت ایستاده‌اند و یکصدا فریاد می‌زنند که حکومت غاصب صهیونیست، باید از فلسطین خارج شود. همین ایستادگی ملت و دولت ایران و نظام جمهوری اسلامی، موجب شده است که خونی به رگهای خشکیده‌ی نهضت فلسطین جاری شود و جوانان فلسطین – یعنی نسل سوم فلسطینیها – بیداری حقیقی پیدا کنند و نهضت را به شکل اسلامی خودش ادامه دهند. می‌دانند که اگر نهضت جوانان فلسطینی، در داخل و در اطراف مرزهای فلسطین اشغالی ادامه پیدا کند، همه‌ی این صلحی که اینها با عربها کردند و دور میز نشستند، پوچ و بی‌معنا خواهد بود و کارشان به جایی نمی‌رسد.[1]

تأثیر انقلاب اسلامی بر مسأله‌ی فلسطین

امّا بعد از انقلاب اسلامی دو اتّفاق مهم افتاد. یکی این‌که نهضت فلسطین – که یک نهضت غیر دینی بود – به یک نهضت اسلامی تبدیل شد و مقاومت اسلامی به‌وجود آمد و رنگ اسلامی گرفت. همان مبارزانی هم که از بیرون مبارزه می‌کردند – مثل کسانی که از لبنان یا مناطق دیگر به اسرائیل حمله می‌کردند و به آنها ضربه می‌زدند – با انگیزه‌ی اسلامی، که یک انگیزه‌ی بسیار قوی است، وارد میدان شدند.

ثانیاً «انتفاضه» به‌وجود آمد. «انتفاضه»، یعنی قیام و شورش در داخل سرزمین و وطن مغصوب. از این قیام می‌ترسند؛ چون برایشان خیلی مهمّ است. البته سعی می‌کنند مطلب را آن‌چنان که هست، منعکس نکنند؛ اما مبارزات مردم فلسطین در داخل سرزمین فلسطین، برای رژیم صهیونیستی شکننده و کوبنده است؛ ستون فقراتشان را می‌شکافد. چرا؟ به‌خاطر این‌که اینها به یهودیانی که از سراسر دنیا در این منطقه جمع کرده‌اند، وعده دادند که در این‌جا امنیت و راحتی و زندگی خوش هست و گفتند بیایید در این‌جا آقایی کنید؛ اما حالا اینها طاقت برخورد با این نسل نوخاسته و صاحبان

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۵/۱۰/۲۸

اصلی این سرزمین را که امروز بیدار شده‌اند، ندارند. ارکان نظام صهیونیستی متزلزل است؛[1]

آمادگی ملت ایران برای حضور در صحنه‌ی مبارزه

البته به فضل پروردگار، در ایران اسلامی، علاوه بر این، حنجره‌های مردم هم به یاد فلسطین فعّال است، مشتهایشان هم گره است، آمادگی هم دارند؛ منتها ما لازم و مصلحت نمی‌دانیم که غیر از خود ملت فلسطین – که باید در صحنه باشد – کسی از جای دیگری برود. کاری را که یک ملت باید انجام دهد، دیگری نمی‌تواند برای او انجام دهد؛ خود آن ملت باید انجام دهد.[2]

آمادگی جوانان ایرانی برای جانفشانی در فلسطین

بدانید اگر ما – ما که مسؤولین کشور هستیم – جلو مردم را نمی‌گرفتیم، بسیاری از جوانهای ما راه می‌افتادند برای اینکه با جسم خودشان و با تن خودشان هم در عرصه‌ی فلسطین حضور داشته باشند. در قضیه‌ی غزه جوانهای ما به فرودگاه رفتند، هر کار هم می‌کردند، نمی‌آمدند؛ با پیغام من برگشتند. اگر من پیغام نمی‌دادم، از فرودگاه برنمی‌گشتند. می‌گفتند ما را ببرید که ما برویم غزه؛ خیال می‌کردند که می‌توانند خودشان را به غزه برسانند. این، انگیزه‌ی جوانهای ماست. مسأله‌ی غزه و مسأله‌ی فلسطین، مسأله‌ی ماست؛ مسأله‌ی اسلامی ماست؛ مسأله‌ی همه‌ی مسلمین است و وظیفه‌ی ماست. آنچه که انجام هم می‌دهیم، وظیفه‌ی ماست؛ بر کسی هم منت نداریم؛ وظائفمان را انجام دادیم. از خدای متعال هم میخواهیم که کمک کند، بتوانیم وظائف را انجام بدهیم؛ لکن شما دوستانی که اینجا حضور دارید، روی همین حرفهایی که این آقایان زدند: اینی که اصل، مبارزه است؛ اینکه هیچ راه حلی جز مقاومت در قضیه‌ی فلسطین وجود ندارد، روی این حرفها ایستادگی کنید. این حرفها را صریحاً بزنید؛ نگذارید مجاملات سیاسی

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۱۰/۱۰

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم از سراسر کشور ۱۳۷۵/۰۷/۱۸

و جوسازیهای سیاسی بر این منطق غلبه پیدا کند. هر کسی از فلسطینها که از راه مقاومت پایش را کنار گذاشت، ضرر کرد.[1]

غیرقابل مصالحه بودنِ فلسطین

... موضع ما در مورد مسأله‌ی فلسطین هم موضع روشنی است. ما طرفدار ملت فلسطین هستیم. ما طرفدار آزادی فلسطین هستیم. ما طرفدار کوتاه کردن دست متجاوزین به سرزمین فلسطین هستیم. ما می‌گوییم که «مردم فلسطین در خانه‌ی خودشان امنیت ندارند.» اسلام، این وضعیت را رد می‌کند. لذا ما هم رد می‌کنیم؛ ولو کشورهای دیگر پای میز مذاکره بنشینند و فلسطین را – به خیال خودشان – به دشمن بفروشند. اما بدانند که ملتهای مسلمان و ملت فلسطین، هرگز کشور فلسطین را به دشمن نخواهند فروخت.[2]

دفاع مقدس ایران؛ الگوی فلسطین

پایداری شما – چه در دوران دفاع مقدّس و چه در بقیه‌ی آزمایشهای بزرگ این کشور – این فضیلتها را در زمانه‌ی ما ثبت کرد. زمانه‌ی ما زمانه‌ی ارتباطات نزدیک است؛ اما این ارتباطات نزدیک همیشه به سود شیطان و شیطنتها نیست؛ به سود معنویتها و اصالتها هم هست. مردم دنیا خیلی چیزها را از شما یاد گرفته‌اند. همین مادری که در فلسطین، جوان خودش را می‌بوسد و به طرف میدان جنگ می‌فرستد، یک نمونه است. فلسطین سالهای متمادی، زن و مرد و پیر و جوان داشت؛ اما براثر ضعفها و به دلیل آن‌که در میدان صف‌آرایی معنوی، جنود عقل نمی‌توانست بر جنود جهل پیروز شود، فلسطین دچار ذلّت شد و این وضعیت برایش پیش آمد و دشمنان بر آن مسلّط شدند. اما امروز وضعیت فلسطین، به گونه‌ی دیگری است؛ امروز فلسطین به‌پا خاسته است؛ امروز ملت فلسطین – زن و مرد – در صف‌آرایی

۱. دیدار رهبران گروه‌های جهادی فلسطینی شرکت کننده در افتتاحیه‌ی همایش غزه ۱۳۸۸/۱۲/۰۸
۲. بیانات در صحن «آستان قدس رضوی» ۱۳۷۳/۰۱/۰۱

معنوی در درون خود توانسته است جانب معنویت را غلبه دهد و پیروز کند؛ و این ملت پیروز خواهد شد.[1]

پیروزی انقلاب اسلامی و حزب الله لبنان از عوامل شکل‌گیری انتفاضه

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی، مردی فرزانه از تبار پیامبر اکرم صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌و سلّم، نقش اساسی در بیداری اسلامی در همه‌ی جهان، بویژه در کشورهای منطقه داشت. پیروزی مسلمانان در رویارویی به ظاهر نابرابر با دشمنان اسلام در جنوب لبنان، نشان دیگری از اصالت و حقّانیت مبارزات اسلامی و تأکیدی است بر این‌که اگر مسلمانان به وعده‌ی خداوند اعتماد کنند و برای خدا مجاهده نمایند، پیروزی آنها حتمی است.

بی‌تردید پیروزی خیره‌کننده‌ی مقاومت اسلامی در جنوب لبنان از یک سو و شکست فضاحت‌بار طرحهای سازشکارانه از سوی دیگر، از عبرتهای اصلی منطقه است که موجب شده مردم مسلمان فلسطین یک بار دیگر به انتفاضه رو کنند؛ ولی این بار دیگر نغمه‌های سازشکاری در داخل فلسطین و یا منطقه، بر روی فلسطینیانِ صبور، شجاع و مقاوم اثری ندارد و آنها مصمّم هستند که ان‌شاءالله مبارزات خویش را تا پیروزی ادامه دهند.[2]

تبلیغات علیه ایران به خاطر دشمنی با اسرائیل

صهیونیستها و دولت غاصب اسرائیل، ابزار دست امریکا هستند و امریکا، این دولت غاصب را اصلاً برای انجام کارهای خود در خاورمیانه گذاشته است؛ و نیز خبرگزاریها و رسانه‌های ارتباط جمعیِ وابسته به آنها، از روز اوّلِ انقلاب تاکنون، با حجم زیاد و کیفیّت بالا، به تبلیغات علیه جمهوری اسلامی پرداختند و هر چه به دهنشان آمد، گفتند و می‌گویند. مثلاً موضوع

---

۱. بیانات در جمع دهها‌هزار نفر از راهیان‌نور و قشرهای مختلف مردم در پادگان دوکوهه ۱۳۸۱/۰۱/۰۹

۲. سخنرانی در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین۱۳۸۰/۰۲/۰۴

تضییع حقوق بشر که ممکن است عدّه‌ای در دنیا آن را واقعاً باور کنند، از جعلیّاَت همینهاست.

می‌گویند: «حقوق بشر در ایران، تضییع می‌شود.» وقتی می‌گوییم «دلیلش را بگویید و مثال بیاورید»، فهرستی ارائه می‌دهند و می‌گویند: «شما اینها را اعدام کرده‌اید.» اینها چه کسانی هستند؟ قاچاقچیان هروئین و مرفین. یعنی محکومین به اعدام که یک بار اعدام برایشان کم است و اگر می‌شد بیش از یک بار اعدامشان کنند، جا داشت. آیا این نقض حقوق بشر است؟! می‌گویند: «ایران تروریست است.» وقتی می‌پرسیم «به چه دلیل می‌گویید ایران تروریست است و تروریسم را صادر می‌کند؟» می‌گویند: «ببینید در فلسطین و لبنان، مردم چه می‌کنند!» خوب؛ این به ایران چه ربطی دارد؟! البته در این شکّی نیست که یک عدّه انسان، در فلسطین و لبنان بیدار شدند و از انقلاب اسلامی الهام گرفتند. همان عدّه می‌گویند: «چرا شما اسرائیلِ غاصب، صهیونیستهای بی‌وطن و دولت جعلی غلطِ اسرائیل را آوردید و بر لبنان و فلسطین مسلط کردید؟» این موضوع، به ایران چه ربطی دارد؟! آیا اگر عدّه‌ای از میهنشان دفاع کنند، به معنی تروریسم است و این به اصطلاح تروریسم را ایران صادر کرده است؟![1]

گناه جمهوری اسلامی؛ طرفداری از حق

گناه جمهوری اسلامی این است که این حرف را می‌زند! جمهوری اسلامی بر خلاف دولتهای دیگر که از ترس یا با تطمیع امریکا همین حرف حق را کتمان کرده و پوشیده داشتند، این حرف را به صراحت می‌زند و می‌گوید حق، حقّ است و باطل، باطل است. ما نمی‌توانیم انکار کنیم که ملت فلسطین وجود داشته، ولی امروز آواره است. نمی‌توانیم انکار کنیم که سرزمین فلسطین، از مردم فلسطین غصب شده است؛ آن هم نه با یک روش ظاهرا با نزاکت، بلکه با کشتار و آدمکشی و فریب و دروغ و اعمال زور و سفّاکی و قتل عام. دولت اسراییل با قتل عام و غدر و فریب و سفّاکی و

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی سوم رمضان ۱۴۱۵ – ۱۳۷۳/۱۱/۱۴

لگدزدن به ارزشهای انسانی به وجود آمد. حقوق یک ملت در مقابل پای مهاجرین صهیونیست که وارد فلسطین اشغالی شدند، قربانی شد. در طول قریب پنجاه سالی که از عمر این دولت جعلی می‌گذرد، دائماً سرکوب و قتل نفس و دروغ و فریب و تجاوز و حمله به انسانها و بیگناهان، مایه‌ی حیات و تداوم زندگی آن بوده است.

...ما این حقایق را می‌گوییم. ما این حقایق را مکتوم نگه نمی‌داریم. ما گناه دانسته‌ایم که این روشنترین حقایق را در این دنیا کتمان کنیم برای این‌که امریکا خوشش بیاید. اشخاص بسیاری در سطح دنیا - کسانی که با ما در ارتباط تجاری یا سیاسی هستند- محرمانه به ماموران و کسان ما می‌گویند: علت دشمنی امریکا با شما، عبارت از همین مسأله‌ی خاورمیانه و قضیه‌ی اسراییل است. می‌گویند چرا شما مخالفت می‌کنید؟ صریحاً می‌گویند که این قضیه‌ی حقوق بشر و محاکمات آن‌چنانی و حقوق زن و از این حرفهایی که علیه جمهوری اسلامی، در رسانه‌های امریکایی و صهیونیستی گفته می‌شود، همه‌اش حرف است. ما خودمان می‌دانستیم که این حرف است؛ اما حالا آنها هم این را اقرار می‌کنند.

...مسأله‌ی آنها در جای دیگر است. دردشان از جای دیگر است. آنها می‌گویند شما چرا با اسراییل کنار نمی‌آیید و مثل دیگران، حکم قتل ملت فلسطین را امضاء نمی‌کنید؟! حرفشان این است. من همیشه این موضوع را به همه می‌گفتم. حالا خود آنها اعتراف می‌کنند و به ما می‌گویند که فشارهای امریکا و محاصره‌ی اقتصادی و تبلیغات خصمانه و رذالت آمیزِ عناصری از دستگاه قانونگذاری و اجرایی امریکا علیه جمهوری اسلامی، همه و همه به قضیه‌ی اسراییل مربوط است. می‌گویند شما چرا صلح خاورمیانه را قبول ندارید؟ چرا می‌گویید این صلح نیست و سازش گرگ و میش است؟ چرا نمی‌آیید این سازش را امضاء کنید؟ آنها حکم قتل فلسطینیها را از ما می‌خواهند! قضیه این است.[1]

۱. بیانات در دیدار مردم مشهد و زائران حضرت علی‌بن موسی‌الرضا(ع) در صحن حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۷۵/۰۱/۰۴

بزرگترین عیب جمهوری اسلامی از نظر امریکا، نپذیرفتن غصب غاصبانِ صهیونیست

از نظر امریکاییها، بزرگترین عیب جمهوری اسلامی این است که غصب غاصبانِ صهیونیست نسبت به فلسطین را قبول نمی‌کند. بزرگترین نقطه‌ی دشمنیِ آنها با نظام جمهوری اسلامی این است که چرا شما قبول نمی‌کنید چکمه‌پوشان اسرائیلی، بدون اجازه در خانه‌ی مردم حرکت کنند و بر سر آنها بکوبند و حاکمانِ آن مردم باشند؟! همه‌ی دنیا قبول کرده‌اند، شما چرا قبول نمی‌کنید؟! بزرگترین نقطه‌ی قوت این ملت، از نظر آنها، بزرگترین نقطه‌ی ضعف است![1]

مشکل اصلی امریکا با ایران؛ مخالفت با طرحهای ذلّت‌بار سازش

برادران و خواهران! علت اساسی فشارهای همه‌جانبه‌ای که استکبار جهانی – و در رأس آنها رژیم امریکا – به ایران وارد می‌کند، حمایت ما از فلسطین است. آنها در اظهارات صریحتری گفته‌اند که مشکل اصلی امریکا با ایران، مخالفت جمهوری اسلامی ایران با طرحهای ذلّت‌بار سازش در فلسطین است؛ و بقیه‌ی امور نظیر ادّعاهای مضحکِ نقض حقوق بشر و ساخت سلاحهای کشتار جمعی، بهانه‌ای بیش نیست؛ و اگر ایران دست از حمایت خود از مبارزین و مردم لبنان و فلسطین بردارد، آنها دست از روش خصمانه‌ی خویش علیه ایران برمی‌دارند! البته ما به‌روشنی می‌دانیم مشکل اصلی آنان، اسلام و حکومت اسلامی است که مانع از بازگشت غارتگرانه و سلطه‌طلبانه‌ی آنان به این کشور پهناور شده است و آنها هم حقیقتاً این رویکرد سیاستهای جمهوری اسلامی را به‌خوبی می‌شناسند. ما به آنها جواب رد داده‌ایم و حمایت از مردم فلسطین و لبنان را از وظایف مهم اسلامی خویش می‌دانیم. لذا آنها از هر سو فشارهای خود را وارد می‌کنند.

....هرچه دامنه‌ی مبارزات لبنان و فلسطین گسترده‌تر می‌شود، برآشفتگی و عصبانیت صهیونیسم و امریکا از نظام جمهوری اسلامی بیشتر و توطئه‌ی

---

۱. بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۷۵/۰۸/۳۰

آنها گسترده‌تر می‌گردد؛ ولی آنها بدانند علی‌رغم تبلیغاتشان، ملت عظیم‌الشّأن ایران و مسؤولان و رؤسای کشور، همگی منسجم هستند. مردم مسلمان ایران یکپارچه از آرمانهای انقلاب و اسلام حمایت می‌کنند و حمایت از فلسطین، انتفاضه و مبارزه با صهیونیسم و حامیانش از ارکان اصلی سیاستهای راهبردی جمهوری اسلامی ایران است.[1]

برادران و ملت عزیز! استکبار، خصوصیاتی را از جمهوری اسلامی خوش نمی‌دارد؛ به رو و به زبان هم نمی‌آورد. درعین‌حال، مسائل دیگری را به زبان می‌آورد که بهانه است. موضوع کمک به تروریسم، یا نقض حقوق بشر و یا ادعاهایی از این قبیل، حرفهای مفت و بهانه‌های واهی است. خودشان هم می‌دانند. قضیه‌ی اصلی، چیز دیگری است. قضیه‌ی اصلی این است که چند موضوع مهم هست که جمهوری اسلامی به آنها پایبند است. امریکا و طیف مستکبرین عالم، با اینها مخالفند: ما، در قضیه‌ی فلسطین، آشتی ناپذیریم. ما گفته‌ایم که فلسطین از آن فلسطینیهاست و دولت اسرائیل که غاصب است، باید از بین برود و دولت فلسطینیها سرکار بیاید.

این، یک مسأله‌ی اساسی است. براساس این مسأله، با هر حرکتی که مخالف این هدف است، مخالفت می‌ورزیم. ما گفتیم: این‌که در دنیا، هرجا گروهی از مسلمانان هستند، استکبار خونشان را می‌ریزد و تضعیفشان می‌کند، توطئه‌ای علیه اسلام است و افشاگری کردیم. شما ببینید، امروز در دنیا انواع و اقسام تضعیف مسلمین و قهر بر آنها وجود دارد. یک نمونه‌اش در بوسنی هرزگوین با آن شکل فجیع و فضیح است. یک نمونه‌اش در هند است؛ مسأله‌ی تخریب آن مسجد تاریخی و بزرگ، که جزو یادگارهای اسلامی است و برای نابود کردن و جریحه‌دار کردن احساسات مسلمین و خراب کردن روحیه‌ی مسلمانان هند این کار را کردند. در خبرها بود که در هند، صهیونیستها به آن متعصبین نادان کمک و برایشان برنامه‌ریزی می‌کنند. این هم یک نمونه است.[2]

۱. سخنرانی در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین۱۳۸۰/۰۲/۰۴
۲. بیانات در دیدار سپاه پاسداران و نیروی انتظامی، به مناسبت سوم شعبان ۱۳۷۱/۱۱/۶

این چیزهایی که راجع به حقوق بشر و امثال آن می‌گویند، خودشان هم می‌دانند که خلاف واقع است؛ اینها را به‌عنوان فشار ذکر می‌کنند. امریکا سالهاست که وقتی بخواهد علیه هر دولتی خصومتی بکند، یکی از خصومتهایش همین است؛ یعنی علیه آن دولت شعار می‌دهد که این ضدّحقوق بشر و ضدّدمکراسی است! اینها که خودشان هم می‌دانند واقعیت ندارد؛ دنیا هم این را می‌داند. این، چیز مهمّی نیست.

خواسته‌ی حقیقی آنها از جمهوری اسلامی – که بارها هم آن را تکرار کرده‌اند – این است که جمهوری اسلامی در قضیه‌ی فلسطین از مواضع خود عقب‌نشینی کند؛ یعنی اسرائیل را به رسمیت بشناسد؛ مثل کشورهایی که قضیه‌ی مبارزه‌ی فلسطین را به بوته‌ی فراموشی سپردند! می‌گویند شما این قضیه را رها کنید، حضور امریکا را در مناطق گوناگون دنیا بپذیرید، حضور امریکا را در قضایای منطقه‌ی خلیج‌فارس بپذیرید و مهمتر از همه، نفوذ امریکا را در قضایای کشور ایران بپذیرید! این، خواسته‌ی حقیقی رژیم امریکاست. آن چیزی که به‌طور حقیقی و جدّی می‌خواهند، این قضیه است که گفتم. این را در پوشش حرفهای دیگر و اتّهامات و تبلیغات مخالف و امثال این چیزها بیان می‌کنند؛ اما حقیقت قضیه این است.[1]

نترسیدن از انزوا به خاطر دفاع از فلسطین

چهل و پنج سال پیش، ظلمی صورت گرفته است: خانه‌ی ملت فلسطین از آنها غصب شده است. این خانه، به تمامه و بی‌قید و شرط، باید به ملت فلسطین برگردد. حکومت اسلامی، خصوصیتش این است که با جَوسازی، عقب نشینی نمی‌کند. مرتّب بگویند «آقا، منزوی می‌شوید!» «منزوی» یعنی چه؟! اگر قدرتهای پر روی دنیا، با جنجال و هیاهو و سرو صدا، آمدند و خواستند ناحقّی را حق کنند، ما هم مثل دیگران کنار برویم و بگوییم «صحیح می‌فرمایید»؟! پس معنای حکومت اسلامی چیست؟

۱. بیانات در دیدار گروه کثیری از دانش‌آموزان، دانشجویان و اقشار مختلف مردم به مناسبت یوم‌الله سیزده آبان ۱۳۷۶/۰۸/۱۴

خوب؛ معلوم است در بین افرادی که جز باطل و جز زورِ نامشروع، هیچ چیز برایشان مطرح نیست، انسانْ منزوی خواهد شد. «**إن یتّخَذونک الا هزواً**»[1] معلوم است! مگر وقتی پیغمبر صلوات‌الله‌علیه، دعوت را آورد، منزوی نبود؟ مگر امام بزرگوار ما، در دوران سلطه‌ی طاغوت، در خانه‌ی خودش غریب و منزوی نبود؟ منزوی یعنی چه؟! حکومت اسلامی، این جوانمردی و رشادت را دارد که آنچه را حقّ است بگوید و از امریکا و قدرتهای متّحد در دنیا نترسد. فرق ما با آن کشورِ ضعیفِ وابسته در همین است. آن دولتهایی می‌ترسند که به ملتهایشان وصل نیستند. آنها هم اگر با ملتهایشان متّصل بودند، این جرأت را داشتند که مافی‌الضّمیر خودشان را بگویند. ما با ملتمان وصلیم. ما یک دولت بی‌پشت و پناه نیستیم. مثل یک پرده‌ی پوششی که نیرویی آن را به طرفی بکشد و پشت سرش هیچ نباشد، نیستیم. عقبه‌مان خیلی قوی است. عقبه‌ی ما، یک ملت با عظمت، یک ملت پنجاه و چند میلیونیِ مؤمن است. عقبه‌ی ما، منطق و استدلالی است که بر ما و بر روح ما حاکم است.

ما تسلیم ظلم نمی‌شویم. تسلیم زورگوییها و گستاخیهای وقیحانه‌ی امریکا و قدرتهای متّحد امریکا نمی‌شویم. قرآن به ما یاد داده است که حرف حق را با قدرت بزنیم و بر آن پافشاری و اصرار کنیم و نیرویمان را برای آن بسیج نماییم. خدای متعال هم برکت خواهد داد و کمک خواهد کرد؛ همچنان که سرنوشت ما در این پانزده سال ماجرای حماسی ملت ایران این را اثبات می‌کند.[2]

---

۱. سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۳۶

۲. بیانات در دیدار فرماندهان و مسؤولان «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» ۱۳۷۲/۰۶/۲۵

فصل سوم
صهیونیسم و اسرائیل

صهیونیسم؛ مفهومی وسیع‌تر از اسرائیل

عزیزان من! یکی از خدمتهایی که دشمنان ما به ما می‌کنند، همین است که به ما نشان می‌دهند در تبلیغ روی چه نقاطی باید متمرکز شویم. امروز اگر شما نگاه کنید، می‌بینید که همه‌ی دستگاههای تبلیغی دشمن دست به دست هم داده‌اند و تبلیغات خود را بر روی چند نقطه متمرکز کرده‌اند. در رأس آنها هم تبلیغات صهیونیستهاست. صهیونیستها که عرض می‌کنیم، فقط مراد ما دولت صهیونیست غاصب نیست؛ او بخشی از مجموعه‌ی صهیونیستهاست؛ مجموعه‌ی صهیونیستهایی که سرمایه‌داران بزرگ کشورهایی از جمله امریکا را تشکیل می‌دهند و بر سیاست آن کشور مسلطند.

امروز متأسفانه کشور امریکا، دولت امریکا، کنگره‌ی امریکا، در زمینه‌های گوناگون - مالی، تبلیغاتی، فرهنگی و غیره - اسیر طلسم صهیونیستند. تبلیغات رسانه‌ای دنیا هم غالباً در اختیار اینهاست. این خبرگزاریهای معروفی که شما می‌بینید، عمده‌شان در اختیار همین مجموعه‌اند. بعضیها هم که متعلق به آنها نیستند، با آنها هم‌جهتند. اگر شما تبلیغات اینها را نگاه کنید، می‌بینید که در مورد کشور عزیز و ملت بزرگ و قهرمان و درعین‌حال مظلوم ما، بر روی چند نقطه متمرکزند: اول، اختلاف و دوئیت و تفرقه است؛ همان

داستان قدیمی «تفرقه بینداز، حکومت کن»؛ همان درد و بلای عمده‌ای که از قدیم در جان ملتها می‌افتاده است. درصدند تفرقه ایجاد کنند، یا اگر هرچه تلاش کردند دیدند نمی‌توانند تفرقه ایجاد کنند، شایعه‌ی تفرقه بیندازند.[۱]

صهیونیستها؛ طراح تحولات منفی در سطح بین‌المللی در قالب ناتوی فرهنگی

از این[فراموشی هویت مستقلّ ملّی] خطرناکتر، این است که سررشته‌ی همین تحولات منفی در سطح بین‌المللی، در دست کسانی باشد که آنها به وسیله‌ی این تحولات می‌خواهند اهداف خودشان را - که یا زر است یا زور - تأمین کنند و برای آنها چیزی به نام هویت ملتها اصلاً ارزش ندارد؛ که متأسفانه این در صد سال، صد و پنجاه سال اخیر، در دنیا اتفاق افتاده است؛ یعنی تحولات کشورهای آسیایی و آفریقایی و امریکای لاتین در دام طراحی باندهای قدرت بین‌المللی افتاده است و طراح اینها صهیونیست و سرمایه‌داران بین‌المللی بوده‌اند. برای اینها آنچه مهم بوده، کسب قدرت سیاسی است که بتوانند در کشورها و دولتهای اروپایی و غیره نفوذ کنند و قدرت سیاسی را در دست بگیرند و پول کسب کنند و این کمپانیها، سرمایه‌های عظیم، کارتلها و تراستها را به وجود آورند. هدف این بوده است؛ آن وقت اگر اقتضاء می‌کرده است که اخلاق جنسی ملتها را خراب کنند، راحت می‌کردند؛ مصرف‌گرایی را در بین آنها ترویج کنند، به‌راحتی این کار را انجام می‌دادند؛ بی‌اعتنایی به هویتهای ملی و مبانی فرهنگی را در آنها ترویج کنند، این کار را می‌کردند. اینها، اهداف کلان آنها بوده است که تصویر می‌کردند. آن وقت همیشه لشکری هم از امکانات فرهنگی و رسانه‌ای و روزنامه‌های فراوان و مسائل گوناگون تبلیغات در مشت اینها بوده است، که اینها امروز یواش یواش دارد پخش می‌شود و من پریروز در روزنامه - البته سه، چهار ماه قبل از این، من مقاله‌اش را دیده بودم - گزارشی از تشکیل «ناتوی فرهنگی» را خواندم. یعنی در مقابل پیمان ناتو که امریکاییها در اروپا به عنوان مقابله‌ی با شوروی سابق یک مجموعه‌ی مقتدر نظامی به

۱. بیانات در دیدار علما و روحانیون در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان ۱۳۷۶/۱۰/۰۳

وجود آوردند؛ اما برای سرکوب هر صدای معارض با خودشان در منطقه‌ی خاور میانه و آسیا و غیره از آن استفاده می‌کردند، حالا یک ناتوی فرهنگی هم به وجود آورده‌اند. این، بسیار چیز خطرناکی است. البته حالا هم نیست؛ سالهاست که این اتفاق افتاده است. مجموعه‌ی زنجیره‌ی به هم پیوسته‌ی رسانه‌های گوناگون – که حالا اینترنت هم داخلش شده است و ماهواره‌ها و تلویزیونها و رادیوها – در جهت مشخصی حرکت می‌کنند تا سررشته‌ی تحولات جوامع را به عهده بگیرند؛ حالا که دیگر خیلی هم آسان و رو راست شده است.

در گرجستان که یک تحول سیاسی اتفاق افتاد و جا به‌جایی قدرت انجام گرفت، یک سرمایه‌دار امریکایی و صهیونیست یهودی – البته اسمش معروف است، من نمی‌خواهم اسمش را بیاورم – اعلام کرد که من ده میلیون دلار در کشور گرجستان خرج کردم و تحول سیاسی ایجاد کردم؛ خیلی راحت. ده میلیون دلار خرج می‌کنند، یک حکومت را کنار می‌گذارند، یک حکومت دیگر را سر کار می‌آورند! اینها باید روی مردم اثر بگذارند؛ باید اجتماعات درست کنند. در اوکراین هم همین کار را کردند؛ در جاهای دیگر هم همین کار را کردند. گاهی اوقات تأثیراتشان به شکل دیگری است و تعیین کننده است. شاید این را در یک جمع دانشجوییِ دیگر گفته باشم که ماهاتیر محمد، نخست وزیر سابق مالزی – که بسیار هم آدم پرکار و دقیق و جدی و پایبندی بود – به تهران آمد، به دیدن من هم آمد؛ همان اوقات بود که تحولات گوناگونی در آسیای شرقی اتفاق افتاده بود؛ در مالزی، اندونزی و تایلند، و زلزله‌ی اقتصادی به وجود آمده بود. همین سرمایه‌دار صهیونیستی و بعد سرمایه‌دارهای دیگر، با بازیهای بانکی و پولی توانستند چند تا کشور را به ورشکستگی بکشانند. در آن وقت ماهاتیر محمد به من گفت: من فقط همین قدر به شما بگویم که ما یک شبه گدا شدیم! البته وقتی کشوری وابستگی اقتصادی پیدا کرد و خواست نسخه‌های اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را عمل بکند، همین‌طور هم خواهد شد.خود این بانک جهانی و صندوق بین‌المللی هم یکی از بخشها و قطعه‌های این پازل بزرگند. این خیلی خطرناک است که سر رشته‌ی تحولات جهانی

دست باندهای قدرت بین‌المللی باشد؛ که امروز هست. اینها صهیونیستها و سرمایه‌دارهایند و عمدتاً هم در امریکا و در اروپایند. این دو، سه نکته در باب تحول بود. پس، از تحول نباید گریخت؛ نباید ترسید و نباید آن را با هرج و مرج و آنارشیسم اشتباه کرد. تحول خوب است و لازم است.[1]

رژیم صهیونیست امروز، بسیار ضعیف‌تر از رژیم صهیونیست چند سال قبل

امروز بحمدالله موقعیت ما، موقعیت مستحکمی است؛ بعکس موقعیت دشمنان و مخالفان ما متزلزل است. من دیروز و پریروز هم گفتم: امریکای امروز، امریکای ده سال و پانزده سال قبل نیست؛ رژیم صهیونیست امروز هم، رژیم صهیونیست چند سال قبل نیست. این رژیم بشدت تودهنی خورد.[2]

صهیونیسم، در قلب صفوف دشمنان خونی اسلام و نظام جمهوری اسلامی

امروز در مقابل نظام جمهوری اسلامی که فعلاً قلّه‌ی اسلام‌طلبی در دنیای اسلام است، صفوفی قرار گرفته‌اند؛ استکبار جهانی در قلب آن صفوف است؛ صهیونیسم در قلب آن صفوف است. اینها به طور صریح، دشمنان خونی اسلامند، پس دشمنان خونی جمهوری اسلامی‌اند. این شد یک معیار. اگر حرکتی کردیم، کاری کردیم که به نفع این دشمن انجام گرفت، باید بدانیم اگر غافلیم، هوشیار بشویم، بدانیم که داریم راه غلط میرویم. اگر حرکتی کردیم که دیدیم این دشمن را خشمگین میکند، بدانیم که راهمان راه درست است. دشمن از پیشرفت ملت ایران خشمگین میشود، از موفقیتهای شما خشمگین میشود، از استحکام نظام اسلامی خشمگین میشود. شما ببینید از کدامیک از کارهای ما دشمن خشمگین میشود؛ آن چیزی که دشمن را خشمگین میکند، این همان خط درست است. آن چیزی که دشمن را مشعوف میکند، ذوق‌زده میکند، سعی میکند بر روی آن هی تکیه کند؛ در تبلیغات، در سیاست‌ورزی، این آن خط کج است؛ این همان زاویه‌داری

۱. دیدار دانشجویان ۱۳۸۵/۰۸/۱۸
۲. دیدار مردم گرمسار ۱۳۸۵/۰۸/۲۱

است. این معیارها را در نظر داشته باشید. این معیارها حقایق را روشن خواهد کرد. در بسیاری از موارد آن جائی که اشتباهی پیش می‌آید، با این معیارها میشود آن اشتباه را برطرف کرد.[1]

سیطره‌ی صهیونیسم بر اغلب خبرگزاریها

تبلیغات دشمن و عمده‌ی این تبلیغات، دست صهیونیستهاست. خبرگزاریهای معروفی که در دنیا وجود دارند، اغلبشان متعلق به صهیونیستها هستند. بعضی از رادیوهای معروف دنیا هم، متعلق به آنهایند. صهیونیستها هم در این منطقه، مثل سگ زنجیری استکبار عمل می‌کنند. پارس کردن و پاچه گرفتن و به این و آن پریدن، شأن صهیونیستهاست. از آنها، غیر از این هم انتظاری نیست و البته، کسی هم اهمیتی به آنها نمی‌دهد. اما اگر کسی به وضع تبلیغات اینها در برهه‌های مختلف نگاه کند، چیزهای شگفت‌آوری را احساس می‌کند.[2]

سیطره‌ی صهیونیسم بر اغلب مراکز قدرت بین‌المللی، قدرتهای مالی و اقتصادی

ما امروز مواجه هستیم با یک جبهه‌ی دشمنی بزرگ در سراسر دنیای قدرتمندان؛ این جبهه‌ای است که شکل گرفته است در مراکز قدرت بین‌المللی، قدرتهای مالی و اقتصادی، که غالباً هم در مشت صهیونیستها و سرمایه‌دارهای بزرگ است. این جبهه در مقابل نظام اسلامی از همه‌ی وسائل استفاده میکند و در داخل هم متأسفانه کسانی به اینها جواب میدهند؛ کسانی میشوند طرف مورد اعتماد آنها، حرف آنها را تکرار میکنند، به آنها پاس میدهند، برای اینکه آنها بتوانند به نظام جمهوری اسلامی ضربه بزنند! یک چنین حالتی متأسفانه وجود دارد. لیکن در مقابل آن، بیداری مردم، آگاهی مردم، انگیزه‌ی مردم، حضور مردم، دینداری مردم، علاقه‌مندی مردم به مبانی

---

۱. بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر ۱۳۸۸/۰۷/۱۵

۲. بیانات در جمع علما، طلاب و روحانیان، در آستانه‌ی ماه «محرم» ۱۳۷۲/۰۳/۲۶

نظام و پایه‌های نظام وجود دارد. اینها حقائقی است که در جمهوری اسلامی وجود دارد. و ما پیش رفتیم. ما در طول این سالهای متمادی، خدا را شکر میکنیم که پیش رفتیم.[1]

اعلام هدف اسرائیل بزرگ توسط صهیونیستها، به سبب سکوت وسازش دولتهای عربی

سکوت و سازش خیانت‌آلود بسیاری از دولتهای عربی و حتّی تظاهر بعضی از آنان به بی‌تفاوتی و عدم حساسیت نسبت به سرنوشت فلسطین، کار را به جایی رسانده است که دولت غاصب صهیونیست، پس از سالها کتمان و حتّی انکار، اکنون دوباره داعیه‌ی اسرائیل بزرگ را علناً بر زبان می‌آورد و با بی‌شرمی و وقاحت، نیت پلید غصب سرزمینهای جدیدی از میهن اسلامی را تکرار می‌کند.

بعضی از پادشاهان و رؤسای عرب، به خاطر جلب نظر معبودشان امریکا، حتّی انگیزه‌های عربی و عرق قومیت را که دائماً از آن دم می‌زنند، در برابر اسرائیل به فراموشی می‌سپارند و به جای آن، میدان مسابقه با اسرائیل در گرفتن کمک از امریکا را هرچه بیشتر گرم می‌کنند. این داغ ننگ را چه کسی از پیشانی ملت عرب خواهد زدود؟ و آیا جوانان مسلمان بیدار در کشورهای عربی، این خیانت را بر خودفروختگان خواهند بخشید؟!

در نظر این زمامداران خائن، قومیت و وحدت عربی، فقط هنگامی باید مورد استفاده قرار گیرد که امریکا بخواهد از آن در برابر ایران اسلامی و اسلام ناب محمّدی‌صلّی‌الله‌علیه‌وآله بهره‌برداری کند. اُف بر وجدانهای خفته و دلهای ناپاکی که لطف و عنایت امریکا را به قیمت از دست دادن همه چیز، هم ثروتهای خداداد طبیعی، هم شأن و کرامت انسانی و ایمان اسلامی و آبرو و اعتبار و تشخص ملت خود طلب کردند و با کفران نعمتهای خدا، خود و ملتهایشان را در سراشیب انحطاط و ابتلا به غضب الهی دچار ساختند. «**اَلَم تَرَ الی الّذین بَدَّلُوا نعمت‌الله کفراً و اَحَلُّوا قومَهم دارَالبَوارِ جَهنّمَ یَصلَونَها و بِئسَ**

۱. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۱۲/۰۶

القَرار».[1]

چه شد آن شور و هیجانی که در برابر اسرائیل غاصب ابراز می‌شد؟ و چه شد تعهدی که رؤسای عرب با ملتهای خود درباره‌ی مبارزه با اسرائیل بستند؟ لعنت خدا و بندگان صالحش بر آن دستی[2] که اولین معاهده‌ی سازش با اسرائیل را امضاء کرد و زندگی سیاه دنیوی و سرنوشت اخروی خود را با فرعون قرین ساخت. و نفرین بندگان صالح و فرشتگان و انبیا و اولیا بر آنان که آن راه را ادامه داده‌اند و می‌دهند؛ مخصوصاً آنان که امید کاذبی به ملت مظلوم فلسطین داده و آن‌گاه به بهای سیه‌روزی آنان، عیش ناپایداری برای خود فراهم کردند.[3]

ماهیت اسرائیل

اکنون اوضاع آشفته‌ی جهان اسلام و وابستگی روزافزون کشورهای منطقه به قدرت بی‌مهار امریکا، زمینه‌ی مساعدی برای تهاجم کینه‌ورزانه‌ی دولت غاصب فراهم ساخته، که با پشتگرمی به حمایت شیطان بزرگ - که حقاً خطرناکترین دشمن اسلام و مسلمین است - آشکارا مقاصدی را که هرگز هم تلاش زیادی برای پنهان ساختن آن نمی‌کرده است، دنبال کند: انتقال یهودیان شوروی که بخشی از بهای کمکهای غرب به آن ابرقدرت سابق است؛ انتقال فلاشه‌های اتیوپی که قرار است خدمت به صهیونیستهای امریکایی و اروپایی غاصب فلسطین را بکنند و اخیراً یهودیان هند؛ شهرک‌سازی در بخشهای غصب شده‌ی اخیر فلسطین و حتّی احتمالاً در بخش اشغال‌شده‌ی لبنان؛ افزایش تجهیزات نظامی و سلاحهای کشتار جمعی در همان حال که امریکا جنجال تحریم صدور چنین سلاحهایی را به خاورمیانه بلند کرده است؛ حملات هوایی روزمره و متناوب به جنوب لبنان و بمباران غیرنظامیان فلسطینی و لبنانی؛ سختگیری روزافزون نسبت به شهروندان عرب فلسطینی

---

۱. سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی۲۸

۲. انور سادات

۳. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۶۹/۰۳/۱۰

– یعنی صاحبان آن سرزمین – و انجام جنایت‌بارترین و وحشیانه‌ترین برخوردهای پلیسی با مردم، و در همان حال در صحنه‌ی سیاسی، در برابر عقب‌نشینی روزبه‌روز دولتهای عربی و ساف و ضعف نشان‌دادن زبونانه‌ی برخی از سیاستمداران عرب، چهره‌ی مهاجم به خود گرفتن و حتّی فکر تشکیل کنفرانس بین‌المللی و یا منطقه‌یی هر یک را به نوعی رد کردن، و بالاخره پیشنهاد تشکیل دولت فلسطین در گوشه‌یی از سرزمین فلسطین را که محصول عقب‌نشینی و ذلت‌پذیری طرفهای فلسطینی بود، به صراحت و قاطعیت رد کردن. اینها مجموعه‌یی از سیاستها و اعمال آشکار آدمی‌ستیزان صهیونیست است و یقیناً در کنار اینها چندین برابر، فعالیت پنهان در جهت توطئه و ترور و آدم‌ربایی و جنگ روانی و تبلیغات مسموم و جنایتهای شناخته و ناشناخته‌یی است که فقط از صهیونیستها و همکاران آنها ساخته و متصور است.[1]

رژیم غاصب صهیونیست، واضحترین نمونه‌ی دولت تروریست

البته دولتِ تروریست هم داریم که به کارش «تروریسم دولتی» اطلاق می‌شود. امروز واضحترین نمونه‌ی دولت تروریست، رژیم غاصب صهیونیست است. در واقع، از روزی که دستِ پلید و سیاستِ ضدّاسلامی، ضدّمردمی و ضدّشرقیِ انگلیس، در کشور فلسطینِ اسلامی به صهیونیستها حکومت داد – یعنی از سال ۱۹۴۸ میلادی و قبل از آن – تروریسم دولتی هم شکل گرفت و به ترور پرداخت. صهیونیستها کارهایشان را با ترور پیش می‌بردند و می‌برند. به عنوان مثال، قتل عام در «دیرِیاسین» که قضیه‌اش را شنیده‌اید، از مظاهر تروریسم است.

وقتی به یک روستا حمله کنند، مردها، زنها و بچه‌ها را به رگبار ببندند و یا مردها را بکشند و زنهای تنها و بی‌پناه را در بیابان رها کنند و به آنها بگویند «هر جا می‌خواهید بروید» و سپس همه‌ی خانه‌ها را آتش بزنند، یکی از بارزترین مظاهر تروریسم رخ می‌نماید.

---

۱. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۳۷۰/۰۳/۲۶

دولت غاصب اسرائیل، از بدو تشکیل تا امروز – به عبارتی: در تمام طولِ تقریباً نیم قرنی که این غدّه‌ی سرطانی در پیکره‌ی اسلامی پیدا شده است– همیشه کارش را با ترور پیش برده و مظهر کامل تروریسم دولتی است. حتماً شنیده‌اید که اخیراً این دولت غاصب، در یک هجوم شبانه، چند فروند چرخبال و هواپیما، همراه با کماندو و اسلحه به لبنان فرستاد، تا روستایی را به محاصره درآورند و مردی را از خانه‌اش بربایند و به زندان منتقل کنند. آیا تروریسم دولتی از این واضحتر وجود دارد؟!

جالب این جاست که چندی پیش، رؤسای هفت دولت صنعتی جهان، نشستند، ریش جنباندند و راجع به تروریسم حرف زدند. آیا شما نمی‌دانید که امروز مظهر تروریسم کیست؟! آیا شما انصاف دارید؟! آیا شما از افکار عمومی جهان، اندکی ملاحظه دارید؟! آیا شما که این‌قدر مدّعی حقوق بشر هستید، انسانها را دارای عقل و تشخیص می‌دانید؟! امروز مظهر تروریسم دولتی و دولت تروریست در دنیا کیست؟ آن دولتی که هر روز به لبنان حمله می‌کند و به کشتار و آدم‌ربایی می‌پردازد کیست؟ کیست که دولتش، از اوّل براساس ترور، ایجاد وحشت و کشتار و قتل عام به وجود آمده است؟ آیا غیر از دولت اسرائیل، دولت دیگری هم هست که از این ویژگیها برخوردار باشد؟ دنبال تروریسم دولتی می‌گردید؟ بفرمایید: اسرائیل! چرا در مقابل اقدامات تروریستی این دولت ساکت می‌مانید و حتّی از آن حمایت می‌کنید؟! چرا دروغ می‌گویید؟! دولت غاصبِ اسرائیل، بلایی جهانی است.[1]

دو بلا در سطح جهان: بلای تروریسم و بلای حق‌کشیِ مدّعیان زمامداری امور بشر

ببینید! امروز در سطح جهان، دو بلا وجود دارد: یک بلا، بلای تروریسم است؛ که مظهر اعلایش از لحاظ دولتی، حکومت غاصبِ صهیونیستها، و از لحاظ حزبی، منافقین و امثال منافقینند که مثل میکروبی که در محیط مناسبی در زباله‌دان رشد می‌کند و تکثیر می‌شود، زیر بال دولتهای بزرگ، رشد و نمو

۱. بیانات در دیدار جمعی از اعضای «نیروی انتظامی»، کارکنان «سازمان تأمین اجتماعی»، «سازمان بهزیستی» و اساتید و دانشجویان دانشگاهها ۱۳۷۳/۰۴/۲۹

کردند. بلای دوم، که شاید از بلای اوّل هم بزرگتر است، حق‌کشیِ کسانی است که مدّعیِ زمامداری امور بشرند. اینها ترور را می‌بینند، تروریست را می‌شناسند و تروریسم دولتی را هم تشخیص می‌دهند، اما حق را می‌پوشانند و انکار می‌کنند. کار اینها واقعاً برای بشریت، بلای بزرگی است. [1]

حیله‌گری اسرئیل؛ تلاش برای به رسمیت شناخته شدن توسط اعراب

امروز حیله‌گری آنها، همین ایجاد «کنفرانس فلسطین» یعنی کنفرانس برای شناسایی اسرائیل است. همین کنفرانس ژنو و دیگر مجامع جهانی، که امریکا کارگردانی می‌کند، ترفند اینهاست. بمجرد این‌که اعراب، اینها را به رسمیت بشناسند و این مانع که مانع مهمی است، از سر راه صهیونیستها برداشته شود، باز نوبت زور و خشونت و خباثت آنها می‌شود. هم‌اکنون نیز در لبنان به خباثت و خشونت متوسل شده‌اند. [2]

...امروز یک بار دیگر یکی از آن لحظه‌های سرنوشت‌ساز در پیش است، و یکی از آن امتحانهای عمومی آماده. مسأله این است که امریکا در بحبوحه‌ی آنچه پیروزیهای پس از پایان «جنگ سرد» نامیده می‌شود، و به برکت سکوت رعب‌آمیزی که بر برخی از کشورهای این منطقه حاکم گشته، و با تکیه بر حضور نظامی غاصبانه در خلیج‌فارس، درصدد است مشکل خود و مشکل صهیونیستهای غاصب را حل کند؛ اسرائیل از سوی اعراب به رسمیت شناخته شود و داعیه‌ی «فلسطین» برای همیشه پایان یابد. [3]

کوتاه‌آمدن در برابر اسرائیل، باعث خشونت بیشترِ آن

ملت ایران نسبت به این قضیه آگاه است. ملتهای دیگر هم باید بفهمند.

---

۱. بیانات در دیدار جمعی از اعضای «نیروی انتظامی»، کارکنان «سازمان تأمین اجتماعی»، «سازمان بهزیستی» و اساتید و دانشجویان دانشگاهها ۱۳۷۳/۰۴/۲۹

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۱/۰۱/۰۷

۳. پیام به ملتهای مسلمان، علما، نویسندگان، روشنفکران و دانشجویان کشورهای اسلامی، به منظور بسیج نیروهای عظیم کشورهای اسلامی برای مقابله با توطئه‌های خباثت‌آمیز امریکا و اسرائیل در کنفرانس مادرید۱۳۷۰/۰۷/۲۵

بحمدالله بسیاری از ملتهای اسلامی و ملل آزاده‌ی دنیا، کم و بیش از این مسائل اطلاع دارند. آنچه ما می‌خواهیم نتیجه بگیریم این است که چهل و پنج سال از غصب سرزمین فلسطین می‌گذرد. هر چه دولتهای عربی و سازمانهای فلسطینی کوتاه آمدند، دشمن پرروتر و خشونت از طرف او بیشتر شد. نتیجه این است که ملت فلسطین برای نجات خود، یک راه بیشتر ندارد و آن، مبارزه‌ی خشن فداکارانه‌ای است که باید در داخل و خارج سر زمینهای اشغالی انجام گیرد. وظیفه‌ی همه‌ی مسلمانان هم این است که به این مبارزه‌ی اسلامی کمک کنند.[1]

خاصیت قدرت استکباری؛ بی‌توجهی به حقوق دیگران

خاصیت قدرت استکباری این است که به همه‌ی دنیا مثل منطقه‌یی که متعلق به خود اوست، یا او حق استفاده‌ی از آن را دارد، نگاه می‌کند. اگر بناست یک نقطه را تقویت کند، چون به نفع اوست، بدون هیچ ملاحظه‌یی تقویت می‌کند. امروز شما ببینید اسرائیل چقدر مورد حمایت امریکاست؛ اسرائیلی که بعد از آن‌که حقوق ملت فلسطین را تضییع کرده است، هیچ حقی برای ملتهای همسایه‌ی خود قائل نیست؛ هر وقت فرصت پیدا کند، تجاوز می‌کند؛ امروز چون می‌تواند به لبنان تجاوز کند، تجاوز می‌کند؛ ولی روزی اگر لازم بداند، به اردن یا به سوریه هم حمله می‌کند. چه چیزی مانع او خواهد شد؟!

اسرائیل رژیمی است که در داخل سرزمینهای اشغالی فلسطین، برای مردم این سرزمین کمترین حق حیات و حیثیت زندگی‌یی قائل نیست؛ به آنها اجازه‌ی زندگی در خانه‌ی خودشان هم نمی‌دهد؛ آن کسانی که در مقابل فشار نیروهای صهیونیستی فریادی بکشند، آن‌طور خشن آنها را خفه و سرکوب می‌کند؛ به هیچیک از قراردادهای بین‌المللی که در عرف دولتهای جهانی مورد قبول است، اگر نخواهد، عمل نمی‌کند؛ هرکدام که برای او اندک مشکلی داشته باشد، آن را خیلی راحت کناری می‌گذارد! امریکا از

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۱/۰۱/۰۷

چنین رژیمی وحشی و گستاخ و بی‌اعتنای به قوانین انسانی و مقررات بین‌المللی حمایت می‌کند!

این کارهایی که امروز اسرائیل می‌کند، اگر کمتر از آن را دولتی انجام می‌داد که در خدمت منافع امریکا نبود، می‌دانید تبلیغات امریکایی با آن دولت چه می‌کرد؟! در همین جریان شهادت دبیر کل حزب‌الله لبنان - مرحوم سیّد عباس موسوی، این مجاهد شهید و با اخلاص - هلیکوپترهای صهیونیست وارد فضای کشور دیگری می‌شوند؛ آزادانه در آن رفت‌وآمد می‌کنند؛ نقطه‌یی را زیر نظر می‌گیرند و کاروان اتومبیلهای غیرنظامی را با موشک می‌زنند؛ مرد را می‌کُشند، زن را می‌کُشند، فرزند خردسال را می‌کُشند؛ اما شما ببینید در مقابل این جنایت واضح - که هیچ کس در جنایت بودن این رفتار نمی‌تواند کمترین تردیدی بکند - دنیای استکباری چه موضعی می‌گیرد؟! مگر معنای تروریسم چیست؟! مگر تروریسم غیر از این است؟! به غیرمسلحی حمله کنند؛ به زن و فرزند مردم حمله کنند؛ به خانه‌ی مردم حمله کنند؛ از داخل خانه، صاحبِ خانه را بربایند؛ شکنجه کنند و بکُشند! مگر تروریسم چیست؟! آیا رژیم ایالات متحده‌ی امریکا و سازمانهایی که دم از طرفداری از حقوق بشر و مخالفت با تروریسم می‌زنند، نمی‌فهمند که تروریسم یعنی این؟! نمی‌دانند که تروریسم دولتی، یعنی آن کاری که چهل و چند سال است که رژیم غاصب صهیونیست دارد انجام می‌دهد؟! یا می‌فهمند و به رو نمی‌آورند؟! آیا وقتی ملتی می‌بیند که این‌طور فرهنگها و واژه‌ها و لغات، در قاموس استکبار امریکایی، نابجا و غلط مصرف می‌شود، جا دارد که از این‌که امریکا به او تروریست بگوید، تحاشی[1] کند؟ امریکاییها عده‌یی را در لیست تروریستها قرار دادند؛ غلط کردند! اگر بناست کسانی در لیست تروریستها قرار بگیرند، اول خود رژیم امریکاست که تروریست‌تر از دیگران است و حامی خبیث‌ترین رژیمهای دنیا - یعنی رژیم صهیونیست- است.[2]

---

۱. انکار و خود را منزّه دانستن

۲. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی(عج) ۱۳۷۰/۱۱/۳۰

اهداف اسرائیل از به‌دست‌آوردن رسمیت از کشورهای عربی

خلاصی اسرائیل از دغدغه‌ی معارضات دولتهای عربی، آن دست‌آموز امریکا را اولاً برای وظیفه‌ی اصلیش، یعنی مبارزه با حرکتهای اسلامی در این منطقه – که بزرگترین خطر جدی برای امریکاست – آماده می‌سازد؛ ثانیاً نفوذ امریکا را بر کشورهای این منطقه‌ی حیاتی قطعی کرده، منطقه را به صورت خانه‌ی امن امریکاییان درمی‌آورد و شیطان بزرگ، صاحب‌اختیار بی‌دردسر خاورمیانه می‌شود؛ و ثالثاً اسرائیل در راه توسعه‌ی سرزمینهای اشغالی و آرزوی «از نیل تا فرات»، یک سنگر مهم دیگر را فتح می‌کند. [1]

علت قدرتمندی اسرائیل؛ دوگانگی دولتهای اسلامی با ملتهایشان

چرا امروز رژیم غاصب صهیونیستی، به پشتیبانی امریکا و پول صهیونیستهای عالم، می‌تواند به ملتهای عربی این‌طور واضح زور بگوید؟ چرا بعد از گذشت دهها سال که مسلمانان و توده‌های عرب، مذاکره‌ی با اسرائیل را – که یک رژیم جعلی و بی‌ریشه و تحمیلی و غاصب در منطقه است – تحریم می‌کردند و آن را زشت می‌شمردند، امروز متأسفانه فکر مذاکره در میان عناصر سیاسی و بسیاری از دولتهای عرب، تلقی به قبول می‌شود؟ چون مردم حضور ندارند، چون دست مردم با دستهای فعال آن کشورها همراه نیست، چون رژیمها به راهی می‌روند و ملتها به راهی دیگر؛ نتیجه ضعف است. والّا اگر رژیمهای عربی که امروز مذاکره‌ی با اسرائیل را قبول می‌کنند، به ملتهای خود متکی بودند، چرا احساس کنند که ناچار و مجبورند با دشمن خانگی و غاصب سرزمین خود بنشینند و در مورد سرزمین مغصوب حرف بزنند؟ اگر ملتها را در صحنه راه می‌دادند، اگر به عواطف و فکر و اراده و نیروی ملتها احترام می‌گذاشتند، ملتها نمی‌گذاشتند کشورها و رژیمهای عربی این‌طور دچار ضعف بشوند. [2]

---

۱. پیام به ملتهای مسلمان، علما، نویسندگان، روشنفکران و دانشجویان کشورهای اسلامی، به منظور بسیج نیروهای عظیم کشورهای اسلامی برای مقابله با توطئه‌های خباثت‌آمیز امریکا و اسرائیل در کنفرانس مادرید۱۳۷۰/۰۷/۲۵

۲. سخنرانی در ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۰۵/۰۹

سوء استفاده‌ی دشمن از غفلت مسلمین

ملت اسلام باید بیدار باشد و این وظیفه را فراموش نکند. دشمن خدا، از غفلت مسلمین سوء استفاده کرد؛ والّا چندصدهزار صهیونیست در اول کار، بعد هم تا امروز یکی، دو میلیون با همه‌ی آن حواشی‌یی که از اطراف دنیا فراهم کردند، مگر چقدر قدرت دارند؟ اگر سران کشورهای اسلامی بهوش بودند، اگر ملتهای اسلامی بیدار بودند، مگر کمکهای امریکا در آن صورت می‌توانست اسرائیل را نجات بدهد؟ ابداً. مسلمانان غافل می‌مانند که دشمن می‌تواند اظهار وجود بکند. دشمن چندان قوی نیست؛ ما از قوّت خودمان غافلیم.[1]

عقب‌نشینی دولتهای اسلامی، موجب گستاخی استکبار

این خطای بزرگی است که کسی تصور کند عقب‌نشینی دولتهای اسلامی در برابر استکبار در قضیه‌ی فلسطین، آنها را قانع خواهد کرد. می‌بینید همین کوتاه آمدنها و عقب‌نشینی‌ها برای دولت استکباری ایالات متحده‌ی امریکا، مسأله‌ی خاورمیانه را به صورت یک آرزوی خام مطرح کرده است. آنها دنبال خاورمیانه‌یی هستند که یکسره و به طور کامل در مشت خودشان باشد، که امروز چنین چیزی نیست. سکوت دولتهای اسلامی و عقب‌نشینی آنها در عرصه‌ی سیاسی و در عرصه‌ی بین‌المللی، دشمن را روزبه‌روز گستاخ‌تر می‌کند.

...امت اسلامی امروز در دنیا یک حقیقت غیر قابل انکار است. ملتهای مسلمان دلهاشان پُر است از نفرت از آن قدرتهای بین‌المللی زورگو و غاصب و اگر فرصتی پیدا کنند، همه‌ی این ملتها پشت سرِ ملت فلسطین ایستاده‌اند.

این را هم همه باید بدانیم و بفهمیم که عقب‌نشینی در مقابل قدرتهای

---

۱. سخنرانی در دیدار گروهی از آزادگان، جمعی از خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان، مسؤولان اجرایی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی و ائمه‌ی جمعه‌ی استانهای کرمانشاه، یزد و چهارمحال و بختیاری، و گروهی از مردم شهرهای گرگان، گنبد، محلات، گتوند، شوشتر، سپیدان، تهران، شیراز و جهرم ۱۳۶۹/۰۸/۰۲

استکباری، آنها را جَری‌تر می‌کند؛ اما ایستادگی، به ناکامی آنها می‌انجامد. قدرت ابرقدرتهای دنیا یک قدرت بی‌تخلف و بی‌منتها نیست.[1]

نقطه‌ی ضعف دشمن، همان نقطه‌ی سختگیری او

این را هم بگویم: آن جایی که شما احساس می‌کنید دشمن سختگیری می‌کند، درست همان جایی است که دشمن آسیب می‌بیند. فشاری که این روزها به‌وسیله‌ی صهیونیستها بر مسلمانان مظلوم فلسطینی وارد می‌شود، به معنای آن است که استکبار در سرزمینهای اشغالی فلسطین مقدس، به طور جدی تهدید می‌شود. اگر تهدید جدی نبود، این قدر فشار زیاد نمی‌شد. این روزها دولت غاصب صهیونیست، به طور روزمره در سرزمین اشغالی به مردم حمله می‌کند و حتی شنیدم به زنها حمله کرده، تعدادی از آنها را مضروب و مجروح نموده و تعداد کثیری از مردم را به‌وسیله‌ی مزدوران نظامی و پلیس خود مجروح کرده است. چقدر از افراد را می‌گیرند و در زندانهای خود بازداشت و شکنجه می‌کنند و در نهایت فشار نگه می‌دارند؛ اما شعله‌ی مقدس، روزبه‌روز در سرزمینهای اشغالی مشتعل‌تر می‌شود.[2]

شگرد دشمن؛ انصراف ذهنها از فلسطین به جاهای فرعی و به مسائل دروغین

دنیای اسلام - بخصوص دنیای عرب - همین امروز باید متوجّه باشد که شگرد دشمنان این است که آنها را از این قضیه‌ی مهم که امروز قضیه‌ی اصلی جهان اسلام و بخصوص قضیه‌ی اصلی جهان عرب است، منصرف و ذهنها را به جاهای فرعی و به مسائل دروغین منتقل کنند، برای این‌که بتوانند این کار را انجام دهند. البته آنها نخواهند توانست انجام دهند. اینها هم اگر غفلت کنند، برای خودشان جز زیان، چیزی به بار نخواهد آورد؛ یعنی آبروی غفلت کنندگان خواهد رفت، اما قضیه به همان استحکام اصلی باقی خواهد

---

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی به مناسبت عید سعید فطر ۱۳۸۴/۰۸/۱۳

۲. سخنرانی در دیدار جمع کثیری از دانشگاهیان و طلاب حوزه‌های علمیه ۱۳۶۸/۰۹/۲۹

ماند و بلاشک روزی ملت فلسطین، سرزمین فلسطین را در زیر سلطه‌ی حقّ خود خواهد گرفت؛ هیچ تردیدی نیست.

عدم توجّه به ذخایرِ تاریخ و سرگذشت زندگی - که تاریخ عبارت از مجموعه‌ای از حوادث است - این نتایج را دارد. باید همواره به تاریخ و به حوادث گذشته، بخصوص به حوادث نزدیک به ما توجّه داشت.[1]

افول قدرت با نبود استدلال و انجام ترور

برای یک نظام و یک رژیم سیاسی، ضعف حقیقی و افول قدرت وقتی شروع می‌شود که این رژیم و این نظام، استدلال سیاسی و قانع‌کننده‌ی برای کار خود، و حقانیت سیاسی خود را از دست بدهد. وقتی رژیمی حقانیت سیاسی‌اش از دست رفت و استدلال او برای موجودیت و کارهای خودش از دست او خارج شد، آن وقت قدرت معنوی خود را از دست داده است و سقوط او شروع شده است؛ ولو در ظاهر چیزی فهمیده نشود و خود او نفهمد. اینها این‌قدر مست قدرت و شهوتند که نمی‌فهمند ضعف استدلال و فقدان حقانیت سیاسی آنها در دنیا، با آنها چه دارد می‌کند.

به جنایتکار صهیونیست - یعنی شارون - تبریک می‌گوید که تو احمد یاسین را کشتی یا شهید رنتیسی را ترور کردی! استدلالش برای این کار چیست؟ این است که دولت اسرائیل از خودش دفاع می‌کند. عجب! مگر منطق دیکتاتورهای عالم، آن‌جایی که مردم و مخالفان خود را سرکوب و تار و مار و شکنجه می‌کنند، غیر از این است؟! همه‌ی چهره‌های نحس و خبیث سیاسی دنیا که معروف به خباثت و دیکتاتوری هستند، مخالفان خود را با همین منطق تار و مار کرده‌اند؛ می‌گویند ما از موجودیت خود دفاع می‌کنیم. او می‌گوید اسرائیل از موجودیت خودش دفاع می‌کند. شیخ احمد یاسین، پیرمرد فلج روی چرخ نشسته، مگر غیر از زبان و غیر از فکر کار دیگری می‌توانست بکند؟ شما که می‌گویید ما با آزادی بیان و آزادی فکر موافقیم. او را می‌زنند شهید می‌کنند، و او تبریک می‌گوید! وقاحت را ببینید چقدر

۱. بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳۷۸/۰۶/۲۴

است! دنیا این را قبول کرد؟ ابداً. خود غربی‌ها و افکار عمومی هم این را قبول نکردند. این یعنی از دست رفتن حقانیت سیاسی؛ یعنی اینها دیگر منطق ندارند و آنچه می‌گویند، مورد قبول افکار منصف دنیا قرار نمی‌گیرد.[1]

ندای صلح‌طلبانه‌ی ریاکارانه‌ی صهیونیستها

بیست و پنج سال است که ملت ایران علیه اسرائیل شعار داده است. بارها ملت ایران در شعار خود گفته است به ندای صلح‌طلبانه‌ی ریاکارانه‌ی صهیونیستها اعتماد نکنید. امروز همه‌ی دنیای عرب و دنیای اسلام صحنه‌ی فاجعه‌بار فلسطین را در مقابل خود می‌بینند. امروز که سردمداران دولت غاصب صهیونیستی همه‌ی قرار و مدارهایی را که با کشورهای عربی و طرفهای فلسطینی گذاشته بودند، زیر پای خود لگد کرده‌اند؛ به همه بی‌اعتنایی کرده‌اند و به هیچکدام از التزامهای بین‌المللی هم اعتنایی نمی‌کنند، بقیه‌ی ملتها به حرف ملت ایران می‌رسند.[2]

دروغگویی اسرائیل در خواست صلح

هر کسی از فلسطینها که از راه مقاومت پایش را کنار گذاشت، ضرر کرد. اسرائیل در خواست صلح، صادق نیست؛ اگرچه اگر صادق هم بود، غلط میکرد و او در اینجا حق ندارد؛ اما صادق هم نیست. آن کسانی که در راه مذاکره وارد شدند، مجبور شدند تحمیلات دشمن را قبول کنند. اگر یک لحظه پایشان را از مسیر تحمیلات دشمن دور گذاشتند، یا حذف شدند یا تحقیر شدند؛ که شما نمونه‌های هر دواش را ملاحظه کردید و دیدید. بعضی‌ها را حذف کردند، بعضی‌ها را هم تحقیر و تدریء[3] کردند. راه قدس، راه فلسطین، راه نجات مسأله‌ی فلسطین و حل مسأله‌ی فلسطین، جز راه مبارزه نیست، که آقایان این را گفتند و من خوشحالم از اینکه می‌بینم این مسأله در جمع

۱. بیانات در دیدار معلمان و کارگران ۱۳۸۳/۰۲/۱۲
۲. بیانات در اجتماع بزرگ مردم قزوین ۱۳۸۲/۰۹/۲۵
۳. دور کردن و گمراه کردن

شماها مورد اتفاق است و همه آن را قبول دارید. آن کسی که این راه را قبول ندارد، چه دانسته و چه ندانسته، دارد به مسألهی فلسطین ضربه میزند. اگر دانسته باشد، اسمش خیانت است؛ اگر ندانسته باشد، اسمش جهل و غفلت است؛ علیایّحال ضربه است به مسألهی فلسطین؛ ضربه میزنند به مسألهی فلسطین. فلسطین هیچ راهی جز مقاومت ندارد؛ این را باید بگویند، باید بخواهند؛ دولتهای اسلامی هم باید همین را تکرار کنند. [1]

ترفند فریبندهی صلح و دروغگویی اسرائیل

البته امروز ترفند صهیونیستها و پشتیبانانشان – که دولت امریکا مهمترین پشتیبان آنهاست – این است که از نام زیبای صلح استفاده میکنند: آقا صلح کنید؛ این حرفها چیست؟! بله؛ صلح چیز خیلی خوبی است؛ اما صلح کجا و با چه کسی؟! کسی وارد خانهی شما شده، بهزور در را شکسته و شما را کتک زده، به عیال و اولادتان اهانت کرده و از سه اتاقی که شما دارید، دو تا و نصفش را گرفته نشسته است؛ بعد بگوید شما چرا بیخودی مرتّب به این و آن شکایت میکنید؛ مرتّب دعوا و معارضه میکنید؛ بیایید با هم صلح کنیم. آیا این صلح شد؟! صلح این است که شما از خانه بیرون بروید؛ اگر با هم جنگی داشتیم، آن وقت بیایند صلحمان بدهند. شما در خانهی ما نشستهاید؛ شما در اینجا این همه جنایت کردهاید؛ شما همین حالا هم اگر دستتان برسد، کوتاهی ندارید. همین الان رژیم صهیونیستی تقریباً روزانه به جنوب لبنان حمله میکند؛ نه به مبارزان لبنان، بلکه به روستاهای جنوب لبنان، به مدرسههای جنوب لبنان. همین چند روز قبل از این، به یک مدرسهی جنوب لبنان حمله کرد و جمعی از بچههای کوچک را کشت! اینها که تجاوزی نکرده بودند، اینها که اسلحهای به دست نگرفته بودند. طبیعت، طبیعت متجاوز است. آن روزی که صهیونیستها وارد لبنان شدند و در دیریاسین و بقیهی جاها آنطور قتل عام کردند، کسی با آنها کاری نکرده بود. اقلاً آن عدّه مردم

۱. دیدار رهبران گروههای جهادی فلسطینی شرکت کننده در افتتاحیهی همایش غزه ۱۳۸۸/۱۲/۰۸

کاری نکرده بودند؛ البته چرا، یک عدّه جوانان غیور عرب با آنها می‌جنگیدند. همان روز هم می‌گفتند چرا داخل خانه‌ی ما آمده‌اید و این کارها را می‌کنید! اما آن مردمی که مورد ستم آنها قرار می‌گرفتند و از مزارع و روستاهایشان آن‌طور با قتل‌عام اخراج می‌شدند که کاری نکرده بودند. بنابراین، طبیعت این رژیم، تجاوز است. رژیم صهیونیستی، اصلاً برپایه‌ی زورگویی و خشونت و قساوت بنا شده است و پیش می‌رود. بدون این، پیشرفتی نمی‌داشت و بعد از این هم نخواهد داشت. می‌گویید با این رژیم صلح کنید؟! چه صلحی؟! اگر آنها به حقّ خودشان قانع شوند – یعنی خانه را که فلسطین است، به صاحبان خانه واگذار کنند و سراغ کار خودشان بروند؛ یا از دولت فلسطین اجازه بگیرند و بگویند به ما اجازه دهید تعدادی از ما، یا همه‌ی ما در این کشور بمانیم – کسی با آنها جنگی نخواهد داشت. جنگ این است که آنها غاصبانه و زورگویانه وارد خانه‌ی دیگران شده‌اند؛ آنها را از خانه بیرون کرده‌اند و الان هم به آنها ظلم می‌کنند. الان هم به همه‌ی کشورهای منطقه ظلم می‌کنند و تهدیدی برای همه هستند. بنابراین، اینها صلح را هم مقدّمه‌ای برای تجاوز بعدی می‌خواهند! اگر صلحی برقرار شود، مقدّمه‌ای است برای این‌که بعد بتوانند طور دیگری تجاوز و تعدّی کنند. [1]

عامل مهار روحِ سرکش استکبار، فقط بیداری و اراده‌ی ملتها

در مقابل روحِ سرکش و طغیانگری که امروز استکبار دارد، فقط یک عامل وجود دارد که می‌تواند آن را مهار کند و جلوِ این طغیانگری را بگیرد و آن، بیداری و اراده‌ی ملتهاست. وقتی ملتی بیدار است، حقوق خود را می‌شناسد، دشمن را می‌شناسد، هدف او را می‌داند و تصمیم می‌گیرد در مقابل او بایستد. این‌جاست که دیگر کُمیت استکبار و امریکا و همه‌ی تجهیزات نظامی لنگ است. این‌جاست که دیگر نمی‌تواند کاری بکند. این همان نکته‌ی اساسی است که انقلاب اسلامی از اوّل روی آن تکیه کرد و نظام اسلامی براساس این پایه‌ی مستحکم، خود را بنا نمود. این‌جاست که

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۱۰/۱۰

شما جوانان باید قدر خود را بدانید. این‌جاست که مسؤولان کشور باید قدر این جوانان پُرشور، مؤمن و با اراده را بدانند. این‌جاست که مسؤولان آموزش و پرورش، مسؤولان آموزش عالی و دانشگاهها باید به این جوانان مؤمن و با عزم و اراده بها بدهند. آنهایی که به شرف ملی و استقلال و ارزشهای اسلامیِ والای خود اهمیت می‌دهند، حضور و تعرّض دشمن را نمی‌پسندند و دخالَت او را رد می‌کنند؛ اینها برای یک ملت ارزش دارند.[۱]

شکست صهیونیست در هدف خود

البته ملت فلسطین در انجام دادن وظیفه‌ی خود، آنچه حق و شایسته‌ی یک ملت شجاع و غیرتمند است، انجام داده و ایستاده است. همه باید بدانیم این دولتِ غاصبِ ظالم کنونی صهیونیست، در عملیات خود تا این لحظه شکست خورده و هیچ‌گونه موفّقیتی به دست نیاورده و مغلوب اراده‌ی فلسطینیها شده است. هدف از این عملیات این بوده است که انتفاضه‌ی بیت‌المقدّس را خاموش کنند؛ فلسطینیها دستهای خود را به علامت تسلیم بالا ببرند و انگیزه‌ی آزادی‌خواهی و غیرت مردم فلسطین را خاموش کنند؛ اما آنچه به دست آمده، درست عکس این قضیه است. امروز عزم و تصمیم و فهم ملت فلسطین از مسأله‌ی فلسطین، بیش از آن وقتی است که انتفاضه هنوز شروع نشده بود. امروز عمق دشمنی و خباثت و وحشیگریِ این رژیم غاصب و شریکش – امریکا – برای مردم فلسطین روشن شده است.

یک ملت وقتی کارش به جایی برسد که ببیند هیچ چاره‌ای ندارد جز این‌که مردن شجاعانه را به جان بخرد، دیگر هیچ چیز در مقابل او تاب ایستادگی ندارد. نه قدرت صهیونیستها – که تانک و توپ و همین ابزارهای ظاهری است – و نه قدرت سیاسی و مالیِ پشتیبان آنها – که امریکاست– نمی‌تواند تأثیری بگذارد. آن روزی که ملت فلسطین را به نشستن در پشت میز مذاکره و به اصطلاح، گرفتن امتیاز، دلخوش می‌کردند، دیگر تمام شد؛ معلوم گردید که نشستن در پشت میز مذاکره و گفتگو با دشمن، هیچ اثری ندارد. امروز

۱. بیانات در دیدار جوانان اهواز ۱۳۸۲/۰۵/۰۸

ملت فلسطین فهمیده است و کار خود را می‌کند. مادران فلسطینی، جوانان فلسطینی، زنان و مردان فلسطینی و نوجوانان فلسطینی در صحنه‌اند.

آنچه مهم است، این است که دنیای اسلام به وظیفه‌ی خود عمل کند. دنیای اسلام، یعنی ملتها و دولتها. دولتها ممکن است برای خود محاذیری فرض کنند، اما ملتها این محاذیر را ندارند؛ علما، روشنفکران، سیاسیّون و مؤثّرینِ در فکر مردم، این محاذیر را ندارند؛ باید اقدام کنند. این اقدام، به دولتهایِ آنها هم کمک خواهد کرد. امروز اگر ملتهای مسلمان و بخصوص ملتهای عرب در داخل کشورهایشان عزم و اراده‌ی خود را در حمایت از ملت فلسطین به طور واضح و مستمر نشان دهند، برای دولتهایشان هم خوب است؛ زیرا دولتها در صحنه‌ی دیپلماسی می‌توانند از این وسیله برای فشار آوردن روی دشمن استفاده کنند.[1]

شگرد تبلیغاتی صهیونیستها از آغاز: مظلوم‌نمایی

صهیونیستها از آغاز شروع کار خود، به سمت رسانه‌های خبری و تبلیغی رفتند. یکی از سیاستهای آنها این بود که رسانه‌های تبلیغی دنیا را قبضه کنند. امروز این‌گونه است. آنها از اوّلِ کار، یک شگرد تبلیغی را انتخاب کردند که بسیار مهمّ و تعیین کننده بودَ و تا امروز تأثیرگذار بوده است. آن شگرد تبلیغی عبارت است از مظلوم‌نمایی. برای مظلوم‌نمایی، داستانها و افسانه‌های فراوانی جعل شد؛ خبرهایی ساخته شد و تلاشهای بی‌وقفه‌ای انجام گرفت. امروز هم در نهایت سفّاکی، باز همان تبلیغات ادامه دارد؛ یعنی باز هم مهمترین کار صهیونیستها در دنیای تبلیغات، مظلوم‌نمایی است. اینها مسأله‌ی نگرانی روانی یهودیان را مطرح کردند و گفتند چون یهودیان در طول قرنهای متمادی زیر فشار بودند، از لحاظ روانی دچار نگرانی‌اند و به امنیّت روانی احتیاج دارند. صهیونیستها در مذاکرات با سران کشورهای غربی و بعدها در گفتگوهای خود با کشورهای اسلامی و عربی، مسأله امنیّت روانی را مطرح

---

۱. بیانات در جمع مسؤولان و کارگزاران در سالروز ولادت فرخنده‌ی نبی‌اکرم(ص) و امام جعفر صادق(ع) ۱۳۸۱/۰۳/۰۹

کردند و گفتند ما به امنیّت روانی احتیاج داریم و باید امنیّت روانی ما تأمین شود. این امنیّت روانی یعنی چه؟ هیچ معنای مشخّص و هیچ پایانی ندارد. هر اقدامی بخواهد انجام بگیرد، اگر به سودشان نباشد، به بهانه امنیّت روانی، می‌توانند آن را خنثی کنند. بسیاری را در دنیا قانع کردند که به امنیّت روانی احتیاج دارند و باید امنیّت روانی آنها تأمین شود.

برآوردن نیاز اسرائیل در مورد امنیّت روانی، مشکلتر است از چشم پوشیدن از سرزمین. شما وقتی سرزمین را از دست می‌دهید، می‌دانید چه چیزی را از دست دادید؛ اما وقتی می‌خواهید خواسته‌ی اسرائیل را در مورد امنیّت روانی برآورده کنید، نمی‌دانید تا کجا باید تسلیم شوید و تا کجا باید امتیاز بدهید. این امتیاز دهی، پایانی ندارد؛ مرتّب باید امتیاز داد. تجربه‌ی اروپا در این مورد، عبرت‌آموز است. دولت آلمان صد و پنجاه میلیارد مارک به عنوان خسارت به یهودیان داد؛ اما خسارت یهودیان از آلمان هنوز تمام نشده است؛ باز هم خسارت طلبکارند و باید به آنها داده شود! آنچه یهودیان با آلمان کردند، کم و بیش با برخی کشورهای اروپایی دیگر - مثل اتریش، سوئیس، فرانسه، حتّی تا چند سال قبل با واتیکان - نیز انجام دادند. همه باید خسارت بدهند؛ این خسارت تمام شدنی نیست!

در بعد روانی، اسرائیلیها فعّالیتهای بسیار مهمّی دارند. همه سیاستمداران، خبرنگاران، روشنفکران، کارگزاران و نخبگان غرب باید در مقابل بنای یادبود کوره‌ی آدم‌سوزی سر تعظیم فرود بیاورند؛ یعنی همه، داستانی را که اصل صحّت آن معلوم نیست، مورد تأکید قرار دهند و خود را بدهکار آن داستان قلمداد کنند. اینها روشهایی است که در تبلیغ دارند و همه معطوف به «مظلوم‌نمایی» است.

البته در بخش دیگری از دنیا، با تکیه بر داستانهای ذکر شده در تورات و این که این‌جا سرزمینی است که به فرزندان اسرائیل بخشیده شده، بسیاری از مسیحیان را هم با خود همفکر و همدل کردند. آن طوری که من در آماری ملاحظه کردم، اینها توانسته‌اند در برخی کشورها - از جمله عمدتاً در امریکا- به عنوان پشتوانه‌ی افکار عمومی، با همین تبلیغات، میلیونها صهیونیست غیر یهودی درست کنند!

...اینها سالهاست که این کار تبلیغاتی را می‌کنند. امروز هم با شدّت هر چه تمامتر همین تبلیغات در دنیا ادامه دارد. امروز در دنیا رسانه‌های صهیونیستی تجاوزهای مکرّر و همه روزه‌ی اسرائیل را به صورت گذرا مطرح می‌کنند. اگر می‌توانستند همین را هم مطرح نکنند، نمی‌کردند؛ منتها مصالح رسانه‌ای آنها ایجاب می‌کند که مطرح کنند؛ ولی خیلی گذرا، خیلی سطحی، خیلی ناقص و گزینشی. اما عملیات فلسطینیها را که دفاع از وجود و شرف و میهن و سرزمینشان است، طوری منعکس می‌کنند که گویا اسرائیل مظلوم است! مظلوم واقعی را که ملت فلسطین است، تروریست و جنایتکار جلوه می‌دهند؛ اما متجاوزِ سفّاکِ جنایتکار را مظلوم نشان می‌دهند. امروز رسانه‌های دنیا این کار را می‌کنند؛ سیاستمدارها هم در اظهارت خود، همین حرفها را تکرار می‌کنند.[1]

راهبردهای صهیونیسم و غرب در مواجهه با دولتهای اسلامی

در این مصاف طولانی که یک طرف غرب و صهیونیسم بود و طرف دیگر دولتهای عربِ تازه تأسیس شده، دشمنان اسلام برای مقابله، از ابزارهای گوناگون و پیچیده‌ای استفاده کردند که از جمله‌ی آنها رسانه‌های تبلیغاتی و مجامع بین‌المللی بود. آنها از یک سو مسلمانان را به صبر، خویشتنداری، گفتگوهای صلح و سازش دعوت می‌کردند و از سوی دیگر اسرائیل را مسلّح می‌نمودند. اهداف راهبردی آنها از تعامل نابرابر و تبعیض‌آمیز بین کشورهای مسلمان و اسرائیل این بود که همواره برتری نظامی اسرائیل را بر کشورهای اسلامی حفظ کنند و در مجامع بین‌المللی از آن رژیم حمایت کنند و با به کار گرفتن رسانه‌های تحت نفوذ خود، جنایات اسرائیل را توجیه نمایند و در بین مسلمانان تبلیغ کنند که فکر پیروزی بر اسرائیل، خیال خامی بیش نیست.[2]

---

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش بین‌المللی رسانه‌های جهان اسلام حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین ۱۳۸۰/۱۱/۱۱

۲. سخنرانی در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین۱۳۸۰/۰۲/۰۴

شکست هیمنه‌ی نظامی اسرائیل

رژیم اسرائیل از زمانی که رسماً توسط سازمان ملل تأیید شد – یعنی بیش از نیم قرن قبل – تا سال گذشته یکّه‌تازی می‌کرد و هیچ چیز و هیچ کس جلودارش نبود؛ ولی مقاومت اسلامی لبنان که مرکّب از چند هزار جوان مسلّح به سلاح ایمان است، خواب این رژیم و حامیانش را پریشان کرد. این جوانان عزیز بدون دادن هیچ‌گونه امتیازی به اسرائیل، آن رژیم غاصب را با خواری از جنوب لبنان بیرون کردند. پیروزی این عزیزان، چراغ راهِ دیگر مبارزان مسلمان شد و امروز شاهد انتفاضه‌ی مسجدالاقصی هستیم که از نوع مقاومت اسلامی لبنان در ابعادی وسیع است. [۱]

هدف اسرائیل؛ سیطره بر همه‌ی جهان اسلام

امروز دیگر کاملاً روشن شده است آنهایی که گمان می‌کردند قضیه‌ی فلسطین یک امر مقطعی و محدود به بخش کوچکی از جهان اسلام است، کاملاً اشتباه می‌کردند. ذخایر عظیم سلاحهای هسته‌ای و کشتار جمعیِ ذخیره شده در زرّادخانه‌های رژیم صهیونیستی، برای مقابله با مردم بی‌دفاعِ فلسطین نیست؛ بلکه برای برقراری سلطه بر جهان اسلام و بخصوص منطقه‌ی خاورمیانه است. این‌که حزب‌الله برای آزادی سرزمین اشغالی تلاش می‌کند و اسرائیل در تلافی به نیروهای سوریه حمله‌ور می‌شود، نشان بارزی از چنین نیّت شیطانی اسرائیل و حامیان غربی آن است. [۲]

پوسیدگی رژیم اسرائیل از درون

حضّار محترم! مطمئن باشید که رژیم اسرائیل از درون پوسیده و نسل کنونی به هیچ وجه آمادگی ایثار و فداکاری برای حفظ آن را ندارد.

بحمدالله ملتهای عرب و مسلمان، امروزه بیش از هر وقت دیگری در پنجاه سال گذشته، نیرومند و قوی هستند؛ آنها در زمینه‌های مختلف قدرتمند شده‌اند.

---

۱. سخنرانی در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین ۱۳۸۰/۰۲/۰۴

۲. همان

مسلمانان، دیگر نمی‌توانند شاهد سرکوبی روزانه‌ی ملت فلسطین باشند و ساکت بنشینند. به اسرائیل باید بفهمانید که استمرار سرکوبی ملت فلسطین و مناطق فلسطینی‌نشین، با عکس‌العمل شدید، جدّی و عملی همه‌ی اعراب و مسلمانان مواجه خواهد شد. [1]

اهمیت بین المللی مسأله‌ی فلسطین برای اسرائیل

برای آن دولت غاصبِ دروغیِ جعلی، مسأله‌ی فلسطین، یک مسأله‌ی داخلی نیست؛ یک مسأله‌ی اساسیِ بین‌المللی است. آنچه که اهمیت دارد، این است که نسل جدید فلسطینی حقیقت را دریافته است. کدام حقیقت را؟ این حقیقت را که اگر بخواهد بر این زبونی و خواری و تحقیر و فشاری که بر او تحمیل می‌شود، فائق آید، راهش مبارزه و مقابله است؛ راهش رفتن پشت میز مذاکره نیست، که مذاکره کننده‌گان هم چیزی گیرشان نیامد. [2]

خطر امنیتی اسرائیل برای کلّ منطقه

از جهت امنیتی، مسأله‌ی اسرائیل، یک خطر امنیتی، نه فقط برای مردم خودش، بلکه برای کلّ منطقه است؛ برای این‌که اینها الان زرّادخانه‌ی اتمی دارند و باز هم تولید می‌کنند! سازمان ملل هم چند بار هشدار داده، اما اعتنا نکرده‌اند. البته عمده‌اش هم به‌خاطر پشتیبانی امریکاست؛ یعنی گناهِ کارهای صهیونیستها و دولت غاصب، به میزان زیادی به گردن رژیم امریکاست. [3]

خطر اقتصادی اسرائیل برای کلّ منطقه

از لحاظ اقتصادی هم، اسرائیل برای منطقه، خطر است. چندی است که صهیونیستهای حاکم بر فلسطین، تزی را به نام «تز خاورمیانه‌ی جدید» مطرح کرده‌اند. خاورمیانه‌ی جدید یعنی چه؟ یعنی خاورمیانه بر محور کشور

۱. سخنرانی در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین۱۳۸۰/۰۲/۰۴
۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۹/۰۹/۲۵
۳. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۱۰/۱۰

اسرائیل شکل بگیرد و اسرائیل بتدریج بر کشورهای عربی و کشورهای منطقه و مناطق نفتی در خلیج فارس سیطره‌ی اقتصادی داشته باشد! این هدف اسرائیلیهاست. بعضی از دولتها غافلند. وقتی به آنها اعتراض می‌شود، می‌گویند ما که رابطه برقرار نکردیم؛ ما به تجّارشان اجازه دادیم بیایند! اتّفاقاً آنها همین را می‌خواهند. آنها می‌خواهند اسرائیل با حمایت امریکا و با پشتیبانی از زرّادخانه‌ی خطرناک خودشان، از غفلت و ضعف بعضی از دولتها استفاده کند و به آن‌جا وارد شود و مراکز اقتصادی و منابع مالی را در دست گیرد. این خطر خیلی بزرگی برای منطقه است. بزرگتر از همه‌ی خطرها این است. خدا آن روز را نیاورد و نخواهد آورد و ملتهای مسلمان اجازه نخواهند داد که چنین اتّفاقی بیفتد؛ اما نقشه‌ی آنها این است که با تکیه بر اقتصاد بتوانند همه‌ی مراکز قدرت را در این کشورها در دست گیرند. بنابراین، از لحاظ اسلامی، از لحاظ انسانی، از لحاظ اقتصادی، از لحاظ امنیتی، از لحاظ سیاسی، امروز وجود اسرائیل، یک خطر بزرگ برای ملتها و کشورهای منطقه است. [۱]

حیله‌ی دشمنان؛ تبدیل نقطه‌ی اتحاد مسلمین به نقطه‌ی اختلاف

امروز یکی از بزرگترین مصائب دنیای اسلام این است که دشمنان اسلام کاری کرده‌اند که آنچه باید وسیله‌ی اتّحاد مسلمین شود - یعنی وجود دشمن، وجود صهیونیستهای غاصب - وسیله‌ی اختلاف آنها شده است! کاری کرده‌اند که بعضی از دولتهای مسلمان، این را وسیله‌ای برای قرار گرفتن در مقابل برادران خود بکنند و حقیقتاً اختلاف به وجود آید؛ در حالی که بودنِ چنین دشمنی در قلب کشورهای اسلامی، باید مسلمانان را به هم نزدیک کند؛ جبهه‌ی واحد تشکیل دهد و ید واحد به وجود آورد. این گناه هم به دخالت و دست‌اندازیهای استکبار برمی‌گردد. [۲]

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۱۰/۱۰

۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۲۱/ ۰۴/ ۱۳۷۷

تفاوت صهیونیستها و یهود

دولت بی‌اصل و نسب؛ دولت جعلی؛ ملتِ دروغی. از اطراف دنیا آدمهای شریر را گرد آوردند و ملغمه‌ای به اسم «اسرائیل» درست کردند!

این ملّت است؟! هر جا یهودیهای شریر و خبیثی بودند، در آن‌جا جمع شدند. در اغلب کشورها، یهودیها هستند و زندگی می‌کنند – در کشور ما هم هستند که زندگی‌شان را می‌کنند – کاری به کار کسی ندارند، کسی هم به آنها کاری ندارد. کشورشان است و در آن زندگی می‌کنند. آنهایی که به سرزمینهای اشغالی رفتند، خبیثها، شریرها، طمّاعها، دزدها و آدمکشها بودند که از همه جای دنیا جمع شدند. این شد یک ملّت؟!

ملت و دولتی که این‌طور به وجود آمده است و اسم خودش را اسرائیل گذاشته، غیر از راهِ ترور، راهی ندارد؛ حرف حسابی ندارد. آن وقت، چنین موجوداتی با این دنائت و پستی و پلیدی، می‌خواهند دولت و ملتِ نورانی و سربلند و عزیزی مثل ایران را در افکارِ عمومیِ جهان متّهم کنند. خودِ آنها از همه متّهمتر، مجرمتر و روسیاه‌ترند.[1]

بزرگترین خطر برای حال و آینده‌ی جهان اسلام؛ دولت غاصب صهیونیست

بدین ترتیب، امروز دولت غاصب صهیونیست، بزرگترین خطر برای حال و آینده‌ی جهان اسلام است و بر مسلمین است که برای علاج این خطر و رفع ظلمی به این عظمت، درصدد علاج و چاره باشند.[2]

سوءاستفاده‌ی اسرائیل از حوادث جهان

اما شما[3] که کار خودتان را با یک تجاوز شروع کردید و منافعتان با منافع امریکا اصطکاک پیدا کرد و دو نفری به جان هم افتادید، نتیجه‌اش این است

---

۱. بیانات در دیدار جمعی از اعضای «نیروی انتظامی»، کارکنان «سازمان تأمین اجتماعی»، «سازمان بهزیستی» و اساتید و دانشجویان دانشگاهها ۱۳۷۳/۰۴/۲۹

۲. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۳۷۰/۰۳/۲۶

۳. اشاره به دولت صدام و آمریکا

که ملت عراق و مردم منطقه، در این بین متضرر می‌شوند. از این اقدام، چه کسی استفاده می‌کند؟ اسرائیل خبیث.

جز همین چند فروند موشکی[1] که به آن سرزمین خورد و آن‌ها قدری طعم موشک را چشیدند و فهمیدند که این فلسطینیهای مظلوم، چگونه زیرفشار قرار دارند، باعث شد که اسرائیل سوء استفاده کند و اهداف توسعه‌طلبانه‌ی خودش را بیشتر تعقیب نماید و در این گیرودارِ دعوا و جنگ در خلیج فارس، سیل مهاجرت را به طرف سرزمینهای اشغالی فلسطین بکشاند. آنچه که رژیم عراق انجام داده، قطعاً به سود دشمنان اسلام و به سود اسرائیل و علیه ملت عراق و علیه ملتهای مسلمان منطقه است. سرِ جاه‌طلبی، دونفر با هم دعوا می‌کنند؛ عده‌یی بی‌گناه پایمال خواهند شد. چطور کسی می‌تواند بگوید که من پرچم دفاع از شماها را در دست دارم؟! مگر چنین چیزی می‌شود؟ این حرف، دروغ است.[2]

شما نگاه کنید، بمجرد این‌که در این منطقه، برای افکار عمومی، یک سرگرمی درست شد - حمله‌ی عراق به کویت و لشکرکشی امریکا و دیگران به منطقه‌ی خلیج فارس - و در این‌جاها دری به تخته خورد، فوراً آن مار هفت سر و خطرناک و سرطان پلید، پنجه‌های خودش را باز کرده و با مسلمانانی که خانه‌ی آنها به وسیله‌ی صهیونیستها غصب شده، این‌طور معامله می‌کند.

...من بعید نمی‌دانم که اگر همین فشار داخلی از طرف جوانان فلسطینی، علیه دولت صهیونیست نبود، این سردمداران خبیث صهیونیست، از این جنجال دنیا در خلیج فارس استفاده می‌کردند و تا حالا نصف لبنان را گرفته بودند. اول هم شروع کردند، منتها فشار داخلی - همین حمله‌ی دست خالی و مظلومانه‌ی این جوانان مؤمن و شجاع - آنها را سر جایشان نگهداشت. یک روی دیگر قضیه، همین مسأله است؛ یعنی عصبانیت صهیونیستها به

۱. دولت صدام در جریان جنگ با آمریکا در خلیج‌فارس چند موشک به اسراییل شلیک نمود.
۲. سخنرانی در دیدار مجمع نمایندگان طلاب و فضلای حوزه‌ی علمیه‌ی قم ۱۳۶۹/۱۱/۰۴

خاطر اوج حرکت اسلامی در داخل سرزمینهای اشغالی.[1]

.... در مورد مسأله‌ی فلسطین، آنچه که باید دنیای اسلام را بسیار به خود متوجّه کند، این است که بعد از قضایای ۲۰ شهریور و حمله به مراکز امریکایی در نیویورک و واشنگتن و بعد از توجّه مردم به آن قضایا و دنباله‌اش قضایای افغانستان، غفلتی که از مسأله‌ی فلسطین شد، باعث گردید رژیم صهیونیستی حدّاکثر سوء استفاده را از این غفلت و بی‌توجّهی بکند. رژیم صهیونیستی بعد از سختگیریهای شدید و جنایتهای پی‌درپی چند ماه اخیر، کار را به آن‌جا رسانده است که در شهرهای فلسطینی، با وسایل جنگی و تانک وارد خانه‌های مردم فلسطین می‌شود و بی‌محابا جنایت می‌کند. صهیونیستها حداکثر سوء استفاده را از آن حوادث کردند. باید دنیای اسلام متوجّه شود و احساس مسؤولیت کند.[2]

حوادث اخیر خلیج فارس موجب شد که دنیای اسلام اندکی از حوادث فلسطین غفلت کند و این غفلت، صهیونیستها را تشویق کرد که از فرصت استفاده کنند و فشار را بر مردم فلسطین بیشتر نمایند. اولاً باعث شد که سیل مهاجرت غربا و بیگانگان – غریبه‌هایی از فلسطین و از کشورهای مختلف – به سمت سرزمین مقدس و اسلامی فلسطین سرازیر بشود. دولتها و ملتهای اسلامی غافل شدند؛ اگرچه غافل هم نمی‌شدند، بسیاری از دولتها شاید هیچ احساس وظیفه‌یی نمی‌کردند. بلای بزرگ این است. ثانیاً این مبارزان مخلص و صادق، این مسلمانان مظلوم غریب در خانه‌شان، این کسانی که انتفاضه‌ی فلسطینی را در این سه سال اخیر به وجود آوردند، زیر سخت‌ترین فشارها قرار گرفتند. شب و روزی نیست که از راه فشار بر این مسلمانان مظلوم، ضربتی به پیکر جامعه‌ی اسلامی وارد نشود.

البته مبارزه ادامه دارد؛ اما آنچه مهم است، این است که دنیای اسلام باید از مسأله‌ی فلسطین غفلت نکند و ملتها مسأله‌ی فلسطین را از یاد نبرند و

---

۱. سخنرانی در دیدار گروهی از آزادگان، جمعی از خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان، مسؤولان اجرایی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی و ائمه‌ی جمعه‌ی استانهای کرمانشاه، یزد و چهارمحال و بختیاری، و گروهی از مردم شهرهای گرگان، گنبد، محلات، کتوند، شوشتر، سپیدان، تهران، شیراز و جهرم ۱۳۶۹/۰۸/۰۲

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی ۲۱ رمضان ۱۳۸۰/۰۹/۱۶

آن را فراموش نکنند. امریکا و استکبار و پشتیبانان همیشگی صهیونیستها خواسته‌اند این فراموشی را بر مسلمین تحمیل کنند؛ شما باید نگذارید، ملت اسلام باید نگذارد، ملت ایران باید نگذارد. [1]

نیاز اسرائیل به صلح

هدف اسرائیل، توسعه است. دولت صهیونیستی به سرزمین فلسطین فعلی هم قانع نیست. اوّل یک وجب جا می‌خواستند، بعد نصف زمین فلسطین را گرفتند، بعد همه‌ی سرزمین فلسطین را گرفتند، بعد به کشورهای همسایه‌ی فلسطین – مثل اردن و سوریه و مصر – تجاوز کردند و زمینهای آنها را گرفتند. الان هم هدف اساسی صهیونیزم، ایجاد اسرائیل بزرگ است. البته این روزها کمتر اسم می‌آورند؛ سعی می‌کنند کتمان کنند. باز هم به افکار عمومی دروغ می‌گویند. چرا؟ چون در این مرحله‌ای که الان هستیم، احتیاج دارند که هدفهای توسعه‌طلبانه‌ی خود را کتمان کنند!

گرفتاری‌ای که امروز صهیونیستها دارند، این است که به صلح احتیاج مبرم دارند. چرا؟ چون بعد از سال ۱۹۴۷ تا سال ۱۹۶۷ مبارزه‌ای نبود و آن بیست سال در حال خوبی نگذشت. بعد هم که مبارزات مسلّحانه شروع شد. این مبارزات مسلّحانه از بیرون سرزمین فلسطین بود؛ همین سازمان آزادیبخش و بقیه‌ی گروهها، مرکزشان در اردن یا در سوریه یا در جاهای دیگر بود. گروههایی را می‌فرستادند و حمله‌ای می‌کردند و ضربه‌ای می‌زدند و عقب می‌کشیدند. در داخل سرزمین فلسطین، سازمان مبارزی شکل نگرفته بود. در داخل سرزمین، مردم مرعوب بودند و نمی‌توانستند هیچ حرکتی بکنند.

لذا اینها الان مجبورند که با دولتهای منطقه هرطور هست، مسأله‌ی صلح را تمام کنند، تا بتوانند به مسأله‌ی داخلی خودشان برسند. این قضیه‌ی به‌اصطلاح صلح با سازمان آزادیبخش فلسطین و قضیه‌ی عرفات هم دنباله‌ی همین است. آنها خواستند یک عنصر فلسطینی را داخل طرح سازش بیاورند،

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۰/۰۱/۱۶

شاید بتوانند فلسطینیهای مبارز را در داخل سرزمینهای اشغالی ساکت کنند؛ اما نتوانستند. امروز با این خصوصیات، دیگر دولت غاصب صهیونیست جرأت نمی‌کند مسألهی اصلی خودش را – که توسعه‌ی نیل تا فرات است– مطرح کند. سرزمین موعود صهیونیستها، به گمان باطلشان، از رود نیل تا فرات ادامه دارد. هرچه‌اش را نگرفتند، باید بعد از این بگیرند؛ برنامه‌شان این است! الان جرأت نمی‌کنند این را به زبان بیاورند. [۱]

خوی توسعه طلبی صهیونیستها

یک روز صهیونیستهای غاصب با پشتیبانیِ قدرت استعمارگر آن روز دنیا – یعنی انگلیسیها – آمدند در قلب کشورهایِ اسلامی و در نقطه‌ی حسّاس فلسطین، گوشه‌ای را گرفتند؛ بعد هم ادّعای تشکیل دولت کردند و صاحب خانه‌ها را بیرون راندند. بعد از آن، دائماً به این طرف و آن طرف حمله و تجاوز کردند و زمینها را توسعه دادند تا تمام سرزمین فلسطین و بخشی از اردن و لبنان و سوریه را تصرّف کردند.

امروز، تصرّف غاصبانه‌ی آنها، مخصوص فلسطین نیست. اگر بتوانند باز هم این تجاوز و توسعه طلبی را ادامه خواهند داد. امروز، شرایط دنیا برایشان آماده نیست. صبر می‌کنند، آن وقتی که احساس کردند شرایط اطرافشان آماده است و می‌توانند، آن وقت باز هم تجاوز را ادامه خواهند داد.

آنها به این چیزهایی که امروز در اختیارشان است، قانع نیستند. آنها معتقدند که از آن طرف تا مدینه و از این طرف تا فرات، متعلّق به آنهاست! آنها کشور عظیمی که منابع آبی کافی در اختیار داشته باشند، می‌خواهند. آنها در صددند بر تمام کشورهای اطراف خود و بر تمام منطقه‌ی خاورمیانه، سلطه‌ی اقتصادی و سیاسی و نظامی و اجتماعی داشته باشند. آنها به آنچه که امروز دارند، قانع نیستند.

...امروز، بعد از این‌که صهیونیستهای غاصب، در سرزمین فلسطین، خود را از خطر حمله‌ی ارتشهای کشورهای عربی – که تا چند سال قبل آنها را

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۱۰/۱۰

تهدید می‌کرد - خلاص کردند، به فکر دست اندازی به مناطق اقتصادی و سیاسی کشورهای دیگرند؛ آن هم باز با فشار امریکا! امریکاییها با انواع اهرمهایی که در اختیار دارند و با حربه‌های سیاسی - مثل حقوق بشر - و حربه‌های اقتصادی - مثل دخالت در مجامع جهانی و بنیانهای اقتصادی بین‌المللی - به یکایک کشورهای اطراف منطقه‌ی فلسطین و حتّی کشورهای دور دست، آن قدر فشار می‌آورند که دولتهای ضعیفی که با اسرائیل رابطه ندارند، مجبور شوند با این رژیم غاصب رابطه برقرار کنند و آنهایی هم که رابطه دارند، آن را توسعه دهند! این فشار، برای آن است که راه را باز کنند تا اسرائیل غاصب وارد کشورها شود و در آن جاها تلاش اقتصادی و فعّالیت تجاری و بازرگانی کند و بر منابع ثروت کشورها تسلّط یابد. این، خطر بزرگی است و امروز مسلمانان را تهدید می‌کند.

البته، بدیهی است آن غدّه‌ی سرطانی که گسترش پیدا می‌کند، اسرائیل غاصب و صهیونیسم است؛ اما آن دستی که به او کمک می‌کند، رأس استکبار جهانی - یعنی دولت امریکا - است. ملتهای مسلمان، نباید این نکته را فراموش کنند؛ همچنان که ملت عزیز و شجاع و با غیرت و آگاه و هوشیار ما، با بیان و عمل و حضور در صحنه‌های سیاسی و دیگر صحنه‌های لازم، ثابت کرده است که فشار امریکا را تحمّل نمی‌کند و آن را به صورت تودهنی، به خود او برمی‌گرداند.

شما ملت، به امریکا و دشمنان انقلاب و کسانی که می‌خواهند نام فلسطین و قدس شریف را از خاطره‌ها و ذهنها محو کنند، تو دهنی زدید.[1]

جدّی‌تر شدن دشمنان پس از مشاهده‌ی حرکتهای اسلامی

امروز بعد از این‌که انقلاب اسلامی، بُرندگی اسلام را نشان داد، دشمنان اسلام و مسلمین جدّی‌تر شدند. انقلاب اسلامی، جبهه‌های جدیدی علیه اسلام به وجود آورد؛ فقط به خاطر این‌که اسلام را معرفی کرد و نشان داد که اسلام با ظلم مخالف است و فهماند که مسلم واقعی، آن کسی است که

۱. بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۷۴/۱۲/۰۱

در مقابل قلدری و سرکشی و نظام سلطه‌ی جهانی، تسلیم نمی‌شود و زیر بار نمی‌رود. این، سلطه‌گران را بشدت خشمگین کرد و در مقابل اسلام، جبهه‌های جدیدی به وجود آورد.

نمونه‌هایش را در همه جای دنیا مشاهده می‌کنید. هم در اروپا مشاهده می‌کنید که علیه گروهها و افراد مسلمان، چه کارهایی انجام می‌گیرد؛ هم در آفریقا مشاهده می‌کنید که این حرکات تبشیری را فقط برای مقابله‌ی با اسلام ناب به راه انداخته‌اند؛ هم در خود کشورهای اسلامی مشاهده می‌کنید که روی حرکات اسلامی، چقدر فشار است. در هرجایی، به یک نحو است. مظاهری از آن را در کشورهای دیگر - مثل هند - مشاهده می‌کنید. این ماجرای مسجد بابری، یکی از آن مسائلی است که اگرچه موضوع آن، یک مسجد است و شاید به نظر بعضی کوچک بیاید؛ اما کوچک نیست. این، نشان‌دهنده‌ی آن است که دشمنان اسلام، تا این‌جا ایستاده‌اند که یک عده را علیه مقدسات اسلام تحریک کنند و زندگی را بر مسلمانان تلخ نمایند.

...در همه جای دنیا، حرکات خصمانه‌ی جدیدی علیه اسلام هست. آن چیزی که بایستی از این حرکات استنتاج کرد، یک جمله است: مسلمانان باید در دفاع از اسلام جدی‌تر باشند و خودشان را به معنای واقعی کلمه، سرباز اسلام بدانند و به مقتضای این سربازی، عمل کنند. بلاشک، دشمن نخواهد توانست در مقابل حرکت عمومی مسلمین کاری بکند و اسلام و مسلمینی که برای دفاع از اسلام تصمیم گرفته باشند و قیام بکنند، قطعاً پیروز خواهند شد.[1]

هدف اسرائیل بالاتر از فتوحات فعلی‌اش

از نظر غاصبان سرزمین فلسطین، مسأله‌ی قدس، یک مسأله‌ی تمام نشده است. هیچ‌کس نباید خیال کند که صهیونیستهای غاصب و حامیان بین‌المللی آنها، می‌خواستند فلسطین را بگیرند و حکومت تشکیل بدهند؛ گرفتند و حکومت تشکیل دادند و مسأله تمام شد. قضیه این‌طور نیست. هدفهایی

۱. سخنرانی در دیدار شرکت‌کنندگان در اولین کنفرانس اسلامی فلسطین ۱۳۶۹/۰۹/۱۳

که در تشکیل دولت غاصب صهیونیستی در سرزمین فلسطین وجود داشته است، با این اسرائیل کنونی کاملاً تأمین نمی‌شود. هدف، بالاتر از اینهاست. هدف، ایجاد کشوری است در سرزمینی بزرگتر و پُرجمعیت‌تر از آنچه که امروز غصب کرده‌اند.

دیدید بمجرد این‌که آمارهای دولتی اسرائیل به آنها نشان داد که رشد جمعیت مسلمانان در فلسطین اشغالی، از رشد جمعیت مهاجران صهیونیست به آن کشور بیشتر است، به کمک قدرتها و دولتهای پشتیبانشان، باز نقشه‌های قدیمی خود در زمینه‌ی مهاجرت را شدت و شتاب بخشیدند. بنابراین، مسأله‌ی اسرائیل از اینها بالاتر است. [1]

حذف اسرائیل، فقط با کمک همه‌ی مسلمانان

تصور می‌شد که دولتهای عربیِ اسلامیِ مجاورِ سرزمین غصب شده، خواهند توانست، یا لااقل اراده خواهند کَرد که اَز گسترش این غده‌ی سرطانی در قلب عالم اسلام و در آن‌جایی که سه قاره‌ی آسیا و آفریقا و اروپا به یکدیگر متصل می‌شود، مانع بشوند. در اوایل، این تصور را فلسطینیها و شاید بعضی دیگر می‌کردند؛ اما امروز ثابت شده است که جز حرکت ملتها و اراده‌ی مردم مسلمان در سرتاسر آفاق اسلامی، هیچ راه دیگری وجود ندارد. [2]

پایبندنبودن اسرائیل به هیچ اصل انسانی و هیچ قانون بین‌المللی

دولت اسرائیل، با اعمال جنایتکارانه‌ی خود در فلسطین و لبنان و بمباران وحشیانه‌ی اردوگاهها و دزدی و آدم‌ربایی و فساد در داخل و خارج مرزهای فلسطین، نشان داده است که پایبند نیست. آنها که گذشته‌ها را فراموش می‌کنند، چگونه می‌توانند جنایات روزمره‌ی صهیونیستها در فلسطین و لبنان را که بی‌وقفه ادامه دارد، نادیده بگیرند؟[3]

---

۱. خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۶۹/۰۲/۰۷

۲. همان

۳. پیام به مناسبت روز جهانی قدس ۲۴/ ۰۱/ ۱۳۶۹

رژیم اسرائیل؛ یک رژیم غیرقابل اعتماد

رژیم صهیونیستی در سرزمین مغصوبِ فلسطین، یک رژیم نژادپرست است. مگر از یک رژیم نژادپرست می‌شود انتظار عدالت داشت؟! رژیمی که به وسیله‌ی قدرتمندان سیاسی و اقتصادی دنیا به وجود آمده است، اصلاً برای این به وجود آمده است که نگذارد دنیای اسلام، اتّحادی به خود ببیند؛ عزّتی به خود ببیند؛ نگذارد مسلمانها یک واحد عظیم تشکیل دهند که مبادا خطر بشوند. برای این اصلاً به وجود آمده است. از او می‌شود انتظار انصاف و عدالت داشت؟! ساده‌لوحند کسانی که خیال می‌کنند می‌شود با این رژیم گفتگو کرد. هر گفتگویی برای رژیم صهیونیستی به منزله‌ی باز کردن یک میدان برای جلو آمدن اوست. دیروز او را در گفتگوها کمک کردند، امروز آمدند مدّعی مسجدالاقصی شدند! وقتی انسان نداند که با چنین موجود زورگویی چگونه باید رفتار کرد و بخواهد تحت تأثیر فشارهای امریکا و صهیونیستهای قدرتمند و پولدار دنیا تصمیم بگیرد، همین می‌شود. آحاد ملت بالاخره خودشان به میدان آمدند.[1]

بازدارنده نبودن مذاکره در برابر جنایات اسرائیل

کسانی که خیال می‌کنند اگر به زور و فشار امریکا، با صهیونیستهای متجاوز، پشت میز مذاکره نشستند، خود را از درگیری با این متجاوز و غاصب راحت خواهند کرد، اشتباه می‌کنند. آن رژیم غاصب نمی‌گذارد آنها راحت بمانند. اگر هم می‌گذاشت، حق نداشتند به خاطر فشار اسرائیل، با مذاکره و امضای خود، از سرزمین متعلّق به مسلمین و ملت فلسطین بگذرند.[2]

استفاده‌ی دشمن از سلاح روانی برای خاموش‌نمودن بیداری امت اسلامی

در حال حاضر، ملت فلسطین سهم بزرگی در گشودن و پیمودن این راه

---

۱. سخنرانی در اجتماع بزرگ بسیجیان شرکت کننده در اردوی فرهنگی، رزمی یاران امام علی(ع) ۱۳۷۹/۰۷/۲۹

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم از سراسر کشور ۱۳۷۵/۰۷/۱۸

بر دوش گرفته است، و همه باید به آن ملت مظلوم و شجاع و بیدار کمک کنند. دیگر ملتها و دولتها می‌توانند در یاری رساندن به ملت قهرمان فلسطین، سهم خود را در پیمودن این راه بر عهده گیرند.

دشمن مستکبر که بیداری امت اسلامی، تهدید کننده‌ی مطامع و منافع نامشروع اوست، مهمترین سلاحی که در برابر این موج فزاینده در دست دارد، سلاح روانی است: نومیدسازی، تحقیر هویت، به رخ کشیدن قدرت و تمکّن مادی خویش. امروز و در آینده هزاران ابزار تبلیغی به کار افتاده و خواهد افتاد که مسلمانان را از آینده‌ی درخشان نومید و یا به آینده‌ئی که منطبق با نیّات پلید خود آنان است ترغیب کنند.[1]

جنایت اسرائیل

سالگرد اشغال این سرزمین موجب این شده است که دشمنان، بغض و کین‌توزی خودشان را با مردم فلسطین مضاعف کنند. از صهیونیستهای حاکم بر فلسطین، انتظاری نیست. از اولی که آنها آمدند، با همین جنایتها و شدت عملها شروع کردند و تا امروز هم آن را ادامه دادند؛ تا وقتی هم باشند، وجود آنها جز شر و فساد، چیزی به وجود نخواهد آورد.[2]

دولت صهیونیستی؛ پا درگل و فرومانده در کار

البته این تلاشها، گرهِ کار صهیونیستها را باز نخواهد کرد؛ این هم معلوم باشد. امروز دولت صهیونیستی، آن‌چنان پا درگل و فرومانده در کار است که نمی‌داند چه کار کند. غصب و ظلم و زورگویی، عاقبت خوشی ندارد. همین چیزها باید برای دولت غاصب صهیونیستی پیش می‌آمد؛ روزهای بدتری هم در پیش است. آنچه که آنها را خشمگین می‌کند، همین انتفاضه است. همه‌ی زحمتها و تلاشها و تماسها و دوندگیهای صهیونیستها و دولت امریکا و سیاستهای آنها برای این است که بلکه بتوانند انتفاضه را فرو بنشانند. انتفاضه یعنی چه؟ یعنی قیام یک ملت برای احقاق حقّ خود؛ ملتی که سرزمینش

۱. پیام به حجاج بیت الله الحرام ۱۳۷۹/۱۲/۱۲
۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۰/۰۲/۲۸

را گرفته‌اند، خانه‌اش را گرفته‌اند، اموالش را گرفته‌اند، مزارعش را گرفته‌اند، تحقیرش کرده‌اند، در داخل کشور خود مثل یک اقلیت توسری‌خور با او رفتار می‌کنند. این ملت مدتی کوتاهی کرده است؛ اما امروز جوانانش وارد میدان شده‌اند. در میدان مبارزه، این جوانان جری شده‌اند و با سنگ به مبارزه‌ی یک ارتشِ تا دندان مسلّح رفته‌اند؛ درعین‌حال آنها را عاجز کرده‌اند. رژیم صهیونیستی در این یک سال و چند ماه اخیر که انتفاضه‌ی مسجدالاقصی آغاز شده است، حقیقتاً در کار خود درمانده است. همه‌ی سعی آنها این است که بتوانند این شعله‌ی مقدّس و این قیام بحق را خاموش کنند. بنابراین به مردم فشار می‌آورند. در این چند روز، بر مردم بیچاره‌ی فلسطین و مدارس کودکان، انواع و اقسام فشارها را وارد کرده‌اند.[1]

به بن‌بست کامل رسیدن دولت امریکا و صهیونیستها در فلسطین

و اما نگاه به اشغالگران؛ صهیونیستهای غاصب و پشتیبانان آنها؛ یعنی دولت متجاوز امریکا. اگر کسی مسائل فلسطین را هرچه بیشتر مرور و تعمّق کند، بیشتر این معنا برایش واضح می‌شود که دولت امریکا و صهیونیستها در فلسطین به بن‌بست کامل رسیده‌اند؛ نه راه پیش رفتن دارند، نه راه عقب‌گرد کردن؛ محکوم به شکست هستند. نسل نوخاسته‌ی فلسطین بیدار شده و فهمیده است که راه نجات از دست دشمنِ اشغالگر چیزی جز مبارزه نیست؛ فهمیده است که حضور در جلسات جهانی و برطبق میل اشغالگران و حامیان آنها حرف زدن، راه نجات فلسطین نیست. فهمیده است باید بایستد، بخواهد، همّت و فداکاری کند، تا به هدف برسد. این را ملت فلسطین از بُنِ دندان دانسته و فهمیده است؛ لذا مقاومت می‌کند. وقتی سرچشمه‌ی این احساس از منشاءِ دینی و اعتقاد به توحید ناشی شود - که امروز بحمدالله در فلسطین این‌طور است - هرگز خشک نخواهد شد. امیدواریم خدای متعال روز پیروزی فلسطینیها را هرچه نزدیکتر بفرماید.[2]

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی ۲۱ رمضان ۱۳۸۰/۰۹/۱۶
۲. بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۸۲/۰۹/۰۵

وحشت اسرائیل از بیداری اسلامی در مصر

البته امروز آمریکائی‌ها بشدت دستپاچه‌اند؛ اسرائیلی‌ها بیشتر از آنها دستپاچه‌اند. در قضیه‌ی مصر، دنبال یک علاجی هستند؛ علاجی هم پیدا نخواهند کرد. مشغول فریبند؛ دم از طرفداری از مردم میزنند. حالا گفتند آمریکائی‌ها هم به او گفتند بایستی زودتر برکنار بشوی و بروی. این بسته به این است که مردم مصر چه جور عمل کنند و چگونه تصمیم بگیرند. [۱]

اوضاع منطقه یک اوضاع کاملاً بی‌سابقه‌ای است. بیداری اسلامی و حادثه‌ی عظیمی که در منطقه به وجود آمده است، این یک چیزی است که از اول انقلاب تا امروز در حیات جمهوری اسلامی شبیه این یا چیزی نزدیک به این مطلقاً سابقه ندارد؛ کار بزرگی انجام گرفته، حادثه‌ی بزرگی اتفاق افتاده. این که ملتی مثل ملت مصر، این حرکت عظیم را انجام بدهند، رژیم را ساقط کنند، بعد شعارهای اسلامی بدهند، موجودیت حکومت جعلی یهودی و صهیونیستی را اوضاع منطقه اینجور تهدید کند، اینها چیزهائی است که اصلاً در ارزیابی‌های متعارف نمیگنجد؛ خیلی چیز عظیمی است. خب، ما در یک چنین شرائطی قرار گرفتیم که برای جمهوری اسلامی یک افق روشنِ عجیبی را ترسیم میکند. [۲]

مخالفت با اسرائیل و آمریکا، برگرفته از دستور اسلام

مهمترین انگیزه‌ی دشمنی با ایران اسلامی از دوران حیات امام راحل قدّس سرّه تاکنون، آن است که در این کشور، همه‌ی سیاستها با معیارهای اسلامی، محک زده شده و انتخاب یا مردود می‌شود. همه‌ی موضعگیریهای سیاسی براساس دستورات اسلام، شکل می‌گیرد.

سازش دولتها با صهیونیسم مردود اعلام می‌شود، چون این به معنی آوارگی همیشگی ملت فلسطین و اشغال همیشگی کشور فلسطین بوسیله‌ی دشمن است.

---

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران به امامت رهبر معظم انقلاب اسلامی ۲۹ / ۰۳ / ۱۳۸۸

۲. بیانات در دیدار مسؤولان نظام جمهوری اسلامی ایران ششم رمضان‌المبارک ۱۴۳۲ ۱۳۹۰/۰۵/۱۶

از ملت‌های فلسطین و ... و دیگر ملتهای مظلوم مسلمان حمایت می‌کند، چون قرآن صریحاً حمایت از مستضعفان را لازم شمرده است: «**وَ ما لَكُمْ لا تُقاتِلُونَ فی سَبیلِ اللّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفینَ مِنَ الرِّجالِ وَ النِّساءِ وَ الْوِلْدانِ الَّذینَ یَقُولُونَ رَبَّنا أَخْرِجْنا مِنْ هذِهِ الْقَرْیَةِ الظّالِمِ أَهْلُها وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ وَلِیًّا وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ نَصیراً**».[۱]

با سلطه‌ی امریکا و نفوذ و دخالت آن در کشورهای اسلامی و همه‌ی کشورهای مظلوم مخالفت می‌کند؛ چون قرآن فرموده است:«**یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا عَدُوِّی وَ عَدُوَّكُمْ أَوْلِیاءَ تُلْقُونَ إِلَیْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ**»[۲]. در کشور خود احکام اسلامی را منشاء و ملاک قانونگذاری قرار داده است. چون عزت و استقلال و رفاه و کمال مادّی و معنوی برای یک ملت را در عمل به احکام اسلامی می‌داند..

اینها همه موجب آن شده است که سردمداران جبهه‌ی استکبار با دلاّلی و خنّاسی توطئه‌گران صهیونیست، ایران اسلامی را دشمن شماره یک خود بدانند و بقدر وسع خود با آن دشمنی کنند.[۳]

سکوت محافل حقوق بشر و اسلامی با مشاهده‌ی ستم اسرائیل

چرا دنیا عکس‌العمل نشان نمی‌دهد؟ چرا ملتهای اسلامی در مقابل این‌همه فاجعه و جنایت، سکوت می‌کنند؟ مگر اسرائیل و دشمن صهیونیستی، به کجا متکی است؟ مگر امریکا چقدر قوّت و قدرت دارد که مسؤولان و سیاستمداران کشورهای اسلامی، باید این‌قدر مرعوب باشند؟! ملتها باید سر بلند کنند و بیدار بشوند. می‌بینند که امروز محافل به اصطلاح حقوق بشر و خیرخواه و انساندوست – به حسب تیتر و عنوان و تابلو – هیچ غلطی نکردند و همه‌ی ادعاهایشان دروغ از آب درآمد. این را نمی‌بینند؟

یک دولت غاصب و غدار و زورگو، یک عده انسانهای بی‌دفاع و جوانان

۱. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۷۵

۲. سوره‌ی ممتحنه، آیه‌ی ۱

۳. پیام به حجاج بیت الله الحرام ۱۳۷۴/۰۲/۱۴

و نوجوانان و کودکان خردسال را داخل خانه‌هایشان و در خیابانهایی که متعلق به آنهاست، به خاک و خون می‌کشد؛ ولی از دنیا هیچ صدایی در نمی‌آید. آن‌وقت یک جوان فلسطینی، وقتی که عکس‌العمل نشان می‌دهد و دو، سه نفر را به درک واصل می‌کند، یکی از این طرف دنیا، یکی از آن طرف دنیا، سربلند می‌کنند و اظهار تأسف می‌کنند! چه تأسّفی؟! خیلی خوب کرد، دستش درد نکند. آن ملتی که نتواند از حق خودش دفاع کند، باید توسری بخورد. آن روز اول، فلسطینیها خواب و غفلت نشان دادند، دشمن این‌گونه بر آنها مسلط شد. امروز فلسطین بیدار شده است. مسلمانان در فلسطین بیدار شده‌اند.[1]

۱. سخنرانی در دیدار گروهی از آزادگان، جمعی از خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان، مسؤولان اجرایی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی و ائمه‌ی جمعه‌ی استانهای کرمانشاه، یزد و چهارمحال و بختیاری، و گروهی از مردم شهرهای گرگان، گنبد، محلات، گتوند، شوشتر، سپیدان، تهران، شیراز و جهرم ۱۳۶۹/۰۸/۰۲

فصل چهارم
غرب و آمریکا و صهیونیسم

هدف استکبار از ایجاد اسرائیل

استکبار جهانی و دولتهای استعمارگر، از آغاز تا امروز، رژیم غاصب اسرائیل را به عنوان اهرم فشاری بر روی دولتهای عربی و سپس اسلامی منطقه پدید آورده و ذخیره کرده‌اند و برآنند که این خنجر مسموم را همواره در پهلوی جهان اسلام نگاهدارند؛ و امروز شیطان بزرگ، سررشته‌ی این سگ دست‌آموز را در دست دارد. پس، تعجبی نیست که نقض مکرر قوانین بین‌المللی، نقض مداوم حقوق بشر – آن هم به فجیع‌ترین شکل – تجاوز مکرر به کشورهای همسایه، عملیات تروریستی و آدم‌ربایی به گونه‌ی آشکار، تهیه‌ی روزافزون سلاحهای اتمی و امثال آنها – که هریک در هریک از کشورهای جهان که با امریکا و دیگر دولتهای بزرگ رابطه‌ی ارباب رعیتی نداشته باشد، حادثه‌یی عظیم تلقی می‌شود – از صهیونیستها قابل قبول باشد و هیچ اعتراض جدی را از سوی شبکه‌ی استکباری جهان، مخصوصاً شیطان بزرگ برنینگیزد.[1]

---

۱. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۳۷۰/۰۳/۲۶

نفوذ صهیونیستها روی دولتهای غربی

اولین احساسی که به انسان دست می‌دهد، شرمندگی از بشریت است. به عوض سران اروپا و غرب، اینها باید از بشریت شرمنده باشند که این‌قدر تحت نفوذ صهیونیستها هستند. از ملتهای خودشان هم باید شرمنده باشند. مگر در دنیا دولتهایی که دولتهای دیگر را قبول نداشته باشند و هویت سیاسی آنها را انکار کنند، وجود ندارند؟ مگر رؤسای کشورهایی که در دل آرزوی نابودی رئیس یک کشور دیگر را داشته باشند، در دنیا کم‌اند؟ به زبان هم می‌آورند، مرتب هم هست. کجا چنین حساسیتی به وجود می‌آید؟ نفوذ صهیونیستها روی دولتهای غربی و اروپایی متأسفانه چنین جنجالهایی را به وجود می‌آورد. بعد هم از فرصت استفاده کردند، این را وصل کردند به قضیه‌ی انرژی اتمی! آن نادانی که اولین بار این حرف را زد و این را به ماجرای انرژی اتمی وصل کرد، نفهمید که سلاح اتمی برای از بین بردن حکومتها و سیستمها و رژیمها نیست؛ سیستمها و رژیمها با سلاح اتمی از بین نمی‌روند؛ سلاح اتمی فقط می‌تواند انسانها و سرزمینها را نابود کند. آنچه رژیمها را نابود می‌کند، قدرت مقاومت و عزم و مبارزه‌ی ملتهاست؛ که این عزم و مبارزه در فلسطین وجود دارد و به فضل الهی حتماً به سرنگونی رژیم صهیونیستی منتهی خواهد شد.[1]

نفوذ صهیونیست بر کشورهای اروپایی

اینها [آمریکا و اسرائیل] دشمنان اصلی ما هستند. البته در گوشه و کنار دنیا، باز هم علیه ما دشمنی و خباثت می‌شود، اما اینها آن اهمیت چندانی ندارد و مسأله‌ی اصلی نیست. همین قضایای اخیر دستگاه قضایی آلمان[2] که یک حرکت بسیار زشت و نفرت انگیزی را به خاطر صهیونیستها انجام دادند، از این نوع است. البته دولت آلمان خودش را کنار می‌کشد و می‌گوید به دستگاه قضایی کشورش مربوط است. هم ما می‌دانیم و هم آنها می‌دانند که

---

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۴/۰۸/۰۸

۲. دادگاه میکونوس که در آن به سران جمهوری اسلامی تهمت ترور در مرکز یهودیان آرژانتین زده‌شد.

این‌طور نیست که دولت آلمان، تسلّطی بر دستگاه قضایی کشورش نداشته باشد. جاهایی را خود ما مطّلعیم که اعمال نفوذ کرده‌اند. در حقیقت فشار صهیونیستها به دولت آلمان و دستگاه قضایی آن کشور است. اما اهمیتی ندارد. اینها کارهایی است که باید دولت ما و وزارت امور خارجه‌ی خود ما حلّ و فصل کنند که بحمدالله به خوبی مشغول خدمتند و کار می‌کنند و حلّ و فصل هم خواهند کرد. اینها چیزی نیست که به عنوان یک مسأله برای ملت محسوب شود. آنچه که برای ملت مهم است، همان نکته‌ای است که اشاره کردم؛ یعنی مسأله‌ی امریکا و اسرائیل. اساس مسأله این است.[1]

هدف استکبار؛ حذف هر عنصر مقاومت

اینها میخواهند هیچ عنصر مقاومتی در این منطقه وجود نداشته باشد. اصل عنصر مقاومت را جمهوری اسلامی میدانند. البته این را درست فهمیده‌اند. اینجا مرکز مقاومت است. اینجا جائی است که ما اگر هیچ اقدامی هم نکنیم، هیچ حرفی هم نزنیم، خود وجود جمهوری اسلامی به ملتهای منطقه الهام میدهد. یک موجودیتی، یک هویتی که علی‌رغم همه‌ی قدرتهای استکباری و به کوری چشم آنها اینجور در این منطقه قد کشیده و روز به روز ریشه‌دارتر میشود؛ روز به روز قویتر میشود. خود وجود این پیکره‌ی عظیم و پرشکوه، خار چشم استکبار است و امیددهنده‌ی به ملتها. بله، اینجا مرکز مقاومت است؛ در این شکی نیست. دیگران هم از اینجا الهام گرفتند، منتها برای اینکه این مقاومت را در هم بکوبند، حلقه‌ی ضعیف را اول هدف قرار دادند؛ دولت مردمی منتخب حماس در غزه. او را مظلوم گیر آوردند؛ او را دارند میکوبند. هر کس در دنیای اسلام، امروز قضیه‌ی غزه را یک قضیه‌ی منطقه‌ای و شخصی و محلی بداند، دچار همان خواب خرگوشی‌ای است که پدر ملتها را تا حالا درآورده است. نه، این قضیه‌ی غزه، فقط قضیه‌ی غزه نیست؛ قضیه‌ی منطقه است. فعلاً آنجا نقطه‌ی ضعیفتر است، تهاجم

۱. بیانات در دیدار مردم مشهد و زائران حضرت علی‌بن موسی‌الرضا(ع) در صحن حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۷۵/۰۱/۰۴

را از آنجا شروع کردند و اگر موفق شدند، دست از سر منطقه بر نمیدارند. دولتهای کشورهای مسلمانی که حول و حوش آن منطقه هستند و کمکی که باید بکنند و میتوانند بکنند، نمیکنند، دارند اشتباه میکنند؛ اشتباه میکنند. هر چه در این منطقه میخ اسرائیل بیشتر فرو برود، تسلط استکبار بیشتر بشود، بدبختی این دولتها و ضعف و ذلت این دولتها بیشتر خواهد شد. چرا ملتفت نیستند؟ و دولتها، ملتها را هم دنبال خودشان به ذلت میکشانند. یک دولت ذلیل و مطیع و وابسته، یک ملت را مطیع و ذلیل و وابسته میکند. این است که ملتها باید به خود بیایند.[1]

حمایت آمریکا و کوتاهی دولتهای عربی؛ عامل جبران ضعف درونی اسرائیل

ملتها مثل ملت ایران رژیم اسرائیل را یک رژیم جعلی و تحمیلی در منطقه میدانند. البته دولتها با ملتها همراه نیستند و متأسفانه آن چیزی که اسرائیل را تقویت کرده است، همین است. رژیم صهیونیستی از درون خود نیروئی ندارد، قدرتی ندارد، توانائی ایستادن روی پای خود را ندارد. امروز دو عامل رژیم صهیونیستی را سرِ پا نگه داشته است: یکی حمایت بی‌قید و شرط وقیحانه‌ی آمریکا از اینَ رژیم منحط؛ و دیگری حمایت نکردن دولتهای عربی و اسلامی از مردم فلسطین. متأسفانه بسیاری از حکومتها و دولتهای مسلمان، امروز آنچنان که باید به وظیفه‌ی خود در قبال فلسطین عمل نمیکنند و با ملتهایشان همصدا نیستند. اگر آنها هم با ملتهای خود همصدا شوند و از ملت مظلوم فلسطین دفاع کنند، وضعیت در منطقه بکلی تغییر خواهد کرد. این خواست عمومی ملتهاست و این همان گسترشی است که امام بزرگوار ما خبر داده بود.[2]

آمریکا و وابستگانش؛ سهیم در شکستهای اسرائیل

این جنگ سی و سه روزه، یک طرف پیروزمند داشت، یک طرف

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم قم به مناسبت قیام نوزدهم دی ۱۳۸۷/۱۰/۱۹

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۸۷/۰۳/۱۴

شکست خورده. ...طرف شکست خورده، البته صهیونیستها بودند؛ دولت جعلی اسرائیل بود؛ اما هیچ‌کس در دنیا نماند که امریکا را هم جزوِ طرفهای شکست خورده نداند. اروپاییها هم این را تصریح کردند، دیگران هم گفتند، خود امریکاییها هم با زبان بی‌زبانی به شکلهای مختلف، گفتند. امریکا هم در این قضیه شکست خورد. بدیهی است اینها در سطوح مختلف، وابستگانی هم در منطقه دارند؛ آنها هم جزوِ جناح شکست خورده محسوب میشوند.[۱]

طرح خاورمیانه‌ی بزرگ امریکا؛ آن روی سکه‌ی افسانه‌ی نیل تا فرات

امروز نقشه‌ی اساسی استکبار برای دنیای اسلام، سیطره‌ی کامل است. طرح خاورمیانه‌ی بزرگی که امریکایی‌ها مطرح می‌کنند، عبارةٌ اخرای ایجاد کشور بزرگی است به نام خاورمیانه، با مرکزیت رژیم صهیونیستی. همه‌ی دولتهایی که در این کشورها هستند، باید به دولتهای دست‌نشانده‌ی اسرائیل تبدیل شوند. معنای خاورمیانه‌ی بزرگ این است که ما یک عرصه‌ی عظیم بشری را در اختیار اسرائیل بگذاریم تا در آن، سرمایه‌گذاری و تولید ارزان کند و بر فربهیِ خود بیفزاید؛ و اگر افسانه‌ی نیل تا فرات را با شیوه‌ی نظامی نتوانست محققَ کند، با شیوه‌ی اقتصادی، سیاسی، پولی و فنی آن را تأمین کند. امریکا – و به یک معنا باید گفت غرب – این را می‌خواهد. دنیای اسلام چرا باید تسلیم چنین خواسته‌یی شود؟

پیشرفت در این میدانها احتیاج دارد به فکر، عقل، تدبیر و حکمت؛ احتیاج دارد به این‌که دلهای خود را به هم بیشتر نزدیک کنیم. اکسیر دور از دسترسی که باید سعی کنیم آن را به‌دست بیاوریم، عبارت است از اتحاد و همدلیِ کشورهای مسلمان در بخشهای مختلف.[۲]

مسأله‌ی خاورمیانه‌ای بزرگ یک آرزوی امریکایی است. خاورمیانه‌ی بزرگی که آنها می‌گویند، یعنی کشوری بزرگ در خاورمیانه به مرکزیت اسرائیل. البته منظور آنها این نیست که یک دولت واحد تشکیل شود؛ نه.

---

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران به امامت رهبر معظم انقلاب اسلامی ۱۳۸۵/۰۷/۲۱
۲. بیانات در دیدار رؤسای بانکهای مرکزی کشورهای اسلامی ۱۳۸۴/۰۱/۱۷

همین دولتهایی که در مرزهای جغرافیایی کنونی قرار دارند، باشند؛ منتها دولتهایی که توی مشت امریکاییها باشند؛ مردم بظاهر آنها را انتخاب کرده باشند، اما امریکاییها خواسته باشند؛ همان‌طور که در ماههای اخیر در اوکراین و گرجستان اتفاق افتاد.

آنها می‌خواهند اسرائیل در این منطقه‌ی پُربهره و پُر از سرمایه‌های طبیعی، بشود یک مرکز برجسته؛ نماینده و پایگاه تمدن مادی غرب دست و پایش را در این کشورها باز کند؛ از کارگر ارزان آنها استفاده کند، از پولهای آنها استفاده کند، اقتصاد خودش را گسترش دهد، کشاورزی خودش را توسعه دهد و در واقع خودش را تغذیه کند؛ مثل درختی که ریشه‌اش وارد خانه‌ی همسایه می‌شود و از آن‌جا تغذیه می‌کند، که در واقع میوه‌ی درخت مال صاحب آن خانه است.

طرح از نیل تا فراتی که یک وقت اعلام کردند می‌خواهند با سرپنجه‌ی قدرت نظامی آن را به‌دست بیاورند، در واقع الان می‌خواهند با سرپنجه‌ی قدرت سیاسی و اقتصادی آن را به‌دست بیاورند. البته قطعاً به این هدف نخواهند رسید؛ نه امریکاییها و نه صهیونیستها و غاصبان فلسطین.

ملتها بیدارند. ما باید بیدار باشیم. جمهوری اسلامی باید بیدار باشد. بیداری ما یک شعار نیست؛ باید حواسمان جمع باشد.[1]

هدف آمریکا از حمایت اسرائیل

دشمن درصدد است فلسطین را یکباره از پیکر دنیای اسلام جدا کند و شجره‌ی ملعونه‌ی صهیونیسم را در خانه‌ی مسلمین ماندگار سازد. امریکا درصدد است با تثبیت رژیم اشغالگر، همه‌ی سررشته‌های زندگی در این منطقه‌ی حساس را به دست گیرد و خود را از نگرانی خیزش اسلامی در خاورمیانه و آفریقا نجات دهد. دشمنان اسلام می‌خواهند همه‌ی کینه‌ی دیرین خود با اسلام و شکستهایی را که در سالهای اخیر بر اثر بیداری مسلمین تحمل کرده‌اند، در این‌جا جبران کنند. این حادثه با هیچیک از

۱. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۳/۱۲/۲۷

توطئه‌های چند سال اخیر درباره‌ی خاورمیانه قابل مقایسه نیست؛ این‌جا سخن از غصب یک کشور و دربه‌دری مستمر و ابدی یک ملت و جداسازی نهایی پاره‌ی تن جهان اسلام و مرکز جغرافیایی وطن بزرگ اسلامی و قبله‌ی اولای مسلمین است.[1]

حمایت آمریکا از جنایات صهیونیستها

و اما موضع امریکا. امریکا در این قضیه بدترین موضعگیری را کرد؛ دیگر از این بدتر، امکان ندارد. در این هفت هشت ده روزی که این حوادث شدّت فوق‌العاده‌ای گرفته است، تا به حال رئیس جمهور امریکا دو سه مرتبه صحبت کرده است. آخرین مرتبه همین صحبتِ دیروز بود؛ سخنرانی‌ای مفصّل، تقریباً یک سره در حمایت از عملیات و کارهای اسرائیل! وی برای خالی نبودن عریضه، در خلال این سخنرانی، پس از حمایتهای فراوانی که از جنایتکاران صهیونیست کرد، این را هم گنجاند که «دولت اسرائیل در مناطق فلسطینی‌نشین، شهرکهای یهودی نسازد.» خوب؛ خودش می‌داند، همه‌ی دنیا هم می‌دانند که این یک توصیه‌ی دروغین و صوری و سطحی است. سالهاست مجامع جهانی تصویب کرده‌اند و مراکز قدرت جهانی و سیاست جهانی گفته‌اند که اسرائیلیها حق ندارند در مناطق فلسطینی‌نشین، شهرک یهودی‌نشین بسازند. همین درنده‌ای‌که امروز در فلسطین اشغالی در رأس قدرت است، زمانی که وزیر مسکن بود، مقابل همه‌ی اینها ایستاد و گفت من می‌سازم و ساخت و تا الان هم ادامه دارد. چه کسی این حرفها را گوش می‌کند؟ خودش هم می‌داند که گوش نمی‌کنند. یکسره حمایت از صهیونیستها، آن‌هم با منطق ضعیف، با منطق غلط و غیرقابل قبول برای افکار مردم جهان. ... حرفها و موضعگیریهای او دقیقاً نقطه‌ی مقابل صلح و امنیت جهانی است. چه کسی اینها را اداره می‌کند؟ جای تأمّل و تفکر است. چه کسی این آدمهای تازه وارد در میدان سیاست و جاه طلب و بی‌خبر از

---

۱. پیام به ملتهای مسلمان، علما، نویسندگان، روشنفکران و دانشجویان کشورهای اسلامی، به منظور بسیج نیروهای عظیم کشورهای اسلامی برای مقابله با توطئه‌های خباثت‌آمیز امریکا و اسرائیل در کنفرانس مادرید۱۳۷۰/۰۷/۲۵

معنویت را به سوی این وضعیتی که پیش می‌آورند هدایت می‌کند؟ خیلی در خور تأمّل است.[1]

اشتباه بزرگ استکبار؛ حمایت از رژیم صهیونیستی

در زمینه‌ی مسائل جهانی – همان‌طور که عرض کردیم – استکبار اشتباهات بزرگی مرتکب می‌شود. یکی از این اشتباهات، وضعیتی است که امروز امریکا در حمایت از رژیم صهیونیستی دارد. امروز دو پدیده را می‌شود در رژیم صهیونیستی دید: یکی خشونت و سبُعیّتِ از حد گذشته است. سبُعیّتی که امروز صهیونیستها در برخورد با صاحبان سرزمین فلسطین به خرج می‌دهند، واقعاً داستان عجیب و حیرت‌انگیز و بی‌سابقه‌ای است. دومین نکته این است که رژیم صهیونیستی در بن بست کامل قرار گرفته و هیچ راهی ندارد. اشتباه امریکا این است که در این وضعیت، به طور واضح و آشکار از رژیم صهیونیستی حمایت می‌کند و به اسرائیل و به مسؤولان آن، چک سفید داده تا هر غلطی بخواهند بکنند، بکنند و هر جنایتی می‌خواهند مرتکب بشوند، بشوند! این جزو اشتباهات جبران‌ناپذیر امریکاییهاست و چوب آن را خواهند خورد. ملت فلسطین نشان داده است که ملت لایق و مقاومی است؛ نشان داده است که با دست خالی می‌توان در مقابل یک رژیم مسلّط و مسلّح و بی‌رحم و خشن مثل رژیم اسرائیل، ایستادگی و مقاومت کرد. این هم درسی است به ملتهای دیگر. امروز همه‌ی ما وظیفه داریم از مردم فلسطین حمایت معنوی و مادّی کنیم.[2]

البته امروز امریکا شریک جرمِ اسرائیل است. رئیس جمهور امریکا که خود را به عنوان میانجی معرفی می‌کند، صریحاً می‌گوید حمایت از اسرائیل جزو سیاست خارجی ماست! او در مقابل دنیای عرب، سران عرب و امّت اسلامی، این طور آشکار و وقیحانه، جانبداری خود را از اسرائیل – که غاصب سرزمین فلسطین است – نشان می‌دهد.[3]

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۱/۰۱/۱۶

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۱/۰۹/۰۱

۳. بیانات در اجتماع بزرگ زائران حرم امام خمینی(ره) ۱۳۸۱/۰۳/۱۴

جنایات اسرائیل و حمایت آمریکا

در این ماه رمضان هم، صهیونیستها حداکثر فاجعه‌آفرینی را کردند. شما می‌بینید که از بچه‌ی کوچکِ شاید یکساله و دو ساله تا نوجوان و جوان و پیرمرد و مریض، جزو قربانیان این حوادثند. این، ضدیّتِ دشمن اسلام و مسلمین – یعنی گروه حاکم بر این بخش از میهن اسلامی – را با موازین بشری و با حقوق بشر نشان می‌دهد. درعین‌حال سناتورها و سیاستمداران و زبدگان سیاسی امریکا از اینها صریح حمایت می‌کنند. این کار را بکنند؛ میل خودشان است؛ سیاستشان این است؛ جوهره‌ی آنها همین است که باید از این مفسدان و شیطان‌صفتها و سَبُعها حمایت کنند. بیش از این هم توقّعی نیست؛ لیکن مردم دنیا باید از این عبرت بگیرند. خوشبختانه ملت ما چشم و گوشش باز است. مردم دنیا که همیشه در قضایای مختلف، شعار طرفداری از حقوق بشر، طرفداری از حقوق اکثریت و به قول خودشان طرفداری از دمکراسی را، از زبان امریکاییها شنیده‌اند که به آن تفاخر می‌کردند، باید در آینه‌ی فلسطین، چهره‌ی زشت واقعیِ سیاستهای امریکایی را مشاهده کنند.[1]

حمایت بیشرمانه‌ی غرب از جنایات اسرائیل

سردمداران رژیم مستکبر امریکا هم به همین دلیل عصبانی‌اند و باطن خود را نشان می‌دهند. آنچه در دل آنها وجود دارد و همیشه پشت پرده‌های ضخیم ریاکاری، آن را پنهان می‌کنند، امروز در اظهاراتشان نشان داده می‌شود. امروز امریکاییها نه فقط از رژیم سفّاک صهیونیستی، بلکه از جنایتهای صریح آن هم بدون هیچ پوشش و شرمی حمایت می‌کنند. فقط مسأله ترور نیستَ؛ یک جنایت بزرگ و آشکار صورت گرفته است؛ از این حمایت می‌کنند؛ از آوردن تانکها در کوچه‌ها و خیابانها حمایت می‌کنند؛ از ویران کردن خانه‌های مردم حمایت می‌کنند. این باطن رژیم استکبار است. «استکبار»ی که در واژه‌های انقلاب اسلامی تکرار می‌شود، یعنی این.

حماس و جهاد اسلامی و حزب‌الله را به عنوان تروریست معرفی می‌کنند.

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۹/۰۹/۲۵

چرا؟! مگر اینها چه کرده‌اند؟! جرم اینها این است که از شرف و میهن و خانه و مردمِ خود دفاع کرده‌اند. میل امریکاییها این است که اسرائیل با جلاّدان خود، بچه‌های کوچک؛ بچه‌هایی مثل پسر این مرد[1] را جلوِ چشم پدرانشان به قتل برساند و کسی اعتراض نکند، چیزی نگوید، در صدد پاسخ برنیاید و خشمگین نشود. گناه حماس و جهاد اسلامی و حزب‌الله لبنان و همه‌ی مبارزان حقیقی صحنه‌ی نبرد فقط این است که در مقابل این‌گونه تجاوزات قساوت‌آمیز و کم‌نظیر، به پاسخ عملی دست می‌زنند و اقدام می‌کنند. جرم جمهوری اسلامی هم این است که آشکارا و صریح از حقّ و عدالت دفاع می‌کند. ما هرگز دفاع از حقّ و عدالت را به خاطر میلِ دل قدرتهای استکباری کنار نگذاشتیم. ما هرگز در این زمینه، سازش و ریاکاری نکردیم. ما صریحِ حقّ و عدالت را مطرح و از آن دفاع کردیم. این جرم ماست.

امریکاییها باطن خود را نشان دادند. رئیس جمهور امریکا در نطق اخیرش، مثل کسی حرف می‌زند که تشنه خون انسانهاست! کشورها و ملتها را تهدید و متّهم می‌کند. همه‌ی دنیا می‌دانند که شیطان بزرگ، امریکاست؛ این یک حرف متّکی به دلیل است. این عنوان «شیطان بزرگ» برای امریکا، یک نامگذاری بی‌دلیل نبود. شما به تاریخ سی، چهل سال گذشته نگاه کنید؛ بیشترین کار شکنی را نسبت به نهضتهای مردمی و مستقل، امریکا کرده است. بیشترین ترور شخصیتهای مؤمن پاکدامن را در دنیا، دستگاه جاسوسی سیای امریکا کرده است. بیشترین حمایت را از رژیمهای ضدّمردمی در دنیا، امریکا کرده است. بیشترین فروش اسلحه و سلاحهای مرگبار را در دنیا امریکا کرده است. بیشترین چپاول و غارت را نسبت به ثروتهای ملتها، امریکا کرده است. اینها شیطنت است؛ پس بزرگترین شیطانهاست. البته این کارها را شیطانهای دیگری هم در دنیا می‌کنند؛ اما هیچکدام به شیطنت امریکا نیستند. پس او حقّاً شیطان بزرگ است.[2]

۱. جمال‌الدّره، پدر شهید محمدالدّره

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش بین‌المللی رسانه‌های جهان اسلام حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین ۱۳۸۰/۱۱/۱۱

سکوت و حمایت غرب و آمریکا در برابر جنایات اسرائیل

امروز آمریکا و غرب در قضیه‌ی فلسطین و در بسیاری از قضایای دیگر صریحاً دارند دروغ می‌گویند؛ صریحاً دروغ می‌گویند. فاجعه‌ی عظیمی مثل فاجعه‌ی غزه را در جنگ ۲۲ روزه وارونه وانمود میکنند. باید به این توجه کنیم. این را میخواهم یادآوری کنم. امروز غزه و فلسطین عرصه‌ی رسوائی غرب است. غرب با ادعای حقوق بشر بزرگترین و فجیع‌ترین نقض حقوق بشر را در غزه ندیده گرفته. تا روزهای متمادی غربیها در سال گذشته یک کلمه حرف به نفع مردم غزه و در دفاع از آنها نزدند. روزهای متمادی پشت سر هم می‌گذشت، ما هی گوشمان بود ببینیم آیا از اروپا - از آمریکا که هیچ - از سازمانهای حقوق بشر، از سازمانهای به اصطلاح مدافع آزادی، یک کلمه حرف به نفع مردم غزه صادر می‌شود؟ نمی‌شد. بعد از آنی که سر و صدای مردم بلند شد، مردم در کشورهای مختلف سر و صدا کردند، راهپیمائی کردند، تظاهرات کردند، حرف زدند، رسوائی بالا گرفت، شروع کردند به حرف زدن؛ فقط حرف! غرب هیچ گونه حمایتی از مردم غزه نکرد؛ در مقابل یک چنین فاجعه‌ی عظیمی که جلوی چشم همه داشت اتفاق می‌افتاد. تا امروز هم باز غرب در همان مواضع است. سازمان ملل خودش را رسوا کرد. آمریکا رسوا بود و رسواتر شد. با اینکه این گزارش گلدستون در آمده است و همه از او مطلع شدند. امروز بایستی سران جانی و مجرم رژیم صهیونیستی بیایند پای محاکمه و باید مجازات بشوند؛ ولی هیچ خبری نیست، هیچ اقدامی انجام نمی‌گیرد؛ بلکه حمایتها از دولت غاصب و دولت جعلی صهیونیستی باز هم بیشتر می‌شود! اینها غرب را رسوا کرد. آمریکا با این دولت جدید و رئیس جمهور جدید، ادعا کرد می‌خواهد تغییر به وجود بیاید. شعار تغییر برای این بود که بی‌آبروئی و بدنامی آمریکا در این منطقه‌ی اسلامی، یک مقداری بلکه ترمیم بشود؛ اما نتوانستند ترمیم کنند و بدانند که تا آخر نخواهند توانست ترمیم کنند؛ چون دروغ میگویند؛ چون صریحاً به مردم دارند دروغ می‌گویند. آنها در خیلی از قضایا دروغ می‌گویند. حالا ما که در جمهوری اسلامی هستیم، دائماً داریم دروغهای اینها را می‌بینیم و می‌شنویم. واژگونه کردن حقایق و وارونه نشان دادن واقعیات، سی سال است که جلوی

چشم ماست و ما به این عادت کردیم؛ لکن دنیا قضاوت خواهد کرد، تاریخ قضاوت خواهد کرد. امروز تمدن غرب – من به شما عرض بکنم – در مقابل قضیه‌ی فلسطین به چالش کشیده شده. امروز دعوی لیبرال دمکراسی غرب زیر سؤال رفته. یعنی شما در فلسطین به خاطر مقاومتتان، یک ادعای چند صد ساله‌ی غرب را، که به وسیله‌ی او به دنیا تحکم می‌کرد، به زیر کشیدید و این ادعا را باطل کردید. مقاومت این قدر مهم است و عظیم است؛ این مقاومتی که شما دارید انجام می‌دهید.[1]

گناهِ کارهای صهیونیستها، به گردن رژیم امریکا

گناهِ کارهای صهیونیستها و دولت غاصب، به میزان زیادی به گردن رژیم امریکاست. شما این را بدانید؛ در طول این پنجاه سالی که اینها سرِکارند، در شورای امنیت سازمان ملل، بیست و نه قطعنامه علیه اسرائیل صادر شده، که امریکا هر بیست و نه مورد را «وتو» کرده است! الان هم حدود ده سالی است – از بعد از فروپاشی شوروی سابق تاکنون – که دیگر اصلاً اجازه نمی‌دهد که در شورای امنیت، قطعنامه‌ای علیه اسرائیل مطرح شود! پس، گناه این جرائم به گردن امریکاست. امریکا که این قدر چهره‌ی صلح‌طلبانه به خودش می‌گیرد و گاهی هم لبخندهای زهرآگینی را به همه‌ی ملتها – از جمله به ملت شریف و مظلوم ما – نشان می‌دهد، در قضیه‌ی فلسطین، مجرم درجه‌ی یک است؛ یکی از گناهانش این است. امروز دست امریکا تا مرفق در خون فلسطینیها فرورفته است. اینها کشورهای منطقه را تهدید می‌کنند. البته دولتهای سوریه و لبنان و دیگر کشورهایی که در آن‌جا هستند، گرفتاریها و تنگناهایی دارند. بحث دولتها از بحث ملتها جداست. ملتها همه جا دلشان پُر است و دولتها هم حالا زیر بار بعضی از فشارها ناچار می‌شوند گاهی حرفهایی بزنند، مذاکراتی بکنند و مواضعی بگیرند.[2]

---

۱. دیدار رهبران گروه‌های جهادی فلسطینی شرکت کننده در افتتاحیه‌ی همایش غزه ۱۳۸۸/۱۲/۰۸
۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۱۰/۱۰

حمایت استکبار از اسرائیل، ضامن بقای آن

اگر حمایتهای استکبار و در رأس آنها امریکا از اشغالگران فلسطین و تروریستهای بین‌المللی، که در قلب کشورهای اسلامی متمرکز شده‌اند ـ یعنی همین حاکمان فعلی دولت جعلی اسرائیل ـ نبود، قدرتِ ماندن نداشتند. الان هم همین‌طور است.

امریکاییها در قضیه‌ی فلسطین نمی‌توانند میانجی باشند، نمی‌توانند واسطه باشند. آنها طرف قضیه‌اند؛ مقابل دولتهای اسلامی و ملتهای اسلامیند. در همین قضایای چندسال اخیر هم نشان داده شد. همین حالا در مقابل این فاجعه‌ی عظیمی که صهیونیستها راه می‌اندازند – یعنی در حقیقت غصب دوباره‌ی بیت‌المقدّس، غصب دوباره‌ی قبله‌ی مسلمانان – همین حمایتهای امریکاست که اینها را جَری کرده است؛ والاّ اینها جرأت نمی‌کردند. اگر حمایت امریکا نبود، دولتهای اسلامی این زمره‌ی طاغیه را کفایت می‌کردند. الان هم اگر کشورهای اسلامی و دولتهای اسلامی متّحد باشند، کفایت می‌کنند.

عمده‌ی دشمنی امریکا با ایران اسلامی، به خاطر دو چیز است: یکی تمسّک به اسلام، دیگری موضعگیری قاطع در مقابل قضیه‌ی فلسطین. این را همه‌ی شما بدانید، همه در دنیا بدانند. علّت این‌که امریکا در مقابل ایران اسلامی، این‌طور گستاخ، جری، خشمگین و عنود قرار می‌گیرد، این دو مسأله است: اسلام و موضع در مقابل قضیه‌ی فلسطین؛ موضع صریح و قاطع، که از روز اوّل انقلاب تا امروز تغییر نکرده است و روزبه‌روز روشنتر و واضحتر هم شده است. تمام فشارها بر ایران اسلامی، برای این دو چیز است: دست برداشتن از اسلام و انصراف از حاکمیت احکام مقدّس اسلامی و تغییر موضع در مقابل قضیه‌ی فلسطین. تا این مواضع ما هست، امریکا دلش با ما صاف نخواهد شد. این لحنهای علی‌الظّاهر ملایمی هم که این اواخر مشاهده می‌شود، یک مقدار کار سیاسیِ معمولیِ منافقانه است؛ مقداری هم بر اثر تحلیل غلط اوضاع داخلی ایرانَ است. نَمی‌فهمند در ایران چه می‌گذرد؛ تحلیلهای غلطی می‌کنند، برداشتهای غلطی می‌کنند، تقسیمهای غلطی می‌کنند. [1]

---

۱. بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۲۱/ ۰۴/ ۱۳۷۷

هدف صهیونیستها و آمریکا؛ حذف نام فلسطین

الان، شاید بیش از دو هفته است که در سرزمین فلسطین، فاجعه‌آفرینی مجدّد رژیم صهیونیستیِ غاصب، ادامه پیدا کرده است و مردم مظلوم فلسطین، در خانه‌ی خودشان، دچار سرکوب و وحشیگری غاصبینی هستند که به پشتیبانی امریکا، هر کار می‌خواهند با آن مردم می‌کنند.

چرا باید بتوانند این کار را بکنند؟ چرا باید ملتهای مسلمان، حرکت واحدی را در سرتاسر دنیا شروع نکنند؟ چرا باید با امریکا محاجّه نکنند و حرفشان را به گوش دولتمردانِ سنگینْ خوابِ امریکایی نرسانند؟ چرا دولتهای اسلامی، در چنین مسأله‌ی حسّاسی، آن وحدت و هماهنگی و همدلیِ لازم را بین خودشان به وجود نمی‌آورند؟ این، فریاد جمهوری اسلامی، از اولِ پیروزی تا امروز است.

این بارِ چندم است که با مردم فلسطین، این کار را انجام می‌دهند. ملت فلسطین گناهی ندارد، جز این‌که می‌خواهد در خانه‌ی خود زندگی کند؛ فقط همین. علی‌رغم این نیاز حقیقی و صادق و محق که ملتی می‌خواهد در خانه‌ی خود زندگی کند، خانه‌اش متعلّق به او باشد، دشمن در خانه‌ی او، به او حمله نکند، خون او را نریزد و امنیت او را از بین نبرد، امریکاییها آستینها را بالا زده‌اند و به خیال خودشان، برای این‌که قضیه‌ی فلسطین را بکلّی به فراموشی دچار کنند و بکل، اسم فلسطین را از یادهای مردم دنیا ببرند، فرمول صلح و مذاکرات صلح و میز مذاکرات درست کردند؛ چند سال هم خودشان را معطل کردند! مگر می‌شود؟

مگر ممکن است که یک واحد جغرافیایی را با آن پیشینه‌ی تاریخی، از صحنه‌ی روزگار بر انداخت؟ مگر می‌شود فلسطین را که زادگاه بسیاری از تمدّنهای دیرین تاریخی است و جایی است که پیامبران بزرگ الهی در آن جا، پرچم توحید را بلند کردند و ندای عدل و داد دادند، از صفحه‌ی نقشه‌ی عالم پاک کرد و به جای آن، یک کشور دروغیِ جعلی به نام اسرائیل قرار داد؟ با گذشت ده سال و بیست سال و چهل سال و پنجاه سال که نمی‌شود حقایق تاریخی را به فراموشی سپرد. اشتباه کردند، خیال کردند می‌توانند. خوی متجاوز، اجازه نمی‌دهد که چنین حرکت سازشکارانه‌ای به وجود آید.

دیدید که خودِ متجاوزان موجب شدند، مجدداً این جنجال به وجود آید. مردم فلسطین را زیر فشار سخت‌تری قرار دادند. بدیهی است که مردم فریاد می‌کشند، قیام می‌کنند و نسلها بیدار می‌شوند. [1]

تناقض غرب؛ تلاش برای نجات حیوانات و سکوت در برابر کشتار انسانها

امروز، قدرتهای اهریمنی و شیطانی - یعنی همین که شما به آن استکبار می‌گویید و مظهرش امریکاست - علیه بشریت و ارزشهای انسانی قیام کرده‌اند. برای اینها، جان میلیونها انسان اهمیت ندارد. شما دیدید که اسرائیل در ظرف پانزده شانزده روز، دهها هزار نفر را کشت و زخمی و آواره و آشفته کرد و داغهایی آفرید؛ ولی خم به ابروی استکبار جهانی نیامد. همینهایی که وقتی گربه‌ای داخل چاه فلان خانه می‌افتد، از روی ریاکاری، دستگاههایشان را بسیج و پولهایی را خرج می‌کنند که این گربه را که یک حیوان است، از داخل چاه نجات دهند! یا گاهی اوقات، تظاهر به انسان دوستی می‌کنند که ماها هم که اینها را خوب می‌شناسیم، گاهی اوقات واقعاً شک می‌کنیم که عجب! آیا این همه اظهار دلسوزی راست است؟! این قدر اینها ریاکاری می‌کنند![2]

بی‌تفاوتی برخی از دولتها و سیاستمداران در برابر کشتار فلسطینیان

جای تأسف عمیق است که برخی از دولتها و سیاستمداران جهانی، از مقولات اخلاقی و قضاوت وجدانی بشری، سخت بیگانه‌اند. برای آنها قتل‌عامِ بیش‌از ۱۳۵۰نفر و زخمی کردن حدود ۵۵۰۰ نفر مردم بی‌سلاح و بسیاریِ کودک در ظرف ۲۲ روز در غزه، هیچ حساسیتی برنمی‌انگیزد؛ قاتلان و مجرمان نه تنها مجازات نمی‌شوند، که پاداش هم می‌گیرند. امنیت رژیم سفاک یک امر قدسی که باید در هر حال از آن دفاع کرد به شمار می‌آید و طرف مظلوم، چه دولتی که با رأی قاطع مردم بر سر کار آمده و چه مردمی

---

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم از سراسر کشور ۱۳۷۵/۰۷/۱۸

۲. بیانات در دیدار جمع کثیری از کارگران، معلمان و فرهنگیان کشور ۱۳۷۵/۰۲/۱۲

که آن دولت را بر سر کار آورده‌اند، متهم و محکوم می‌شوند. این است حکم دیوان سیاستی که با اخلاق و وجدان و فضیلت، نسبتی ندارد و آبش با آن به یک جو نمی‌رود. این دولتها هنگامی که نفرت عمیق افکار عمومی را از خود مشاهده می‌کنند، بی آنکه علت آشکار آن را ببینند، به سراغ باز هم سیاست‌ورزی می‌روند و این چرخه‌ی معیوب همچنان ادامه می‌یابد.

برادران و خواهران عزیز در همه‌ی جهان اسلام! از تجربه‌ها درس بگیریم. امت بزرگ ما امروز به برکت بیداری اسلامی، دارای قدرت عظیمی است. کلید حل مشکلات فراوان کشورهای اسلامی، در دست همت و یکپارچگی این مجموعه‌ی شگرف است، و مسأله‌ی فلسطین، فوری‌ترین مسأله‌ی جهان اسلام است.[1]

اتحاد شوم آمریکا و صهیونیسم برای دشمنی با اسلام

درباره‌ی مسلمانان جهان، آنچه که حقیقتاً مایه‌ی رنج و تأسّف و درد است این است که مسلمانان، امروز به آن چیزی که بیش از همه احتیاج دارند، کمتر توجّه می‌کنند و آن عبارت از بازگشت به اسلام و اتّکا به قدرت اسلامی و استحکام پیوند بین مسلمانان و وحدت مسلمین است. علّت این است که امروز، دشمنان اسلام در مقابل این دین، موضع خشن‌تر و حتی صریحتری اتّخاذ کرده‌اند. در گذشته هم با اسلام، خیلی دشمنی و ستیزه شده است؛ اما امروز بیش از همیشه، این دشمنی خشن‌تر و صریحتر و ستیزه جویانه‌تر است.

در رأس این دشمنان هم، اتّحاد شوم امریکا و صهیونیسم است. امریکا به عنوان رأس قدرت استکباری عالم و صهیونیسم به عنوان عامل فساد سیاسی و اخلال در روابط مسلمین با یکدیگر و اخلال در روند حرکت رشد ملتها و کشورهای اسلامی، عمل می‌کنند. این دو، با هم متّحدند. متأسّفانه وضعی که بسیاری از سران کشورهای منطقه‌ی عربی به خود گرفته‌اند – و توقّع می‌رفت نسبت به غاصبان فلسطین و در مقابل این تجاوز فاضح و واضح

۱. بیانات در چهارمین کنفرانس حمایت از ملت فلسطین ۱۳۸۷/۱۲/۱۴

و وقیحانه، موضع صحیحی اتّخاذ کنند - وضعی است که مسلمانان را روزبه‌روز در مقابلِ آن اتّحاد شوم، ضعیفتر و خودِ آن دولتها را هم ضعیفتر و بی‌پشتوانه‌تر می‌کند. چه خوب بود رؤسای کشورهای اسلامی، قدر اسلام را که به آنها قدرت و شخصیت و استقلال و توانایی ایستادگی در مقابل زورگویان را می‌دهد، می‌شناختند و می‌دانستند. متأسّفانه، بسیاری از سران مسلمان، قدر این نعمت بزرگ را نمی‌دانند.

اسلام می‌تواند به برکت ایمان و تعالیم عالی و نورانی و معارف و احکام مترقّی خود، قدرتی را در کشورهای اسلامی به وجود آورد که هیچ کس نتواند به آن ملتها و کشورها زور بگوید و گردن کلفتی کند و چیزی را بر آنها تحمیل نماید. چرا از این قدرت عظیم استفاده نمی‌کنند؟[1]

دوگانگی مطبوعات غربی درباره‌ی جنایات اسرائیل

البته، وجدان امت اسلامی توفانی شد. حداکثر کوتاهی و تقصیر را در این قضیه مطبوعات غربی کردند. از رادیوی اسرائیل و مطبوعات رژیم صهیونیستی که انتظاری نیست. آنها خودشان قاتلند. از قاتل، توقع نیست که خودش را محکوم کند. اما مطبوعاتِ دنیای به اصطلاح آزاد، چرا باید این‌قدر حق کشی کنند؟! چرا باید این‌قدر سکوت کنند و حادثه را کوچک بشمارند؟!

اخیراً یک فرد عرب در امریکا، اسلحه به دست گرفت و به چند نفر حمله کرد و ظاهراً خسارت چندانی هم وارد نیاورد. شما ببینید مطبوعات امریکا، طی چند روز گذشته چه غوغایی به پا کردند! همه‌ی روزنامه‌ها و جراید و دیگر رسانه‌هایِ گروهیِ غرب، خبر حمله‌ی یک عربِ مسلمان را به سراسرِ دنیا منعکس و مخابره کردند؛ اما در مقابل آن حادثه‌ی تلخ، سکوت پیشه کرده‌اند و اگر هم بیان کنند، کاملاً تحریف شده است. آنها چنین فاجعه‌آفرینی‌ای را به یک نفر نسبت می‌دهند. اینها همه ظلم است. واقعاً کارکنان و گردانندگان مطبوعات در امریکا و دنیای غرب، چقدر باید

---

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم از سراسر کشور ۱۳۷۵/۰۷/۱۸

متعصّب و سنگدل و دور از آزادی‌ای باشند که ادّعایش را می‌کنند، تا این‌طور نسبت به این قضیه، بد و بی‌اعتنا عمل کنند! [1]

سکوت قدرتها نسبت به جنایات اسرائیل

قدرتها به چه مناسبت به خودشان اجازه می‌دهند یک کشور و یک ملت را چنین مورد تعرض و تجاوز قرار دهند؟ این وحشیگری نیست؟

از آنها باید پرسید: استدلالتان چیست که می‌گویید «ما تصمیم گرفتیم عراق را ادب کنیم»؟ مگر شما که هستید؟ در دنیا، شما را چه کسی باید ادب کند؟ اگر شما به خودتان حق می‌دهید که در مسائل جهانی این‌طور وارد شوید و به خیال خودتان، بشوید متولی شورای امنیت، که مصوبات شورا را به عمل درآورید، با اسرائیل چرا آن‌گونه‌اید؟ در مقابل جنایتی که امروز اسرائیل علیه فلسطینیها انجام می‌دهد، چرا چشمتان را بسته‌اید؟ [2]

نکته‌ی تلخ؛ مظلوم نمایی نسبت به غاصب و ظالم‌نمایی نسبت به مظلوم

درباره‌ی مسأله‌ی فلسطین، آنچه بنا دارم عرض کنم این مطلب است که در این قضیه، نکته‌ی بسیار تلخی وجود دارد. اگر چه همه‌ی مسائل مربوط به سرزمین فلسطین تلخ است، اما این نکته، انصافاً گزنده است که در تبلیغات جهانی، در تمام این چهل و پنج سال که از اشغال فلسطین می‌گذرد – بخصوص در این یک، دو دهه‌ی اخیر – سعی شده است نشان داده شود که یهودیانی که آمده‌اند و فلسطین را گرفته‌اند، مردمی مظلوم، دارای حق و مورد فشار و تعدی هستند؛ اما اعرابی که تلاش می‌کنند خانه‌های خودشان را پس بگیرند، مردمی خشن و زورگویند، که به موازین پایبند نیستند.

در دنیا، تبلیغات امریکایی و صهیونیستی، این دروغ بزرگ و این فریب بی‌نظیر را باوراندند که خیلی گزنده و تلخ است. آنها حتی در نشان دادن فیلم و عکس هم، نکات اغوا کننده را رعایت می‌کنند. مثلاً وقتی می‌خواهند

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۲۱ رمضان ۱۴۱۴ – ۱۳۷۲/۱۲/۱۳

۲. بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام، به مناسبت عید مبعث ۱۳۷۱/۱۱/۰۱

اعراب را در مجلّات یا روزنامه‌های خودشان نشان دهند، تصاویری انتخاب می‌کنند که نشانگر یک عده زن و بچه‌ی مظلوم آواره‌ی ستمدیده نیست. یا جوانانی را که با ظلم صهیونیستهای ظالم پرپر می‌شوند و از مواهب دنیا و همه‌ی خیرات روی زمین محروم شده‌اند، نشان نمی‌دهند؛ بلکه یک چهره‌ی خشن چفیه بسته را نشان می‌دهند که اسلحه در دست دارد و می‌گویند: «فلسطینیها اینهایند!»

از آن طرف، وقتی صهیونیستها و یهودیان روسی می‌خواستند به فلسطین مهاجرت کنند، نمی‌گفتند اینها غاصبند؛ اینها اهل فلسطین نیستند که به آن‌جا می‌روند؛ اینها اهل روسیه‌اند، اهل اوکرایینند، اهل کشورهای اروپایی و اهل امریکایند که هر کدام در سرزمین خود، جایی، مکانی، خانه‌ای، ثروتی، پولی و زندگی‌ای دارند؛ با این حال به فلسطین می‌روند تا حق یک فلسطینی را بگیرند، خانه‌ی او را صاحب شوند، ثروت و سرزمین او را غصب کنند و امکان تشکیل خانواده را از او بگیرند. این را که نمی‌گفتند! مضاف بر این، عوامل صهیونیست و امریکایی، در رسانه‌های خود، تصاویر یک عده زن و بچه‌ی یهودی را با حال خستگی نشان می‌دهند که مردم دنیا بگویند: «عجب! چرا این عربها با این بیچاره‌های مظلوم، چنین رفتار می‌کنند؟!»

اینها مظاهر استکبار جهانی است. نظام نوینی که امریکاییها می‌گویند، یعنی این. یعنی کاری کنند که همه‌ی دنیا، آن‌طور که آنها می‌خواهند فکر کنند و حقایق را وارونه بفهمند! قضیه‌ی فلسطین از قضایایی است که من، نظیری به این شکل، برای آن در تاریخ سراغ ندارم. چگونه می‌توان ملتی را از کشور و سرزمین خودش بیرون کرد؟ فرض کنید رژیم عراق، عده‌ای را از کشور خودش بیرون کرد - مثلاً جمعیتی در حدود یک تا دو میلیون نفر را - اما این‌که یک ملت را به‌طور کامل از سرزمین خودشان بیرون کنند؛ اسم آنها را از روی سرزمینشان بردارند و هویت آن سرزمین را در جغرافیا و تاریخ از بین ببرند، چنین چیزی اتفاق نیفتاده است. اگر بنا بود این عمل در مورد یک کشور غیراسلامی انجام گیرد، قدرتمندان اروپایی چه می‌کردند؟ اگر بنا بود این عمل در غیر این منطقه‌ی حساس، که منطقه‌ی اسلامی است،

انجام گیرد، قدرتمندان عالم چه می‌کردند؟[1]

این، وضع رفتار استکبار خبری با قضیه‌ی صهیونیسم و غصب فلسطین است. به نظر من، گزنده ترین حوادث فلسطین این است که واقعیتها چنین وارونه شده است و معکوس نشان داده می‌شود.

حقیقت قضیه این است که ملتی را از خانه و زندگی خود آواره کرده‌اند و این ملت حق دارد برگردد و خانه‌ی خودش را پس بگیرد. این مبارزه، مبارزه‌ای حق‌طلبانه است. امریکا، این مبارزه را «تروریسم» می‌نامد؛ اما خباثت صهیونیستها نسبت به مبارزین فلسطینی را تروریسم نمی‌داند! ببینید در ذهن و عمل کسانی که امروز مدعی شبانی بشریت و رهبری دنیا هستند، چقدر حقایق، وارونه شده است! ببینید چقدر از حقیقت و انسانیت دورند! ببینید این سیاست، چه اندازه غیر انسانی است! صهیونیستها وارد کشور لبنان می‌شوند و انسان والا و شایسته‌ای مثل سید عباس موسوی را به شهادت می‌رسانند. تنها خود او را هم نمی‌کشند؛ بلکه زن و کودک او را هم می‌کشند، بی آن‌که آنها در میدان جنگ بوده باشند. آنها در اتومبیل بودند و در جاده‌ای تردد می‌کردند. امریکاییها این جنایت را محکوم نمی‌کنند! پس معلوم می‌شود که شما طرفدار ظلمید. چرا این را انکار می‌کنید؟ شما طرفدار خباثتید، طرفدار تجاوزید، طرفدار تروریدِ.ترور از این بالاتر و واضحتر نیست. از آن طرف، هنگامی که چند جوان فلسطینی که فلسطین خانه‌ی آنهاست، برمی‌خیزند و با فداکاری، اقدامی علیه دولت غاصب صهیونیستی انجام می‌دهند، می‌گویند «حرکتی تروریستی است!» شما به چه حقی اسم‌گذاریِ وارونه می‌کنید و خودتان را محق می‌دانید؟!

...شما ببینید عملی را که امروز صهیونیستها انجام می‌دهند و مورد تأیید امریکاست. کدام حرکت تروریستی، از این خشن‌تر و ظالمانه‌تر است؟! بعضاً در گزارشهای خبریِ تلویزیون می‌بینیم که در کشوری، مردم جنجالی می‌کنند و پلیس آن کشور در مقابل آنها با خشونت رفتار می‌کند. منظره‌هایی چنین، در بسیاری از کشورها دیده می‌شود؛ اما در هیچ کشوری برخورد پلیس با

1. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۱/۰۱/۰۷

مردم، به خشونت، خباثت و عصبانیت مقابله‌ی صهیونیستها با مردم فلسطین نیست. این در حالی است که پلیس حمله کننده به مردم فلسطین، بیگانه است و جوانی که پلیس او را گرفته و آن‌طور با خشونت کتکش می‌زند، صاحبخانه است! [1]

توطئه‌ی بزرگ این است که در قضیه‌ی فلسطین، حقیقت را واژگونه جلوه دادند. آن کسی که برای مسأله‌ی فلسطین – یعنی برای خانه‌ی خود، برای حق انسانی و حق ملی خود – اقدامی می‌کند، در عرف مطبوعات استکباری دنیا و دستگاه تبلیغاتی وابسته به استکبار و صهیونیسم، تروریست معرفی می‌شود! مصیبت بزرگ آن است که این مصائب را، با قبول و تأیید دنیای متمدن، بر سر یک ملت می‌آورند! دنیای به اصطلاح متمدن، دنیای به اصطلاح طرفدار حقوق بشر، در طرف آن کسانی ایستاده است که این همه حقوق انسانی و الهی و مشروع یک ملت را ندیده گرفته‌اند.

صهیونیستها آمدند خانه‌ی فلسطینیها را غصب کردند؛ آنها را از اولیترین حقوقشان محروم کردند؛ در خاک آنها، دولتی را علیه آنها به وجود آوردند؛ و امروز دنیای به اصطلاح متمدن – امریکا و بلندگوهای استکباری – به جای این‌که در جهت آن ملتی که مظلوم واقع شده است، قرار بگیرند، در طرف آن دستگاهی قرار می‌گیرند که این ستمها را در طول آن چهل‌وپنج سال کرده است! واقعاً چه مصیبتی از این بالاتر؟! ما هیچ ظلمی با این عظمت سراغ نداریم. به یک ملت با چنین حجم عظیمی ظلم کنند، و آن وقت اگر آن ملت از روی ناچاری حرکت و اقدامی بکند، آن اقدام را به عنوان تروریسم و به عنوان اعمال خشونت بکوبند! امروز وضع سیاست استکباری دنیا این است. امروز دستگاههای زر و زور در دنیا دست به دست هم داده‌اند تا حقوق ملت فلسطین را تضییع کنند؛ سعی می‌کنند جنبه‌ی انسانی این قضیه را بکلی ندیده بگیرند؛ بلکه بالعکس وانمود کنند. [2]

.... آمریکا از دمکراسی حرف زد، از اعتبار رأی ملتها حرف زد؛ اما در

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۱/۰۱/۰۷

۲. سخنرانی در دیدار شرکت کنندگان در کنفرانس بین‌المللی حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین ۱۳۷۰/۰۷/۲۷

فلسطین، آراء مردم که دولتی را انتخاب کرده بودند، ندیده گرفت، به هیچ گرفت، اعتنائی به آن نکرد. این چه نتیجه‌ای در ذهن مردم میبخشد؟ معلوم است. در مورد حقوق ملت فلسطین، یعنی ملتی که دهها سال است از خانه‌ی خود، از میهن خود با یک روش خشونت‌آمیز و خشن و ظالمانه رانده شده است - این را که همه می‌دانند، اینکه تاریخ ناشناخته‌ای نیست، مربوط به شصت سال قبل است. ملت فلسطین با این وضعیت، از حقوق خود محروم، آواره‌ی در کشورهای مختلف - آمریکا نه فقط نسبت به حقوق اینها هیچگونه توجهی نکرد، از آنها حمایتی نکرد، بلکه بعکس، از رژیم غاصب صددرصد حمایت کرد، و اگر فلسطینیهای مظلوم درصدد برآمدند اعتراضی بکنند، آن اعتراض را اخلالگری و کارهای شریرانه معرفی کرد. این چه جور درست خواهد شد؟[1]

رفتاردوگانه‌ی استکبار در برخورد با تروریسم

تروریسم صهیونیستی دولت جعلی و دروغین اسرائیل، بیش از پنجاه سال است که مردم فلسطین را تحت فشار قرار می‌دهد، زیر لگدهای چکمه‌پوشان صهیونیستی آنها را له می‌کند، علناً و صریحاً خانه‌ها را خراب می‌کند، مردم را می‌کشد، جوانان را نابود می‌کند، مردان را دستگیر می‌کند و به زنان اذلال و اهانت می‌کند. این تروریسم واضحی است که خود اسرائیلیها هم منکر آن نیستند و می‌گویند ما ترور می‌کنیم. این آقا این را ندیده می‌گیرد؛ آنوقت جوان فلسطینی که برای دفاع از شرف خود، برای دفاع از خانه‌ی خود، برای مقابله‌ی کوچکی در مقابل متجاوز، اقدام خشم‌آلودی می‌کند، این را می‌گوید تروریسم فلسطینی! طرفداری آنها از نهضت ضدّتروریسم، این است! معنای تروریسم در منطق اینها این است! ملتهای منطقه سرشار از نفرت امریکا و زایده‌ی اروپایی امریکا، یعنی انگلیسند. مخصوص ملت ما نیست؛ همه‌ی ملتهای منطقه از اینها متنفّرند. این نفرت را خودِ آنها به‌وجود آورده‌اند. کسانی که به حقوق و استقلال و عزّت و ناموس و مرزهای ملتها تعرّض

۱. بیانات در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی(ره) ۱۳۸۸/۰۳/۱۴

می‌کنند، خودشان این ملتها را از نفرت خودشان پُر می‌کنند. چرا گله‌مندند از این‌که از آنها متنفّرند؟ بله؛ ما از شما متنفّریم.[1]

...دولت امریکا با همه‌ی ادّعاهای دهان‌پرکنی که تبلیغات و رسانه‌های وابسته به او به طور دائم در زمینه‌ی لزوم رهبری جهان و حقوق بشر و غیرذلک بر زبان می‌آورند، پشت سر دولت اسرائیل ایستاده است. واقعاً انسان از تصوّر وقاحت و بیشرمیِ بعضی از دولتمردان مستکبر عالم به تعجّب وادار می‌شود! این را دفاع از عدالت می‌دانند؛ کسانی که معنای عدالت را نمی‌فهمند. دولت امریکا معنای عدالت را درک نمی‌کند. کدام کارِ اینها با عدالت همراه بوده است؟ این جنایات را یک جنگ عادلانه و جنگ با تروریسم به حساب می‌آورند؛ در حالی که از فجیعترین کارهای تروریستی آشکارا دفاع می‌کنند. واقعاً پیشانی بشریت از شرم عرق می‌کند.[2]

... نمونه‌ی دیگر، فلسطین اشغالی است. امروز جلوِ چشم مردم دنیا، اسرائیلیها غصب می‌کنند، زندان می‌کنند، شکنجه می‌کنند، محکوم می‌کنند، تبعید می‌کنند، بمباران می‌کنند، و دنیا هم هیچ نمی‌گوید! عجیب‌تر این‌که، دنیای استکبار، به آن مظلومها تشر می‌زند که «چرا دفاع می‌کنید؟!» دنیای استکبار، یعنی در درجه‌ی اوّل امریکا، که از همه شریرتر و خبیث‌تر است و بعد هم آنهایی که دنباله‌روِ امریکا هستند.

... دنیای استکبار، به جای این‌که به آن غاصب بگوید «چرا غصب کردی؟!» به دفاع کنندگان از خانه‌ی خودشان می‌گوید «چرا شما دفاع می‌کنید؟!» ببینید واقعاً چه نظامِ نوینِ پلیدی بر دنیا حاکم است! این نظم نوین جهانی که می‌گفتند، همین است؟! فرض کنید فرد گردن کلفت زورگویی، وارد خانه‌ی یک عدّه بچه‌ی یتیم می‌شود؛ خانه را می‌گیرد؛ اثاث را می‌گیرد؛ آذوقه را می‌گیرد؛ اتاقهای راحت را می‌گیرد؛ فضای خانه را اشغال می‌کند و بچه‌ها را در انباری خانه، حبس می‌کند و یا محدودیتی برایشان ایجاد می‌کند. بچه‌ها هم اگر فرصتی پیش آید، فریادی می‌زنند و می‌گویند «چرا؟» فرد غاصب

۱. بیانات در دیدار جوانان اهواز ۱۳۸۲/۰۵/۰۸

۲. بیانات در دیدار گروه کثیری از کارگران و معلمان به مناسبت روز کارگر و هفته‌ی معلم ۱۳۸۱/۰۲/۱۱

زورگو فوراً اخم می‌کند که «شما هم که همه‌اش دم از مبارزه می‌زنید! صلح کجا رفت؟! دنبال صلح باشید. چقدر شما بداخلاقید!؟»[1]

حقوق یک ملت در مقابل پای مهاجرین صهیونیست که وارد فلسطین اشغالی شدند، قربانی شد. در طول قریب پنجاه سالی که از عمر این دولت جعلی می‌گذرد، دائماً سرکوب و قتل نفس و دروغ و فریب و تجاوز و حمله به انسانها و بیگناهان، مایه‌ی حیات و تداوم زندگی آن بوده است.

اسراییل این است. آن وقت رئیس جمهور امریکا – که واقعا انسان تعجّب می‌کند – خجالت نمی‌کشد و روز روشن در مقابل افکار عمومی دنیا می‌ایستد و با صدای بلند می‌گوید که ما می‌خواهیم برای جلوگیری از تروریسم، با اسراییل همکاری کنیم! واقعا انسان تعجّب می‌کند که اسم این موضعگیری چیست؟ این، اسمش غفلت و بی‌انصافی و استکبار و زورگویی است. معنای این حرف چیست؟ الان هم خطرناکترین و پلیدترین تروریستهای عالم، همین کسانی هستند که در رأس قدرت کشور فلسطین اشغال شده‌ی مظلوم قرار دارند. شما می‌خواهید در مقابل تروریسم و تروریستها با اینها همکاری کنید؟! کدام تروریستها؟ آن کسانی که از وطن خود آواره شده‌اند و بعد از سالهای متمادی، در اثر فشارها به جان آمده‌اند و دستی از آستین در می‌آورند و مشتی گره می‌کنند و فریاد می‌کشند تروریستند؟!

... من همیشه به کسانی که احساس ضعف می‌کردند، می‌گفتم: چرا شما فریب تبلیغات را بخورید؟ چرا باید خیال کنید که وقتی امریکا از حقوق بشر می‌گوید، واقعاً نگران ضایع شدن حقوق بشر در ایران است؟ آنها برای بشر دل نمی‌سوزانند. آنها خودشان بزرگترین نقض کنندگان حقوق بشرند. آنها کسانی هستند که در روز روشن، هشتاد نفر آدم را در یکی از شهرهای امریکا، زنده زنده، در یک خانه سوزاندند و خم به ابروشان نیامد. آنها به بشر و حقوق بشر چه کار دارند؟ حقوق بشر را چه می‌شناسند؟[2]

تروریسم پدیده‌ای تازه و محصول دوران‌های اخیر نیست، ولی پیدایش

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه در دانشگاه تهران ۱۳۷۲/۱۱/۲۹

۲. بیانات در دیدار مردم مشهد و زائران حضرت علی‌بن موسی‌الرضا(ع) در صحن حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۷۵/۰۱/۰۴

سلاح‌های هولناک و آسان‌شدن کشتارهای جمعی و فاجعه‌بار، این پدیده‌ی زشت را صدها برابر مهیب‌تر و خطرناک‌تر کرده است.

نکته‌ی مهم و تکان‌دهنده‌ی دیگر، محاسبات شیطانی قدرت‌های مسلّطی است که بهره‌برداری از تروریسم را به مثابه‌ی ابزاری برای رسیدن به هدف‌های نامشروع، وارد چرخه‌ی سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های خود کرده‌اند.

حافظه‌ی تاریخی ملت‌های منطقه‌ی ما هرگز فراموش نخواهد کرد که دولت‌های استعمارگر چگونه برای غصب فلسطین و فراری دادن ملت مظلوم آن از خانه و کاشانه‌ی خود، گروه‌های تروریستی جرّاری مانند آژانس بین‌المللی صهیونیزم و بیش از ده گروه مشابه دیگر را سازماندهی کردند و فاجعه‌ی دیریاسین و نظائر آن را پدید آوردند.

رژیم صهیونیستی از آغاز پیدایش خود تا امروز نیز علناً به رفتارهای تروریستی در درون و بیرون فلسطین ادامه داده و بیشرمانه آنها را اعلام هم کرده است. سردمداران قبلی و کنونی رژیم صهیونیستی، آشکارا به تاریخ تروریستیِ خود و حتی در مواردی به شرکت خود در عملیات ترور، افتخار می‌کنند.

...امریکا و دولت‌های اروپایی دنباله‌رو آن، در همین حال، گروه‌های مبارز فلسطینی را که به مبارزه‌ای مظلومانه برای نجات سرزمین خود مشغولند، تروریست می‌نامند. این تعریف اغواگر از تروریسم، یکی از پایه‌های اصلیِ مشکل تروریسم در جهان کنونی است.

در نظر سردمداران نظام سلطه، تروریسم عبارت است از هرآنچه منافع نامشروع آنان را تهدید کند. آنان مبارزانی را که از حق مشروع خود در مقابله با اشغالگر و مداخله‌گر استفاده می‌کنند، تروریست می‌دانند ولی هسته‌های خبیث و مزدور خود را که بلای جان و امنیت مردم بی‌گناه‌اند، تروریست نمی‌شناسند.

یکی از کارهای اساسی نشست[1] کنونی شما می‌تواند تعریف روشن و دقیق از تروریسم باشد.[2]

---

۱. همایش بین‌المللی مبارزه جهانی با تروریسم

۲. پیام به همایش بین‌المللی مبارزه جهانی با تروریسم ۱۳۹۰/۰۴/۳

تبدیل فلسطینیان به تروریست و اسرائیل به مدافع، در نظر آمریکا

همین رئیس جمهور امریکا از حرکات حکومت غاصب اسرائیل دفاع کرده و می‌گوید اسرائیل از خودش دفاع می‌کند! اسرائیل این کشتارها را انجام می‌دهد و او می‌گوید اسرائیل از خودش دفاع می‌کند و کار او را مبارزه با تروریسم به حساب می‌آورد! آیا کشتن زن و کودک و جوان و خراب کردن خانه‌های گِلی فلسطینیان با بولدوزر، دفاع از خود است؟! آن کسی که از خود دفاع می‌کند ملت فلسطین است. آن کسی که از جور و ستم غاصبِ اشغالگر به جان آمده است، همین زن و مرد فلسطینی است که دیگر قدرت تحمّلش را از دست داده و راه چاره را در این دانسته که به صحنه بیاید. کی حاضر است جوانش برود در یک واقعه‌ی خونین و یک ساعت دیگر به قتل برسد؟! این است که یک مادر، جوان خودش را در آغوش می‌گیرد، می‌بوسد اما گریه نمی‌کند. می‌گوید من این را می‌فرستم. ببینید شما بر سر این مادر چه آورده‌اید؟! شما ببینید بر سر این ملت چه آورده‌اید که حاضر است به این نحو جوانش را به میدان بفرستد و می‌گوید اگر صد جوان هم داشته باشم می‌فرستم که این گونه کشته شوند. شما با این ملت چه کرده‌اید که یک دختر هفده، هجده ساله حاضر است به خودش بمب ببندد، در بین دشمنان صهیونیست برود و خودش را از بین ببرد که آنها از بین بروند. شما همه‌ی راهها را جلوِ اینها بسته‌اید. آن وقت می‌گوید دولت اسرائیل از خودش دفاع می‌کند! دفاعْ این است؟! این حرف منطقی است؟ این حرف شایسته‌ی یک رئیس جمهور است؟ این حرف شایسته‌ی آن دولتی است که خودش را رهبر دنیا می‌داند و می‌گوید همه‌ی دنیا باید از من اطاعت کنند؟ مردم دنیا بیایند از این برهان سخیف و از این منطق ضعیف پشتیبانی و اطاعت کنند؟ یک ملت را تحقیر کرده‌اید، با حیله و خشونت خانه‌اش را از او گرفته‌اید، زندگیش را تباه و سیاه کرده‌اید، روزانه او را تحقیر می‌کنید، از این شهر به آن شهر که می‌رود، در خانه‌ی خود و در کشور خود باید به وسیله‌ی بیگانه‌ها کنترل شود. یک وقت اگر هجوم بیاورند یکی را بکشند، هیأت دولتشان می‌نشینند تصویب می‌کند که این آدمها را هر جا دیدید ترور کنید! دنیا چنین چیزی را دیگر کجا سراغ دارد، غیر از این صهیونیستها؟ آن وقت به این ملت

می‌گوید تروریست و در دفاع از این تروریستهای وقیح و درنده و مفتضح می‌گوید: از خودشان دفاع می‌کنند. آیا می‌شود دولت امریکا موضعی بدتر از این بگیرد؟ اقدام اسرائیل هم با همین تأییدهای آمریکا شروع شد. اگر آمریکا تأیید نمی‌کرد، اگر چراغ سبز نشان نمی‌داد، اگر قول حمایت نمی‌داد، اینها جرأت نمی‌کردند این طور وارد شوند. پشتشان به حمایتهای بی‌منطق امریکا گرم است، لذا این همه جنایت می‌کنند. بنابراین امریکا در همه‌ی جنایاتی که امروز در فلسطین اتّفاق می‌افتد، شریک جرم است.

توجّه کنید! انتفاضه‌ی ملت فلسطین، قیام یک ملت است. ملت فلسطین دست خود را از آستین بیرون آورده است؛ این را به گردن این و آن نیندازید. یک ملت قیام کرده، شرف او و عزّت او و هویّت و آگاهی او، او را به میدان کشانده، حال به اینها می‌گویید تروریست؟! اینها تروریستند؟! اگر دولت اسرائیل ادّعا می‌کند که با یک گروه معدود مواجه است پس چرا وارد خانه‌ی مردم می‌شوند؟ چرا خانه‌ها را ویران می‌کنند و چرا در کوچه و بازار این همه جنایت می‌آفرینند؟ بروید با همان گروه معدود روبرو شوید. زن و بچه‌ی مردم چه گناهی کرده‌اند؟ منطق غلط اندر غلط، مقدّمات غلط، استنتاج غلط؛ آن وقت چنان حرفهایی را یک رئیس جمهور جلوِ چشم مردم دنیا بر زبان می‌آورد و برای خالی نبودن عریضه هم این دولت و آن دولت – جمهوری اسلامی، عراق، سوریه و دیگران – را متّهم می‌کند. این ادّعاها امریکا را در چشم مردم جهان منفور می‌کند؛ اینها توجّه ندارند. [1]

درک غلط مسؤولان آمریکا از مفهوم تروریسم

مطلب بعدی این است که در ذهن مسؤولان امریکا، مفهوم تروریسم، مفهوم غلطی است. آنها تروریسم را بد معنا می‌کنند؛ به گونه‌ای معنا می‌کنند که کشتار دستجمعی و قتل‌عام مردم صبرا و شتیلا – که دو اردوگاه فلسطینی بودند – در یک شب به دستَور همین کسی که امروز در رأس حکومت غاصب صهیونیستی است، تروریسم به حساب نمی‌آید!

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۱/۰۱/۱۶

چند سال قبل از این، گروه زیادی از مردم قانای لبنان جلوِ دفتر نمایندگی سازمان ملل در این کشور برای شکایت جمع شده بودند؛ اما هلیکوپترهای اسرائیلی آمدند و چند صد نفر آدم را – که در میانشان زن بود، مرد بود، بچه بود، گرسنه بود، تشنه بود – به رگبار بستند و همه را کشتند! امریکاییها این را تروریسم نمی‌دانند! بارها به لبنان آمده‌اند و افرادی را ربوده‌اند و یا کشته‌اند؛ اما هیچکدام از اینها مصداق تروریسم نیست! دولت غاصب صهیونیستی در یکی دو ماه پیش رسماً تصویب کرد که باید عناصری از فلسطینیها ترور شوند – حتّی اسم ترور را آوردند – ترور هم کردند؛ ماشین‌شان را منفجر کردند و افراد متعدّدی را کشتند؛ اما هیچکدام از اینها مصداق تروریسم نیست؛ ولی مردم فلسطین که برای دفاع از سرزمین و استنقاذ حقِّ پامال شده‌ی خودشان قیام می‌کنند، فریاد می‌کشند و سنگ در دست دارند، اسلحه هم ندارند، تروریستند! منطق امریکاییها این است. این منطقِ غلطی است و دنیا آن را قبول نمی‌کند.[1]

حمایت امریکا از تروریسم دولتی اسرائیل

از سوی دیگر در چند روز اخیر، چنین تهاجمی را همدست امریکا ـ یعنی دولت غاصب صهیونیستی ـ در شهرهای فلسطین علیه مردم مسلمان این سرزمین به راه انداخته است و با تانک و هواپیما و چرخبال و ناوچه‌ی جنگی، به خانه‌های بی‌دفاع مردم، غیر نظامیان، کودکان، مدرسه‌ها و بیمارستانها حمله کرده است. اوضاع عجیبی است! امّت اسلامی باید خیلی زود استنتاج کند و از این غفلت خارج شود. گوشه گوشه‌ی دنیای اسلام مورد تهاجم است. آقایان مژده هم می‌دهند که ما به این‌جا اکتفا نخواهیم کرد؛ به بعضی کشورهای دیگر هم حمله می‌کنیم! اسم عراق و سومالی را می‌آورند. بناست دنیای اسلام مورد تهاجم کسانی باشد که به نام مبارزه با تروریسم، وارد میدانهای گوناگونی می‌شوند تا منافع خود را تأمین کنند و با بزرگترین دستگاه تروریستی عالم – یعنی حکومت صهیونیستی – نه فقط

1. بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای نیروهای مسلح ۱۳۸۰/۰۷/۰۴

مبارزه نمی‌کنند، بلکه از آن پشتیبانی نیز می‌کنند. اگر حمله کردن با تانک به خانه‌های مردم، تروریسم نیست، پس تروریسم چیست؟! اگر موشکباران خانه‌های مردم به وسیله‌ی هواپیماهای اف - ۱۶ و چرخبالهای جنگی، تروریسم نیست، پس تروریسم چیست؟! به‌هرحال این دو مسأله، مسائل بسیار مهمی است و من راجع به هر کدام چند جمله‌ای عرض می‌کنم. [۱]

دوگانگی آمریکا در مبارزه با تروریسم

البته هیچ کس نمی‌تواند شرکت دولت امریکا را در مسؤولیت این جنایات انکار کند. امریکاییها با شعار مبارزه با تروریسم، به ملت افغانستان حمله کردند. در افغانستان چند نفر را به عنوان تروریست معرفی کردند؛ اما با ترور مردم فلسطین و حملات وحشیانه علیه آنها، نه فقط مخالفت نکردند؛ بلکه تأیید هم کردند! واقعاً برای مردم و افکار عمومی دنیا، بسیار مایه‌ی عبرت است. اینها چه می‌گویند؟ چطور رویشان می‌شود دم از حقوق بشر و آزادی و حقوق ملتها بزنند؟! با ملتی در خانه‌ی خودش، این‌گونه رفتار خشن و سبعانه و بیرحمانه‌ای بشود؛ اما نه فقط مخالفتی صورت نگیرد، بلکه همراهی هم بشود! متأسفانه هم دولت امریکا و هم دولت انگلیس، در مقابل افکار عمومی، بسیار بد امتحان دادند. به نظر من مسؤولان امریکا، ملت امریکا را در تاریخ شرمنده کردند؛ مسؤولان انگلیس، ملت انگلیس را در تاریخ منفعل و شرمنده و خجالت‌زده کردند. اینها در رأس حکومتها و ملتهایی قرار دارند و با این همه ادّعا، در مقابل این جنایت عظیم بشری حتّی بی‌تفاوت نمی‌مانند؛ بلکه حمایت هم می‌کنند! [۲]

بزرگترین ظلم؛ تروریست معرفی‌کردن ملت مظلوم فلسطین

این ملت مظلوم اگر از خود دفاع کند، اگر داد بکشد، اگر دنیای اسلام را به کمک بخواهد، تروریست است؟! رژیم صهیونیست، اعمال تروریستی را

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی ۲۱ رمضان ۱۳۸۰/۰۹/۱۶

۲. همان

با زشتی و وقاحتِ هرچه بیشتر، روزبه‌روز شدیدتر انجام می‌دهد. چشمان خود را روی اعمال او می‌بندند؛ ولی این ملت مظلوم را تروریست معرفی می‌کنند! این بزرگترین ظلمی است که صورت می‌گیرد. دنیای اسلام باید به خود بیاید و احساس وظیفه کند. [1]

انتشار نا امیدی درباره‌ی آینده‌ی انتفاضه توسط رسانه های غربی

آنچه که ما امروز احتیاج داریم، این است که کسانی که مشغول مبارزه هستند، روحیه پیدا کنند و بدانند آینده‌ی آنها امیدبخش است. متأسفانه گاهی عکس این دیده می‌شود. دستگاههای تبلیغاتی غرب تلاش می‌کنند تا این امید را در هم بشکنند. در همین ماههای اخیر که انتفاضه حداکثر احتیاج را به حمایت و کمک داشت، دیده شد که در دنیای اسلام بعضی از قلمها به مطالبی کشانده شد که برای انتفاضه سم بود. از ناتوانی و ضعف انتفاضه حرف زدند؛ اینها سم است. معنای این مطالب این است که ملت فلسطین هیچ راهی جز تسلیم و به خاک افتادن در مقابل صهیونیستها ندارد. [2]

اسرائیل؛ سگ زنجیری دولت امریکا

حادثه‌ی اخیری که به وسیله‌ی امریکا و اسرائیل – که در حکم سگ زنجیری دولت امریکاست – بر سر قضیه‌ی آرژانتین پیش آمد، نمونه‌ای از این دشمنیهاست. البته برای ما این‌گونه تبلیغات، تازگی و اهمیت ندارد. [3]

این سگهای دست‌آموز امریکا، این اسرائیلیهای بدتر از حیوان، آن همه فاجعه‌ی فضاحتبار را در فلسطین اشغالی انجام می‌دهند، ولی در دنیا هیچ انعکاسی پیدا نمی‌کند؛ چون طرفها مسلمانند. این، همان دنیایی است که سی یا چهل سال بعد از سقوط آلمان هیتلری، تعقیب کسانی را شروع کرد که

۱. بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۸۰/۰۹/۲۵

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش بین‌المللی رسانه‌های جهان اسلام حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین ۱۳۸۰/۱۱/۱۱

۳. بیانات در دیدار کارگزاران و مسؤولان نظام و مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۷۳/۰۶/۰۴

گفته شده بود تعدادی یهودی را کشته یا شکنجه کرده‌اند! شاید حتّی آنچه که واقع شده بود، خیلی کمتر از آن چیزی بود که گفته هم می‌شد.[1]

خواسته‌ی امریکا و اسرائیل فقط تسلیم شدن فلسطینیها

البته امریکا و اسرائیل هم به چیزی کمتر از تسلیم مطلق فکر نمی‌کنند؛ اما آنها دشمنند و البته اشتباه می‌کنند. این چیزی است که پیش نخواهد آمد. آنها جز به تسلیم مطلق از طرف فلسطینیها قانع نیستند؛ رفتار آنها با طرف فلسطینی، یک بار دیگر این را ثابت کرد. آنها حاضر نیستند هیچ امتیازی به طرف فلسطینی بدهند. آنها می‌خواهند از طرف فلسطینی هم به عنوان یک ابزار برای نابود کردن انتفاضه‌ی فلسطین استفاده کنند. به کمتر از این قانع نیستند.[2]

منافع اسرائیل؛ خط قرمز آزادی در غرب

ما سالها قبل جمله‌ای را شنیده بودیم - تکرار می‌کردند - آن جمله این بود که «ای آزادی! به نام تو چه جنایتها که انجام نمی‌گیرد!» امروز دشمنان ما مصداق همین جمله را تحقّق می‌بخشند. حالا امریکا طرفدار آزادی ما شده است؛ آزادی بیان ما! مگر شما نبودید که در این مملکت، سالهای متمادی از رژیم وابسته و فاسد پهلوی حمایت کردید؟! در حالی که در آن رژیم، کسی جرأت نداشت یک کلمه بر زبان جاری کند! من سالهای متمادی در همین شهر مشهد، در همین حوزه‌ی علمیه، در همین کوچه و خیابان و با همین مردم، در مبارزات دوران طاغوت بودم. اجازه نمی‌دادند یک روحانی در آن روز به مناسبت مسائل دینی، کمترین اشاره‌ای به غصب سرزمینهای فلسطین

---

۱. سخنرانی در دیدار خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان شهرهای خوی، بندرگناوه و استانهای مازندران و آذربایجان غربی، گروههایی از دانشجویان، جمعی از مهاجران جنگ تحمیلی، کشاورزان و مسؤولان هیأتهای هفت‌نفره‌ی واگذاری زمین ۱۳۶۹/۰۳/۰۲

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش بین‌المللی رسانه‌های جهان اسلام حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین ۱۳۸۰/۱۱/۱۱

به وسیله‌ی صهیونیستها کند! این کشور، این‌گونه بود! بله، هم مرگ بر اسرائیل، هم مرگ بر آن کسانی‌که از اسرائیل حمایت می‌کنند و هم کسانی‌که سالهای متمادی اجازه نمی‌دادند یک کلمه راجع به صهیونیستها گفته شود! امروز در کشورهای غربی، روزنامه‌ها اجازه ندارند راجع به صهیونیستها بدگویی کنند! یک نفر در کتابی می‌نویسد: «یهودیها در مورد کشتار خودشان به وسیله‌ی هیتلر در جنگ بین‌الملل دوم، بزرگنمایی کردند» آن وقت این کتاب را که توقیف می‌کنند هیچ، نویسنده‌ی کتاب را هم به پای میز محاکمه می‌کشانند! خودشان امروز نسبت به آزادی، این‌طور عمل می‌کنند![1]

روزنامه‌ها در غرب آزادند و همه چیز می‌نویسند؛ اما روزنامه‌ها در غرب متعلق به چه کسانی هستند؟ مگر متعلق به مردمند؟! این‌که امر واضحی است؛ بروند نگاه کنند. شما در همه‌ی اروپا و امریکا یک روزنامه‌ی قابل ذکر نشان دهید که متعلق به سرمایه‌داران نباشد! پس روزنامه که آزاد است، یعنی آزادی سرمایه‌دار که حرف خودش را بزند؛ هرکس را می‌خواهد، خراب کند؛ هرکس را می‌خواهد، بزرگ کند؛ به هر طرف می‌خواهد، افکار عمومی را بکشد! این‌که آزادی نشد. اگر یک نفر پیدا شد و علیه صهیونیسم حرف زد – مثل آن آقای فرانسوی[2] که چند جلد کتاب علیه صهیونیستها نوشت و گفت این‌که می‌گویند یهودیان را در کوره‌های آدم‌سوزی سوزاندند، واقعیت ندارد – طور دیگری با او رفتار می‌کنند! اگر کسی وابسته‌ی به سرمایه‌داران و مراکز قدرت سرمایه‌داری نباشد، نه حرفش زده می‌شود، نه صدایش به گوش کسی می‌رسد و نه آزادی بیان دارد![3]

دخالت آمریکا موجب کورترشدن گره‌ی مسأله‌ی فلسطین

امنیت این منطقه باید به وسیله‌ی دولتهای این منطقه تأمین شود. همچنانی که دخالت آمریکا در قضیه‌ی فلسطین موجب گره خوردن هرچه بیشتر این

۱. بیانات در دیدار مردم مشهد و زائران حضرت علی‌بن‌موسی الرضا(ع) در صحن حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۷۸/۰۱/۰۱
۲. روژه گارودی
۳. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۹/۰۲/۲۳

قضیه است.

گره‌ی مسأله‌ی فلسطین با دخالت آمریکاییها باز نمیشود؛ کورتر میشود. هرچه آمریکاییها در این قضیه دخالت کنند، گره را کورتر میکنند. ملت فلسطین، ملت بیداری است؛ ملت آزاده‌ای است؛ ملت روشنفکری است. دولتی انتخاب کرده است، بگذارید آن دولت با پشتیبانی آن ملت کارهای خودش را بکند. دخالت آنها، آن هم دخالت یکجانبه، زورگویانه، به نفع رژیم غاصب صهیونیستی، هرچه میگذرد، ماجرای فلسطین را دشوارتر میکند. البته این مسائل حل خواهد شد. هم مسأله‌ی عراق حل خواهد شد، هم مسأله‌ی فلسطین حل خواهد شد؛ اما آن روزی حل خواهد شد که با حل این مسائل، از حیثیت و هویت و موجودیت استکبار آمریکائی هم دیگر چیزی باقی نخواهد ماند.[1]

شیاطین صهیونیست؛ وسوسه‌گرِ سردمداران دولت امریکا

...آن طوری که من احساس می‌کنم، شیاطین صهیونیست، حتّی سردمداران دولت امریکا را هم وسوسه می‌کنند و به یک معنا، آنها هم در بعضی از موارد، عامل اینها هستند. امروز احساس می‌شود، برای تعرّض و مقابله و خباثت و دشمنی علیه ملت ایران و جمهوری اسلامی، وسوسه‌ی تند و شدیدی، از طرف شیاطین صهیونیست، نسبت به سردمداران دولت امریکا وجود دارد؛ لیکن تجربه‌ی گذشته، در مقابل روی ما و روی آنهاست.[2]

آرزوی همیشگی استکبار؛ قربانی‌کردن آرمان فلسطین پیش پای صهیونیستها

ببینید امروز درباره‌ی فلسطین چه می‌کنند و چه خوابی برای این ملت، و در حقیقت برای منطقه دیده‌اند. این هم تا حدود زیادی ناشی از همان حوادث یک سال اخیر است.

---

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار عمومی مردم لار ۱۳۸۷/۰۲/۱۹

۲. بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۷۵/۰۸/۳۰

امریکا همین که توانست در این منطقه با تانک و توپ و ناو جنگی و بمباران و این‌گونه وسایل، یک قدرت عربده‌جویانه برای خود دست و پا کند، فوراً سراغ قضیه‌ی اصلی منطقه یعنی قضیه‌ی فلسطین رفت و به طمع افتاد و چنین تصور کرد که چون دولتهای ضعیف‌النفس منطقه، خودشان را مدیون و زیر بار منت او می‌دانند زیرا خطر رژیم عراق را از آن‌ها دفع کرده است وقت آن است که در این میان استفاده کند و آرزوی همیشگی استکبار در این سالهای اخیر را تحقق ببخشد. آن آرزو چیست؟ آن آرزو این است که آرمان فلسطین را پیش پای صهیونیستهای غدار قربانی کند و سر بُبرد. این کار را می‌خواهد بکند و دارد می‌کند؛ که امیدواریم با غیرت

امت اسلام و جوانان مسلمان فلسطین، به این خیانت بزرگ موفق نشود.[1]

عدم استحقاق آمریکا برای دخالت در مسائل منطقه

امریکا در این قضیه چه‌کاره است؟ دولت امریکا به چه مناسبت به خود حق می‌دهد در قضیه‌یی که متعلق به این ملت و این منطقه است، به صورت یک متولی، یک صاحب اختیار و یک قلدر وارد بشود و به این و آن دیکته بکند که چه کار باید بکنید؟! به شما چه؟ شما در قاره‌ی امریکا دست‌اندازی و تجاوز کردید، بی‌اجازه وارد شدید و آدم کشتید؛ آیا بَستان نیست؟! در این منطقه‌ی خاورمیانه، دل یکایک آحاد مردم هوشیار و آگاه این ملتها، پُر از بغض و عداوت نسبت به شماست؛ باز نزدیک بیایید و به گمان خودتان بخواهید مسأله‌ی فلسطین را حل کنید! آیا راه حل این است؟! حل مسأله‌ی فلسطین به این است که دولت غاصب متلاشی بشود و از بین برود؛ صاحبان سرزمین بیایند و در آنجا حکومت تشکیل بدهند؛ و مسلمان و مسیحی و یهودی و هرچه هستند، باهم زندگی کنند.[2]

---

۱. سخنرانی در دیدار گروه کثیری از آزادگان، در اولین سالگرد آزادی و بازگشت به کشور ۱۳۷۰/۰۵/۲۸

۲. همان

امریکا؛ شریک جرم رژیم صهیونیستی

یقیناً در این جرائم، تنها نیست. بلاشک شریک جرم او دولت ایالات متحده‌ی امریکاست. هر کسی امروز به آن ظالم کمک کند، در جرم او شریک است. ممکن است امروز اثری بر این مترتّب نشود، اما از حافظه‌ی ملتها و حافظه‌ی تاریخ پاک نخواهد شد.[1]

رسوایی لیبرالیسم در مسأله‌ی فلسطین

مهمترین نقاط ضعفی که در زمینه‌ی مسؤولان وجود دارد - که من آن روز هم در میدان امام[2] اشاره‌ی مختصری به آن کردم و الان آن را برای شما جوانان بیشتر باز می‌کنم - چند مورد است:

یکی مسأله‌ی سستی بینش و ایمان انقلابی و اسلامی در بعضی از مسؤولان است. اینها مجذوب نسخه‌های سیاسی غربند؛ آن هم نسخه‌های غلط از آب درآمده. لیبرال دمکراسی غرب که یک روز گفته می‌شد اوج تکامل فکر و عمل انسان است و بالاتر از آن چیزی وجود ندارد - که به نظر من خود این حرف نشانه‌ی کوته‌فکری است که آدم نقطه‌ای را پیدا کند و بگوید از این بالاتر ممکن نیست انسان حرکت کند؛ نه. انسان در حرکت خود بی‌نهایت است - امروز به دست خود، خودش را رسوا کرده است. این لیبرالیسم، همان چیزی است که امروز ماجرای افغانستان و سالهاست مسأله‌ی فلسطین را به وجود آورده است. این اومانیسم دروغینِ غرب، همان چیزی است که پنجاه سال ملت فلسطین را ندیده می‌گیرد و می‌خواهد آن را بکلّی حذف کند. از خودشان سؤال نمی‌کنند که اصلاً ملت فلسطین در دنیا وجود داشته یا دروغ است؟ اگر قبول دارید سرزمینی به نام فلسطین وجود دارد، پس کو آن ملت؟ خواستند یک ملت و یک نام جغرافیایی را بکلّی از روی کره زمین حذف کنند. امروز اومانیسم و لیبرالیسم و دمکراسیِ آنها به

---

۱. بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز مبعث پیامبر گرامی اسلام(ص) ۱۳۷۹/۰۸/۰۴

۲. میدان امام خمینی(ره) اصفهان

اختناق و خفقانی رسیده است که حتّی نمی‌خواهند به یک رسانه‌ی خارجی اجازه دهند که اخبار افغانستان را پخش کند! این، جریان آزاد خبر از نظر غرب است. این نسخه، رسواشده و غلط از آب درآمده است؛ درعین‌حال فلان مسؤول ما که به برکت انقلاب اسلامی عزّت و احترامی پیدا کرده و به خاطر اظهار طرفداری از اسلام و امام و انقلاب، ممکن است چهار نفر به او احترامی بگذارند، ناگهان طرفدار لیبرال دمکراسی غربی بشود که نقطه‌ی مقابل مردم‌سالاری اسلامی است! اصلاً مردم‌سالاری اسلامی و آزادی در اسلام، آن نیست؛ یک حقیقت دیگر است. گاهی چنین مواردی به‌ندرت پیدا می‌شود. البته من خدا را شکر می‌کنم که مسؤولان طراز اوّلِ کشور، عمیقاً معتقد به مبانی اسلامی‌اند. دشمن نتوانسته است نفوذ فکری و سیاسی خود را به جاهای حسّاس برساند. امروز رؤسای سه قوّه و مسؤولان طراز اوّل، عمیقاً به آرمان امام و انقلاب معتقدند؛ اما در بعضی از دستگاهها چنین مواردی پیدا می‌شود که من آن روز هم اشاره‌ای کردم.[1]

دشمنی آمریکا با گروههای جهادی

امریکاییها رسما اعلان کردند که هر گروهی در فلسطین مقابل حماس قرار بگیرد، حاضرند به آنها پول بدهند؛ و دادند، و امکان تبلیغاتی هم به آنها دادند؛ اما علی‌رغم آنها و به کوری چشم امریکا و صهیونیستهای غاصب فلسطین، مبارزان حماس پیروز شدند. اگر امروز در هر جای دنیای اسلامی یک انتخابات آزاد برگزار شود، همین قضیه اتفاق خواهد افتاد و گروه مخالف امریکا رأی خواهند آورد؛ چون دل و عواطف مردم و میل سیاسی آنها، امروز این است.[2]

شرم باد بر شما! این است طرفداری از آزادی؟!

ملت فلسطین محقّ است؛ حق با اوست؛ مظلوم است. شرم باد بر آن

---

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جوانان استان اصفهان ۱۳۸۰/۰۸/۱۲

۲. بیانات در دیدار پرسنل نیروی هوایی ۱۳۸۴/۱۱/۱۸

مدعیان آزادی، مدعیان حقوق بشر که بر این همه ظلمی که به این ملت شده است، چشم می‌بندند، باز ادعای طرفداری از حقوق بشر می‌کنند؛ خجالت هم نمی‌کشند. من تعجب می‌کنم؛ در کجای دنیا یک انسان منصف اگر فلسطینیها یک اقلیت بیگانه بودند توی کشورشان - نمی‌گوئیم صاحبان کشور، فرض کنید فلسطینیها در سرزمین خودشان اقلیتی بودند؛ مهاجرینی بودند که به فلسطین آمده بودند - این همه ظلم را نسبت به اینها تحمل می‌کرد؟ خانه‌هایشان را خراب کنند، جوانهایشان را بکشند، مردانشان را زندان ببرند، دائم اینها را تهدید کنند، خانه‌هایشان را بمباران کنند، جلوِ ارزاقشان را بگیرند، محاصره‌ی اقتصادی کنند، باغاتشان را خراب کنند، همه‌ی زندگی آنها را به هم بزنند. آن وقت آقای بوش خجالت هم نمی‌کشد، وامی‌ایستد می‌گوید ما متعهد به آزادی هستیم! این آزادی است؟! شرم باد بر شما! این است طرفداری از آزادی؟![1]

وقاحت استکبار در انکار حقیقتی به نام «ملت فلسطین»

استکبار، در تعرض خود به ملتهای مسلمان، حدی نمی‌شناسد. امروز صهیونیستهای غاصب و امریکا - به عنوان حامی همه جانبه‌ی آنها - تا آن‌جا پیش رفته‌اند که حتی ملیت فلسطینی را هم انکار می‌کنند و حقیقتی را به نام «ملت فلسطین» نمی‌شناسند. در حالی که ملت فلسطین، ملتی است با ریشه‌های عمیق تاریخی و پیوندهای انکارناپذیر جغرافیایی؛ و آن‌که نه ریشه‌ی تاریخی دارد و نه رابطه‌ی جغرافیایی، ملت جعلی و دروغین اسرائیلی است.[2]

دوگانگی در بحث حقوق بشر توسط غرب

در فلسطین اشغالی، مسلمانانی که بی‌اعتنا به سازشکاریهای خائنانه، با دست خالی به مبارزات حق‌طلبانه ادامه می‌دهند، با روشهای خشن و

---

۱. دیدار مسؤولان نظام به مناسبت مبعث حضرت رسول اعظم(ص) ۱۳۸۷/۰۵/۰۹
۲. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۳۷۱/۰۳/۱۳

غیر انسانی سرکوب می‌شوند و زن و کودک و پیرشان به دست سربازانِ دستورگرفته‌ی صهیونیست شکنجه و تارومار می‌شوند و از این همه مدعیانِ حقوق بشر از دولتهای غربی صدایی برنمی‌خیزد و امریکا و انگلیس و برخی دیگر، حمایت عملی و تشویق زبانی هم می‌کنند!

در لبنان، علاوه بر اردوگاههای آوارگان مظلوم فلسطینی، خانه و کاشانه‌ی مسلمانان لبنانی به وسیله‌ی جتهای اسرائیلی بمباران می‌شود و زن و مرد و پیر و جوان رهگذر و غیر نظامی به خاک و خون کشیده می‌شوند و روحانی موجه و محترمی، نیمه شب به وسیله‌ی مزدوران صهیونی از خانه‌ی خود ربوده می‌شود، و از میان این همه دولت غربی که سالهاست محکوم کردن تروریسم و آدم‌ربایی را ترجیع‌بند همه‌ی حرفهای خود قرار داده و به قصد کسب وجهه، مدام هر دولت مخالف منافع خود را بدان متهم می‌دارند، حتّی یک نفر هم در برابر این حرکتهای زشت و وحشیانه‌ی تروریستی، موضعی جدی نمی‌گیرد و از این‌که دولتی این‌طور قلدرانه به خانه‌ی مردم کشوری دیگر بمب بریزد، یا از آن آدم برباید، متأثر نمی‌شود![1]

۱. پیام به گردهمایی سراسری فرماندهان بسیج، به مناسبت سالروز انتشار پیام رهبر فقید انقلاب برای تشکیل بسیج مستضعفان و گرامیداشت هفته‌ی بسیج ۱۳۶۸/۰۹/۰۲

فصل پنجم

اسرائیل و دولتهای عرب و مسلمان

دشمنی با اسرائیل، غیرقابل جمع با دوستی حامیانش

غالباً دو نکته از نظر شعاردهندگانِ به نام اسرائیل، دور می‌ماند. ما این دو نکته را اجمالاً عرض می‌کنیم. یکی از این دو نکته[1] این است که دشمنی با غاصبان اسرائیل، با دوستیِ با کسانی که پشتیبان همه‌جانبه‌ی غاصبان اسرائیل هستند، نمی‌سازد. این، ممکن نیست. آن کسانی که خیال می‌کنند، از راه امریکا و همپیمانانش می‌توانند فلسطین را نجات بدهند، در اشتباه تأسف‌انگیزی به سر می‌برند. همچنان که از راه دولت اسرائیل نمی‌شود فلسطین را نجات داد، از راه دولت امریکا و همپیمانانش هم نمی‌شود فلسطین را نجات داد. هر حرکتی که به تکیه بر پشتیبانان دولت غاصب منتهی بشود، قطعاً یک حرکت انحرافی و یک غلط بزرگ است. اگر کسی شعار ضدیت با اسرائیل را می‌دهد، اما با همپیمانان اسرائیل در این مسأله همصحبتی می‌کند و به آنها اتکا می‌نماید، باید دانست که دروغ می‌گوید. چنین چیزی ممکن نیست.

آن کسانی که اسرائیل را تغذیه می‌کنند، در جبهه‌ی اسرائیل هستند. آن کسانی که به هر نحوی از انحاء به اسرائیل کمک می‌کنند، در جبهه‌ی اسرائیل هستند. آن کسانی که ا صهیونیستها مذاکره می‌کنند، در جبهه‌ی اسرائیل هستند. مبارزه برای استنقاذ سرزمین فلسطین، باید معنای حقیقی مبارزه را

---

۱. نکته‌ی دوم در صفحه‌ی ۲۸۲ آمده‌است

داشته باشد. مبارزه، نقطه‌ی مقابل سازش است. در این مسأله، سازش خیانت و مبارزه وظیفه است. هیچ‌کس سازش را به حساب مبارزه نگذارد.[1]

کوتاهی دولتهای اسلامی، سبب رسیدن دشمن به اهداف بدون عقب نشینی

....این گستاخی استکبار و عوامل آن، با یک اراده‌ی عمومی و اقدام هماهنگ از سوی ملتها و آحاد مردم مسلمان باید پاسخ داده شود و شرّ توطئه‌های استکبار از سر ملتهای مسلمان برطرف گردد. کوتاهی دولتهای اسلامی در مبارزه با رژیم غاصب اسرائیل، امریکا را به راه انداختن مذاکرات مستقیم اعراب و اسرائیل تشویق کرد و متأسفانه، برخی از سران عرب، بی آن‌که به ابعاد بسیار وسیع این ضربه‌ی استکباری توجه کنند، تن به این خفت دادند. نتیجه این شد که دولت غاصب اسرائیل، به هدف خود، یعنی شناخته شدن از سوی کشورهای عرب، رسید؛ بدون این‌که سر سوزنی از مواضع متجاوزانه‌ی خود عقب‌نشینی کند.

اکنون صهیونیستها علاوه بر ترور و آدم‌ربایی و غصب سرزمینهای فلسطین و لبنان و سرکوب فلسطینیان و کشتارهای جمعی و سایر جنایات هولناک خود در گذشته، به طور روزانه، روستاهای جنوب لبنان را با حملات هوایی خود با خاک یکسان می‌کنند و با اعتماد به این‌که هرگز فشاری از سوی امریکا و اروپا بر آنان وارد نخواهد شد، خشن‌ترین جنایات را نسبت به مردم آن منطقه مرتکب می‌شوند. مذاکرات عربها با اسرائیل، حتی نتوانسته از ادامه‌ی تجاوز و جنایات صهیونیستها جلوگیری کند!

این، نمونه‌ای بود از عقب‌نشینیهایی که دشمن را طلبکارتر و گستاخ‌تر می‌سازد.[2]

سکوت خیانت‌بار سران عرب و مواضع ذلّت‌بار مدعیان رهبری فلسطین

سکوت رضایت‌آمیز اغلب سران کشورهای عربی که در مواردی حتّی

۱. سخنرانی در دیدار شرکت‌کنندگان در اولین کنفرانس اسلامی فلسطین ۱۳۶۹/۰۹/۱۳
۲. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۳۷۱/۰۳/۱۳

با خیانت صریح همراه است، به اضافه‌ی مواضع ذلتبار و خائنانه‌ی مدعیان رهبری ملت فلسطین، حلقه‌های پیوسته‌ی زنجیر غدر و ظلم و تعدی و خیانتی است که می‌خواهد سرزمین اسلامی فلسطین را همیشه مغصوب و ملت مجروح و مظلوم آن را همیشه اسیر و آواره بدارد.

جنجال دروغین معارضه با اسرائیل که از طرف رؤسای رژیم عراق به راه افتاده و در رسانه‌های صهیونیستی غرب هم با آب‌وتاب مطرح می‌شود، مکمل نقشه‌های استکباری و وسیله‌یی است برای پوشاندن خیانتی که با سکوت دولتهای عربی نسبت به مسأله‌ی فلسطین انجام گرفته و نیز برای تحت‌الشعاع قرار دادن مسأله‌ی مهم انتقال یهودیان شوروی به فلسطین اشغالی.[1]

آزادنبودن ملتهای مسلمان درباره‌ی اعتراض به جنایات اسرائیل

امروز در دنیای اسلام، مسائل مهمی در جریان است که دل انبوه مسلمانان را در کشورهای مختلف، غرق غصّه کرده است. آنها غم می‌خورند، خون دل می‌خورند، ولی نمی‌توانند چیزی بگویند. چرا؟ چون متأسّفانه بسیاری از سران کشورهایشان در این خونِ دل دادن به امّت اسلامی و نابود کردن امیدهای طبقات جوان در کشورهای اسلامی، سهیم هستند. یک مورد، قضایای مربوط به مسلمانان مظلوم فلسطین است ... اینها همه درد است. به کشور خودمان نگاه نکنید که این دردها را همه – از عالی‌ترین مسؤولین کشور تا آحاد مردم – آزادانه بر زبان می‌آورند؛ حرف می‌زنند؛ ابراز وجود می‌کنند و حرف دلشان را می‌زنند. متأسّفانه در کشورهای دیگر این فرصت را نمی‌دهند که مردم اقلاً غصّه‌های خودشان را نسبت به این قضایای عظیم امّت اسلام بر زبان جاری کنند. شما ببینید در کشورهای عربی، چه تعداد انسانهایی هستند که دلشان از قضایای مربوط به سازش با دشمن صهیونیستی خون است ولی نمی‌توانند چیزی بگویند. درست مثل دوران رژیم گذشته در این‌جا که ما نمی‌توانستیم علیه صهیونیستها مطلبی به زبان بیاوریم. دلهای ما

۱. پیام به مناسبت روز جهانی قدس ۱۳۶۹/۰۱/۲۴

آن روز خون بود، ولی نمی‌توانستیم چیزی بگوییم. بنده در همان سالها، یک وقت در جمع دانشجویان، به مناسبتِ تفسیر آیات مربوط به بنی اسرائیل – در اوایل سوره‌ی بقره – مطالبی گفته بودم. بعد، در یکی از بازداشتها زیر منگنه‌ی سؤال و بازجویی‌ام قرار دادند که شما اسم از اسرائیل آورده‌اید! آیات مربوط به بنی‌اسرائیل را مطرح کرده بودم؛ گفتند: چرا اسم از اسرائیل آورده‌اید؟! یعنی کسی که تفسیر قرآن هم می‌کرد، حق نداشت یک کلمه از بنی‌اسرائیل بگوید که مبادا به متّحد آن رژیم خبیث و خائن – که آن زمان با اسرائیل روابط گرمی داشت – بر بخورد! امروز در بسیاری از کشورهای اسلامی، وضعیت به همان‌گونه است.[1]

خیانت تشکیلات خودگردان

خیانت این کسانی‌که به‌نام فلسطینیها این کار را انجام می‌دهند، از همه‌ی خیانتهایی که تا امروز به فلسطین شده، زشت‌تر و سهمگین‌تر و بدتر است! هیچ کاری هم برای آن مردم، نه کردند و نه می‌توانند بکنند. یک نویسنده‌ی فلسطینیِ عربِ ساکن امریکا نوشته است که این داروودسته‌ی عرفات هنوز نتوانسته‌اند زباله‌های شهر غزّه را از خیابانها جمع کنند؛ اما در همین مدّت، پنج سازمان امنیتی و اطّلاعاتی تشکیل دادند که جاسوسی مردم را می‌کنند! این شد دولت فلسطین؟! این شد بازگشت مردم فلسطین؟! این شد احقاق حقّ فلسطین؟! این‌قدر اینها بی‌شرمند! همان وقتی که این شخص، اوّلین مذاکرات را با اسرائیلیها کرد، من گفتم او، هم خائن است و هم احمق! اگر خائن بود، اما عاقل بود، بهتر از این عمل می‌کرد! البته بنده درست نمی‌دانم؛ حدس می‌زنم که امریکاییها و سازمانهای جاسوسی اسرائیل از نقاط ضعف اینها استفاده کردند. اینها نقاط ضعف زیاد دارند؛ اهل دنیایند. وقتی دین در کار نباشد، همین‌طور می‌شود. اینها در طول این چند سالی که مشغول اداره‌ی سازمان آزادیبخش فلسطین بودند، خدا می‌داند که از لحاظ مالی و از لحاظ رفتاری و اخلاقی چه مشکلاتی داشتند؛ آنها هم ظاهراً روی همان نقاط تکیه

---

۱. بیانات در دیدار عمومی به مناسبت روز ولادت باسعادت حضرت جواد(ع) و در آستانه‌ی میلاد با برکت حضرت علی(ع) ۱۳۷۳/۰۹/۲۳

کردند. از طرفی هم خسته شدن و بریدن و از آرمانها چشم پوشیدن، اینها را به این ورطه‌ی هولناک و این مرداب هلاکت و بدبختی و لعنت ابدی انداخت. شما خیال می‌کنید هیچ فلسطینی‌ای ممکن است وجود داشته باشد که اینها را از ته دل لعن نکند؛ مگر این‌که جزو عمله و اکره‌ی خود اینها و در منافع با اینها سهیم باشد؟ بین چهار تا پنج میلیون نفر آواره‌ی فلسطینی بیرون از فلسطینند؛ در حدود سه میلیون نفر فلسطینی در داخلند. باید دید اینها درباره‌ی فلسطین چه نظری دارند. اینها مشتهایشان محکم است؛ اینها دلهایشان پُر خون است.[1]

ریختن قبح رابطه‌ی با اسرائیل در میان دولتهای عرب

یک روز بود که دولتهای عرب، صحبت کردن با اسرائیل و حتّی آوردن اسم اسرائیل را یکی از کارهای بسیار زشت می‌دانستند. اینها با مطرح کردن و پیش کشیدن این قضیه، آنها را یکی یکی از صفوف ملت عرب خارج کردند و بار را به گردن او انداختند. بتدریج کاری کردند که قبح این قضیه ریخت؛ حتّی دولتهایی که در مرزهای اسرائیل نیستند و هیچ خطر و ضرری هم از اسرائیل نمی‌بینند، در خانه‌ی خودشان نشسته‌اند و صحبت از مذاکره با اسرائیل می‌کنند! واقعاً چه لزومی دارد؟ اما می‌کنند؛ چون قبحش ریخته است.[2]

خیانت کشورهای حاشیه‌ی خلیج‌فارس در به رسمیت شناختن اسرائیل

امروز بعضی از کشورهای حاشیه‌ی خلیج‌فارس، بزرگترین خیانت را به تاریخ خود و تاریخ کشورهای عربی مرتکب شدند. یعنی اسرائیل را که غاصب یک کشور اسلامی و یک ملت عرب است، در غصب و در ظلمش تأیید کردند و از آن حمایت نمودند. شناسایی اسرائیل، یعنی این! آنها تحریمهای اسرائیل را برطرف می‌کنند و این خیانت به ملتهای اسلامی و ملتهای عرب، و بزرگترین خیانت به ملت فلسطین است. آیا حکومتهای کشورهای عضو

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۱۰/۱۰
۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۶/۱۰/۲۶

شورای همکاری خلیج فارس، از این خیانت خواهند گذشت؟ آیا ملتهای این کشورها، از خیانتِ سردمداران اغماض خواهند کرد؟

حقایق عالَم با بازیهای سیاسی و پیشامدهای فصلی و موسمی، تغییرپذیر نیست. فلسطین متعلّق به فلسطینیان است. حکومت صهیونیستی یک دولت غاصب و دروغین است. اسرائیل هیچ شهروند حقیقی جز مردم بومی فلسطین ندارد. آنهایی که از اطراف دنیا جمع شده‌اند تا خانه‌ی فلسطینیان را تصاحب کنند، به همّت ملتهای مسلمان، روزی مجبور خواهند شد که این خانه را به صاحبانش مسترد کنند. آن روز ممکن است زود یا دیر باشد؛ اما حتمی و آمدنی و تخلّف‌ناپذیر است. [۱]

عقب نشینی دولتهای عربی و برقراری رابطه با غاصب

اوّل که قبح مذاکره‌ی با اسرائیل از بین رفت، که خداوند نگذرد از آن سیاستمدار مصری که نمی‌خواهم اسمش را بیاورم. البته در طول سالها در این تریبون، خیلی به او لعنت فرستاده شده است و من نمی‌خواهم دگرباره اسمش را بیاورم. اوّل، این فرد با حکومت غاصب مذاکره کرد و قبحش را ریخت. در ابتدا پرچمهایشان را آوردند، بعد هم یواش یواش یک یک کشورهای عربی و همسایه‌ها را – همانهایی که این همه جوان داده بودند، این همه مصیبت کشیده بودند، این همه شعار داده بودند، این همه ادّعا کرده بودند – پای میز مذاکره بردند!

ما همان روز هم گفتیم که این مذاکراتِ صهیونیستها با عربها، مبنی بر حیله است. صهیونیستها نمی‌خواهند مشکلشان را با عربها حل کنند؛ می‌خواهند به خیال خود، شرّ را از خودشان کم کنند و باز دوباره تجاوزشان را ادامه دهند؛ چون تجاوز صهیونیستی تمام نشده و هنوز بعد از این، تجاوزاتی دارند. بعد از آن‌که از لحاظ جغرافیایی هم تثبیت شوند، تازه نوبت دست‌اندازی به منابع حیاتی و مالی و اقتصادی این کشورهای عربی است! مگر می‌گذارند اینها نفس بکشند؟ آن روز که قدرت پیدا کنند، پدرشان را درمی‌آورند. متأسّفانه

۱. بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی دانشجویان دانشگاه افسری و اعطای سردوشی به دانشجویان جدید ۱۳۷۳/۰۷/۱۳

سران کشورهای عربی، به این مسائل توجه نکردند و به مصالح کشورها و ملتها و به آینده‌شان نیندیشیدند. البته فشار امریکا، بیشترین تأثیر را در این زمینه داشت. [1]

نگرانی از همگراشدن دولتهای اسلامی با اسرائیل

بنده نسبت به کنفرانس اسلامی که این روزها در کشور مغرب مشغول کار است، نگرانم. نکند سران کشورهای اسلامی را جمع کنند و بخواهند با خدعه و حیله از اینها یک کلمه در جهت منافع و مصالح رژیم غاصب صهیونیستی بگیرند و بگویند کشورهای اسلامی این‌طور اتّفاق کردند! سران کشورهای اسلامی که در این کنفرانس شرکت کرده‌اند، بیدار باشند. ممکن است نفوذیهای دشمن و خائنین به دنیای اسلام کار خودشان را بکنند. البّته نماینده‌ی امین ما، یعنی وزیر امور خارجه، در آن‌جاست و اگر بخواهند در این زمینه، به خیال خودشان، امر متّفقٌ‌علیهی را اعلام کنند، نظر قاطع ما را در آن‌جا اعلام خواهد کرد. امّا واقعاً چنین خطراتی برای دنیای اسلام هست. کنفرانسی به نام اسلام تشکیل شود، ولی به جای رسیدن به دردهای مسلمانان، سراغ خواسته‌ها و دردهای امریکا و اسرائیل بروند و بخواهند آنها را علاج کنند! امید است که این‌طور نباشد؛ خدا کند این‌طور نباشد. [2]

یا با فلسطین یا با دشمنان

دو جبهه بیشتر هم وجود ندارد: یا حمایت از فلسطین و از مبارزات عادلانه آن، و یا قرار گرفتن در جبهه مقابل. [3]

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۵/۱۰/۲۸

۲. بیانات در دیدار عمومی به مناسبت روز ولادت باسعادت حضرت جواد(ع) و در آستانه‌ی میلاد با برکت حضرت علی(ع) ۱۳۷۳/۰۹/۲۳

۳. ترجمه‌ی بیانات عربی در پایان خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران به امامت رهبر معظم انقلاب اسلامی ۲۹ / ۰۳/ ۱۳۸۸

بخش دوم:

شکست‌ها و پیروزی‌ها

فصل اول
تاریخچه‌ی اشغال و عبرتها

تاریخچه‌ی اجمالی غصب

شما امروز حادثه‌ای مثل حادثه‌ی فلسطین را ببینید که دیگر در آن‌جا جبهه‌ی حقّ و باطل معلوم است. ملتی را از سرزمین آبا و اجدادیش - که استخوانهای اجدادش در این زمین دفن شده و همه‌ی تاریخ می‌گوید که این‌جا مال اوست - و از خاک و زندگی و خانه و از حقّ انتخاب در کشور خودش محروم کردند و یک عدّه بیگانه را از اروپا و اروپای شرقی و روسیه و امریکا و از جاهای دیگر جمع کرده‌اند و گفته‌اند شما این‌جا را اداره کنید! خوب؛ اگر هیچ عامل دیگری هم در این بین نبود، همین اندازه نشان می‌دهد که حقّ و باطل کجاست؛ چه برسد به این‌که آن گروه بیگانه‌ی متصرّفِ اشغالگر، با انواع و اقسام روشهای خشونت‌بار و سَبُع‌وار، آن جمعی را که صاحب آن سرزمین هستند، نابود می‌کند؛ یعنی می‌زند، می‌کوبد و می‌کشد. دیگر حقّ و باطل از این مُنحازتر و متمایزتر؟! شما ببینید همین را جماعتِ طرفدار حضورِ اسرائیل در این منطقه - امریکا و خود صهیونیستها و بعضی دولتهای دیگر - چگونه در افکار عمومی دنیا عوض کرده‌اند! یعنی افکار عمومی را طوری تغییر داده‌اند که امروز در مقابل این حوادث تلخ در دنیا

حرکت مهمّی انجام نگیرد. [1]

اسرائیل غدّه‌ی سرطانی

فلسطین یک کشور تاریخی است. در طول تاریخ، کشوری وجود داشته است به نام فلسطین. عده‌ای با پشتیبانی قدرتهای ستمگر عالم آمده‌اند با عنیف‌ترین و شدیدترین وجهی این ملت را از این کشور بیرون کرده‌اند؛ کشتند، تبعید کردند، شکنجه کردند، اهانت کردند، این ملت را بیرون کردند – که امروز چند میلیون آواره‌ی فلسطینی در کشورهای همجوار فلسطین اشغالی و در کشورهای دیگر زندگی می‌کنند؛ اغلب هم توی اردوگاهها– در واقع آمدند کشور را از صحنه‌ی جغرافیا حذف کردند، ملت را بکلی از هستی ساقط کردند، یک واحد جغرافیائی جعلی و جدیدی به جای آن تحمیل کردند و اسمش را گذاشتند اسرائیل. ببینید منطق چه اقتضاء می‌کند؟ حرفی که ما در مورد مسأله‌ی فلسطین داریم، یک حرف شعاری نیست؛ یک حرف صددرصد منطقی است.

یک عده قدرتمند که در رأس آنها اول انگلیس بود، بعد هم آمریکا ملحق شد، دنباله‌روِ آنها هم کشورهای غربی، آمده‌اند می‌گویند کشور فلسطین و ملت فلسطین باید حذف بشوند تا به جای آن، کشوری به نام اسرائیل و ملت جعلی‌ای به نام ملت اسرائیل به وجود بیاید. این یک حرف؛ یک حرف دیگر هم در مقابلش هست که حرف امام است؛ میگوید: نه، این واحد جعلی و تحمیلی باید حذف شود؛ به جای آن، ملت اصلی و کشور اصلی و واحد جغرافیائی اصلی سر کار بیاید. از این دو حرف، کدام منطقی است؟ آن حرفی که متکی به سرنیزه و سرکوب است و می‌خواهد یک نظام سیاسی را، یک واحد جغرافیائیِ تاریخی را با چند هزار سال سابقه، بکلی از صحنه‌ی جغرافیا حذف کند، این منطقی است یا آن حرفی که می‌گوید نه، این واحد اصلی جغرافیائی باید بماند، آن واحد جعلی و تحمیلی باید از بین برود؟ امام این را می‌گفت. این منطقی‌ترین حرفی است که در باب اسرائیل غاصب و

۱. بیانات در دیدار مدیران صدا و سیما ۱۳۸۱/۱۱/۱۵

در باب مسأله‌ی فلسطین می‌شود گفت. امام این را گفت؛ صریح هم این را بیان کرد. حالا اگر کسی این حرف را به اشاره هم بیان کند، عده‌ای که مدعی خط امامند، می‌گویند آقا چرا این حرف گفته شد؟! خوب، این حرف امام است؛ این منطق امام است؛ این منطق صحیح است؛ همه‌ی مسلمانان عالم، همه‌ی آزادگان عالم، ملتهای بی‌طرف باید این حرف را قبول کنند و بپذیرند. این، درست است. این، موضع امام است.[۱]

غفلتها در آغاز شکل‌گیری اسرائیل

در آغاز پیدایش این مشکل و مصیبت بزرگ برای دنیای اسلام، غفلتهایی صورت گرفت و تدبیر درستی برای مقابله با این مشکل دیده نشد و به کار نرفت. البته شخصیتهای برجسته‌ای در فلسطین و بیرون از فلسطین بودند که نباید زحماتشان نادیده گرفته شود - از قبیل مرحوم عزّالدین قسّام، مرحوم حاج امین الحسینی، مرحوم شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء - همه‌ی اینها خطر وجود دولت و حکومت صهیونیستی را در این منطقه شناختند و آن را گوشزد کردند و مبارزاتی انجام دادند؛ لیکن دنیای اسلام و موظّفان دنیای اسلام نتوانستند نقش خود را درست ایفا کنند؛ لذا در مبارزه‌ی مردم فلسطین با این پدیده‌ی بسیار خطرناک، افت و خیزهایی در طول زمان وجود داشته است.[۲]

تاریخ مبارزات؛ ابتدای اشغال

در ابتدای اشغال فلسطین، علمای مجاهدی چون شیخ عزّالدین قسّام و حاج امین الحسینی از مسلمانان برای نجات فلسطین استنصار کردند و مرجع بزرگ دینی مرحوم شیخ محمد حسین آل کاشف‌الغطاء حکم جهاد

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی(ره) در بیست و یکمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۸۹/۰۳/۱۴

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش بین‌المللی رسانه‌های جهان اسلام حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین ۱۱/ ۱۱/ ۱۳۸۰

علیه صهیونیستها صادر فرمود؛ ولی متأسّفانه بتدریج شکل اسلامیِ مبارزات تضعیف و شکل قومی آن پُررنگ شد. [1]

فتح فلسطین؛ آرزوی دیرین غرب

سرزمین فلسطین و قدس شریف، همواره مورد طمع بعضی از قدرتهای غربی بوده است و تحمیل جنگهای طولانی صلیبیها علَیه مسلمانان، نشان بارز اطماع آنها نسبت به این سرزمین مقدّس است. بعضی از فرماندهان ارتش متّفقین، پس از شکست عثمانی و ورود به بیت‌المقدّس گفتند: «امروز جنگهای صلیبی به پایان رسید.»! [2]

هدف استعمار از تشکیل دولت صهیونیست

اساساً تشکیل دولت یهودی – یا به تعبیر درست‌تر، دولت صهیونیست – در این نقطه از دنیای اسلام، با یک هدف بلند مدت استکباری به وجود آمد. اصلاً به وجود آوردن این دولت در این نقطه‌ی حسّاس که تقریباً قلب دنیای اسلام است – یعنی قسمت غرب اسلامی را که آفریقاست، به قسمت شرق اسلامی که همین خاورمیانه و آسیا و مشرق است، متّصل می‌کند و یک سه راهی است بین آسیا و آفریقا و اروپا – برای خاطر این بود که در بلند مدت، تداوم سلطه‌ی استعمارگرانِ آن روز – که در رأسشان دولت انگلیس بود – بر دنیای اسلام باقی بماند و این‌طور نباشد که اگر یک وقت دولت اسلامیِ مقتدری – مثل دورانهایی از حکومت عثمانی – به وجود آمد، بتواند جلوِ نفوذ استعمارگران و انگلیس و فرانسه و دیگران را در این منطقه بگیرد. لذا یک پایگاه برای خودشان درست کردند. بنابراین طبق اسناد تاریخی، تشکیل حکومت صهیونیستی در آن‌جا، بیش از آنچه که آرزوی مردم یهود باشد، یک خواست استعماری دولت انگلیس بود. شواهدی وجود دارد که در همان زمان بسیاری از یهودیها اعتقادشان این بود که احتیاجی به این دولت نیست؛

---

۱. سخنرانی در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین۱۳۸۰/۰۲/۰۴

۲. همان

این دولت به نفعشان نیست؛ لذا گریزان بودند. بنابراین، این یک آرزو و ایده‌ی یهودی نبود؛ بیشتر یک ایده‌ی استعماری و یک ایده‌ی انگلیسی بود. البته بعد که به وسیله‌ی امریکا گوی سیاست دنیا و گوی استکبار از دست انگلیس ربوده شد، این هم جزو همان ابواب جمع مواریث استعماری بود که به امریکا رسید و امریکاییها حداکثر استفاده را کردند و الان هم استفاده می‌کنند. بنابراین نجات فلسطین و محو دولت غاصب صهیونیستی، مسأله‌ای است که با مصالح ملتهای این منطقه – از جمله با مصالح کشور عزیز ما ایران – سرو کار دارد. کسانی که از روز اوّلِ انقلاب، یکی از برنامه‌ها را مقابله و معارضه با نفوذ و اقتدار صهیونیستها قرار دادند، با محاسبه این کار را کردند.[1]

اهداف اشغال فلسطین

اشغال این سرزمین براساس یک طرح چندجانبه، پیچیده و با هدف جلوگیری از اتّحاد و پیوستگی مسلمانان و پیشگیری از تأسیس مجدّد حکومتهای قدرتمند مسلمان بود. دلایلی در دست است که نشان می‌دهد صهیونیستها با نازیهای آلمان روابط نزدیک داشتند و ارائه‌ی آمارهای اغراق‌آمیز از کشتار یهودیان، خود وسیله‌ای برای جلب ترحّم افکار عمومی و زمینه‌سازی برای اشغال فلسطین و توجیه جنایات صهیونیستها بوده است.

حتّی دلایلی در دست است که عدّه‌ای از اراذل و اوباشِ غیریهودیِ شرق اروپا را به نام یهودی به فلسطین کوچانیدند تا با پوششِ حمایت از بازماندگان قربانیان نژادپرستی، یک حکومت معاند اسلام را در قلب جهان اسلام نصب کنند و پس از سیزده قرن، یک گسستگی بین مشرق و مغرب اسلامی ایجاد نمایند. در آغاز، مسلمانان غافلگیر شدند؛ چون از کُنه طرح صهیونیستها و حامیان غربی آنها مطّلع نبودند.[2]

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۹/۰۹/۲۵

۲. سخنرانی در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین ۱۳۸۰/۰۲/۰۴

سه رکن تسلّط غاصبانه‌ی صهیونیستها

این تسلّط غاصبانه‌ی صهیونیستها بر فلسطین سه رکن داشت:

یک رکنش عبارت از قساوت با عربها بود. برخوردشان با صاحبان اصلی، با قساوت و با سختی و خشونت شدید همراه بود. با اینها هیچ‌گونه مدارا نمی‌کردند.

رکن دوم، دروغ به افکار عمومی دنیا بود. این دروغ به افکار عمومی دنیا، یکی از آن حرفهای عجیب است. این قدر اینها به‌وسیله‌ی رسانه‌های صهیونیستی که دست یهودیها بود، دروغ گفتند - هم قبل از آن و هم بعد از آن، این دروغها گفته می‌شد - که به خاطر همین دروغها بعضی از سرمایه‌داران یهودی را گرفتند! خیلیها هم دروغهای آنها را باور کردند. حتّی این نویسنده‌ی فیلسوف اجتماعی فرانسوی - «ژان پل‌سارتر» - را نیز که خودمان هم در جوانی چندی شیفته‌ی این آدم و امثال او بودیم، فریب دادند. همین «ژان پل‌سارتر» کتابی نوشته بود که بنده در سی سال قبل آن را خواندم. نوشته بود: «مردمی بی‌سرزمین، سرزمینی بی‌مردم»! یعنی یهودیها مردمی بودند که سرزمینی نداشتند؛ به فلسطین آمدند که سرزمینی بود و مردم نداشت! یعنی چه مردم نداشت؟ یک ملت در آن‌جا بود و کار می‌کرد. شواهد زیادی هم هست. یک نویسنده‌ی خارجی می‌گوید در سرتاسر سرزمین فلسطین، مزارع گندم مثل دریای سبزی بود که تا چشم کار می‌کرد، دیده می‌شد. سرزمین بی‌مردم یعنی چه؟! در دنیا این‌طور وانمود کردند که فلسطین یک جای متروکه‌ی مخروبه‌ی بدبختی بود؛ ما آمدیم این‌جا را آباد کردیم! دروغ به افکار عمومی! همیشه سعی می‌کردند خودشان را مظلوم جلوه دهند؛ الان هم همین‌طور است! در این مجلّات امریکایی - مثل «تایم» و «نیوزویک» - که بنده گاهی به اینها مراجعه دارم، اگر کوچکترین حادثه‌ای علیه یک خانواده‌ی یهودی اتّفاق بیفتد، عکس و تفصیلات و سنّ کشته شده و مظلومیت بچه‌هایش را بزرگ می‌کنند؛ اما صدها و هزارها مورد قساوت نسبت به جوانان فلسطینی، خانواده‌های فلسطینی، بچه‌های فلسطینی، زنهای فلسطینی، در داخل فلسطین اشغال شده و در لبنان اتّفاق می‌افتد، کمترین اشاره‌ای به آنها نمی‌کنند!

...الان هم هدف اساسی صهیونیزم، ایجاد اسرائیل بزرگ است. البته این روزها کمتر اسم می‌آورند؛ سعی می‌کنند کتمان کنند. باز هم به افکار عمومی دروغ می‌گویند. چرا؟ چون در این مرحله‌ای که الان هستیم، احتیاج دارند که هدفهای توسعه‌طلبانه‌ی خود را کتمان کنند!

...رکن سوم هم ساخت و پاخت، مذاکره – و به قول خودشان «لابی» – است. بنشین با این دولت، با آن شخصیت، با آن سیاستمدار، با آن روشنفکر، با آن نویسنده، با آن شاعر، صحبت و ساخت و پاخت کن! کار اینها تا به‌حال سه رکن داشته است که توانسته‌اند این کشور را با این فریب و با این خدعه بگیرند. آن وقت قدرتهای خارجی هم با اینها همراه بودند؛ که عمده انگلیس بود. سازمان ملل و قبل از سازمان ملل، جامعه‌ی ملل هم – که بعد از جنگ برای به اصطلاح مسائل صلح تشکیل شده بود – همیشه از اینها حمایت کردند؛ مگر در موارد معدودی. در همان سال ۱۹۴۸، جامعه‌ی ملل قطعنامه‌ای صادر نمود و فلسطین را بدون دلیل و بدون علّت تقسیم کرد. گفت پنجاه و هفت درصد از سرزمین فلسطین متعلّق به یهودیهاست؛ در حالی که قبل از آن، در حدود پنج درصد زمینهای فلسطین متعلّق به اینها بود! آنها هم دولت تشکیل دادند و بعد هم قضایای گوناگون و حمله به روستاها و شهرها و خانه‌ها و حمله به بی‌گناهان اتّفاق افتاد. البته دولتهای عرب هم کوتاهیهایی کردند. چند جنگ اتّفاق افتاد. در جنگ ۱۹۶۷، اسرائیلیها توانستند با کمک امریکا و دولتهای دیگر، مبالغی از زمینهای مصر و سوریه و اردن را تصرّف کنند. بعد، در جنگ ۱۹۷۳ که اینها شروع کردند، باز به کمک آن قدرتها توانستند نتیجه‌ی جنگ را به نفع خودشان قرار دهند و زمینهای دیگری را تصرّف کنند.[۱]

اصل ماجرای فلسطین

اصل ماجرای فلسطین چیست؟ اصل ماجرا این است که یک عده از یهودیان متنفّذ در دنیا به فکر ایجاد یک کشور مستقل برای یهودیها افتادند.

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۱۰/۱۰

از فکر اینها دولت انگلیس استفاده کرد و خواست مشکل خود را حل کند. البته آنها قبلاً به فکر بودند به اوگاندا بروند و آن‌جا را کشور خودشان قرار دهند. مدّتی به فکر افتادند به طرابلس، مرکز کشور لیبی بروند؛ لذا رفتند با ایتالیاییها - که آن وقت طرابلس در دست آنها بود - صحبت کردند؛ اما ایتالیاییها به اینها جواب رد دادند؛ بالاخره با انگلیسیها کنار آمدند. انگلیسیها آن وقت در خاورمیانه اغراض بسیار مهمّ استعماری داشتند؛ دیدند خوب است که اینها به این منطقه بیایند. اوّل به عنوان یک اقلیت وارد شوند، بعد بتدریج توسعه پیدا کنند و گوشه‌ای را، آن هم گوشه‌ی حسّاسی را بگیرند - چون کشور فلسطین در نقطه‌ی حساسی قرار دارد - و دولت تشکیل دهند و جزو متّحدین انگلیس باشند و مانع شوند از این‌که دنیای اسلام - بخصوص دنیای عرب - در آن منطقه اتّحادی به‌وجود آورد. درست است که اگر دیگران هوشیار باشند، دشمن می‌تواند اتّحاد ایجاد کند؛ اما دشمنی که از بیرون آن‌طور حمایت می‌شود، با ترفندهای جاسوسی و با روشهای گوناگون می‌تواند اختلاف ایجاد کند که همین کار را هم کرد: به یکی نزدیک شود، یکی را بزند، یکی را بکوبد، با یکی سختی کند. بنابراین، در درجه‌ی اوّل کمک کشور انگلیس و بعضی کشورهای غربی دیگر بود. بعد اینها بتدریج از انگلیس جدا و به امریکا متّصل شدند. امریکا هم اینها را تا امروز زیربال خودش گرفته است. اینها به این معنا کشوری به‌وجود آوردند و آمدند کشور فلسطین را تصرّف کردند. تصرّفشان هم این‌طوری بود: اوّل با جنگ نیامدند؛ اوّل با حیله آمدند، رفتند زمینهای بزرگ فلسطین را که زارعان و کشاورزان عرب روی آنها کار می‌کردند و خیلی هم سرسبز و آباد بود، با قیمتهای چند برابر قیمت اصلی، از صاحبان و مالکان اصلی این زمینهای بزرگ - که در اروپا و امریکا بودند - خریدند؛ آنها هم از خدا خواستند و زمینها را به این یهودیها فروختند. البته دلاّلهایی هم داشتند که نقل کرده‌اند یکی از دلالهایشان همین «سیّد ضیاء» معروف، شریک رضاخان در کودتای ۱۲۹۹ بود که از این‌جا که به فلسطین رفت، آن‌جا دلاّل خرید زمین از مسلمانان برای یهودیها و اسرائیلیها شد! زمینها را خریدند؛ زمینها که ملک اینها شد، با روشهای واقعاً بسیار خشن و همراه با سَبُعیّت و سنگدلی، بتدریج شروع به

اخراج زارعان از این زمینها کردند. در جایی می‌رفتند، می‌زدند، می‌کشتند و در همین هنگام افکار عمومی دنیا را هم با دروغ و فریب به طرف خودشان جلب می‌کردند.[1]

مراحل غصب

ما امروز باید ابتکار عمل را به دست گیریم. تا کنون همواره دشمن ابتکار عمل را در دست داشته و ما، حدّاکثر شکوه و گله کرده‌ایم. فلسطین در یک فرآیند تاریخیِ متشکّل از دهها ابتکار عمل از سوی دشمن، به ملک طلقِ صهیونیستها بدل شده است. نخست خریدن زمینهای فلسطینیان، سپس مسلّح شدن صهیونیستهای مهاجر، بعد از آن جنگ داخلی و اعلام تجزیه‌ی فلسطین، سپس تصرّف بخشهای جدیدی از آن کشور اسلامی و عربی و در نهایت تصرّف همه‌ی آن و افزودن بخشهایی از کشورهای مصر و سوریه و اردن به آن! تا این‌جا فقط یکبار همسایگان عرب فلسطین، ابتکار عمل را به دست گرفتند و آن حمله‌ی رمضان سال هزار و سیصد و نود و سه‌ی هجریِ کشورهای سوریه و مصر بود، که اگر چه بر اثر همراهی امریکا با اسرائیل و کم همّتی کشورهای اسلامی به نتایج کامل نرسید، ولی باز مایه‌ی افتخار جبهه‌ی عرب و رهاسازی بخشی از سرزمینهای عربی شد. پس از آن، باز همواره تا امروز صهیونیستها و حامیانشان و در رأس همه امریکا، ابتکار عمل را در دادن شعارهای سازش و عموماً در جهت تحکیم تصرّف غاصبانه‌ی فلسطین در دست داشته و حریفهای خود را تا هر جا توانسته‌اند، به دنبال خویش کشانده‌اند. ما دولتهای مسلمان، در راه نجات فلسطین باید به کشورهای خط مقدّم، کمکهای جدّیتری می‌کردیم. در گذشته بعضی از دولتهای ما حتّی از پشت هم به جبهه‌ی کشورهای خط مقدّم، خنجر زده‌اند! نمونه‌ی بارز آن، دولت ایران در عهد پهلوی است. متأسفانه در آن روزگار، ایران خانه‌ی امن صهیونیستها و همکار صمیمی دولت غاصب بود![2]

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۱۰/۱۰

۲. بیانات در مراسم گشایش هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی ۱۳۷۶/۰۹/۱۸

غصب

صهیونیستها آمدند یک کشور اسلامی را غصب کردند و یک ملت اسلامی را بیرون راندند. بعد هم با قلدری و لجبازی و با کار سیاسی‌ای که صهیونیستهای تاجر انجام دادند، کار خود را توجیه کردند و قلمرو غاصبانه‌ی خودشان را گسترش دادند. صهیونیستها از صد یا صدوپنجاه سال پیش فهمیدند که باید دنبال پول درآوردن بروند و اگر بخواهند از این ذلّتی که در کشورهای اروپایی دارند، بیرون بیایند، باید خودشان بروند پول درآورند؛ مراکز حساس را بگیرند و خبرگزاریها و مطبوعات و رادیوها را در اختیار داشته باشند. آنها دنبال این کار رفتند. سرمایه‌داران بزرگی در دنیا هستند که صهیونیستند. همه‌ی اینها با فشار خودشان، با کار سیاسیشان، با کار تبلیغاتیشان، فکر کردند که با گذشت چهل یا پنجاه سال، بالاخره قضیه فراموش می‌شود؛ والّا چه کسی باور می‌کرد که بیایند ملتی را از این کشور بیرون کنند و یک عدّه را از اطراف دنیا جمع کنند و به این‌جا بیاورند و به اصطلاح یک کشور تشکیل دهند؟ امر خیلی عجیب و باورنکردنی‌ای است. اینها گفتند که ما به حرف این عربها و این باورها و این قطعنامه‌های سازمان ملل و این سروصداها اعتنایی نکنیم؛ هر کاری می‌خواهند بکنند، بکنند. ما فقط ایستادگی کنیم و بتدریج فشار بین‌المللی بیاوریم؛ اینها فراموش کنند! متأسفانه همین‌طور هم شد.[1]

فریبکاری صهیونیست‌ها در زمان غصب فلسطین

صهیونیستها از اهداف خودشان منصرف نیستند. هدف «از نیل تا فرات» را که بر زبان آورده‌اند، پس نگرفته‌اند. هنوز هم قصدشان این است که از نیل تا فرات را بگیرند! منتها، استراتژی صهیونیستها این است که ابتدا با حیله و ترفند، جای پای خودشان را قرص کنند و بعد که جای پا محکم شد، با فشار و حمله و آدمکشی و استفاده از زور و خشونت، تا جایی که می‌توانند پیش بروند! اینها همین که با یک مقابله‌ی جدی – چه مقابله‌ی سیاسی و چه نظامی – رو به رو شوند متوقف می‌شوند و باز در خط حیله و ترفند می‌روند

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران۲۸/ ۱۰/ ۱۳۷۵

تا بتوانند با مکر، یک قدم دیگر به جلو بردارند! وقتی یک قدم به جلو برداشتند، مجدداً همان فشار و خشونت را اعمال می‌کنند. این کاری است که از شصت، هفتاد سال پیش تا به امروز انجام داده‌اند؛ یعنی بیست و پنج سال قبل از آن‌که فلسطین را رسماً اشغال کنند، همین روش را انجام دادند. اینها ابتدا که وارد فلسطین شدند، نگفتند «ما مهاجر به فلسطین می‌آوریم.» مردم فلسطین تعجب می‌کردند که اینها چه کسانی هستند که می‌آیند؟! به دروغ گفتند «متخصص می‌آوریم!» مطالبی که می‌گویم، مستند است؛ در اسناد وزارت خارجه‌ی انگلیس بوده که افشا شده است. بعضی از وزارتخانه‌های امور خارجه‌ی دنیا، اسناد قدیمی و کهنه را منتشر می‌کنند و در اختیار همه قرار می‌گیرد. اسنادی که عرض می‌کنم، امروز بعد از شصت، هفتاد سال در اختیار ما قرار گرفته است. در این اسناد، افسر انگلیسی‌ای که در فلسطین مسؤول کاری بوده، در گزارش خود می‌نویسد: «ما به مردم فلسطین گفتیم کسانی که وارد فلسطین می‌شوند، متخصص و مهندسند؛ دکترند و فلان و بهمانند که می‌آیند کشور شما را آباد کنند! وقتی هم سرزمین شما را آباد کردند، می‌روند.»

همین افسر انگلیسی در نامه‌ای نوشته است: «ولی ما به این مردم، دروغ می‌گوییم!» یهودیان فاقد تخصص و بی‌هنر را از اطراف دنیا جمع کردند به فلسطین بردند و امکانات و زمین و همه چیز در اختیارشان گذاشتند؛ چون می‌خواستند صاحبان اصلی فلسطین را از آن کشور بیرون کنند! از اول، با ترفند وارد شدند و همین که جای پایشان محکم شد، دست به حمله زدند.

در سال ۱۹۴۸ میلادی، تشکیل دولت اسرائیل را اعلام کردند و یک سال بعد از آن هم، به مصر و دیگر کشورهای مسلمان حمله‌ور شدند؛ برای این‌که سرزمین بیشتری را بگیرند. وقتی که توی دهانشان خورد، مدتی صبر کردند. البته زمین زیادی گرفتند؛ اما چون دیگر نتوانستند پیش بروند، متوقف شدند و باز به حیله‌گری پرداختند تا ببینند چگونه می‌توانند جای پای جدیدی پیدا کنند. به همین ترتیب، تا امروز پیش آمده‌اند.[1]

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۱/۰۱/۰۷

سست‌عنصری، قدرت‌طلبی، راحت‌طلبی و ناهشیاری فلسطینیان؛ سبب اشغال

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم أُذِنَ لِلَّذِینَ یُقاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَ إِنَّ اللهَ عَلی نَصْرِهِمْ لَقَدِیرٌ. الَّذِینَ أُخْرِجُوا مِنْ دِیارِهِمْ بِغَیْرِ حَقٍّ إِلاَّ أَنْ یَقُولُوا رَبُّنَا اللهُ وَ لَوْ لا دَفْعُ اللهِ النّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهُدِّمَتْ صَوامِعُ وَ بِیَعٌ وَ صَلَواتٌ وَ مَساجِدُ یُذْکَرُ فِیهَا اسْمُ اللهِ کَثِیراً وَ لَیَنْصُرَنَّ اللهُ مَنْ یَنْصُرُهُ إِنَّ اللهَ لَقَوِیٌّ عَزِیزٌ.[۱]

در تاریخ ملتها لحظاتی است که نوع تصمیم‌گیری در آن، بر زمانی طولانی از عمر آن ملت اثر می‌گذارد و تلخی و رنج و ذلت و اسارت، و یا آزادگی و عزت و شادکامی، برای نسلهایی به ارمغان می‌آورد.

اگر آن روزی که صهیونیستها اولین تیشه‌ها را بر ریشه‌ی عمیق ملیت فلسطینی می‌زدند، تا ملیتی دروغین و جعلی و بی‌ریشه به جای آن در خاک متعلق به مسلمین بگذارند، سران مسلمان و عناصر مؤثر و به تبع آنان توده‌های مردم، حضور و مقاومت جدی و هوشیارانه‌یی از خود نشان می‌دادند، امروز از این همه مصیبت و بلایی که میوه‌ی زهرآگین شجره‌ی خبیثه‌ی دولت صهیونیستی است، در این منطقه خبری نبود و شاید ملتهای منطقه و بخصوص ملت مظلوم فلسطین، از آنچه در این چهل و پنج سال کشیده است، معاف می‌بود.

آن روز سست‌عنصریِ بعضی و قدرت‌طلبیِ بعضی و راحت‌طلبیِ بعضی و ناهشیاری بعضی، دست به هم داد و خیانتی عمومی را شکل بخشید و نتیجه آن شد که شد: هزاران خون به‌ناحق‌ریخته، هزاران ناموس هتک‌شده، هزاران خانه‌ی ویران شده، هزاران سرمایه‌ی بر باد رفته، هزاران آرزوی دفن‌شده، هزاران روز و شب تلخ و مصیبت‌باری که با گرسنگی و دربه‌دری و بی‌خانمانی و اشک و آه یک ملت در اردوگاههای اردن و لبنان سپری‌شده، یا در وطن اشغالی در زیر چکمه و سرنیزه‌ی دشمن به‌سرآمده، هزاران انسانی که بی‌هیچ جرمی در معرض سخت‌ترین عقوبتهای زمانه قرار گرفته، و هزاران غم ناگفتنی دیگر که جز آنان که روزهای جان کندن تدریجی در

---

۱. سوره‌ی حج، آیات ۳۹ ـ ۴۰

اردوگاه را در مجاورت خانه‌ی غصب شده‌ی خود یا در خانه‌ی زیر قیمومت بیگانه می‌گذرانند، کسی دیگر قادر به درک آن نیست. ... همه و همه از آن خیانت بزرگ پدید آمد، و آن خیانت، خیانتهای دیگر را به دنبال آورد؛ و این امواج خیانت، چه فضیلتها را که خشکاند و چه روحیه‌ها را که میراند و چه شعله‌ها را که فسرد....

هر کسی آن روز می‌توانسته کاری بکند و قدمی در راه دفع این ظلم بزرگ بردارد، و نکرده و برنداشته، محکوم لعن و نفرین این دو نسل فلسطینی، و مشمول قضاوت قاطع و سخت تاریخ معاصر و آینده، و مورد عذاب و تقاص الهی در روز جزاست؛ و در این، فرقی میان رجال سیاست و رجال اقتصاد و رجال فرهنگ و ادبیات و رجال جنگ و نبرد نیست.[1]

تأثیر مخرّب پیمان ننگین کمپ‌دیوید

این حرکت عظیمی که ملت مصر در اعتراض به موضع رژیم قبلی مصر در زمینه‌ی فلسطین و غزه و گذرگاه رفح انجام دادند، حرکت بسیار باارزشی بود؛ باید ادامه پیدا کند. مصر کشور تأثیرگذاری در دنیای عرب است؛ به همین مناسبت هم بود که آن کسانی که میخواستند کشورهای عربی را در مقابل رژیم غاصب صهیونیست به زانو دربیاورند، رفتند سراغ مصر. پیمان ننگین کمپ‌دیوید را در مصر تحمیل کردند. بعد از قبول پیمان کمپ‌دیوید در مصر بود که بتدریج کشورهای دیگر عرب هم تسلیم شدند، در مقابل آمریکا خاشع شدند؛ مسأله‌ی فلسطین از صحنه‌ی تصمیم‌گیری کشورهای عربی بکلی خارج شد. باید مراقب باشند. روی مصر حساسند. یک روز بعد از دوران جمال عبدالناصر که غربی‌ها و استکبار رانده شده بودند، دوباره برگشتند؛ این تجربه نباید در مصر تکرار شود. ملت مصر بیدارند، هوشیارند و امیدواریم خداوند به آنها در این زمینه هم کمک کند.[2]

---

۱. پیام به ملتهای مسلمان، علما، نویسندگان، روشنفکران و دانشجویان کشورهای اسلامی، به منظور بسیج نیروهای عظیم کشورهای اسلامی برای مقابله با توطئه‌های خباثت‌آمیز امریکا و اسرائیل در کنفرانس مادرید۱۳۷۰/۰۷/۲۵

۲. بیانات در بیست و دومین سالگرد امام خمینی(ره) ۱۳۹۰/۰۳/۱۴

ملتهای منطقه از ابتدا موضع خود را روشن کرده‌اند، لذا وقتی دولتی به حمایت از فلسطین می‌پردازد از حمایت ملت خود و ملتهای عرب و مسلمان برخوردار میشود. این را مصر در سالهائی از دهه ۶۰ و ۷۰ آزموده است اما وقتی خود را در جبهه دیگری تعریف کند، ملت از او روی برمیگرداند. در مصر از پیمان ننگین کمپ دیوید این شکاف میان دولت و ملت مصر پدیدار شد. ملت مصر که در ۶۷ و ۷۳ با جان و مال خود به کمک فلسطین رفته بود، بتدریج دید که حاکمان چنان در سرسپردگی و اطاعت از آمریکا افراط کرده‌اند که مصر به هم‌پیمان وفادار دشمن صهیونیستی و غاصب تبدیل شده است. سیطره‌ی آمریکا بر حاکمان مصر همه‌ی زحمات گذشته‌ی آنان در حمایت از فلسطین را بر باد داد و مصر به بزرگترین دشمن فلسطین و بزرگترین حامی صهیونیستها تبدیل شد. [1]

قرارداد «سایکس ـ پیکو»

عثمانی شکست خورد؛ قرارداد «سایکس ـ پیکو» به طور محرمانه برای تقسیم کشورهای اسلامیِ خاورمیانه بین فاتحین جنگ منعقد شد؛ جامعه‌ی ملل قیمومیت فلسطین را به عهده‌ی انگلیسیها گذاشت؛ آنها هم به صهیونیستها وعده‌ی مساعدت دادند و با مجموعه‌ای از طرحهای حساب شده، یهودیان را به فلسطین آوردند و مسلمانان را از خانه و کاشانه‌ی خویش آواره کردند. [2]

علل شکست انتفاضه‌ی اول

انتفاضه‌ی اول، تحت تأثیر القائات صهیونیستها و حامیانشان، با وعده‌ی دستیابی فلسطینیان به امتیازات از طُرق صلح‌آمیز و با اِعمال نفوذ سازشکاران و فشار امریکا و غرب متوقّف شد؛ ولی گذشت ده سال از آن تاریخ، نشان داد که همه‌ی تلاشهای حامیان صهیونیسم در جهان، برای نجات رژیم اسرائیل

---

۱. ترجمه‌ی بیانات عربی در پایان خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران به امامت رهبر معظم انقلاب اسلامی ۲۹ / ۰۳ / ۱۳۸۸

۲. سخنرانی در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین ۱۳۸۰/۰۲/۰۴

از فشارهای ناشی از مبارزات مسلمانان بوده و آنچه را که به مذاکره‌کنندگان فلسطین وعده داده بودند، سرابی بیش نبوده است.

اشغالگری، توسعه‌طلبی و سبعیتی که امروز اسرائیل از خود نشان می‌دهد، از ابتدا برای اهل بصیرت و دلسوزان جوامع اسلامی قابل پیش‌بینی بود.

از ابتدای شکل‌گیری اسرائیل، این رژیم غاصب و دروغین، همواره به حقوق مسلّم فلسطینیان تجاوز کرده و بعضی از حکومتهای غربی –بخصوص امریکا – آن را توجیه و حمایت کرده‌اند و مجامع بین‌المللی هم با توجیه اقدامات این رژیم، سعی کرده‌اند به هویّت آن و تجاوزاتش مشروعیت بخشند.[1]

مذاکرات اسلو، عامل شکست انتفاضه‌ی اول

این انتفاضه، قیام مردمی است که از همه‌ی روشهای سازشکارانه ناامید شده و دریافته‌اند که پیروزی صرفاً در گرو مقاومت خود آنان است. مردم فلسطین در انتفاضه‌ی قبلیِ خود متحمّل خسارتهای فراوان شدند و شهدا و جانبازان بسیاری را در راه اسلام و آزادی سرزمین اسلامی تقدیم کردند؛ اما در نهایت مذاکرات اُسلو آن را متوقّف کرد. نتیجه‌ی اسلو چه بود؟ امروز حتّی طرّاحان و مدافعان فلسطینیِ اسلو هم دیگر از آن دفاع نمی‌کنند؛ زیرا عملاً فهمیدند که اسرائیل فقط می‌خواست مشکل خود را حل کند؛ یعنی از رویارویی مبارزین سنگ به دست خلاص شود و ضربه‌پذیری خود را کم کند. اگر چیز اندکی به طرف فلسطینی داد و نام آن را اعطای امتیاز گذاشت، صرفاً برای خاموش کردن آتش انتفاضه و کم کردن آسیب‌پذیریِ خودش بود. به محض آن‌که مشکل خود را حل شده دید و به غلط احساس کرد که مردم فلسطین دیگر توان از سرگیریِ انتفاضه و مقاومت و رویارویی با آنها را ندارند، اعطای همان امتیازات اندک را هم متوقف کرد و فزون‌طلبی ذاتی خود را آشکار ساخت. فرایند روند سازش و طرح اسلو، مردم فلسطین را در

---

۱. سخنرانی در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین۱۳۸۰/۰۲/۰۴

حالتی قرار داد که دریافتند راهی جز قیام ندارند.[1]

حضور عنصر نجس و منفور صهیونیست‌ها، سبب شروع انتفاضه‌ی دوم

سه هفته‌ی قبل، حضور عنصر نجس و منفور صهیونیست[2] در مسجدالاقصی مردم را بی‌تاب کرد. اگر همان روز، سران مدّعیِ مسأله‌ی فلسطین یا سران کشورهای عربی، معترض می‌شدند، مردم احساس می‌کردند کسی هست که حرف آنها را بزند؛ و شاید قضایا این طور نمی‌شد؛ اما مردم دیدند خودشان باید به میدان بیایند و به میدان آمدند. الان سه هفته است که شعله‌ی مقاومت در سرزمین فلسطین برافروخته است. من به این جوانان فلسطینی گفتم، شما بدانید، یک نسل بیدار شده؛ یک نسل به میدان آمده است؛ مگر می‌توانند آن را با این حرفها خاموش کنند؟ تعدادی با ارتکاب جنایت و ارهاب، تعدادی از جوانان و مظلومین را به قتل می‌رسانند؛ اما خونهای اینها درخت نهضت فلسطین و انقلاب فلسطین را آبیاری می‌کند. مسأله به شکلی نیست که قدرت استکباری امریکا یا دست‌نشانده‌ی او - حکومت صهیونیستی - بتوانند آن را علاج کنند؛ علاج‌پذیر نیست. ملتی را از خانه‌ی خود، از میهن خود، از کشور خود بیرون کرده‌اند و کسانی که مانده‌اند، محکوم بیگانه‌هایی هستند که به آن‌جا کشانده شدند؛ این ملت را مگر می‌شود ساکت کرد؟ دستگاههای استکبار از ایران اسلامی گله می‌کنند که شما با روند صلح مخالفید. ما البته مخالفیم؛ اما شما بدانید، اگر ایران اسلامی هم مخالف نبود، اگر هیچیک از ملتها و دولتهای دنیا هم کمک نمی‌کرد، این خیال خامی است که شما خیال کنید یک ملت را می‌شود از صفحه‌ی تاریخ محو کرد و به جای آن یک ملت جعلی به وجود آورد! ملت فلسطین فرهنگ دارد، تاریخ دارد، سابقه دارد، تمدّن دارد. هزاران سال این ملت در این کشور زندگی کرده است؛ آن وقت شما بیایید این ملت را از خانه‌ی خودش، از شهر خودش، از تاریخ خودش جدا کنید و بیرون برانید و بعد یک عده مهاجر را، ولگرد را، آدمهای جورواجور را، سودطلبها را از کشورهای دنیا جمع کنید و یک ملت جعلی

---

۱. سخنرانی در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین ۱۳۸۰/۰۲/۰۴

۲. آریل شارون

به وجود آورید؟! مگر این شدنی است؟! چند صباحی با زور و با فشار کار را انجام می‌دهید؛ مگر این کارها ممکن است ادامه پیدا کند؟! همچنان که ادامه پیدا نخواهد کرد و امروز نشانه‌هایش بُروز کرده است.[۱]

اسرائیل در بحران مشروعیت

اکنون ۶۰ سال از اشغال فلسطین می‌گذرد. در این مدت همه‌ی ابزارهای قدرت مادی در خدمت غاصبان قرار گرفته است؛ از پول و سلاح و فناوری، تا تلاشهای سیاسی و دیپلماسی، و تا شبکه‌ی عظیم امپراتوری خبری و اطلاع‌رسانی.

به‌رغم این تلاش شیطانی گسترده و حیرت‌آور، غاصبان و حامیان آنان نه تنها نتوانسته‌اند مسأله‌ی مشروعیت رژیم صهیونیستی را حل کنند، بلکه این مسأله با گذشت زمان بغرنج‌تر هم شده است.

عدم تحمل رسانه‌های غربی و صهیونیستی و دولتهای حامی صهیونیزم در برابرِ حتی طرح سؤال و تحقیق درباره هولوکاست که بهانه‌ی غصب فلسطینَ بود، یکی از نشانه‌های این تزلزل و ابهام است. اکنون وضع رژیم صهیونیستی از همیشه‌ی تاریخ سیاه خود در افکار عمومی جهان بدتر و پرسش از دلیل پیدایش آن جدّی‌تر است. اعتراض بی‌سابقه و خودجوش جهانی از شرق آسیا تا امریکای لاتین علیه آن رژیم و تظاهرات مردمی در ۱۲۰ کشور جهان و از جمله در اروپا و در انگلیس که خاستگاه اصلی این شجره‌ی خبیثه بود، و دفاع آنان از مقاومت اسلامی غزه و از مقاومت اسلامی لبنان در جنگ ۳۳ روزه، نشان می‌دهد که یک مقاومت جهانی علیه صهیونیزم پدید آمده که در ۶۰ سال گذشته هرگز تا این حد، جدی و حجیم نبوده است. میتوان گفت مقاومت اسلامی لبنان و فلسطین توانسته است وجدان جهانی را بیدار کند.

این درس بزرگی است، هم برای دشمنان امت اسلامی که خواسته‌اند با زور و سرکوب، دولتی و ملتی جعلی و فرمایشی بسازند و با مرور زمان، آن

---

۱. سخنرانی در اجتماع بزرگ بسیجیان شرکت کننده در اردوی فرهنگی، رزمی یاران امام علی(ع) ۱۳۷۹/۰۷/۲۹

را به واقعیتی انکارناپذیر تبدیل کرده و چنین تحمیل ظالمانه‌ئی را در جهان اسلام، عادی‌سازی کنند؛ و هم برای امت اسلامی و بویژه جوانان غیور و وجدانهای بیدار آن، تا بدانند که مجاهدت در راه بازگرداندن حق پایمال‌شده، هرگز ضایع نمی‌شود و وعده‌ی خداوند راست است که فرمود:

أُذِنَ لِلَّذینَ یُقاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَ إِنَّ اللهَ عَلی نَصْرِهِمْ لَقَدیرٌ. الَّذینَ أُخْرِجُوا مِنْ دِیارِهِمْ بِغَیْرِ حَقٍّ إِلاَّ أَنْ یَقُولُوا رَبُّنَا اللهُ وَ لَوْ لا دَفْعُ اللهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهُدِّمَتْ صَوامِعُ وَ بِیَعٌ وَ صَلَواتٌ وَ مَساجِدُ یُذْکَرُ فِیهَا اسْمُ اللهِ کَثِیراً وَ لَیَنْصُرَنَّ اللهُ مَنْ یَنْصُرُهُ إِنَّ اللهَ لَقَوِیٌّ عَزِیزٌ.[1]

و قال تعالی: **إِنَّ اللهَ لا یُخْلِفُ الْمیعادَ**[2]، و قال عزوجل: **وَ لَنْ یُخْلِفَ اللهُ وَعْدَهُ**[3]، و قال: **وَعْدَ اللهِ لا یُخْلِفُ اللهُ وَعْدَهُ وَ لکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لا یَعْلَمُونَ**[4]، و قال عزّ من قائل: **فَلا تَحْسَبَنَّ اللهَ مُخْلِفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللهَ عَزِیزٌ ذُو انْتِقامٍ**[5] و کدام وعده از این وعده الهی صریحتر که فرمود: **وَعَدَ اللهُ الَّذینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دینَهُمُ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ وَ لَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً یَعْبُدُونَنی لا یُشْرِکُونَ بی شَیْئاً وَ مَنْ کَفَرَ بَعْدَ ذلِکَ فَأُولئِکَ هُمُ الْفاسِقُونَ.**[6] [7]

شکست اسرائیل در انتفاضه‌ی دوم

همه‌ی امید تندروان صهیونیست به همین درنده‌ای بود که امروز در رأس قدرت و در رأس دولت و در آن حکومت جعلی و دروغین است. امیدشان به این بود که این با چکمه‌ی آهنین بیاید و با مشت پولادین و سرنیزه بتواند مردم فلسطین را که به پا خاسته‌اند به زانو درآورد و انتفاضه را خاموش

۱. سوره‌ی حج، آیات ۳۹ ـ ۴۰
۲. سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی۹
۳. سوره‌ی حج، آیه‌ی۴۷
۴. سوره‌ی روم، آیه‌ی۶
۵. سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی۴۷
۶. سوره‌ی نور، آیه‌ی۵۵
۷. بیانات در چهارمین کنفرانس حمایت از ملت فلسطین ۱۳۸۷/۱۲/۱۴

کند؛ لکن از روزی که این آمده است روزبه‌روز انتفاضه شعله‌ی بیشتری پیدا کرده است. این آخرین امیدشان بود. در داخلِ خودشان الان اختلاف است. آن کسانی که از راههای دور آمده بودند تا در این سرزمین و کشورِ مغصوب با امنیت زندگی کنند، امروز در فکر برگشتنند. بسیاری از آنها در حال بازگشتنند و دیگر کسی جرأت نمی‌کند بیاید. بی‌روحیه‌اند، احساس ضعف می‌کنند و بین خودشان اختلاف است. از آینده‌ی خودشان ناامیدند و افق روشنی در آینده‌ی خود نمی‌بینند. این صهیونیستهای غاصب، سراسیمه و شتابزده‌اند و کارها و حرفهایشان این را نشان می‌دهد. اگر این حوادث برای ملت فلسطین تلخ و اندوهبار است، برای دشمن آنها هم خیلی تلخ است. این آیه‌ی شریفه‌ی قرآن چقدر گویاست: «**إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَما تَأْلَمُونَ وَ تَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ ما لا يَرْجُون**»[1]؛ اگر شما در این مبارزه دچار درد و الم می‌شوید، دشمن هم دچار درد و الم می‌شود؛ او هم زخم می‌خورد، سخت‌تر از شما. تفاوت در این است که ملت فلسطین افق روشنی در مقابل دارد؛ لکن غاصب صهیونیست، این افق روشن را ندارد. ملت فلسطین افق روشنی دارد که می‌تواند خودش را به آن‌جا برساند؛ با تلاش و سعی و کوششی که همه بکنند.[2]

اثر انتفاضه‌ی دوم؛ وحدت فلسطینیان

روند سازش – و به طور مشخّص طرح اسلو – موجب تفرقه‌ی فلسطینیان گردید؛ اما این انتفاضه‌ی مبارک توانست وحدت ملی را به صحنه‌ی فلسطین بازگرداند. ملاحظه می‌فرمایید که همه‌ی اقشار مردم در این مبارزه حضور دارند و جریانات اسلامی و ملی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. حتّی کسانی که همچنان دلشان در جای دیگری است، ناگزیر از همراهی با این حرکت عظیم شده‌اند.[3]

---

۱. سوره‌ی نساء. آیه‌ی۱۰۴

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۱/۰۱/۱۶

۳. سخنرانی در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین۱۳۸۰/۰۲/۰۴

بی‌اثر بودن کنفرانس پاییزی

پارسال در همین روز عید فطر بود که من در نماز عید فطر به ملت مسلمان عرض کردم این کنفرانسی که اینها می‌خواهند تشکیل بدهند که به آن کنفرانس پائیزی می‌گفتند – که برنامه‌ها و نقشه‌هائی داشتند برای تسلط هرچه بیشتر بر منطقه – شکست خواهد خورد و امروز می‌بینید اثری از آثار آن کنفرانس و آنچه که نشستند و گفتند و برخاستند، در صحنه‌ی فلسطین و لبنان و منطقه‌ی حساس خاورمیانه وجود ندارد. این نشان‌دهنده‌ی این است که آن دستگاهِ مواجهه‌ی با اسلام و مقابله‌ی با امت اسلامی که قصدش سلطه‌ی هرچه بیشتر بر این منطقه‌ی حساس بود، احساس می‌کند که قدرت پیشروی ندارد. البته ما نمی‌خواهیم خودمان را به خوشبینی‌های افراطی دلخوش کنیم. واقعیات سخت و دشوار و تلخ در مقابل چشم همه هست، همه آنها را می‌بینند؛ اما مسأله این است که قدرت استکباری در مقابل اراده‌ی ملتها نتوانسته است کاری از پیش ببرد، بعد از این هم نخواهد توانست کاری از پیش ببرد. [1]

درسها و عبرتهای مبارزه، بزرگتر از دردها و مصیبتهای آن

ماهها است که موج جدید سرکوب، خشونت، خونریزی و آدمکشی توسط رژیم اشغالگر فلسطین، سراسر این سرزمین را فرا گرفته و مسلمانان مظلوم و آواره، اعمّ از پیر و جوان و خردسال و بیمار را به شهادت رسانده و سیل آسیب‌دیدگان و مجروحین برای معالجه به بیمارستانهای کشورهای اسلامی انتقال یافته‌اند. در این ماه مبارک رمضان نیز صهیونیستها همه‌روزه جنایات جدیدی را نسبت به مسلمانان روزه‌دار مرتکب می‌شوند؛ ولی درسها و عبرتهای این مبارزه بسی بزرگتر از دردها و مصیبتهای آن است و نور امید را در دلها روشن و افقهای آینده را تابناکتر می‌سازد. امروز نسل نوخاسته در فلسطین انواع مصیبتها را به جان می‌خرد و برای رسیدن به آینده‌یی پیروز و مطمئن راه صبر و پایداری را در پیش می‌گیرد «**ولنبلونّکم بشئ من الخوف و**

۱. دیدار مسؤولان نظام با رهبر انقلاب به مناسبت عید فطر ۱۳۸۷/۰۷/۱۱

الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثّمرات و بشّر الصّابرین»[1]

انتفاضه‌ی مسجد الاقصی سرآغاز تحولی بزرگ در مبارزات مردم فلسطین است. مقاومت فلسطین راههای پُرفراز و فرود را آزموده و از انواع دسیسه‌ها عبور کرده و چالشهای سخت را پشت سر گذاشته و چکاچاک سلاحهای گوناگون و غرش جنگنده‌ها و توپخانه‌های دشمن را شنیده و امروز به نیکی دریافته است که تنها راه رهایی از چنگال جنایتکاران و حامیان آنها، جهاد و مقاومت مستمر است و افکار عمومی مسلمانان نیز این راهبرد را مورد تأیید قرار داده‌اند و نشانه‌ی آن سیل کمکهای مردمی و شور و حماسه‌یی است که در نمازهای جمعه‌ی کشورهای اسلامی در دفاع و پشتیبانی از انتفاضه به راه افتاده است.

شکست و عقب‌رانده شدن اسرائیل از جنوب لبنان درس بزرگی به حماسه‌آفرینان انتفاضه‌ی مسجدالاقصی داد و مبارزان فلسطینی در این شکست، نشانه‌های فروپاشی و شکست دشمن را در سرزمینهای اشغالی با هوشمندی و فراست دریافتند و با اتکاء به منبع لایزال دین و معنویت و تعالیم حیات‌بخش اسلام، به راه اصیل اسلامی برگشتند و پرچم مبارزه را برافراشته‌تر ساختند.

صهیونیستها معادلات قدرت را بر اساس تحقیر و به ذلت کشاندن ملت فلسطین پایه‌ریزی کرده بودند، ولی فلسطینیان بر ضد این معادله و بر ضد پیمانهای خفت‌بار رژیم صهیونیستی، نظام سلطه‌طلب امریکا و سازشکاران شکست‌خورده شوریدند و راه شرف و عزت را برگزیدند و رژیم جنایتکار اسرائیل را از درون با بحران و در مرزها با انتفاضه و مقاومت روبرو ساختند.

امسال همه‌ی روزهای جمعه‌ی ماه مبارک رمضان صحنه‌ی اعلام حمایت از مردم فلسطین و ابراز انزجار از اشغالگران صهیونیست است و مسلمانان و نمازگزاران جمعه در سراسر جهان خود را برای برگزاری مراسم پُرشکوه

---

۱. سوره‌ی بقره، آیه‌ی۱۵۵

روز جهانی قدس آماده می‌کنند و یک بار دیگر حمایت بی‌دریغ خود را از مردم مظلوم فلسطین نشان خواهند داد.[1]

هدف مذاکرات به اصطلاح صلح؛ به‌فراموشی سپردن قضیه‌ی فلسطین

یکی از مسائلی که امروز مطرح می‌شود، برای این‌که قضیه‌ی فلسطین به‌دست فراموشی سپرده شود و از طرح آن در افکار عمومی امّت اسلامی جلوگیری کند، همین مذاکرات به اصطلاح صلحی است که بین گروهی از فلسطینیها – یعنی همین عرفات و دارودسته‌ی او – با اسرائیلیها در جریان است؛ یعنی قضیه‌ی سازش و حکومت به‌اصطلاح خودمختار فلسطینی و از این حرفها. این هم یکی از آن زشت‌ترین فریبها و ترفندهای اسرائیلیهاست که متأسّفانه عدّه‌ای از مسلمانان و عدّه‌ای از خود فلسطینیها به دام آن افتاده‌اند.[2]

توافق ننگینِ تشکیلات خودگردان

مسأله‌ی بعدی، توافق ننگینی است که باز اخیراً میان صهیونیستها و کسانی که خود را نماینده‌ی فلسطینیها می‌دانند، انجام گرفته است. من مایل نیستم در تفاصیل این مسأله وارد شوم؛ این را بایستی صدا و سیما و مسؤولان کشور و مسؤولان وزارت خارجه و دیگرانی که توضیح این‌گونه مطالب برعهده‌ی آنهاست، برای مردم ما روشن کنند، تا مردم در جریان این مسأله‌ی بسیار زشت و خطرناک قرار گیرند. هنوز آن توافقهایی که تقریباً در دو سال قبل از این کرده بودند، عمل نشده است که آمدند توافقنامه‌ی دیگری را که صددرصد علیه مردم مظلوم فلسطین و علیه کشور فلسطین و علیه دنیای عرب و علیه جهان اسلام است، امضا کردند.

امریکاییها دنبال قضیه را جدّاً گرفتند! علّت هم این بود که آنها هم به خاطر مشکلات شخصی‌ای که رئیس جمهور امریکا به آنها دچار است و هم به خاطر آبروریزی دیپلماسی امریکا در قضیه‌ی خاورمیانه، به این

۱. پیام به مناسبت روز قدس ۱۳۷۹/۰۹/۲۹
۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۱۰/۱۰

قضیه احتیاج داشتند. خود امریکاییها مکرّر گفته‌اند که قراردادهای صلح بین سازمان به اصطلاح آزادیبخش فلسطین و اسرائیل، نقش کاغذ است و هیچ واقعیت خارجی ندارد. به خاطر ضعف دیپلماسی و ناتوانی امریکا در دنبالگیری این کار، آبروی امریکا در دنیا رفت. مسائل داخلی و خارجیِ متعدّد دیگری هم هست. نشستند با یک کار فشرده در ظرف چند هفته‌یِ کوتاه، توافقی را به امضای کسی که خود را نماینده‌ی مردم فلسطین می‌داند، رساندند؛ انسانی حقیر، انسانی خائن، انسانی به‌شدّت فرو رفته در لجنزار خودپرستی و دنیاپرستی که اصلاً لایق نیست انسان او را عضوی از مقاومت فلسطین بداند؛ چه رسد به این‌که بخواهد رهبر آن مقاومت باشد! او در حقیقت مسؤولیت تعقیب و دنبالگیری کار مبارزات فلسطینی را برعهده گرفت؛ یعنی مسأله‌ی گرفتاری بزرگ دولت صهیونیست را از قِبَل انقلابیون مسلمان فلسطینی، از دوش او برداشت و به دوش خودش گرفت! این بار را که او باید حمل می‌کرد، این حمل کرد و کار دشمن آسان شد! برای انقلابیون فلسطین، مشکلات و دردسر آفرید و مداخلت زشت و حضور مداخله‌جویانه‌ی تحکّم‌آمیز امریکا را بیشتر کرد!

علاوه بر این، جلساتی است که صهیونیستها و دار و دسته‌ی «عرفات» باید مرتّباً هر دو هفته یک بار برای دنبال کردن این کارها داشته باشند! او موظّف است جلسه‌ای با امریکاییها داشته باشد و به آنها گزارش بدهد که من این کارها را کردم، این اشخاص را گرفتم، این اشخاص را زندانی کردم، این افراد را به مجازات رساندم! اگر زندانی‌ای را آزاد کند، امریکاییها به او اعتراض خواهند کرد که چرا این زندانی را که از انقلابیون بود، آزاد کردی؟! چرا سهل‌انگاری کردی؟! چرا فلان کس را نگرفتی؟! در این‌جا اسرائیل گزارشگر است و فهرست می‌دهد؛ امریکا قاضی است و حکم می‌کند، آقای «یاسر عرفات» هم مجری حکم آن قاضی است! ننگ بر این انسانهای پَست.

البته ظاهر قضیه فعلاً این است که این مجموعه‌ی مزدور باید فلسطینیها را قلع و قمع کنند؛ اما این ظاهر قضیه است. باطن قضیه این است که باید فلسطینیها را از همین مقدار سرزمینی هم که دارند، برای درازمدّت

محروم کنند. ظاهر قضیه این است که مبارزان فلسطینی سرکوب می‌شوند؛ اما باطن قضیه این است که حکومت صهیونیستی حتّی به همین اندازه حضور فلسطینیها هم قانع نیست! کار را آن‌چنان باید سخت بگیرد، آن‌چنان باید دشوار کند، که برای فلسطینی آزاده‌ای که می‌خواهد راحت زندگی کند، امکان زندگی نماند؛ مگر با نوکری اسرائیل! او پای امریکا را باز کرد، پای سی.آی. ای را - بیش از آنچه که بود - باز کرد، امکان مداخله‌ی آنها را بیشتر کرد و کار را بر مبارزان دشوار نمود. البته اینها همه‌اش در خیال و وهم آنهاست.

...این قرارداد برای این است که شاید بتوانند به وسیله‌ی دستهای فلسطینی خائن، این امنیت را برای خودشان به وجود آورند. چون تجربه کردند و خودشان نتوانستند، می‌خواهند بلکه به وسیله‌ی عرفات بتوانند به امنیت دست یابند! اما من عرض می‌کنم که ملت فلسطین با صهیونیستها دشمن است؛ با نوکران صهیونیستها هم - هر چند یاسر عرفات باشد - بشدّت دشمن است. [1]

تکرار عنوان مذاکره با اسرائیل، سبب شکسته‌شدن قبح آن

بنده معتقدم که تکرار این حرفها از طرف آنها هم، کار بدی است. من این را عرض می‌کنم. این نظر بنده است. بنده معتقدم: برای رایج کردن یک گناه در عمل، یکی از راههایش این است که آن گناه را در زبانها رایج کنند. آن قدر بگویند که قبحش از بین برود! شما قضیه‌ی فلسطین و سرنوشت شومی را که بعضی از فلسطینیها برای خودشان و ملت فلسطین قبول کردند، ببینید! امروز این تجربه‌ی بسیار عظیم و عبرت بزرگی است. از بس مدام در گوشه و کنار، کسی چیزی گفت و دیگران به او تشر نزدند! هی گفتند: «چه مانع دارد که ما با اسرائیل صحبت کنیم؟!» دیگر نگفتند: «دشمنِ غاصب!» نگفتند: «این دشمنِ غاصب است. این در خانه‌ی فلسطینیها نشسته است. چه مذاکره‌ای؟! مذاکره‌ی با او این است که بگویند فلان فلان شده، از خانه ما

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران۰۸/ ۰۸/ ۱۳۷۷

برو بیرون!» مذاکره‌ی با غاصب، این است. مذاکره‌ی با ظالم این است که بگویند: «فلان فلان شده، چرا این قدر ظلم می‌کنی؟!» مذاکره، یعنی این. والّا، مذاکره‌ی دوستانه که بروند و بگویند و بخندند و او چیزی بگوید و این چیزی بگوید و بعد چانه بزنند، و این‌که گفته شود «دیگر با غاصب این حرفها را نداریم»، چه معنی دارد؟! هیچ کس هم به آن کسانی که هی اسم مذاکره با اسرائیل را آوردند و آوردند و آوردند، تشر نزدند، تا عیب و قبحش در نظرها از بین رفت و آخرش به این روز تلخ و سیاه رسید.[1]

ثمره‌ی کنفرانس خیانت‌بار فلسطین

آن کنفرانس خیانت تمام شد؛ حرفهایشان را زدند و صهیونیستها و دولت غاصب را عملاً به رسمیّت شناختند! عاقبت چه شد؟ چه چیزی گیر فلسطینیها آمد؟ چه چیزی گیر دنیای عرب آمد؟ دولت غاصب و دروغین اسرائیل آرزو داشت که چنین حادثه‌یی بعد از چهل‌واندی سال اتفاق بیفتد؛ درعین‌حال این طور وانمود می‌کرد که علاقه‌یی ندارد؛ هی ناز می‌کرد، هی شرط جلو قرار می‌داد! بعد هم به کنفرانس رفت و شدیدترین و وقیحترین حرفها را در مقابل اعراب زد و از کنفرانس جدا شد و آمد! چرا دولتهای عربی در مقابل چنین توطئه و چنین فریبی سلاح انداختند؟! تاریخ به اینها چه خواهد گفت؟ خدا در قیامت چگونه از اینها بازخواست خواهد کرد؟ ملتهایشان با اینها چه خواهند کرد؟[2]

مذاکره‌کننده با اسرائیل؛ منفور ملتهای مسلمان

من گمان نمی‌کنم که برخی از دولتهای غیور عربی حاضر باشند این ذلت را تحمل کنند و نباید بکنند، و ملتها به هیچ‌وجه تحمل نخواهند کرد.

---

۱. بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت «روز ملی مبارزه با استکبار» ۱۳۷۲/۰۸/۱۲

۲. سخنرانی در دیدار گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه (روز ملی مبارزه با استکبار)۱۳۷۰/۰۸/۱۵

امریکاییها اگر خیال می‌کنند که مسأله‌ی خاورمیانه را به این شکل حل خواهند کرد، اشتباه می‌کنند. آنها باید بدانند هر رژیمی که پشت میز مذاکره با رژیم غاصب صهیونیست بنشیند، موقعیتش در میان ملتش متزلزل خواهد شد و بی‌ثباتی در منطقه روزبه‌روز بیشتر خواهد گردید.

ملتها راه خود را می‌روند. رژیمهای متضاد با ملتها، همان سرنوشتی را خواهند داشت که دیروز در مذاکره‌کنندگان «کمپ‌دیوید» دیدیم.[1]

دو توهم؛ شکست‌ناپذیری اسرائیل و امید همزیستی در کنار آن

چه آنان که با توهم شکست‌ناپذیری رژیم صهیونیست، شعار «واقع‌بینی» سر داده دست سازش و تسلیم در برابر غاصبان دراز کردند، و چه کسانی که به خیال باطل خود، نسل دوم و سوم سیاستمداران صهیونیست را مبرّا از جنایات نسل اوّل دانسته، امید همزیستی سالم در کنار آنان را در دل پروراندند، اکنون باید به خطای خود پی برده باشند. اولاً: با موج بیداری امت مسلمان و بالیدن نهال مقاومت اسلامی، آن هیبت دروغین فرو ریخته و نشانه‌های ناتوانی و درماندگی در رژیم غاصب آشکار گشته است، و ثانیاً خوی تجاوزگری و بیشرمی از جنایت در گردانندگان آن رژیم همان است که در دهه‌های اوّل بود و هرگاه بتوانند یا گمان ببرند که میتوانند، از هیچ جنایتی رویگردان نیستند.[2]

سخت‌تر بودنِ امتحان دوران رفاه از دوران شدّت برای فلسطینیان

گاهی امتحان دورانِ شدّت، راحت‌تر از امتحان دوران رخاء و رفاه و آسایش است. امتحان دوران مقابله‌ی مظلومانه‌ی با اسرائیلیهای غاصبِ غاشم ظالم، امتحان سختی بود. عدّه‌ای از عهده‌ی آن امتحان بر آمدند، بعد که چندَ سالی گذشت، به برکت همان مبارزات، بین مردم احترامی پیدا کردند. پولها سرازیر شد، احترامها سرازیر شد و دوران راحتی فرا رسید. دیگر مبارزه‌ای

۱. سخنرانی در ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۰۵/۰۹
۲. بیانات در چهارمین کنفرانس حمایت از ملت فلسطین ۱۳۸۷/۱۲/۱۴

نبود. دیگر خطر مرگی نبود. دیگر مسلسل به دوش انداختنی نبود. لذا، در امتحانِ دوران آسایش، بریدند؛ آن هم چه بریدنی! فضاحتِ فروشِ فلسطین را که دیدید! از این قبیل، در تاریخ معاصر، زیاد داریم. بنده دیده‌ام مبارزینی که دوران شدّتشان را به پاکیزه‌ترین وضع گذراندند، امّا در دوران رخائشان، گرفتار کثافت و فساد شدند.[۱]

علت ناتوانی کشورهای اسلامی در نابودی اسرائیل؛ عدم وجود رهبری الهی

به کشورهای دیگر نگاه کنید! مردم سایر کشورهای اسلامی هم مسلمانند. نمی‌شود گفت که مردم فلان کشور، دین و ایمان درستی ندارند. حال اگر در بعضی کشورها، بر اثر بعضی عوامل، مردم دچار سستی ایمان باشند و برخی عادات غیر دینی داشته باشند، این یک حرف دیگر است؛ اما ایمان مردم، در غالب کشورهای اسلامی، ایمان عمیقی است و می‌شود شواهد این را پیدا کرد. در همین کشورهای آسیای مرکزی، که در آنها حدود هشتاد سال علیه دین کار کردند، باز هم می‌بینید هنوز مردم علاقه‌ی دینی دارند. در خیلی از کشورها، نماز مردم، روزه‌ی مردم یعنی چیزهایی را که فهمیده‌اند دین آنها را از آنان می‌خواهد درست انجام می‌شود؛ اما همان مردم، در مقابل تهاجم فرهنگی دشمنان، در مقابل تهاجم سیاسی دشمنان، در مقابل تهاجم اقتصادی کمپانیهای استکباری دنیا و اگر روزی پیش آید در مقابل تهاجم نظامی دشمنان، هیچ کاری از دستشان بر نمی‌آید. چرا؟ چرا کشورهای بزرگ و پرجمعیتی که در منطقه‌ی خاورمیانه هستند و بعضی از همین کشورهای پرجمعیت که با رژیم متجاوزِ صهیونیست همسایه‌اند، نمی‌توانند این غدّه‌ی سرطانی را علاج کنند.

علت چیست؟ علّت، همان چیزی است که موجب شده بود ملت بزرگ ایران با وجود دین و ایمانش، تا قبل از برهه‌ی انقلاب در دورانهای قبل در همه‌ی قضایایی که برایش پیش آمد، دچار ناکامی شود. علّت، در همه جا یکی است. علّت این است که ملت ما از آن خصایص ممتازی که در طول

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه در دانشگاه تهران ۱۳۷۲/۱۱/۲۹

این هشت سال از آنها برخوردار بود، در گذشته برخوردار نبود. امروز هم متأسفانه بسیاری از کشورهای مسلمانِ دیگر، از آن برخوردار نیستند. اما ملت ما، در طول سالهای بعد از انقلاب، از آن برخوردار بود. آن چیست؟ این، یک نکته‌ی اساسی است. این، عامل پیروزیهای بزرگ و کامیابی ملت ایران است. یعنی ارتباط این توده‌ی عظیم مؤمن ـ این جوانان، این مردان و زنها و قشرهای مختلف ـ با آن مرکزیّت و رهبری الهیِ ایمانی که با همه‌ی وجود در راه هدفهای اسلامی تلاش می‌کرد و مردم را در آن راهی که بایستی حرکت می‌کردند، هدایت می‌کرد. وجود یک رهبری، یک مرکزیّت و یک دستگاه هدایت، که در امام بزرگوار ما آن مرد حکیم و معنوی متجسّم شده بود. او بود که به این توده‌ی عظیم مسلمانِ مؤمنِ متعهّدِ ما راه نشان می‌داد. به مردم می‌گفت که باید با چه کَسی مبارزه کنند. مردم را دعوت می‌کرد به این‌که دلشان را با خدا مرتبط کنند و به خدا توکّل نمایند. به مردم هشدار می‌داد که چگونه در مقابل دشمنْ خود را مجهز و آماده نگهدارند که دشمن نتواند آنها را فریب دهد. هر وقت لازم بود، آنچه را که دانستن آن برای مردم لازم بود به مردم می‌گفت. پشتِ سرِ امام هم، دستگاه اداره کننده‌ی کشور، یعنی نظام جمهوری اسلامی بود. اما قَضیه، به شخص امام منحصر نمی‌شود. مبادا کسی خیال کند که در نظام جمهوری اسلامی، توده‌های عظیم مردم، فقط باید با شخص رهبر در ارتباط باشند و دستگاه اداره کننده‌ی کشور به عنوان یک پدیده، در جذب و هدایت و راهنمایی و راه‌اندازی نیروی مردم و پشتیبانی آنها نقشی ندارد! نه؛ این اشتباه است. برای همین بود که شما می‌دیدید که امام بزرگوار، بارها و بارها از مسؤولین رسمی کشور حمایت و پشتیبانی می‌کرد.[1]

یأس، سبب خودداری از ورود به میدان

یأس موجب می‌شد که بعضی وارد میدان نشوند. یأس را باید از خود

۱. بیانات در اجتماع بزرگ فرماندهان «نیروی مقاومت بسیج» سراسر کشور در دومین روز از «هفته‌ی بسیج» ۱۳۷۲/۰۸/۳۰

دور کرد. شما روزی که در زندانهای رژیم بعثی خشن بودید، هرچه نگاه می‌کردید، جلو چشمتان تاریکی بود. از آن مأمور شلّاق به دست خشن و آن درجه دار غلیظ بعثی بگیرید تا خود صدّام حسین؛ یکی پس از دیگری، با شما کأنه دشمن شخصی و خونی و پدری بودند. دست هر کدامشان می‌افتادید، بر شما آزار و شکنجه و فشاری وارد می‌کردند. این‌طور نبود؟ همه‌ی فضا تیره و تار بود. ما هم که این‌جا، دور از شما، در خانه نشسته بودیم و غم فقدان شما برادران را داشتیم، همه‌مان این طور بودیم. من خودم شخصاً همین احساسات را داشتم و می‌دانم که اکثر ملت ایران هم، این احساسات را داشتند حالا چه در خانه یا فامیلشان اسیری بود، چه نبود؛ همه این احساسات را داشتند. آنها هم وقتی نگاه می‌کردند، فضایی تیره می‌دیدند. پشت آن دید مأیوسانه، خورشید امید و فضل الهی می‌درخشید؛ اما ما نمی‌دیدیم. این، یک درس است. چرا بعضی مأیوسند از این‌که بشود بر قدرتهای استکباری جهان فائق آمد؟! چرا بعضی مأیوسند از این‌که اسرائیل را بشود از این منطقه ریشه کن کرد؟! چرا بعضی مأیوسند که بشود مسلمانان را در سرتاسر دنیا، از این وضع و مظلومیتی که امروز دارند، نجات داد؟![1]

سختیها و بلاهای ملتهای مسلمان، ناشی از گم‌کردن خطّ توحید عقیدتی و کلمه

هر چه امروز از سختیها و بلاها بر سر مسلمانان می‌آید بر اثر گم‌کردن سررشته‌ی زندگی در زیر سایه‌ی توحید است. توحید که فقط یک امر ذهنی نیست؛ توحید یک امر واقعی و یک نظام و یک دستورالعمل زندگی است. توحید به ما می‌گوید که با دوستانمان چگونه باشیم، با دشمنانمان چگونه باشیم، در نظام اجتماعی چگونه باشیم و چگونه زندگی کنیم. بعضی خیال می‌کنند که اعتقاد به توحید، مربوط به بعد از مرگ است؛ در حالی که اعتقاد به توحید، سازنده‌ی این عالم و سازنده‌ی زندگی است. امروز ما به این احتیاج داریم؛ ملتهای اسلامی به این احتیاج دارند.

---

۱. بیانات در دیدار گروه کثیری از آزادگان ۱۳۷۱/۰۵/۲۶

هر چه ما به سمت توحید و عبودیت لله پیش برویم، شرّ طواغیت و اندادالله از سر ما بیشتر کم خواهد شد. ملت مسلمان ایران به همان اندازه‌ای که در خطّ توحید پیش رفته است، امروز از زبان‌درازی و دست‌درازیِ امریکا و غیرامریکا از مستکبران عالم، راحت است؛ از بکن‌نکنِ آنها آزاد است. این، خاصیت توحید و خاصیت عبودیت لله است. بندهٔ خدا که شُدید، بندگی خدا با بندگی دیگران و نوکری دیگران نمی‌سازد. این، آن رکن اول است.

رکن دوم هم توحید کلمه است. ملتهای مسلمان باید با هم متّحد شوند.[1]

۱. بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۲۱/ ۰۴/ ۱۳۷۷

فصل دوم
پیروزیها و درسها

ناتوانی رژیم صهیونیستی برای یک رویارویی درازمدت

امروز حزب‌الله و پیروزی تاریخی‌اش، پشتوانه‌ی انتفاضه‌ی مردم فلسطین است، که البته پشتوانه‌ی بسیار نیرومندی است. رژیم صهیونیستی به هیچ وجه توانایی لازم برای یک رویارویی مستمر و درازمدت با فلسطینیها را ندارد. یهودیان را فریب داده و به فلسطین آورده‌اند، با این امید که اعراب با آنها نخواهند جنگید و اگر تصمیم به مقابله داشته باشند، فشار غرب مانع از ایستادگی درازمدت آنها خواهد بود. افرادی که با این امید واهی به فلسطین آمده‌اند، آمادگی این را ندارند که هستی خود را فدای هدفهای سیاسیِ بنیانگذاران صهیونیسم کنند. طبق گزارشها، توریسم صهیونیستها بشدّت ضربه خورده و حتّی روند مهاجرتِ معکوس آغاز شده است. [1]

صبر بر مصیبتها با نظر به ارزش پیروزی

بی تردید، مبارزه، خسارتهای تأسّفباری را نیز به همراه دارد. مردم کشته می‌شوند؛ خانه‌ها ویران می‌گردد؛ فشار اقتصادی بر دوش مردم سنگینی

---

۱. سخنرانی در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین۱۳۸۰/۰۲/۰۴

می‌کند و دهها مصیبت دیگر که ملال و تأثّر آن هرگز دلهای ما را رها نخواهد کرد؛ ولی باید ببینیم نتیجه‌ی این ایثار و فداکاری چیست؟ پیروزی آن‌قدر باارزش است که ناگزیر باید بهای آن نیز پرداخته شود.[1]

به هم ریختن تمام محاسبات اسرائیل با قیام فلسطینیان

نکته‌ی دوم که بسیار اهمیت دارد، این است که با این قیام، تمام محاسبات دولت غاصب صهیونیست به هم ریخته است؛ چون اساس محاسبات آنها بر این استوار بود که ملت فلسطین بعد از آن فشارهای اوّلِ کار و بعد از تبعید بیش از نیمی از مردم اصلی فلسطین به خارج از کشورشان و گذشتن سالهای متمادی، دیگر حال و حوصله و عزم و نشاط و جانِ مقابله را نخواهد داشت. در حال حاضر این محاسبات، غلط از آب درآمده و این پایه به هم ریخته است. وقتی هزاران هزار مردمی که در خودِ فلسطین هستند – نه گروههای فلسطینیِ خارج از مرزهای اصلی فلسطین که در لبنان یا اردن یا جاهای دیگر هستند – مصمّم باشند با آن نظام مبارزه کنند، دیگر آن فضای امنی که برای خودشان به عنوان بهشت موعود در نظر گرفته بودند و مهاجران غیرفلسطینی – یعنی یهودیان سرتاسر دنیا – را به آن‌جا کشانده بودند، وجود نخواهد داشت. امروز محاسبات به هم خورده است؛ لذا می‌بینید که دولتشان مجبور شد استعفا دهد. این، اجبار و ناگزیری است. البته کسانی که بیشترین فشار را برای این استعفا داشتند، ممکن است در محاسباتشان این‌طور خیال کنند که بایستی شدت عمل بیشتری به‌خرج داد و حکومت سنگدل‌تری را بر سر کار آورد؛ اما اشتباه و خطاست. مسأله، مسأله‌ی کوچکی نیست؛ مسأله‌ی عظیمی است؛ سرنوشت دنیای اسلام و سرنوشت همه‌ی کشورهای اسلامی – بخصوص کشورهایی که به این کانون خطر و به این غدّه‌ی فساد نزدیکترند – به سرنوشت آنها بستگی دارد.[2]

۱. سخنرانی در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین ۱۳۸۰/۰۲/۰۴
۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۹/۰۹/۲۵

عدم بازدارندگی مذاکره با اسرائیل از جنایات آن

من در همین جا به رؤسای سیاسی دولتهای اسلامی هم می‌گویم: خیال نکنند که با کوتاه آمدن در چنین قضیه‌ی بزرگی، اسرائیلِ غاصب و پشت سر او امریکا، تجاوزات و تعدّیات خودشان را متوقّف خواهند کرد. یک قدم جلو آمدند؛ تسلیم شدید، یک قدم دیگر می‌آیند جلو. تا به حال، آن کسانی که متمسّک به این شعار بودند، یک حربه داشتند. چرا از دست دادند؟ با چه تحلیل درستی؟ جمهوری اسلامی ایران، در این پانزده سال حرفش را از زبان امام بزرگوارش و از زبان ملت ایران گفته است و باز هم حرف، همان است. حق، با گذشتِ زمانْ کهنه نمی‌شود و ناحق نمی‌گردد. ظلم هم با گذشت زمان، مشروعیّت پیدا نمی‌کند. [1]

قدرت ملت فلسطین در عین مظلومیت، و عجز صهیونیستهای غدّارِ جبّار

امروز ملت فلسطین در عین مظلومیت، قدرت صهیونیستهای غدّار جبّار را – که پشت سر آنها قدرت امریکاست – به چالش کشیده و آنها را دچار عجز کرده است. امروز اسرائیل احساس می‌کند که در مقابل مبارزان فلسطینی هیچ راه صحیح و منطقی در مقابلش نیست. این به‌خاطر ایستادگی آن ملت است؛ چون آن ملت ایستاده است.

یک روز دشمنِ آنها از امروز ضعیفتر بود، اما توانست بر ملت فلسطین تسلّط پیدا کند؛ چون مقاومت نبود. امروز دشمنشان صد برابر از آن روز قویتر است، اما در مقابل ملت فلسطین دچار ناتوانی است؛ چون این ملت ایستاده و قیام کرده است. معنای ایستادگی امّت اسلامی در هر نقطه‌ای که باشد، این است. امروز همین جمعیت فلسطینیِ مظلوم که روزانه دچار مصائب و قساوتهای رژیم صهیونیستی هستند، توانسته‌اند آن رژیم ظالم و ناحق را دچار اختلال کنند. امروز بسیاری از کشورهای عربی و همسایه‌های فلسطین، اگر مورد تهاجم اسرائیل نیستند، به برکت مقاومتی است که آن مردم مظلوم می‌کنند. آنها به گردن همه‌ی امّت اسلام و ملتهای عرب –بخصوص

---

۱. بیانات در دیدار فرماندهان و مسؤولان «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» ۱۳۷۲/۰۶/۲۵

همسایگان فلسطین - حقّ بزرگی دارند.

امروز دشمن اهداف خود را صریح بیان می‌کند. صریحاً می‌گویند با بیداری اسلامی مخالفند و می‌خواهند آن را در هم بکوبند. صریحاً می‌گویند که می‌خواهند نقشه‌ی خاورمیانه را عوض کنند. تغییر نقشه‌ی خاورمیانه به چه معناست؟ معنایش این است که صهیونیستهای ظالم عاملِ دست استکبار جهانی را همه‌کاره‌ی منطقه کنند و در این منطقه هیچ کشَور و دولت و قدرت و ملتی نباشد که در پنجه‌ی استثمار صهیونیستها نباشد. امّت اسلامی در مقابل این هدفها باید بایستد.[1]

تهدید هر جوانِ فداکار فلسطینی به قدر یک لشکر

مبارزه‌ای که امروز ملت فلسطین شروع کرده است، مبارزه‌ی یک ارتش با یک ارتش دیگر نیست تا ما بگوییم او چند دستگاه تانک دارد، این چند دستگاه تانک دارد؛ او بیشتر دارد یا این بیشتر دارد. مبارزه‌ی تن‌ها و جسمها و جانهای افرادی است که از مرگ نمی‌ترسند. هر جوانِ فداکاری که در مقابل رژیم اشغالگر قرار می‌گیرد، به قدر یک لشکر آنها را تهدید می‌کند. جواب این انسان را دیگر تانک و موشک و هواپیما و هلیکوپترِ آپاچی نمی‌دهد. وقتی یک انسان - ولو یک نفر - از مرگ نترسید و خود را برای فداکاری در راه خدا و در راه وظیفه آماده کرد، برای دنیادارانِ بی‌انصاف بزرگترین خطر می‌شود. لذا شما دیدید در مقابل این جوانانِ شهادت‌طلب، امریکاییها در بالاترین سطح، صریحاً موضعگیری کردند. من می‌گویم این موضعگیریها فایده‌ای ندارد. این شهادت‌طلبی از روی احساسات نیست؛ از روی اعتقاد به اسلام و روز قیامت و ایمان به زندگیِ بعد از مرگ است. هرجا اسلام به معنای حقیقی خود وجود داشته باشد، این خطر علیه استکبار وجود دارد. استکبار برای تسلّط بر فلسطین مجبور است با اسلام مبارزه کند. مبارزه با اسلام، یعنی مبارزه با دنیای اسلام و این مبارزه به جایی نخواهد رسید.[2]

---

۱. بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام در سالروز عید سعید مبعث ۱۳۸۲/۰۷/۰۲
۲. بیانات در اجتماع بزرگ زائران حرم امام خمینی(ره) ۱۳۸۱/۰۳/۱۴

قدرت اسرائیل، ناشی از عدم اتحاد مسلمین

مسلمانان بر فراز همه‌ی شعارهای خود – چه شعار قومیّت، چه شعار مذاهب اختصاصی خودشان، چه شعارهای مربوط به سیاستهای خودشان – باید شعار وحدت و یکپارچگی امّت اسلامی را قرار دهند. امروز برای آنها یکی از کارآمدترین شعارها این است. می‌دانیم که استعمار و استکبار و دست قدرتهای بیگانه همیشه سعی کرده است با انواع و اقسام حیَل، این وحدت را درهم بشکند؛ که یکی از خبیث‌ترین حیله‌ها، حیله‌ی غصب سرزمین فلسطین و کاشتن شجره‌ی خبیثه‌ی صهیونیسم در سرزمین اسلامی فلسطین – یعنی در قلب ملتهای مسلمان و کشورهای اسلامی – بوده است.

...اگر ما امروز وحدت می‌داشتیم و اگر به معنویت اسلام تکیه می‌کردیم، دشمن نمی‌توانست با این وضوح ملت فلسطین را در خانه‌ی خودش این گونه مورد شکنجه و فشار و تعقیب و آزار قرار دهد. قضایای فلسطین دل هر انسان غیرتمندی را – ولو زیاد تدیّن هم نداشته باشد – خون می‌کند و راحت و آرام را از او می‌گیرد. کیست که منظره‌ی حمل پُراحساس کودکِ یکی دو ساله‌ای را که کشته شده است، ببیند و بتواند راحت بخوابد؟ کیست که محاصره‌ی مردم را در خانه‌ها و کوچه‌ها و خیابانها و شهرهایی که متعلّق به آنهاست و زمینی که استخوان اجداد آنها قرنهاست در آن دفن است، ببیند و متأثّر نشود؟ امروز مردم بیت‌المقدّس و الخلیل و غزّه و بقیه‌ی مناطق سرزمین مغصوب را محبوس کرده‌اند؛ آنها را در خانه‌ی خودشان می‌کُشند؛ در خانه‌ی خودشان پدران و مادران را به داغ فرزندانشان می‌نشانند؛ به آنها گرسنگی می‌دهند و آنها را محاصره‌ی اقتصادی می‌کنند. اگر امّت اسلامی متّحد بود، مگر چنین چیزی ممکن بود؟ امروز هم واجبترین فرایضِ ما ملتها و دولتهای مسلمان این است که در این قضیه با هم وحدت کلمه پیدا کنیم.[1]

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام به مناسبت عید سعید فطر ۱۳۷۹/۱۰/۰۷

پیام پس از جنگ ۲۲ روزه

بسم الله الرحمن الرحیم

برادر مجاهد جناب آقای اسماعیل هنیّه

سلام‌علیکم بما صبرتم

صبر بیست روزه‌ی شما و مجاهدان دلیر و از جان گذشته و آحاد مردم غزه در برابر یکی از فجیع‌ترین جنایات جنگی جهان و تاریخ، پرچم عزت را بر سر امت اسلام به اهتزاز در آورده است. شما ثابت کردید که دل سرشار از ایمان به خدا و قیامت و روح منیع و عزیز مسلمانی که ذلت و تسلیم درباره‌ی ظلم و زور را بر نمی‌تابد، آنچنان قدرتی می‌آفریند که حکومتهای جبّار و مستکبر و ارتشهای مجهّز در برابر آن ناتوان و ذلیلند.

ارتشی که قدرت فداکاری و شهادت‌طلبی شما، آن را بیست روز است پای در گل در پشت دروازه‌های غزه به خفت افکنده همان است که ظرف شش روز بخشهای عظیمی از سه کشور عربی را زیر سیطره‌ی خود در آورد. به ایمان و توکل خود، به حسن ظنّ خود به وعده‌ی الهی، به صبر و شجاعت و فداکاری خود ببالید که امروز همه‌ی مسلمانان به آن می‌بالند. جهاد شما تا امروز آمریکا و رژیم صهیونیست و حامیان آنان و سازمان ملل و منافقان امت اسلامی را رسوا کرده است.

امروز نه فقط ملّتهای مسلمان، که بسیاری از ملتهای اروپا و آمریکا حقانیت شما را از بن دندان پذیرفته‌اند. شما همین امروز هم پیروزید و با ادامه‌ی این ایستادگی شرافتمندانه، دشمن زبون و ضد بشر را باز هم بیشتر به ذلت و شکست خواهید کشاند. انشاءالله.

بدانید که «**ما وَدّعَک رَبُّک و ما قَلی**»[۱] و بدانید که «**و لَسَوفَ یُعطِیک رَبُّکَ فَتَرضَی**[۲]» انشاءالله. با این حال حوادث خونین و فاجعه بار غیر نظامیان فلسطینی بخصوص کودکان مظلوم و معصوم، دلهای ما را غرق خون کرده است. حوادث ناشی از جنایتهای غاصبان فلسطین که هر روز چندین بار

---

۱. سوره‌ی ضحی، آیه‌ی۳

۲. سوره‌ی ضحی، آیه‌ی۵

از همه‌ی کانالهای تلویزیونی ما پخش می‌شود ملت ما را ماتمزده و عزادار ساخته است. **اَعظَمَ الله لَکُم الجَزاء وَ عَجّل لَکُم النّصر**، بدانید که وعده‌ی خدا راست است که فرمود: «**وَ لَیَنْصُرَنّ الله مَنْ یَنْصُرُهُ إنّ الله لَقَوِیٌّ عَزِیزٌ**[1]» و فرمود: «**وَ مَن جاهَد فَاِنّما یُجاهِدُ لِنَفسه** ...[2]»

خیانتکاران عرب هم بدانند که سرنوشت آنان بهتر از یهودیان جنگ احزاب نخواهد بود که خداوند فرمود: «**و اَنزَلَ الّذین ظَاهَرُوهُم مِن اَهلِ الکِتَاب وَ مِن صَیَاصِیِهم** ...[3]» ملتها با مردم و مجاهدان غزه‌اند. هر دولتی که بر خلاف این عمل کند فاصله‌ی خود و ملّتش را عمیق‌تر می‌کند و سرنوشت چنین دولتهایی معلوم است. آنها نیز اگر به فکر زندگی و آبروی خودند باید سخن امیرالمؤمنین علیه‌السلام را به یاد آورند که فرمود: «**المَوتُ فی حَیاتِکُم مَقهورین وَ الحَیاةُ فی مَوتکم قاهِرین**»[4] به شما و مبارزان غزه و همه‌ی مردم مظلوم و مقاوم شما درود می‌فرستم و در کنار همه‌ی تلاشهایی که دولت جمهوری اسلامی ایران در حمایت از شما وظیفه‌ی خود دانسته است، شب و روز هم شما را دعا میکنم و صبر و نصرت را برای شما از خداوند عزیز قدیر مسألت می‌کنم.

و السلام علیکم و علی عبادالله الصالحین و رحمةالله و برکاته[5]

ریختن آبروی رژیم صهیونیستی و حامیانش پس از پیروزی مقاومت فلسطین در غزه

دو ماه قبل از این، یک پیروزی دیگر برای امت اسلام به وجود آمد و آن پیروزی مقاومت فلسطین بر دشمن صهیونیست در غزه بود، پیروزی بزرگ و درخشان. کدام پیروزی از این بالاتر که یک ارتش مجهز که یک

---

۱. سوره‌ی حج. آیه‌ی ۴۰
۲. سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی۶
۳. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی۲۶
۴. نهج‌البلاغه، خطبه‌ی۵۱
۵. پیام رهبر معظم انقلاب به اسماعیل هنیه نخست وزیر دولت قانونی حماس ۱۳۸۷/۱۰/۲۶

روز توانسته بود سه تا ارتش بزرگ کشورها را در سالهای شصت و هفت تا هفتاد و سه‌ی میلادی شکست بدهد، بیست و دو روز تلاش کند و نتواند این جوانهای مقاوم و این مجاهدان مؤمن را در غزه وادار به عقب‌نشینی کند و آنها را شکست بدهد؟ ناکام، دست خالی مجبور شد برگردد، علاوه بر اینکه در دنیا هم آبروی رژیم صهیونیستی و حامیانش و در رأس آنها آمریکا رفت؛ آبروشان بر خاک ریخت. این پیروزی بزرگی برای مسلمانها بود؛ مسلمانها را به یک همدلی نزدیک کرد. اینجا دیگر مسأله‌ی شیعه و سنی را نمی‌توانستند مطرح کنند. حالا آمده‌اند مسأله‌ی قومیت را مطرح کرده‌اند؛ مسأله‌ی عربیت و غیرعربیت؛ دعوای بین اینکه مسأله‌ی فلسطین مختص به عربهاست و اصرار بر اینکه مختص به عربهاست، برای اینکه غیرعرب حق ندارد در مسأله‌ی فلسطین دخالت کند! چرا؟ مسأله‌ی فلسطین، مسأله‌ی اسلامی است؛ عرب و عجم ندارد.[1]

شکست اسرائیل در جنگ ۳۳ و ۲۲ روزه؛ شیب تند سقوط

از جمله‌ی این حوادث مهم، شکست شگفت‌آور نظامی و سیاسی اسرائیل در برابر مقاومت اسلامی در جنگ ۳۳ روزه‌ی لبنان در سال ۱۴۲۷ هجری‌قمری و ناکامی خفت‌آور رژیم صهیونیستی در جنگ ۲۲ روزه‌ی جنایتکارانه‌اش با مردم و دولت قانونی فلسطین در غزه است.

اکنون رژیم غاصب که چند دهه با ارتش و تسلیحات خود و با پشتیبانی نظامی و سیاسی امریکا، چهره‌یی مهیب و شکست‌ناپذیر نشان می‌داد، دو بار از نیروهای مقاومت که با اتکاء به خدا و مردم، بیش از اتکاء به سلاح و تجهیزات می‌جنگیدند، شکست‌خورده و با وجود تمرینها و آماده‌سازیهای نظامی و سازمانهای عریض و طویل اطلاعاتی و حمایت بیدریغ امریکا و بعضی دولتهای غربی و همدستی برخی منافقان جهان اسلام، انحلال، و شیب تند سقوط، و عدم کفایت خود در برابر موج نیرومند بیداری اسلامی

۱. بیانات در دیدار جمعی از مسؤولان در سالروز ولادت حضرت رسول اعظم(ص) ۱۳۸۷/۱۲/۲۵

را ظاهر ساخته است.[1]

شدت عمل دشمن؛ نشانه‌ی ضعف و بی‌تدبیری

شدت عمل دشمن غالباً نشانه‌ی ضعف و بی‌تدبیری اوست. به صحنه‌ی فلسطین و بویژه غزه بنگرید. حرکات بیرحمانه و دژخیمانه‌ی دشمن در غزه که نظیر آن در تاریخ ظلمهای بشری کمتر دیده شده است، نشانه‌ی ضعف او در فائق آمدن بر اراده‌ی مستحکم آن مردان و زنان و جوانان و کودکانی است که با دست خالی، در برابر رژیم غاصب و پشتیبانش یعنی ابرقدرت امریکا ایستاده و خواسته‌ی آنها را که رویگردانی از دولت حماس است زیر پای خود افکنده‌اند. درود خدا بر آن ملت مقاوم و بزرگ. مردم غزه و حکومت حماس این آیات جاودانه‌ی قرآن را معنی کردند:

«وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الأَمْوالِ وَ الأَنْفُسِ وَ الثَّمَراتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذا أَصابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ أُولئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَواتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ أُولئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ»[2] و «لَتُبْلَوُنَّ فِي أَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ وَ لَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ مِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذىً كَثِيراً وَ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ ذلِكَ مِنْ عَزْمِ الأُمُورِ»[3].

پیروز نهائی در این کارزار حق و باطل، جز حق نیست و این ملت مظلوم و صبور فلسطین است که سرانجام بر دشمن پیروز خواهد شد «وَ كانَ اللهُ قَوِيًّا عَزِيزاً[4]» همین امروز هم علاوه‌بر ناکامی در شکستن مقاومت فلسطینیان، در عرصه‌ی سیاسی با دروغ در آمدن داعیه‌های آزادی‌طلبی و دموکراسی‌خواهی و شعار حقوق‌بشر، شکست سختی بر آبروی رژیم امریکا و بیشتر رژیمهای اروپائی وارد آمده است که به این زودی قابل جبران نخواهد بود. رژیم

---

۱. بیانات در چهارمین کنفرانس حمایت از ملت فلسطین ۱۳۸۷/۱۲/۱۴
۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۵۵
۳. سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۸۶
۴. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۲۵

بی‌آبروی صهیونیستی از همیشه روسیاه‌تر و برخی رژیم‌های عربی نیز در این امتحان عجیب، بازنده‌ی تتمه‌ی آبروی نداشته‌ی خودند. **وَ سَیَعْلَمُ الَّذِینَ ظَلَمُوا أَیَّ مُنْقَلَبٍ یَنْقَلِبُونَ**[1].[2]

۱. سوره‌ی شعراء، آیه‌ی۲۲۷
۲. پیام رهبر معظم انقلاب به کنگره‌ی عظیم حج ۱۳۸۷/۰۹/۱۷

بخش سوم:

مسؤولیتها

فصل اول
مسؤولیت مردم فلسطین

وظیفه‌ی فلسطینیان

راه اول[1] ادامه‌ی انتفاضه، ایستادگی مردم فلسطین است که بحمدالله تاکنون ایستاده‌اند. اوج این ایستادگی، همین عملیات استشهادی است. این‌که یک مرد، یک جوان، یک پسر و یک دختر حاضر می‌شود برای منافع و مصالح ملت و دینش جان خود را فدا کند، اوج افتخار و شجاعت و شهامت است. این همان چیزی است که دشمن از آن می‌ترسد. لذا شما ملاحظه کردید، از رئیس جمهور امریکا گرفته تا همه‌ی کسانی که در سراسر دنیا در خطّ امریکا کار می‌کنند و حرف می‌زنند، سعی کردند با شماتت و ملامت و فلسفه‌بافی، عملیات استشهادی را متوقّف کنند. نه؛ عملیات استشهادی اوج عظمت یک ملت و اوج حماسه است. آن‌جایی که یک نیروی نظامی با کمال فداکاری از میهن خود دفاع می‌کند، مگر عملیات استشهادی نیست؟ آن‌جایی که یک ارتش ظالم و ستمگر به یک کشور تجاوز می‌کند و مردم آن کشور در مقابل آن ارتش می‌ایستند، مگر آن‌جا عملیات استشهادی نیست؟ کیست که بتواند چنین کاری را محکوم کند؟ کیست که بتواند از عظمت و ارزش این کار در

۱. راه دوم در صفحه‌ی ۲۹۶ آمده‌است

چشم انسانهای باوجدان و باانصاف بکاهد؟ عملیات استشهادی، اوج عظمت آنهاست. حالا عدّه‌ای بنشینند برای خودشان بگویند و بنویسند و ملتی را که پنجاه سال است به خاطر کوتاهی گذشتگانش و به خاطر عدم توجّه نسل قبلی خودش به منافع بلند مدت، الان مجبور است با جان خود به میدان بیاید تا حقوق خود را زنده کند، ملامت کنند؛ مگر این در حال آن ملت تأثیر دارد؟ ملت فلسطین، زنده و بیدار است و پیش می‌رود. [1]

وظیفه‌ی فلسطینیان؛ حفظ وحدت

وحدت درونی مردم فلسطین و جریانات مختلف فلسطینی یک نکته‌ی اساسی است. هرچیزی که موجب انحراف مسیر و عدم توجّه به دشمن اصلی شود، یقیناً در خدمت آرمان فلسطین نخواهد بود. الحمدلله فلسطینیها در طول این پنجاه سال از این امتحان سربلند بیرون آمده و پختگی خود را نشان داده‌اند. دیدیم که همه‌ی تلاشهای اسرائیل برای دامن زدن به اختلافات مجاهدین، ناکام ماند و تمامی جریانهای اصیل و جنبشهای مجاهد و مبارز، علی‌رغم گرایشهای متفاوت، با صبر انقلابی مانع از تحقّق خواسته‌ی دشمن شدند. از این پس نیز باید چنین باشد. [2]

لزوم حفظ هوشیاری و اتحاد

همه‌ی ملتها باید هوشیار باشند. ملت ما، ملت لبنان و ملت فلسطین باید به‌هوش باشند. ملتهای عربی منطقه، ملت عراق ودیگر ملتهای مسلمان هم باید به‌هوش باشند؛ مواظب باشند اینها حرکتی در جهت موفقیت نقشه‌های خائنانه‌ی جدید امریکا و صهیونیسم انجام ندهند. آنچه که امروز برای دولت امریکا و رژیم اسرائیل به عنوان یک موفقیت محسوب شود، به زیان همه‌ی کشورهای اسلامی است. این‌طور نیست که بگوییم بعضی ضرر می‌کنند و بعضی سود می‌برند؛ ابدا. آنچه که متجاوزان، غارتگران و طمع ورزان به این

---

۱. بیانات در دیدار گروه کثیری از کارگران و معلمان به مناسبت روز کارگر و هفته‌ی معلم ۱۳۸۱/۰۲/۱۱

۲. سخنرانی در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین۱۳۸۰/۰۲/۰۴

منطقه را خوشحال کند، همه‌ی ملتهای این منطقه را غمگین و متأثر خواهد ساخت. اگر در کوتاه مدت هم به آن توجه نکنند، در میان مدت یقیناً دچار آن خواهند شد. کشورها مراقب باشند و اتحاد خودشان را حفظ کنند. در داخل ملتها، اتحاد ملی را باید حفظ کنند. برادران فلسطینی از جناحها و گروههای مختلف بدانند که اتحاد آنها امروز از همه‌ی عوامل پیروزی‌شان مهمتر است. مبادا به خواست دشمن – که می‌خواهد بین گروههای فلسطینی اختلاف بیندازد – با هم اختلاف کنند و از نقشه‌ای که دشمنان برای آنها کشیده‌اند، غفلت کنند.[1]

وظیفه‌ی مردم فلسطین؛ مقاومت

به برادران عزیز فلسطینی‌مان که در آن‌جا با زحمات مواجه هستند، عرض می‌کنیم: اگر مقاومت و صبر کنید، هم ثواب الهی و هم پیروزی را به دست خواهید آورد. پیروزی همیشه با صبر و با حرکت در راه خدا همراه است؛ «وَ لَيَنْصُرَنّ اللهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنّ اللهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ[2]»؛ تردیدی در این نیست. بنابراین، پیروزی وجود خواهد داشت؛ منتها باید صبر کنند و تحمّل داشته باشند.[3]

محور این مبارزه‌ی حساس و خطیر، ملت مظلوم و شجاع فلسطین است، که مصائب را با همه‌ی وجود درک کرده و اکنون به برکت تمسک به اسلام، با مبارزه‌ی جانانه‌ی خود در داخل وطن غصب شده، خطری عظیم برای دشمن آفریده است. توطئه‌ی بزرگ استکباری بر آن است که این مبارزه را خاموش کند؛ اما به حول و قوّه‌ی الهی و به همت فلسطینیان شجاع و به کمک ملتها و دولتهای مسلمان، این شعله باید روزبه‌روز برافروخته‌تر گردد، تا همه‌ی بنای پوشالی دشمن را در کام خود فرو برد؛ و این خواهد شد و نصرت الهی بر آنان نازل خواهد گشت؛ «وَ لَيَنْصُرَنّ اللهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنّ اللهَ لَقَوِيٌّ

---

۱. خطبه‌های نماز عید سعید فطر به امامت رهبر معظم انقلاب اسلامی ۱۳۸۵/۰۸/۰۲
۲. سوره‌ی حج. آیه‌ی ۴۰
۳. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۹/۰۹/۲۵

عَـزِیـزٌ[1]».[2]

وظیفه‌ی فلسطینیان؛ مقاومت و حفظ وحدت

من به برادران و خواهران فلسطینی عرض می‌کنم: جهادتان را ادامه دهید. ایستادگیتان را ادامه دهید. بدانید هیچ ملتی جز به وسیله‌ی ایستادگی و مبارزه نمی‌تواند شرف خود و هویت خود و استقلال خود را به دست آورد. به هیچ ملتی، دشمن با التماس چیزی نخواهد داد. هیچ ملتی به خاطر ضعیف بودن و گردن کج کردن در مقابل دشمن، به چیزی نمی‌رسد. هر ملتی که در دنیا به جایی رسیده است، به خاطر عزم و اراده و ایستادگی و سینه سپر کردن و سر را بالا نگه‌داشتن رسیده است. بعضی از ملتها این توان را ندارند؛ اما آن ملتی که به اسلام معتقد است، آن ملتی که به قرآن معتقد است، آن ملتی که به وعده‌ی خدا معتقد است، آن ملتی که معتقد است «**لَیَنْصُرَنَّ اللهُ مَنْ یَنْصُرُهُ**[3]»- هرکه خدا و دین خدا را یاری کند، خدا با تأکید او را یاری خواهد کرد - این توانایی را دارد.

توصیه‌ی دیگر من این است که امروز همه‌ی همّت دشمن این است که میان صفوف فلسطینی اختلاف بیندازد. حتی آن عناصر خائن فلسطینی هم که با دشمن همکاری می‌کنند، همّتشان ایجاد اختلاف است. تسلیم این توطئه‌ی دشمن نشوید. عناصر حماس، جهاد اسلامی، فتح - جوانان فتح که تازه وارد این میدان شده‌اند - این میدان را رها نکنند و همه با هم باشند. رئیسان و سرکردگانی که به نفع دشمن حرف بزنند و دستور بدهند، دستورشان گوش کردنی نیست. آحاد ملت فلسطین بر محور عناصر با اخلاص و مؤمن و فداکار جمع شوند. ملت فلسطین - که امروز چشم دنیای اسلام متوجّه به اوست - بداند که دلهای امّت اسلامی او را تحسین و برای او دعا می‌کند؛

---

۱. سوره‌ی حج. آیه‌ی ۴۰

۲. پیام به ملتهای مسلمان، علما، نویسندگان، روشنفکران و دانشجویان کشورهای اسلامی، به منظور بسیج نیروهای عظیم کشورهای اسلامی برای مقابله با توطئه‌های خباثت‌آمیز امریکا و اسرائیل در کنفرانس مادرید۱۳۷۰/۰۷/۲۵

۳. سوره‌ی حج. آیه‌ی ۴۰

و اگر برای کمک راه باز بود، امروز امّت اسلامی کمکهای خود را روانه می‌کرد؛ چه دولتها موافق و مایل می‌بودند و چه نمی‌بودند. امّت اسلام از فلسطین نمی‌گذرد، از ملت فلسطین نمی‌گذرد، از جوانان فلسطین چشم نمی‌پوشد.[1]

هدف دشمنان؛ ایجاد تفرقه در فلسطین

امروز دشمنان در عراق، در فلسطین، در لبنان و در هر نقطه از جهان اسلام که بتوانند آتش‌افروزی می‌کنند و با بهانه‌های گوناگون مذهبی و قومی و حزبی و غیره مسلمانان را به صف آرائی در برابر یکدیگر و برادرکشی تحریک می‌نمایند. مسلمانان نباید به آنها در این هدف ننگین و خطرناک کمک کنند.[2]

ایستادگی، تنها راه پیروزی

همان که عرض کردیم، این پیروزی[پیروزی حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه] از یک طرف و شکست از یک طرف، یک حادثه‌ی بزرگ بود و عبرتهایی هم با خودش دارد که ملتها – چه دشمنان بخواهند، چه نخواهند – از این عبرتها استفاده خواهند کرد؛ یعنی ملت فلسطین، ملت عراق، ایران و ملتهای دیگر، همه به چشم خودشان دیدند که راه مقاومت و ایستادگی، تنها راه پیروزی است؛ راه دیگری وجود ندارد؛ ولو مقاومت کننده یک گروه کوچک باشد؛ ولو آن قدرتی که در مقابل آن مقاومت می‌شود، ارتش درجه‌ی یک دنیا باشد و از طرف امریکا هم حمایت بشود. هرچه باشد، این یک راز و سنّت الهی است.

ایستادگی وسیله‌ی پیروزی است، منتها کسانی که مقاومت می‌کنند، باید از خطرات مقاومت نترسند. اگر ترسیدند، در مقاومتشان اختلال پیدا خواهد شد و پیروزی به دست نخواهد آمد و این، آفت اغلب ملتها و جماعات

---

۱. سخنرانی در اجتماع بزرگ بسیجیان شرکت کننده در اردوی فرهنگی، رزمی یاران امام علی(ع) ۱۳۷۹/۰۷/۲۹

۲. پیام رهبر معظم انقلاب در محکومیت هتک حرمت حرمین عسکریین ۱۳۸۶/۰۳/۲۴

است، که وسط راه دچار ترس می‌شوند. اگر آن گروه، ملت و جماعتی که می‌خواهد مقاومت کند، از فقدان لذایذ زندگی، از فقدان حیات و از فقدان راحتی نترسد و ناراحت و آشفته نشود و پیش برود، بدون تردید مقاومت با پیروزی همراه است. این مقاومت وقتی با ایمان باشد، ادامه پیدا خواهد کرد. لذا می‌گوییم و همیشه گفتیم که ایمانِ همراه با مقاومت، به دنبالش پیروزی است. مراد ما فقط ایمان دینی هم نیست؛ ایمان به هر اصلی. البته اگر ایمان دینی باشد، آن وقت خدای متعال وعده کرده است که همه‌ی قوانین طبیعت و تاریخ در خدمت این مقاومان قرار خواهد گرفت: «**من کان یرید العاجلة عجلنا له فیها** و **نشاء لمن نرید**»[1]؛ این مربوط به کسانی است که دنیا را می‌خواهند، نیّت‌شان دنیایی است؛ اما اراده دارند، میخواهند و خدا میدهد؛ و کسی که اراده‌ی دین دارد، همین‌طور است. «**کلًّا نمد، هؤلاء و هؤلاء**»[2] این سنّت الهی است.[3]

لزوم روی‌آوردن فلسطینیان از مشت و سنگ به سلاحهای آتشین

گذشت آن روزی که صهیونیستها در مقابل وحشیگریهای خودشان نسبت به ملت فلسطین عکس‌العملی دریافت نکنند. امروز اگر ضربه‌ای می‌زنند، ضربه‌ای هم از طرف ملت فلسطین به آنها زده خواهد شد. امروز اگر دولت غاصب احساس می‌کند که در مقابل مردم فلسطین باید صف‌آرایی کند، مردم فلسطین هم احساس می‌کنند که در مقابل او باید صف‌آرایی کنند. من نمی‌دانم چه موقع این اتفاق خواهد افتاد، اما شک ندارم که ملت فلسطین همیشه به سنگ و مشت اکتفا نخواهد کرد؛ ملت فلسطین ناگزیر خواهد شد از وجود خود، از شرف خود، از هستی خود، از باقی ماندن در خانه‌ی خود – ولو با سلاحهای آتشین – دفاع کند.[4]

---

۱. سوره‌ی اسراء. آیه۱۸
۲. سوره‌ی اسراء. آیه۲۰
۳. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران به امامت رهبر معظم انقلاب اسلامی ۱۳۸۵/۰۷/۲۱
۴. بیانات در اجتماع بزرگ مردم اراک ۱۳۷۹/۰۸/۲۴

فصل دوم
مسؤولیت امت اسلامی

مقبول‌نبودن عذر دولتهای مسلمان در بی‌تفاوتی نسبت به فلسطین

امروزه، هیچ عذری از دولتهای مسلمان در بی‌تفاوتی نسبت به مسأله‌ی فلسطین پذیرفته نیست. دولت غاصب، وحشیگری و ددمنشی را به اعلی درجه رسانده و ثابت کرده است که در راه هدفهای توسعه‌طلبانه و خطرناک خود، آماده‌ی دست زدن به هر جنایتی است. قیام اسلامی ملت فلسطین نیز حجت را بر همه تمام می‌کند و نشان می‌دهد که علی‌رغم فشارهای همه‌جانبه‌ی دشمن و غدر و خیانت مدعیان دوستی، نهال مقاومت نخشکیده، بلکه ریشه‌دار و پُربار نیز شده است. لذا بر همه‌ی ملتها و دولتها واجب است که مسأله‌ی اسلامی فلسطین را صادقانه در زمره‌ی مسائل درجه اول خود دانسته و به قدر وسع خود به آن کمک کنند.[1]

افزایش سیر حمایتهای مادی و معنوی و سیاسی از حرکتهای جهادی

امروز سیر حمایتهای مادی و معنوی و سیاسی از حرکتهای جهادی و انتفاضه رو به گسترش است. امروز صدای مدعیان دروغین حقوق بشر بی‌اثر

---

۱. پیام به مناسبت روز جهانی قدس ۱۳۶۹/۰۱/۲۴

گردیده و طبل رسوائی حامیان اسرائیل به صدا در آمده و ماهیت مزورانه‌ی آنان برملا گردیده است تا جایی که بسیاری از آنان نمی‌توانند از محکوم کردن این جنایات خودداری کنند. [1]

ارکان مقاومت

راه نجات، فقط ایستادگی و مقاومت است، با توحید کلمه‌ی فلسطینیان و کلمه‌ی توحید که ذخیره‌ی بی‌پایان حرکت جهادی است.ارکان این مقاومت، از سوئی گروههای مجاهد فلسطینی و آحاد مردم مؤمن و مقاوم فلسطین در داخل و خارج آن کشورند؛ و از سوئی دیگر، دولتها و ملتهای مسلمان در سراسر جهان، بویژه عالمان دینی و روشنفکران و نخبگان سیاسی و دانشگاهیان.

اگر این دو رکن مستحکم در جای خود قرار گیرند، بی‌شک وجدانهای بیدار و دلها و اندیشه‌هائی که افسون تبلیغات امپراتوری خبری استکبار و صهیونیزم، آنها را مسخ نکرده، در هر نقطه‌ی عالم به یاری ذی‌حق و مظلوم خواهند شتافت و دستگاه استکبار را در برابر طوفانی از اندیشه و احساس و عمل قرار خواهند داد.

نمونه‌ی این حقیقت را در طول روزهای اخیر مقاومت پرشکوه غزه همه دیدیم. گریه‌ی رئیس غربی یک سازمان خدماتی بین‌المللی در برابر دوربین رسانه‌ها، اظهارات همدردانه فعالان سازمانهای بشردوستانه، تظاهرات بزرگ و صمیمی مردم در قلب پایتختهای اروپائی و شهرهای امریکا، اقدام شجاعانه‌ی رؤسای چنددولت در امریکای لاتین، همه و همه نشانه‌ی آن است که دنیای غیرمسلمان نیز هنوز به دست نیروهای شرآفرین و فسادآفرین ـ که نام قرآنی آنها شیطان است ـ به طور کامل تسخیر نشده و هنوز میدان برای جولان حقیقت، باز است.

آری، مقاومت و صبر مجاهدان و مردم فلسطین و حمایت وکمک همه‌جانبه به آنان از سراسر کشورهای اسلامی خواهد توانست طلسم شیطانی

۱. پیام به مردم فلسطین ۱۳۷۹/۰۷/۱۳

غصب فلسطین را بشکنند. انرژی عظیم امت اسلامی می‌تواند مشکلات جهان اسلام و از جمله، مشکل حاد و فوری فلسطین را حل کند.[1]

وظیفه‌ی همه مسلمین و وجدانهای آگاه

اکنون خطاب من به شما برادران و خواهران مسلمان است در سراسر جهان و نیز به همه‌ی وجدانهای بیدار از هر کشور و ملت. همت کنید و طلسم مصونیت جنایتکاران صهیونیست را بشکنید. سران سیاسی و نظامی رژیم غاصب را که در فاجعه‌ی غزه نقش‌آفرین بودند به پای میز محاکمه بکشانید و به مجازاتی که عدل و عقل حکم می‌کند برسانید. این اولین قدمی است که باید برداشته شود. سران سیاسی و نظامی رژیم غاصب باید محاکمه شوند. اگر جنایتکار مجازات شود، راه جنایت برای آنان که انگیزه و جنون آن را دارند ناهموار خواهد شد. آزاد گذاشتن عاملان جنایتهای بزرگ، خود عامل و مشوق جنایتهای دیگر است. اگر امت اسلامی پس از جنگ ۳۳ روزه‌ی لبنان و آن‌فاجعه‌آفرینیهای دهشتناک، مجازات صهیونیستهای فاجعه‌آفرین را بجدّ مطالبه می‌کرد، اگر این مطالبه‌ی بحق پس از به خاک و خون کشیدن کاروانهای عروسی در افغانستان و پس از جنایات «بلک‌واتر» در عراق و پس از رسوائیهای سربازان امریکائی در ابوغریب و غیر آن صورت می‌گرفت، امروز ما شاهد کربلای غزه نمی‌بودیم.

ما دولتها و ملتهای مسلمان در آن قضایا وظیفه‌ئی را که قانون عقل و عدل بدان حکم میکرد انجام ندادیم و نتیجه آن چیزی است که امروز شاهد آنیم.[2]

کمک به مردم فلسطین و حمایت کامل از آنان؛ واجب کفائی بر همه‌ی مسلمانان

کمک همه جانبه به مردم فلسطین و حمایت کامل از آنان واجب کفائی بر همه‌ی مسلمانان است. دولتهائی که به جمهوری اسلامی ایران و برخی

---

۱. بیانات در چهارمین کنفرانس حمایت از ملت فلسطین ۱۳۸۷/۱۲/۱۴
۲. همان

دیگر از کشورهای مسلمان بخاطر کمک به فلسطین خرده می‌گیرند، خود متحمل این کمک و حمایت شوند تا تکلیف اسلامی از دیگران ساقط شود،و اگر همت و توان و شجاعت آن را ندارند، بهتر است به جای خرده‌گیری و کارشکنی، قدرشناسِ اقدامات مسؤولانه و شجاعانه‌ی دیگران باشند. [1]

کمک معنوی، بالاتر از کمک مادّی

بالاتر از کمک مادّی، کمک معنوی است؛ چرا که فلسطینیان احساس می‌کنند دل ملتها با آنهاست. این تظاهراتی که این روزها در دنیای اسلام اتّفاق افتاد خیلی با ارزش بود. این حرکتی که امروز شما می‌خواهید بکنید و تا میدان فلسطین و مقابل سفارت فلسطین راهپیمایی کنید، بسیار کار با ارزشی است. اینها خیلی ارزش دارد؛ اینها خبرش منعکس می‌شود و مردم مظلوم فلسطین احساس می‌کنند که ملتها پشت سرشان هستند. البته ملت ما بحمدالله در این زمینه‌ها هیچ وقت کم نگذاشته است؛ هر وقت که برای این قضیه فرا خوانده شده، حضور پیدا کرده و اعلام موضع کرده است. و بالاخره مجامع جهانی و سازمان ملل باید فعّال شوند. این مجامع حقوق بشر که همیشه یا غالباً در خدمت هدفهای استکباری‌اند، ولو یک‌بار هم شده، برخلاف خواسته‌ی دستگاههای استکباری، به نفع ملتها وارد شوند؛ افکار عمومی را در دنیا به خودشان متوجّه کنند، ظالم و متجاوز را محکوم و ملت مظلوم فلسطین را تأیید کنند. اگر این فشارها انجام گیرد، طرح ایران در مورد فلسطین عملی خواهد بود و متجاوز مجبور خواهد شد. اگر دولتهای عربی، دولتهای اسلامی، ملتهای مسلمان و مجامع جهانی، همه در این راه فعّال شوند، آن کار، عملی است. هر کس که در این زمینه کوتاهی کند، مسلّماً در نظر ملتها، در نظر تاریخ و بالاتر از همه در پیشگاه خداوند متعال مؤاخذ و مسؤول است. همه وظیفه داریم. [2]

---

۱. بیانات در چهارمین کنفرانس حمایت از ملت فلسطین ۱۳۸۷/۱۲/۱۴
۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۱/۰۱/۱۶

وظیفه‌ی مسلمین و همه‌ی انسانها؛ حمایت مالی

البته این یکی از راههای کمک است و راه بسیار مؤثّری است. راههای کمک دیگری هم وجود دارد؛ ملتها کمکهای مالی کنند. همان‌طور که در نماز جمعه به مردم خودمان و دیگر ملتها عرض کردیم، باید کمک کنند. باید از این مردم مظلومی که از وطن خود، از دین خود، از بیت‌المقدّس و از هویّت یک ملت اسلامی دفاع می‌کنند و می‌خواهند تداوم نفوذ استکبار را در این منطقه قطع کنند، دفاع کرد. دولتهایی هم که همسایه‌ی فلسطینند، همچنین نیروهای مردمی و مقاومتها و دیگران، باید دفاع کنند و دفاع هم می‌کنند. هر کس بتواند به آنها کمک کند، باید این کار را بکند؛ این وظیفه‌ی همه است.[1]

همه‌ی ملتها هم می‌توانند در اثرگذاری بر این قضیه تأثیر داشته باشند و در آن شرکت کنند. همه‌ی ملتهای مسلمان می‌توانند کمک کنند. کمک مالی به فلسطینیها، مخصوص به دولتها نیست که فلان دولت بگوید «آقا! من ده میلیون دلار، بیست میلیون دلار، پنجاه میلیون دلار داده‌ام» معلوم هم نیست کجا داده‌اند، چه طوری داده‌اند، به کی داده‌اند. امروز ملت فلسطین محتاج غذاست، محتاج داروست. ملت فلسطین گدا نیست، آقاست، اما زیر سلطه‌ی دشمن است. همه موظّفند به آن کمک کنند. فرض بفرمایید اگر در همه‌ی دنیای اسلام - در کشور ما و کشورهای دیگر - هر فردی از افراد مردم فقط هزار تومان به مردم فلسطین کمک کند، ببینید چه اتّفاقی می‌افتد! یک میلیارد هزار تومان، چه تأثیری در مردم فلسطین و زندگی مردم فلسطین می‌گذارد!

هر خانواده‌ای به عدد افراد خانواده، هر کدام هزار تومان، در این کار خیر سهیم شود - حدّاقلش این است؛ هر کس هم خواست بیشتر بدهد، بیشتر بدهد - و این را به ملت فلسطین برسانند. برایشان آذوقه، دارو، امکانات و هر چه که برای ایستادگی و مقاومت لازم دارند، تهیه کنند و بفرستند. این کار را ملتها می‌توانند بکنند؛ دیگر احتیاج نباشد که فلان دولت بگوید «من فلان قدر می‌دهم». حالا چقدر می‌دهد، چه طور می‌دهد، آیا می‌دهد یا نمی‌دهد؛

---

۱. بیانات در دیدار گروه کثیری از کارگران و معلمان به مناسبت روز کارگر و هفته‌ی معلم ۱۳۸۱/۰۲/۱۱

بعد هم مورد تهدید قدرتی قرار گیرد. ملتها در این جهت سهیم شوند؛ با ملتها چه کار می‌توانند بکنند؟! در کشور ما اگر مردم دوست داشته باشند این کار را بکنند، می‌توانند همین هزار تومانها را در همین مراکز امدادی مثل هلال احمر و کمیته‌ی امداد و این مجامع امدادی که هست جمع کنند. این ثروت هنگفتی می‌شود و می‌تواند کمکی به مردم فلسطین باشد.[1]

وظیفه‌ی همه؛ پاسخ به فریاد کمک خواهی فلسطینیان

دفاع از ملت مظلوم فلسطین و قیام شجاعانه و مظلومانه‌ی آنان، وظیفه‌ی اسلامی همه‌ی ماست. امروز یک ملت مسلمان با چهره‌ی خون‌آلود، از وسط میدان نبرد، امت اسلامی را به یاری می‌طلبد. من فریاد آن زن فلسطینی را که در مقابل دوربین خبرنگار با صدای گرفته‌ی خود فریاد می‌زد: «یا للمسلمین...»، از یاد نمی‌برم.

همه‌ی مسلمانان و اعراب باید از مشروعیت مبارزات مردم فلسطین حمایت کنند. در مجامع بین‌المللی باید این نکته مورد تأکید قرار گیرد که مردم بی‌دفاعی که حقوق آنان سلب شده و تحت اشغال قرار گرفته‌اند، حق دارند برای احقاق حقوق خود مبارزه کنند. لذا استمرار انتفاضه و مقاومت مردم فلسطین حقّ مشروع آنان است و قوانین بین‌المللی نیز آن را محترم شمرده است. هرچند که متأسّفانه این قوانین معمولاً در جهت خواسته‌ی استکبار و قدرتهای جهانی تفسیر می‌شود.[2]

وظیفه‌ی مسلمین

آنچه که امروز حرف و مسأله‌ی ماست، این است: مسأله‌ی فلسطین از لحاظ اسلامی برای همه‌ی مسلمانان – از جمله برای ما – یک مسأله‌ی اساسی و یک فریضه است. همه‌ی علمای شیعه، سنّی، گذشته و قدما، تصریح دارند که اگر بخشی از میهن اسلامی در تصرّف دشمنان اسلام قرار گرفت، این‌جا وظیفه‌ی همه است که دفاع کنند، تا بتوانند سرزمینهای غصب

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۱/۰۱/۱۶
۲. سخنرانی در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین۰۴/ ۰۲/ ۱۳۸۰

شده را برگردانند. هرکس هرطور می‌تواند، به هر کیفیّتی که می‌تواند، در قبال مسأله‌ی فلسطین وظیفه دارد.

اوّلاً از جهت اسلامی وظیفه دارد. زمین، زمین اسلامی است؛ در تصرّف دشمنان اسلام است و باید برگردانده شود.

ثانیاً هشت میلیون مسلمان، بعضی آواره‌اند و بعضی در داخل سرزمینهای اشغالی وضعشان از آواره بدتر است. نه جرأت دارند رفت و آمد معمولی خودشان را بکنند؛ نه اجازه دارند حرف خودشان را بزنند؛ نه اجازه دارند نماینده‌ای در اداره‌ی کشور خودشان داشته باشند؛ در موارد زیادی جلوِ نمازخواندنشان هم گرفته می‌شود. مسجدالاقصی را که قبله‌ی مسلمانان است، تهدید کردند؛ در سالها پیش یک روز آن را آتش زدند؛ بعد هم که به‌اصطلاح به حفّاری آن‌جا پرداخته‌اند و کارهای خلاف انجام می‌دهند و می‌خواهند اصلاً مسجدالاقصی - قبله‌ی مسلمانان - را از شکل اسلامی خارج کنند. از جنبه‌ی اسلامی، همه‌ی اینها برای مسلمان وظیفه‌آور است. هیچ مسلمانی نمی‌تواند شانه‌ی خودش را از زیر بار این وظیفه خالی کند. هر مقدار که می‌تواند، باید به وظیفه‌اش عمل کند. [1]

علاج به دست مسلمانان

علاج واقعی این خطر به دست مسلمین است. آنان می‌توانند با کمکهای حقیقی به مبارزین مسلمان، قیام داخل کشور فلسطین را قویتر و کوبنده‌تر سازند، و نیز می‌توانند به طرق گوناگون نگذارند که دولتهای منطقه به پیروی از خواست و تحمیل امریکا، تن به سازش با اسرائیل دهند. اقدامهای فداکارانه و جوانمردانه‌ی مسلمانان سربلند لبنان، که بارها صهیونیستهای قلدر و حامیانشان را در موضع ضعف و انفعال قرارداده، گواه صادقی است بر این‌که ملتها و جوانان مؤمن قادرند بسیاری از کارهای بزرگ را انجام دهند. [2]

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۱۰/۱۰

۲. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۳۷۰/۰۳/۲۶

وظیفه‌ی مسلمین؛ حمایت و تجهیز مبارزان

این، وظیفه‌ی ماست. این، وظیفه‌ی همه‌ی کشورهای اسلامی است. مسأله‌ی فلسطین، فقط متعلق به عربها و همسایه‌های فلسطین نیست؛ تمام مسلمین عالم در هرجای دنیا که هستند، نسبت به قضیه‌ی فلسطین باید احساس مسؤولیت کنند. کسانی که در داخل و یا از خارج، واقعاً با حکومت غاصب صهیونیستی می‌جنگند - نه مدعیان آزادیخواهی که دستشان در دست امریکا و دشمنان اسلام است - باید از طرف ملت و دولت ما و ملتها و دولتهای مسلمان دیگر، با پول و سلاح و تبلیغات کمک بشوند. هر طوری که امروز ممکن است، باید کمک بشوند. ما چون خودمان با فلسطین همسایه نیستیم تا مبارزه‌ی رویارویی با اشغالگران بکنیم، و دیگرانی که یا همسایه نیستند، یا به هر دلیلی تواناییش را ندارند، باید مبارزان را تجهیز کنند. این، یک وظیفه‌ی شرعی و حتمی برای همه‌ی مسلمانان است. تا این وظیفه انجام نگیرد، مسأله‌ی فلسطین حل نخواهد شد؛ و اگر انجام بگیرد، قطعاً صهیونیستها و پشتیبانانشان شکست خواهند خورد.[1]

افکار عمومی دنیای اسلام هم بداند: امریکا و دولتهای مستکبر نمی‌توانند از موضع دلسوز و خیرخواه و میانجی وارد قضایای کشورهای ما شوند. موضع آنها، موضع دشمنی و حمایت از ظالم و متجاوز است. وظیفه‌ی ما تمام نمی‌شود. این وظیفه، وظیفه‌ای ماندنی و به عهده‌ی همه است. باید ملت مسلمان فلسطین را تجهیز کنند، به او کمک کنند و به او دلگرمی دهند تا بتواند جهاد شجاعانه‌ی خود را دنبال کند. البته به شما بگویم: امروز ملت فلسطین با مقاومت و ایستادگی و شجاعت و خستگی‌ناپذیری خود ثابت کرده است که خون در مقابل شمشیر می‌تواند بایستد و ان‌شاءالله ثابت خواهد کرد که خون بر شمشیر پیروز است.[2]

---

۱. سخنرانی در دیدار گروهی از آزادگان، جمعی از خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان، مسؤولان اجرایی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی و ائمه‌ی جمعه‌ی استانهای کرمانشاه، یزد و چهارمحال و بختیاری، و گروهی از مردم شهرهای گرگان، گنبد، محلات، گتوند، شوشتر، سپیدان، تهران، شیراز و جهرم ۱۳۶۹/۰۸/۰۲

۲. بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۸۰/۰۹/۲۵

کمکهای سیاسی، مالی، بین‌المللی

لذا امروز همه‌ی مسلمانها وظیفه دارند. این وظیفه چیست؟ این وظیفه عبارت است از کمک. کمک چگونه است؟ این البته شکلهای مختلفی دارد؛ کمکهای سیاسی، کمکهای مالی، کمکهای بین‌المللی؛ انواع و اقسام کمکها را می‌شود به آنها کرد. این بایستی در مجامع بالای دنیای اسلام تصمیم‌گیری شود. این باید در بین مسؤولان و مقتدران دنیای اسلام رویش تصمیم‌گیری شود. اگر آنها تصمیم‌گیری نکردند، آن وقت ملتهای مسلمان احساس خواهند کرد که وظیفه‌ی مستقیم متوجّه آنهاست.

کمک مسلمانان به فلسطین؛ عمل به قرآن

اگر مسلمانها به آنها کمک کنند – که این وظیفه‌ی قرآنی همه است– یقیناً این راه کوتاه خواهد شد. اگر مسلمانها هم کمک نکنند، خود آنها مقاومت و ایستادگی کنند، باز هم پیروز خواهند شد؛ منتها پیروزی در حال غربت و تنهایی سخت‌تر است؛ مثل ملت ما که تنها ایستادگی کرد و شرق و غرب با او مخالفت کردند. در جنگ تحمیلی علیه ما، همه‌ی مراکز قدرت علیه ما شدند. ما غریبانه مقاومت کردیم؛ غربت را تحمل کردیم؛ اما از مقاومت دست برنداشتیم و خدای متعال ما را پیروز کرد. ملت فلسطین نیز همین‌طور است. برای رفتنِ در فضای زندگی شایسته‌ی انسان، مبارزه لازم است. وظیفه‌ی همه‌ی مسلمانهاست که در این مبارزه سهیم شوند و به آن قطعه از پیکر اسلامی که در دست دشمن است، یاری برسانند تا بتوانند آن را پس بگیرند. یک مصداق از عمل به قرآن این است. اگر مسلمانها به همین یک قانون و به همین یک دستور عمل کنند، بسیاری از کارها اصلاح خواهد شد.[1]

وظیفه‌ی مسلمین در قبال جنایات اسرائیل

از ملتهای مسلمان در همه‌جای دنیا انتظار می‌رود که ملت فلسطین را فراموش نکنند؛ همیشه در مقابل چشم خود، این ملت را قرار دهند و از حال

۱. سخنرانی در مراسم اختتامیه‌ی مسابقات حفظ و قرائت قرآن کریم ۱۳۷۹/۰۸/۰۹

آن غافل نمانند. نمی‌شود ملتهای مسلمان از حال یک ملت مسلمان غافل بمانند.[1]

هر حرکت تفرقه‌انگیز در دنیای اسلام؛ گناهی تاریخی

امروز هر حرکت تفرقه‌انگیز در دنیای اسلام، گناهی تاریخی است. آنان که عنودانه گروههای عظیمی از مسلمین را به بهانه‌های واهی تکفیر میکنند؛ آنان که با گمانهای باطل، به مقدسات فرقه‌هائی از مسلمین اهانت میکنند؛ آنان که به جوانهای از جان گذشته‌ی لبنان که مایه‌ی سربلندی امت اسلامی شدند، از پشت خنجر میزنند؛ آنان که برای خوشامد امریکا و صهیونیستها از خطر موهومی به نام هلال شیعی سخن می‌گویند؛ آنان که برای شکست دولت مسلمان و مردمی در عراق ناامنی و برادرکشی را دامن می‌زنند؛ آنان که دولت حماس را که محبوب و منتخب ملت فلسطین است از هرسو زیر فشار قرار می‌دهند.. چه بدانند و چه ندانند مجرمانی به شمار می‌روند که تاریخ اسلام و نسلهای آینده از آنان با نفرت یاد خواهند کرد و آنان را مزدوران دشمن غدار خواهند دانست.[2]

لزوم خروش امت اسلامی در مقابل جنایات اسرائیل

امت اسلامی باید به خروش آید و سران اسلامی باید خشم ملتهای خود را به رخ رژیم غاصب بکوبند. دست دولت امریکا نیز به خون ملت مظلوم فلسطین آغشته است. به پشتیبانی آن دولت مستکبر و طغیانگر است که صهیونیستها با گستاخی مرتکب این جنایتهای نابخشودنی می‌شوند. ملتها و دولتهای اسلامی ندای مظلومیت فلسطینیان مظلوم را به سراسر جهان برسانند و وجدانهای خفته را بیدار کنند. آیا ملت امریکا می‌داند که زمامدارانش اینگونه همه‌ی حرمتهای بشری را در پیش پای صهیونیستها قربانی کرده‌اند؟ آیا ملتهای اروپایی باخبرند که تسلط سرمایه‌داران صهیونیست بر کشورهای

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۰/۰۲/۲۸

۲. پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت کنگره‌ی عظیم حج ۱۳۸۵/۱۰/۰۸

آنان کار سیاستمدارانشان را به کجا کشانده است؟[1]

احتیاج امت اسلامی به کمک خواستن از ذات اقدس الهی در برابر تهدیدها

در چنین شرائطی، آنچه که امت اسلامی بیش از همیشه به آن احتیاج دارد، همین توجه به پروردگار، کمک خواستن از ذات اقدس الهی، متصل کردن دل به آن منبع قدرت لایتناهاست. دلی که با قدرت لایتناهای الهی آشنا شد، در مقابل تهدیدها و رعد و برقهای دشمنان از جا در نمی‌رود، مرعوب نمی‌شود، احساس ضعف نمی‌کند، نومید از آینده نمی‌شود. و این راه، راه تجربه شده‌ای است. جمهوری اسلامی سی سال در مقابل دشمنیها و کارشکنیها و خباثتهای دستگاه استکبار با قدرت ایستاد و ملت مسلمان ایران، با همه‌ی همتشان، با همه‌ی اراده‌شان، در عرصه‌های مختلف ایستادند و بحمدالله روزبه‌روز پیش رفتند و این پیشرفت به اذن الهی، به حول و قوه‌ی الهی روزبه‌روز بیشتر خواهد شد و همه‌ی دنیای اسلام ان‌شاءالله روز عزت و شکوه اسلامی را خواهند دید.

هدایتهای الهی را قدر بدانیم، تفضلات الهی را قدر بدانیم، روز عید فطر را قدر بدانیم، این اجتماع عظیم مردم را که دست به دعا برمی‌دارند، رو به قبله می‌کنند، در روز معینی با خدا دلهایشان را متصل می‌کنند و انس می‌یابند، قدر بدانیم. اتحاد خودمان را حفظ کنیم، همت و اراده‌ی خودمان را حفظ کنیم و روزبه‌روز امیدمان را به آینده بیشتر کنیم.[2]

لزوم تکرار کار نمادین اعزام کاروان دریایی به غزه

فلسطین، دیگر نه مسأله‌یی عربی و حتی نه فقط مسأله‌یی اسلامی، بلکه مهمترین مسأله‌ی حقوق بشری جهان معاصر است.

کار نمادین و درخشان اعزام کاروان دریایی به غزه، باید در دهها شکل و

---

۱. پیام رهبر معظم انقلاب خطاب به امت بزرگ اسلام در پی حملات وحشیانه رژیم صهیونیستی ۱۳۸۶/۱۲/۱۲

۲. دیدار مسؤولان نظام با رهبر انقلاب به مناسبت عید فطر ۱۳۸۷/۰۷/۱۱

شیوه‌ی دیگر بارها و بارها تکرار شود. حکومت سفاک صهیونیست و حامیان آن بویژه آمریکا و انگلیس باید قدرتِ شکست‌ناپذیر عزم و بیداریِ وجدان عمومی جهان را در برابر خود ببینند و حس کنند. [۱]

وضعیت فلسطین؛ ضعف جهان اسلام

امروز شما نگاه کنید به وضعیت فلسطین؛ فلسطین یک نمونه است. البته نمونه‌ی بسیار مهمی است، اما فقط مخصوص فلسطین نیست. نگاه کنید به فلسطین، ببینید امت اسلامی یک جراحت بزرگی را در وجود خود دارد و آن، مسأله‌ی ملت بزرگ فلسطین و سرزمین تاریخی و مقدس فلسطین است. چه بر سر این سرزمین آوردند؟ چه بر سر این ملت آوردند؟ چه می‌کنند با این مردم؟ ماجرای غزه مگر قابل فراموش شدن است؟ مگر از ذهن امت اسلامی قابل زدوده شدن است؟ فشارها، بی‌رحمی‌ها، قساوتها و ظلمهایی که همین امروز نسبت به مردم غزه می‌شود، حتّی بعد از آن جنگ بیست و دو روزه که دولت صهیونیست ناکام شد و نتوانست مقاصد خودش را عمل کند، تا امروز همچنان این ظلم بر مردم غزه می‌رود و امت اسلامی نمی‌تواند از آنها دفاع کند. امت اسلامی در مقابل این پدیده آنچنان قرار گرفته است که گویی این مربوط به او نیست، غصب حق او نیست، ظلم به او نیست. ما چرا اینجوری‌ایم؟ چرا امت اسلامی به این وضعیت دچار شده است؟ یک سرطان خطرناک مهلکی به نام دولت جعلی صهیونیستی اسرائیل در این منطقه به دست دشمنان اسلام و دشمنان امت اسلامی به وجود آمده است. حامیانش که در ظلم و گناهان بزرگ او شریک هستند، همچنان از او حمایت می‌کنند و امت اسلامی نمی‌تواند از خودش دفاع کند؛ این ضعف ماست. چرا؟ این ضعف را باید با برگشت به اسلام، با محور قرار دادن تعالیم رسول مکرم اسلام جبران کنیم. [۲]

---

۱. پیام در پی جنایت دریایی رژیم صهیونیستی در حمله به کاروان دریایی آزادی غزه ۱۳۸۹/۰۳/۱۱
۲. بیانات در دیدار به مناسبت ولادت حضرت رسول اعظم(ص) و امام صادق(ع) ۱۳۸۸/۱۲/۱۳

مسؤولیت ملتها در ساختن خاورمیانه‌ی جدید اسلامی

مسأله‌ی غزه مسأله‌ی یک تکه سرزمین نیست؛ مسأله‌ی فلسطین فقط مسأله‌ی جغرافیا نیست؛ مسأله‌ی بشریت است؛ مسأله‌ی انسانیت است. امروز مسأله‌ی فلسطین شاخص میان پایبندی به اصول انسانی و ضدیت با اصول انسانی است. مسأله این قدر اهمیت دارد. آمریکا هم از این معامله زیان خواهد دید بلاشک. این چیزهای تاریخی، ده سال و بیست سال و سی سال در تحولات تاریخی مثل یک لحظه است؛ به‌زودی خواهد گذشت. قطعاً تاریخ آمریکا و آینده‌ی آمریکا مغلوب این حرکتی خواهد شد که در این پنجاه شصت سال اخیر آمریکاییها در رابطه‌ی با مسأله‌ی فلسطین انجام دادند. مسأله‌ی فلسطین مایه‌ی بدنامی آمریکا در طول قرنهای متمادی در آینده خواهد بود. فلسطین آزاد خواهد شد؛ در این هیچ شبهه‌ای نداشته باشید. فلسطین قطعاً آزاد خواهد شد و به مردم بر خواهد گشت و در آنجا دولت فلسطینی تشکیل خواهد شد؛ در اینها هیچ تردیدی نیست؛ اما بدنامی آمریکا و بدنامی غرب برطرف نخواهد شد. اینها همچنان بدنام خواهند بود. شکی نیست که بر اساس حقایقی که خدای متعال تقدیر کرده است، خاورمیانه‌ی جدید شکل خواهد گرفت. این خاورمیانه، خاورمیانه‌ی اسلام خواهد بود؛ کما اینکه مسأله‌ی فلسطین یک مسأله‌ی اسلامی است. همه‌ی ملتها در مقابل فلسطین مسؤولند. همه‌ی دولتها در مقابل فلسطین مسؤول هستند؛ چه دولتهای مسلمان، چه دولتهای غیر مسلمان. هر دولتی که ادعای طرفداری از انسانیت را دارد، مسؤول است؛ منتها وظیفه‌ی مسلمانها وظیفه‌ی سنگین‌تری است. دولتهای اسلامی موظفند و باید به این وظیفه عمل بکنند و هر دولتی که به وظیفه‌ی خود در قضیه‌ی فلسطین عمل نکند، لطمه‌ی آن را خواهد دید؛ چون ملتها بیدار شدند و از دولتها مطالبه می‌کنند و دولتها مجبورند نسبت به این قضیه تن بدهند و تسلیم بشوند. [1]

---

۱. دیدار رهبران گروه‌های جهادی فلسطینی شرکت کننده در افتتاحیه‌ی همایش غزه ۱۳۸۸/۱۲/۰۸

پاسخ به ندای کمک‌خواهی فلسطینیان؛ شرط مسلمانی

در این لحظه‌ی خطیر، مسلمین جهان باید احساس تکلیف کنند؛ باید وظیفه‌یی را که مسلمانی بر دوش آنان نهاده، درک کنند. از سویی تکلیف حفاظت از سرزمینهای اسلامی است، که از ضروریات فقه مسلمین است؛ و از سوی دیگر پاسخ به استغاثه‌ی ملتی مظلوم ... که پیامبرصلی الله علیه وآله فرموده است: هر کس ندای استغاثه‌ی مسلمی را بشنود و پاسخ نگوید، مسلمان نیست.[1] ... و امروز نه یک فرد، که یک ملت صدا به استغاثه برداشته است.[2]

وظیفه‌ی مسلمین: فشارآوردن به دولتها برای کمک به فلسطین

ملتهای مسلمان بدانند که آنان نیز به اندازه‌ی دولتها نزد خدا و نزد تاریخ مسؤولند. شما می‌توانید دولتها را به مقاومت در برابر فشارهای استکباری وادار، و آنان را در این راه کمک کنید؛ و می‌توانید برای دولتهایی که به این وظیفه‌ی حتمی پشت پا می‌زنند، خطری بزرگ بیافرینید.[3]

یک هویت جمعی بین‌المللی زنده‌ی خسته‌نشو، متکی به ایمان قلبی و دینی؛ عامل به چالش کشیدن قدرتها

قدرتهای اقتصادی می‌توانند بحران ایجاد کنند. بحران‌آفرینی، جنگ‌آفرینی و ایجاد نظامهای خشن و قسی‌القلب – مثل اسرائیل – کار اینهاست. باید اینها را به چالش کشید. کی می‌تواند؟ یک هویت جمعی بین‌المللی زنده‌ی خسته‌نشو، متکی به ایمان قلبی و دینی. این است که نمی‌گذارد انسان خسته شود. هر چیز دیگری قابل خسته شدن است، جز ایمان با طراوت دینی. این

---

۱. الکافی، ج۲، ص: ۱۶

۲. پیام به ملتهای مسلمان، علما، نویسندگان، روشنفکران و دانشجویان کشورهای اسلامی، به منظور بسیج نیروهای عظیم کشورهای اسلامی برای مقابله با توطئه‌های خباثت‌آمیز امریکا و اسرائیل در کنفرانس مادرید۱۳۷۰/۰۷/۲۵

۳. همان

می‌تواند آن قدرتها را به چالش بکشد و تعدیل کند و در نهایت آنها را از بین ببرد. ان‌شاءالله در حکومت عدل مهدوی (سلام الله‌علیه) و (عجل‌الله‌تعالی فرجه الشریف) این کارها انجام می‌گیرد؛ منتها ما هم می‌توانیم مقدماتش را انجام دهیم؛ اگر همت و اراده و ایستادگی و تدبیر داشته باشیم. این کارها، هم ایستادگی و شجاعت و قدرت می‌خواهد؛ هم تدبیر و عقل می‌خواهد. اینها کارهایی که دم‌دستی باشد و بشود همین‌طوری تمامش کرد، نیست؛ اما شدنی است و تا الان هم شده است.[1]

شکر نعمت قیام فلسطینیان توسط مسلمین

اگر ما مسلمین، این نعمت را شکر کردیم، باقی خواهد ماند؛ «**لَئِن شَکَرتُم لَاَزیدَنَّکُم**»[2]، اگر به این نعمت کفران ورزیدیم، از دست خواهد رفت. شکر این نعمت به آن است که همه‌ی مسلمین در همه جای عالم، تکلیف شرعی خودشان بدانند که از این مبارزانی که امروز به نام اسلام مبارزه می‌کنند، حمایت نمایند. امروز، هیچ علاجی جز این نیست.

این حمایت، بایستی وسیع و همه‌جانبه باشد. هم حمایت سیاسی، هم حمایت تبلیغاتی، هم حمایت اخلاقی و هم حمایت نظامی لازم است. هرچه ممکن بشود، لازم و تکلیف است. مسلمین دنیا ببینند، کدامیک از انواع این حمایتها را می‌توانند بکنند. هرچه را که دانستند، تکلیف شرعی آنهاست و از آن نباید تخلف بکنند.[3]

---

۱. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان برگزیده و نمایندگان تشکل‌های دانشجویی ۱۳۸۴/۰۷/۲۴

۲. سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی۷

۳. سخنرانی در دیدار شرکت‌کنندگان در اولین کنفرانس اسلامی فلسطین ۱۳۶۹/۰۹/۱۳

فصل سوم
مسؤولیت جمهوری اسلامی و ملت ایران

وظیفه‌ی شرعی ما؛ دفاع از ملتهای مظلوم

ملت ایران، راه روشنی را باز کرد. شما ملت، بن‌بستی را شکستید که همان سلطه‌ی استکبار و استبداد جهانی بر ملتها بود. این را شما شکستید. ملتها دنبال شما حرکت می‌کنند و ما وظیفه داریم از ملتهایی که حرکت می‌کنند، دفاع کنیم و دفاع خواهیم کرد. من وظیفه‌ی شرعی خود می‌دانم که از ملت بوسنی هرزگوین دفاع کنم و دفاع خواهم کرد. تا آن‌جا که بتوانیم این ملت مظلوم را پشتیبانی کنیم، پشتیبانی خواهیم کرد. آنها در خط مقدم قرار گرفته‌اند و دشمن، همه‌ی زور و نیروی خود را بر سرشان فرود آورده است. با تعارفات و حمایتهای زبانی می‌خواهند مسأله را تمام کنند. البته راه ما، متأسفانه بسته است. امکان کمک‌رسانی به‌طور کامل نیست. اما این تصمیم جهانی را قبول نداریم که «دشمنان آنها روزبه‌روز از طرق مختلف مجهزتر شوند.» بعضی گفته‌اند «دشمنان آنها از سوی اسرائیل غاصب حمایت می‌شوند.» ملت ایران، حمایت از آن ملت مظلوم را راه اسلام، و این تکلیف را یک تکلیف اسلامی می‌داند.[1]

---

۱. بیانات در مراسم دیدار قشرهای مختلف مردم ۱۳۷۱/۰۷/۲۹

وظیفه‌ی ملت ایران؛ حمایت مالی

به ملت عزیز خودمان هم عرض می‌کنم، این حماسه‌ی حمایت و فداکاری نسبت به برادران عزیز فلسطینی را - که شما بحمدالله در دنیای اسلام به حمایت آشکار و همه‌جانبه از برادران فلسطینی‌تان سرافراز و برجسته‌اید - قدر بدانید. این بسیار با ارزش است. همه‌ی دنیا می‌دانند که کشور ایران اسلامی عزیز ما، ملت و دولت، آحاد مردم، زن و مرد، نسبت به مسأله‌ی فلسطین علاقه‌مند، حسّاس، عازم و جازمند و اگر بتوانند، کمک می‌کنند. چقدر خوب است که کمکهای مالی مردم متمکّن جمع شود و کسانی که می‌توانند، از لحاظ مالی کمک کنند. اگر از لَحاظ تسلیحات نمی‌توانیم کمک کنیم؛ اگر از لحاظ نیروی انسانی، این امکان وجود ندارد که ملت و جوانان ملت به آن‌جا بروند؛ اما از لحاظ مالی می‌شود به آنها کمک کرد؛ بعضی از دردهایشان را درمان نمود؛ بعضی از زخمهایشان را مرهم گذاشت و دلهای مادران آنها و عزم پدران آنها را تحت تأثیر این محبّتها قرار داد. دیدید نوجوانی را که در آغوش پدرش به قتل رسید؟! این تنها مورد نبود؛ موارد دیگری هم وجود داشته است. عظمت این حرکت آن‌قدر زیاد است که این‌گونه فداکاریها به چشم خود آنها بزرگ نمی‌آید؛ همچنان که در دوران جنگ تحمیلی، شما آن قدر فداکاری کردید که به چشم خودتان نمی‌آمد؛ اما فداکاریهای شما دنیا را خیره کرد. امروز هم ملت فلسطین همین‌طورند؛ به چشم خودشان نمی‌آید، اما دنیا را خیره می‌کند. یک شهادت - مثل شهادت آن نوجوان در آغوش پدرش - توفانی در دلهای ملتهای دنیا برمی‌انگیزد. اینها بسیار ارزشمند است.[1]

بزرگترین وظیفه‌ی ملت و دولت ما

مسأله‌ی فلسطین، مسأله‌ی اول بین‌الملل اسلامی است. امروز که مبارزات ملت فلسطین در زیر پرچم اسلام، خواب از چشم دولت غاصب صهیونیست

۱. سخنرانی در اجتماع بزرگ بسیجیان شرکت کننده در اردوی فرهنگی، رزمی یاران امام علی(ع) ۱۳۷۹/۰۷/۲۹

و حامیانش ربوده است، بزرگترین وظیفه‌ی ملت و دولت ما و همه‌ی ملتها و دولتهای مسلمان، حمایت از این مبارزات است. غده‌ی سرطانی اسرائیل را تنها از طریق همین مبارزات می‌توان ریشه‌کن ساخت و جهان اسلام را از خطرات مهلک آن نجات داد.[1]

۱. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۶۹/۰۳/۱۰

فصل چهارم
روز قدس

فایده‌ی اعتراضات مردمی به جنایات اسرائیل

البته ملت عزیز ما، همیشه مواضع خودش را اعلام کرده است. کسانی نگویند که «چه فایده‌ای دارد؟!» اعلام این مواضع، مهمترین فشار را برگرده‌ی غاصب در هر نقطه‌ای از دنیا که باشد وارد می‌آورد. اگر ملتها در کشورهای خودشان، در برابر چنین حادثه‌ای قیام کنند، راهپیمایی کنند و مشتها را گره نمایند، فضا را بر جنایتکاران تنگ خواهند کرد. در همه‌ی قضایا چنین است. علیه امریکا هم چنین است... ملتها باید حضور خودشان را اعلام کنند. اعلامِ حضورِ ملّتها، در فضای بین‌المللی و سیاست جهانی بسیار اثر دارد. [1]

زنده‌نگه‌داشتن روز قدس

امروز ملت ایران کاری که می‌تواند بکند – که از همه‌ی کارها هم مهمتر است، تظاهرات – مثل همین تظاهرات امروز – است. این کار بسیار مهمّی است. از هدفهای اینها این است که نام فلسطین را به دست فراموشی بسپارند. کاری کنند که اصلاً فراموش شود که چنین چیزی وجود داشت؛ اما شما

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۲۱ رمضان ۱۴۱۴ – ۱۳۷۲/۱۲/۱۳

نمی‌گذارید؛ روز قدس نمی‌گذارد؛ امام بزرگوار ما با تدبیر خودش نگذاشت. این کار بزرگی بود. از جنبه‌ی انسانی هم مظلومیت خانواده‌های فلسطینی برای هر انسانی وظیفه‌آور است؛ مظلومیت مردمی که در داخل فلسطینند، که بعضی از فیلمها و نوارهایش را شما همین روزها دیدید که چقدر اینها نسبت به مردم فلسطین ظالمانه رفتار می‌کنند و عجیب این است که این سازمانهای حقوق بشر هم مرده‌اند! این امریکاییها و بعضی از این غربیها و اینهایی که ادّعا می‌کنند رسالت گسترش دمکراسی را در دنیا دارند، در این قضیه آبروی خودشان را بردند؛ به‌خاطر این‌که ملتی الان وجود دارد که در هیچ شأنی از شؤون کشور و وطن خودش، قدرت تأثیرگذاری ندارد و حرفش در هیچ جا خوانده نمی‌شود؛ و آن ملت فلسطین است. از نظر انسانی، مردمی مظلوم؛ از آن طرف در مقابلشان حکومتی نژادپرست با آن همه ظلم؛ و این هم دروغ بزرگی که امریکا و سازمانهای جهانی و متفکّران به اصطلاح غربی در ادّعایی از دمکراسی می‌گویند![1]

اثر بزرگداشت روز جهانی قدس

امام خمینی(ره) با اعلام چنین روزی[روز جهانی قدس]، مسأله‌ی فلسطین را در وجدانهای بشری بیدار نگهداشت و همه‌ی فریادها را علیه صهیونیسم متمرکز ساخت و ما هر سال شاهد استقبال فراوان و گسترده‌ی مسلمانان در این مراسم هستیم.[2]

وظیفه‌ی ملتها در روز قدس

حالا در این قضیه‌ی با این سه نقطه‌ی اساسی و حساس[جنایات کم نظیر اسرائیل، استقامت جانانه‌ی مردم فلسطین و سکوت مجامع بین‌المللی و دولتها]، ملتها چه‌کار می‌توانند بکنند؟ می‌توانند روز قدس به خیابانها بیایند و شعار بدهند؛ مشتهایشان را گره کنند و به آن ملت مبارزِ مجاهدِ پراستقامت

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۱۰/۱۰

۲. پیام به مناسبت روز قدس ۱۳۷۹/۰۹/۲۹

نشان بدهند که ما طرفدار شما هستیم. اگرچه دولتهای ما نمی‌گذارند یا نمی‌توانند به شما کمکی بکنند، بدانید دلهای ما با شماست. این آنها را دلگرم خواهد کرد؛ کمک بزرگی است.[1]

روز قدس؛ عامل شکست دشمن غاصب

جمعه‌ی آینده روز قدس است. اگر ان‌شاءالله دنیای اسلام این روز را به معنای درست کلمه گرامی بدارد و برای فریاد کشیدن بر سرصهیونیستهای غاصب، مغتنم بشمارد، به میزان زیادی دشمن را شکست خواهد داد وبه عقب نشینی وادار خواهد کرد. شما ملت ایران، ان‌شاءالله با حضور خود نشان خواهید داد که استفاده از روز قدس و فرصت اعلام موضع در قضیه‌ی فلسطین، یعنی چه. ملت ایران، بحمدالله در این زمینه خوب عمل کرد. دولت هم خوب عمل کرد. وزارت خارجه هم خوب عمل کرد. یعنی وقت را تلف نکردند و حرفها را زدند. مظلومین فلسطینی فهمیدند که کسانی در اطراف دنیا هستند که نسبت به قضیه‌ی آنها حساسند. باید این حساسیت ثابت شود. باید فشار روی اسرائیل بیشتر شود. باید فلسطینیها، خودشان مسؤولیت زنده‌کردن مسأله‌ی فلسطین را جدّاً بر عهده گیرند و مجاهدت کنند. اگر چه مجاهدت سخت است، اما زندگی در زیر فشار صهیونیستها، سختی و دشواری‌اش از مجاهدت کردن بیشتر است. اگر مجاهدت کنند، آینده برایشان خوب خواهد بود. اما این‌گونه زندگی کردن، روزبه‌روز سختیها را بیشتر خواهد کرد. البته امروز در سرزمینهای اشغالی و در فلسطین اشغالی، ملت مسلمان بیدار شده است؛ اما باید مبارزات در داخل فلسطین، عمومی، همه‌گیر، پیگیر، متّصل به خارج و متّصل به اعماق امّت اسلامی گردد و امّتها و ملتهای مسلمان سراسر دنیا به آنها کمک کنند.[2]

اما ملت فلسطین بی‌شک عبرت لازم را از آن خواهد گرفت امروز یک بار دیگر این حقیقت تلخ برای آن ملت مظلوم آشکار شد که در خانه‌ی

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۳/۰۸/۱۵

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۲۱ رمضان ۱۴۱۴ – ۱۳۷۲/۱۲/۱۳

خود مجبور است مبارزه کند تا بتواند در آن زندگی کند. آشکار شد که صهیونیستها علی‌رغم اظهارات نزاکت آمیز بعضی از سرانشان همان وحشیهای نژادپرست و متعصب پنجاه سال قبلند و اگر اندک فرصتی یا بهانه‌یی پیدا کنند شقاوت‌آمیزترین ضربات را بر مسلمانان صاحبخانه وارد خواهند کرد. بر دیرباورترین افراد فلسطینی نیز ثابت شد که رژیمهای استکباری که این همه دم از امنیت صهیونیستها می‌زنند، کمترین اهمیتی به امنیت مسلمانان فلسطینی نمی‌دهند وگرنه ارتش اسرائیل جرأت نمی‌کرد صفوف مقدس نمازگزاران را چنین قتل عام کند. فلسطینیها با مسلح شدن و ضربه زدن به منافع دولت غاصب است که می‌توانند حق حیات و حق زندگانی در خانه‌ی خود را به دست آورند. این است عبرت حادثه‌ی صبح جمعه‌ی الخلیل.[1]

تأثیر اعلام حمایتها از مبارزین

آن کسانی که در داخل سرزمینهای اشغالی، مظلومانه مبارزه می‌کنند و رنج می‌برند و کتکش را می‌خورند - که تنها امید برای آزادی فلسطین و محو دولت غاصب نیز همان مبارزان داخلی هستند - باید احساس کنند و بدانند که در سرتاسر دنیای اسلام، ملتها به یاد آنها هستند و از آنها پشتیبانی می‌کنند. اگر بخواهیم در آن مبارزان مظلومی که در خانه‌ی خودشان غریب هستند، این احساس پیدا بشود، باید همین‌گونه تظاهرات مردمی در دنیای اسلام به وجود بیاید. این ابتکار روز قدس از سوی امام بزرگ و رهبر عظیم‌القدر ما(رضوان‌الله‌تعالی‌علیه)، با توجه به همین معنا بود؛ والّا معلوم است مردمی که در خیابانهای تهران راه می‌روند، از این‌جا به وسیله‌ی اسلحه با اسرائیل نمی‌جنگند.

امروز برای اسرائیل و حامیانش و بخصوص امریکا، اسلحه‌ی مشت شما که گره می‌شود و شعاری که می‌دهید، از هر سلاح دیگری کوبنده‌تر است. آنان برای مقابله‌ی با سلاحهای دیگر، وسیله دارند. دیدیم که کشورهای

---

۱. پیام به مناسبت حمله‌ی وحشیانه‌ی صهیونیستها به صفوف مسلمانان روزه‌دار فلسطینی۰۶/ ۱۲/ ۱۳۷۲

عربی در طی چند جنگ، این قدرت را پیدا نکردند که با سلاح با اسرائیل بجنگند و او را شکست بدهند. هر دفعه، یا او کاملاً غالب شد، یا بالاخره پیش برد؛ ولو در وهله‌ی اول جنگ هم غالب نشده باشد.

کشورهای عربی اطراف اسرائیل، برای آن‌که این کشور در بُرد تیر آنها قرار بگیرد، هرچه سلاح داشته باشند، باز قدرتهایی که این غده را در دل دنیای اسلام کاشتند، او را دو یا چند برابر مسلح خواهند کرد؛ بنایشان بر این است. آن چیزی که جواب ندارد و آن سلاحی که امریکا و شوروی و دیگر حامیان اسرائیل نمی‌توانند در مقابل آن، سلاح برابر و مشابهی به میدان بیاورند، سلاح اراده و خواست ملتهاست.

سیاستمداران عالم باید بدانند که دنیای اسلام اجازه نداده است و نمی‌دهد. باید بدانند که ما حضور دشمن غاصب را در خانه‌ی خودمان فراموش نکرده‌ایم. این‌طور نیست که صهیونیستها دایماً بتوانند دنیای اسلام را در مقابل عمل انجام شده قرار بدهند. نخیر، ملتها بیدارند.[1]

مبارزه‌ی حامیان اسرائیل با روز قدس

مبارزه‌یی که از طرف حامیان رسمی اسرائیل و همپیمانان آنها - که حامیان غیررسمی اسرائیلند - با روز قدس شد، یک مبارزه‌ی تماشایی است. برای روز قدس رقیب درست کردند و سعی نمودند که این روز را از یادها ببرند. ما در هیچ جای دنیای اسلام ندیده‌ایم که قدرتهای جهانی اجازه بدهند، دولتهای محلی مردم را به این حرکت و راهپیمایی وادار کنند. متأسفانه سیاست قدرتهای گردن‌کلفت دنیا، در بسیاری از کشورهای اسلامی، دارای نفوذ است. این از بدبختیهای مسلمین و دنیای اسلام است. چرا نباید در روز قدس، دولتهای کشورهای اسلامی، مردم را به راهپیمایی در خیابانها تشویق کنند؟ مگر چه چیزی از آنها کم می‌شود؟ اگر با آرمان فلسطین همراه و موافقند، چرا اجازه نمی‌دهند؟[2]

---

۱. خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۶۹/۰۲/۰۷
۲. همان

روز قدس؛ بیداری لیلةالقدر امروز تاریخ اسلام تا مطلع‌الفجر نجات

اکنون، جمعه‌ی آخر ماه مبارک رمضان که از سوی امام راحل عظیم ما (رضوان‌الله‌علیه) روز قدس نامیده شده، در پیش روی ماست و در این ماه رمضان کاملاً مجاور لیالی قدر، باید همان‌طور که شب قدر را تا صبح به بیداری می‌گذرانیم و با دعا و تضرع خود به درگاه الهی، می‌خواهیم که آینده‌ی مطلوب برای ما رقم زده شود، روز قدس را و همه‌ی این ایام حساس را که **لیلةالقدر** تاریخ اسلام است، به بیداری و هشیاری بگذرانیم و تا مطلع الفجرِ نجات ملتهای مسلمان و مخصوصاً ملت شجاع و مظلوم فلسطین، دست از تلاش نکشیم.

این‌جانب امیدوارم ملت بزرگ ما در این روز قدس نیز مانند همیشه با حضور یکپارچه‌ی خود در خیابانها و راهپیمایی تا محل نمازهای جمعه، فریاد رسا و غریو رعدگون خود را به گوش جهانیان برساند و تکرار کند که امت امام خمینی عظیم، همواره در کنار فلسطین و خصم دشمنان آن خواهد بود.[1]

تشکّر از ملت ایران به‌خاطر بزرگداشت روز قدس

مردم دنیا و ملتهای مسلمان از مبارزان مظلوم فلسطینی پشتیبانی کردند. ملت عزیز ما با همه‌ی فریاد خود، پشتیبانی خویش را از حرکت مردم فلسطین نشان داد. من لازم است از همّت شما مردم عزیز که در راهپیمایی عظیم روز قدس و اجتماع پُرشکوه نماز جمعه، با شکوه و عظمت فراوانی متجلّی شد، با همه‌ی وجود تشکّر کنم.

ملت عزیز ما مثل همیشه به کشور خود، به تاریخ خود و به مسؤولان کشور آبرو داد. امسال در همه‌ی دنیای اسلام، روز قدس با کیفیّت ویژه‌ای برگزار شد؛ همچنان که پیش‌بینی می‌شد این‌طور بشود؛ و این به خاطر حقّانیت فریاد مظلومانه‌ی ملت فلسطین است. امیدواریم که دولتها هم با ملتهای خودشان همین‌طور همکاری کنند و ملت فلسطین را کمک نمایند. آن

۱. پیام به مناسبت روز جهانی قدس ۱۳۶۹/۰۱/۲۴

مردم مظلوم و مقهور و محاصره‌شده به وسیله‌ی سنگدل‌ترین و سبع‌خوترینِ دشمنان، احتیاج به کمک دارند. هم ملت ما، هم دولت ما، هم ملتها و دولتهای مسلمانِ دیگر وظیفه دارند تا آن‌جا که می‌توانند، به این ملت مظلوم کمک کنند. این یک وظیفه‌ی دینی و انسانی و خردمندانه است که عقل به آن حکم می‌کند و یک وظیفه‌ی تاریخی است که تاریخ درباره‌ی آن قضاوت خواهد کرد.[۱]

باید از دو پدیده‌ی ستایش‌برانگیز ملت ایران سپاسگزاری و قدردانی کنم:

اول، حضور عظیم مردم به مناسبت روز قدس در جمعه‌ی آخر ماه مبارک رمضان است. این صحنه، برای دوستان در سرتاسر عالم فرح‌انگیز و امیدوارکننده بود و مبارزان فلسطینی را شاد کرد و دلهایشان را قرص نمود. برای دشمنان هم کوبنده بود؛ چه آن دشمنانی که مایلند مسأله‌ی فلسطین از ذهن ملتها بکلی محو بشود و مسلمانان یادشان برود که اساساً چنین مسأله‌ی مهمی وجود داشته و دارد، و چه آن دشمنانی که مایلند ملت ایران به جای پرداختن به مسائل اساسی اسلامی و انقلابی، به مسائل حقیر سرگرم باشد، درگیر اختلافات و مسائل شخصی باشد. این ملت زنده و در صحنه و هوشیارِ در وقت لازم، در هر شرایطی حرکت لازم را انجام می‌دهد.[۲]

من باید از ملت عزیز خودمان و برخی ملتهای دیگر که در جمعه‌ی آخر ماه مبارک رمضان – که روز جهانی قدس است – با حضور خود مسأله‌ی قدس را در فضای جهان بار دیگر زنده کردند، تشکر بکنم؛ اگرچه مسأله‌ی قدس همیشه زنده است.[۳]

همچنین لازم میدانم در این مناسبت، علی‌العجاله از مردم عزیزمان که در روز جمعه در راهپیمائی روز قدس، شکوهی را از خودشان نشان دادند و عظمتی را تجسم بخشیدند، صمیمانه قدردانی و سپاسگزاری کنم. حقاً و انصافاً امسال روز قدس یک نماد بود از حضور ملت ایران و انگیزه‌ی ملت

۱. بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۷۹/۱۰/۰۷
۲. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حضرت رضا(ع) ۲۹/ ۰۱/ ۱۳۷۰
۳. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۳۸۴/۱۰/۱۹

ایران؛ همان چیزی که امید را در فضای منطقه می‌پراکند و ملتها را وادار به استقامت میکند.[1]

لازم می‌دانم از ملت شریف و عزیزمان به خاطر حضور ارزشمند و باشکوه در راهپیمائی روز قدس تشکر و تقدیر کنم. من قابل نیستم که بخواهم از این ملت بزرگ تقدیر یا تشکر کنم؛ صاحب چیزی هم نیستم؛ متعلق به خود مردم است؛ برای خودشان کردند و درست قدم برداشتند. ما لازم است خدا را شکر کنیم، به خاطر این بصیرت عمومی، این همت عمومی، این انگیزه‌ی گسترده‌ی در دلهای زن و مرد مسلمان. امسال روز قدس، روز بسیار پرشکوهی بود. حوادثی که در منطقه اتفاق افتاده است، موجب شد برخی ملتهای مسلمانِ دیگر هم امسال بیش از سالهای گذشته در این آزمایش بزرگ، در این حرکت عظیم ضد استکباری همراهی کنند. امیدواریم خداوند متعال شرّ وجود صهیونیستهای ظالم و خونخوار را از سر فلسطینیان و از سر منطقه کم و کوتاه کند.[2]

شرکت در راهپیمائی روز قدس، در سرما و گرما؛ دلیل اعتماد مردم به نظام جمهوری اسلامی

کمتر کشوری در دنیا وجود دارد که اعتمادی را که مردم ایران نسبت به نظام جمهوری اسلامی دارند، نسبت به نظام حکومتی خود داشته باشند. دلیل این اعتماد هم همین پدیده‌های روشنی است که جلوی چشم همه است. باز یک عده‌ای اینها را نمی‌بینند، هی دم از بی‌اعتمادی مردم میزنند؛ نخیر، مردم به نظام اعتماد دارند. یک دلیل، همین انتخابات دو سال قبل است که بیش از هشتاد درصد از مردمی که حق رأی داشتند و قادر به رأی دادن بودند، در انتخابات شرکت کردند. کجای دنیا چنین چیزی هست؟ یک نمونه، همین دو راهپیمائی‌ای است که ما هر سال داریم؛ راهپیمائی بیست و دوی بهمن و راهپیمائی روز قدس. این راهپیمائی‌ها مربوط به نظام است؛ مربوط به

۱. بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت بیست و هفتم رمضان‌المبارک ۱۴۳۲ ۱۳۹۰/۰۶/۰۶

۲. خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۹۰/۰۶/۹

هیچ دولتی، مربوط به هیچ جریان خاصی نیست؛ مال نظام است. شما ببینید مردم در این حرکت عظیم چه میکنند؛ در سرمای بیست و دوی بهمن، در ماه رمضان با دهان روزه؛ چه اوقاتی که هوا سرد بود، چه حالا که هوا گرم است. ان‌شاءالله خواهید دید روز قدس باز مردم چه عظمتی را از خودشان نشان میدهند. این نشان دهنده‌ی علاقه‌مندی و دلبستگی مردم به نظام است. اعتماد به نظام، از این بهتر و روشن‌تر نمیشود. این حضور، حضور بسیار پرمعنائی است.[1]

روز قدس؛ عامل فشار ملّتها

و اما من به شما عرض می‌کنم: عزیزان من! ملت عزیز ایران! و به همه‌ی ملتهای مسلمان هم عرض می‌کنم: عاملی که می‌تواند در این زمینه – مثل همه‌ی زمینه‌های دیگر – تعیین‌کننده باشد، تصمیم ملتها و افکار عمومی است. ملتها هستند که با فشارِ خواست و مطالبه‌ی خود می‌توانند دولتها را به این حرکت وادار کنند. روز قدس در پیش است. امسال روز قدس، ملتهای مسلمان باید نشان دهند که نسبت به رژیم صهیونیستی و حامیانش خشمگینند و هر کس در این زمینه بی‌تفاوت باشد و هر سیاستی که در آن جهت باشد، با او خشمگینند و خشمگین برخورد خواهند کرد.[2]

روز شریف قدس؛ یادگار فراموش‌نشدنی امام بزرگوار

من مطمئنم ان‌شاءالله امسال هم روز شریف قدس، که یادگار فراموش‌نشدنی امام بزرگوار ماست، پُرشورتر و وسیعتر از همیشه – همچنان که پارسال هم پُرشورتر از سالهای قبل بود – انجام خواهد گرفت و دنیای اسلام موضع خود را در مقابل صهیونیسم غاصب، روشن خواهد کرد و صهیونیستها روزبه‌روز نفسهایشان بیشتر به شماره خواهد افتاد. این قدرتمندیها، دلیل

۱. بیانات در دیدار مسؤولان نظام جمهوری اسلامی ایران ششم رمضان‌المبارک ۱۴۳۲ ۱۳۹۰/۰۵/۱۶

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی ۲۱ رمضان ۱۶/ ۰۹/ ۱۳۸۰

قدرت واقعی نیست. دولت غاصب، روزبه‌روز و بتدریج به پایان عمرِ ناشی از استبداد و زورگویی خود نزدیک می‌شود و ان‌شاءالله دنیای اسلام روزی را خواهد دید که فلسطین به دست ملتِ فلسطین اداره شود.[1]

دست قدرت الهی؛ عامل جذب دلها برای شرکت در راهپیمایی روز قدس

بعد نوبت می‌رسد به حضور سیاسی مردم در روز قدس. باز انسان دست قدرت الهی را مشاهده میکند که اینطور دلهای مردم را جذب میکند و می‌آورد توی آن هوای گرم، با دهان روزه، وسط خیابانها؛ وفاداری خودشان را به انقلاب، به آرمانهای انقلاب نشان می‌دهند، فریاد می‌کنند؛ پیرمرد می‌آید، بچه‌ی کوچک می‌آید، زنها می‌آیند، مردها می‌آیند.

...البته ما اشتباه می‌کنیم؛ گاهی نمی‌فهمیم این تفضل الهی را، نمی‌بینیم دست عطوفت الهی را در قضایای مختلف که بر سر ما گذاشته میشود. گاهی هم از این جهت اشتباه می‌کنیم که خیال می‌کنیم مائیم که داریم این کارها را می‌کنیم ، در حالی که ما نیستیم؛ «**لَوْ أَنْفَقْتَ ما فِی الْأَرْضِ جَمیعاً ما أَلَّفْتَ بَیْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لکِنَّ الله أَلَّفَ بَیْنَهُم**».[2] «**قلبُ المُؤمِنِ بَینَ اِصبَعَی الرَّحمن**».[3] کی این مؤمنین را میکِشد می‌آورد توی این میدانها، اینجور اینها را متوجه به خدا می‌کند؟ جز دست الهی، جز قدرت الهی، چیز دیگری نیست. اینهاست که ما را امیدوار می‌کند.

من نمی‌خواهم فقط شرح ماوقع را عرض کنم – که خب، این ماوقع را همه داریم می‌بینیم – من می‌خواهم این استنتاج را بکنم: «**هُوَالَّذی أَیَّدَکَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنین**»؛[4] خدای متعال تأیید خودش را در کنار نصرت به وسیله‌ی مؤمنین می‌گذارد، که علی‌الظاهر مراد در اینجا نصرت‌های معنوی است؛ مثل همان «**أَنِّی مُمِدُّکُمْ بِأَلْفٍ مِنَ الْمَلائِکَةِ مُرْدِفین**»[5] و امثال اینها. «**هوَ الَّذی أَیَّدَکَ بِنَصْرِهِ**

1. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی ۲۱ رمضان ۱۳۸۰/۰۹/۱۶
2. سوره‌ی أنفال، آیه‌ی۶۳
3. بحار الأنوار، ج۶۷، ص: ۳ (با اندکی تفاوت)
4. سوره‌ی انفال، آیه‌ی۶۲
5. سوره‌ی انفال، آیه‌ی۹

وَ بِالْمُؤْمِنین»؛ مؤمنین هستند که موجب نصرت می‌شوند؛ مؤمنین هستند که نظام را پابرجا نگه می‌دارند؛ مؤمنین هستند که در میدانهای مختلف، جاده را صاف می‌کنند تا نظام اسلامی بتواند کارهای بزرگی را انجام دهد. ما اینها را «إِنَّما أُوتیتُهُ عَلی عِلْمٍ عِنْدی»[1] نباید تصور کنیم؛ خیال نکنیم ما هستیم داریم می‌کنیم؛ اینها را خداً دارد میکند. این نکته‌ی اول؛ که به نظر من مردم ما به توفیق الهی، به لطف پروردگار، مردم خوبی هستند؛ خوبی‌شان هم به وفاداری آنها به ایمان است، به رسوخ ایمان در دلهاست.[2]

روز قدس؛ روز آزمایش بزرگ ملتهای مسلمان

و اما مسأله‌ی فلسطین و روز قدس. روز قدس نزدیک است. روز قدس، روز آزمایش بزرگ ملتهای مسلمان است. روز قدس، آن روزی است که ملتهای مسلمان بی‌واسطه‌ی مقامات رسمی حرفشان را در دنیا مطرح می‌کنند. امسال هم روز قدس اهمیت مضاعفی دارد؛ هم به خاطر حادثه‌ی غزه –که واقعاً عقب‌نشینی از غزه یک شکست بزرگ صهیونیستها بود – هم به‌خاطر توطئه‌یی که بعد از شکست غزه و برای جبران آن شکست، از سوی امریکاییها و صهیونیستها و بعضی از هم‌پیمانان‌شان در جریان است. یعنی عادی‌سازی رابطه‌ی زشت با رژیم صهیونیستی در میان برخی از دولتهای اسلامی و برخی از دولتهای منطقه، که نباید زیر بار بروند.[3]

نقش روز قدس در حفظ یاد فلسطین

اولین مطلبی که در خطبه‌ی دوم باید عرض کنم، سپاس فراوان از ملت ایران به خاطر راهپیمائی روز قدس است. حقیقتا باید گفت: درود بر ملت ایران! عظمت ملی خود را، عظمت جایگاه اسلامی خود را، عزت خود را به دنیا نشان دادید. نقش این راهپیمائیها بسیار زیاد است. استعمارگران از

---

۱. سوره‌ی قصص، آیه‌ی ۷۸

۲. بیانات در دیدار اعضاء مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۰/۰۶/۱۷

۳. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۴/۰۷/۲۹

وقتی فلسطین را اشغال کردند، هدفشان این بود که نام و یاد فلسطین را به فراموشی بسپرند؛ اصلاً مردم دنیا و نسلهای بعدی فراموش کنند که روزی یک سرزمینی در دنیا بوده است، یک کشوری بوده است به اسم فلسطین؛ هدفشان این بود. بعد که نتوانستند و این قیام عظیم ملت فلسطین – چه در انتفاضه‌ی اول و چه در انتفاضه‌ی مسجدالأقصی – بار دیگر این شعله را در دنیا برافروخته کرد و دلهای ملتها و آحاد مردم و منصفان عالم را به خود متوجه کرد، راه علاج را این دانستند که مجموعه‌ی عرب فلسطینی را در گوشه‌ای از این سرزمین، در واقع زندانی کنند؛ محصور کنند و کشور آباد پرنعمت فلسطین و منطقه‌ی حساس فلسطین را به طور خالص در اختیار صهیونیستها و با هویت صهیونیستی نگه دارند و عربها را به طرف غزه و ساحل غربی برانند.[1]

همه‌گیرشدن گرامیداشت روز قدس در جهان

یک مطلب درباره‌ی روز قدس امسال است که این حرکت عظیم در دنیای اسلام روز به روز جا افتاده‌تر شده است و گسترش بیشتری پیدا کرده است. امسال دنیای اسلام شاهد تظاهرات بخشهائی از اغلب ملتهای مسلمان بود؛ از شرق دنیای اسلام یعنی از اندونزی، تا غرب دنیای اسلام یعنی آفریقا و نیجریه. در کشورهای مسلمان هرجا به آحاد مردم اجازه داده شد که بتوانند نیت و اراده‌ی خود را در روز قدس نشان دهند، مجموعه‌هائی از مردم آمدند و نشان دادند که نسبت به مسأله‌ی قدس چه احساساتی دارند. حتّی مسلمانانی که در اروپا زندگی می‌کردند، اقلیتهائی که زیر فشارهای عصبیت دولتها و مؤسسات اروپائی قرار دارند، آنها هم روز قدس را گرامی داشتند. این نشانه‌ی این است که مسأله‌ی فلسطین علی‌رغم آنچه که غاصبان فلسطین و حامیان آنها می‌خواستند، روز به روز در دنیای اسلام زنده‌تر می‌شود. آنها نیتشان این بود که نام فلسطین را از خاطره‌ی ملتهای مسلمان پاک کنند. اراده‌ی آنها این بود، هدف آنها این بود که نقشه‌ی فلسطین و ملتی

۱. خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۸۶/۰۷/۲۱

به نام فلسطین را بکلی از جغرافیای دنیای اسلام حذف و محو کنند. همه‌ی تلاش خودشان را هم در طول این شصت سالِ تمام که از این فاجعه‌ی بزرگ می‌گذرد، بر این کار متمرکز کردند؛ اما آنچه واقع شده است، عکس آن چیزی است که آنها می‌خواستند و دنبال آن بودند. امروز دنیای اسلام نسبت به مسأله‌ی فلسطین بسیار حساستر و بسیار پرانگیزه‌تر است. علت این است که دنیای اسلام بیدار شده است. اگر این بیداری در سال ۱۹۴۸ میلادی – یعنی ۱۳۲۷ هجری شمسی – که فلسطین به طور رسمی غصب شد و در اختیار صهیونیستها قرار گرفت، وجود می‌داشت، قطعاً واقعیتها جور دیگری می‌بود و این حادثه‌ی تلخ دنیای اسلام و این جراحت عمیق بر پیکر امت اسلامی واقع نمی‌شد. امروز مسلمانها بیدارند، متوجه‌اند، روز به روز هم به توفیق پروردگار بیدارتر خواهند شد. و من لازم است عرض بکنم یکی از مهمترین عوامل این حمایت و گسترش جهانی، ایستادگی و مقاومت ملت شجاع فلسطین است. ما به ملت فلسطین درود می‌فرستیم. این ملت حقاً و انصافاً اثبات کرده است که لایق نام مسلمانی و لایق نام یک ملت زنده است. ما از همین جا در مقابل شما جمعیت مسلمان به مردم فلسطین و به دولت قانونی فلسطین و به برادر مجاهدمان آقای هنیه می‌گوئیم: بدانید که ملت ایران شما را تنها نگذاشته است و تنها نخواهد گذاشت. [1]

روز قدس؛ عامل زنده‌ماندن نام فلسطین

هفته‌ی آینده ـ جمعه ـ روز قدس است. این یکی از برجسته‌ترین یادگارهای امام عزیز ماست؛ نشانه‌ی دلبستگی انقلاب و دلبستگی ملت ما به ماجرای قدس شریف و ماجرای فلسطین است. به برکت روز قدس، این نام را ما توانستیم هر سال در دنیا زنده نگه داریم. خیلی از حکومتها و خیلی از سیاستها می‌خواستند، مایل بودند، تلاش کردند، پول خرج کردند که مسأله‌ی فلسطین فراموش شود. اگر تلاش جمهوری اسلامی نبود، اگر ایستادگی جمهوری اسلامی با تمام قوا در مقابله‌ی این سیاست خباثت‌آلود نبود، بعید

۱. خطبه‌های نماز عید سعید فطر، اول شوال ۱۴۲۹ – ۱۳۸۷/۰۷/۱۰

نبود که بتوانند مسأله‌ی فلسطین را بتدریج به زاویه بکشانند؛ اصلا فراموش کنند. الان هم خود دستگاه استکبار و خود صهیونیستهای خبیث معترفند، معتقدند و ناراحتند از اینکه جمهوری اسلامی پرچم فلسطین را برافراشته است و نمی‌گذارد که با سازشکاریهائی که می‌خواهند انجام بدهند، مسأله‌ی فلسطین را از دور خارج کنند. روز قدس، روز زنده کردن این یاد و این نام است. امسال هم به توفیق الهی، به هدایت الهی، ملت عظیم ما در تهران و در همه‌ی شهرستانها روز قدس را گرامی خواهند داشت، راهپیمائی خواهند کرد. در کشورهای دیگر هم بسیاری از مسلمانان در روز قدس از ملت ایران تبعیت می‌کنند. روز قدس، روز متعلق به مسأله‌ی قدس است و ضمنا مظهر وحدت ملت ایران است. مراقب باشید در روز قدس کسانی نخواهند از این اجتماعات برای ایجاد تفرقه استفاده کنند. از تفرقه باید ترسید. با تفرقه باید مقابله و معارضه کرد. تفرقه نباید به وجود بیاید. آن وقتی ملت ایران می‌تواند پرچم قدس را با افتخار بلند کند که یکپارچه باشد. در طول این سالها سعی کردند این را هم به هم بزنند، اما بحمدالله نتوانستند؛ ان‌شاءالله بعداً هم نخواهند توانست.[1]

روز قدس؛ نماد صف‌بندی حق در مقابل باطل

در خطبه‌ی دوم، اولین مطلبی که وظیفه‌ی خود می‌دانم عرض بکنم، عرض سپاس و قدردانی است از ملت عظیم‌الشأن ایران به خاطر نمایش عظمتی که در روز قدس در برابر چشم جهانیان قرار دادند. چقدر سعی کرده‌اند در طول این سالها که روز قدس را که نماد صف‌بندی حق در مقابل باطل است، تضعیف کنند. روز قدس نشان‌دهنده‌ی صف‌بندی حق و باطل، صف‌بندی عدل در مقابل ظلم است. روز قدس فقط روز فلسطین نیست؛ روز امت اسلامی است. روز فریاد رسای مسلمانان علیه سرطان کشنده‌ی صهیونیزم است که به وسیله‌ی دست متجاوز اشغالگران، مداخله کنندگان، قدرتهای استکباری به جان امت اسلامی افتاده است. روز قدس

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۸/۰۶/۲۰

چیز کوچکی نیست. روز قدس یک روز جهانی است. یک پیام جهانی هم دارد. نشان‌دهنده‌ی این است که امت اسلامی اولاً زیر بار ظلم نمی‌رود، ولو این ظلم از پشتیبانی بزرگترین و قدرتمندترین دولتهای عالم برخوردار باشد. چقدر سعی کردند روز قدس را تضعیف کنند و امسال بیش از همیشه تلاش کردند؛ اما روز قدس در ایران اسلامی، در تهران باعظمت به همه‌ی دنیا نشان داد که عقربه‌ی انقلاب و ملت ایران به کدام سمت و کدام جهت است؛ نشان داد که اراده‌ی ملت ایران چیست؛ نشان داد که ترفندها و حقه‌ها و پول خرج‌کردنها و خباثتهای سیاسی آنها بر روحیه‌ی ملت ایران اثری ندارد.[1]

روز قدس؛ مانع ذوب‌شدنِ فلسطین توسط دولتهای خیانتکار

هفته‌ی آینده روز قدس است؛ روزی که یادآور یکی از ابتکارهای امام راحل عظیم‌الشأن ماست. این روز را گرامی بدارید؛ دنیای اسلام باید این روز را گرامی بدارد. توده‌های مسلمان نگذارند که بعضی از دولتهای خودفروخته، در فضای آرام و سکوت مصنوعی‌ای که به وجود آورده‌اند، فلسطین را ذره‌ذره و لحظه‌به‌لحظه ذوب کنند و قضیه را به دست فراموشی بسپارند. خیانت دولتهایی که با رژیم غاصب ساختند و فلسطینیها را قربانی کردند، نباید از یاد برود و فراموش بشود. این قضیه، یک قضیه‌ی کوچک نیست.

بیش از چهل سال است که ملت اسلام نام فلسطین را می‌آورد. مسلمین، متفکران اسلامی، نویسندگان و سیاستمداران، هزاران و هزاران بار گفته‌اند و هزاران نفر در این راه شهید شده‌اند. مگر می‌شود پاره‌ی تن جهان اسلام را همین‌طور در اختیار دشمنان گذاشت که آن را تصرف کنند و ملتی را از خانه‌ی خودش بیرون نمایند. مگر چنین چیزی می‌شود؟ مگر اسلام اجازه می‌دهد؟ مگر ملتهای اسلامی اجازه می‌دهند؟

در فضای عالم، این جوّ آمادگی و حضور و انتظار و طلبگاری نسبت به فلسطین، باید روزبه‌روز بیشتر بشود. در داخل فلسطین هم باید این شعله‌ی مقدس روزبه‌روز برافروخته‌تر بشود. آن جوانان، آن زنان و مردان،

---

۱. خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۸۸/۰۶/۲۹

آن نوجوانان، آن فداکارانی که در داخل فلسطین با رژیم غاصب مبارزه می‌کنند، باید بدانند نقطه‌ی اصلی همان جایی است که آنها بر روی آن انگشت گذاشته‌اند. این، آن‌جایی است که دشمن شکست خواهد خورد. این‌که سازمانها در خارج از مرزهای فلسطین پشت میزهای مذاکره بنشینند، یا در تریبونها به نام فلسطین خودنمایی کنند، مشکلی را حل نخواهد کرد. پشتیبانی عمومی دنیای اسلام از بیرون، و مبارزه‌ی واقعی و محسوس ملت فلسطین در داخل، این دو با هم مشکل را حل خواهد کرد و سر دشمن فلسطین را به سنگ خواهد کوبید.[1]

روز قدس؛ امید بخش به مبارزین و اسرای در بند اسرائیل

روز قدس را گرامی بدارید و آن را بزرگ بشمارید. البته تبلیغات جهانی منعکس نمی‌کنند؛ نکنند. آن کسانی که در زندانهای فلسطینی هستند، به ما گفته‌اند که از شعار شما و حضور شما و مشت گره‌کرده‌ی شما – که حاکی از نیت و عزم صادقانه‌ی شماست – احساس قوّت و قدرت می‌کنند و ایستادگی می‌نمایند. آن کسی که در پشت دیوارهای زندان فلسطینی است، باید احساس تنهایی نکند، تا بایستد. آن زن و مردی که در کوچه‌ها و خیابانهای بیت‌المقدس و نوار غزه و شهرهای دیگر فلسطین اشغالی مورد تهاجم اراذل و اوباش صهیونیست است، باید احساس کند که شما پشت سرش هستید، تا بتواند مقاومت کند. البته دولتها هم تکالیفی دارند. دولت جمهوری اسلامی هم وظایفی دارد و به این وظایف عمل می‌کند؛ باز هم خواهد کرد. مسأله‌ی ملی و عمومی و مردمی نقش خاص خودش را دارد، که باید در جای خود انجام بدهد.[2]

مقاومت و تظاهرات؛ تابنده‌ی نور امید

جوانان و کودکان و زنان و مردانی که امروز مظلومانه در شهرهای وطن

---

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۰/۰۱/۱۶

۲. همان

مغصوب با خون خود کوچه‌ها و خیابانها را رنگین می‌کنند، و نمازگزارانی که در اجتماعات هفتگی جمعه‌ی خود، کابوس مرگ را بر سر اسرائیلیان غاصب و مهاجر می‌کوبند، نور امیدی را بر سراسر فلسطین تابانیده‌اند که در تمام چهل سال غصب و قبل از آن در روزگار فشار و اختناق انگلیسی، هرگز سرزمین مقدس آن را به خود ندیده بود، و آینده هم متعلق به همین مؤمنین مصمم و مبارز است.

امروز دیگر روزگار ضعف و انفعال و انتظار ملت فلسطین تمام شده است و اسلام نیروی حقیقی آن ملت برجسته را به وی بازگردانده است. امروز دیگر سران خائن و سازشکار فلسطین فروش فلسطینی که فارغ از رنج شهروندان یا چادرنشینان، به معامله‌ی سیاسی و تجارت با سرمایه‌ی فلسطین مشغولند، نمی‌توانند سرنوشت آن کشور و ملت را رقم بزنند. سرنوشت فلسطین، در مسجدها و نماز جمعه‌ها و خیابانها و میدانهای سراسر زمینهای اشغالی است که رقم می‌خورد، و این از برکات اسلام است.[1]

روز قدس پشتوانه‌ی امنیت کشور ما

خب، روز قدس در پیش است. روز قدس، یک روز به معنای حقیقی کلمه، بین‌المللیِ اسلامی است؛ روزی است که ملت ایرانْ میتواند با کمک ملتهای مشتاق دیگر، که امروز خوشبختانه تعدادشان هم متعدد و زیاد شده، یک حرف حقی را فریاد کند که برای پنهان کردن آن حرف حق و خاموش کردن آن فریاد، شصت سال است که دستگاه استکبار دارد سرمایه‌گذاری میکند – البته حداقل شصت سال است، یعنی از زمان تشکیل دولت غاصب؛ والّا از مقدماتش شاید صد سال هم بیشتر است – شصت سال است که دارند سعی میکنند فلسطین را از نقشه‌ی جغرافیای جهانی حذف کنند.

البته تا حدود زیادی هم موفق شده بودند. انقلاب اسلامی زد توی دهن اینها. ایجاد نظام جمهوری اسلامی و اعلان روز قدس و تبدیل سفارت رژیم غاصب به سفارت فلسطین در تهران، حرکت هشدار دهنده و متوقف کننده

۱. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۳۶۸/۰۴/۱۴

و مهاجمی بود که در مقابل این نقشه‌ی استکباری ایستاد. امروز خوشبختانه این حرکت، روزبه‌روز توسعه پیدا کرده.

روز قدس پشتوانه‌ی امنیت کشور ما هم هست. این را همه‌ی آحاد مردم عزیز ما بدانند؛ هر یک نفری که روز قدس توی خیابان می‌آید، به سهم خود دارد به امنیت کشور و امنیت ملت و حفظ دستاوردهای انقلابش کمک میکند. روز قدس روز بزرگی است، روز مهمی است. ان‌شاءالله امسال، هم در کشور ما و هم در کشورهای اسلامی دیگر، این روز، باعظمت‌تر از همیشه برگزار خواهد شد.[1]

---

۱. بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها در بیست و سومین روز رمضان‌المبارک ۱۴۳۲ ۱۳۹۰/۰۶/۰۲

فصل پنجم

مسؤولیت دولتهای اسلامی

وظیفه‌ی ملتها و دولتهای مسلمان

این رژیم قابل دوام نیست. صهیونیستها خیال می‌کنند توانسته‌اند بر فلسطین مسلّط شوند و تا ابد فلسطین متعلّق به آنهاست! نخیر؛ این‌طور نیست. سرنوشت فلسطین این است که قطعاً یک روز کشور فلسطین خواهد شد. ملت فلسطین در این راه قیام کرده است. وظیفه‌ی ملتها و دولتهای مسلمان این است که این فاصله را هر چه بیشتر کم کنند و کاری کنند که ملت فلسطین به آن روز برسد.[1]

امروز همه‌ی ما وظیفه داریم از مردم فلسطین حمایت معنوی و مادّی کنیم.[2]

مهمترین علاج توطئه‌ی امریکا، در داخل سرزمینهای اشغالی و در دستان نیرومند مبارزان فلسطینی است؛ لیکن همه‌ی مسلمین موظفند در این جهاد شرکت جسته و کمکهای مالی و سیاسی و اطلاعاتی و نظامی و تجهیزاتی را به سوی آنان سرازیر کنند. ملت فلسطین باید احساس تنهایی نکند. صهیونیستها و کسانی که شکنجه و کشتار مبارزان فلسطینی منتسب به آنهاست، باید در هیچ جای جهان احساس امنیت نکنند. صندوقهای پشتیبانی

۱. بیانات در اجتماع بزرگ زائران حرم امام خمینی(ره) ۱۳۸۱/۰۳/۱۴

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۱/۰۹/۰۱

و هسته‌های کمک به فلسطینیان مبارز باید در همه جای عالم و از سوی دولتها و ملتها تشکیل شود. تحریم اقتصادی دولت غاصب و به رسمیت نشناختن آن، وظیفه‌ی همه‌ی دولتهای مسلمان است و ملتها باید در برابر این مسأله حساسیت نشان دهند ... و با این وسایل و با همه‌ی وسایل ممکن باید با توطئه‌ی جاری مقابله، و از تأثیر آن ممانعت به عمل آید. به هر تقدیر، مسأله‌ی فلسطین یک راه حل بیشتر ندارد و آن، تشکیل دولتی فلسطینی در تمامی سرزمین فلسطین است.[1]

حمایت از فلسطین؛ وظیفه‌ی الهی و سیاسی

آلام مردم فلسطین، آلام و دردها و رنجهای ماست. امروز فریاد ملت فلسطین بلند است که یاللمسلمین! جواب این فریاد، بر تک تک مسؤولان دولتهای اسلامی واجب و لازم است؛ خدای متعال آنها را مؤاخذه خواهد کرد. همه‌ی ما وظیفه داریم. این، بالاتر از ملاحظات سیاسی است؛ اگرچه عقل سیاسی هم اقتضاء می‌کند که امروز همه‌ی دنیای اسلام پشت به پشت و دست در دستِ هم در مقابل صهیونیسم غاصب و متجاوز بایستند. این خطر برای همه‌ی دنیای اسلام است. حتّی دولَتهایی که خیال می‌کنند ارتباطاتشان با دولت غاصب صهیونیست به نفع آنهاست، وجود صهیونیستها بیشتر به ضررشان است. این غدّه‌ی سرطانی و شجره‌ی خبیثه‌ای که در آن‌جا گنجانده شده است، امروز تهدیدی علیه موجودیّت و هویّت همه‌ی کشورها و دولتهای اسلامی است. کمک به فلسطین باید صورت گیرد؛ چاره‌ای نیست. اگر ما نکنیم، بلاشک کسانی پیدا خواهند شد که این کار را خواهند کرد؛ «**فسوف یأتی الله بقوم یحبّهم و یحبّونه**»[2] این سنتِ الهی است.[3]

---

۱. پیام به ملتهای مسلمان، علما، نویسندگان، روشنفکران و دانشجویان کشورهای اسلامی، به منظور بسیج نیروهای عظیم کشورهای اسلامی برای مقابله با توطئه‌های خباثت‌آمیز امریکا و اسرائیل در کنفرانس مادرید۱۳۷۰/۰۷/۲۵

۲. سوره‌ی مائده، آیه‌ی۵۴

۳. بیانات در دیدار مسؤولان نظام به مناسبت عید سعید فطر ۱۳۷۹/۱۰/۰۷

وظیفه‌ی دول اسلامی؛ قطع یکماهه‌ی نفت، برای سرکوب اسرائیل

این مسأله‌ی قطع یکماهه‌ی نفت که ما گفتیم، یک مسأله‌ی اساسی است. با این مسأله نمی‌شود سطحی برخورد کرد. البته یک مسأله‌ی نمایشی هم نیست که دولتی تنها بایستد و بگوید من نفت خود را قطع می‌کنم؛ معلوم نیست چه طوری قطع می‌کند یا نمی‌کند. این یک مسأله‌ی جدّی و واقعی است و باید همه تصمیم بگیرند.

آمدند گفتند که قطع نفت به ضرر کشورهای قطع کننده است؛ در حالی که این طور نیست؛ این خطای در محاسبه است. قطع نفت به ضرر ملتها نیست؛ به سود آنهاست. همین الان شما می‌بینید در نوسانات قیمت نفت، چند صباح قیمت به بیست و چهار دلار، بیست و پنج دلار می‌رسد؛ اما بعد از چند روز به پانزده دلار، شانزده دلار کاهش پیدا می‌کند. از بالا رفتن و پایین آمدن قیمتها، ملتها این همه ضرر می‌بینند؛ چون اختیار در دست دیگران است. با قطع یک ماه نفت، این قدرت تصمیم‌گیری در ملتهای اسلامی آشکار خواهد شد. ملتها و دولتهای اسلامی نشان می‌دهند که می‌توانند علیه دیکتاتوری بین‌المللی و علیه خواستِ زورگویانی که فقط به سرنیزه متّکی هستند، اقدام کنند. باید این کار را بکنند؛ این اجتناب‌ناپذیر است.

البته بعضی از دولتها مواضع خوبی اتّخاذ کردند. دولت سوریه و دولت لبنان شجاعانه ایستادند؛ مواضعشان، مواضع خوبی است؛ لیکن همه‌ی دولتهای عربی، همه‌ی دولتهای اسلامی و دولتهای صادر کننده و تولید کننده‌ی نفت باید به این وظیفه‌ی تاریخی خود اهمیت دهند. تاریخ در آینده روی این اقدامهای تعیین کننده قضاوت خواهد کرد؛ امروز هم ملتها قضاوت می‌کنند. امروز ملتها بر این اساس نسبت به دولتهای خود و نسبت به صداقت و دلسوزی و پاکدامنی آنها تصمیم‌گیری می‌کنند. [۱]

من این‌طور به نظرم می‌رسد، از جمله کارهای مهمّی که دولتهای عرب می‌توانند بکنند این است که صادر کنندگان نفت از نفت استفاده کنند. این حرفی که غربیها در دنیا به راه انداخته‌اند که از سلاح نفت استفاده نکنید، حرف درستی نیست. نفت مال ملتهاست و باید به سود خودشان از آن

۱. بیانات در دیدار گروه کثیری از کارگران و معلمان به مناسبت روز کارگر و هفته‌ی معلم ۱۳۸۱/۰۲/۱۱

استفاده کنند. امریکاییها از گندم و از محصولات غذایی به عنوان سلاح استفاده کردند؛ در خیلی جاهای دنیا هم می‌کنند. چرا کشورهای اسلامی و عربی این حق را نداشته باشند؟ یک ماه – فقط یک ماه – به‌صورت نمادین و سمبلیک، صادرات نفت را به همه‌ی کشورهایی که با اسرائیل روابط حسنه دارند قطع کنند. امروز دنیا حرکت را – حرکت کارخانه‌ها – روشنایی و انرژی را – انرژی برق – و حرارت را، که سه عنصر اصلی زندگی‌اش است از نفت ما دارد. اگر نفت ما در اختیار آنها قرار نگیرد، حرکت کارخانجات، روشنایی و حرارت متوقّف خواهد شد. مگر این چیز کمی است؟ دولتهای عرب به‌خاطر خودشان این کار را بکنند. یک ماه – نه این‌که دائم – به صورت نمادین به عنوان حمایت از ملت فلسطین این کار را بکنند، دنیا تکان می‌خورد. این از کارهایی است که می‌توانند بکنند. [1]

نابودی اسرائیل در بکارگیری همه‌ی امکانات جهان اسلام

اسرائیل که روزی در این منطقه عربده می‌کشید و همه‌ی خواسته‌های خود را بر ملتهای عربی دیکته می‌کرد، اینک ناتوان و افسرده در برابر عظمت مقاومت اسلامی، بر زمین زانو زده است؛ این بخش کوچکی از تواناییهای ملتهای مسلمان و عرب است. یقین بدانید که اگر همه‌ی امکانات جهان اسلام و حتّی بخشی از آن در این مسیر به کار گرفته شود، ما شاهد زوال و نابودی رژیم صهیونیستی خواهیم بود. اسرائیل در جنوب لبنان از یک مقاومت چند هزار نفره شکست خورد. درست است که حزب‌الله، امتداد مردمی عمیقی داشته و به هنگام ضرورت توانسته است هزاران، بلکه دهها هزار نیرو را بسیج کند؛ ولی به طور مستمر فقط از چند هزار، بلکه گاه از چند صد نیرو در محورهای رویارویی با اشغالگران صهیونیست بهره برده است. یعنی اسرائیل و همه‌ی امکانات نظامی آن و فناوری تسلیحاتی و پیشرفته‌اش – که به زرّادخانه‌ی امریکا متّصل است – از چند صد جوانِ باایمان و پُرشور که از سلاحهای بسیار ابتدایی در جنگ بهره می‌برند، شکست خورد. البته

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۱/۰۱/۱۶

سلاح قوی و شکست‌ناپذیر آنها، سلاح ایمان بود.[1]

وظیفه‌ی دولتها؛ همراهی با خواسته‌ی ملتهای مسلمان

امید است دولتهای اسلامی با خواسته‌های قاطبه‌ی ملتهای مسلمان همراه شوند و از این حرکت عظیم حمایت کنند و هرگونه رابطه با این رژیم اشغالگر را به طور کامل قطع نمایند و از تحریمهای مختلف اقتصادی و ابزارهای دیگر برای مقابله با این رژیم غاصب استفاده کنند و کمکهای مردمی را صرف مسأله‌ی اصلی فلسطین، معالجه مجروحان و بازسازی ویرانیها بنمایند.

جمهوری اسلامی ایران نیز به حمایتهای خود از این حرکت و مردم مظلوم فلسطین ادامه خواهد داد و آیینهای روز جهانی قدس را همراه با همه‌ی مسلمانان، پُرشکوه‌تر از هر سال برگزار خواهد کرد و امیدوار است هر روز شاهد پیروزی حق و عدالت و شکست و رسوایی باطل و اشغالگری باشیم.[2]

شما یک‌چهارم جمعیت دنیا هستید. مسلمانان بزرگترین ابزارهای قدرت را در اختیار دارند. امروز دنیا به نفت شما محتاج است. امروز دنیا به منطقه‌ی حساس حیات و زندگی شما محتاج است. چرا امریکا باید بتواند چیزی را بر شما تحمیل بکند؟ تحمل نکنید، قبول نکنید. اینها شعار نیست؛ اینها واقعیتهایی است که اگر ما همت بکنیم و با این تکلیف عظیم الهی و انسانی صادقانه برخورد نماییم، قابل تحقق و قابل عمل است.

امروز یک عده مسلمان، فداکار، برگزیدگان ملت فلسطین، از پیر و جوان و مرد و زن، در سرزمینهای مقدس فلسطین دارند مبارزه می‌کنند؛ به آنها کمک کنید؛ راه این است. کمک به فلسطین، یعنی کمک به عناصری که دارند مبارزه می‌کنند. کمک به فلسطین، معنایش این نیست که به عناصر سازشکاری که دلشان برای فلسطین نسوخته، بلکه دلشان برای منافع شخصی خودشان سوخته، کمک کنند. آن سازمانی مورد قبول است و نماینده‌ی واقعی مردم فلسطین است، که در راه آرمان فلسطین مبارزه بکند؛ نه آن سازمانی که برود

---

۱. سخنرانی در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین۱۳۸۰/۰۲/۰۴

۲. پیام به مناسبت روز قدس ۱۳۷۹/۰۹/۲۹

آرمان فلسطین را به دشمن بفروشد و بر سر آن معامله بکند!

باید ملتهای مسلمان حرکت کنند و احساس تکلیف نمایند. من آنچه را که به نظرم می‌رسد امروز باید گفته بشود و باید انجام بدهیم، در بیانیه گفته‌ام؛ الان هم دارم می‌گویم. ملتهای اسلامی به هر نحو که می‌توانند، باید انواع کمکهای خودشان را به آن مردمی که دارند در داخل فلسطین مبارزه می‌کنند، برسانند؛ این یک تکلیف شرعی و الهی و انسانی است.

اگر امروز شما مسلمانان عقب بنشینید، بدانید که دشمن یک سنگر جلو می‌آید - دشمنی که تمام نمی‌شود - اسرائیل یک سنگر جلو می‌آید؛ امریکا که دشمن جهان اسلام است، یک سنگر جلو می‌آید. اگر شما عقب بنشینید، آنها جلو می‌آیند. دشمنی میان آنها و میان شما امت اسلام که تمام نخواهد شد. خواسته‌های استکباری استکبار که تمامی ندارد.

شما باید در این‌جا یک حرکت قاطع و یک تصمیم‌گیری قطعی بکنید. این اجتماع در تهران می‌تواند اجتماع مبارکی باشد. کار به دست شماست؛ تصمیم‌گیری کنید. پارلمانها بنشینند برای سرنوشت فلسطین تصمیم‌گیری کنند و آن را از دولتها بخواهند. روشنفکران و نویسندگان بنویسند و افکار عمومی را بیدار کنند. دانشجویان و جوانان آماده باشند، تا با صدای بلند، خواستِ ملتها را اعلام کنند.

ملت ایران آماده است. ما در حد توان و قدرتمان آماده هستیم، تا این تکلیف را انجام بدهیم؛ دشمنی استکبار را هم تحمل می‌کنیم. ما را به خاطر حمایت از فلسطین و از انتفاضه‌ی فلسطین و از قیام مردم فلسطین تهدید نکنند؛ این حمایت وظیفه‌ی ماست؛ ما این را انجام می‌دهیم و از هیچ تهدیدی هم نمی‌هراسیم. از بعد از انقلاب، بلافاصله ما در معرض تهدیدهای استکبار بودیم؛ و به فضل پروردگار و به حول و قوّه‌ی الهی، استکبار نتوانسته است کاری بکند. ما باز هم تکلیفمان را انجام خواهیم داد.

من از شما آقایان محترم و از شما برادران عزیز خواهش می‌کنم که این اجتماع را به طور کاملاً جدی مورد نظر قرار بدهید و سعی کنید که در نشست‌وبرخاستها به تصمیم برسید. صرف اجتماع تنها، صرف نشستن و گفتن و برخاستن، کافی نیست؛ باید تصمیم بگیرید، با تصمیم برگردید و آن تصمیم را به مرحله‌ی اجرا بگذارید؛ آنگاه خواهید دید که آنچه به نظر

بن‌بست می‌آید، گشوده خواهد شد. در مقابل اراده‌ی ملتهای مسلمان، هیچ بن‌بستی وجود ندارد.[1]

امروز دولتهای مسلمان باید احساس تکلیف کنند. قدرت دولتهای مسلمان، اگر متفق و همصدا باشند، از قدرت امریکا بیشتر است. امریکا به این منطقه محتاجتر است، تا این منطقه به امریکا. دولتها باید بدانند که خواست ملتهای مسلمان آن است که همه‌ی آنها با هم به خواست مستکبرانه‌ی امریکا و اسرائیل پاسخ «نه» بگویند. این مطمئن‌ترین اقدام برای حفظ خود دولتها و حفظ شرف و عزت کشورهای اسلامی است. باید از تهدید و تطمیع امریکا و فشار تبلیغاتی مطبوعات صهیونیستی نهراسند و به ندای وظیفه‌ی اسلامی و ملی خود پاسخ گویند.[2]

وظیفه‌ی دولتها

به همه‌ی کشورهای اسلامی و ملتهای مسلمان هم عرض می‌کنیم که امروز وظیفه‌ی شرعی همه‌ی ملتها و دولتهاست که به آن جماعت مؤمن و آن ملت مظلوم کمک برسانند و آنها را وسط میدان، تنها رها نکنند. البته کمکهایی هم می‌شود که امیدواریم این کمکها به جای خود برسد و ان‌شاءالله بتواند برای کم کردنِ آلام مردم فلسطین، مفید و مؤثّر واقع شود. از خداوند متعال می‌خواهیم که مشکلات اسلام و مسلمین و مشکلات مردم فلسطین را برطرف کند.[3]

وظیفه‌ی دولتهای مسلمان؛ قطع رابطه

این وظیفه‌ی همه‌ی دولتهاست. امروز ملت فلسطین بحق از امت اسلامی

---

۱. سخنرانی در دیدار شرکت کنندگان در کنفرانس بین‌المللی حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین۱۳۷۰/۰۷/۲۷

۲. پیام به ملتهای مسلمان، علما، نویسندگان، روشنفکران و دانشجویان کشورهای اسلامی، به منظور بسیج نیروهای عظیم کشورهای اسلامی برای مقابله با توطئه‌های خباثت‌آمیز امریکا و اسرائیل در کنفرانس مادرید۱۳۷۰/۰۷/۲۵

۳. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۹/۰۹/۲۵

انتظاراتی دارد؛ از دولتهای اسلامی هم توقّعاتی دارد. امروز امت بزرگ اسلامی هم از دولتهای اسلامی - بخصوص دولتهای عربی - انتظار دارد که روابط خود را با صهیونیسم غاصب و ظالم و گستاخ، قطع کنند. صهیونیسم چهره‌ی واقعی خود را یکَ بار دیگر آشکار کرد؛ یک بار دیگر نشان داد که جز زبان زور، جز منطق زور، جز فکر زور و زورگویی، چیزی بر او حاکم نیست.[1]

مسؤولیت سران اسلامی برای حمایت هماهنگ از فلسطین

البته همین‌جا من عرض کنم، ملتهای مسلمان در سرتاسر دنیا دلبسته‌ی این حادثه‌ی بسیار مهمی هستند که امروز در سرزمین اشغال‌شده و مغصوب و مظلوم فلسطین در جریان است. اگرچه در قطعنامه‌ی کنفرانس اسلامی حرفهای نسبتاً خوبی زده شده است - که البته بخش مهمی از آن به خاطر این است که کشور جمهوری اسلامی ایران در این قضایا کاملاً صریح و قاطع اظهار نظر می‌کند و بعضی از کشورهای اسلامی هم به دنبال شعارهای جمهوری اسلامی حرکت می‌کنند - اما به دنبال این حرفها حتماً باید عمل باشد. باید دولتهای مسلمان نسبت به مبارزان فلسطینی، نسبت به مردم فلسطین و نسبت به کسانی که در خیابانهای فلسطین مورد فشار صهیونیستهایند، احساس مسؤولیت کنند؛ هر گونه کمکی که می‌توانند، باید به آنها برسانند. جمهوری اسلامی ایران در این زمینه سخن خود را گفته است، اما از سوی کشورهای مختلف اسلامی و کشورهای عربی، «عمل» باید هماهنگ گردد تا بشود به آن مردم مظلوم کمکی کرد. ماجرای امروز فلسطین یکی از نشانه‌های ضعف استکبار - یعنی ضعف دشمن ملت ایران - است.[2]

کمک سیاسی، مالی، تبلیغاتی

امروز ملت فلسطین قیام کرده است. آن روزی که ملت فلسطین خواب

---

۱. بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی جمعی از پرسنل نیروی انتظامی ۱۳۷۹/۰۷/۱۸
۲. بیانات در اجتماع بزرگ مردم اراک ۱۳۷۹/۰۸/۲۴

بود، سرنوشت و تقدیرش همان چیزی بود که اتّفاق افتاد؛ اما امروز که ملت فلسطین بیدار شده است، سرنوشت و تقدیر او پیروزی است. ممکن است این جهاد، جهادی طولانی باشد؛ اما پیروزی، غیر قابل تردید است. اگر ما نکنیم، خدای متعال بندگان دیگرش را به کار وادار خواهد کرد. این وظیفه‌ی امروز ماست؛ امیدواریم که بتوانیم این وظیفه را انجام دهیم. امروز دولتهای اسلامی وظیفه دارند به آنها کمک کنند - کمک سیاسی، کمک مالی، کمک تبلیغاتی - روز قدس امسال بحمدالله نشان داد که در همه‌ی دنیای اسلام، ملتها تا آن‌جایی که می‌توانند، به این وظیفه پایبندند.[1]

وظیفه‌ی دولتهای مسلمان در قبال جنایات اسرائیل

از دولتهای مسلمان این توقع وجود دارد که امکانات لازم را به منظور دفاع، به آن ملت بدهند. از دولتهای مسلمان همچنین انتظار می‌رود که بر کسانی که در دنیا از منافع صهیونیستها حمایت می‌کنند، فشار سیاسی وارد کنند. این کار را می‌توانند در روابط دوجانبه‌شان، در مجامع بین‌المللی، در گفتارهای عمومی و در مذاکرات خصوصی انجام دهند. علاوه بر این -همان‌طور که عرض شد - حال که مهاجم و متعرض حاضر نیست از جنایت خود دست بکشد، اقلاً ملت فلسطین - که حق با اوست و از حق خود دفاع می‌کند - بتواند از خودش دفاع کند.[2]

احساس مسؤولیت دولتها

من از ملت عزیزمان به خاطر حضور قدرتمندانه و پُرشورشان در روز قدس، با همه‌ی دل تشکّر می‌کنم. ملتهای دنیا تا آن‌جایی که می‌توانند و تا آن‌جایی که به آنها اجازه داده می‌شود، اظهار نفرت می‌کنند؛ اما این باید در تصمیم دولتها، به عمل تبدیل شود. دولتهای مسلمان باید احساس کنند که در مقابل این قضیه مسؤولیت دارند.[3]

---

۱. بیانات در دیدار مسؤولان نظام به مناسبت عید سعید فطر ۱۳۷۹/۱۰/۰۷
۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۰/۰۲/۲۸
۳. بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۸۰/۰۹/۲۵

لزوم هوشیاری دولتهای اسلامی

در سطح جهان اسلام نیز همین‌طور است. دولتها باید به هم نزدیک شوند؛ باید احساس قدرت اسلامی به وجود آید. اگر استکبار بتواند تک‌تک دولتها و حکومتهای اسلامی را با مسائل جزئی و با وعده‌های فریبگر، از بدنه‌ی مجموعه‌ی دنیای اسلام جدا کند، وضع همین چیزی می‌شود که ملاحظه می‌کنید.[1]

عدم استفاده‌ی مسلمین از داراییهای مادّی و معنوی؛ عامل تسلّط دشمنان

اگر امت اسلامی از نفت خود، از نیروی انسانی خود، از بازارهای خود، از علم خود، از ذخایر گوناگون مادی و معنوی خود خوب استفاده کند، قدرتمندان عالم و سلطه‌گران نمی‌توانند این‌جور به او زور بگویند. شما ببینید در مورد ملت فلسطین، زورگویی دنیای استکبار چقدر مفتضح و واضح است.

یک ملت در سرزمین خود مغلوب غاصبان آن سرزمین است؛ آن هم با این فجایعی که به‌وسیله‌ی آنها انجام می‌گیرد: حقوق بشر پامال می‌شود، جان انسانها از بین می‌رود، امکانات زندگی کردن از انسانها در این سرزمین گرفته می‌شود، خانه‌هایشان را خراب می‌کنند، مزارعشان را نابود می‌کنند، تجارتشان را مسدود می‌کنند، استعدادهایشان را خفه می‌کنند، امکان رشد و ترقی به اینها نمی‌دهند، مرتب هم جوانها، مردها و زنهای اینها را به قتل می‌رسانند و بعضی از دنیای استکبار صریحاً از اینها حمایت می‌کنند، بعضی هم سکوت می‌کنند؛ دنیای اسلام هم شده تماشاچی؛ تماشاچی گویا بی‌طرف! این مصیبت بزرگی برای دنیای اسلام است. علت، همین ضعف دنیای اسلام و این تفرقه‌ی دنیای اسلام است. باید باور کنیم که امتداد قدرت ما در میان این جمعیت عظیم مسلمانها و در دل این امت بزرگ اسلامی است؛ این را باید باور کنیم. ما را به جان هم می‌اندازند، با عناوین مختلف ما را سرگرم می‌کنند، ما را به هم بدبین می‌کنند، دعوای مذهبی راه می‌اندازند، دعوای قومی راه می‌اندازند، دعوای ارضی راه می‌اندازند؛ ما را به هم مشغول

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی به مناسبت عید سعید فطر ۱۳۸۰/۰۹/۲۵

می‌کنند، از تفرق ما سوءاستفاده می‌کنند. این بزرگترین مصیبت ماست امروز؛ بزرگترین بلای ماست.[1]

مسؤولیت تاریخی دولتهای اسلامی؛ دفاع صریح از ملت فلسطین

دولتهای اسلامی برای حفظ منافع ملی خودشان، برای جلب عواطف ملتهای خودشان، برای ادای مسؤولیت تاریخی خودشان، باید روی نقاط اساسیِ هویت امت اسلامی تکیه کنند؛ از ملت فلسطین باید صریحاً دفاع کنند؛ از استقلال کامل عراق و سپردن اختیار به ملت عراق باید دفاع کنند؛ از ملت افغانستان باید دفاع کنند؛ از ملتهای مسلمان در اروپا و آسیا و آفریقا باید دفاع کنند؛ از هویت قرآنی و از احکام قرآن در کشورهایشان باید دفاع کنند؛ ارتباطاتشان را با همدیگر نزدیک و صمیمی کنند؛ با هم صادق باشند؛ به هم کمک کنند و دست یکدیگر را بگیرند؛ آن وقت امت اسلامی خواهد توانست خود را از زیر یوغ استکبار نجات دهد و تهدیدهایی را که امروز دنیای استکبار نسبت به دنیای اسلام دارد، از سر بگذراند.[2]

لزوم پرهیز دولتهای اسلامی از عادی‌سازی رابطه با رژیم صهیونیستی

به‌خاطر توطئه‌یی که بعد از شکست غزه و برای جبران آن شکست، از سوی امریکاییها و صهیونیستها و بعضی از هم‌پیمانان‌شان در جریان است؛ یعنی عادی‌سازی رابطه‌ی زشت با رژیم صهیونیستی در میان برخی از دولتهای اسلامی و برخی از دولتهای منطقه، که نباید زیر بار بروند. دولتهای اسلامی با بهانه‌های مختلف و برای خاطر شاد کردن دل امریکا، نباید ارتباطشان را با این رژیم غدارِ ستمگر غاصب - که خطری برای همه‌ی منطقه و همه‌ی ملتها و دولتهاست - عادی کنند؛ نباید به‌خاطر امریکا، روی خوش به این رژیم نشان بدهند، که این کار زشتی است. دلیل زشت بودن این کار هم این است که آن کسانی‌که مرتکب این عادی‌سازی می‌شوند، لااقل در اوایل کار،

---

۱. بیانات در دیدار مسؤولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۸۳/۰۸/۲۴

۲. بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام به‌مناسبت مبعث فرخنده‌ی پیامبر مکرم اسلام(ص) ۱۳۸۴/۰۶/۱۱

آن را پنهان نگه می‌دارند؛ لذا کار زشتی است که پنهانش می‌کنند. کار زشت را نباید انجام داد، نه این‌که پنهان کرد. بنابراین، روز قدس ان‌شاءالله پُرشورتر از همیشه برگزار شود.[1]

امروز روز به دست‌گرفتن ابتکار عمل توسط مسلمین

امروز روزی است که ملّتها و دولتهای مسلمان می‌توانند ابتکار عمل را به دست گیرند و کاری بزرگ را آغاز کنند. کمک به ملت مظلوم فلسطین، حمایت از ملت بیدار عراق، حراست از ثبات و استقلال لبنان و سوریه و دیگر کشورهای منطقه، وظیفه‌ئی همگانی است، و وظیفه‌ی نخبگان سیاسی و دینی و فرهنگی و رجال ملّی و جوانان و دانشگاهیان، سنگین‌تر از دیگران است. وحدت و همدلی میان پیروان مذاهب اسلامی و پرهیز از اختلافات فرقه‌ئی و قومی باید از برجسته‌ترین شعارهای این نخبگان باشد. نشاط علمی، نشاط سیاسی، تلاش فرهنگی و بسیج کردن همه‌ی نیروها در این صفوف اصلی، باید سرلوحه‌ی دعوت آنان قرار گیرد.[2]

وظیفه‌ی دول اسلامی؛ قطع تمام روابط سیاسی و اقتصادی

کار دیگری که می‌توانند بکنند این است که تمام روابط و قراردادهای سیاسی و اقتصادی خودشان را با دولت صهیونیست قطع کنند و هیچ همکاری نکنند. ملتهای عرب از این خوشحال خواهند شد. ملتهای عرب پشت سرِ آن دولتهایی قرار خواهند گرفت که این اقدام شجاعانه را بکنند. وای به حال آن دولتی که ملتش بفهمد از پشت سر با اسرائیل رابطه‌ی اطّلاعاتی و امنیتی و غیره دارد! دولتهای اسلامی هم موظّفند. آنها هم وظیفه‌شان کمتر از دولتهای عربی نیست؛ چون این قضیه قضیه‌ی عربی نیست؛ این قضیه فراتر از اینهاست؛ یک قضیه‌ی انسانی و اسلامی است. دولتهای اسلامی هم هر کدام که تواناییهای نفتی و امثال آن را دارند، همین‌طور می‌توانند عمل کنند.

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۴/۰۷/۲۹

۲. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۳۸۴/۱۰/۱۹

این کنفرانسی هم که وزرای خارجه‌ی کشورهای اسلامی در مالزی داشتند، کنفرانس خوبی نبود. البته اظهار موضع و اظهار وجودی کردند؛ اما ضعیف بود. بایستی از این قویتر اقدام می‌کردند. این همه دولت اسلامی، این همه کشور اسلامی، برادران مسلمانشان آن طور گرفتار؛ باید اینها اقدام قویتری می‌کردند. [۱]

وظیفه‌ی دولتهای مسلمان؛ خروج از حال انفعال

برادران و خواهران عزیز! این وضع، با عزّت اسلامی ناسازگار و از راه علاج دردهای امت اسلامی، بسی دور است. هم باید همه‌ی کشورهای اسلامی در احقاقِ حقّ ملتِ فلسطین سهم شایسته‌ای بر عهده گیرند و هم دنیای اسلام باید از حالت انفعال به حالت ابتکار در آید. این هر دو وظیفه را عجالتاً فقط جوانان مؤمن و غیور فلسطین و لبنان، با همه‌ی وجود خود انجام می‌دهند. درود بر آنان! مخالفت ما با آنچه بدان گفتگوی صلح خاورمیانه می‌گویند، به دلیل ناعادلانه بودن، استکباری بودن و تحقیر آمیز بودن و بالاخره غیرمنطقی بودن آن است. اصل تحمیلیِ صلح در مقابل زمین به معنای آن است که صهیونیستها، زمینهای کشورهای همسایه را پس بدهند، تا ما بپذیریم که کشور فلسطین متعلّق به آنها باشد! چه سخنی از این نا عادلانه‌تر است؟ چه پاسخی می‌توان به ملت کهن فلسطین در این معامله‌ی مغبونانه داد؟ از شوخیهای عبرت انگیز زمانه، یکی این است که دولت غاصب، همین را هم نامناسب دانسته و رد کرده است!! آیا وقت آن نرسیده که دنیای اسلام، به این روحیه‌ی استکباری پاسخ دهد؟ ما اگر مناسبات خود را تنظیم و برادرانه کنیم، این قدرت را داریم. امریکا در برابر جبهه‌ی متحد کشورهای اسلامی، از اندونزی تا شمال آفریقا، چه می‌تواند بکند؟ امروز دلگرمی استکبار، به پراکندگی این جبهه است. آیا وقت آن نرسیده که این صف را به نفع خودمان مستحکم کنیم؟ حضور دشمنی مانند حکومت صهیونیستی در قلب قلمرو اسلامی، شاید می‌توانست ما را

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۱/۰۱/۱۶

به یکدیگر نزدیکتر سازد، ولی دستهای مرموز استکبار، این خطر را هم از برابر خود برداشت. با ما کاری کرد که اینک از یکدیگر بیشتر می‌ترسیم تا از دشمن! وسوسه‌ها و دروغها و تبلیغات موذیانه، کشورهای اسلامی را به‌غلط و نابجا از یکدیگر ترسانده است.[1]

مسؤولیت سران عرب نسبت به جنایات اسرائیل

در آینده‌ی بسیار نزدیکی اجلاس سران عرب تشکیل می‌شود. من لازم می‌دانم به سران کشورهای عربی مسؤولیت بزرگی را که امروز متوجّه آنهاست، یادآوری کنم. امروز امت اسلام از سران عرب انتظار دارد. امریکاییها سعی کردند در اجلاس «شرم الشّیخ» کاری کنند که اجلاس سران عرب تحت تأثیر قرار گیرد. نباید تحت تأثیر قرار گیرند. امروز هر تصمیمی که در اجلاس سران عرب گرفته شود، مورد قضاوت همیشگی تاریخ خواهد بود. سران عرب می‌توانند با تصمیمهای درست، برای خودشان در این اجلاس افتخار ابدی کسب کنند. البته مسأله‌ی فلسطین با این اجلاسها حل نمی‌شود؛ اما این اجلاسها می‌توانند مطالبات ملت فلسطین را به دنیا عرض کنند.[2]

ایستادگی در مقابل خباثتهای صهیونیستها، با استفاده از ظرفیتهای دنیای اسلام

دنیای اسلام بایستد، و می‌تواند. ظرفیتهای دنیای اسلام برای ایستادگی در مقابل خباثتها و طمع‌ورزیهای خیلی بالاست. همه‌ی توجه فوراً متوجه نفت می‌شود؛ مسأله‌ی نفت نیست. اینجا مرکز دنیاست؛ بزرگترین بازارهای مصنوعات غربی توی این منطقه است؛ آبرویشان به اینجا وابسته است؛ مهمترین گذرگاههای جهانی در اختیار این مجموعه‌ی کشورهای مسلمان است. این چیزها رگهای حیات دنیاست، دست مسلمانهاست؛ مسلمانها از

---

۱. بیانات در مراسم گشایش هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی ۱۳۷۶/۰۹/۱۸

۲. سخنرانی در اجتماع بزرگ بسیجیان شرکت کننده در اردوی فرهنگی، رزمی یاران امام علی(ع) ۱۳۷۹/۰۷/۲۹

اینها استفاده کنند، می‌توانند.

از همه‌ی اینها هم که بگذریم، منطق سیاسی و حرف سیاسی در دنیای امروز کارگر است. می‌توانند بخواهند، بدون اینکه حتّی از این ابزارها بخواهند استفاده کنند. نفس خواستن دولتها و ملتها، وزنه‌ی عظیمی در حوادث جهانی است. متأسفانه از این استفاده نمی‌شود، غفلت می‌شود.[1]

آزمون سخت برای دولتهای عربی، کنفرانس اسلامی و اتحادیه‌ی عرب

دولتهای عربی در معرض آزمونی دشوار قرار گرفته‌اند. ملتهای بیدار عرب از آنان اقدامی قاطع و جازم مطالبه می‌کنند. کنفرانس اسلامی و اتحادیه‌ی عرب نباید به کمتر از برداشتن کامل محاصره‌ی غزه و توقف کامل دست‌اندازی به خانه‌ها و سرزمینهای فلسطینی در کرانه‌ی غربی و محاکمه‌ی جنایتکارانی چون نتانیاهو و ایهود باراک، قانع شوند.[2]

۱. بیانات در دیدار مسؤولان و شخصیتهای علمی سیاسی ۱۳۸۹/۰۱/۱۷

۲. پیام در پی جنایت دریایی رژیم صهیونیستی در حمله به کاروان دریایی آزادی غزه ۱۳۸۹/۰۳/۱۱

فصل ششم
مسؤولیت رسانه‌ها

وظیفه‌ی رسانه ها در دفاع تبلیغاتی از فلسطین

این پیامی[پیام انقلاب] که تولید شده و ما از لحاظ اصل پیام و تحکیم و شناسایی و تدوینِ آن، مشکلی نداریم، برای این‌که بدانیم چگونه تقسیم و توزیع و پخشش کنیم، مدیریتِ صحیح لازم دارد. وقتی اینها انجام گرفت، آن‌وقت افکار عمومی در اختیارِ شما قرار می‌گیرد؛ یعنی شما می‌توانید افکار عمومی را مدیریّت کنید. وقتی این کار انجام گرفت، افکار عمومی در اختیار شماست. دشمن می‌خواهد افکار عمومی را در اختیار گیرد. شما باید نگذارید که او افکار عمومی ملت خودتان و ملتهای دیگر را - تا هرجایی که صدای شما می‌رسد - در اختیار گیرد. شما امروز حادثه‌ای مثل حادثه‌ی فلسطین را ببینید که دیگر در آن‌جا جبهه‌ی حقّ و باطل معلوم است. ملتی را از سرزمین آبا و اجدادیش - که استخوانهای اجدادش در این زمین دفن شده و همه‌ی تاریخ می‌گوید که این‌جا مال اوست - و از خاک و زندگی و خانه و از حقّ انتخاب در کشور خودش محروم کردند و یک عدّه بیگانه را از اروپا و اروپای شرقی و روسیه و امریکا و از جاهای دیگر جمع کرده‌اند و گفته‌اند شما این‌جا را اداره کنید! خوب؛ اگر هیچ عامل دیگری هم در این بین نبود،

همین اندازه نشان می‌دهد که حقّ و باطل کجاست؛ چه برسد به این‌که آن گروه بیگانه‌ی متصرّفِ اشغالگر، با انواع و اقسام روشهای خشونت‌بار و سبع‌وار، آن جمعی را که صاحب آن سرزمین هستند، نابود می‌کند؛ یعنی می‌زند، می‌کوبد و می‌کشد. دیگر حقّ و باطل از این مُنحازتر و متمایزتر؟! شما ببینید همین را جماعتِ طرفدار حضورِ اسرائیل در این منطقه – امریکا و خود صهیونیستها و بعضی دولتهای دیگر – چگونه در افکار عمومی دنیا عوض کرده‌اند! یعنی افکار عمومی را طوری تغییر داده‌اند که امروز در مقابل این حوادث تلخ در دنیا حرکت مهمّی انجام نگیرد. والّا اگر این تبلیغات نبود، ملتهای دنیا – ولو هیچ رابطه‌ای هم با فلسطین نداشتند – روزی نبود که تظاهراتی به نفع مردم فلسطین راه نیندازند، اعتراضی نکنند، حکومتها را زیر فشار قرار ندهند و دولتهای خودشان را برای موضعگیری تحتِ فشار نگذارند. اگر این تبلیغات نبود، اصلاً صحنه‌ی سیاست دنیا عوض می‌شد. اینها افکار عمومی را همان‌طور که خودشان می‌خواستند، تصرّف و هدایت کردند – به‌خاطر رعایت همان ترتیب منطقیِ کار رسانه‌ای – و این دروغ بزرگ را در ذهن مردم جا انداختند. اگر ما بتوانیم یک کار رسانه‌ای درست انجام دهیم، می‌توانیم این صحنه‌ی باطل را لااقل تا حدودی به صحنه‌ی حق تبدیل کنیم؛ یعنی در افکار عمومی دنیا کار را طوری پیش ببریم که واقعاً قضیه بعکس شود. بنابراین ما در این زمینه ضعیف هستیم. «ما» که می‌گویم، یعنی جبهه‌ی حق. این در مورد افکار عمومی دنیا نسبت به یک قضیه‌ی بین‌المللی است. در مورد افکار عمومی داخل کشور هم عیناً همین مسأله وجود دارد.

... مسأله‌ی خبر هم بسیار مهمّ است. خبر، نیاز است. البته وضع خبر خیلی بهتر از گذشته شده است؛ منتها هرچه بتوانید خبر را موثّق، بهنگام، فراگیر و دارای خصوصیّاتی که گفتیم، بکنید. گاهی پخش یک خبر ضعیف و کمتر موثّق، در مردم ایجاد یأس می‌کند. گاهی یک خبر واحد را دو گونه می‌شود داد: مثلاً خبر تجهیزات امریکایی یا تجهیزات اسرائیلی را می‌شود به‌گونه‌ای داد که مردم انگیزه پیدا کنند که با آن به مقابله برخیزند؛ همان خبر را می‌شود طوری داد که مردم احساس کنند که نمی‌شود دست از پا تکان

داد و اصلاً هیچ حرکتی نمی‌شود کرد. پس نحوه‌ی دادن خبر باید امیدبخش باشد. البته خودِ خبر، مهم و حاوی نکات سودمند است.[1]

وظیفه‌ی رسانه‌های خبری

به نقش رسانه‌ها و تبلیغ می‌رسیم. این صحنه‌ی مبارزه، یک صحنه‌ی عمومی است. هر کس به قدر توانایی خود در سرتاسر دنیای اسلام وظیفه‌ای دارد و باید نقشی ایفا کند. امروز دنیا، دنیای رسانه‌ها و تبلیغ و تبیین است. امروز در مقابل شما امپراتوری خبری دشمنان دنیای اسلام قرار دارد که غالباً در کنترل صهیونیستهاست. امروز یک اتوبان یکطرفه‌ی خبر و تحلیل از طرف رسانه‌های خبری به سمت افکار عمومی دنیا – از جمله افکار عمومی کشورهای عربی و اسلامی و خود مسلمانان – جاری است. صهیونیستها از آغاز شروع کار خود، به سمت رسانه‌های خبری و تبلیغی رفتند. یکی از سیاستهای آنها این بود که رسانه‌های تبلیغی دنیا را قبضه کنند. امروز این‌گونه است. آنها از اوّلِ کار، یک شگرد تبلیغی را انتخاب کردند که بسیار مهمّ و تعیین کننده بود و تا امروز تأثیرگذار بوده است. آن شگرد تبلیغی عبارت است از مظلوم‌نمایی. برای مظلوم‌نمایی، داستانها و افسانه‌های فراوانی جعل شد؛ خبرهایی ساخته شد و تلاشهای بی‌وقفه‌ای انجام گرفت. امروز هم در نهایت سفّاکی، باز همان تبلیغات ادامه دارد؛ یعنی باز هم مهمترین کار صهیونیستها در دنیای تبلیغات، مظلوم‌نمایی است. اینها مسأله‌ی نگرانی روانی یهودیان را مطرح کردند و گفتند چون یهودیان در طول قرنهای متمادی زیر فشار بودند، از لحاظ روانی دچار نگرانی‌اند و به امنیّت روانی احتیاج دارند. صهیونیستها در مذاکرات با سران کشورهای غربی و بعدها در گفتگوهای خود با کشورهای اسلامی و عربی، مسأله‌ی امنیّت روانی را مطرح کردند و گفتند ما به امنیّت روانی احتیاج داریم و باید امنیّت روانی ما تأمین شود. این امنیّت روانی یعنی چه؟ هیچ معنای مشخّص و هیچ پایانی ندارد. هر اقدامی بخواهد انجام بگیرد، اگر به سودشان نباشد، به بهانه‌ی امنیّت روانی، می‌توانند

۱. بیانات در دیدار مدیران صدا و سیما ۱۳۸۱/۱۱/۱۵

آن را خنثی کنند. بسیاری را در دنیا قانع کردند که به امنیّت روانی احتیاج دارند و باید امنیّت روانی آنها تأمین شود.

برآوردن نیاز اسرائیل در مورد امنیّت روانی، مشکلتر است از چشم پوشیدن از سرزمین. شما وقتی سرزمین را از دست می‌دهید، می‌دانید چه چیزی را از دست دادید؛ اما وقتی می‌خواهید خواسته‌ی اسرائیل را در مورد امنیّت روانی برآورده کنید، نمی‌دانید تا کجا باید تسلیم شوید و تا کجا باید امتیاز بدهید. این امتیاز دهی، پایانی ندارد؛ مرتّب باید امتیاز داد. تجربه‌ی اروپا در این مورد، عبرت‌آموز است. دولت آلمان صد و پنجاه میلیارد مارک به عنوان خسارت به یهودیان داد؛ اما خسارت یهودیان از آلمان هنوز تمام نشده است؛ باز هم خسارت طلبکارند و باید به آنها داده شود! آنچه یهودیان با آلمان کردند، کم و بیش با برخی کشورهای اروپایی دیگر - مثل اتریش، سوئیس، فرانسه، حتّی تا چند سال قبل با واتیکان - نیز انجام دادند. همه باید خسارت بدهند؛ این خسارت تمام شدنی نیست!

در بعد روانی، اسرائیلیها فعّالیتهای بسیار مهمّی دارند. همه‌ی سیاستمداران، خبرنگاران، روشنفکران، کارگزاران و نخبگان غرب باید در مقابل بنای یادبود کوره آدم‌سوزی سر تعظیم فرود بیاورند؛ یعنی همه، داستانی را که اصل صحّت آن معلوم نیست، مورد تأکید قرار دهند و خود را بدهکار آن داستان قلمداد کنند. اینها روشهایی است که در تبلیغ دارند و همه معطوف به «مظلوم‌نمایی» است.

البته در بخش دیگری از دنیا، با تکیه بر داستانهای ذکر شده در تورات و این که این‌جا سرزمینی است که به فرزندان اسرائیل بخشیده شده، بسیاری از مسیحیان را هم با خود همفکر و همدل کردند. آن طوری که من در آماری ملاحظه کردم، اینها توانسته‌اند در برخی کشورها - از جمله عمدتاً در امریکا- به عنوان پشتوانه‌ی افکار عمومی، با همین تبلیغات، میلیونها صهیونیست غیر یهودی درست کنند! اینها سالهاست که این کار تبلیغاتی را می‌کنند. امروز هم با شدّت هر چه تمامتر همین تبلیغات در دنیا ادامه دارد.

البته از حوادثی هم که پیش آمد - مثل حادثه بیستم شهریور (یازده سپتامبر) در نیویورک و واشنگتن - حداکثر سوء استفاده را کردند و توانستند

مسأله‌ی فلسطین را از متن قضایای دنیای اسلام به حاشیه برانند. از این جهت هم صهیونیستها صددرصد مورد کمک امریکا قرار گرفتند. اما در مقابل، هیچ کس حق ندارد و نباید در کشورهایی که ادّعای آزادی می‌کنند، آتش زدن زندگی زنان و کودکان فلسطینی را مورد سؤال و اعتراض قرار دهد و قساوتهایی را که امروز علیه ملت فلسطین به کار می‌رود، ذکر کند.

با توجه به این روش تبلیغی و شناخت روانی‌ای که انسان از دشمن پیدا می‌کند، مجموعه‌ی مسؤولان و کارگزاران رسانه‌های کشورهای اسلامی باید مسؤولیت خود را احساس و راه خود را تنظیم کنند. این یک کار حیاتی و مهمّ است. امروز نه فقط برای ملت فلسطین، بلکه برای دنیای اسلام، این یک کارِ حیاتی و یک وظیفه‌ی سنگین است.

به عنوان یک مثال، من تجربه‌ی جنوب لبنان را - که دوستان در جریان آن هستند - به عنوان یک الگو می‌توانم مطرح کنم. مؤمنین و جوانان مبارز لبنان توانستند از اهرم و عامل تبلیغات به بهترین وجه و به صورت شایسته، در حرکت عظیمی که علیه صهیونیستها کردند، استفاده کنند؛ توانستند عنصر مقاومت و فداکاری را به دنیای اسلام درست منعکس کنند؛ به این ترتیب است که دشمن به ستوه می‌آید. همه‌ی دنیای اسلام فهمید که مقاومت در جنوب لبنان چه می‌کند و چه کار می‌خواهد بکند و هدفش چیست. در آن‌جا تبلیغات به شیوه‌ی خوب و درستی به کار رفت. خودی روحیه پیدا کرد، دشمن روحیّه‌اش ضعیف شد و به ستوه آمد. این کاری است که ما همیشه باید بکنیم. دنیای اسلام همیشه در حال مبارزه و مورد حمله است. این قطعه‌ای از بدن دنیای اسلام است که امروز در چنگال صهیونیستهاست؛ شب و روز به آن حمله می‌کنند؛ لذا باید از رسانه‌ها حداکثر بهره‌برداری به نفع این قضیه به عمل آید.

لازم است برای استراتژی تبلیغی علیه صهیونیستهای غاصب، یک طرّاحی بنیادین صورت گیرد. این‌که ما به صورت تاکتیکی در هر موقعیّتی بخشی از مظلومیتها را بیان کنیم کافی نیست. باید یک راهبرد عمومی، تبلیغی در همه‌ی دنیای اسلام به صورت مشترک تعیین و به آن عمل شود.

ما رسانه‌های بزرگ دنیا را در اختیار نداریم؛ اما آنچه را هم که در اختیار

داریم؛ چیز کمی نیست. ما باید از سرمایه و موجودی خود – که متعلّق به دنیای اسلام است – حداکثر استفاده را بکنیم.

... ما نباید به تسلیم کردن و نومید کردن ملت فلسطین کمک کنیم؛ ما باید حقیقت را بیان کنیم. حقیقت، امید و افق تازه و به لرزه درآمدن زانوان صهیونیستها و محتاج شدن و مستأصل شدن قدرتهای حامی صهیونیستها در مقابل حرکت عمومی ملتی است که متّکی به ایمانش حرکت می‌کند. آن ملتی که یکپارچه حرکت می‌کند و به ایمان خود متّکی است، شکست‌پذیر نیست. ما باید این حقایق را برای ایجاد امید بیشتر در دلهای کسانی که وسط میدان و صحنه‌اند، روشن کنیم و زمینه‌ی روانی مقاومت را فراهم نماییم. وظیفه‌ی رسانه‌ها این است که کاری کنند تا زمینه‌ی روانیِ مقاومت پیدا شود.

...سیستم رسانه‌ای اسلام و سیستم رسانه‌ای عرب باید طوری رفتار کند که معنایش این نباشد که از معرکه دور است. شما وسط میدانید؛ چه بخواهید و چه نخواهید. امروز، روزی است که هر اقدام ما، در آینده‌ی تاریخ اثر می‌گذارد و ثبت خواهد شد. ما امیدواریم که همه‌ی دنیای اسلام این قضیه را با همه‌ی ابعادش به‌روشنی درک کند و بر طبق آنچه وظیفه‌ی اوست، عمل کند. [1]

لزوم استفاده از روشهای تبلیغاتی برای مبارزه با اسرائیل

غالباً دو نکته از نظر شعاردهندگانِ به نام اسرائیل، دور می‌ماند. ما این دو نکته را اجمالاً عرض می‌کنیم...نکته‌ی دوم[2] این است که یکی از چیزهایی که در روز اول، ایجاد دولت غاصب را زمینه‌سازی کرد و امروز هم ادامه‌ی آن دولت را زمینه‌سازی می‌کند، تبلیغاتی است که دستگاه تبلیغاتی سراسری صهیونیستها و دوستانشان در همه جای دنیا، به راه انداخته‌اند. برای افکار مردم دنیا، این‌طور وانمود کرده‌اند که صاحبِ خانه، آن کسانی هستند که بر آن‌جا حکومت می‌کنند و یک عده دور از فرهنگ هم برای آنها مزاحمت

---

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش بین‌المللی رسانه‌های جهان اسلام حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین ۱۳۸۰/۱۱/۱۱

۲. نکته‌ی اول در صفحه‌ی ۱۶۵

ایجاد می‌کنند! متأسفانه، این را در دنیا جا انداخته‌اند. روی این قضیه، در افکار عمومی و در فرهنگ عام جهانی، کار تبلیغاتی کرده‌اند؛ ولی ما مسلمین غافل بوده‌ایم! ما مسلمین، به شیوه‌های تبلیغاتی دشمن وقوف پیدا نکرده‌ایم. از بهترین شیوه‌ها، برای بیان حقانیت مردم فلسطین استفاده نکرده‌ایم.

آنچه بر این مقدمه می‌خواهم مترتب کنم، این است که در تمام اقطار عالم، همه‌ی روشنفکران و نویسندگان و هنرمندان و کسانی که در تبلیغات، اندک دستی دارند، باید با احساس وظیفه‌ی کامل نسبت به این قضیه، ادای تکلیف بکنند.

بعد از جنگ جهانی دوم، یهودیها در سرتاسر دنیا، برای مظلوم‌نمایی، صدها و بلکه هزارها فیلم درست کرده‌اند، تا چهره‌ی آنها را مظلوم و چهره‌ی کسانی را که با آنها مقابل بودند - به صورت واقعی یا غیرواقعی - ستمگر نشان بدهد. تا آن‌جا که ما اطلاع داریم، ظلمی که امروز به ملت فلسطین می‌شود، هیچ‌وقت به مجموعه‌ی یک ملت نشده است؛ در حالی که متأسفانه افکار عمومی دنیا، از این ظلم مطّلع نیست. این، بایستی درست بیان بشود. باید فیلمها ساخته بشود، باید کارهای هنری انجام بگیرد تا همه‌ی افکار عمومی دنیا بدانند که چه می‌گذرد.

متأسفانه باید اعتراف کنیم که روشنفکران ما و کسانی که می‌توانستند، کوتاهی کردند. ما باید در سطح عالم، مسأله‌ی فلسطین را آن‌چنان که هست، معرفی بکنیم. برای این کار باید سرمایه‌گذاری بشود و افراد، تلاش و کار کنند. این، نکته‌یی بوده است که ما از آن غفلت کرده‌ایم.[1]

اتفاقاً دو، سه سال پیش نیز ایتالیاییها کتابی نوشتند که به فارسی هم ترجمه شده است؛ آن‌جا هم به وجود بخش هنری سازمان سیا و فعّالیتهای گوناگونش اشاره شده است. سیاست، این‌گونه از هنر استفاده می‌کند. شما در این‌جا می‌خواهید چه کار کنید؟ اگر همه‌ی سیاستمداران و مستکبران و قلدران و صاحب‌اختیاران دنیا می‌آمدند در مقابل کتاب مقدّس خودشان قسم جلاله می‌خوردند که از هنر استفاده نکنند، می‌شد آدم نسبتاً خیال راحتی پیدا کند و بگوید بسیار خوب، الحمدلله، هنر خلاص شد؛ اما آنها از هنر

۱. سخنرانی در دیدار شرکت‌کنندگان در اولین کنفرانس اسلامی فلسطین ۱۳۶۹/۰۹/۱۳

استفاده می‌کنند. شما می‌خواهید چه کار کنید؟ آیا شما می‌خواهید در مقابله با مطامعی که آنها به وسیله‌ی هنر به آن می‌رسند، از این ابزار بهره نبرید؟ این خردمندانه است؟ نه؛ این خردمندانه نیست.

.... این جرم جمهوری اسلامی است. در زمینه‌ی مسائل گوناگون و قضیه‌ی فلسطین و غیره نیز همین‌طور است. به جرم تسلیم نشدنِ یک ملت در مقابل تمایل مستکبرانه‌ی قدرتهای جهانی، این ملت محکوم می‌شود که با همه‌ی ابزارها – از جمله ابزار هنری – با او بشدّت مبارزه شود. همان‌گونه که عرض کردم، سازمان سیا بخش هنری دارد و فیلمهایی که بعد از انقلاب علیه ما و علیه شیعه و اسلام درست کردند، بسیار زیاد است. شما که یک فیلمساز و سینماگر و بازیگر سینما و تئاتر و موسیقیدان و آهنگساز ایرانی هستید و این واقعیّت و مظلومیت را ادراک می‌کنید، تکلیفتان چیست؟ آیا هیچ تکلیف مردمی وجود ندارد؟

..... آنها این همه سلاح تولید می‌کنند و به همه‌ی دنیا می‌دهند. بنابراین حقیقت قضیه این است که خود آنها بیشترین خشونت را مرتکب می‌شوند. از تروریسم صحبت می‌کنند؛ ولی مرادشان این است که چرا جمهوری اسلامی از مبارزان فلسطینی که از وطن خودشان دفاع می‌کنند، حمایت می‌کند. از نظر رسانه‌های جهانی، حمایت از تروریسم، یعنی حمایت از مبارزان فلسطینی! خراب کردن خانه‌ی فلسطینی روی سرش توسط تانک اسرائیلی و کشتن بچه‌ی چند ماهه، تروریسم نیست؛ اما وقتی نظامیِ خشنِ جنایتکاری در حادثه‌ای کشته می‌شود، در مطبوعاتِ خودشان عکس زَنش را جدا، عکس بچه‌اش را جدا – در حال گریه کردن و شیون زدن – و عکس خاکسپاری‌اش را جدا منتشر می‌کنند؛ برای این‌که نشان دهند این طرف خشونت می‌ورزد! اینها کارهای تبلیغاتی‌ای است که می‌کنند. غرض این است که به هنر و سیاست باید قدری عمیقتر نگاه کنیم. نمی‌شود ساده‌اندیشی کرد.[1]

۱. بیانات در دیدار اصحاب فرهنگ و هنر ۱۳۸۰/۰۵/۰۱

فصل هفتم
مسؤولیت نخبگان

مسؤولیت علما، روشنفکران، سیاستمداران، شاعران، نویسندگان، هنرمندان و دانشگاهیان مسلمان

همه در این زمینه مسؤول و موظّفند. روشنفکران و سیاستمداران و شاعران و نویسندگان و هنرمندان و دانشگاهیان مسؤولند. اینها قشرهای اثرگذارند؛ اینها کسانی‌اند که می‌توانند رسانه‌ها را به‌درستی تغذیه کنند. شما که در این‌جا جمع شده‌اید، همین اجتماعتان یک حادثه‌ی بزرگ است. در این اجتماع، شما می‌توانید این را پایه‌ای برای یک حرکت هماهنگِ رسانه‌ای در همه‌ی دنیای اسلام قرار دهید. این کارِ ممکنی است. چرا ما از ابزارهای خود استفاده نمی‌کنیم؟

بسیاری از نویسندگان و روشنفکران دنیای اسلام به سردمداران برخی از کشورهای اسلامی و دولتهایی که رفتار مناسبی در مقابل صهیونیستها ندارند، اعتراض می‌کنند و می‌گویند چرا از نفت و ثروت و از امکان سیاسی خود علیه صهیونیستها استفاده نمی‌کنید؟ البته این اعتراض وارد است و به نظر ما این اشکال، اشکال درستی است؛ اما عیناً می‌شود همین سؤال را در دنیای روشنفکری، نویسندگی و دنیای دانشگاهها مطرح کرد: چرا از سرمایه‌ی عظیم علمی و روشنفکری، چنان که باید و شاید، استفاده نمی‌شود؟ گاهی یک شعر

و یک قصیده تأثیری می‌گذارد که بسیاری از پولها و ثروتها نمی‌تواند آن اثر را به وجود آورد. یک روز یک شاعر فلسطینی قصیده‌ای گفت و دلهای دنیای عرب را به شورش وادار کرد – این مربوط به سال ۶۷ یا ۶۸ است – گاهی یک شگرد خوب رسانه‌ای یا یک حرکت هماهنگ تبلیغاتی، از بستن شیرهای نفت اثرش بیشتر می‌شود. [۱]

شما علمای اسلام و نویسندگان و روشنفکران و دانشجویان کشورهای اسلامی، وظایف فوری‌تری دارید. شما می‌توانید ملتها را از عظمت مصیبتی که امریکا و اسرائیل برای جهان اسلام تدارک می‌بینند، آگاه کنید و نیروی عظیم ملی را برای مقابله با آن بسیج نمایید. دولتهایی که خود را برای همراهی با این خیانت آماده می‌کنند، باید خطر خشم ملتهای خود را دریابند. [۲]

البته علمای اسلام در سرتاسر دنیای اسلام و همچنین روشنفکران دنیای اسلام مسؤولیتهای ویژه‌ای دارند. به صِرف این‌که امریکاییها از حرکتی ناراضی هستند، نباید فلان عالم و فلان مفتی را در فلان کشور عربی و اسلامی به اتّخاذ یک موضع ضدّ اسلامی وادار کند؛ که متأسفانه در قضیه‌ی اخیر، یکی دو موردِ چنین در دنیای اسلام مشاهده شده است. علمای اسلام، علمای کشورهای اسلامی، روشنفکران دنیای اسلام، شاعران، گویندگان، نویسندگان، هنرمندان و قشر دانشجو در سرتاسر دنیای اسلام، همه باید امروز در حمایت از مردم فلسطین نقش ایفا کنند – وظیفه‌ی آنهاست – و این نقشها مؤثّر است و می‌تواند به این ملت مظلوم یاری برساند. زبان و حرف، کافی نیست. موضعگیریهای قاطع مردم، از بسیاری از کمکها بالاتر و تأثیرش بیشتر است. این وظیفه است و امیدواریم خداوند متعال توفیق دهد تا همه بتوانند این وظیفه را انجام دهند. [۳]

امروز دولتها و ملتهای مسلمان بویژه عرب، وظیفه‌ی سنگینی بر دوش

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش بین‌المللی رسانه‌های جهان اسلام حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین ۱۳۸۰/۱۱/۱۱

۲. پیام به ملتهای مسلمان، علما، نویسندگان، روشنفکران و دانشجویان کشورهای اسلامی، به منظور بسیج نیروهای عظیم کشورهای اسلامی برای مقابله با توطئه‌های خباثت‌آمیز امریکا و اسرائیل در کنفرانس مادرید۱۳۷۰/۰۷/۲۵

۳. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی ۲۱ رمضان ۱۳۸۰/۰۹/۱۶

دارند. وظیفه‌ی دولتها البته بسیار سنگین و خطیر است؛ اما سنگینی وظیفه‌ی ملتها بویژه علمای دینی و شخصیتهای سیاسی و نخبگان دانشگاهی و روشنفکران و دیگر عناصر اثرگذار از سنگینی وظیفه دولتها کمتر نیست. این وظیفه‌ی عبارتست از کمک رساندن و روحیه دادن و این جهاد مقدس را تداوم بخشیدن.

از خداوند متعال می‌خواهم که به همه‌ی ما توفیق عمل به این وظیفه را عنایت فرماید.[1]

وظیفه‌ی روشنفکران در مبارزه با جنگ تبلیغاتی دشمن

نومیدسازی، تحقیر هویت، به رخ کشیدن قدرت و تمکّن مادی خویش. امروز و در آینده هزاران ابزار تبلیغی به کار افتاده و خواهد افتاد که مسلمانان را از آینده‌یی درخشان نومید و یا به آینده‌ئی که منطبق با نیّات پلید خود آنان است ترغیب کنند.

این جنگ فرهنگی و روانی از آغاز دوران استعمار تاکنون، کاری‌ترین ابزار غرب در سلطه‌گری‌اش بر کشورهای اسلامی بوده است. آماج این تیر زهرآلود، نخست نخبگان و روشنفکران و سپس توده‌ی مردم‌اند. مبارزه با این ترفند جز با رویگردانی از فرهنگ تحکّم‌آمیز و تحمیلی غرب ممکن نیست. فرهنگ غربی باید بوسیله‌ی نخبگان و روشنفکران، پالایش شود. عناصر مفید آن جذب، و اجزاء زیانبار و مخرّب و فسادانگیز آن از ذهن و عمل جامعه‌های اسلامی طرد شود. معیار در این پالایش بزرگ، حکمیّت فرهنگ اسلامی و اندیشه‌های بارور و راهگشا و هدایتگر قرآن و سنت است. این یک فصل اساسی از مبارزه‌ی همه جانبه و خوش عاقبتی است که علمای دینی و روشنفکران و نخبگان سیاسی در سراسر جهان اسلام بر عهده دارند. به امید آن‌که حج امسال بتواند عزم همگان را در پیمودن این راه پربرکت و پرافتخار، راسخ و جازم کند.[2]

---

۱. پیام به کنفرانس بین‌المللی امام خمینی (قدس‌سره) و حمایت از فلسطین ۱۳۸۱/۰۳/۱۲

۲. پیام به حجاج بیت الله الحرام ۱۳۷۹/۱۲/۱۲

وظیفه‌ی سیاستمداران، اندیشمندان و روشنفکران نسبت به حفظ وحدت

امت اسلامی باید بیدار باشد؛ باید در مقابل اینها بایستد. وظیفه‌ی درجه‌ی اول هم بر دوش سیاستمداران است. مسؤولان و زمامداران کشورهای اسلامی بهوش باشند. این فریاد ممکن است از گلوی بعضی از سیاستمداران خودی خارج شود؛ اما ما اشتباه نمی‌کنیم. ما در شناخت عامل اصلی خطا نخواهیم کرد. از گلوی اینهاست، اما مال اینها نیست؛ فریاد، فریاد دیگران است، مربوط به قدرتهای استکباری دنیاست. آنها هستند که مخالف وحدت امت اسلامی‌اند. اگر از حنجره‌ی کسانی از داخل امت اسلامی هم خارج شود، اینها فریب خورده‌اند. این صدا، صدای اینها نیست. این صدای آنهاست؛ این صدا را می‌شناسیم. در درجه‌ی اول، سیاستمداران و مسؤولان و باز در درجه‌ی مهم و بالا، اندیشمندان، کسانی که با مغز و دل مردم سر و کار دارند؛ علمای دین، روشنفکران، نویسندگان، روزنامه‌نگاران، شعرا، ادبا، دانشمندان دنیای اسلام، این وظیفه‌ی بزرگ را بر عهده دارند که به مردم، سرانگشتانی را که می‌خواهند در این وحدت اختلال کنند و این رشته‌ی مستحکم الهی را از دست مسلمانها بگیرند، معرفی کنند.

قرآن به ما صریحاً می‌گوید: «و **اعتصموا بحبل الله جمیعاً**»[1]؛ با همدیگر اعتصام به حبل الله پیدا کنید. اعتصام به حبل الله را تک تک هم می‌شود انجام داد؛ اما قرآن می‌گوید: «و **اعتصموا بحبل الله جمیعاً**»[2]؛ با هم باشید. «و **لاتفرّقوا**»[3]؛ تفرق پیدا نکنید، حتّی در اعتصام به حبل الله؛ چه برسد به اینکه بعضی بخواهند اعتصام به حبل الله کنند، بعضی بخواهند اعتصام به حبل الشیطان بکنند. حتّی اعتصام بحبل الله هم که همه بخواهند بکنند، «جمیعاً»؛ با هم، همدلانه این کار انجام بگیرد. این مسأله‌ی بزرگ دنیای اسلام است.

امیدواریم خداوند متعال به همه‌ی آحاد امت اسلامی و همه‌ی ملتهای اسلامی و همه‌ی دولتهای اسلامی توفیق بدهد که این مسأله‌ی مهم را با وزن آن، با همان مقدار اهمیت آن تلقی کنند و آن را در عمل اجرا کنند. و رضوان

۱. سوره‌ی آل‌عمران،آیه‌ی۱۰۳
۲. همان
۳. همان

الهی و رحمت الهی باد بر روح امام بزرگوار ما که فریاد وحدت را در دوران ما و در زمان ما، او بود که بلند کرد و مسلمانان را به این اتحاد دعوت کرد. امیدواریم خداوند متعال دلهای ما را با سروش الهی، با دعوت الهی هرچه بیشتر مأنوس کند؛ آشنا کند و آینده‌ی امت اسلامی از گذشته‌ی آن بمراتب بهتر باشد.[1]

وظایف سنگینِ دلسوزان فلسطین

اکنون که شما عزیزان به عنوان یک وظیفه‌ی اسلامی، برای حمایت از انتفاضه گرد هم آمده‌اید، وظایف بس سنگینی را بر دوش دارید. قبل از هر چیز باید نشان دهید که جهان اسلام در سایه‌ی بیداری اسلامی، مصمّم به بازگشت به سنّتهای حسنه‌ی تاریخ شکوهمند اسلام است و همان سنّتها و در رأس همه، وحدت مسلمانان است که در گذشته موجب شد مسلمانان در نبردهای سرنوشت‌ساز علیه متجاوزان صلیبی پیروز شوند. در آن واقعه‌ی عظیم تاریخی، از همه‌ی جهان اسلام، مجاهدین جهت پیوستن به کارزار سرنوشت‌ساز و طولانیِ نبرد کفر و ایمان روانه شدند.[2]

کنفرانس تهران در سال ۱۳۷۰؛ کانون امید برای مخالفان سازش

کنفرانس گذشته‌ی فلسطین که در تهران تشکیل شد، یک نقش اساسی و مثبت ایفا کرد؛ به این معنی که کانون امیدی را برای مخالفان روند سازش فراهم کرد و درعین‌حال به مردم فلسطین روحیه و امید بخشید. مواضع ایران اسلامی و پایداری منحصر به فرد آن در میان دولتهای اسلامی نیز توانست به این مردم قهرمان امید بخشد.[3]

---

۱. بیانات در دیدار جمعی از مسؤولان در سالروز ولادت حضرت رسول اعظم(ص) ۱۳۸۷/۱۲/۲۵

۲. سخنرانی در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین ۱۳۸۰/۰۲/۰۴

۳. همان

دستاورد مطلوب کنفرانس تهران در سال ۱۳۸۰؛ حمایت معنوی از پایداری

اینک نیز مردم فلسطین بیش از هر چیز به حمایت معنوی و پایداری در مواضع نیاز دارند. درست است که نیاز مالی نیز دارند و باید برای آن، اقدامات جدّی نمود؛ ولی خود آنها در مصاحبه‌های مختلف می‌گویند که ما بیش از هر چیز به موضعگیری نیرومند عربی – اسلامی نیازمندیم.[۱]

کنفرانس شما باید زمینه‌ی تحقّق چنین امری را فراهم نماید و مردم فلسطین را دلگرم به حمایتهای بی‌دریغ و فراگیر امت اسلامی کند. شما نمایندگان کشورهای مختلف اسلامی می‌توانید با تلاش در این مسیر، امکانات ملتهای خودتان را برای آزادی فلسطین بسیج کنید. ...مردم فلسطین را باید به ادامه‌ی مقاومت دلگرم کنید. مردم فلسطین خوب می‌دانند که آنچه بر اقدامات سرکوبگرانه‌ی اسرائیل در لبنان لگام زده است، توان مقاومت اسلامی در پاسخگویی به اسرائیل و وارد آوردن ضربات سهمگین به آن می‌باشد و نه اتّکاء به تلاشهای مسالمت‌آمیز و میانجیگری این و آن.[۲]

نقدترین و فوری‌ترین مطالبات ملت فلسطین

نقدترین و فوری‌ترین مطالبات ملت فلسطین این است که عاملان کشتار فلسطینی در این سه هفته باید در یک دادگاه اسلامی یا عربی، محاکمه و مجازات شوند. آن موجود پلیدی[۳] که با حضور خود در مسجدالاقصی احساسات مردم مسلمان را جریحه‌دار کرد، باید مجازات شود. قدس شریف و شهر بیت‌المقدس باید از وجود صهیونیستها بکلّی پاکسازی شود؛ اجازه داده شود که ملت فلسطین آزادانه نسبت به آینده و سرنوشت خود تصمیم بگیرد. اینها مطالبات نقدی است که سران کشورهای عربی می‌توانند مطرح کنند.[۴]

---

۱. سخنرانی در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین۱۳۸۰/۰۲/۰۴
۲. همان
۳. آریل شارون
۴. سخنرانی در اجتماع بزرگ بسیجیان شرکت کننده در اردوی فرهنگی، رزمی یاران امام علی(ع) ۱۳۷۹/۰۷/۲۹

لزوم درخواستهای عملی در کنفرانسها

همه وظیفه دارند. در درجه‌ی اول، دولتهای اسلامی و مقدّم بر همه، دولتهای عرب وظیفه دارند. ظاهراً قرار است چند روز دیگر کنفَرانسی از اتّحادیه‌ی عرب تشکیل شود. ما تشکیل این کنفرانسها را تأیید می‌کنیم. هم سازمان کنفرانس اسلامی و هم اتّحادیه‌ی عرب باید بنشینند و برای این مسائل فکر کنند. راه مقابله این است که از نیرو و ثروت و جمعیت عظیم و امکانات جهان اسلام و قدرت رأی آن در مجامع بین‌المللی، برای دفاع از ملت فلسطین استفاده کنند. به صِرف یک قطعنامه و دو کلمه حرف، اکتفا نکنند؛ بلکه امریکا را به قطع مناسبات گوناگون و به اتّخاذ مواضع قاطع تهدید کنند و از رژیمهای اروپایی بخواهند که وارد میدان شوند.[1]

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی ۲۱ رمضان ۱۳۸۰/۰۹/۱۶

فصل هشتم
مسؤولیت دیگر افراد و اقشار

وظیفه‌ی حجّاج؛ لزوم بالاتربردن بصیرت سیاسی

مسلمانانی که از چهارگوشه‌ی جهان در اینجا به شوق طواف کعبه و زیارت حرم رسول اعظم صلی‌الله علیه و آله گرد آمده‌اند باید این فرصت را برای مستحکم کردن پیوندهای برادری میان خود که درمان بسیاری از دردهای بزرگ امت اسلامی است مغتنم شمارند. امروزه آشکارا می‌بینیم که دست بدخواهان دنیای اسلام، بیش از گذشته در کار تفرقه‌افکنی میان مسلمانان است و این در حالی است که امت اسلامی امروزه بیش از گذشته به انسجام و همدلی نیازمند است. امروز پنجه‌ی خونین دشمنان در جای جایِ سرزمینهای اسلامی بطور نمایان در کار فاجعه‌آفرینی است؛ فلسطین در سیطَره‌ی خباثت صهیونیستها در رنج و محنت روزافزون است؛ مسجدالاقصی در معرض خطر جدی است؛ مردم مظلوم غزه پس از آن نسل کشی بی‌سابقه همچنان در سخت‌ترین شرائط به سر می‌برند...

... اشغالگران از سویی نهضتهای مقاومت مردمی در فلسطین و لبنان و دیگر نقاط را تروریست می‌نامند و از سویی تروریسم وحشی فرقه‌یی و قومی را میان ملتهای این منطقه سازماندهی و رهبری می‌کنند. [1]

---

۱. پیام حضرت آیت الله خامنه ای به کنگره‌ی عظیم حج سال ۱۴۳۰ ۱۳۸۸/۰۹/۰۵

وظیفه‌ی حجّاج نسبت به مسأله‌ی فلسطین

حجاج بیت‌الله‌الحرام و برادران و خواهرانی که امسال از سراسر عالم درخانه‌ی خدا گرد می‌آیند، بکوشند تا با طرح مصائب و مشکلات مسلمین و تلاش برای ایجاد وحدت و همدلی مسلمانان – که شرط اصلی نجات مسلمین از چنگال امپراتوری زر و زور و سلطه‌ی جهانی است – و نشر معارف اساسی اسلام و تبادل‌نظر در وظایف بزرگ مسلمین در دوران معاصر، حج را ابراهیمی و محمّدی (صلّی‌الله علیه‌واله) سازند.

شعار محو غده‌ی سرطانی اسرائیل که از سوی امام عظیم‌الشأن و قائد کبیر اسلام، امام خمینی(رضوان‌الله‌علیه) مطرح شد، علی‌رغم میل سازشکاران سیاستباز، باید با قوّت و شدت مطرح شود و به صدای عمومی مسلمین در حج تبدیل گردد.[1]

در حج باید مسائل جهان اسلام بررسی شود. بزرگترین مسأله‌ی عمومی مسلمین پس از لزوم آمادگی برای دفاع از اسلام و هویت جمعی مسلمین، مسأله‌ی ملتهای زیرستم و مبارزی است که دست طغیان و کفر و استکبار، آنان را مقهور و مظلوم ساخته و سخت‌ترین شرایط زندگی را برآنان تحمیل کرده است. ملت مظلوم فلسطین، نمونه‌ی بارزی از این‌گونه ملتهاست. چهل سال است که این ملت، از خانه و کاشانه‌ی خود بیرون رانده شده و یا در وطن خویش غریبانه زندگی کرده است. این، زخم خونین و دردناکی بر پیکر امت اسلامی است که با توطئه‌ی دولتهای استعمارگر و ضد اسلام و به دست جنایتکار صهیونیستها چهل سال پیش وارد شده و هر روز نمکی بر آن پاشیده شده است.[2]

آن هم رفتار سازمانهای بین‌المللی و بعضی دولتهای اروپایی و انگلیس و دیگران! خوب؛ یک عده مسلمان، در آن‌جا مظلوم واقع شده‌اند و منتظرند که چه وقت قتل عام شوند! مسلمانان در این مورد چه کنند؟ آیا راهی غیر از حج وجود دارد؟ آن عاملی که قدرتهای استکباری را می‌لرزاند، «سوادالناس»

۱. پیام به حجاج بیت‌الله‌الحرام ۱۳۶۹/۰۴/۰۷
۲. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام۱۴/ ۰۴/ ۱۳۶۸

یعنی توده‌ی مردم است؛ والاّ، چند دولت، در فلان کنفرانس که در فلان گوشه‌ی دنیا برگزار می‌شود، بنشینند و قطعنامه‌ای هم صادر کنند. اهمیتی نمی‌دهند! صد قطعنامه هم صادر کنند، بی‌نتیجه است. مگر علیه صهیونیستهای غاصب، تا کنون چندین قطعنامه صادر نشده است؟ یعنی هیچ؛ یعنی باد هوا! قطعنامه فایده‌ای ندارد. آن عاملی که قدرتهای استکباری را به معنای واقعی می‌ترساند و متوقف می‌کند، حضور آحاد ملتهاست. کجا بهتر از حج؟ دو میلیون مسلمان از همه‌ی کشورهای اسلامی در آن‌جا جمع می‌شوند. از هر کدامشان بپرسی: «احساس شما نسبت به گوراژده چیست؟» خواهد گفت: «دلم می‌خواهد به گوراژده بروم و از مسلمانان مظلوم آن‌جا دفاع کنم.» حیف نیست که ما این جماعت را از دست بدهیم؟! حیف نیست اجتماعی به این خوبی که این همه می‌تواند برکت داشته باشد و جان این همه مسلمان را نجات دهد، از دست برود؟! آن وقت، این سیاسی کردن حج است؟![1]

انتظار از دولتهای غیر مسلمان(اروپایی)

انتظار از دولتهای غیر مسلمان – عمدتاً دولتهای اروپایی – این است که در مقابل جنایاتی که علیه یک ملت – علیه مردان، علیه پیرمردان، علیه زنان، علیه نوجوانان، علیه بچه‌ی چندماهه و شیرخوار – انجام می‌گیرد، سکوت نکنند. چرا سکوت می‌کنند؟ چطور با وجود این همه جنایت، باز از آن دولت غاصب و اشغالگر حمایت می‌کنند؟ مگر ادّعا نمی‌کنند که طرفدار حقوق انسانند؟ اگر این حرف، دروغ و فریب و بازی سیاسی و وسیله‌ای برای چاپیدن ملتها نیست، این‌جا میدان امتحان آن است. این‌جا حقوق انسان پامال می‌شود؛ موضع بگیرند، حرف بزنند، کارهای اسرائیل را تقبیح کنند و روی او فشار آورند. همچنان‌که برای چند مجرم یهودی که در فلان جای دنیا به خاطر یک جرم جاسوسی محاکمه می‌شوند، بسیج می‌گردند و وظیفه‌ی خودشان می‌دانند که دخالتی بکنند و حرفی بزنند – در حالی که آن‌جا مجازات مجرم و کار قانونی صورت می‌گیرد – این‌جا هم که یک ملت،

1. بیانات در دیدار مسؤولان و دست‌اندرکاران حج ۱۳۷۳/۰۱/۳۱

مظلوم واقع می‌شود، دخالت کنند. چرا دخالت نمی‌کنند؟ برای دولتهای اروپایی و غیره ننگ است که تحت تأثیر عوامل صهیونیست و کمپانیهای وابسته‌ی به صهیونیستها و ثروتمندان صهیونیست باشند. ما به امریکا چیزی نمی‌گوییم و از او توقّعی نداریم؛ او نه خواهد کرد و نه می‌تواند بکند؛ چون هیأت حاکمه‌ی امریکا در مشت صهیونیستها قرار دارد.[۱]

فلسطین؛ محل امتحان دولتهای اروپایی

امروز برای اروپاییها و غربیها هم روز امتحانِ بزرگی است. باید امتحانشان را در دفاع از حقوق بشر و آزادی – که این همه ادّعایش را می‌کنند – پس بدهند. چطور از یک ملت با این میزان از مظلومیت نمی‌شود دفاع کرد؟! البته بعضی از دولتهای اروپایی، زبانی چند کلمه چیزی گفته‌اند، اما اینها کافی نیست. سازمان کنفرانس اسلامی و دولتهای اسلامی وظیفه دارند.[۲]

راه دوم[۳] حمایتهاست. همه‌ی دنیا باید از اینها حمایت کنند. البته ملتها حمایت کردند. در اروپا هم ملتها حمایت کردند، دست به راهپیمایی زدند و با انواع و اقسام راهها و شیوه‌ها، خواست قلبی خود را نشان دادند. حتّی در داخل کشور ایالات متّحده‌ی امریکا هم این حمایتها ابراز شد. بعد از این هم این چیزها ادامه خواهد داشت؛ لیکن دولتها باید به وظیفه‌ی خود عمل کنند. از همه واجبتر، دولتهای اسلامی و بالاخص دولتهای عربی هستند.[۴]

وظیفه‌ی سازمان کنفرانس اسلامی؛ دفاع از فلسطین

امروز سازمان کنفرانس اسلامی که وظیفه و اساس فلسفه‌ی وجودی‌اش اصلاً دفاع از فلسطین و مسأله‌ی فلسطین بوده، واقعاً وظیفه دارد که ایستادگی

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۰/۰۲/۲۸
۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی ۲۱ رمضان ۱۳۸۰/۰۹/۱۶
۳. راه اول در صفحه ۲۱۷ آمده‌است
۴. بیانات در دیدار گروه کثیری از کارگران و معلمان به مناسبت روز کارگر و هفته‌ی معلم ۱۳۸۱/۰۲/۱۱

کند؛ دنیای اسلام را در مقابل این حرکت موذیانه‌ی صهیونیستها و حامیانشان – که اغلب دولتهای مستکبر غربی، علی‌رغم اختلافاتی که دارند، در این پشتیبانی سهیم و شریکند – بسیج کند. [1]

وظیفه‌ی ورزشکاران

این کارِ آقای آرش[2] عزیزمان هم از آن کارهای بسیار برجسته بود؛ خیلی کار باارزشی بود. ایشان اگر مسابقه‌اش را برگزار می‌کرد و پیروز هم می‌شد، ارزش کارش این‌قدر نبود. البته در دنیا سعی کردند که به سرِ این کار بزنند؛ نتوانستند. همه‌شان دست‌به‌یکی کردند که: المپیک را خراب کردید؛ سیاسی کردید. خودِ آنها از همه چیز به نفع سیاستهای استعماری خودشان بهره‌برداری و استفاده می‌کنند؛ اما وقتی یک جوان مسلمان و مؤمن از یک ارزش دفاع می‌کند؛ از یک ملت مظلوم دفاع می‌کند و با یک قلدرِ بین‌المللی گردن‌کلفتِ چاقوکشِ عربده‌کش، با این زبان و با این منش درمی‌افتد، این‌طور علیه او جنجال و جوسازی می‌کنند. البته غلط می‌کنند! آنها در مقابل عمل انجام شده قرار گرفتند و ضربه‌فنی شدند! با این کار سیلی خوردند؛ حالا بعد از آن هرچه می‌خواهند جنجال کنند، بکنند؛ ایشان کار خودش را کرد.[3]

---

۱. بیانات در دیدار مسؤولان و شخصیت‌های علمی سیاسی ۱۳۸۹/۰۱/۱۷
۲. آرش میراسماعیلی: جودوکار ایرانی که از مواجهه با ورزشکار صهیونیست سرباز زد.
۳. بیانات در دیدار ورزشکاران شرکت‌کننده در المپیک و پاراالمپیک۱۴/ ۰۷/ ۱۳۸۳

بخش چهارم:

جنایات

شدت عمل، سبب افزایش خشم فلسطینیان

از طرفی رفتار صهیونیستها آن‌قدر وحشیانه و دور از موازین رحم و مروّت انسانی است که به طور طبیعی این نسل جوانِ روی کارآمده‌ی فلسطینی را به ستوه آورده؛ دیگر طاقتشان تمام شده است و نمی‌توانند تحمّل کنند. صهیونیستها خیال می‌کنند که اگر شدت عمل به‌خرج دادند و تانک آوردند و توپ زدند و شیمیایی زدند، مردم را ساکت خواهند کرد. بله، ممکن است فشار را زیاد کنند و در برهه‌ای مردم را ساکت کنند؛ اما آن عقده‌های گره شده در گلو را که نمی‌توانند از بین ببرند؛ آنها که از بین‌رفتنی نیست؛ آن‌چنان رعد و غرّشی در فضا به وجود خواهد آورد که همه‌ی کاخهایشان را فرو خواهد ریخت. این‌طور نیست که بتوانند این حرکت را ریشه‌کن کنند.[۱]

هدف جنایات؛ تحمیل خواسته‌های نامشروع، بر مذاکره‌کنندگان سازش

اگرچه این فاجعه‌ی کریه و زشت با هدف تحمیل اغراض و خواسته‌های نامشروع حاکمان صهیونیست بر مذاکره کنندگان سازش به وقوع پیوست، ولی ملت شجاع فلسطین این گفتگوها را محکوم و عرصه را بر آنان تنگ‌تر خواهد ساخت و سرنوشت ذلت‌بار آن را تغییر خواهد داد و این مجاهدتها با

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۹/۰۹/۲۵

وعده‌های نصرت الهی روزی به بار خواهد نشست و سرزمینهای تصرف شده آزاد و سرمایه‌های به تاراج رفته به صاحبان اصلی آن باز خواهد گشت.[1]

جنایات کم نظیر اسرائیل

در قضیه‌ی فلسطین سه نکته‌ی برجسته است. این سه نکته‌ی برجسته در یاد تاریخ می‌ماند:

نکته‌ی اول ظلم و جنایت کم نظیری است که امروز صهیونیستها نسبت به مردم فلسطین مرتکب می‌شوند؛ این اصلاً در تاریخ ماندنی است. یک جوانی بعد از آن‌که این همه زجر کشیده و مصیبت‌دیده، جان خودش را قربان می‌کند، تا ضربه‌یی به غاصب خانه‌ی خودش بزند؛ خودش هم به شهادت می‌رسد. آنها می‌آیند خانه‌ی آن جوان و خانه‌ی پدر و مادرش را ویران می‌کنند و خانواده‌ی او را به شکنجه و اذیت و آزار می‌کشند؛ با تانک وارد اردوگاهها و شهرها می‌شوند؛ به خانه‌ها حمله می‌کنند و خانه‌ها و مزارع را ویران می‌کنند و آدم می‌کشند. امروز کشته شدنِ جوان، کودک، پیرمرد و پیرزن فلسطینی و غیرمسلح فلسطینی یک کار روزمره شده! این چیز عجیبی است؛ این حادثه‌یی است که واقعاً تاریخی است؛ این در تاریخ خواهد ماند.

سکوت مجامع بین‌المللی و دولتها

در قضیه‌ی فلسطین سه نکته‌ی برجسته است. این سه نکته‌ی برجسته در یاد تاریخ می‌ماند:

...نکته‌ی سوم[2]، سکوت مجامع بین‌المللی و دولتهاست! این آقایان اروپاییها که این‌قدر عاشق حقوق بشرند؛ این‌قدر دلشان برای حقوق بشر سوخته، در مقابل چشم آنها این حوادث انجام می‌گیرد؛ اما در بسیاری از موارد سکوت می‌کنند؛ در بسیاری از موارد طرف ظالم را کمک می‌کنند!

---

۱. پیام به مردم فلسطین ۱۳۷۹/۰۷/۱۳
۲. نکته‌ی دوم در صفحه‌ی ۴۰۸ ذکر شده است

شگفت‌آور است واقعاً! حالا امریکا که هیچ، امریکا که خودش شریک جرم است؛ دولتهای امریکایی دستشان تا مرفق در خون فلسطینیها فرورفته. اگر بنا باشد دادگاهی درباره‌ی فلسطینیها حکم بکند، متهم آن دادگاه فقط شارون و صهیونیستها نیستند، بلکه متهم آنها امریکا و همین بوش و دارودسته‌ی بوش و حکومتهای امریکا هم هستند. اینها هم در همان ردیف اول اتهامند؛ اما آنها که هیچ، مسأله، مسأله‌ی مجامع جهانی است؛ مسأله‌ی سازمان ملل است؛ مسأله‌ی دولتهای اروپایی است که این‌قدر دم از حقوق بشر می‌زنند؛ ولی حقوق بشر را واقعاً نمی‌شناسند و اصلاً احترامی برایش قایل نیستند. و البته این مسأله، مسأله‌ی دولتهای دیگر هم است؛ دولتهای مسلمان. سکوت اینها واقعاً تعجب‌آور است. [1]

قضیه‌ی فلسطین؛ لکّه‌ی ننگ بزرگِ قرن بیستم

اوّلاً باید عرض کنیم که قضیه‌ی فلسطین، یکی از لکّه‌های ننگ بزرگِ این قرنی است که همین چند روزه تمام شد. البته لکه‌های ننگ این قرن بیش از اینهاست: دو جنگ بزرگ در این قرن اتّفاق افتاده است؛ چقدر در دنیا حکومتهایی در این قرن به‌دست استعمارگرانِ دیروز به‌وجود آمد؛ از جمله کشور خود ما. در همین قرن بود که حکومت خشن و سرکوبگر و غیرانسانی و فاسد و وابسته‌ی پهلوی به‌وجود آمد؛ لیکن در میان زشتیهایی که در این قرن بر ما گذشت – که البته در کنارش محسّناتی هم در این قرن اتّفاق افتاده است که حالا مورد بحث ما نیست – یکی از زشت‌ترین، یا شاید بشود گفت زشت‌ترین آنها، مسأله‌ی فلسطین بود. چرا؟ چون در این قضیه، یک ملت را از کشور خودش بیرون کردند. من خواهش می‌کنم جوانانی که با مسأله‌ی فلسطین خیلی آشنایی و سابقه‌ی ذهنی ندارند، روی این کلمات تأمّل و درنگ کنند. یک ملت را از خانه و از کشور خود بیرون کنند و یک عدّه آدمهایی را از اطراف دنیا جمع کنند و به جای آن افراد در آن کشور بگذارند. چرا؟ چون آن جماعتی که از اطراف دنیا جمع کردند، از یک نژادند؛

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۳/۰۸/۱۵

نژاد اسرائیلی، نژاد یهودی! یعنی یک حرکت نژادگرایانه‌ی زشت که هر جای دنیا به‌وسیله‌ی هر کسی در ابعاد کوچکتر از این پیش می‌آمد، مایه‌ی ننگ و سرافکندگی بود؛ اما این را در ابعاد یک کشور به‌وجود آوردند. چه کسی به‌وجود آورد؟ در حقیقت انگلیس؛ بعد هم امریکا. [۱]

جنایات غزّه

از سویی دیگر جنایاتی که در حادثه‌ی تاریخی غزه از مجرمان صهیونیست سر زد؛ کشتار وسیع مردم غیرنظامی، ویران کردن خانه‌های بیدفاع، سوراخ کردن سینه‌ی کودکان شیرخوار، بمباران دبستان و مسجد، به‌کارگیری بمبهای فسفری و برخی سلاحهای ممنوع دیگر، بستن راه غذا و دارو و سوخت و دیگر نیازهای اولیه‌ی مردم در مدتی نزدیک به دو سال، و بسی جنایات دیگر، ثابت کرد که غریزه‌ی وحشیگری و جنایت در سران دولت جعلی صهیونیست، با دهه‌های آغازین فاجعه‌ی فلسطین هیچ تفاوتی نیافته و همان سیاست و همان خوی درندگی و بیرحمی که فاجعه‌های دیر یاسین و صبرا و شتیلا را پدید آورد، امروز هم بعینه بر ذهن و دل ظلمانی این طاغوتهای زمان حاکم است که البته امروز با بهره‌گیری از پیشرفت فناوری، دائره‌ی جنایت بسی گسترده‌تر و فاجعه‌بارتر می‌باشد. [۲]

هدایت الهی؛ عامل ایستادگی مردم غزّه

پیشرفتهای مقاومت و استحکام مواضع فلسطین در این سالهای اخیر، ممکن نمی‌شد اگر این ایستادگی عظیم ملت فلسطین نبود. حقاً، انصافاً، مردم فلسطین، مردم غزه در تاریخ، نام خودشان را به عنوان مقاوم‌ترین ملتها ماندگار کردند. [۳]

آنچه که بر مردم فلسطین گذشته است، در طول این چند سال اخیری

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۱۰/۱۰

۲. بیانات در چهارمین کنفرانس حمایت از ملت فلسطین ۱۳۸۷/۱۲/۱۴

۳. دیدار رهبران گروه‌های جهادی فلسطینی شرکت کننده در افتتاحیه‌ی همایش غزه ۱۳۸۸/۱۲/۰۸

که انتفاضه‌ها شروع شده و مقاومت واقعی شکل گرفته، یک پدیده‌ی عجیبی است. این، جز هدایت الهی و دستگیری الهی چیز دیگری نیست. انسان می‌بیند در غزه این همه مصیبت، این همه تلخی، این همه فشار؛ چه در طول آن بیست و دو روزی که جنگ بود، چه بعد از آن تا امروز – که مصائب پشت سر هم بر مردم وارد می‌شود – اما این مردم مثل کوه ایستاده‌اند. این خیلی واقعیت عظیمی است؛ این را نمی‌شود ندیده گرفت.[1]

بازسازی غزه، یکی از فوری‌ترین مسائل فلسطین

اکنون مسأله‌ی بازسازی غزه یکی از فوری‌ترین مسائل فلسطین است، دولت حماس که منتخب اکثریت قاطع فلسطینیان است و حماسه‌ی مقاومتش در ناکام گذاشتن رژیم صهیونیستی، درخشانترین نقطه در تاریخ صد ساله‌ی اخیر فلسطین است، باید مرکز همه‌ی فعالیتهای مربوط به بازسازی قرار گیرد. شایسته است که برادران مصری راه کمکها را باز کنند و بگذارند که کشورها و ملتهای مسلمان به وظیفه‌ی خود در این مهم عمل کنند.[2]

انتقام شکست از حزب الله، با حمله به فلسطین و ایجاد تفرقه

یکی از کارهایی که دنبال میکنند [اسرائیل پس از پیروزی حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه]، مسائل فلسطین است. آنچه که دارد در فلسطین اتفاق می‌افتد، مقداری برای جبران بی‌آبرویی اسرائیل در قضیه‌ی لبنان است. بخش مهمی از این فشارها، این کشتار روزانه‌ی مردم در فلسطین، این حمله‌ی به نقاط مختلف – چه در ساحل شرقی، چه در غزّه – به خاطر جبران آن بی‌آبرویی است و سعی دارند دولت حماس را ساقط کنند. آنچه که من در اینجا می‌خواهم برادران فلسطینی را به آن توجه بدهم – که آن در بیانات عربی هم آمده است – این است که ما و مردم فلسطین و همه‌ی ملتهای

---

۱. دیدار رهبران گروه‌های جهادی فلسطینی شرکت کننده در افتتاحیه‌ی همایش غزه ۱۳۸۸/۱۲/۰۸

۲. بیانات در چهارمین کنفرانس حمایت از ملت فلسطین ۱۳۸۷/۱۲/۱۴

مسلمان باید توجه کنند که واقعیت مردم علیه اشغالگر را به مردم علیه مردم تبدیل نکنند. سعی دشمن این است؛ فلسطینیها در مقابل فلسطینیها؛ در عراق هم عراقیها در مقابل عراقیها. این را باید همه مواظب و مراقب باشند. امروز اتحاد، مهمترین نیاز مردم فلسطین است، مثل بقیه‌ی مناطق عالم.[۱]

جنایت و دیکتاتوری اسرائیل

مهمترین مسأله در مسائل خارجی ما - که به مسأله‌ی کنونی کشور ما هم ارتباط مستقیم دارد - فلسطین است. مسأله‌ی فلسطین فقط مسأله‌ی یک ملت نیست؛ مسأله‌ی حاکمیت دیکتاتوری بین‌المللی و حاکمیت زور است. شما ببینید امروز در اراضی فلسطین چه می‌گذرد! امروز ما فاجعه‌بارترین حوادث خونین را در فلسطین شاهدیم. دولت غاصب و جعلی اسرائیل با نیروی نظامی خود، با تانک و هواپیما و آتش بیرحمی و ظلم خود، شهرهای فلسطین را محاصره کرده است و یکی پس از دیگری وارد این شهرها می‌شود؛ مردم را قتل‌عام و خانه‌ها را ویران می‌کند؛ یک روز رام‌الله، یک روز نابلس، یک روز جنین و امروز الخلیل و شهرهای دیگر. فاجعه‌هایی که در این شهرها به وجود آمده است، قابل وصف نیست. نیروی نظامی وارد شهری شود، زن و مرد و کودک را دستگیر کند و بکُشد و یا زخمی کند! ده‌هزار مجروح و هزاران شهید در این شهرها امروز وجود دارد. هزاران جوان را از خانه‌هایشان ربودند و به نقاط نامعلوم بردند و خانه‌های بی‌شماری را ویران کردند. شنیدم در شهر جنین، هفتاد درصد خانه‌ها ویران شده است! هفتاد درصد خانه‌های یک شهر را تانکها بیایند ویران کنند! این جنایات، مقابل چشم بشریت است.

معنای این کارها چیست؟ معنای این کارها این است که یک دولت ظالم بی‌اعتنای به همه‌ی مقرّرات بشری، انسانی، دینی و خدایی، به خاطر طمعها و ادامه‌ی ظلم چندین ده ساله‌ی خود، این فاجعه‌ها را به بار می‌آورد؛ دولتی هم مثل امریکا به طور کامل و صددرصد از او حمایت می‌کند و همه‌ی

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران به امامت رهبر معظم انقلاب اسلامی ۱۳۸۵/۰۷/۲۱

شعارهای حقوق بشر و دفاع از ملتها و دمکراسی و آزادی و همه و همه فراموش می‌شود. وجدان جهانی به حرکت درآمد، اما وجدان سران امریکا و کاخ سفید اندک تأثّری هم پیدا نکرد![1]

هدف اسرائیل از جنایات

اینها می‌خواهند دو چیز را برای دنیا مشخّص کنند: یکی این‌که این غدّه‌ی سرطانی به هر قیمتی باید بماند؛ دوم این‌که می‌خواهند به دنیا بگویند و تفهیم کنند که امروز سرو کار شما با اِعمال زور است و می‌خواهیم زور بگوییم؛ هر کس هم هر چه می‌خواهد بگوید، بگوید؛ یعنی مردم دنیا را قانع کنند که هیچ حرف و هیچ اقدامی در مقابل زور سرنیزه و زور نظامی امریکا قادر به هیچ کاری نیست.

البته تا الان شکست خورده‌اند و علی‌رغم همه‌ی این تظاهرات قدرتمند، به هدفهای خود نرسیده‌اند. چرا؟ چون فلسطین تسلیم نشده است. آنها می‌خواهند با فشار و کشتار و بیرحمی و لگدکوب کردن همه‌ی نشانه‌های انسانی، ملت فلسطین را وادار به تسلیم کنند و این ملت دربست زیر بار آنها برود و از خواسته‌های بحقّ خود دست بردارد؛ اما تاکنون نتوانسته‌اند. برخلاف تصوّر امریکا و اسرائیل، این قدرت زور نیست که پیش می‌رود؛ قدرت اراده و ایمان انسانهاست که حرف آخر را در همه‌ی مسائل می‌زند؛ در این مسأله هم همین‌طور است.[2]

جنایت در فلسطین؛ فاجعه‌ی کم نظیر انسانی

آنچه که امروز در سرزمینهای فلسطینی‌نشینِ کشور فلسطین جریان دارد، یک فاجعه‌ی انسانیِ کم‌نظیر است. در طول تاریخ فلسطین هم ما شبیه این را با این شدّت، با اینِ خشونت و با این قساوت سراغ نداریم. جنایاتی که در

۱. بیانات در دیدار گروه کثیری از کارگران و معلّمان به مناسبت روز کارگر و هفته‌ی معلّم ۱۳۸۱/۰۲/۱۱

۲. همان

فلسطین اتّفاق می‌افتد، حقیقتاً تکان‌دهنده است. دولت جعلیِ صهیونیست با امکانات نظامی، با تانک، با سرباز – شنیده‌ام حدود سی هزار نیرو و صدها تانک وارد کرده است! – وارد شهرها و خیابانها می‌شوند و فاجعه‌آفرینی می‌کنند. شهرهای «رام‌الله»، «نابلس»، «غزّه»، «خان‌یونس»، «بیت‌اللّحم»، «رفح» و دیگر مناطق فلسطینی‌نشین، همه دچار این مصیبتند. کاری می‌کنند که شبیه این کار را ما در دوره‌های نزدیک به خودمان با این شدّت و خشونت در هیچ‌جا سراغ نداریم! خانه‌ها را ویران می‌کنند، با تانک و بولدوزر به جان خانه‌های محقّر فلسطینیها می‌افتند – چه در این شهرها و چه در اردوگاهها – خانواده‌ها را آواره می‌کنند. مرد و زنی را که دم تیغشان بیاید، می‌کُشند و هیچ ملاحظه نمی‌کنند. شنیده‌ام جوانان و مردان را – از سنین سیزده سال تا پنجاه سال – دستگیر می‌کنند و تعداد زیادی از مردان این خانواده‌ها بخصوص جوانان و نوجوانان را دستگیر کرده و به مناطقی برده‌اند که معلوم نیست کجاست! خبرهایی که از داخل بازداشتگاهها بعضاً به بیرون درز کرده و در مطبوعات دنیا منعکس شده است، خبر می‌دهد که اینها را شکنجه و آزار می‌کنند و حتّی در داخل این بازداشتگاهها هم به آنها دستبند می‌زنند. به مسجدها و کلیساها در بیت‌اللّحم حمله کرده‌اند و از رساندن آمبولانس، آذوقه و دارو به مردمی که مجروح می‌شوند جلوگیری می‌کنند. آن‌طوری که نقل کرده‌اند، حتّی آمبولانسها را تیرباران می‌کنند و بسیاری از مجروحان این حوادث براثر خونریزی و بی‌دارویی از بین رفته و به شهادت رسیده‌اند. حتّی بیمارستانها و داروخانه‌ها را مورد تهاجم قرار می‌دهند و به غارت مراکز و مغازه‌هایی که در آنها مواد غذایی است می‌پردازند. مردم در «رام‌الله» و بعضی شهرهای دیگر جرأتِ بیرون آمدن از خانه‌های خودشان را ندارند. زنان، بچه‌ها، این خانواده‌های آواره شده و کسانی که مجبورند چون سقف خانه‌شان فرو ریخته است، به خانه‌ی خویشاوندانشان و دیگران بروند، خدا می‌داند با چه مصیبت و سختی‌ای زندگی می‌کنند. آب و برق را در بعضی از این شهرها قطع کرده‌اند. وقاحت را به جایی رسانده‌اند که در شهر «رام‌الله» به مقرّ اقامتگاه رئیس حکومت خودگردان حمله کرده و آن‌جا را تصرّف نموده‌اند؛ یعنی همان حکومتی که خودشان آن را به رسمیت شناخته‌اند،

خودشان قرارش را بسته‌اند و خودشان امضاء کردند! خلاصه وضع عجیبی به‌وجود آورده و صدای دنیا را در آورده‌اند![1]

اعتراض همه‌ی آزاداندیشان به جنایات اسرائیل در سال ۸۱

سیاستمدارانی که به خاطر رودربایستی از صهیونیستها حاضر نبودند یک کلمه علیه دولت صهیونیستی حرف بزنند، امروز صریحاً اعتراض می‌کنند. ملتهای مسلمان در همه جا خشمگینند و می‌جوشند. اگر جلوِ ملتهای مسلمان و ملتهای عرب را حکومتهایشان نمی‌گرفتند، آن وقت دیده می‌شد که این یک میلیارد مسلمان چه می‌کند و چه می‌تواند بکند! مسأله این است که نماد خونخواری و وحشیگری و درّندگی و بی‌اعتنایی به همه‌ی موازین بشری، حقوق بشر و ارزشهای بشری - که همین نظامیان صهیونیستند - در یک طرف و نماد مقاومتِ قهرمانانه و مظلومانه - که ملت مظلوم فلسطینند - در طرف دیگر مقابل هم ایستاده‌اند. من وجدان جهانی را به داوری و قضاوت دعوت می‌کنم. همه‌ی حرفهایی که به عنوان تحلیل سیاسی، راه‌حل و توصیه می‌زنند، در مقابل این واقعیت، افسانه و موهوم است. واقعیت این است که ملتی در خانه‌ی خود تحقیر می‌شود، دستگیر می‌شود، کشته می‌شود، جوانش از او گرفته می‌شود، امنیتِ جان و مال و مسکنش به‌وسیله‌ی غاصبان همان سرزمین تهدید می‌شود. حال وجدان جهانی قضاوت کند؛ این‌جا حق با کیست و وظیفه‌ی انسانها چیست؟ ما به هیچ چیز دیگری احتیاج نداریم؛ همین واقعیت را مقابل خودشان بگذارند ببینند چه اتّفاقی در حال وقوع است؟ در اوّلِ کار که همین صهیونیستها بر سرِ کار آمدند - پنجاه‌وچهار سال قبل - نگذاشتند دنیا بفهمد که اینها چه فَجایعی انجام می‌دهند؛ اما امروز دنیا می‌بیند. البته تلویزیونها و دوربینها قادر نیستند حقیقت را نشان دهند. فقط بخشی از حقیقت ـ یک تصویر و شبحی از حقیقت ـ را نشان می‌دهند. حقیقت خیلی بیشتر از اینها و خیلی تلختر از اینهاست. واقعیت را از روی همین فیلمهای تلویزیونی که در دنیا پخش می‌شود - آن‌جاهایی که

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۱/۰۱/۱۶

پخش می‌شود – قضاوت کنند. البته صهیونیستها که بسیاری از دستگاههای ارتباط جمعی و رسانه‌ها در قبضه‌ی قدرتشان است و یا زیر نفوذ و متعلّق به آنهاست، نمی‌گذارند حقایق روشن شود. اما مردم جستجو کنند؛ ملتهای دنیا جستجو کنند. این، واقعیتِ قضیه است. این، مسأله‌ای است که این روزها اتّفاق می‌افتد؛ مربوط به تاریخِ گذشته نیست، متعلّقِ همین زمانی است که من و شما این‌جا با هم حرف می‌زنیم. [1]

جنایتِ حمله به کلیسا

به کلیساها حمله کرده‌اند. خوب؛ مسیحیان دنیا حدّاقل از آن کشیش مسیحی دفاع کنند که در همین روزهای گذشته در حین انجام مراسم عبادی خودش کشته شد. او در محاصره‌ی کلیسا در «بیت‌اللّحم» و حمله‌ی صهیونیستها به کلیسا در مقابل چشم کسانی که در آن کلیسا پناه آورده بودند، جان خود را از دست داد. این‌جا مسأله، مسأله‌ی اسلامی نیست، مسأله‌ی بشری است، مسأله‌ی انسانی است. این‌جا ملاک قضاوت، انسان بودن است، فهمیدن ارزشهای انسانی است. خوب؛ این، واقعیت. البته بعضی از دولتها در اروپا و غیراروپا موضعگیری کرده‌اند. این موضعگیری هر چند ضعیف هم بوده است ولی بالاخره اخم مختصری نسبت به اسرائیل کردند. [2]

حمایت بی‌دریغ غرب از جنایات اسرائیل

البته امریکا و بسیاری از کشورهای غربی از اسرائیل حمایتی بی‌دریغ و آشکار می‌کنند و میثاقهای بین‌المللی را زیرپا می‌گذارند و یک بار دیگر برای همه‌ی دنیا به اثبات می‌رسد که نگاه قدرتهای بزرگ به معاهدات و مجامع بین‌المللی، یک نگاه ابزاری است. آنها از این معاهدات و از این مجامع بین‌المللی، فقط در جهت منافع و هدفهای خود استفاده می‌کنند و برای معاهدات و مجامع مذکور، احترامی قائل نیستند. یقیناً اسرائیل بدون

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۱/۰۱/۱۶
۲. همان

پشتیبانی اقتصادی و سیاسی و تبلیغاتی و رسانه‌ایِ قدرتهای بزرگ، امروز و همیشه، نمی‌توانست و نمی‌تواند بر سر پا بماند. مجرم در این قضیه، فقط اسرائیل نیست. در درجه‌ی اوّل، امریکا هم در همه‌ی فجایع اسرائیل شریک جرم است.

غرب و قدرتهای غربی، از آغاز پیدایش غدّه سرطانی صهیونیسم در این منطقه، تعامل دوجانبه‌ای را با هم داشتند. وظیفه‌ی اسرائیل این بوده است که منافع قدرتهای متجاوز غربی را در منطقه‌ی اسلامی حفظ کند؛ یعنی همیشه روبه‌روی کشورهای اسلامی و کشورهای منطقه، تهدید دائمی بالفعلی قرار داشته باشد و کشورهای اسلامی را در یک دغدغه‌ی دائمی نگه دارد تا آنها نتوانند با هم متّحد شوند و یک مجموعه‌ی همدل و همجهت را به وجود آورند و از امکانات و ثروت و نیروی انسانی خود برای منافعشان استفاده کنند. متقابلاً وظیفه‌ی آنها هم این بوده است که این غدّه‌ی سرطانی را در این منطقه با همه‌ی وجود نگه دارند. البته امروز این نقش بیشتر از همه برعهده‌ی امریکاست. [1]

اهانت به مسجدالاقصی

مسجدالاقصی را که قبله‌ی مسلمانان است، تهدید کردند. در سالها پیش یک روز آن را آتش زدند؛ بعد هم که به‌اصطلاح به حفّاری آن‌جا پرداخته‌اند و کارهای خلاف انجام می‌دهند و می‌خواهند اصلاً مسجدالاقصی – قبله‌ی مسلمانان – را از شکل اسلامی خارج کنند. [2]

کشتار نمازگزاران روزه‌دار در الخلیل و سکوت مجامع بین المللی

فاجعه‌ی تهاجم دشمن صهیونیست به حرم شریف ابراهیمی، آن‌قدر بزرگ و دردناک است که با چند جمله نمی‌شود درباره‌ی آن سخن گفت و حقّش را ادا کرد. به نظر ما، دولت غاصب، مستقیماً مسؤول این فاجعه است

---

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش بین‌المللی رسانه‌های جهان اسلام حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین ۱۳۸۰/۱۱/۱۱

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۱۰/۱۰

و حامیان دولت غاصب هم، در این قضیه مسؤولند. در رأس حامیان دولت غاصب، امریکا قرار دارد که در طول سالهای متمادی، همیشه و در همه جا از صهیونیستها دفاع کرده است. هرجا مشکلی برای صهیونیستها پیدا شد، فوراً امریکا سینه سپر کرد. یهودیان امریکایی و سرمایه‌داران بزرگ، هرکاری خواستند، به وسیله‌ی قدرت، پول و نفوذ سیاسی امریکا، در دنیا برای این غدّه‌ی سرطانی که در دل ملتهای اسلامی به وجود آمده است انجام دادند. در قضیه‌ی اخیر، آیا اینها مقصر و مسؤول نیستند؟ بی‌شک هستند. چنان‌که دیگرِ همپیمانان اسرائیل و کمک کارهای او نیز در این قضیه مسؤولند. رسانه‌های عمومی جهانی هم که حقّ این مسأله را ادا نکردند، مسؤولند. سازمانهای حقوق بشر، به‌ویژه «کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل» نیز مسؤولند.

سازمانهای کوچک و بزرگی که با عناوین گوناگون در دنیا وجود دارند و کمین کرده‌اند تا اگر در گوشه‌ای از جهان، در کشوری که با امریکا میانه‌ی مناسبی ندارد، مسأله‌ای پیدا شد، فوراً در بوقهایشان بدمند که «نقض حقوق بشر شد»، چرا خفقان گرفته‌اند؟! دولت غاصبِ خبیث و صهیونیستهای دشمن بشر، صدها فلسطینی را در حال سجده و با دهان روزه به خاک و خون می‌کشند. دهها نفر را می‌کشند و صدها نفر را مجروح می‌کنند. بعد هم که مردمِ عصبانی و داغدار که دلشان سوخته است، در خیابانْ مشتها را گره می‌کنند، سربازان اسرائیلی، یکی یکی فرزندان مردم را هدف می‌گیرند و نابود می‌کنند. امّا سازمانهایی که حافظ حقوق بشرند، خفقان گرفته‌اند و هیچ نمی‌گویند! حداکثر این است که گفته می‌شود: فلان سازمان محکوم کرده است! «محکوم کرده است» یعنی چه؟! این‌که کلمه‌ای در محکومیت گفته‌اند، به چه درد فلسطینیها می‌خورد؟! سازمانهایی که مدعی حقوق بشرند، اگر راست می‌گفتند، بایستی همه قیام می‌کردند. بایستی در دنیا غوغا می‌کردند. بایستی دولت اسرائیل را محاصره می‌کردند. بایستی به حامیان اسرائیل، اولتیماتوم می‌دادند و تهدیدشان می‌کردند که «حق ندارید به این دولتِ خونریزِ فاسقِ جنایتکار کمک کنید.» امّا هیچ یک از این کارها انجام نگرفت. دولتهایِ عربِ هم متأسفانه کوتاه آمدند. مذاکرات را کاملاً و باطناً که قطع نکردند، هیچ؛ حتی عزای عمومی هم اعلام نکردند! واقعاً که خیلی کوتاهی

و تقصیر کردند![1]

...حمله‌ی شقاوت‌آمیز صهیونیستها به صفوف نمازگزاران در شهر اشغالی الخلیل که دهها کشته و صدها زخمی بر جای نهاد، یکی از آن جنایتهای نمونه‌یی است که منحصراً دست ظلم و تعصب صهیونیستها مانند آن را همواره پدید آورده و متناسب با شقاوت و خباثت غصب کنندگان فلسطین است. این فاجعه‌ی دردناک یادآور کشتارهای دستجمعی دیگر صهیونیستها در طول دوران اشغال است با این فرق که امروز این جنایت بزرگ در برابر چشم همه‌ی مردم دنیا واقع می‌شود. آیا وجدانهای بی‌اعتنا به آنچه در خانه‌ی فلسطینیان بر سر آنها می‌آید با این حادثه بیدار خواهند شد؟ آیا مدعیّان صلح دروغین با دشمن غاصب پی به اشتباه خود خواهند برد؟ آیا مجامع و دولتهای داعیه‌دار حقوق بشر که سالهاست بزرگترین نقض حقوق یک ملت در فلسطین را نادیده گرفته‌اند، این بار به سکوت شرم‌آور خود خاتمه خواهند داد و به گناه خود در گذشته اعتراف خواهند کرد؟ آیا دولت امریکا خواهد پذیرفت که در خون بیگناهان فلسطین شریک است، زیرا همواره بی‌قید و شرط از دولت صهیونیستی حمایت کرده است یا این‌که این بار هم همه از کنار این حادثه تکان‌دهنده خواهند گذشت بی‌آن‌که به ابعاد آن توجه کنند و معنای عبرت آمیز آن را بفهمند؟[2]

جنایت در مسجد الخلیل و کوتاهی نهادهای بین‌المللی

قضیه‌ی دوم، فاجعه‌ی خونین حرم ابراهیمی است. در این ماجرا اسرائیل می‌بایست شدیداً محکوم می‌شد. بایستی محاکمه می‌گردید و مجبور می‌شد مجازاتهایی را تحمّل کند. این کارها را بایستی سازمان ملل می‌کرد و نکرد. شورای امنیت هم در این قضیه به وظیفه‌ی خود به هیچ وجه عمل نکرده است.

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۲۱ رمضان ۱۴۱۴ – ۱۳۷۲/۱۲/۱۳

۲. پیام به مناسبت حمله‌ی وحشیانه‌ی صهیونیستها به صفوف مسلمانان روزه‌دار فلسطینی ۱۳۷۲/۱۲/۰۶

علّت را در چه می‌بینیم؟ در نفوذ قدرتهای بزرگ، و در رأس آنها نفوذ امریکا بر شورای امنیت و بر شخص دبیرکل! این، نظر نظام جمهوری اسلامی و نظر ملت ایران است. ما با کسی دشمنیِ خاصی نداریم. مابه مقامات جهانی، برحسب شأن و موقعیتشان احترام می‌گذاریم. دبیرکلِ قبلی سازمان ملل، مکرّر به ایران آمد. در آن زمان، رئیس جمهور، رئیس مجلس و مسؤولین وزارت خارجه، از او احترام و تکریم کردند. اگر دبیرکل به وظایف خود عمل کند، ما او را احترام می‌کنیم. اما به نظر ما و به نظر ملت ایران، دبیر کلّ فعلی سازمان ملل به وظیفه‌ی خود عمل نکرده است. این حرکت زشت اخیر که کمیسیون به اصطلاح حقوق بشر سازمان ملل انجام داد و در اقدامی مفتضحانه، جمهوری اسلامی را متّهم کرد، از همین قبیل است. جلوِ چشمشان، اسرائیلیها صدها نفر مسلمان نمازگزار را به خاک و خون می‌کشند و بیش از هفتاد نفر را می‌کشند، اما آنها را محکوم نمی‌کنند![1]

وظیفه‌ی دولتها و ملتهای مسلمان نسبت به جنایت الخلیل

دولتها و ملتهای مسلمان نیز مسؤولیتی بزرگ دارند. کمترین چیزی که دولتهای مسلمان می‌توانند مطالبه کنند تحویل دادن قاتلین و همکارانشان در ارتش صهیونیست، به فلسطینیان مسلمان برای اجرای قصاص شرعی و عزل فرماندهان آن ارتش است. البته علاج نهایی منحصربه‌فرد، خلع ید از صهیونیستهای غاصب و تحویل فلسطین به فلسطینیان از هر مذهب و ملت است. این‌جانب ضمن عرض تسلیت به ملت مظلوم فلسطین، بویژه کسان شهدای این حادثه، از خداوند متعال غفران درگذشتگان و شفای مجروحان روزه‌دار و اصلاح حال مسلمین و حل عادلانه‌ی مسأله‌ی فلسطین را مسألت می‌کنم و از همگان درخواست می‌کنم که این قضیه را با همه‌ی توان خود دنبال کنند.[2]

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۷۲/۱۲/۲۲

۲. پیام به مناسبت حمله‌ی وحشیانه‌ی صهیونیستها به صفوف مسلمانان روزه‌دار فلسطینی ۱۳۷۲/۱۲/۰۶

ظلم و جنایت علیه مردم فلسطین

فرارسیدن روز جهانی قدس، وظیفه‌ی مبرم پشتیبانی و دفاع از ملت مظلوم فلسطین را بار دیگر با تأکیدی از همیشه بیشتر، به مسلمانان غیور جهان یادآوری می‌کند. اکنون درحالی‌که ملتها در اروپا، توافقهای اسارتبار ناشی از جنگ دوم جهانی را نقض کرده، حق حاکمیت و اراده‌ی ملی امروز خود را به خواسته‌ی قدرتهای فاتحِ دیروز مقدم می‌شمارند، ملت فلسطین روزبه‌روز فشار و ظلم و تعدی بیشتری را از ناحیه‌ی غاصبین و هم از ناحیه‌ی حامیان رسمی و غیررسمی آنان تحمل می‌کنند. در همین روزهای ماه مبارک رمضان، مردم روزه‌دار فلسطین در خانه‌ی خود، انواع سختی را از دشمن غاصب می‌کشند. خیابانها در اراضی اشغالی، به خون جوانان فلسطینی آغشته و زندانها از آنان پُرشده است و دولتهای غربی – این مدعیان دروغگوی دمکراسی و حقوق بشر – نه فقط کمترین اعتراضی نمی‌کنند، بلکه احیاناً غاصب متجاوز را حمایت و تشویق نیز می‌کنند.

حادثه‌ی بسیار مهم و تکان‌دهنده‌ی اخیر – یعنی انتقال دسته‌جمعی و مستمر یهودیان شوروی به فلسطین – به مسأله‌ی فلسطین ابعاد جدیدی می‌بخشد و اهمیت این مسأله را در توافقهای پنهانی امریکا و شوروی نشان می‌دهد. [1]

جنایتِ حمله به نمازگزاران در مسجدالاقصی

رژیم جنایتکار و اشغالگر فلسطین، بار دیگر قساوت و ددمنشی خود را با تجاوز به حریم مقدسات و آلوده ساختن محیط پاک و مطهر مسجدالاقصی و کشتار مسلمانان آغاز کرد. نمازگزاران را به خاک و خون کشید و فرزند خردسال را در آغوش پدر بر روی دستان او به گلوله بست و به شهادت رساند؛ و صحنه‌های وحشیانه و شرارت‌بار پنجاه‌ساله را یکبار دیگر تکرار نمود؛ با این طمع خام که بتواند شعله‌های جهاد آزادیبخش و مبارزات حق‌طلبانه و خستگی‌ناپذیر را خاموش و روند سازشهای خفت‌بار را هموار و

---

۱. پیام به مناسبت روز جهانی قدس ۱۳۶۹/۰۱/۲۴

اغراض و اطماع خود را بر سازشکاران بیش از پیش تحمیل نماید. اما این بار نیز، همچون گذشته از این جنایات هولناک طرفی نخواهد بست و نقشه‌های شوم و اوهام شیطانی او نقش بر آب خواهد شد.

به دنبال این شرارت ضد بشری و کینه‌توزانه، امواج خروشان اعتراض، مردم فلسطین، مسلمانان و مبارزان را فرا گرفته و تظاهرات مردمی و دانشجویی در جای جای کشورهای اسلامی به راه افتاده و انتفاضه جان تازه‌یی یافته و راه جهاد اسلامی پُررهروتر شده است. امروز مسلمانان هشیار و بیدار در تظاهرات گسترده و پُرشور ضمن سردادن شعارهای حق‌طلبانه از مسؤولین کشورهای اسلامی درخواست می‌کنند که راه جهاد را بگشایند و اجازه دهند مسلمانان به این وظیفه‌ی مهم به عنوان تنها راه حل عمل نموده و اشغالگران را از سرزمینهای غصب‌شده بیرون کنند تا فلسطینیان به سرزمین و خانه‌های خود برگردند.

امروز موج محکومیت حاکمان اشغالگر دامنه‌دارتر شده و راه سازشکاری کم‌رونق‌تر گردیده و هر روز بی‌نتیجه بودن آن بر همگان روشن‌تر می‌شود.[1]

تحقیر فلسطینیان در خانه‌ی خود

امروز گرفتاریهای بزرگی در جهان اسلام وجود دارد. همه‌ی مسلمانان دنیا مسؤولند. دولتها، علما، روشنفکران، دانشگاهیان و هنرمندان در سرتاسر دنیای اسلام، و همه‌ی کسانی که از نفوذ کلمه برخوردارند، مسؤولترند. امروز بعضی از دولتهای بزرگ، به عنوان شرورِ بین‌المللی، از حدود خود تجاوز کرده‌اند؛ برای پیشبرد سیاستهای خود، از اِعمال هرگونه زوری دریغ نمی‌کنند؛ علیه ملتهایی که می‌خواهند آزاد زندگی کنند و دست چپاولگران را از سفره‌ی گسترده‌ی منافع ملی خود قطع کنند، فشار نظامی و سیاسی و تبلیغاتی وارد می‌کنند. امروز فاجعه‌ی فلسطین در اوج زشتی و تکان‌دهندگی است. امروز مردم مظلوم فلسطین بدون این‌که هیچ جرمی داشته باشند، جز این‌که می‌خواهند در خانه و در میهن خود آزادانه زندگی کنند و تحقیر

۱. پیام به مردم فلسطین ۱۳۷۹/۰۷/۱۳

نشوند، تروریست خوانده می‌شوند! این یکی از ظلمهای بزرگ تاریخی است. ملت فلسطین در خانه‌ی خود، غاصبان را مشاهده می‌کند؛ زندگی او به تاراج رفته است؛ خانه‌ی او از او گرفته شده است؛ منابع ثروتش در اختیار دشمنان اوست؛ علاوه بر اینها، در خانه و شهر و دیار خود او، او را تحقیر می‌کنند. اگر جوان مسلمان در فلسطین بخواهد به نماز جمعه برود، سر تا پای او را مورد بازرسی قرار می‌دهند؛ او را تحقیر می‌کنند؛ به او اهانت می‌کنند و نمی‌گذارند به نماز جمعه برود. اگر در خیابان اندک سوء ظنّی به جوان و مرد و زن مسلمان پیدا کنند، آنها را در خانه‌شان مورد تحقیر و اهانت قرار می‌دهند. اگر حرفی بزنند و یا از گوشه‌ای شعله‌ی خشم آنها بلند شود، بدون هیچ مانع و رادعی وسایل جنگی را به داخل کوچه و خیابان می‌کشانند و خانه‌ی آنها را با تانک ویران می‌کنند. [۱]

جنایات اسرائیل علیه فلسطین

ملت فلسطین در سختی به‌سر می‌برد؛ خانه‌های مردم را ویران می‌کنند؛ مزارع و باغهای مردم را از بین می‌برند؛ امکان کار را از جوانان می‌گیرند؛ مردان کارآمد آنها را به زندان می‌کشند؛ جمعیتهای آنها را قتل‌عام می‌کنند و حتّی کودکان آنها را هم از دم تیغ ظلم خود می‌گذرانند. امروز با ملت فلسطین در سرزمینش کاری صورت می‌گیرد که در تاریخ ملتها کم سابقه است.

ملتِ مظلوم، بی‌کس و محاصره شده‌ی فلسطین با تمام قدرت به برکت نام و پرچم برافراشته‌ی اسلام از خود دفاع می‌کند و در مقابل ستمگران و اشغالگران می‌ایستد و ایستاده است. ما از این نماز پُرشکوه عیدفطر تهران و از طرف همه‌ی ملت ایران به ملت فلسطین، جوانان، نوجوانان،زنان و مادرانشان؛ آن دلهای شجاع و مؤمن، سلام می‌کنیم و درود می‌فرستیم. آنها در این منطقه در صف مقدّم دنیای اسلام در مقابل دشمنان و متجاوزان با

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۸۰/۰۹/۲۵

جان و عزیزان و همه‌ی وجودشان ایستاده‌اند. [1]

قساوت و شقاوت صهیونیستها در جنایات غزّه

امت بزرگ اسلام؛ ملت عزیز ایران!

حوادث خونین غزه در این روزها چنان فجیع و دردناک است که نمی‌توان غم سنگین ناشی از آن را با زبان و قلم ، بیان کرد. کودکان بی‌گناه و زنان و مردان مظلوم پس از ماهها محاصره‌ی کامل، اکنون با قساوت و شقاوت صهیونیستها، در خانه و کاشانه‌ی خود به خاک و خون کشیده می‌شوند، غنچه‌های نورس در برابر چشم پدر ومادر، و پدران و مادران در برابر کودکان معصوم، در آتش کینه‌ی جلادان غاصب می‌سوزند. مدعیان تمدن و انساندوستی با وقاحت تمام، این فاجعه عظیم انسانی را خونسردانه و بی‌تفاوت تماشا می‌کنند و حتی برخی با بیشرمی از آن ابراز خشنودی می‌نمایند. سکوت دنیای اسلام در برابر این تعدی کم‌نظیر به هیچ رو پذیرفته نیست.

....اینجانب به مردم غزه، به مردان وزنان مظلوم و مقاوم، به کودکان معصوم و غنچه‌های پرپر شده درود می‌فرستم و صبر و فرج و پیروزی آنان را از خدا مسئلت می‌کنم.[2]

انّا لله و انّا إلیه راجِعُون[3]

جنایت هولناک رژیم صهیونیستی در غزه و قتل‌عام صدها مرد و زن و کودک مظلوم، بار دیگر چهره‌ی خونخوار گرگهای صهیونیست را از پشت پرده‌ی تزویرِ سالهای اخیر بیرون آورد و خطر حضور این کافر حربی را در قلب سرزمینهای امت اسلام، به غافلان و مسامحه‌کاران گوشزد کرد.

مصیبت این حادثه‌ی هولناک برای هر مسلمان بلکه برای هر انسان با وِجدان و با شرف در هر نقطه‌ی جهان بسی گران و کوبنده است، ولی

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۸۲/۰۹/۰۵

۲. پیام رهبر معظم انقلاب خطاب به امت بزرگ اسلام در پی حملات وحشیانه رژیم صهیونیستی ۱۳۸۶/۱۲/۱۲

۳. سوره‌ی بقره، آیه‌ی۱۵۶

مصیبت بزرگتر سکوت تشویق‌آمیز برخی دولتهای عربی و مدّعی مسلمانی است. چه مصیبتی از این بالاتر که دولتهای مسلمان که باید در برابر رژیم غاصب و کافر و محارب، از مردم مظلوم غزه حمایت می‌کردند، رفتاری پیشه کنند که مقامات جنایتکار صهیونیست، گستاخانه آنها را هماهنگ و موافق با این فاجعه‌آفرینیِ بزرگ معرفی کنند؟

سران این کشورها چه جوابی در برابر رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله خواهند داشت؟ چه جوابی به ملتهای خود که یقیناً عزادار این فاجعه‌اند خواهند داد؟ به یقین امروز دل مردم مصر و اردن و سایر کشورهای اسلامی از این کشتار، پس از آن محاصره‌ی طولانی غذایی و دارویی، لبالب از خون است.

دولت جنایتکار بوش در واپسین روزهای حکمرانی ننگین خود با همدستی در این جنایت بزرگ، رژیم آمریکا را بیش از پیش روسیاه کرد و پرونده‌ی جرایم خود را به عنوان جنایتکار جنگی قطورتر ساخت. دولتهای اروپایی با بی‌تفاوتی و شاید همراهی خود در این فاجعه‌ی بزرگ، یکبار دیگر دروغ بودن ادعاهای طرفداری از حقوق بشر را ثابت کردند و شرکت خود در جبهه‌ی ضدیت با اسلام و مسلمین را نشان دادند. اکنون سئوال من از علما و روحانیون جهان عرب و رؤسای ازهر مصر این است که آیا هنگام آن نرسیده است که برای اسلام و مسلمین احساس خطر کنید؟ آیا هنگام آن نرسیده است که به واجب نهی از منکر و **کلمةُ** حقٍ عندَ امامٍ جائر عمل کنید؟

آیا عرصه‌ی دیگری عریان‌تر از آنچه در غزه و فلسطین در جریان است در همدستی کُفار حربی با منافقان امّت برای سرکوب مسلمانان لازم است، تا شما احساس تکلیف کنید؟

سؤال من از رسانه‌ها و روشنفکران جهان اسلام و بویژه جهان عرب آن است که تا چه هنگام به مسؤولیت رسانه‌یی و روشنفکری خود بی‌تفاوت خواهید ماند؟ آیا سازمانهای حقوق بشرِ رسوای غرب و شورای باصطلاح امنیت سازمان ملل، بیش از این هم ممکن است رسوا شوند؟

همه‌ی مجاهدان فلسطین و همه‌ی مؤمنان دنیای اسلام به هر نحو ممکن موظف به دفاع از زنان و کودکان و مردم بی‌دفاع غزه‌اند و هر کس در این

دفاع مشروع و مقدس کشته شود شهید است و امید آن خواهد داشت که در صف شهدای بدر و اُحد در محضر رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله محشور شود.

سازمان کنفرانس اسلامی باید در این شرایط حساس به وظیفه‌ی تاریخی خود عمل کند و جبهه‌ی یکپارچه‌یی به دور از ملاحظه‌کاری و انفعال، در برابر رژیم صهیونیستی تشکیل دهد. باید رژیم صهیونیستی به وسیله‌ی دولتهای مسلمان مجازات شود. سران آن رژیم غاصب باید به جرم این جنایت و نیز محاصره‌ی طولانی مدّت، شخصاً محاکمه و مجازات شوند.

ملّتهای مسلمان می‌توانند با عزم راسخ خود این مطالبات را تحقّق بخشند و وظیفه‌ی سیاستمداران و علما و روشنفکران در این بُرهه بسی سنگین‌تر از دیگران است.

اینجانب به مناسبت فاجعه‌ی غزه، روز دوشنبه را عزای عمومی اعلام می‌کنم و مسؤولان کشور را به ادای وظایف خود در این حادثه‌ی غم‌انگیز فرا می‌خوانم.

وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ[1].[2]

باطن جنایات در فلسطین

امروز مسأله‌ی فلسطین هم همین‌جور است. مسأله‌ی غزه که شما مشاهده میکنید، این بخشی از ظاهر قضیه است، باطن قضیه عبارت است از این که دستگاه استکبار بی‌اعتقاد به همه‌ی اصول انسانی، مایل است این منطقه‌ی خاورمیانه، این منطقه‌ی حساس را که پر از ثروت و حساسیت گوناگون جغرافیائی و اقتصادی است، در اختیار بگیرد؛ در مشت بگیرد. وسیله‌اش هم اسرائیل غاصب است؛ صهیونیستهای مسلط بر فلسطین اشغالی. مسأله این است. همه‌ی این حرکاتی که این چند سال در این منطقه انجام گرفته است – از قضایای لبنان تا قضایای عراق تا قضایای فلسطین – با این نگاه

---

۱. سوره‌ی شعراء، آیه‌ی ۲۲۷

۲. پیام رهبر معظم انقلاب درباره مصیبت هولناک قتل عام مردم مظلوم غزه ۱۳۸۷/۱۰/۰۸

قابل تفسیر و قابل فهم است. مسأله این است که این منطقه باید در مشت آمریکا و استکبار – استکبار اعم از آمریکاست. البته مظهر عمده‌اش، شیطان بزرگ، دولت آمریکاست – قرار داشته باشد. استکبار می‌خواهد این منطقه را در اختیار داشته باشد؛ در مشت داشته باشد. استکبار این منطقه را لازم دارد و عاملش هم اسرائیل است. همه‌ی این داستانها و قضایای این چند سال با این نگاه، تحلیل می‌شود. دیدید در جنگ سی و سه روزه، وزیر خارجه‌ی آمریکا گفت: این درد زایمانِ منطقه‌ی خاورمیانه‌ی جدید است! یعنی از این حادثه یک موجود تازه‌ای متِولد خواهد شد که همان خاورمیانه‌ای است که آمریکا دنبالش است. البته این خواب آشفته تعبیرش همانی بود که بر سرشان آمد. شجاعت و بیداری و فداکاری و ایثار و جهاد جوانان مؤمن در لبنان، تو دهنِ نه فقط اسرائیل، بلکه تو دهنِ آمریکا و همه‌ی پشتیبانانشان و دنباله‌روانشانَ زد. قضیه‌ی غزه هم از همین قَبیل است.[1]

جنایت اسرائیل و مقاومت جانانه‌ی ملت فلسطین در غزّه

از جمله‌ی مسائل مهم جهان و منطقه در سالی که گذشت، مسأله‌ی حمله‌ی رژیم صهیونیستی به غزه بود، که همه‌ی چشمهای جهانیان را به خودش معطوف کرد. عده‌ای از این نظرگاه به مسأله نگاه کردند که با مقاومت اسلامی و با مسأله‌ی فلسطین، دارای عناد و کینه‌ی دیرین بودند – که عمدتاً سیاستمداران بسیاری از کشورهای غربی از این جمله بودند – عده‌ای هم با نگاه طرفدارانه‌ی از ملت مظلوم فلسطین و مردم غزه به مسأله نگاه کردند. اما نتائجی که در این حمله‌ی ناجوانمردانه و ظالمانه مترتب شد، برای همه‌ی دنیا بهت‌آور بود. بیست و دو روز مردم بی‌دفاع غزه مقاومت کردند و رژیم صهیونیستی بیست و دو روز با تمام قوا به این مردم حمله کرد و پایان این ماجرا با ناکامی رژیم صهیونیست همراه بود. این برای مردم دنیا یک تجربه‌ی بسیار مهمی است در زمینه‌ی امکان مقاومت ملتها در مقابل زورگوئی و ستمگری ستمگران و زورگویان.[2]

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم قم به مناسبت قیام نوزدهم دی ۱۳۸۷/۱۰/۱۹
۲. پیام نوروزی رهبر انقلاب به مناسبت آغاز سال ۱۳۸۸ ۱۳۸۷/۱۲/۳۰

گناه حسنی مبارک در قضیه‌ی محاصره‌ی غزه

فرض کنید مردم مصر مشاهده میکردند کسی که در رأس کشورشان قرار دارد، به نیابت اسرائیل، کثیف‌ترین کارها و جنایتها را مرتکب می‌شود. در قضیه‌ی محاصره‌ی غزه اگر حسنی مبارک با اسرائیل همکاری نمی‌کرد، اسرائیل نمیتوانست غزه را آنجور زیر فشار قرار دهد و آن جنایتها را مرتکب شود. حسنی مبارک وارد میدان شد، کمک کرد، راه ورود و خروج غزه به مصر را بست. بعد اطلاع پیدا کردند که مردم غزه از زیر کانال زدند، از زیرزمین حرکت می‌کنند. برای اینکه مردم مظلوم غزه دیگر نتوانند این کار را هم انجام دهند، دیوارهای فولادی به ارتفاع سی متر درست کردند، کردند توی زمین، تا راه این کانالها را ببندند! این کارها را حسنی مبارک کرد. خب، ملت مصر دارند این را می‌بینند؛ لذا غرور ملت جریحه‌دار شد. نظیر این در کشورهای دیگر هم وجود دارد.[1]

در قضیه‌ی غزه اگر حسنی مبارک به اسرائیلی‌ها کمک نمیکرد، نمیتوانستند غزه را محاصره کنند. فلسطینی‌ها در غزه در محاصره بودند - الان چهار سال است در محاصره‌اند - در جنگِ بیست و دو روزه، مرد و زن و کودک این مردم به وسیله‌ی آتش اسرائیلیِ سوختند، نابود شدند، خانه‌هاشان تخریب شد؛ اما نگذاشتند کاروانهای کمک‌رسانی به این مردم کمک کنند. نه اینکه از خود مصر، حتّی دیگر کشورها هم می‌خواستند از مصر عبور کنند - از جمله مردم ما - می‌خواستند بروند به اینها کمک برسانند، اما حسنی مبارک نگذاشت. یک چنین وضعی در مصر حاکم بود. خب، این مردم را به ستوه آورد. مردم مصر به خاطر طرفداری رژیم کنونی مصر از اسرائیل، به خاطر دنباله‌روی و اطاعت محضش از آمریکا، احساس ذلت میکنند، احساس تحقیرشدگی میکنند. عامل اصلی حرکت، این است. اینها مردمی هستند مسلمان.[2]

کار نظام سرسپرده‌ی مصر به جائی رسید که مردم مصر برای نخستین بار در تاریخ دیدند که در جنگ اسرائیل علیه برادرانشان در غزه دولتشان در

---

۱. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی۰۱ / ۰۱/ ۱۳۹۰

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران به امامت رهبر معظم انقلاب اسلامی۲۹ / ۰۳/ ۱۳۸۸

جبهه‌ی اسرائیل قرار گرفته است و نه تنها کمک نمی‌کند بلکه در جبهه‌ی دشمن بشدت فعال است. تاریخ هرگز فراموش نخواهد کرد که حسنی‌مبارک همان کسی است که در محاصره‌ی وحشتناک مردم غزه و در ۲۲ روز کشتار زن و مرد و کودک غزه، همکار و امین و شریک اسرائیل و آمریکا بود. مردم مصر در آن روزها چه کشیدند؟ تلویزیون صحنه‌هائی از احساسات شدید مردم مصر را نشان داد که با گریه از وضعیت خود و از این که اجازه نمی‌یابند به برادران فلسطینی خود یاری برسانند، سخن می‌گفتند. ملت مسلمان مصر دیگر چقدر می‌توانست تحمل کند؟ آنچه امروز در قاهره و دیگر شهرهای مصر مشاهده میشود، انفجار خشم مقدس و فوران عقده‌هائی است که در طول سالیان متمادی رژیم نامسلمان و خائن و دست‌نشانده با رفتار خود در دل مردان و زنان آزاده‌ی مصری متراکم ساخته است. [1]

فاجعه‌آفرینی در فلسطین در سایه‌ی مشغول شدن دنیای اسلام به مسائل فرعی

البته سعی می‌کنند دنیای اسلام را مشغول کنند. امروز همین قضایای فلسطین در سایه‌ی مشغول شدن دنیای اسلام به مسائل فرعی دارد اتفاق می‌افتد. واقعاً امروز در فلسطین فاجعه‌آفرینی است، در غزه فاجعه‌آفرینی است، در کرانه‌ی باختری هم فاجعه‌آفرینی است. قضایای حرم ابراهیمی را نباید دست‌کم گرفت؛ اینها خیلی مهم است. به خاطر اقامه‌ی نماز، مسلمانها را از پایگاهشان و خانه‌شان بیرون کنند و راه ندهند! اسلام‌زدائی از آثار اسلامی، یکی از آن کارهای بسیار خطرناکی است که دارد جلوِ چشم مسلمانهای عالم اتفاق می‌افتد. از بس همه مشغولند، سرگرم چیزهایِ فرعی و جزئی هستند، نمی‌فهمند در دنیای اسلام چه دارد می‌گذرد. توطئه علیه دنیای اسلام این است. [2]

---

۱. ترجمه‌ی بیانات عربی در پایان خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران به امامت رهبر معظم انقلاب اسلامی۲۹ / ۰۳/ ۱۳۸۸

۲. بیانات در دیدار مسؤولان و شخصیت‌های علمی سیاسی ۱۳۸۹/۰۱/۱۷

جنایت حمله به کاروان آزادی و حمایت غرب

حمله‌ی جنایتکارانه و قساوت‌آمیز رژیم صهیونیست به کاروان دریائی امدادی و بشردوستانه، حلقه‌ی دیگری از زنجیره‌ی جنایتهای بزرگی است که آن حکومت شریر و خبیث، هفتمین دهه‌ی حیات ننگین خود را با آن انباشته است. این نمونه‌یی است از رفتار گستاخانه و بیرحمانه‌یی که مسلمانان در این منطقه و بخصوص در سرزمین مظلوم فلسطین دهها سال است که با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. این بار این کاروان، اسلامی یا عربی نبود، بلکه افکار عمومی و وجدانهای بشری از سراسر جهان را نمایندگی می‌کرد. این حمله‌ی جنایتبار باید برای همه مدلّل کرده باشد که صهیونیزم، چهره‌ی جدید و خشن‌تری از فاشیزم است که این بار از سوی دولتهای مدّعی آزادی و حقوق بشر و بیش از همه دولت ایالات متحده‌ی آمریکا، حمایت و کمک می‌شود.

آمریکا و انگلیس، فرانسه و دیگر دولتهای اروپائی که از این جانیان بالفطره، حمایت سیاسی و رسانه‌ئی و نظامی و اقتصادی کرده و همواره پشت سِر فاجعه‌آفرینیهای آنان ایستاده‌اند، جداً باید پاسخگو باشند. وجدانهای بیدار در سراسر جهان باید جداً بیندیشند که بشریت امروز با چه پدیده‌ی خطرناکی در منطقه‌ی حساس خاورمیانه روبرو است؟ چه رژیم سفاک و گستاخ و دیوانه‌ئی امروز بر کشور غصب شده‌ی فلسطین و مردم مظلوم و داغدیده‌ی آن تحکّم می‌کند! سه سال محاصره‌ی غذائی و داروئی و حیاتی یک و نیم میلیون زن و مرد و کودک در غزه، به چه معنی است؟ کشتار و حبس و شکنجه‌ی روزانه‌ی جوانان در غزه و ساحل غربی چگونه قابل فهم است؟[1]

---

۱. پیام در پی جنایت دریایی رژیم صهیونیستی در حمله به کاروان دریایی آزادی غزه ۱۳۸۹/۰۳/۱۱

بخش پنجم:

راه حل‌ها

فصل اول
راه حل غلط

فلسطین در پنجاه سال اخیر یک مسأله‌ی مهمّ دنیا و خاور میانه بوده است. برای این‌که این مسأله‌ی مهم و این مشکلِ بغرنج حل شود دو نوع راه‌حل همیشه پیشنهاد شده است: یک راه‌حلِ غلط، یک راه‌حلِ درست.

راه‌حلِ غلط این است که با همین غاصبی که نه به ارزشهای انسانی پایبند است و نه به قوانین بین‌المللی، و به قطعنامه‌های سازمانهای بین‌المللی گردن نمی‌نهد، مذاکره کنند و با او به یک نقطه‌ی توافق برسند. این راه‌حل، راه حلِ غلطی است؛ این به هر شکلش ظاهر شود غلط است. اسرائیل نشان داده است که به هیچ امضای خود پایبند نیست؛ اگر توافق هم بکنند، امضاء هم بکنند، پایبند نمی‌ماند. بزرگترین و قویترین استدلال بر این معنا هم همین وضع امروز رام‌الله است. خوب؛ خودشان نشستند در اسلو امضا کردند؛ حکومت خودگردان را به رسمیت شناختند. حالا بفرمایید؛ این رفتاری است که با حکومت خودگردان و با طرف مذاکره‌شان – یعنی یاسر عرفات – انجام می‌دهند. اینها به امضای خودشان پایبند نیستند. هر امضایی که طرف مقابل به اینها بدهد، پایشان را روی آن امضاء می‌گذارند یک قدم جلو می‌آیند. طبیعتشان این است. این راه حل، راه حلِ درستی نیست. البته من این مطلبی که می‌گویم، طرفِ خطابم کسانی نیستند که می‌خواهند به هر قیمتی شده،

این غدّه‌ی سرطانی را حفظ کنند. آنها این حرف را قبول نمی‌کنند؛ ما این را می‌دانیم. لکن طرفِ خطاب من، دولتهای عربی، دولتهای اسلامی، ملتهای مسلمان و وجدانهای بیدار در همه‌جای دنیاست؛ من با آنها حرف می‌زنم. این راه حل که طعمه‌ای در دهن این متجاوز بیندازند و او را فربه‌تر کنند تا قادر شود قدم بعدی را بردارد، راه حل نیست. این تجربه‌ی پنجاه ساله‌ی فلسطین است. قطعنامه‌ها در سازمان ملل صادر شد. هر چند امریکا هم که مدافع صهیونیستها بوده به ظاهر پای آن قطعنامه‌ها را امضا کرد، اما این غاصب به این قطعنامه‌ها عمل نکرد و کسی هم نگفت بالای چشمت ابروست! با چنین دولتی و با چنین طرفی، انسان چه مذاکره‌ای بکند؟! این راه‌حل راه حلِّ غلطی است؛ این راه حلِّ درستی نیست. [1]

نامشروع و ناپایدار بودن هر مذاکره با اعتراف به وجود این رژیم

... برادران و خواهران! امروز مبارزه‌ی مردم فلسطین روی محور خود قرار گرفته است؛ همان محوری که امید پیروزی در پیمودن آن است؛ یعنی ملت به صحنه آمده است. اسرائیل، یک رژیم جعلی و غیرقانونی و غاصب است. با زور و ظلم و ترفند آمدند یک کشور را از دست مردمش گرفتند. بنابراین هر گونه مذاکره‌ای که براساس اعتراف به وجود این رژیم باشد، نامشروع و ناپایدار است. البته امروز ملت فلسطین واقعیت صحنه را خوب درک کرده و فهمیده است که زبان زور، تنها زبانی است که اشغالگران بیت‌المقدّس و کشور فلسطین به آن معتقدند. ملت می‌داند هر گونه مذاکره و قراردادی، برای او خسارت به بار خواهد آورد؛ لذا وارد میدان شده است. [2]

عیان بودن نتیجه‌ی مقاومت و سازش

پس، الگوی مقاومت و مبارزه پیش روی ماست؛ یعنی می‌توان با مقاومت و مبارزه و البته تحمّل خسارت، به پیروزی رسید. درعین‌حال الگوی شکست

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۱/۰۱/۱۶

۲. بیانات در اجتماع بزرگ زائران حرم امام خمینی(ره) ۱۳۸۱/۰۳/۱۴

نیز پیش روی ماست و آن دل بستن به روشهای سازشکارانه و کاسه‌ی گدایی صلح در دست گرفتن است. نتیجه‌ی آن نیز تحقیر، به ذلّت کشاندن و در نهایت تحمیل یکطرفه‌ی خواسته‌های اسرائیل است که این را نیز عیناً مشاهده کردیم.[۱]

بی‌توجه‌بودن مردم مبارز به تهدید دشمن و قراردادهای صلح خائنان

امروز اینها، به خیال این‌که قضیه‌ی فلسطین تمام شده است، جشن گرفته‌اند. بنده عرض می‌کنم: قضیه‌ی فلسطین، تمام شده نیست. اشتباه نکنند! البته دنیای استکبار، بر اثر این‌که «**ذهب الله بنورهم و ترکهم فی ظلمات لایبصرون**»[۲]، با همه‌ی تحلیلهای علمی‌ای که به اصطلاح انجام می‌دهند، نمی‌توانند این حقایق انسانی را پوشیده بدارند.

قضیه تمام شده نیست. قضیه فرقی نکرده است. قضیه‌ی فلسطین به حال خود باقی است. طرف فلسطینی، یعنی آن امضا کننده‌ی حقیرِ بدنامِ روسیاهِ علی‌الظّاهر فلسطینی ـ علی الباطنش را خدا می‌داند ـ او نبود که برود و چیزی را بفروشد. مگر ملت فلسطین «عرفات» است؟! عرفات چه کاره است که برود فلسطین را با غاصبین فلسطین و صهیونیستهایی که صدها حادثه‌ی فاجعه آمیز از آنها در تاریخ ثبت است غیر از آنچه که ثبت نشده است معامله کند؟! قضیه‌ی دیریاسین و روستاهای منهدم شده با دینامیت و بر سر مردم فرو ریخته، مگر فراموش شده است؟! مگر می‌شود فراموش بشود؟! اینها را چه کسی کرده است؟! حالا همانها بیایند از شخص هیچ کاره‌ای امضا بگیرند که ما چهل و پنج سال است این‌جا را غصب کرده‌ایم، حالا شما بیا امضا بده که این‌جا مال خود ما باشد! مگر می‌تواند؟! مگر کسی قبول می‌کند؟! سردمداران امریکایی و صهیونیستی، همچنین آن زبونها و حقیرهایی که بر سرِ این میز مذاکره و امضا نشستند، بدانند: مشتهای فلسطینی، همچنان بر سر غاصبین فرو خواهد آمد. تبلیغات جهانی را با

---

۱. سخنرانی در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین۱۳۸۰/۰۲/۰۴

۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی۱۷

جنجالی به رخ همه می‌کشند که «یک عدّه از فلسطینیها خوشحالند.» بله؛ در همه جا آدمهای مزدور، آدمهای ضعیف،آدمهای ناآگاه که نمی‌دانند فردای آنها چه خواهد شد البته وجود دارند. ممکن است که این‌طور هم باشد. چرا در این قضیه، از دنیای اسلام نظر خواهی نمی‌شود؟ این قضیه، یک قضیه‌ی اسلامی است. در همان دنیای عرب که متأسفانه بعضی از سران عرب، به‌طور افتضاح آمیزی به این خیانت تسلیم شدند و تن دادند. در همان کشورها، اگر راست می‌گویید که تبلیغات جهانی آزاد است، بروید با آحاد مردم مصاحبه کنید. این‌جا که می‌رسد، دیگر آزادی تبلیغات و آزادی بیان معنی ندارد! دیگر جزو اصول دمکراسی غرب شمرده نمی‌شود!

بروند با مردم مصاحبه کنند ببینند مردم چه می‌گویند؟ مگر امّت اسلامی حاضر است از این همه قربانی‌ای که در این چهل و پنج سال داده است، صرف نظر کند؟! مگر امّت اسلامی، همان چهار نفر شاه و رئیس جمهور خائنی هستند که هر چه امریکاییها اشاره کنند، دو دستی تقدیم می‌کنند؟! امّت اسلامی، امّت اسلامی است! امّت عرب هم، در محدوده‌ی خودش، با شهامت‌تر و سربلندتر از این حرفهاست. این مبارزه، به درون ملتها کشیده خواهد شد؛ همچنان که کشیده شده است. [1]

دشمن بداند که هیچ تهدید و هیچ ترفندی از قبیل شرکت دادن فلسطینیانِ پشت کرده به آرمان فلسطین در کنفرانس امریکایی، نخواهد توانست نفوس مؤمنه‌یی را که جهاد در راه نجات فلسطین را تکلیف اسلامی خود می‌دانند، از این مبارزه‌ی برحق رویگردان کند، و علی‌رغم خواست امریکا و دستیاران و وابستگانش، جهاد ملت فلسطین ادامه خواهد یافت و این شعله‌ی مقدس، با خیانت سیاستمداران وابسته‌ی فلسطینی و عرب خاموش نخواهد شد. [2]

این قراردادهایی هم که در «شرم الشّیخ» و دیگر مناطق، بین اطرافِ بی‌مسؤولیتِ قضیه بسته شده است، هیچ تأثیری ندارد. مایه‌ی شرمندگی

۱. بیانات در دیدار فرماندهان و مسؤولان «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» ۱۳۷۲/۰۶/۲۵
۲. پیام به ملتهای مسلمان، علما، نویسندگان، روشنفکران و دانشجویان کشورهای اسلامی، به منظور بسیج نیروهای عظیم کشورهای اسلامی برای مقابله با توطئه‌های خباثت‌آمیز امریکا و اسرائیل در کنفرانس مادرید۱۳۷۰/۰۷/۲۵

قراردادکنندگان و کسانی که این قراردادها را بسته‌اند، خواهد شد. هیچ فایده‌ای ندارد؛ هیچ تأثیری نخواهد داشت. [1]

ممنوع و بی‌فایده بودن مذاکره

ملت فلسطین نباید و نمی‌تواند آزادی و حقوق حقه‌ی خود را در کنفرانس و گردهماییهای سران عرب جستجو کند. این نشست و برخاستها، اگر برای فلسطینی‌های مظلوم، شوم و بدفرجام نباشد، حداقل بی‌فایده و بی‌خاصیت است. رؤسایی که در این ایام به عنوان فلسطین گردهم آمدند، اگر صادقانه در اندیشه‌ی نجات فلسطین بودند، باید دربرابر پیشنهاد مزوّرانه‌ی رئیس جمهوری امریکا، موضعی سخت و قاطع گرفته، برای کمک مالی و تسلیحاتی و سیاسی به مبارزان داخل فلسطین اشغالی، تصمیمهای عاجل و واقعی می‌گرفتند و به شعارهای پوچ اکتفا نمی‌کردند و اگر چنین نشود – که نشده است و با وضع فعلی جهان عرب و حکام آن، نخواهد هم شد – مبارزان داخل باید به خدا و به نیروی مردمی و اسلامی تکیه کنند و بدانند: **«کم مِن فئةٍ قلیلةٍ غَلَبَت فئةً کثیرةً بِإذن الله والله معَ‌الصّابرین[2]»**[3]

مذاکرات؛ مصداق ظلم، نه صلح

حالا مثلاً، به اصطلاح «مذاکرات صلح» راه انداخته‌اند برای این‌که قیام مسلمانانِ فلسطین را خاموش کنند! مگر توانستند؟ مگر می‌توانند؟ اسمش را گذاشته‌اند صلح! این صلح است یا ظلم است؟! مخالفت ما با این مذاکراتی که بر سر فلسطین مظلوم انجام می‌گیرد، به خاطر مخالفت با صلح نیست. ما طرفدار صلحیم؛ ما منادی صلحیم؛ ما منادی بالاتر از صلحیم. ما می‌گوییم بین مسلمین عالم و بین آحاد بشر، برادری باشد. ما طرفدار برادری هستیم.

---

۱. سخنرانی در اجتماع بزرگ بسیجیان شرکت کننده در اردوی فرهنگی، رزمی یاران امام علی(ع) ۱۳۷۹/۰۷/۲۹

۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۴۹

۳. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۶۹/۰۳/۱۰

ما مخالف با صلح نیستیم؛ اما این مذاکراتی که امروز در امریکا در جریان است، مذاکره‌ی صلح نیست. این، مذاکره‌ی ظلم است. می‌خواهند یک ظلم را تثبیت کنند؛ می‌خواهند یک ظلم را قانونی و رسمی کنند. البته که ما مخالفیم! همه‌ی جوانمردان عالم باید مخالف باشند. همه‌ی مسلمانان باید مخالف باشند و با آن مخالفت کنند. خانه‌ی ملت فلسطین را از آنها گرفته‌اند و یک عدّه غاصب را در آن‌جا، جا داده‌اند، پشتیبانی کرده‌اند و به دست آن غاصبین، صاحبخانه‌ها را به فجیع‌ترین شکل، سرکوب کرده‌اند. حالا هم، برای این‌که دهان صاحبخانه‌ها را ببندند و وادارشان کنند که بکلّی ادّعای خود را از مایملکشان پس بگیرند، می‌خواهند با دولتهای عرب و اسرائیل بنشینند مذاکره کنند!

مگر کسی حق دارد از طرف ملت فلسطین، چیزی را امضا کند؟ مگر کسی حق دارد عوض کسی، خانه‌ی آن ملت را به غاصبی بفروشد؟ ما امیدواریم این مذاکرات، به قراردادِ امضا شده‌ای نرسد؛ اما اگر قراردادی هم درست شود؛ اگر پای آن را دولتهای عربی هم که حضور پیدا کرده‌اند امضا کنند، آن امضاها از نظر مردم فلسطین و مسلمانان عالم و ما، اعتباری ندارد.

امریکا اشتباه می‌کند. امریکا با جمع کردن دولتهای عرب دور یک میز برای چنین مذاکره‌ی ننگینی، دولتهایی را که در آن‌جا جمع شده‌اند، پیش مردمشان منفورتر می‌کند. مگر مردم کشورهای عرب حاضرند موافقت کنند که رؤسایشان بروند خانه‌ی ملت فلسطین را به دیگران بفروشند؟ با این کار، فاصله‌ی بین این رؤسا ـ اگر خدای ناکرده به چنین امضایی برسند ـ و ملتهایشان، بیشتر خواهد شد. این کار، ملتهایشان را خشمگینتر خواهد کرد. ملت مصر را خشمگینتر خواهد کرد. آن بیچاره‌ی مصری[1]، بلند می‌شود مثل سائل به کف، می‌رود به امریکا، برای شکایت کردن از ایران! شکایت پیش آن بیچاره‌ای بکند که خود او، بیشتر از این، دلش از ایران پُر است و از آن شکایت دارد!

از ایران چرا شکایت می‌کنی؟! از اسلام شکایت کن! از ملت مسلمان

---

۱. حسنی مبارک

خودت شکایت کن! آن آقا[1] اگر قرار است از کسی شکایت کند، از ملت مصر باید شکایت کند. ملت مصر، ملت مسلمانی است. ملت مصر، دارای سابقه در اسلام است. ملت مصر، افتخارات بزرگی در راه افکار نو اسلامی و مبارزات اسلامی دارد. این ملت، ملت غیوری است. یقین است که این ملت، حاضر نیست خیانت سران خودش را تحمّل کند و با آنها درگیری پیدا می‌کند.[2]

راه‌حل عادلانه؟! و مبارزه غیرعادلانه!؟

آن کسانی که برای فلسطین دل می‌سوزانند، برای صدها هزار و میلیونها انسانِ از حقوق انسانی محروم شده دل می‌سوزانند. کسانی که با حضور دولتِ غاصب صهیونیستی در وطن فلسطینی مخالفت می‌کنند، برای بشریت، برای مادران داغدیده و برای جوانان مؤمن دل می‌سوزانند؛ برای انسانهایی دل می‌سوزانند که حرفشان این است که خانه‌ی ما را به خود ما بدهید، وطن ما را از ما نگیرید، در داخل خانه‌ی ما این‌قدر به ما ظلم نکنید. آیا این حرف، خلاف است؟ آیا این حرف، زورگویی و خشونت است؟ آیا اگر کسی در این دنیا برای احیای حق ملیت خود مبارزه کند، مبارزه‌ی غیرعادلانه‌یی انجام داده است؟ ما از کسانی که امروز می‌گویند می‌خواهیم در قضیه‌ی فلسطین راه حل عادلانه پیدا کنیم، سؤال می‌کنیم که این راه‌حل عادلانه چیست؟ فلسطین متعلق به کیست؟ جز این‌که متعلق به فلسطینی است؟

آیا شما با تغییر اسم می‌توانید یک ملت را از اولیترین حقش – یعنی حقِ داشتن سرزمین خود – محروم کنید؟ آیا با تبلیغات می‌توانید یک ملیت دروغین به نام ملیت اسرائیلی به وجود بیاورید؟ آیا چنین چیزی مقبول است؟ آیا چنین چیزی مطابق با انصاف است؟ آیا چنین چیزی عادلانه است؟ مسأله غیر از اینهاست. مسأله این است که دنیای استکباری، به سرزمین فلسطین به عنوان قلب جغرافیایی جهان اسلام احتیاج دارد، تا اسلام را بکوبد، ملتهای

---

۱. حسنی مبارک
۲. بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران حج ۱۳۷۲/۰۲/۰۸

اسلامی را زیر فشار قرار بدهد و از حرکت اسلامی مانع بشود.

دولت اسرائیل در این نقطه، قائم‌مقام حضور استکباری است، تا منافع استکبار را در این منطقه تأمین کند؛ قضیه این است. آیا انسانهای سالم و بی‌غرض حاضرند گول تبلیغات دروغین و خباثت‌آلود استکبار را نسبت به فلسطین بخورند؟ امروز اردوگاه استکبار ایستاده است تا حق بزرگ ملت فلسطین و ملتهای اسلامی را تضییع کند. آیا ملتهای اسلامی حق دارند بنشینند و تضییع حق یک ملت مسلمان و تضییع حقوق خود را تماشا کنند؟!

راه‌حل مسأله‌ی فلسطین، راه‌حل روشنی است. کسانی که گول این مطلب را می‌خورند که بروند با دشمن – یعنی با عامل غصب – مذاکره کنند، خودشان را فریب می‌دهند. آنها می‌خواهند ملتها را فریب بدهند؛ اما ملتها فریب نمی‌خورند. راه حل مسأله‌ی فلسطین این نیست که بروند با اسرائیل غاصب فلسطین بنشینند حرف بزنند.[1]

آیا جوانان غیور فلسطینی مرده‌اند؟

آیا جوانان غیور فلسطینی مرده‌اند؟ آیا جوانان کشورهای اسلامی همجوار فلسطین و دیگر کشورهای اسلامی مرده‌اند که دشمنان بخواهند بزرگترین مسائل جهان اسلام را این‌طور راحت به سود خودشان و به زیان امت اسلامی حل کنند؟ این چه سکوتی است که امروز در دنیای اسلام هست؟ تا چند سال قبل از این، مگر کسی در دنیای اسلام جرأت می‌کرد سخن از گفتگو با دولت غاصب اسرائیل بر زبان بیاورد؟ یک نفر خائن ـ آن طاغوت مصری[2] ـ جرأت کرد و اقدام نمود و بعد از اندکی سزای عمل خودش را هم دید.

امروز قضیه را به صورت یک قضیه‌ی ساده مطرح می‌کنند. آن طرف قضیه امریکاست که می‌گوید بیایید با صهیونیستها، با این دزدها، با این قاتلها،

---

۱. سخنرانی در دیدار شرکت کنندگان در کنفرانس بین‌المللی حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین ۱۳۷۰/۰۷/۲۷

۲. انور سادات

با این کسانی که چهل سال است ملت فلسطین را شکنجه می‌دهند و نسبت به همه‌ی دنیای اسلام سمپاشی و خیانت می‌کنند و از پشت خنجر می‌زنند و همه یا بیشتر مشکلات دنیای اسلام ناشی از اینهاست، بنشینید مذاکره کنید و امضاء نمایید که بیت‌المقدس و سرزمین فلسطین و جولان متعلق به صهیونیستها باشد! [1]

ترفند کشاندنِ طرف فلسطینی به مذاکره پس از شکست در میدان نبرد

به گمان زیاد، ناکامی رژیم صهیونیستی و شریک جرمش آمریکا در عملیات چند ماهه‌ی اخیر، آنان را به سمت طراحی ترفند تازه‌ای برای رهائی از این گرداب وادار خواهد کرد. ترفند کشاندن طرف فلسطینی به پشت میز مذاکره‌ای که تنها اثرش برای فلسطین ایجاد اختلاف در صفوف مبارزان فلسطینی و فرونشاندن شعله‌ی انتفاضه خواهد بود. در برابر این ترفند تسلیم نباید شد. رژیم اشغالگر ثابت کرده است که به هیچ قراری پایبند نیست و هیچ منطق حق‌طلبانه او را قانع نخواهد ساخت و به هیچ منطقی جز زورگوئی و زیاده‌طلبی اعتقاد ندارد. بی‌شک مبارزان مؤمن و راستین و دولتهای معتقد به قضیه‌ی فلسطین، فریب این ترفند را نخواهند خورد. [2]

خیانت تشکیلات خودگردان؛ به فراموشی سپردن فلسطین به قیمت حکومت بر چهار در صد آن!

همین امروز شما نگاه کنید، ببینید سعی بر این است که چیزی به نام ملت فلسطین، بکلّی به فراموشی سپرده شود؛ کانّه هیچ سرزمینی به نام فلسطین و هیچ ملتی که مالک این سرزمین باشد، وجود نداشته است! مقدّمات کار را این طور فراهم کردند و انسان با کمال تعجّب و تأسّف و با حیرت می‌بیند که بعضیها هم تسلیم می‌شوند و امروز در دنیا کسی هست که تسلیم چنین

۱. سخنرانی در دیدار گروه کثیری از آزادگان، در اولین سالگرد آزادی و بازگشت به کشور ۱۳۷۰/۰۵/۲۸

۲. پیام به کنفرانس بین‌المللی امام خمینی (قدس‌سره) و حمایت از فلسطین ۱۳۸۱/۰۳/۱۲

پدیده‌ی ظالمانه، عجیب و غریب و ابلهانه – برای آن مجموعه‌ی تسلیم شده – بشود! امروز این اتّفاق می‌افتد: یک مجموعه‌ی به‌اصطلاح فلسطینی را در بخشی از سرزمین بزرگ فلسطین می‌آورند و در آن‌جا – در چهار درصد کشور فلسطین – یک حاکمیت نیمه کاره و دروغین، یک حاکمیت سطحی و غیرواقعی می‌دهند و چیزی که در مقابل از آنها می‌خواهند، این است که قضیه‌ی فلسطین، مسأله‌ی سرزمین و مسأله‌ی ملت، بکلّی فراموش و کنار گذاشته شود و هرکس از فلسطینیها که اسم ملت فلسطین، اسم کشور و تاریخ فلسطین را آورد، همین کسانی که این معامله‌ی زیانبار را کردند، مأمورند او را سرکوب کنند!

خوب؛ این معامله‌ی خیلی غیرمعقول و ابلهانه‌ای است. چه کسی حاضر است چنین معامله‌ای را قبول کند؟! اگر قبل از آن‌که این کار انجام گیرد، صورت مسأله را جلوِ ملتهای عالم – بخصوص ملتهای اسلامی – می‌گذاشتند و می‌گفتند قرار است ما چنین معامله‌ای بکنیم که در گوشه‌ای از سرزمین فلسطین – آن هم این یک وجب جا! – یک حاکمیت پنداری و دروغینی به چند نفر فلسطینی بدهیم و در مقابل، کلّ مسأله‌ی فلسطین، ملت فلسطین، کشور و گذشته‌ی فلسطین و آوارگان کنونی فلسطین را به فراموشی بسپارند، شاید در دنیای اسلام کسی که باور کند چنین چیزی ممکن است اتّفاق بیفتد، خیلی کم بود. اما امروز این قضیه اتّفاق افتاده است! یعنی مجموعه‌ی حقیر و بی‌ارزشی که حقیقتاً قابل این نیستند که انسان آنها را فلسطینی بنامد – چه برسد به این‌که نماینده‌ی ملت فلسطین باشند – این کار را می‌کنند! آن طرفهای مقابل هم – دولت غاصب و آمریکا که پشت سرِ دولت غاصب است – ساده‌لوحانه خیال می‌کنند که مسأله‌ی فلسطین تمام شد! غافل از این‌که ملت فلسطین در جای خودش هست. یک ملت را که نمی‌شود از تاریخ حذف کرد. خوشبختانه انسان احساس می‌کند که امروز در میان این ملت، مردمان رشید، مردمان شجاع، خردمند، غیور و متمسّک به اسلام وجود دارند و چنین معامله‌ای سرنخواهد گرفت. [1]

۱. بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳۷۸/۰۶/۲۴

عاقبت مذاکره با اسرائیل؛ تهاجم ظالمانه‌ی به غزه

شما ببینید الان در فلسطین چه دارد می‌گذرد! روزانه فلسطینیها قتل عام می‌شوند. صهیونیستهای وحشی که ابهت به دست آمده‌ی نظامی در طول پنجاه سال را در جنگ سی و سه روزه‌ی لبنان از دست دادند - پنجاه سال تلاش کردند تا نشان بدهند که اسرائیل شکست‌ناپذیر است؛ اما این ابهت پنجاه ساله در سی و سه روز دود شد رفت هوا. یک گروه مجاهد مؤمن تهیدست از سلاحهای پیشرفته‌ی هوایی و غیره، توانست آن ارتش مغرور و سرکش را به ذلت بکشاند؛ تلفات بر آن وارد کند؛ او را در سطح دنیا مسخره کند - گویا می‌خواهند انتقام آن شکست و آن فضاحت را از فلسطینیهای بیچاره بگیرند. الان چندین روز است یا شاید چند هفته است که غزه مورد تهاجم دائمی صهیونیستهاست و خود همین تهاجم بی‌امان و ظالمانه‌ی به غزه - که به‌ظاهر در ذیل یک قراردادی آنها را به دست فلسطینیها برگرداندند و حالا دارند این‌طور با آنها رفتار می‌کنند - باید نشان بدهد که آخر عاقبت و با اسرائیل غاصب و صهیونیستها چیست. بعضیها می‌گویند با مذاکره، مشکلاتمان را با صهیونیستها حل کنیم. بفرمایید این هم مذاکره! این ستم بزرگ امروز دارد انجام می‌گیرد؛ طرفداران حقوق بشر، مدعیان حقوق بشر، حضراتی که در هر نقطه‌ی دنیا سر چیز کوچکی دولتهایی را که مطیع آنها نیستند، به نقض حقوق بشر متهم می‌کنند - در اروپا و غرب - نشسته‌اند، دست روی دست هم گذاشته‌اند؛ فارغ‌البال و بی‌خیال دارند به این کشتار روزانه نگاه می‌کنند. اگر کسی یک گوسفند را هم در یکی از خیابانهای یک پایتخت اروپایی سر ببرد، این‌قدر فراغت بال به وجود نخواهد آمد. برای کشتن دهها و صدها انسان و برای نابود شدن کودکان، زنان و مردان بی‌دفاع، کسانی که در هیچ کار مسلحانه‌ای شرکت نداشته‌اند و همین‌طور چشم بسته به قتل می‌رسند، ارزشی به قدر ریختن خون یک گوسفند ندارند؛ امروز وضع عدالت در دنیا این است.بعضی که به این وضعیت نگاه می‌کنند، می‌گویند: شما نام عدالت اجتماعی را می‌آورید، مگر می‌شود؟![1]

۱. دیدار مردم دامغان ۱۳۸۵/۰۸/۱۹

هدف مذاکراتِ به اصطلاح صلح؛ به‌فراموشی سپردن قضیه‌ی فلسطین

یکی از مسائلی که امروز مطرح می‌شود، برای این‌که قضیه‌ی فلسطین به‌دست فراموشی سپرده شود و از طرح آن در افکار عمومی امّت اسلامی جلوگیری کند، همین مذاکرات به اصطلاح صلحی است که بین گروهی از فلسطینیها – یعنی همین عرفات و دارودسته‌ی او – با اسرائیلیها در جریان است؛ یعنی قضیه‌ی سازش و حکومت به‌اصطلاح خودمختار فلسطینی و از این حرفها. این هم یکی از آن زشت‌ترین فریبها و ترفندهای اسرائیلیهاست که متأسّفانه عدّه‌ای از مسلمانان و عدّه‌ای از خودِ فلسطینیها به دام آن افتاده‌اند.[1]

منفعت کم قراردادهای صلح چون وای ریور۲ برای فلسطینیان

یکی از حرفهایی که امروز مطرح می‌کنند، همین مسأله‌ی مذاکرات سازش بین این جماعت و سران اسرائیل است، که یکی از آن زشت‌ترین ترفندهاست. چرا؟ به‌خاطر این‌که براساس بهترین فرضها در آخرین مذاکراتی که اینها انجام دادند – به قول خودشان «وای ریور ۲» – اگر همه‌ی این تعهّداتی که اسرائیلیها کردند، تحقّق پیدا کند، آنچه که گیر این جماعت فلسطینیِ بیچاره می‌آید، اندکی بیش از چهار درصد سرزمین فلسطین است! یعنی از این کشور فلسطینی که متعلّق به فلسطینیهاست و همه‌اش را مردم فلسطین مالکند و حقّ آنهاست، چهاردرصدش را به اینها می‌دهند؛ آن هم چطور چهاردرصدی؟! این چهاردرصد، در یک جا مجتمع نیست؛ شاید در ده جا تکّه‌تکّه شده و متفرّق است! به آن کسانی هم که گفتند بیایید شما این‌جا حکومت تشکیل دهید – که همین دارودسته‌ی این روسیاهان باشند – به هیچ‌وجه اجازه ندادند که مثل یک حکومت عمل کنند. از اینها خواستند به آن‌جا بروند و مواظب باشند که فلسطینیهای این منطقه علیه دولت اسرائیل اقدامی نکنند! یعنی منطقه‌ی محدودِ کوچکِ متفرّقِ غیرقابل اداره‌ای را به‌عنوان یک کشور، به‌صورت ناقص و نیمه‌کاره در اختیار اینها قرار دادند! آنچه اینها در مقابل باید انجام دهند، این است که علاوه بر

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۱۰/۱۰

خود آن دستگاههای امنیتی اسرائیل، اینها هم علیه فلسطینیهای مبارزِ داخل سرزمین اشغالی، اقداماتی بکنند! خیانت از این بالاتر؟![1]

راه جبران خیانت به‌رسمیت شناختن اسرائیل و ذلّت اعراب

البته راه جبران – نه جبران کامل – باقی است و دولتهای عرب می‌توانند این کار زشتی را که انجام شد، تا حدودی جبران کنند: همه‌ی دولتهای عرب اعلان کنند که ما اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسیم و آن حرفهایی که در آن‌جا زده شده است – چون اسرائیل در مقابل، با آن وضع رفتار کرده است– کأن‌لم‌یکن و ملغاست. با این تصمیم، ملتها را خوشحال کنند. می‌توانند این کار را بکنند؛ اما امید به ملتها و جوانان است.[2]

بی‌ارادگی سران کشورهای اسلامی بر محو اسرائیل

متأسفانه رفتار و گفتار اغلب سران کشورهای اسلامی، هیچ اشاره‌یی را به عزم آنان بر علاج این خطر بزرگ – که چیزی جز محو رژیم صهیونیست نژادپرست نیست – نشان نمی‌دهد؛ بلکه بعکس، نشانه‌هایی از گسترش کمپ‌دیوید و تکمیل خیانت «سادات» نیز در برخی از دولتهای عربی به چشم می‌خورد؛ و من نمی‌دانم آیا این دولتها با این رفتار ذلت‌بار و تسلیم ننگ‌آور در برابر دشمن عنود مسلمین و اعراب، چه پاسخی برای ملتهای خود و نیز در پیشگاه خداوند آماده کرده‌اند؟[3]

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۱۰/۱۰

۲. سخنرانی در دیدار گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه (روز ملی مبارزه با استکبار) ۱۳۷۰/۰۸/۱۵

۳. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۳۷۰/۰۳/۲۶

فصل دوم
راه حل صحیح

راه حلّ مسأله‌ی فلسطین

راه حلّ مسأله‌ی فلسطین، راه حلهای تحمیلی و دروغین نیست. تنها راه حلّ مسأله‌ی فلسطین این است که مردم واقعی فلسطین – نه مهاجران غاصب و اشغالگر – چه آنهایی که در داخل فلسطین ماندند، چه آنهایی که در بیرون فلسطین هستند، خود نظام حاکم بر کشورشان را تعیین کنند. اگر اتّکاء به آراءِ یک ملت از نظر مدّعیان دمکراسی در دنیا حرف راستی است، ملت فلسطین هم یک ملت است و باید تصمیم بگیرد. رژیم غاصبی که امروز در سرزمین فلسطین بر سرِ کار است، هیچ حقّی بر این سرزمین ندارد؛ یک رژیم جعلی، دروغین و ساخته‌ی دست قدرتهای ظالم است. بنابراین از مردم فلسطین نباید بخواهند این رژیم را به رسمیت بشناسند. اگر کسی در دنیای اسلام این اشتباه را بکند و این رژیم ظالم را به رسمیّت بشناسد، علاوه بر این‌که برای خود روسیاهی و ننگ به وجود خواهد آورد، کار بی‌فایده‌ای هم کرده است؛ چون این رژیم قابل دوام نیست. صهیونیستها خیال می‌کنند توانسته‌اند بر فلسطین مسلّط شوند و تا ابد فلسطین متعلّق به آنهاست! نخیر؛ این‌طور نیست. سرنوشت فلسطین این است که قطعاً یک

روز کشور فلسطین خواهد شد. ملت فلسطین در این راه قیام کرده است. وظیفه‌ی ملتها و دولتهای مسلمان این است که این فاصله را هر چه بیشتر کم کنند و کاری کنند که ملت فلسطین به آن روز برسد.[1]

آنها که در این منطقه صلح می‌خواهند، اگر خانه‌ی فلسطینیها را به خودشان برگردانند، صلح ایجاد خواهد شد. چرا شما افرادی را با ملیتهای مختلف روسی، انگلیسی، امریکایی، آفریقایی، آسیایی، از هند و از مناطق دیگر دنیا در این‌جا جمع کرده‌اید، تا مردمی را از خانه‌ی خودشان بیرون کنید؟ اگر شما صلح می‌خواهید، صلح به این است که افرادی که متعلق به کشورهای دیگرند، به خانه‌های خودشان برگردند و فلسطین را به فلسطینیها بدهند.

فلسطین متعلق به فلسطینیهاست. اگر مردم سرزمین فلسطین در داخل فلسطین – یعنی در همه‌ی فلسطین، بدون تجزیه – دولتی تشکیل بدهند، صلح خواهد شد. اگر شما راست می‌گویید، و اگر توطئه‌یی علیه ملت فلسطین و ملتهای اسلامی و علیه اسلام در نظر ندارید، راه حل این است. اما اگر نخواهید این راه حل را عمل کنید، اردوگاه استکبار بداند که با این نشست‌وبرخاستهایی که ترتیب می‌دهند و با این تصمیم‌گیریها، مسأله‌ی فلسطین حل نخواهد شد؛ مبارزات فلسطین خاموش نخواهد شد، و نباید بشود.[2]

نکته‌ی مهم دیگر این است که مسأله‌ی فلسطین با این عقب‌نشینیها حل نخواهد شد؛ این را بدانند. هم امریکا بداند، هم صهیونیستها بدانند، هم کسانی که حالت دلالی دارند و به شکل دلال دارند عمل می‌کنند، بدانند که مسأله‌ی فلسطین این‌طوری حل نخواهد شد. این‌که از یک قسمت عقب‌نشینی کنند، بعد قضیه تمام شود، این نمی‌شود. کسی بیاید خانه‌ی شما را به زور اشغال کند، بعد از مدتی یک اتاق کوچک را آن گوشه‌ی خانه به شما بدهد، بقیه‌ی خانه را هم به اسم خودش ثبت کند؛ مگر می‌شود چنین چیزی؟ فلسطین را

۱. بیانات در اجتماع بزرگ زائران حرم امام خمینی(ره) ۱۳۸۱/۰۳/۱۴

۲. سخنرانی در دیدار شرکت کنندگان در کنفرانس بین‌المللی حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین ۱۳۷۰/۰۷/۲۷

گرفته‌اند؛ حالا ناچار شده‌اند از گوشه‌یی از فلسطین عقب‌نشینی کنند؛ کسی بگوید خیلی خوب، حالا که این‌جا را دادید، پس دیگر بقیه‌ی فلسطین مال شما! مگر می‌شود چنین چیزی؟ مسأله‌ی فلسطین این‌طوری حل نخواهد شد. مسأله‌ی فلسطین فقط یک راه دارد؛ همان چیزی که ما چند سال پیش اعلام کردیم: از فلسطینیهای اصیل – چه آنهایی که داخل فلسطین هستند، چه آنهایی که در اردوگاهها هستند، چه آنهایی که در کشورهای دیگر هستند؛ چه مسلمان باشند، چه یهودی باشند، چه مسیحی باشند، فرقی نمی‌کند؛ فلسطینی باشند – نظرخواهی کنند؛ هر دولتی که آنها خواستند، سر کار بیاید. آن دولت اگر مسلمان باشد، اگر مسیحی باشد، اگر یهودی باشد، اگر مخلوط باشد، چنانچه برخاسته‌ی از آراء خود فلسطینیها باشد، مورد قبول است و مسأله‌ی فلسطین را حل خواهد کرد. بدون این، مسأله‌ی فلسطین حل نخواهد شد.[1]

پیشنهاد ما، یک همه‌پرسی

حضار محترم! شما که در این گردهمائی حضور یافته اید، در مسأله‌ی فلسطین صاحبنظر و اندیشه‌ورید. وظیفه‌ی تاریخی امروز ما تکرار سخنان و تئوریهای ناتوانِ گذشته نیست، بلکه ارائه‌ی راهکاری است که فلسطین را از زیر ستم رژیم صهیونیستی آزاد کند. پیشنهاد ما یک راهکار کاملاً منطبق بر مردمسالاری است که می‌تواند منطق مشترک همه‌ی افکار جهانی باشد. آن پیشنهاد این است که همه‌ی صاحبان حق در سرزمین فلسطین اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی در یک همه‌پرسی، ساختار نظام خود را انتخاب کنند و همه‌ی فلسطینیهایی که سالها مشقت‌آوارگی را تحمل کرده اند نیز در این همه‌پرسی شرکت کنند.

دنیای غرب باید بداند که نپذیرفتن این راه حل نشانه‌ی پایبند نبودن به دموکراسی است که پیوسته از آن دم میزنند و این آزمون افشاگر دیگری بر علیه آنان خواهد شد.

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۴/۰۵/۲۸

آزمون قبلی آنان نیز در فلسطین بود که نتیجه‌ی انتخابات کرانه‌ی باختری و غزه را که روی کارآمدن دولت حماس بود نخواستند بپذیرند. کسانی که دموکراسی را تا جائی می پذیرند که نتائج آن مطلوب آنان باشد، جنگ‌طلب و ماجراجویند و اگر از صلح دم می‌زنند جز دروغ و فریب نیست. [1]

اما برای این مسأله، راه حلِ ّمنطقی وجود دارد. راه حلِ ّمنطقی راه حلّی است که همه‌ی وجدانهای بیدار دنیا و همه‌ی کسانی که به مفاهیم امروزِ دنیا معتقدند، ناچارند آن را قبول کنند. ما یک سال و نیم قبل هم این راه حل را گفتیم و دولت جمهوری اسلامی بارها در مجامع و در مذاکرات بین‌الدولی آن را تکرار کرده است. الان هم ما همان را می‌گوییم و بر آن هم اصرار می‌ورزیم: راه حلّ نظرخواهی از خودِ مردم فلسطین؛ همه‌ی کسانی که از فلسطین آواره شده‌اند؛ البته آنهایی که مایلند به سرزمین فلسطین و به خانه‌ی خودشان برگردند. این یک امر منطقی است. این کسانی که در لبنان و در اردن و در کویت و در مصر و در بقیه‌ی کشورهای عربی سرگردانند، به کشور و به خانه‌ی خودشان فلسطین برگردند – آنهایی که مایلند؛ نمی‌گوییم کسی را به زور بیاورند – و از کسانی که قبل از سال ۱۹۴۸ که سال تشکیل دولت جعلی اسرائیل است، در فلسطین بوده‌اند – چه مسلمانشان، چه مسیحی‌شان، چه یهودی‌شان – نظرخواهی شود. اینها در یک نظرخواهی عمومی، رژیم حاکم بر سرزمین فلسطین را تعیین کنند. این دمکراسی است. چطور برای همه‌ی دنیا دمکراسی خوب است، برای مردم فلسطین دمکراسی خوب نیست؟! چطور همه‌ی مردم دنیا حق دارند در سرنوشت خود دخالت کنند، اما مردم فلسطین حق ندارند؟! هیچ کس شک ندارد رژیمی که امروز در فلسطین بر سرِ کار است، رژیمی است که با زور، با حیله و ترفند و با فشار روی کار آمده است؛ در این کسی شک ندارد. صهیونیستها با مسالمت نیامده‌اند؛ مقداری با حیله و ترفند و مقداری با زور سلاح و فشار بر سرکار آمدند؛ لذا یک رژیم تحمیلی دارند. خیلی خوب؛ مردم فلسطین جمع شوند، رأی بدهند و نوع رژیمی را که در این کشور باید حاکم باشد، انتخاب کنند.

---

۱. بیانات در چهارمین کنفرانس حمایت از ملت فلسطین ۱۳۸۷/۱۲/۱۴

آن رژیم و آن دولت، تشکیل شود و درباره‌ی کسانی که بعد از سال ۱۹۴۸ به سرزمین فلسطین آمده‌اند، تصمیم‌گیری کند؛ هر چه تصمیم گرفت. اگر تصمیم گرفت بمانند، پس بمانند، اگر هم تصمیم گرفت بروند، پس بروند. این، هم آراءِ مردم است، هم دمکراسی است، هم حقوق بشر است، هم منطبق با منطق فعلی دنیاست. این راه حل. خوب؛ این راه حل باید اجرا شود. غاصب که با زبان خوش این راه حل را قبول نمی‌کند! این‌جاست که همه‌ی اطراف قضیه باید خودشان را مسؤول بدانند؛ هم دولتهای عربی، هم دولتهای اسلامی، هم ملتهای مسلمان در همه‌ی دنیا، هم بخصوص خود ملت فلسطین و هم مجامع جهانی. هرکدام مسؤولیتی دارند که اصرار بورزند این راه حلِّ منطقی باید تحقّق پیدا کند و می‌شود تحقّق پیدا کند. بعضیها نگویند آقا! چنین چیزی خواب و خیال است و ممکن نیست؛ نخیر! می‌شود. کشورهای دریای بالتیک بعد از گذشتِ چهل سال و اندی که جزو شوروی سابق بودند، برگشتند و مستقل شدند. کشورهای منطقه‌ی قفقاز بعضی در حدود صد سال قبل از این‌که شوروی تشکیل شود در اختیار روسیه‌ی تزاری بودند؛ بعد برگشتند و مستقل شدند. الان قزّاقستان، آذربایجان، گرجستان و بقیه مستقلند؛ خودشان هستند. پس این ممکن است. این طور نیست که این یک امر نشدنی باشد؛ نخیر، شدنی است. منتها اراده و عزم لازم دارد، جرأت و دلیری لازم دارد. کی باید دلیری به خرج دهد؟ ملتها یا دولتها؟ ملتها دلیرند، ملتها نمی‌ترسند؛ ملتها نشان داده‌اند که آماده‌اند. پس دولتها این‌جا وظیفه دارند؛ در رأس همه و مقدّم بر همه، دولتهای عربی. نشست اخیر سرانِ عرب در بیروت، نشست خوبی نبود. اینها می‌توانستند از این اجلاس استفاده‌های خیلی بزرگی بکنند که فقط به سود فلسطین نبود؛ به سود خود دولتهای عرب هم بود. امروز دولتهای عرب می‌توانند جلو بیفتند و محبوبیت و حمایت ملتهای خودشان را در قضیه‌ی فلسطین کسب کنند. اگر دولت و حکومتی مورد حمایت مردم خود باشد، دیگر امریکا نمی‌تواند با او کاری بکند، دیگر از امریکا نخواهد ترسید، دیگر لازم نمی‌داند که ملاحظه‌ی امریکا را بکند. در این قضیه، دولتهای عرب خیلی کارهای خوب می‌توانستند بکنند

و می‌توانند بکنند. [1]

و اما جمهوری اسلامی ایران از روز اوّل، موضعش را در مقابل این پدیده‌ی زشت، روشن کرده است. موضع جمهوری اسلامی ایران که امام فرمودند، بارها مسؤولان گفته‌اند و ما هم بارها تأکید کرده‌ایم، این است که اساساً این غدّه‌ی سرطانی اسرائیل باید از این منطقه کنده شود. این یک فرمولِ کاملاً انسانیِ قابل قبول هم دارد و آن این است که همه‌ی مردم فلسطین – نه مردمی که از جاهای دیگرِ دنیا به فلسطین مهاجرت کرده‌اند – از اردوگاهها و از همه جای دنیا به فلسطین برگردند و تکلیف حکومت خودشان را – که از آنها باید تشکیل شود – تعیین کنند. البته بدیهی است که هرگز هیچ فلسطینی‌ای – چه مسلمان باشد، که اکثریت قاطعشان مسلمانند؛ چه مسیحی و یهودی باشد، که اقلیت کوچکی هم مسیحی و یهودی در آن‌جا هستند – راضی نیست و اجازه نخواهد داد که یک عدّه از کوچه‌گردهای لندن، یا از خانواده‌های توسری‌خورده‌ی مسکو، یا از هرزه‌های امریکا بیایند و در کشور آنها یک دولت تشکیل دهند و بر آنها حکومت کنند. کسانی که روزی چاقوکشی و قدّاره‌کشی می‌کردند و فقط هنرشان این بود که می‌توانستند خوب بزنند، خوب بکُشند و بر طبق خواسته‌ی سرمایه‌داران صهیونیست و یهودی خوب عمل کنند، اگر بیایند و بر فلسطین حکومت کنند؛ بدیهی است که ملت فلسطین و دنیای اسلام چنین چیزی را اجازه نخواهد داد. این فرمول، فرمول دنیاپسندی است. کسانی که می‌گویند ما معتقد به آراء مردم و معتقد به دمکراسی هستیم، بسیار خوب؛ بفرمایید این دمکراسی! بالاخره این قطعه‌ی از دنیا که در این‌جا قرار دارد، مردمی داشته است؛ این مردم امروز هم هستند و زنده‌اند؛ چند میلیون نفر در همان جا زندگی می‌کنند، چند میلیون نفر هم در خارج از آن‌جا – در لبنان و اردن و نقاط دیگر – زندگی می‌کنند؛ اینها بیایند در همان‌جا اجتماع پیدا کنند و خودشان حکومت خود را انتخاب کنند؛ این روشِ بسیار درستی است. آنچه که مسلّم است، این است که حکومت صهیونیستی که امروز حاکم است و هر حکومت صهیونیستی

1. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۱/۰۱/۱۶

دیگر، حق بقاء و حاکمیت در سرزمین فلسطین را ندارد. [1]

برای مسأله‌ی خاورمیانه هم یک راه بیشتر وجود ندارد و آن انحلال و زوال دولت صهیونیستی است. باید آواره‌های فلسطینی به کشورشان برگردند. این هشت میلیون نفر، صاحبان اصلی فلسطینند. البته اکثریت قاطع مردم فلسطین، مسلمانند و در میانشان تعداد کمی هم از فلسطینیهای یهودی و مسیحی هستند. صاحبان فلسطین و ملت فلسطین، دولت تشکیل دهند؛ آن دولت تصمیم بگیرد که آیا مهاجرانی را که از سایر کشورها به داخل فلسطین آمده‌اند و در حال حاضر در آن‌جا هستند، نگهدارد - با چه شرایطی نگهدارد - یا برگرداند. عکس قضیه این است که باید یک دولت فلسطینی در همه‌ی سرزمین فلسطین تشکیل شود. بازیهایی از قبیل دولت خودمختار و از این حرفها هم امروز نمی‌تواند هیچ‌کس را فریب دهد؛ مگر آدمهای خیلی ساده‌لوح را! اینها کار نیست؛ کار اصلی و واقعی که باید انجام گیرد، این است. امروز نسلهای جوان فلسطینی بیدار شده‌اند و می‌فهمند که مبارزاتشان اثر دارد. در داخل فلسطین، در بیرون فلسطین، در لبنان، در اردن، در سوریه و در مناطق دیگر مشغول مبارزه‌اند و می‌دانند که مبارزاتشان دارای اثر است و ملتها دلشان با آنهاست؛ بخصوص موضع شرافتمندانه و پُرشکوه ملت و دولت ایران و نظام جمهوری اسلامی، اینها را دلگرم می‌کند. اینها مبارزه را ادامه خواهند داد و به فضل پروردگار به نتایج اصلی و مطلوب خودشان هم خواهند رسید. [2]

من حرف اوّلم در باب فلسطین این است که هیچ قدرتی در دنیا وجود ندارد که بتواند انگیزه‌ی آزادی و بازگشت فلسطین به صاحبان آن را در دنیا و در دل ملتهای مسلمان و به‌طور ویژه در دل ملت فلسطین خاموش کند. راه علاج هم یک راه بیشتر نیست. من به کسانی که مسأله‌ی خاورمیانه را یک مسأله‌ی بحرانی دنیا می‌دانند و می‌گویند بایستی سعی کنیم بحران خاورمیانه مهار شود، می‌گویم تنها راه مهار کردن یا از بین بردن بحران خاورمیانه

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۹/۰۹/۲۵

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۱۰/۱۰

این است که ریشه‌ی بحران خشک شود. ریشه‌ی بحران چیست؟ رژیم تحمیلی صهیونیستی در منطقه. تا وقتی که ریشه‌ی بحران هست، بحران هم هست. راه حل این است که آوارگان فلسطینی از لبنان و هر نقطه‌ی دیگری که هستند، به فلسطین برگردند. این چند میلیون فلسطینی‌ای که در بیرون فلسطین زندگی می‌کنند، به فلسطین برگردند. مردم اصلی فلسطین – چه مسلمان، چه مسیحی، چه یهودی – رفراندوم کنند و تصمیم بگیرند که چه رژیمی بر کشورشان حاکم باشد. اکثریت قاطع مسلمانند؛ تعدادی هم یهودی و مسیحی‌اند که اینها ساکنان اصلی سرزمین فلسطین‌اند و پدرانشان در این‌جا زندگی کرده‌اند. نظامی را که مطلوب این جمعیت است، سرِ کار بیاورند؛ بعد آن نظام تصمیم بگیرد با کسانی که در طول این چهل سال، چهل و پنج سال و پنجاه سال به فلسطین آمده‌اند، چه کار کند. نگهشان دارد، برشان گرداند، در نقطه‌ی خاصی اسکان داده شوند؛ این دیگر با آن نظام حاکم بر فلسطین است؛ این راه حلِّ بحران است. تا وقتی این راه حل اجرا نشود، هیچ راه حلِّ دیگری کارایی نخواهد داشت؛ امریکاییها هم با همه‌ی قدرت‌نمایی‌شان کاری نمی‌توانند بکنند. آنها هر کاری می‌توانسته‌اند، کرده‌اند؛ نتیجه این است که مشاهده می‌کنید.[1]

راه حلِّ ما

حرف ما در باب مسأله‌ی فلسطین یک حرف منطقی و مقبول است. دهها سال پیش، جمال عبدالناصر – که محبوب‌ترین چهره‌ی عرب محسوب می‌شد – در شعارهای خود می‌گفت ما یهودیهای غاصب فلسطین را به دریا می‌ریزیم. سالها بعد از آن، صدام حسین – که منفورترین چهره‌ی عرب محسوب می‌شد و می‌شود – اعلام می‌کرد که ما نصف سرزمین فلسطین را آتش می‌زنیم. ما هیچ‌کدام از این دو حرف را قبول نداریم. با اصول اسلامیِ ما، نه به دریا ریختن یهودیها، نه آتش زدن سرزمین فلسطین، معقول و

۱. سخنرانی در اجتماع بزرگ بسیجیان شرکت کننده در اردوی فرهنگی، رزمی یاران امام علی(ع) ۱۳۷۹/۰۷/۲۹

منطقی نیست. حرف ما این است که ملت فلسطین باید به حق خود برسد. این کشور متعلق به مردم فلسطین است؛ فلسطین متعلق به فلسطینیهاست و سرنوشت فلسطین را هم باید فلسطینیها معین کنند. این یک میدان آزمایشی برای صدق ادعای مدعیان دمکراسی و حقوق بشر است. آن کسانی که ادعا می‌کنند که طرفدار مردم‌سالاری ملتها و کشورها هستند، فلسطین برای آنها میدان آزمایش است. ملت فلسطین؛ مردمانی که فلسطین متعلق به آنهاست – از مسلمان، یا مسیحی، یا یهودی – و سرزمین تاریخی آنهاست و تاریخ و جغرافیا به این گواهی می‌دهد، بایستی رأی و نظر بدهند؛ آنها در یک نظرخواهیِ مقابل چشم مردم جهان، در یک رفراندوم، تکلیف دولت فلسطین را معیَن کنند؛ و آن دولت، دولت مشروعی خواهد بود. در آن دولت، جنایتکارانی که در فلسطین جنایت کردند، باید مجازات شوند؛ امثال این شارون و بقیه‌ی جنایتکارهای فلسطینی. درباره‌ی آن کسانی هم که به این سرزمین از نقاط مختلف دنیا مهاجرت کردند، آن دولت تصمیم‌گیری خواهد کرد که چه باید بکند. این، حرفی است منطقی. امروز میلیونها فلسطینی در کشورهای دیگر آواره‌اند و میلیونها فلسطینی هم در اردوگاهها با بدترین شکل زندگی می‌کنند؛ ولی سرزمین آنها دست مردمان دیگری است. این، معقول نیست؛ این، منطقی نیست. این‌که پنجاه یا پنجاه و پنج سال از قضیه گذشته است، این، جنایت را از بین نمی‌برد؛ جرم را سبک نمی‌کند.[1]

جمهوری اسلامی از چند سال پیش راه حل را اعلام کرده است. راه‌حل مسأله‌ی فلسطین، این راه‌حلهای آمریکائی و امثال آنها نیست؛ اینها راه به جائی نخواهد برد. راه حل این است که یک رفراندوم و همه‌پرسی‌ای از مردم فلسطین انجام بگیرد؛ هر رژیمی را که آنها بر طبق رفراندوم رأی دادند، آن رژیم باید بر کل فلسطین حاکم شود. بعد آنها خودشان تصمیم خواهند گرفت که با این صهیونیستهائی که از خارج وارد کشور فلسطین شدند، چه معامله‌ای بکنند؛ این بسته به نظر آن رژیمی است که برخاسته‌ی از آراء مردم فلسطین است.[2]

---

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی به مناسبت عید سعید فطر ۱۳۸۴/۰۸/۱۳
۲. بیانات در بیست و دومین سالگرد امام خمینی(ره) ۱۳۹۰/۰۳/۱۴

قدرت ایمان ملتها، بالاتر از قدرت اتمی

اینها نمی‌دانند قدرتی وجود دارد که بالاتر از قدرت سلاح آنهاست و آن قدرت ملتهاست، قدرت انسانهاست. هر ملتی که به یک مبدأ و به یک منطق و به یک مبنای فکری اعتقاد داشته باشد و با عزم راسخ پای آن منطق بایستد، هیچ قدرتی - چه قدرت اتمی و چه بالاتر و پایین‌تر از اتم - نمی‌تواند مقهورش کند. اینها قدرت ملتها و قدرت خداوند قادر متعال را که پشت سر اراده و عزم و اقدام ملتهاست دستِ کم گرفته‌اند: «**کلاً نمدّ هؤلاء و هؤلاء**»[1]؛ هر گروهی برای اهدافی که به آن ایمان دارد کار کند، خدای متعال کمک و مددش خواهد کرد. اگر گروهی مؤمن به خدا باشد، آن وقت در آویختن با آن و شکست دادنش ده برابر مشکلتر هم می‌شود؛ مگر آسان است؟! هر کس با این نیرو - نیروی ملتها و انسانها - درافتاد خُرد می‌شود. امریکا هم خُرد خواهد شد. اینها می‌خواهند قدرت مقاومت ملت فلسطین را نابود کنند و نمی‌توانند. خوب؛ حالا بالاخره چه خواهد شد؟ این حادثه‌ای که امروز اتّفاق افتاده است، ظواهری دارد و بواطنی. ظواهرش همین است که گفتیم: گروهی با زور و سرنیزه و تفنگ و تانک و پشتیبانی سیاسی امریکا به جان زن و مرد و پیرزن و کودک و غیره افتاده است. آنها را می‌کشد، خانه‌شان را ویران می‌کند، دستبند به دستشان می‌زند، تحقیرشان می‌کند؛ آنها را با اهانت از خانه و زندگیشان دور می‌کند، خانواده‌ها را آواره می‌کند. این ظاهر قضیه است. اما باطن قضیه این است که همین قدرتِ به‌ظاهر مسلّط، در درون خود ذوب می‌شود، آب می‌شود. ملت فلسطین تصمیم گرفته است؛ سازمانهای مبارز فلسطینی اعم از سازمان فتح، سازمان حماس، جبهه‌ی خلق، جهاد، حزب‌الله و دیگران، دستشان را روی هم گذاشته و تصمیم گرفته‌اند. همه به یک نتیجه رسیده و راه فداکاری را پیدا کرده‌اند؛ فهمیده‌اند که راه نجات فلسطین آماده شدن برای فداکاری است. شهادت را تجربه کرده و فهمیده‌اند که دشمن در مقابل شهادت و شهادت‌طلبی و نترسیدن از مرگ ناتوان است. «یاسر عرفات» هم پیغام داده است که من آماده‌ی شهادتم؛ این

۱. سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۲۰

تصمیم خوبی است. امیدواریم ایشان از این تصمیم منصرف نشود و پای این حرف بایستد. آن کسی که در راه خدا شهید می‌شود می‌ماند – فکر او و شخصیت او می‌ماند – اما آن کسی که با اختیار خود به سمت فداکاری برای آرمانش نمی‌رود، ممکن است که جسمش چند صباحی زنده بماند، اما شخصیت و هویّت او از بین می‌رود. شهادت؛ این را مردم فلسطین پیدا کرده‌اند، امیدواریم که مسؤولان حکومتِ خودگردان هم همان‌طور که گفتند پای این حرف بایستند و با مردم خودشان در این راه همراهی کنند و تسلیم نشوند؛ دشمن روزبه‌روز رو به ضعیفتر شدن است.[1]

دو خصوصیت مبارزه‌ی امروز فلسطینیها

ولی مبارزه امروز دو خصوصیت دارد که در هیچیک از زمانها این دو خصوصیت در مبارزات فلسطینیها و مبارزه برای فلسطین، با هم وجود نداشته است: یک خصوصیت، اسلامی بودن این مبارزه است؛ و خصوصیت دوم، مردمی شدن و همه‌گیر شدن آن است. اجتماع این دو خصوصیت با هم، زانوان رژیم صهیونیستی را به لرزه درآورده است. احساس خطر در سراسر کیان صهیونیستی وجود دارد. می‌فهمند و درست تشخیص می‌دهند که خطر عمده و اساسی، امروز به وجود آمده است. کسی که امروز در مقابل کیان صهیونیستی قرار گرفته، یک گروه نیست؛ شخصیتهای سیاسی‌ای نیستند که بشود پشت میز مذاکره آنها را مجاب کرد. شما می‌دانید که پشت میز مذاکره، با شیوه‌های گوناگون می‌شود افراد را مجاب کرد – با تهدید، تطمیع و وعده‌های دروغ – اما وقتی مبارزه در دامن ملت افتاد و خودآگاهی در میان مردم به وجود آمد و آنها با همه‌ی وجود احساس کردند که وظیفه دارند در مقابل وضعیّت بایستند، والّا یکسره نابود و پامال خواهند شد؛ از طرفی هم هنگامی که تدبیر مبارزه، از ایمان اسلامی سرچشمه گرفت و به دلها و جانها متّکی شد، در این صورت، مبارزه برای دشمن، بسیار خطرناک می‌شود. امروز چنین وضعی پیش آمده است.

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۱/۰۱/۱۶

...رژیم صهیونیستی با پشتیبانی امریکا – دو عنصرِ بکلّی دور از معنویت و حقیقت و عدالت و انسانیت – در صدد است ملت فلسطین را به زانو درآورد و او را وادار کند که حرف حقّ خود را بر زبان نیاورد و پس بگیرد؛ و البته نخواهد توانست. خصوصیت مبارزه‌ی امروز و انتفاضه‌ی فلسطین این است که ملت فلسطین به معنای حقیقی کلمه به‌پاخاسته است.[1]

معادلات سیاسی و محاسبات مادی؛ مقهور وعده‌ی الهی و فداکاری جوانان مؤمن

پیروزی مقاومت اسلامی و سازمان حزب‌الله سرافراز لبنان و موفقیت افتخار آمیزی که برای ملت خود آفریدند، به همه می‌آموزد که صراط مستقیم به‌سوی آزادی و استقلال، جز رفتار شجاعانه و عدالت خواهانه و متکی بر ایمان و آگاهیِ جوانان حق‌طلب نیست.

اکنون همه‌ی معادلات سیاسی و محاسبات مادی، مقهور فداکاری جوانان مؤمن و مخلصی شد، که آرایشهای فریبنده‌ی ارتش غاصب صهیونیست و قضاوتهای عجولانه درباره‌ی شکست ناپذیری آن را به چیزی نگرفته و نیروی فداکاری و ایثاری را که آیات باهره‌ی اسلام و قرآن در ذهن و دل آنان پدید آورده بود، به درستی ارج نهادند. به وعده‌ی الهی، اطمینان یافتند و جانهای پاک خود را به میدان بردند.

اکنون درستیِ قضاوت روشن بینانی آشکار گشت که علاج زورگوئی و قساوت صهیونیستهای غاصب را فقط در منطق مقاومت و جهاد و ایثار می‌دیدند.

بی‌شک این تجربه‌ی بزرگ، جوانانِ فداکارِ فلسطینی و دیگر جوانان پاک نهادِ عرب را در راه مبارزه‌ی بی‌امان بر ضد دشمن غاصب و سفاک، پایدارتر از گذشته خواهد ساخت.[2]

---

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش بین‌المللی رسانه‌های جهان اسلام حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین ۱۳۸۰/۱۱/۱۱

۲. پیام به مناسبت پیروزی ملت لبنان و عقب‌نشینی اسرائیل از مناطق اشغالی۱۳۷۹/۰۳/۰۴

رمز موفقیت؛ مبارزه در پرتو اسلام نه ناسیونالیسم

پس روشن شد که ناسیونالیسم و قومیّتگرایی نمی‌تواند مشکلات بزرگ را حل کند. این مسائل را اسلام باید حل کند و به فضل الهی، حل خواهد کرد. مردم مسلمان، در همه جای کشورهای اسلامی حضور دارند و غیرت اسلامی و دلسوزیهای اسلامی دارند. مگر اینها به این آسانی دست برمی‌دارند؟! یک نفر رفته امضا کرده است؟ غلط کرده، امضا کرده است! او چه حقّی داشته است امضا کند؟!

ملت فلسطین هم دست برنمی‌دارند. البته این مقطع، مقطع مهمّی است. این یک توطئه‌ی بزرگ است. در همه جای دنیای اسلام، دلسوزان بایستی بیش از پیش مواظب باشند. در این‌جا هم، همین‌گونه است. دشمن یک سنگر را فتح کرده و جلو آمده است؛ اما این فتح نهایی نیست. این فتح واقعی نیست. تو دهنی‌اش را خواهد خورد. دنیای اسلام باید پاتک کند. در همه جای دنیای اسلام، باید جوانان، روشنفکران، علما و بخصوص علمای دین، احساس مسؤولیت کنند. [1]

من اوّلِ انقلاب به یکی از این سران فلسطینی که این‌جا آمده بود، گفتم چرا شما شعار اسلام را مطرح نمی‌کنید؟ عذرهای بیهوده‌ای آورد. نمی‌خواستند بکنند؛ دلشان به اسلام باور نداشت. امروز بیش از دوازده، سیزده سال است که ملت مسلمان فلسطین، با نام اسلام و با شعار اسلام به میدان آمده است. دشمن فوراً فهمید قضیه چیست. وقتی که در دهه‌ی قبل، انتفاضه در فلسطین شروع شد، دشمنان – یعنی صهیونیستها و رفیقهای امریکایی‌شان – زودتر از همه احساس خطر کردند. دیدند باید این را نابود کنند؛ چون به نام اسلام است. درصدد علاج برآمدند؛ اما قادر به علاج نیستند؛ چون طبیعتاً زورگویند. [2]

---

۱. بیانات در دیدار فرماندهان و مسؤولان «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» ۱۳۷۲/۰۶/۲۵

۲. سخنرانی در اجتماع بزرگ بسیجیان شرکت کننده در اردوی فرهنگی، رزمی یاران امام علی(ع) ۱۳۷۹/۰۷/۲۹

قیام اسلامی فلسطین؛ نعمت الهی

امروز، حادثه‌ی بزرگی داخل سرزمینها در جریان است و آن، همین قیام اسلامی است که این روزها وارد چهارمین سال عمر خود می‌شود. این، همان چیزی است که باید فلسطین را نجات بدهد. این، همان چیزی است که حامیان و تولیدکنندگان اسرائیل، از آن می‌ترسیدند. این، همان چیزی است که بدان امید بود و این امید، امروز برآورده شده است. این، یک نعمت بزرگ الهی است. [1]

بیداری اسلامی ملّت فلسطین

خوشبختانه بیداری اسلامی ملت فلسطین، افقهای آینده را تا حدود زیادی روشن کرده است. امروز نسل نوین ملت فلسطین، با نام خدا و تمسک به ایمان اسلامی مبارزه می کند و این مبارزه‌یی بسیار امیدبخش است و چنانچه مشهود است، دشمن – چه حکام صهیونیست، چه امریکا و دیگر پشتیبانان اسرائیل و چه خیانتکاران منطقه – از این حرکت جدید کاملاً سراسیمه و دهشت‌زده است و برای لوث کردن و پوشاندن جهت اصلی مبارزه، به هر شیوه‌یی متوسل می‌شود که آخرین آن، همین شعار توخالی و دروغین حمله به اسرائیل است که حکام دست‌نشانده‌ی عراق بر زبان آوردند. همه می‌دانند که رژیم بعثی عراق، سلاحهایی را که از ابرقدرتها گرفته، هرگز بر ضد اسرائیل – که خود در زیر سایه‌ی ابرقدرتها زندگی می‌کند – به کار نخواهد گرفت و از آن، جز در خدمت هدفهای استکبار، یا برای باجگیری از ثروتمندان منطقه استفاده نخواهد کرد.

راه صحیح مبارزه با حکومت غاصب، همان است که امروز خود فلسطینیها آن را یافته و قدم استوار خود را در آن گذاشته‌اند و وظیفه‌ی همه‌ی مسلمانان است که آنان را در این مبارزه‌ی مقدس یاری کنند. [2]

امروز برای امت اسلام روز عید است؛ لیکن عید مبعثِ امسالِ ما متأسّفانه

---

۱. سخنرانی در دیدار شرکت‌کنندگان در اولین کنفرانس اسلامی فلسطین ۱۳۶۹/۰۹/۱۳
۲. پیام به مناسبت روز جهانی قدس ۱۳۶۹/۰۱/۲۴

آمیخته شده است با خون مظلومان فلسطین. حادثه‌ی فلسطین، حادثه‌ی بزرگی است. بیش از نیم قرن است که دنیای اسلام در قبال این حادثه‌ی عظیم قرار دارد. در این دهها سال، زمانهایی پیش آمد که مسؤولان دنیای اسلام و کسانی که می‌توانستند تصمیمی بگیرند، اگر تصمیم خوبی می‌گرفتند، شاید این مشکل یا برطرف می‌شد یا لااقل برطرف کردنش آسانتر می‌نمود. در طول این سالهای متمادی، کوتاهیهای زیادی شده است. امروز یکی از همان فصلهای تعیین کننده است. امروز از آن دوره‌هایی است که سرنوشت ملت فلسطین می‌تواند یک زاویه پیدا کند به سمت آنچه که مطلوب دنیای اسلام است. چرا؟ چون یک نسل در فلسطین بیدارشده‌است. یک حزب را می‌شود سرکوب کرد، یک مجموعه را می‌شود از میدان خارج کرد، تعدادی انسان را می‌شود از مجاهدتشان یا از شجاعت ورزیدنشان پشیمان کرد؛ اما یک نسل رو به رویش را به هیچ قیمتی نمی‌توان از راهی که شناخته است و به آن روآورده است، منصرف کرد. امروز مسأله این است. این نسلی که امروز بار مسأله‌ی فلسطین را بر دوش گرفته است، بیدار شده و حقیقت را فهمیده است. حقیقت به چیست؟ حقیقت این است که قدرتمندان، سیاستمداران و ثروتمندان دنیا، در برهه‌ای از زمان تصمیم گرفتند یک ملت را از روی زمین محو و یک کشور را از نقشه‌ی جغرافیا خارج کنند و به خیال خودشان توانستند این کار را بکنند. عدّه‌ای را کشتند، عدّه‌ای را بیرون کردند، عدّه‌ای را سرکوب کردند؛ خیال کردند قضیه تمام شد؛ در حالی که یک ملت را، آن هم ملتی مثل ملت فلسطین؛ ملتی با سابقه‌ی درخشان، با فرهنگ غنی و عمیق اسلامی، با استعدادهای درخشانی که درمیان این ملت وجود دارد - فلسطینیها ملت برجسته‌ای هستند و مردمان با استعداد و شخصیتهای بزرگ در میانشان کم نیستند - قدرتهای دنیا؛ انگلیس و امریکا و صهیونیستها و فلان کمپانی‌دار و فلان محفل قدرتمند جهانی بخواهند از عرصه‌ی وجود خارج کنند. این شدنی نیست؛ کمااین‌که نشد. [1]

۱. بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز مبعث پیامبر گرامی اسلام(ص) ۱۳۷۹/۰۸/۰۴

امروز زمام کار از دست قدرتهای بزرگ خارج شده است. علی‌رغم همه‌ی تلاش متمرکزی که علیه اسلام و موج اسلامی و خیزش اسلامی می‌کنند – چه در آسیا و چه در آفریقا – این موج اسلامی و بیداری اسلامی همین‌طور روزبه‌روز گسترش پیدا می‌کند و آنها دیگر نمی‌توانند کاری بکنند. این به برکت انقلاب و قیام مردانه و مؤمنانه و شجاعانه‌ی شماست. یک نمونه‌اش همین انتفاضه‌ی فلسطین است که زمام این کار از دست قدرتهای بزرگ خارج شده است. ملت فلسطین، یک ملت محاصره شده‌ی در خیابانها و شهرهای خودش است که با وحشی‌ترین دشمنها مواجه است. آن‌جا هر سربازی، دشمنِ آن فلسطینی است؛ این‌طور نیست که سرباز از خود آنها باشد تا بتوانند با عواطف و با محبت و با گل دادن و گل گرفتن، مشکل را حل کنند؛ خود آن سرباز، دشمن شخصیِ آن جوان فلسطینیِ انتفاضه کننده است. چنین مردمی در یک فضای بسته، با این همه مشکلات گوناگون اقتصادی، با این همه خسارتها و شهادتها، ایستاده‌اند و عقب‌نشینی نکرده‌اند. این نشان‌دهنده‌ی چیست؟ نشان‌دهنده‌ی این است که رشته‌ی کار از دست قدرتمندانِ زورگویِ گُنده‌گو خارج شده است.[1]

لزوم رسیدن به نتایج عملی از کنفرانسهای فلسطین

امیدوارم که خداوند متعال، به همه‌ی ما توفیق بدهد که از اسلام دفاع کنیم. ان‌شاءالله این نشست شما، اجتماع مبارکی باشد. در ساعات و ایامی که برای بحث درباره‌ی مسأله‌ی فلسطین می‌نشینید، راههای عملی را جستجو کنید و به آنها بپردازید. هرکسی تکلیف خودش را حقیقتاً بشناسد و بر طبق آن عمل کند. حرف تنها، وقتی که مقدمه‌ی عمل نباشد، تجربه‌ی خوبی برای ما نیست. تنها در سایه‌ی عمل به وعده‌ها و گفته‌هاست که خواهیم توانست ان‌شاءالله به نتایجی برسیم.[2]

---

۱. بیانات در دیدار جمع کثیری از مردم قم ۱۳۷۹/۱۰/۱۹
۲. سخنرانی در دیدار شرکت‌کنندگان در اولین کنفرانس اسلامی فلسطین ۱۳۶۹/۰۹/۱۳

ثمره‌ی تشکیل اجلاس برای آزادی فلسطین

تصمیم به تشکیل چنین اجلاسی، امری مبارک است و ان‌شاءالله در بسیج جوامع اسلامی برای حمایت از قیام مردم مسلمان فلسطین، اثرات مثبت و سازنده‌ای خواهد داشت. این نوع گردهماییها عملاً اثبات می‌کند که فلسطین یک موضوع اسلامی و متعلّق به کلّ جهان اسلام است و اشغال آن، یکی از ارکان توطئه‌های شیطانی سلطه‌گران جهانی – در گذشته انگلیس و اکنون امریکا – برای تضعیف و ایجاد تفرقه در جهان اسلام بوده است.

دشمنان اسلام همواره سعی کرده‌اند با تقسیم‌بندیهای قومی مانع از وحدت کلمه‌ی مسلمانان شوند تا بتوانند بر آنها سیطره پیدا کنند. [1]

راه حلِّ مسأله‌ی فلسطین؛ مقاومت و مبارزه

من عرضم این است که این استقامت را، این روحیه را باید در مردم هر چه می‌توانید پایدار کنید. شما گفتید و درست هم گفتید: تنها راه حل مسأله‌ی فلسطین، مقاومت و مبارزه است. این، درست است؛ لکن این مقاومت و مبارزه، متوقف است بر حفظ روحیه‌ی این مردم، حفظ امید این مردم، نگه داشتن مردم در صحنه. این، به نظر من بزرگترین کاری است که مجموعه‌های فلسطینی و سازمانهای فلسطینی، مبارزان فلسطینی باید انجام بدهند. این فشارهائی که امروز از هر دو طرف، چه از طرف دشمن صهیونیست، چه از آن طرف، بر غزه وارد می‌شود، به قصد این است که مردم را از مقاومت روگردان کنند. فشارهائی که در ساحل غربی بر مردم وارد می‌شود؛ چه در شهرک‌سازیها، چه در مسأله‌ی قدس ... چه آن سختگیریهای عجیب، چه در دیوار حائل و امثال اینها، برای این است که مردم را از مقاومت روگردان کنند و به سمت گزینه‌ی تسلیم، سوق بدهند. نباید بگذاریم؛ نباید بگذارید که این اتفاق بیفتد. مردم فلسطین را، مردم غزه را، این ملت مقاوم و پولادین را باید امیدوار نگه دارید و بدانند که این حرکت عظیم آنها به نتیجه خواهد رسید. این، یک نکته است که به نظر من خیلی مهم است. [2]

---

۱. سخنرانی در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین ۱۳۸۰/۰۲/۰۴
۲. دیدار رهبران گروه‌های جهادی فلسطینی شرکت کننده در افتتاحیه‌ی همایش غزه ۱۳۸۸/۱۲/۰۸

اسرائیل ثابت کرده است که جز زبان زور، چیز دیگری نمی‌فهمد. با او جز با زبان قدرت یک ملت و قدرت یک امت اسلامی در سراسر عالم، نمی‌شود حرف زد. شما نمایندگان ملتهای اسلامی هستید. شما نمایندگان مردم فلسطین، نمایندگان پارلمانها و نمایندگان ملتها در این‌جا جمعید؛ نسبت به فلسطین تصمیم بگیرید. تصمیم باید استنقاذ فلسطین باشد، و لاغیر؛ و این هم یک راه بیشتر ندارد و آن راه، همان راهی است که عناصر انتفاضه‌ی مقدسه‌ی فلسطین آن را شناختند و دارند تعقیب می‌کنند؛ راه مبارزه در داخل سرزمینهای فلسطین. علاج این است و لاغیر. [1]

جایگزین‌شدن تفکر مبارزه به جای سازش در مسلمانان

امروز همه‌ی مسلمانان جهان به این مبارزات سرنوشت‌ساز مردم فلسطین چشم دوخته و بیش از انتفاضه‌ی اوّل به آن دل بسته‌اند؛ زیراً در آن زمان – یعنی ده سال پیش – فضای سازش بتدریج در منطقه فراگیر شده بود؛ عدّه‌ای دل در گرو امریکا داشتند و گروهی دیگر نیز معتقد بودند نمی‌توان در برابر آن فشار سیاسی و جوسازی بین‌المللی ایستادگی نمود و راهی جز پذیرش سازش – آن هم با شرایط امریکا و اسرائیل – وجود ندارد. پس از تحوّلاتی که در آن هنگام در منطقه صورت پذیرفت، زمینه‌ی تثبیت این نظریّه بیشتر فراهم شد. اما امسال، در شرایطی این کنفرانس شکل گرفته است که راه حلِّ سازش در منطقه با بن‌بست مواجه شده است و حتّی آنهایی که دل در گروِ امریکا داشته و دارند، به این بن‌بست اعتراف می‌کنند.

در سال ۱۳۷۰، اعراب و مسلمانان در پی یک سلسله شکستهای متوالی – در جریان جنگ خلیج فارس – دچار سرخوردگی بودند. وحدت درونی آنان نیز در معرض فروپاشی جدّی قرار داشت و چنددستگی بر آنان حاکم بود؛ ولی در شرایط کنونی و بویژه در پرتو پیروزی تاریخی و عظیم مقاومت اسلامی در جنوب لبنان، امیدهای تازه و حیات‌بخشی در دل مسلمانان پیدا شده است.

---

۱. سخنرانی در دیدار شرکت کنندگان در کنفرانس بین‌المللی حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین ۱۳۷۰/۰۷/۲۷

آن زمان در مورد نحوه‌ی برخورد با اسرائیل، همواره دو روش مطرح می‌شد: مقابله‌ی نظامی ارتشهای عرب با اسرائیل – که گفته می‌شد همه‌ی تجربه‌ها در آن با شکست مواجه شده است – و روش سازش که منجر به تحقّق خواسته‌های اسرائیل از طُرق مسالمت‌آمیز می‌گردید و در ازای عقب‌نشینی از بخشی از اراضی اشغال شده، عدم رشد توان نظامی کشورهای عربی را تضمین می‌کرد؛ نظیر آنچه که در کمپ دیوید شاهد آن بودیم. در آن روزها، الگوی مقاومت مطرح نبود و گفته می‌شد از پذیرش عمومی برخوردار نیست؛ اما اینک یک الگوی موفّق پیش روی ماست که توانست برای نخستین بار سرزمینهای اشغال شده را بدون دادن هرگونه امتیازی به اسرائیل، آزاد کند و مانع از تحقّق خواسته‌ی رژیم صهیونیستی در به جای گذاشتن پرچم خود در پایتخت این کشور عربی – یعنی لبنان – گردد. در کمپ دیوید، شرط عقب‌نشینی اسرائیل، عدم اعزام ارتش مصر به شمال سینا بود؛ ولی در جنوب لبنان، این اسرائیل است که با نگرانی از قدرت مقاومت اسلامی، ملتمسانه خواستار اعزام ارتش لبنان به مرز فلسطین و لبنان است؛ یعنی مقاومت توانست حاکمیت را به طور کامل به جنوب لبنان و دیگر مناطق اشغالی باز گرداند.[۱]

خطِّ کلّی مبارزه با رژیم غاصب

خطِّ کلّی مبارزه با رژیم غاصب باید این باشد:

الف – زندانی کردن رژیم غاصب در درون مرزهای سرزمین اشغالی و تنگ کردن فضای تنفّس اقتصادی و سیاسی آن و گسستن پیوندهای آن با محیط پیرامونش.

ب – تداوم بخشیدن به مقاومت و مبارزه‌ی ملت فلسطین در داخل کشورشان و رساندن هرگونه کمکی که به آن نیاز دارند، تا تحقّق پیروزی نهایی.[۲]

---

۱. سخنرانی در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین۱۳۸۰/۰۲/۰۴

۲. همان

کلید حلِّ مشکلات در دست خود ملتها، نه قدرتمندان

آنچه در مدت چهل سال اخیر از سوی رژیم غاصب به کشور و ملت فلسطین وارد آمده، برای تجربه کافی است. کافی است تا ثابت کند که از راه توسل به قدرتهای مسلط عالم و وابستگان آنها در منطقه، هیچ امیدی به نجات فلسطین نیست.

انقلاب بزرگ اسلامی ما نشان داد که کلید حل مشکلات بزرگ، در دست خود ملتهاست و اراده‌ی انسانهاست که در صورت تکیه به خدا و اعتماد به وعده‌ی الهی، بر تدبیر و خواست قدرتهای مسلط غلبه خواهد کرد. و امروز با حوادثی که در نقاط متعددی از جهان رخ داده، نقش ملتها بیش از پیش به اثبات رسیده است. در برابر درنده‌خویی رژیم صهیونیست غاصب فلسطین، تنها اراده‌ی ملت فلسطین است که می‌تواند بایستد و با مقاومت مردانه‌ی خود، دشمن را به عقب‌نشینی و قبول شکست وادار سازد. [1]

بسیج فلسطینی

امروز این اردوی رزمی، فرهنگی در حالی تشکیل شده است که جمع کثیری از جوانان امّتِ اسلام، در خودِ فلسطین و در خودِ قدس شریف، پرچم جهاد را برافراشته‌اند و با جان خودشان، با تن خودشان، با سرمایه‌ی حیات خودشان؛ از عزّت خود، از هویّت خود و از هستی خود دفاع می‌کنند و به مجاهدت می‌پردازند و در خارج از کشور فلسطین عزیز – در دیگر کشورهای اسلامی – به نام و یاد آنها و به عنوان همدردی با آنها شعار می‌دهند و حضور خودشان را اعلام می‌کنند. در چنین شرایطی است که اردوی بزرگ شما در این‌جا تشکیل شده است.

.... عزیزان من! در فلسطین هم بسیج هست؛ بسیج فلسطینی که دنیا را امروز متوجّه به خود کرده است. آن وقتی که سرنوشت قضیه‌ی فلسطین، دست چند نفر سیاستمدار باشد، مردم در آن نقشی نداشته باشند، جوانان در آن حرفی نداشته باشند؛ سرنوشت همان می‌شود که دیدید: ذلّت پشت

۱. پیام به مناسبت روز جهانی قدس ۱۳۶۹/۰۱/۲۴

سرِ ذلّت؛ عقب‌نشینی پشت سرِ عقب‌نشینی؛ میدان دادن به دشمن؛ سنگرها را یکی پس از دیگری به نفع دشمن زورگو، متجاوز، پُر رو و وقیح، خالی کردن. این آن وقتی است که مردم در صحنه نیستند. مردم را کنار گذاشتند؛ انگیزه‌های حقیقی‌ای که مردم را جذب می‌کند - یعنی انگیزه‌ی ایمانی - فراموش کردند و دهها سال مسأله‌ی فلسطین را عقب انداختند.

مقاومت مردم فلسطین، سدّ راه اسرائیل

البته ملت فلسطین قوی و نیرومند است؛ این را نشان داده است. ملت فلسطین نشان داد که قدرت مقاومت دارد و انگیزه‌ها در او عمیق است و بلاشک دندانهای مهاجم خونریزِ سفّاک را خواهد شکست؛ و تا امروز هم با مقاومت و پایداری خود، مشکلِ عظیم و لاینحلی را برای دولت جعلی و غاصب صهیونیستی به وجود آورده است که در طول پنجاه سال اخیر برای این دولت پیش نیامده بود. فشاری که صهیونیستها و پشتیبانان آنها بر مردم فلسطین - این مردم مظلوم و به ستوه آمده - وارد می‌کنند، به خاطر این است که حرکت و قیام آنها در چرخ و پَرِ دستگاه استکبار و استعمار، چنان قلوه‌سنگی انداخته است که همه‌ی محاسبات را به هم زده است.

البته دنیای اسلام به این مسأله باید با چشم جدّ نگاه کند؛ آن را از نظر دور ندارد؛ وظیفه‌ی خود را در قبال آن بشناسد و به آن عمل کند. آن‌گاه کار با روش صحیح، دنبال و ان‌شاءالله افق روشن خواهد شد.[۱]

مقاومت؛ سبب عقب‌نشینی صهیونیستها

مطلب بعد، مسأله‌ی فلسطین است. عقب‌نشینی صهیونیستها از غزه بعد از ۳۸ سال اشغال غزه، حادثه‌ی بسیار مهمی است. جالب است بدانید که این عقب‌نشینی یک انتخاب نبود که رژیم صهیونیستی انجام داد؛ این یک شکست و یک اجبار بود؛ از روی ناچاری و ناگزیری بود. الان فشار روانی این شکست روی همه‌ی ارکان ملت و دولت صهیونیستی اثر گذاشته و

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی به مناسبت عید سعید فطر ۱۳۸۰/۰۹/۲۵

آنها را دارد تکان می‌دهد. بعضی از آنها قهر می‌کنند، بعضی‌شان اعتراض می‌کنند. چند روز پیش یک تظاهرات دویست هزار نفره در تل‌آویو به راه انداختند. متلاطمند، اما چاره‌یی نداشتند. عده‌یی می‌خواهند وانمود کنند که این عقب‌نشینی بر اثر مذاکره بود؛ این حرف خیلی کودکانه است. در طول ۷۰ سال اشغال فلسطین، صهیونیستها از یک متر خاک اشغالی با مذاکره عقب ننشستند؛ مذاکره کدام است؟! این عقب‌نشینی بر اثر مقاومت فلسطینیها بود. حادثه‌ی اول، عقب‌نشینی و فرار از جنوب لبنان بود؛ این هم حادثه‌ی دوم است که بر اثر مقاومت پیش آمد. ملت فلسطین بداند، گروههای جهادی فلسطین بدانند؛ در این دام نیفتند که خیال کنند مذاکره غزه را آزاد کرد؛ نخیر، مذاکره غزه را آزاد نکرد؛ هیچ نقطه‌ی دیگر را هم آزاد نکرد؛ تا ابد هم هیچ جا را آزاد نخواهد کرد. آنچه غزه را آزاد کرده، فشار مقاومت ملت فلسطین بوده است؛ آنها ناچار شدند.[1]

مقاومت؛ عامل پیروزی

مسلمانان با همکاری و تکیه بر مبانی مشترکی که قرآن و سنت بدان ناطق است قدرت خواهند یافت که در برابر این اهریمن چندچهره بایستند و آن را مغلوب اراده و ایمان خود سازند. ایران اسلامی با پیروی از درسهای امام خمینی کبیر، نمونه‌ی بارز این مقاومتِ موفق است. آنان در ایران اسلامی شکست خورده‌اند. سی‌سال ترفند و توطئه و دشمنی از کودتا و... همه و همه به صحنه‌هائی از شکست و انفعال و سرگردانی دشمن تبدیل شد و آیه‌ی: **انّ کید الشیطان کان ضعیفاً**[2] در برابر چشم ایرانیان بار دیگر مجسّم گشت. در هر نقطه‌ی دیگر نیز که مقاومتِ برخاسته از عزم و ایمان، مردم را به مصاف مستکبران پرمدعا کشانید، پیروزی نصیب مؤمنان و شکست و رسوائی سرنوشت حتمی ستمگران شد. فتح‌نمایان ۳۳ روزه در لبنان و جهاد

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۴/۰۵/۲۸
۲. سوره‌ی نساء، آیه‌ی۷۶

سرافراز و پیروز غزه در سه سال اخیر، شاهد زنده‌ی این حقیقت است.[1]

علت ناموفق‌بودن تلاشها برای نجات فلسطین؛ عدم تکیه بر اسلام

کسان و گروههای زیادی در این مدت به مبارزه برای نجات این ملت دست زده، یا ادعای آن را کرده‌اند؛ اما هرگز گرهی باز نشده، بلکه گره‌ها کورتر هم شده است.

علت اصلی این بوده که ملت فلسطین نمی‌توانسته از خود دفاع کند، یا جهان اسلام از خنثی کردن توطئه‌ی امریکا و غرب در دفاع از دولت غاصب ناتوان بوده است. علت اصلی ناکامیها، اولاً از یاد بردن هویت اسلامی ملت فلسطین و عدم تکیه بر اسلام و جهاد اسلامی در طول دهها سال گذشته، و ثانیاً خیانت سران کشورهایی از اعراب و حتّی خیانت سران و چهره‌هایی از فلسطینیان بوده است. و امروز بحمدالله عنصر ایمان و جهاد اسلامی در مبارزات ملت فلسطین در داخل وطن مغصوب زنده شده، و به همین جهت معادله‌ی قدرت در فلسطین به سود فلسطینیان نسبت به گذشته تغییر کرده است.[2]

علاج درد فلسطین؛ اسلام و وحدت کلمه

مجاهدان افغان، به برکت اسلام و وحدت کلمه، توانستند ارتش بیگانه را بیرون برانند، و اگر باز هم به همین دو عامل تکیه کنند، خواهند توانست حکومت شایسته‌ی مطلوب خود را در آن کشور تشکیل داده و رژیم وابسته‌ی کنونی را از جا بکنند. این دو عامل، عیناً علاج همه‌ی دردها و گرفتاریهای فلسطین و لبنان نیز هست.[3]

---

۱. پیام حضرت آیت‌الله خامنه ای به کنگره‌ی عظیم حج سال ۱۴۳۰ ۱۳۸۸/۰۹/۰۵

۲. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۳۶۸/۰۴/۱۴

۳. همان

اقتدار روزافزون، در گرو ایمان

نکته‌ی دیگر این است که ما آنچه که در قضیه‌ی فلسطین از پیشرفت مشاهده می‌کنیم - که این پیشرفت قابل انکار نیست - اقتدار روزافزون جبهه‌ی مقاومت در مقابل جبهه‌ی استکبار و کفر است که امر مشهود و واضحی است. آنچه در این زمینه ملاحظه می‌شود، ناشی از ایمان به خدا و توکل به خدا و وارد کردن عنصر معنویت در مبارزه است. اگر یک مبارزه با عنصر ایمان همراه نباشد، آسیب‌پذیر می‌شود. آن وقتی مبارزه موفق خواهد شد که در او ایمان به خدا و توکل به خدا وجود داشته باشد. روحیه‌ی دین را و ایمان حقیقی به وعده‌ی الهی و توکل به خدای متعال را باید در مردم تقویت کنید؛ حسن‌ظن به خدای متعال و به وعده‌ی الهی را باید در مردم تقویت کنید. خود ما هم بایستی به خدای متعال حسن‌ظن داشته باشیم. خدای متعال اصدق القائلین است؛ او به ما می‌گوید: «**لَيَنْصُرَنّ اللهُ مَنْ يَنْصُرُهُ**[1]»؛ او به ما می‌فرماید که: «من کان لله کان الله له»؛ او می‌گوید که: از دشمن نهراسید، «**إنّ کید الشّیطان کان ضعیفا**»[2] او به ما این را تلقین می‌کند؛ بیان می‌کند. خداوند متعال صادق است. ما اگر به وظیفه‌ی خودمان در این راه عمل بکنیم، برای خدا حرکت کنیم، برای خدا مبارزه کنیم، هدف را رضای خدا قرار بدهیم، بدون شک پیروزی نصیب خواهد شد.[3]

آزادی فلسطین، به شرط استقامت

من به شما عرض کنم: پیروزی ملت فلسطین در بازگرداندن حق خود، دشوارتر نیست از پیروزی‌ای که ملت ایران در ایجاد جمهوری اسلامی در ایران داشت. آن روز - روزی که طاغوت بر این کشور حکومت می‌کرد - اگر کسی نگاه می‌کرد به صحنه‌ی عالم و به صحنه‌ی منطقه، جزو محالات قطعی بود که رژیم طاغوت در اینجا تغییر پیدا کند، آن هم اینکه تبدیل بشود به یک نظام اسلامی. این، جزو محالات به نظر می‌آمد و به حسب

---

۱. سوره‌ی حج، آیه‌ی ۴۰
۲. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۷۶
۳. دیدار رهبران گروه‌های جهادی فلسطینی شرکت کننده در افتتاحیه‌ی همایش غزه ۱۳۸۸/۱۲/۰۸

موازین طبیعی، به حسب موازین عادی، چنین چیزی ممکن نبود؛ مقدور نبود. قدرت بی‌کلام آمریکا در این منطقه و حمایت بی قید و شرطش از رژیم شاه، نداشتن هیچ گونه امکانی برای مبارزین در اینجا – یعنی امکانات ما آن روز در حال مبارزه، بسیار کمتر بود از امکاناتی که امروز مردم شما در غزه دارند یا در ساحل غربی دارند – در عین حال این اتفاق افتاد، این محال ممکن شد و واقع شد؛ به برکت تداوم مبارزه، به برکت توکل به خدا، به برکت رهبری عازم و جازم و قاطع امام بزرگوارمان. من می‌گویم این اتفاق در مورد فلسطین ممکن است پیش بیاید. بعضی نگاه می‌کنند به صحنه، قدرت آمریکا را نگاه می‌کنند، پشتیبانی غرب را از صهیونیستها نگاه می‌کنند، قدرت شبکه‌های مالی صهیونیستها را در آمریکا و در سایر نقاط عالم می‌بینند، قدرت تبلیغاتی‌شان را می‌بینند، به نظرشان می‌آید که برگرداندن فلسطین به فلسطینیها یک امر ناممکنی است. من می‌گویم نه، این امر ناممکن، ممکن خواهد شد؛ به شرط ایستادگی و استقامت. خدای متعال می‌فرماید که: «فَلِذٰلِکَ فَادْعُ وَ اسْتَقِمْ کَما أُمِرْتَ»[1] استقامت لازم است، ایستادگی لازم است، ادامه دادن راه لازم است. این ادامه دادن راه، یکی از مقدماتش همین گردهمائیهای شماست، هماهنگیهای شماست، تبلیغات جهانی شماست؛ ... افکار عمومی دنیا را اینها مسموم کردند.[2]

نصرت خداوند در دنیا به مبارزین

البته بسیاری از دولتهای عرب، در قضیه‌ی غزه و قبل از او در قضایای دیگر، امتحان بسیار بدی دادند؛ بسیار امتحان بدی دادند. هروقت صحبت مسئله‌ی فلسطین شد، هی گفتند مسئله‌ی فلسطین مسئله‌ی عربی است! آن وقتی که وقت عمل آمد، مسئله‌ی فلسطین بکلی از همه‌ی معادلاتشان حذف شد و به جای اینکه به فلسطین کمک کنند، به فلسطینی کمک کنند،

۱. سوره‌ی شوری، آیه‌ی۱۵

۲. دیدار رهبران گروه‌های جهادی فلسطینی شرکت کننده در افتتاحیه‌ی همایش غزه ۱۳۸۸/۱۲/۰۸

به برادر عرب خودشان کمک کنند ـ اگر به اسلام هم عقیده ندارند، اقلاً به عربیت خودشان پابند باشند ـ همه از میدان عقب کشیدند! بسیار امتحان بدی دادند. اینها هم در تاریخ خواهد ماند و این سزاها و جزاها مربوط به آخرت فقط نیست، در دنیا هم اینجور است. همچنانی که نصرت خداوند نسبت به شماها که دارید مبارزه می‌کنید، مال آنجا نیست. در همین آیه‌ای که خواندند – که آقای خالد مشعل هم تکرار کردند – ملائکه می‌گویند: «**نحن اولیاؤکم فی الحیاة الدّنیا و فی الاخرة**»[1] بنابراین فقط برای آخرت نیست، در دنیا هم ملائکة الله، فرشتگان الهی و قوای معنوی الهی کمک می‌کنند آن کسانی که: «**قالوا ربّنا الله ثمّ استقاموا**»[2] اینها کمک می‌کنند. حالا این کمک آنها را ما در دنیا به چشم داریم می‌بینیم؛ به چشم خودمان داریم مشاهده می‌کنیم و می‌بینیم. ملائکة الله به ما هم در دفاع هشت ساله‌مان کمک کردند؛ ما این کمک را به چشم خودمان دیدیم. حالا یک آدم غرق در مادیات باور نمی‌کند، خب نکند؛ ما این کمک را دیدیم. امروز هم ملائکة الله دارند به ما کمک می‌کنند؛ امروز هم به کمک الهی است که ما ایستادیم. ما نیروی نظامی‌مان با آمریکا قابل مقایسه نیست؛ نیروی اقتصادی‌مان، امکانات مالی‌مان، امکانات تبلیغاتی‌مان، گستره‌ی فعالیت سیاسی‌مان با آمریکا قابل مقایسه نیست؛ اما در عین حال ما قوی‌تر از امریکائیم. با اینکه او پولدارتر است، او مسلح‌تر است، او امکانات تبلیغاتی‌اش بیشتر است، او امکانات مالی و سیاسی‌اش بیشتر است؛ اما در عین حال او ضعیفتر است و ما قویتریم. دلیل قویتر بودن ما این است که در همه‌ی این میدانهائی که ما و امریکا با هم مواجهیم، او قدم به قدم عقب‌نشینی می‌کند؛ ما عقب‌نشینی نمی‌کنیم؛ ما جلو می‌رویم. این، نشانه؛ این به برکت اسلام است؛ این به برکت کمک الهی و کمک ملائکة الله است. ما به اینها اعتقاد داریم، اینها را باور داریم، اینها را به چشم خودمان داریم می‌بینیم.[3]

---

۱. سوره‌ی فصلت، آیه‌ی ۳۱
۲. سوره‌ی فصلت، آیه‌ی ۳۰
۳. دیدار رهبران گروه‌های جهادی فلسطینی شرکت کننده در افتتاحیه‌ی همایش غزه ۱۳۸۸/۱۲/۰۸

راه حل؛ اتحاد

امروز بیش از همه چیز، در امت اسلامی اتحاد لازم است. وحدت پیدا کنیم، حرفمان را یکی کنیم، دلمان را یکی کنیم؛ این وظیفه‌ی یکایک کسانی است که در این امت بزرگ مسلمان قدرت تأثیرگذاری دارند. چه دولتها، چه روشنفکران، چه علما، چه فعالان گوناگون سیاسی و اجتماعی، هر کدامی در هر کشوری از کشورهای اسلامی هستند، وظیفه دارند امت اسلامی را بیدار کنند و این حقائق را به آنها بگویند؛ این وضعیت تلخ را که دشمنان اسلام به وجود آوردند، برای آنها روشن و تبیین کنند؛ آنهارا دعوت کنند به اینکه درصدد انجام وظیفه بربیایند؛ این وظیفه‌ی همه‌ی ماست.[1]

حرکت امام حسین(ع)؛ نسخه‌ی حل مسأله‌ی فلسطین

امام حسین باید این حرکت را انجام می‌داد، تا نشان بدهد که دستور کار، در یک چنین شرایطی، برای مسلمان چیست. نسخه را به همه‌ی مسلمانهای قرنهای بعدی نشان داد. یک نسخه‌ای نوشت؛ منتها نسخه‌ی حسین‌بن‌علی، نسخه‌ی لفاظی و حرافی و «دستور بده، خودت بنشین» نبود؛ نسخه‌ی عملی بود. او خودش حرکت کرد و نشان داد که راه این است. ایشان از قول پیغمبر نقل می‌کند: آن وقتی که شما دیدید که اسلام کنار گذاشته شد؛ ظالمین بر مردم حکومت می‌کنند؛ دین خدا را تغییر می‌دهند؛ با فسق و فجور با مردم رفتار می‌کنند؛ آن کسی که در مقابل این وضع، نایستد و قیام نکند، «کان حقّا علی الله ان یدخله مدخله»؛ خدای متعال با این آدم ساکت و بی‌تفاوت هم مثل همان کسی که «مستحلّ حرمات الله» است، رفتار خواهد کرد. این نسخه است. قیام امام حسین این است. در راه این قیام، جان مطهر و مبارک و گرانبهای امام حسین که برترین جانهای عالم است، اگر قربانی شود به نظر امام حسین، بهای زیادی نیست. جان بهترینِ مردمان که اصحاب امام حسین بودند، اگر قربان شود، برای امام حسین بهای گرانی محسوب نمی‌شود. اسارت آل الله، حرم پیغمبر، شخصیتی مثل زینب که در دست بیگانگان اسیر

۱. بیانات در دیدار به مناسبت ولادت حضرت رسول اعظم(ص) و امام صادق(ع) ۱۳۸۸/۱۲/۱۳

بشود – حسین‌بن‌علی می‌دانست وقتی در این بیابان کشته شود، آنها این زن و بچه را اسیر می‌کنند – این اسارت و پرداختن این بهای سنگین به نظر امام حسین، برای این مقصود سنگین نبود. بهائی که ما می‌پردازیم، باید ملاحظه شود با آن چیزی که با این پرداخت، برای اسلام، برای مسلمین، برای امت اسلامی و برای جامعه به دست می‌آید. گاهی صد تومان انسان خرج کند، اسراف کرده؛ گاهی صد میلیارد اگر خرج کند، اسراف نکرده. باید دید چه در مقابلش می‌گیریم.

انقلاب اسلامی عمل به این نسخه بود. امام بزرگوار ما به این نسخه عمل کرد. یک عده آدمهای ظاهرنگر و سطحی‌بین – البته آدمهای خوب، مردمان بدی نبودند؛ ما اینها را می‌شناختیم – همان وقت می‌گفتند که ایشان این جوانها را توی میدان آوردند و بهترین جوانهای ما به کشتن داده می‌شوند؛ خونشان ریخته می‌شود. خیال می‌کردند امام نمی‌داند که جان این جوانها در خطر قرار می‌گیرد. دلشان برای او می‌سوخت. این ناشی بود از اینکه محاسبه درست نمی‌شد. خوب بله؛ در جنگ تحمیلی، ما این همه شهید دادیم، این همه جانباز دادیم، این همه خانواده داغدار شدند. این، بهای بزرگی است؛ اما در مقابل، چه؟ در مقابل، استقلال کشور، پرچم اسلام، هویت ایران اسلامی را در مقابل آن طوفان عظیم حفظ کردیم. آن طوفانی که درست کرده بودند، طوفان صدام نبود. صدام، آن سرباز جلوِ جبهه‌ی دشمن بود. پشت سرِ صدام همه‌ی دستگاه و دنیای کفر و استکبار قرار گرفته بودند. اگر فرض کنیم از اول هم وارد این توطئه نبودند، در ادامه واضح و روشن بود؛ همه آمدند پشت سرِ صدام. آمریکا آمد، شورویِ آن روز آمد، ناتو آمد، کشورهای مرتجع و وابسته‌ی به استکبار آمدند؛ پول دادند، اطلاعات دادند، نقشه دادند، تبلیغات کردند. این جبهه‌ی عظیم آمده بود تا ایران بزرگ، ایران رشید و شجاع، ایران مؤمن را بکلی در هم بپیچد. یک منطقه‌ی دست‌نشانده‌ی برای استکبار را در درجه‌ی اول، مغلوبِ عنصر پست و کوچکی مثل صدام کند و در درجه‌ی بعد هم در مشت و چنگال آمریکا نگه دارد. مصیبتی را که در طول دویست سال بر سر کشور ما آوردند و این همه مشکل برای این

ملت درست کردند، این مصیبت را صد سال دیگر، دویست سال دیگر ادامه بدهند. ملت ما ایستاد، امام بزرگوار ایستاد. البته جانهای عزیزی را دادیم، شهیدان بزرگی را دادیم، جوانهای محبوبی را فدا کردیم؛ اما این بهای گزافی در مقابل آن دستاورد نبود.

امروز مسأله‌ی فلسطین هم همین‌جور است. مسأله‌ی غزه که شما مشاهده می‌کنید، این بخشی از ظاهر قضیه است، باطن قضیه عبارت است از این که دستگاه استکبارِ بی‌اعتقاد به همه‌ی اصول انسانی، مایل است این منطقه‌ی خاورمیانه، این منطقه‌ی حساس را که پر از ثروت و حساسیت گوناگون جغرافیائی و اقتصادی است، در اختیار بگیرد؛ در مشت بگیرد. وسیله‌اش هم اسرائیل غاصب است؛ صهیونیستهای مسلط بر فلسطین اشغالی. مسأله این است. همه‌ی این حرکاتی که این چند سال در این منطقه انجام گرفته است - از قضایای لبنان تا قضایای عراق تا قضایای فلسطین - با این نگاه قابل تفسیر و قابل فهم است. مسأله این است که این منطقه باید در مشت آمریکا و استکبار - استکبار اعم از آمریکاست؛ البته مظهر عمده‌اش، شیطان بزرگ، دولت آمریکاست - قرار داشته باشد. استکبار می‌خواهد این منطقه را در اختیار داشته باشد؛ در مشت داشته باشد. استکبار این منطقه را لازم دارد و عاملش هم اسرائیل است. همه‌ی این داستانها و قضایای این چند سال با این نگاه، تحلیل می‌شود. دیدید در جنگ سی و سه روزه، وزیر خارجه‌ی آمریکا گفت: این درد زایمان منطقه‌ی خاورمیانه‌ی جدید است! یعنی از این حادثه یک موجود تازه‌ای متولد خواهد شد که همان خاورمیانه‌ای است که آمریکا دنبالش است. البته این خواب آشفته تعبیرش همانی بود که بر سرشان آمد. شجاعت و بیداری و فداکاری و ایثار و جهاد جوانان مؤمن در لبنان، تو دهن نه فقط اسرائیل، بلکه تو دهنِ آمریکا و همه‌ی پشتیبانانشان و دنباله‌روانشان زد. قضیه‌ی غزه هم از همینِ قبیل است.[1]

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از مردم قم به مناسبت قیام نوزدهم دی۱۹/ ۱۰/ ۱۳۸۷

تنها راه؛ مبارزه

این صهیونیستها، جز زبان زور، هیچ‌چیز نمی‌فهمند. چهل سال است که هرچه سازمان ملل نسبت به مسأله‌ی فلسطین، علیه صهیونیستها قطعنامه صادر کرده است، اینها رد کرده‌اند. اینها لوس شده‌اند! سکوت و اغماض را هم که از قدرتهای بزرگ و از ملتها و دولتها دیدند، جری شدند. آنها از قطعنامه نمی‌ترسند. مگر اسرائیل را با قطعنامه می‌شود عقب نشاند؟ اسرائیل با زور و سلاح و مشت، عقب خواهد نشست.[1]

---

۱. سخنرانی در دیدار گروهی از آزادگان، جمعی از خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان، مسؤولان اجرایی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی و ائمه‌ی جمعه‌ی استانهای کرمانشاه، یزد و چهارمحال و بختیاری، و گروهی از مردم شهرهای گرگان، گنبد، محلات، گتوند، شوشتر، سپیدان، تهران، شیراز و جهرم ۱۳۶۹/۰۸/۰۲

بخش ششم:
قهرمانان

شهید شیخ احمد یاسین

پیام تسلیت شهادت شیخ احمد یاسین

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم

اطلاع یافتیم که دست گنهکار رژیم غاصب صهیونیستی مرتکب جنایتی بزرگ شده و عالم مجاهد مرحوم شیخ احمد یاسین بنیانگذار و پیشوای جنبش حماس را به شهادت رسانیده است. شهادت، بی‌گمان آرزوی همیشگی این شیخ مجاهد پارسا بود و کشته شدن در راه خدا در کام بندگان مخلص او شیرین است ولی این نمی‌تواند از عظمت گناه تبهکاران غاصب صهیونیست بکاهد و وزر این جنایت بزرگ را بر دوش آنان سبک کند.

خون شیخ احمد یاسین درخت تناور مقاومت اسلامی را آبیاری و آتش خشم ملت فداکار فلسطین را شعله‌ورتر خواهد کرد و مظلومیت او پرچم مظلومیت فلسطین را به اهتزاز در خواهد آورد.

آنچه از شیخ احمد یاسین و ملت فلسطین با این جنایت ستاندند جسمی نحیف و علیل بود. فکر او را و خطی را که او ترسیم کرد و راهی را که او گشود نخواهند توانست از ملت فلسطین بگیرند. روح شیخ زنده است و درس او که اینک با خون مظلومانه‌اش ماندگارتر و برجسته تر شد زمزمه‌ی جوانان و نوجوانان و نسل آینده‌ی فلسطین خواهد بود.

تبهکاران غاصب فلسطین بدانند که قدرت‌نمائیهای احمقانه‌ی آنان بزرگترین شاهد ضعف و شکست آنها است و رژیم غاصب و دولت مجعول صهیونیستی محکوم به فنا است. فلسطین متعلق به ملت فلسطین است و هر لجاجتی در برابر این حق مسلّم، سرنوشتی جز ناکامی و شکست ندارد.

«**لیحق الحق و یبطل الباطل و لوکره المجرمون**».[1]

این‌جانب شهادت این شیخ مجاهد فی سبیل‌الله را به روح بلند او تبریک و به ملت فلسطین و به ویژه به جوانان فداکار و سرافراز مبارز فلسطینی و نیز به خاندان مکرّم او تسلیت می‌گویم و سربلندی امت اسلامی و پیروزی مجاهدان فلسطینی و لبنانی را از خداوند متعال مسألت می‌کنم.[2]

ترور شیخ احمد یاسین، نشانه‌ی سخت‌شدن کار بر اسرائیل

آنها شصت سال است که بر فلسطین مسلطند. سالهایی گذشت که فلسطینیها جنبش و جوششی نداشتند؛ اما الان زندگی بر صهیونیستها سخت شده؛ کارشان به جایی رسیده است که تحمل وجود یک پیرمرد روحانی فلج را هم که باید روی چرخ راهش ببرند، ندارند. کسی مثل شیخ احمد یاسین را نمی‌توانند تحمل کنند.[3]

این شیخ شجاع فلسطینی که به ایران آمد و سر تا پا فلج است – دستش فلج، پایش فلج و قطع نخاعی است – سالهاست که شجاعانه مبارزه می‌کند. با وجودی که قطع نخاع دارد، او را به زندان بردند و شکنجه کردند! احتمال دادند اگر به بدنش ضربه بزنند، حس نکند؛ لذا به صورتش شلاق زدند و به او بی‌خوابی دادند! اینها تروریست نیستند؟![4]

---

۱. سوره‌ی انفال، آیه‌ی۸

۲. پیام به مناسبت شهادت شیخ احمد یاسین رهبر جنبش مقاومت اسلامی فلسطین ۱۳۸۳/۰۱/۰۳

۳. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۸۳/۰۱/۲۶

۴. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۷/۰۲/۱۸

شهید دکتر فتحی شقاقی

پیام به مناسبت شهادت دکتر فتحی شقاقی رهبر جهاد اسلامی فلسطین

بسم الله الرّحمن الرّحیم

انا لله و انا الیه راجعون

صحنه‌ی خونین مبارزات اسلامی فلسطین، بار دیگر با خون به‌ناحق ریخته‌ی یکی از فرزندان رشید و مظلوم آن سرزمین، گلگون گشت و کسی که با قلبی سرشار از ایمان و اخلاص برای دفاع از خانه و میهن خود، مجاهدت می‌کرد به دست غاصبان خونخوار و آدم کش به شهادت رسید و صهیونیستهای عاری از شرف و اخلاق یکبار دیگر ثابت کردند که برای مقاصد نامشروع خود قتل و جنایت را مباح و مشروع می‌شمرند. مجاهد مؤمن و شجاع و متفکر و مخلص، شهید دکتر فتحی شقاقی یکی از چهره‌های درخشانی بود که فجر مبارزات اسلامی مردم فلسطین در دهه‌ی اخیر را پدید آورد و همه‌ی توان و امکان و اکنون جان عزیز خود را بر سر این جهاد مقدس گذاشت. طلوع خورشید اسلامی از افق مبارزات فلسطین که به ملت مظلوم فلسطین جان تازه‌ای بخشید، در هنگامی آغاز شد که مدعیان دروغین قضیه‌ی فلسطین، از بردن نام اسلام در آن عرصه‌ی اسلامی محض، بشدت پرهیز می‌کردند و با جدا کردن قضیه‌ی فلسطین از اسلام، دانسته و ندانسته آرمان فلسطین را به محو و نابودی می‌کشاندند. و در این هنگام بود که گروهی از جوانان پُرشور و بااخلاص و مؤمن و اندیشمند و در رأس آنان شهید عزیز ما دکتر فتحی شقاقی با الهام گرفتن از انقلاب اسلامی ایران و با دلی سرشار از عشق و ارادت به امام عظیم‌الشّأن راحل، پرچم مبارزات اسلامی را برافراشته و به رغم کوردلان سست عنصر و وابسته و به رغم رژیم غاصب و به رغم امریکا و سرسپردگانش در منطقه‌ی عربی، خون در رگهای افسرده‌ی جهاد فلسطینی دمیدند و دشمن را که با ساده‌اندیشی و خوش‌خیالی، مجاهدات حق‌طلبانه را پایان یافته می‌پنداشت زیر ضربات خود گرفتند.

اکنون آن مجاهد مؤمن و مخلص به شهادت که آرزوی همه‌ی مبارزان خالص و صادق است نائل آمده است، ولی این‌جانب با قاطعیت اعلام

می‌کنم که این مرگ سرخ و افتخارآمیز، مایه‌ی اشتداد نهضت عظیم اسلامی در فلسطین خواهد شد و مظلومیت او مظلومان فلسطینی را در مجاهدت فی سبیل الله سخت‌تر خواهد ساخت.

ملت مبارز فلسطین محق است اگر خیانتکاران به آرمان فلسطین را ـ چه آنان که با روسیاهی تمام، خود را فلسطینی می‌شمارند و چه اعراب غیر فلسطینی ـ شریک جرم سران رژیم صهیونیستی در این جنایت و جنایات مشابه آن در گذشته بشمارد. بی‌شک این آخرین جرم تروریست‌های غاصب نخواهد بود ولی بی‌شک آنکه در نهایت به پیروزی قاطع می‌رسد جبهه‌ی حق ملت مسلمان و مبارز و مظلوم فلسطین خواهد بود. این‌جانب شهادت این مجاهد برجسته‌ی فلسطینی را به همه‌ی آحاد ملت فلسطین بویژه به سازمان مبارک جهاد اسلامی فلسطین و بالاخص به همسر و فرزندان و والدین و دیگر کسان و یاران وی تبریک و تسلیت می‌گویم.[1]

«فتحی شقاقی»؛ شهید راه یک ارزش انسانی

من به ملتهایی که تحت تأثیر تبلیغات رسانه‌های صهیونیستی هستند، کاری ندارم. آنها ممکن است اشتباه کنند. افکار عمومی را رسانه‌های عمومی تغییر می‌دهند؛ اما در بین سردمداران سیاستهای جهانی، کسی نیست که نداند «فتحی شقاقی» شهید راه یک ارزش انسانی بود. امروز کیست که سربازی را که برای برگرداندن خانه‌ی خود از دست اشغالگران می‌جنگد، تحسین و ستایش نکند؟ چرا سرداران جنگها و سربازان فداکارِ معلولِ جنگهای آزادی‌بخش، در همه جای دنیا مورد احترامند؟ چرا مقبره‌ی سرباز گمنام به‌عنوان یک حرکت نمادین در همه جای دنیا مورد احترام است؟ این سرباز مگر چه کار کرده است؟ این سرباز یا آن سردار و یا آن معلول جنگی در آفریقا، در اروپا، در هرجای دنیا که شما نگاه کنید، همان کاری را کرده است که امروز فلسطینیهای مظلوم می‌کنند؛ سرداران فداکارشان می‌کنند و شهدای غریبشان انجام می‌دهند. هرکس که به ارزشهای انسانی پایبند باشد، اینها را از

۱. پیام به مناسبت شهادت دکتر فتحی شقاقی رهبر جهاد اسلامی فلسطین۰۸/ ۰۸/ ۱۳۷۴

اعماق جانْ تحسین می‌کند؛ اما در شهادت شهید فتحی شقاقی، هیچ چشمی از چشمهای استکباری نگریست. یک قطره اشک از چشمهای دوخته به مطامع حیوانی‌شان، فرونریخت. آن وقت برای قاتل او و برای یک تروریستِ سابقه‌دار، اشک می‌ریزند![1]

شهید رنتیسی

شما با جهاد و صبر و مقاومت درخشان خود دنیای اسلام را سرافراز کردید و ملتی نمونه شدید. بار سنگین این محنت بزرگ پشت شما را خم نکرد و خون مطهر شهیدان‌تان عزم و استقامتتان را ریشه‌دارتر ساخت. دشمن شما با سفّاکی و بیرحمی خود، با کشتار و تخریب و آدم‌ربایی و وحشیگری خود، نتوانست شما را عقب براند و امروز شما از همیشه قوی‌ترید. خون شهدای بزرگی چون «شیخ احمد یاسین» و «فتحی شقاقی» و «رنتیسی» و جوانان شهادت‌طلب و دیگرِ شهدای مظلوم شما، تاکنون بر شمشیر دشمن پیروز شده و از این پس به حول و قوّه‌ی الهی بیشتر پیروز خواهد شد. ما در جمهوری اسلامی ایران و یقیناً انبوه مسلمانان و آزادی‌خواهان در سراسر جهان در غم و محنت شما خود را شریک می‌دانیم. شهیدان شما، شهیدان ما؛ رنج و اندوه شما، رنج و اندوه ما؛ و پیروزی شما، پیروزی ماست.[2]

۱. بیانات در میدان «صبحگاه دانشگاه امام حسین» (ع)۱۷/ ۰۸/ ۱۳۷۴
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سومین کنفرانس بین‌المللی قدس و حمایت از حقوق مردم فلسطین۲۵/ ۰۱/ ۱۳۸۵

بخش هفتم:
روشنگری

فصل اول
شبهات

شبهه؛ مسألهی فلسطین، مسألهای عربی؟!

البته بسیاری از دولتهای عرب، در قضیهی غزه و قبل از او در قضایای دیگر، امتحان بسیار بدی دادند؛ بسیار امتحان بدی دادند. هر وقت صحبت مسألهی فلسطین شد، هی گفتند مسألهی فلسطین مسألهی عربی است! آن وقتی که وقت عمل آمد، مسألهی فلسطین بکلی از همهی معادلاتشان حذف شد و به جای اینکه به فلسطین کمک کنند، به فلسطینی کمک کنند، به برادر عرب خودشان کمک کنند - اگر به اسلام هم عقیده ندارند، اقلاً به عربیت خودشان پابند باشند - همه از میدان عقب کشیدند! بسیار امتحان بدی دادند. اینها هم در تاریخ خواهد ماند. و این سزاها و جزاها مربوط به آخرت فقط نیست، در دنیا هم اینجور است. همچنانی که نصرت خداوند نسبت به شماها که دارید مبارزه میکنید، مال آنجا نیست. در همین آیهای که خواندند - که آقای خالد مشعل هم تکرار کردند - ملائکه میگویند: «**نحن اولیاؤکم فی الحیاة الدّنیا و فی الاخرة**»[1] بنابراین فقط برای آخرت نیست، در دنیا هم **ملائکة الله**، فرشتگان الهی و قوای معنوی الهی کمک میکنند آن کسانی که: «**قالوا ربّنا الله ثمّ استقاموا**»[2] اینها کمک میکنند.[3]

---

۱. سورهی فصلت، آیهی۳۱

۲. سورهی فصلت، آیهی۳۰

۳. دیدار رهبران گروههای جهادی فلسطینی شرکت کننده در افتتاحیهی همایش غزه ۱۳۸۸/۱۲/۰۸

گاهی شنیده میشود که کسانی میگویند: فلسطین یک مسألەی عربی است. این سخن به چه معنی است؟ اگر مقصود آن است که عرب، احساسات خویشاوندانه‌تری دارد و مایل است خدمت و مجاهدت بیشتری تقدیم کند،این چیز پسندیده‌ئی است و ما به آن تبریک میگوئیم. ولی اگر معنی این سخن آن است که سران برخی کشورهای عربی به ندای یا للمسلمین مردم فلسطین کمترین توجهی نکنند و در قضیه‌ی مهمی مانند فاجعه‌ی غزه با دشمن غاصب و ظالم همکاری کنند و بر سر دیگران که ندای وظیفه، آرامشان نمیگذارد فریاد بکشند که شما چرا به غزه کمک میکنید، در این صورت هیچ مسلمانی و هیچ عربی غیور و با وجدانی این سخن را نمی‌پذیرد و گوینده‌ی آن را از سرزنش و تقبیح معاف نمی‌سازد. این همان منطق اخزم است که پدر خود را کتک میزد و اگر کسی دخالت میکرد بر سر او فریاد میکشید؛ پس از او هم پسرش آن پدر بزرگ را به باد مشت و کتک میگرفت و این در زبان عربی مَثَل شد که: انّ بَنِیّ رمّلونی بالدّم شِنشِنةٌ اَعرِفُها من اَخزَم.[1]

شبهه؛ پذیرش واقعیتی شصت ساله

مغالطه‌ی بزرگی که در قضیه‌ی فلسطین بر ذهن برخی از دست‌اندرکاران چنگ انداخته این است که کشوری بنام اسرائیل یک واقعیت شصت ساله است و باید با آن کنار آمد. من نمی‌دانم اینها چرا از واقعیتهای دیگری که در برابر چشم آنان است درس نمی‌گیرند؟ مگر کشورهای بالکان و قفقاز و آسیای جنوب غربی پس از هشتاد سال بی‌هویتی و تبدیل به بخشهائی از شوروی سابق، بار دیگر هویت اصلی خود را باز نیافتند؟

چرا فلسطین که پاره‌ی تن جهان اسلام است نتواند بار دیگر هویت اسلامی و عربی خود را بازیابد و چرا جوانان فلسطینی که در شمار باهوشترین و مقاومترین جوانان عربند نتوانند اراده‌ی خود را بر این واقعیتِ ظالمانه فائق گردانند؟[2]

البته امروز بعضیها می‌خواهند این‌طور وانمود کنند که چرا مسأله‌ی

۱. بیانات در چهارمین کنفرانس حمایت از ملت فلسطین ۱۳۸۷/۱۲/۱۴
۲. همان

فلسطین را بحث می‌کنید؛ این مسأله خاتمه یافته است! بنده عرض می‌کنم که مسأله‌ی فلسطین به هیچ وجه خاتمه یافته نیست. این‌طور نیست که شما خیال کنید تا ابد باید فلسطینیها - صاحبان سرزمین - خود و اولادشان بیرون از سرزمین خودشان باشند؛ یا اگر در آن داخلند، به‌صورت یک اقلیّتِ مقهور زندگی کنند و آن بیگانه‌های غاصب در این‌جا بمانند؛ نه، چنین چیزی نیست. کشورهایی که صدسال در تصرّف قدرتی بودند - همین قزّاقستانی که الان شما ملاحظه می‌کنید، همین گرجستانی که الان شما ملاحظه می‌کنید؛ این کشورهای تازه استقلال یافته‌ی آسیای میانه - بعضی در اختیار شوروی، بعضی قبل از شوروی در اختیار روسیه - آن وقتی که هنوز شوروی به‌وجود نیامده بود - اینها دوباره مستقل شدند و برگشتند و متعلّق به مردم خودشان شدند؛ بنابراین هیچ بُعدی ندارد و حتماً باید این‌کار اتّفاق بیفتد و ان‌شاءالله اتّفاق خواهد افتاد و فلسطین به مردم فلسطین برمی‌گردد. لذا مسأله خاتمه یافته نیست؛ این خطاست.[1]

شبهه؛ تنها راه نجات ملت فلسطین، مذاکره با اسرائیل یا غرب یا مجامع بین المللی

مغالطه‌ی بزرگ دیگر آن است که گفته شود تنها راه نجات ملت فلسطین، مذاکره است! مذاکره با کی؟ با رژیم غاصب و زورگو و گمراهی که جز به زور، به هیچ اصل دیگری معتقد نیست؟ آنان که به این بازیچه و فریب خود را دلخوش کردند چه به دست آوردند. آنچه آنها به عنوان حکومت خودگردان از صهیونیستها گرفتند، با صرفنظر از ماهیت تحقیرآمیز و اهانت‌بار آن، اولاً با هزینه‌ی سنگین اعتراف به مالکیت رژیم غاصب بر تقریباً سراسر فلسطین تمام شد، ثانیاً همان حکومت نیم‌بند و دروغین را هم با بهانه‌های واهی در مواردی زیر پای خود لگد کوب کردند. محاصره‌ی یاسر عرفات در ساختمان مدیریتش در رام‌الله و انواع تحقیر و تذلیل او حادثه‌ای نیست که فراموش شود.

ثالثاً: چه در زمان عرفات و چه بویژه پس از او با مسؤولان حکومت

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۱۰/۱۰

خودگردان مانند رؤسای کلانتریهای خود رفتار کردند که وظیفه‌شان تعقیب و دستگیری مجاهدان فلسطینی و محاصره‌ی اطلاعاتی و پلیسی آنهاست، و بدینصورت تخم کینه را در میانه‌ی گروههای فلسطینی پاشیدند و آنها را به جان یکدیگر انداختند.

و رابعاً: همان اندازه دستاورد ضعیف هم فقط به برکت جهاد مجاهدان و مقاومت غیور مردان و زنان تسلیم‌ناپذیر بود. اگر انتقاضه‌ها رخ نمی‌داد صهیونیستها با وجود تنازل پی‌درپی رؤسای سنتی فلسطین در برابر آنها، همین اندازه را هم هرگز به آنان نمی‌دادند.

یا مذاکره با امریکا و انگلیس که بزرگترین گناه را در ایجاد و حمایت از این غده‌ی سرطانی مرتکب شده‌اند، و خود پیش از آنکه میانجی باشند طرف دعوایند. دولت آمریکا هیچگاه حمایت بی‌قید و شرط خود از رژیم صهیونیست و حتی از جنایتهای آشکار آن از قبیل ماجرای اخیر غزه را متوقف نکرده است.

حتی رئیس‌جمهور جدید آمریکا هم که با شعار تغییر در سیاستهای دولت بوش بر سر کار آمده است، از تعهد بی‌قید و شرط به امنیت اسرائیل دم می‌زند؛ یعنی دفاع از تروریسم دولتی، دفاع از ظلم و زورگوئی، دفاع از قتل عام صدها مرد و زن و کودک فلسطینی در ۲۲ روز. این یعنی همان کژراهه‌ی دوران بوش و نه چیزی کمتر.

مذاکره با مجامع وابسته به سازمان ملل هم یک رویکرد عقیم دیگر است. سازمان ملل شاید در کمتر نمونه‌ئی همچون مسأله‌ی فلسطین، مورد آزمونِ افشاگر و رسواکننده قرار گرفته باشد.

شورای امنیت، یک روز اشغال فلسطین به وسیله‌ی گروههای تروریست جرّار را سریعاً به رسمیت شناخت و نقشی اساسی را در پیدایش و تداوم این ظلم تاریخی بازی کرد، و پس از آن چندین دهه همواره در برابر نسل‌کشیها، آواره‌سازیها، جنایتهای جنگی و انواع جرائم گوناگون دیگر آن رژیم، سکوت رضایت‌آمیز کرد، و حتی هنگامی که مجمع عمومی رأی به نژادپرست‌بودن

صهیونیسم داد، نه تنها با آن همراهی نکرد، که در عمل ۱۸۰ درجه با آن فاصله گرفت. کشورهای زورگوی عالم که برخوردار از عضویت دائم در شورای امنیت‌اند از این مجمع جهانی همچون ابزار استفاده می‌کنند.

نتیجه آنکه نه تنها این شورا به کار امنیت در جهان کمکی نمی‌کند بلکه هرجا که قرار است مفاهیمی همچون حقوق‌بشر یا دموکراسی و امثال آن، وسیله‌ی زیاده‌طلبی و سلطه‌ی بیشتر آنان گردد، به کمک ایشان می‌شتابد و بر کارهای نامشروع آنان پوششی از فریب و دروغ می‌افکند.

نجات فلسطین با دریوزگی از سازمان ملل یا از قدرتهای مسلّط و به طریق اولی از رژیم غاصب به دست نمی‌آید. راه نجات فقط ایستادگی و مقاومت است؛ با توحید کلمه‌ی فلسطینیان و کلمه‌ی توحید که ذخیره‌ی بی‌پایان حرکت جهادی است.[1]

شبهه؛ محلی بودن مسأله‌ی غزّه

هر کس در دنیای اسلام، امروز قضیه‌ی غزه را یک قضیه‌ی منطقه‌ای و شخصی و محلی بداند، دچار همان خواب خرگوشی‌ای است که پدر ملتها را تا حالا درآورده است. نه، این قضیه‌ی غزه، فقط قضیه‌ی غزه نیست؛ قضیه‌ی منطقه است. فعلاً آنجا نقطه‌ی ضعیفتر است، تهاجم را از آنجا شروع کردند و اگر موفق شدند، دست از سر منطقه بر نمی‌دارند. دولتهای کشورهای مسلمانی که حول و حوش آن منطقه هستند و کمکی که باید بکنند و می‌توانند بکنند، نمی‌کنند، دارند اشتباه می‌کنند؛ اشتباه می‌کنند. هر چه در این منطقه میخ اسرائیل بیشتر فرو برود، تسلط استکبار بیشتر بشود، بدبختی این دولتها و ضعف و ذلت این دولتها بیشتر خواهد شد. چرا ملتفت نیستند؟ و دولتها، ملتها را هم دنبال خودشان به ذلت می‌کشانند. یک دولت ذلیل و مطیع و وابسته، یک ملت را مطیع و ذلیل و وابسته می‌کند. این است که ملتها باید به خود بیایند.[2]

---

۱. بیانات در چهارمین کنفرانس حمایت از ملت فلسطین ۱۳۸۷/۱۲/۱۴

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم قم به مناسبت قیام نوزدهم دی ۱۳۸۷/۱۰/۱۹

شبهه؛ چراغی که به خانه رواست....

طبق اسناد تاریخی، تشکیل حکومت صهیونیستی در آن‌جا، بیش از آنچه که آرزوی مردم یهود باشد، یک خواست استعماری دولت انگلیس بود. شواهدی وجود دارد که در همان زمان بسیاری از یهودیها اعتقادشان این بود که احتیاجی به این دولت نیست؛ این دولت به نفعشان نیست؛ لذا گریزان بودند. بنابراین، این یک آرزو و ایده‌ی یهودی نبود؛ بیشتر یک ایده‌ی استعماری و یک ایده‌ی انگلیسی بود. البته بعد که به وسیله‌ی امریکا گوی سیاست دنیا و گوی استکبار از دست انگلیس ربوده شد، این هم جزو همان ابواب جمع مواریث استعماری بود که به امریکا رسید و امریکاییها حداکثر استفاده را کردند و الان هم استفاده می‌کنند. بنابراین نجات فلسطین و محو دولت غاصب صهیونیستی، مسأله‌ای است که با مصالح ملتهای این منطقه – از جمله با مصالح کشور عزیز ما ایران – سرو کار دارد. کسانی که از روز اوّلِ انقلاب، یکی از برنامه‌ها را مقابله و معارضه با نفوذ و اقتدار صهیونیستها قرار دادند، با محاسبه این کار را کردند. این برنامه، طبق مصالح کشور و مصالح عمومی جمهوری اسلامی و مردم ایران انتخاب شده است. در کشورهای دیگر نیز همین‌طور است. همه‌ی روشنفکران کشورهای اسلامی، همه‌ی سیاستمداران آزاداندیش، همه‌ی آنهایی که دستشان در حنای استکباریِ امریکا رنگ نگرفته است، معتقدند که باید با اسرائیل مقابله کرد؛ یعنی این را جزو مصالح کشورشان می‌دانند.[1]

امروز مسأله‌ی فلسطین، مسأله‌ی دنیای اسلام است. چه ما مسلمانان کشورهای اسلامی بدانیم و چه ندانیم، چه بفهمیم و چه نفهمیم، سرنوشت فلسطین، سرنوشت همه‌ی ماست. اگر فلسطین در این صحنه‌ی رویارویی شجاعانه‌ای که امروز برای خود به وجود آورده است، موفّق شود، موفّقیت همه‌ی دنیای اسلام است؛ اما هرچه رنج آن ملت ادامه پیدا کند، مایه‌ی ذلّت روزافزون دنیای اسلام است. دنیای اسلام باید به معنای واقعی کلمه، این

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۹/۰۹/۲۵

مسأله را مسأله‌ی خود بداند. درست است که همه‌ی ما وظیفه‌ی شرعی داریم و اسلام بر ما واجب کرده است به مردم فلسطین کمک کنیم؛ اما حرف من امروز فراتر از وظیفه‌ی شرعی است. می‌گویم امروز هر حادثه‌ای که در فلسطین رخ دهد و این قضیه به هر جا منتهی شود، به طور مستقیم به سرنوشت کشورهای اسلامی - چه آنهایی که نزدیکند و چه آنهایی که دورند - مربوط است و بر آنها هم اثر می‌گذارد. امروز ملتهای مسلمان برای فلسطین هر کار بکنند، برای خود و به نفع خود کرده‌اند. وقتی با نقشه‌ی استعمار بریتانی و کمک دنیای استکبار، این قطعه‌ی خونین از پیکره‌ی دنیای اسلام جدا شد، آن روز نظرشان فقط فتح همین قطعه نبود؛ آن روز هم نظر استعمارگران تسلّط بر کلّ منطقه - که قلب دنیای اسلام است - بود. بنابراین امروز همه‌ی ما وظیفه داریم.

...امام بزرگوار ما، حقیقت مسأله را خوب شناخته و دیده بود. از شروع این نهضت از سال ۱۳۴۱ - یعنی چهل سال قبل - آن وقتی که هنوز در ایران مسأله‌ی فلسطین حتّی در بین خواص هم منتشر نشده بود، حرف امام این بود که در مقابل سلطه‌ی اسرائیل باید همه احساس خطر کنند؛ همه باید بایستند و مقابله کنند. بعد هم همین راه را ادامه داد و این یکی از شعارهای بزرگ آن مرد الهی و آسمانی بود.[1]

ما از فلسطینیها که فلسطینی‌تر نیستیم!

بنده از زمان ریاست جمهوریِ خودم این چالش را با بعضی از این کشورهای عربی داشتم. حرفی را مطرح کردم، اما دولتهای این کشورها می‌گفتند ما از فلسطینیها که فلسطینی‌تر نیستیم! هرچه خود آنها بخواهند، باید انجام شود. البته آن وقت مذاکرات سازش به این شکل مطرح نبود؛ اما نشانه‌های سازش پیدا بود.

اوّلاً مسأله‌ی فلسطین، یک مسأله‌ی دنیای اسلام است. غیر از جنبه‌های

۱. بیانات در جمع مسؤولان و کارگزاران در سالروز ولادت فرخنده‌ی نبی‌اکرم(ص) و امام جعفر صادق (ع) ۱۳۸۱/۰۳/۰۹

سیاسی و امنیتی و اقتصادی، مسأله‌ی تکلیف الهی و اسلامی است. بالاتر از همه، مسأله‌ی خدایی است؛ اما اگر کسی به خدا هم اعتقادی نداشته باشد و بخواهد فقط برای مردم فلسطین کار کند، باید ببیند آحاد مردم فلسطین چه می‌گویند. امروز ملت فلسطین همانهایی هستند که دستگیر شده‌هایشان در زندانهای دولت غاصب هستند و دهها برابر آنها در خیابانها و در مسجدالاقصی و در بازارها و در سرتاسر سرزمین غصب شده شعار می‌دهند و عملیات می‌کنند. یک اقلیتِ کوچکِ تطمیع شده که رفتند سازش کردند، ملت فلسطین نیستند که ما بگوییم ما از فلسطینیها فلسطینی‌تر نیستیم. در همان سیزده، چهارده سال پیش، من یادم است یکی از دولتهای عرب – حالا نمی‌خواهم اسم بیاورم – که آن روز نشان نمی‌داد یک دولت رو به فسادی است – چون سوابق انقلابی داشت – این حرف را زد. بنده همان وقت استشمام کردم اینها انحراف پیدا می‌کنند؛ بعد هم انحرافشان آشکارتر شد، که حالا دیگر نمی‌خواهیم بعضی از خصوصیات را ذکر کنیم.[1]

شبهه؛ اسلام دین صلح

در قضیه‌ی فلسطین، آنچه که حقیقت قضیه است، همین مطلبی است که سالهای متمادی است جمهوری اسلامی علناً و مستدلاً آن را بیان کرده است. یک باند و گروه وابسته و مزدور به قدرتهای جهانی، با اتّکا به همین وابستگی‌شان، آمدند سرزمین فلسطین را غصب کردند. آیا کسی می‌تواند منکر این بشود؟! از این چند میلیون صهیونیستی که امروز در سرزمینهای اشغالی ما در فلسطین هستند، چندنفرشان فلسطینی‌اند؟ پدرشان در فلسطین بوده یا خودشان متولّدِ فلسطین‌اند؟! بیگانه‌هایی هستند که با اهدافی شوم، از جاهای مختلف به این‌جا آورده شدند، تا این‌جا را پایگاهی قرار دهند، و نفوذ قدرتهای استکباری را در منطقه، راحت گسترش دهند. آیا این غصب نیست؟! آیا این ظلم نیست؟! آیا این محکوم نیست؟! اگر گروهی بروند خانه‌ی دیگری را، شهر دیگری را بگیرند، این در نظر آزادیخواهان

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۱۰/۱۰

و مردم عادّی و منصف اهل هر دین و مذهبی مردود نیست؟ اگر ما گفتیم «صهیونیستها غاصبند، ظالمند»، حرفی خلاف گفته‌ایم؟! یک عدّه مظلوم، که همان ملت مغصوبٌ منه و مظلوم هستند، در طول سالیان دراز، مبارزاتی را شروع کرده‌اند. آیا کسی که برای دفاع از سرزمین خود مبارزه می‌کند، یک تروریست است یا یک قهرمان؟ از اطراف و اکناف عالمِ استکبار، دستگاههای رسمی آحاد مردم نه با تبلیغاتی که مال خود صهیونیَستها و در دست سرمایه‌داران وابسته به صهیونیسم است، سالهای متمادی مرتّب تکرار کردند که «اینها تروریستند؛ چرا می‌جنگند؟» تا بالأخره این ترتیباتِ یکی دو سال پیش تا به حال را درست کردند و اسمش را صلح گذاشتند! این صلح است؟! آن بابا هم در آن‌جا برای ما اسلام‌شناس شده است و می‌گوید: «قرآن گفته است که صلح کنید.» این صلح است؟ این صلح را اسلام و قرآن گفته است انجام دهید؟! این‌که کسی به دیگری ظلم کند و بعد مظلوم را وادار کنند که ظلم او را بپذیرد بدون این‌که از طرف ظالم اندک انعطافی به وجود آید و از ظلم خود کم کند این صلح است یا ننگ است؟! این تسلیم به ظلم است. این همان انظلامی است که در شرعِ مقدّسِ اسلامْ حرام و مذَموم است.[1]

شبهه؛ خرید زمینهای فلسطینیان توسط صهیونیستها

عکس آن اوضاع، در این‌جا انجام گرفت! در این‌جا، قدرتمندان عالم به این غصب بزرگ و ظلم بی‌نظیر کمک کردند. آنها به این حرکتی که شبیه آن در دنیای معاصر و حتی در گذشته هم اتفاق نیفتاده است، کمک کردند. تلختر این‌که، بیرون راندن مردم فلسطین از سرزمین خودشان، به حالت عادی هم انجام نگرفت. یک وقت است که می‌آیند زمینهایشان را می‌خرند؛ پولش را می‌دهند و می‌گویند «باید بروید.» البته این هم ظلم است، این هم غصب است؛ اما این‌طور هم عمل نکردند. شبانه رفتند و یک ده را با اهلش سوزاندند! هر که توانست خودش را نجات دهد، نجات داد و هر که ماند،

۱. بیانات در دیدار فرماندهان و مسؤولان «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» ۱۳۷۲/۰۶/۲۵

سوخت که سوخت! قضیه‌ی «دیریاسین» راست است؛ قضیه‌ی «کفرقاسم» راست است؛ روستاهایی را که صهیونیستها آتش زدند، حقیقت دارد. همین کار را کردند. نخست‌وزیر اسبق صهیونیست[1] که همین روزها و همین اواخر به درک واصل شد و امریکاییها به خاطر مرگ او اظهار تأسف کردند، یکی از کسانی بود که در نابود کردن و آتش زدن روستاها و خانه‌های مردم فلسطین، دخالت داشت. تبلیغات جهانی، گنگ شدند و این حادثه‌ی تلخ را نگفتند، تا مردم دنیا پی نبرند که در این گوشه‌ی دنیا چه اتفاقی افتاده است. یک ملت بی‌پناه و مظلوم، مواجه با زور و قلدری و دروغ و فریب شد و این دروغ و فریب و زور و قلدری، تا امروز هم ادامه دارد.[2]

شبهه؛ عدم امکان از بین رفتن اسرائیل

ما در تاریخ معاصر خودمان کشورهایی را داریم که پنجاه یا شصت سال در اختیار دولتهایی برآمده‌ی از غیر ملتهایشان بودند، بعد اوضاع دنیا عوض شد و مردمانی که غاصب بودند، کنار رفتند. با تجزیه‌ی شوروی، شما دیدید چقدر از کشورها به صاحبان و به ملتهای خودشان برگشتند. این چیزها در دنیا ممکن است و بی‌سابقه نیست؛ در زمان خود ما و در جلوِ چشم ما اتفاق افتاده است؛ این چیزی است عملی و باید پیش بیاید و دیر یا زود پیش خواهد آمد.[3]

شبهه‌ی ناصبی بودنِ ملت فلسطین

ببینید، در قضیه‌ی حمایت از فلسطین – این یک مثالی است می‌خواهم بزنم – هیچ کشور و هیچ دولتی به گرد جمهوری اسلامی نرسید. این را همه‌ی دنیا تصدیق کردند. جوری شد که بعضی از کشورهای عربی از ناراحتی، دادشان بلند شد، گفتند ایران دارد برای مقاصد خود اینجا تلاش

۱. اسحاق رابین
۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۱/۰۱/۰۷
۳. بیانات در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی به مناسبت عید سعید فطر ۱۳۸۴/۰۸/۱۳

می‌کند! البته فلسطینیها به این حرف اعتنائی نکردند. از جمله در قضیه‌ی غزه – در این جنگ بیست و دو روزه‌ی چند ماه قبل – جمهوری اسلامی در همه‌ی سطوحش؛ از رهبری و ریاست جمهوری و مسؤولین گوناگون و مردم و تظاهرات و پول و کمک و سپاه و غیره، همه در خدمت برادران فلسطینی مظلوم و مسلمان قرار گرفتند. در بحبوحه‌ی این حرفها، یک وقت دیدیم که ویروسی دارد تکثیر مثل می‌کند؛ دائم می‌روند پیش بعضی از بزرگان، بعضی از علماء، بعضی از محترمین، که: آقا! شما دارید به کی کمک میکنید؟ اهل غزه ناصبی‌اند! ناصبی یعنی دشمن اهل‌بیت. یک عده هم باور کردند! دیدیم پیغام و پسغام که آقا، می‌گویند اینها ناصبی‌اند. گفتیم پناه بر خدا، لعنت خدا بر شیطان رجیم خبیث. در غزه مسجد الامام امیرالمؤمنین علی‌بن‌ابی‌طالب هست، مسجد الامام الحسین هست، چطور اینها ناصبی‌اند؟! بله، سنی‌اند؛ اما ناصبی؟! اینجور حرف زدند، اینجور اقدام کردند، اینجور کار کردند.[1]

همزیستی مسلمانان، مسیحیان و یهودیان در قدس

ما مسلمانان را دعوت به اتحاد می‌کنیم. این اتحاد، نه علیه مسیحیان یا سایر ادیان و ملتها، بلکه برای مقابله با متجاوزان و اشغالگران و جنگ افروزان، برای اجرای اخلاق و معنویت و احیای عقلانیت و عدالت اسلامی و پیشرفت علمی و اقتصادی و بازیابی عزت اسلامی است. به یاد جهانیان می‌آوریم که وقتی قدس در دوران خلفاء راشدین در دست مسلمانان بود، مسیحیان و یهودیان در آرامش و امنیت کامل بودند، اما اینک که قدس و مراکزی دیگر زیر سلطه‌ی صهیونیستها یا صلیبیهای صهیونیست است، چگونه خون مسلمانان را مباح می‌شمرند؟![2]

---

۱. بیانات در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کردستان ۱۳۸۸/۰۲/۲۳
۲. پیام به کنگره‌ی عظیم حج ۱۳۸۳/۱۰/۲۹

تصوّر غلط از «بی‌طرفی»

و اما موضع جمهوری اسلامی. این موضعی که مسؤولان جمهوری اسلامی اعلام کرده‌اند، صددرصد اسلامی و انقلابی است؛ چون نفی تجاوزطلبی و تقبیح حوادثی است که علیه مردم اتفاق افتاده است. بعضی سعی می‌کنند که کلمه‌ی بی‌طرفی را به معنای غلطی معنا کنند. ما از اول انقلاب، در جنگ بین شرق و غرب، بی‌طرف نبوده‌ایم. ما از اول انقلاب تا حالا، علیه شرق و غرب جنگیده‌ایم. مگر این‌طور نیست؟ شرق و غرب هم علیه ما متحد شده‌اند و جنگیده‌اند. آن روزی که شرق و غرب هنوز با هم آشتی نکرده بودند و در دنیا شرق و غربی وجود داشت، شعار انقلاب ما «نه شرقی و نه غربی» بود؛ یعنی نفی هر دو و مخالفت با هر دو. این، معنایش بی‌طرفی نیست. ما هرگز به نفع چپ، با راست دشمنی پیدا نمی‌کردیم؛ به نفع راست هم با چپ دشمنی پیدا نمی‌کردیم.[1]

دشمنی ما، هم با دولت اشغالگر و هم با مردم آن

یک نفر پیدا می‌شود درباره‌ی مردمی که در اسرائیل زندگی می‌کنند، اظهار نظری می‌کند. البته این اظهار نظر، اظهار نظر غلطی است. اینی که گفته شود ما با مردم اسرائیل هم مثل مردم دیگر دنیا دوستیم، حرف درستی نیست؛ حرف غیرمنطقی‌ای است. مگر مردم اسرائیل کی‌هایند؟ همان کسانی هستند که غصب خانه، غصب سرزمین، غصب مزرعه، غصب تجارت به وسیله‌ی همینها دارد انجام می‌گیرد. سیاهیِ لشکرِ عناصر صهیونیسم، همینهایند. نمی‌شود ملت مسلمان نسبت به افرادی که اینجور عامل دست دشمنان اساسی دنیای اسلام هستند، بی‌تفاوت باشد. نه، ما با یهودیها هیچ مشکلی نداریم، با مسیحیها هیچ مشکلی نداریم، با اصحاب ادیان در دنیا هیچ مشکلی نداریم؛ اما با غاصبان سرزمین فلسطین چرا؛ مشکل داریم. غاصب هم فقط رژیم صهیونیستی نیست. این موضع نظام است، این موضع انقلاب است، موضع مردم است. حالا کسی حرف اشتباهی می‌زند، عکس‌العملهائی هم در

---

۱. سخنرانی در دیدار مجمع نمایندگان طلاب و فضلای حوزه‌ی علمیه‌ی قم ۱۳۶۹/۱۱/۰۴

مقابل آن نشان داده می‌شود. خوب، مسأله را باید تمام کرد. این که یک روز یک نفر از این طرف بگوید، یکی از آن طرف بگوید، یکی اینجور استدلال کند، یکی از آن طرف حرف بزند، درست نیست. این التهاب‌آفرینی است. حرفی بود، گفته شد و اشتباه بود و تمام. موضع دولت جمهوری اسلامی هم این نیست. این با کشورهای دیگر فرق می‌کند که مردمش روی سرزمین غصبی‌ای ننشستند. شهرکهای یهودی‌نشین، امروز به وسیله‌ی همین مردمی که گفته می‌شود مردم اسرائیل هستند و به وسیله‌ی همینها پر شده؛ همینهایند که دولت جعلی صهیونیست، اینها را مسلح کرده است علیه مردم مسلمان فلسطینی، که فلسطینیها جرأت نکنند نزدیک این شهرکها بشوند.[1]

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در روز هجدهم رمضان ۱۴۲۹ ۱۳۸۷/۰۶/۳۰

فصل دوم

نکات

مبنای فقهی دفاع از فلسطین

حکم اسلامی این قضیه، واضح است. احدی از مسلمین، درباره‌ی حکم منطبق بر قضیه‌ی فلسطین، تردیدی ندارد. این، همان مسأله‌یی است که در تمام کتب فقهی - که بحث جهاد در آن مطرح شده - آمده است. اگر کفار بیایند و بلد مسلمین را تصرف یا احاطه کنند، هیچیک از فقهای مسلمین - قدیم و جدید - در وجوب عینی جهاد در این مورد، تردید نکرده است. همه‌ی مذاهب اسلامی، در این معنا همعقیده هستند. جهاد ابتدایی، واجب کفایی است؛ اما در غیر این مورد. جهاد دفاعی که اظهر مصادیق دفاع هم هست، واجب عینی است.

مسأله‌یی با این وضوح و با این اهمیت، امروز در دنیای اسلام، مثل یک مسأله‌ی درجه‌ی دو مورد توجه قرار می‌گیرد. البته گناه اول، به عهده‌ی رؤسای مسلمین است. اگر زعمای مسلمین و رؤسای کشورهای اسلامی، متحداً و جداً بر استنقاذ فلسطین تصمیم بگیرند، خواهند توانست. [1]

---

۱. سخنرانی در دیدار شرکت‌کنندگان در اولین کنفرانس اسلامی فلسطین ۱۳۶۹/۰۹/۱۳

تهمت ارتباط داشتن ایران با اسرائیل

در طول یازده سال گذشته، هر وقت دستگاههای جهانی، از نفوذ کلمه‌ی جمهوری اسلامی در میان ملتها خیلی ترسیدند، چند تهمت به جمهوری اسلامی زدند. حساب کار آنها دست ماست. هر وقت می‌بینیم این چند تهمت در دنیا خیلی رواج پیدا می‌کند، می‌فهمیم که دستگاههای استکبار، از نفوذ کلمه‌ی جمهوری اسلامی خیلی می‌ترسند. ممکن است حوادثی در گوشه و کنار باشد که ما خبر نداریم، ولی آنها اطلاع دارند و می‌ترسند و این چند تهمت را ردیف می‌کنند:

یکی تهمت ارتباط با اسرائیل است؛ چون می‌دانند ملتهای مسلمان روی اسرائیلِ غاصب حساسند و نیز می‌دانند آن دولتی که به معنای واقعی کلمه و صادقانه، با ملتهای مسلمان همصداست، در درجه‌ی اول جمهوری اسلامی است. می‌دانند که امام فقید بزرگوار ما، از اوایل شروع نهضت، مبارزه‌ی با اسرائیل را یک رکن اساسی نهضت قرار داده بود. به همین خاطر، برای این‌که نفوذ جمهوری اسلامی در میان ملتها کم بشود، یک خبر و شایعه و زمزمه و معامله‌یی درست می‌کنند و می‌گویند در جایی، کسی از کسی چیزی خریده و چیزی فروخته است؛ یکی از طرف جمهوری اسلامی و یکی هم از طرف اسرائیل!

این، یکی از این تهمتهایی است که همیشه می‌گفتند و عجیب و طُرفه این‌که همان کسانی این تهمتها را به صورت جنجال مطرح می‌کنند که خودشان علناً و یا در خفا، با اسرائیل رابطه دارند! بعضی از همین دولتهای مرتجع منطقه که با اسرائیل ارتباطات پنهانی و مخفی دارند، در رادیوهایشان به شکلی این قضیه را به صورت جنجالی مطرح می‌کنند. ما اعلان می‌کنیم که حتّی یک روز و یک ساعت، با دولت غاصبِ غیرقانونیِ خبیث اسرائیل، دوستی و محبت و کوچکترین و ضعیفترین نوع رابطه را هم نداشتیم و نخواهیم داشت.[1]

---

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۶۸/۱۱/۲۰

توهین به وجود مقدس خاتم‌الأنبیاء(ص)؛ انتقام شکست از حماس

چند سال قبل، یکی از سران اروپا در ملاقات با من، صحبت از جنگ مسیحی و مسلمان کرد! من حساس شدم؛ با این‌که آن شخص، آدم چندان وزینی نبود و نیست، لیکن چون مرتبط و متصل با امریکا و پیرو آن کشور بود، این حرف، من را حساس کرد؛ و امروز می‌بینم که دستهای صهیونیستی در دنیای مسیحی و در اروپا، این کار را زمینه‌سازی می‌کنند. به چه دلیل باید اهانتی که در یک ماه و نیم یا دو ماه پیش در روزنامه‌یی و در یک کشوری درج شده، بعد از گذشت مدتی، باز مجددا همان اهانت در کشورهای اروپای مرکزی و اروپای غربی، پی‌درپی چاپ شود!؟ انگیزه‌ی این کار چیست؟ چه دستی در کار است؟ ملتهای مسلمان بجا و به‌موقع عکس‌العمل نشان دادند و باید هم نشان بدهند. وجود مقدس خاتم‌الأنبیاءصلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، کانون همه‌ی عشقها و محبتهای دنیای اسلام است؛ محور و مرکز اتحاد و اتفاق و هماهنگی همه‌ی مذاهب اسلامی است و جا دارد که مسلمانها از خودشان، حمیت و غیرت و عکس‌العمل نشان بدهند؛ اما همه بدانند که این تظاهرات، این خشم بجا و مقدسی که مسلمانها دارند، علیه مسیحیان دنیا نیست، بلکه علیه دستهای پنهان و خبیث صهیونیستهاست، که سیاستمداران دنیای سلطه را بازیچه‌ی خود دارند و مطبوعات و رسانه‌های فراوانی هم در اختیار آنهاست؛ همانهایی که امروز بر دولت کنونی امریکا بکلی حاکمند و در اروپا هم فعالیت می‌کنند. آنها وقتی در فلسطین ضربه خوردند و پیروزی حماس بر آنها سخت‌ترین شوک را وارد کرد، می‌خواهند آن شکست را این‌طوری علیه مسلمانها جبران کنند، تا بلکه بتوانند آبروی ریخته‌ی در فلسطین را طور دیگری جبران کنند.[1]

۱. بیانات در دیدار پرسنل نیروی هوایی ۱۳۸۴/۱۱/۱۸

بخش هشتم:

آینده‌ی روشن

وعده‌ی صدق؛ آزادی قدس

و انشاءالله آن روزی را که قدس شریف، علی‌رغم این دغدغه‌هائی که در مورد قدس بیان کردند - که یک دغدغه‌های واقعی است - به دست مسلمانها بیفتد، شاید خیلی از شماها آن را ببینید؛ ما باشیم یا نباشیم؛ به هر حال این را یک روزی مردم فلسطین و مردم دنیا مشاهده خواهند کرد.[1]

آینده روشن فلسطین

امیدواریم خدای متعال برکات و فضل خود را بر ملت فلسطین و بر دنیای اسلام نازل کند و آنها را مشمول لطف و نصرت خود قرار دهد. ما آفاق را روشن می‌بینیم. ما با ایستادگی، آینده‌ی خوبی را برای دنیای اسلام و فلسطین پیش‌بینی می‌کنیم. ما معتقدیم که مرگ دنیای اسلام و ذلّت و تحقیر نهایی او روزی است که در مقابل فزون‌طلبی استکبار و صهیونیسم عقب بنشیند و تسلیم آن شود. امیدواریم خداوند چنین روز و چنین وضعیّتی را هرگز برای دنیای اسلام پیش نیاورد.[2]

ما یقین داریم با ادامه‌ی مبارزات مردم مسلمان فلسطین و حمایت جهان

---

۱. دیدار رهبران گروه‌های جهادی فلسطینی شرکت کننده در افتتاحیه‌ی همایش غزه ۱۳۸۸/۱۲/۰۸

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش بین‌المللی رسانه‌های جهان اسلام حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین ۱۳۸۰/۱۱/۱۱

اسلام، فلسطین به فضل الهی آزاد می‌شود و بیت‌المقدّس و مسجدالاقصی و سایر نقاط آن سرزمین اسلامی به آغوش جهان اسلام باز می‌گردد؛ ان‌شاءالله. **والله غالب علی امره**[1،2]

امروز وظیفه‌ی همه‌ی دولتهای اسلامی و همه‌ی ملتهای اسلامی این است که هر چه می‌توانند، به اینها کمک کنند. من ادّعا نمی‌کنم که قضیه‌ی فلسطین در کوتاه‌مدت تمام خواهد شد؛ اما ادّعا می‌کنم بدون شک فلسطین به فلسطینیها برخواهد گشت. زمان، ممکن است کوتاه یا بلند شود؛ بهایی که پرداخته می‌شود، ممکن است سنگین یا سنگین‌تر باشد؛ اما این واقعه اتفاق خواهد افتاد.

آنچه که تأثیر می‌گذارد، رفتار ما مسؤولان کشورهای اسلامی و ما ملتهای مسلمان است. اگر ما خوب رفتار کنیم، این زمان کوتاهتر و این هزینه کمتر خواهد شد. اگر ما بد رفتار کنیم، این زمان طولانی‌تر خواهد شد؛ این هزینه سنگین‌تر خواهد شد و این هزینه فقط بر دوش ملت فلسطین بار نخواهد شد؛ بر دوش همه‌ی دنیای اسلام بار خواهد شد. همان کسانی که کوتاهی می‌کنند، همان کسانی که به ظالم کمک می‌کنند، خودشان هزینه‌ی این کار را خواهند پرداخت؛ خودشان خسارت این را خواهند داد و تلخیش را خواهند چشید.[3]

شکست یقینی اسرائیل

البته دشمن، فقط امریکا نیست؛ اسرائیل هم دشمن اصلی است؛ آن هم دلایل خاص خودش را دارد. اسرائیل – همان‌طور که من بارها گفته‌ام – یعنی یک وجود جعلی، یک ملت جعلی و یک ملت دروغین. از روسیه، از اروپای شرقی، از امریکا، از کشورهای اسلامی و از ایران خود ما چند میلیون یهودی را برده‌اند یک جا اسکان داده‌اند و اسم آنها را گذاشته‌اند

۱. سوره‌ی یوسف، آیه‌ی ۲۱
۲. سخنرانی در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین۱۳۸۰/۰۲/۰۴
۳. بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز مبعث پیامبر گرامی اسلام (ص) ۰۴/ ۰۸/ ۱۳۷۹

یک ملت! آنها یک ملت نیستند؛ هر کدام مال یک ملتند. اگر به توفیق خدا دولت صهیونیستی متلاشی شود – که این روز یقیناً در پیش است؛ حالا کِی؟ نمی‌توانم بگویم؛ اما یقین دارم که چنین روزی پیش خواهد آمد – آن‌وقت شما جوانها ان‌شاءالله حتماً خواهید دید – ما ممکن است ببینیم، ممکن است نبینیم – اکثریت این جمعیتی که امروز در اسرائیل هستند، از آن‌جا به مناطق خودشان خواهند رفت.

... راجع به اسرائیل هم مطلب واضحتر است. ببینید عزیزان من! نهضت بیداری فلسطینیان و مبارزه با دولت غاصب، امروز نهضتی شده است که به این آسانیها نمی‌شود شکستش داد. چیزی نیست که وابسته به کسی مثل عرفات باشد که بروند او را یا خسته کنند یا بخرند؛ نه. نهضت فلسطین به دست مردم و جوانهای مؤمن افتاد. شکست در جنوب لبنان، بعد شکست مذاکرات سازش در «کمپ دیوید ۲»، و در آینده شکستهای فراوان برای اسرائیل – تحت تأثیر حضور قوی و مؤمنانه‌ی جوانان فلسطینی و لبنانی – ادامه خواهد داشت.

این قلاّب نهضت ضد صهیونیستی در دهان این کوسه ماهی خاورمیانه افتاده، گیر کرده و نمی‌توانند کاری بکنند. این قلاّب وقتی به داخل دهان ماهی افتاد، ماهی هر حرکتی بکند، قلاّب او را بیشتر اسیر خواهد کرد. هر کار بکنند، خواهند خورد: نرمش نشان دهند، به‌گونه‌ای می‌خورند؛ سختی و شدّت نشان دهند، به‌گونه‌ای می‌خورند؛ مذاکرات سازش را دنبال کنند، به‌گونه‌ای ضربه می‌بینند؛ متوقّف و تعطیل کنند، به‌گونه‌ای ضربه می‌بینند. این قلاّب، گیر کرده است. بنابراین، آنها آسیب‌پذیرند و نظام جمهوری اسلامی مستحکم است.[1]

بازنگشتن امنیت به اسرائیل برای همیشه

می‌خواهند امنیت را برای صهیونیستهای روسیاه فراهم کنند، که البته نخواهند توانست؛ مطمئن باشند که نخواهند توانست. صهیونیستها اوّل با

۱. بیانات در دیدار گروه کثیری از جوانان استان اردبیل ۱۳۷۹/۰۵/۰۵

کمک انگلیس، بعد با کمک امریکا و بسیاری از کشورهای دنیا و با انواع و اقسام کارهای خیانتکارانه و تروریستی و ایجاد وحشت و ارعاب، توانستند این حکومت صهیونیستی را در داخل اراضی اشغالی به وجود آورند. چهل، پنجاه سال را هم که بگذرانند، باز یک نکته‌ی اصلی حل نشده است و آن این است که آدم صهیونیستِ غاصب نمی‌تواند در این خانه‌ی غصبی خواب راحت بکند؛ امنیت ندارد. بله؛ این واقعیت است. پول دارند، فنآوری مدرن و فوق مدرن دارند، حمایت سیاسی قدرتهای استکباری را دارند، اسلحه دارند، وسایل شکنجه دارند، فلسطینیها را در همه جا، حتی نوجوانان را در داخل مدارسشان تعقیب می‌کنند - همه‌ی اینها به جای خود محفوظ - اما خدای متعال آسایش و راحتی را از آن جمعِ آسایش و راحت‌طلب و ترسو باز گرفته است؛ چون فلسطین زنده است، چون ملت فلسطین زنده است، چون جوانان فلسطین زنده‌اند. آنها خواستند که نقشه‌ی فلسطین را از روی نقشه‌ی عالم محو کنند. آنها خواستند اسم فلسطین را به فراموشی بسپارند. آنها خواستند ملت فلسطین را در داخل ملتهای دیگر حلّ و هضم کند و از بین ببرند، تا چیزی به نام فلسطین باقی نماند. آنچه اتّفاق افتاده است، درست بر عکس اینهاست.

ملت فلسطین از سال ۱۹۴۸ تاکنون، به مراتب قویتر، مصمّمتر و آگاهتر است و جمعیت افزونتری دارد و شخصیتهای برتر در میانش بیشتر است. اگر آن روز در داخل خانه‌ی خودشان آن‌قدر ضعیف بودند که دشمن توانست بیاید دستشان را بگیرد و با اهانت آنها را از خانه بیرون کند، امروز ملت فلسطین آن‌چنان است که جمعیتِ چند میلیونیِ مجهّزِ صهیونیستها را در داخل کاخهای خودشان، در داخلِ شهرکهای یهودی‌نشین خودشان و در داخل مزارع خودشان، از آسایش و امنیت محروم کرده است. همه چیز دارند؛ اما امکان زندگی ندارند، آرامش و امنیت ندارند. [1]

حتمیّت پیروزی نهایی فلسطین

آنهایی که از اطراف دنیا جمع شده‌اند تا خانه‌ی فلسطینیان را تصاحب

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران۰۸/ ۰۸/ ۱۳۷۷

کنند، به همّت ملتهای مسلمان، روزی مجبور خواهند شد که این خانه را به صاحبانش مسترد کنند. آن روز ممکن است زود یا دیر باشد؛ اما حتمی و آمدنی و تخلّف‌ناپذیر است.[1]

نباید شک کرد که این شجره‌ی خبیثه‌یی که «**اُجتُثَّت مِن فَوقِ الارض ما لها مِن قَرار**»[2]، هیچ پایه و پایگاه و استمراری نخواهد داشت و بی‌شک نابود خواهد شد. و شک نباید کرد که حق پیروز خواهد شد و فلسطین به پیکر اسلامی برخواهد گشت؛ اما دیر و زود شدن آن، بسته به همت و غیرت مسلمین است. مسلمین بایستی همت کنند؛ جوانان بایستی مسأله را رها نکنند؛ مثل ملت سرافراز و شجاع ایران حرفشان را بزنند؛ آنچه را که می‌خواهند، مطالبه کنند؛ بلاشک خدای متعال هم به آنها تفضل خواهد کرد.[3]

آنچه رژیمها را نابود می‌کند، قدرت مقاومت و عزم و مبارزه‌ی ملتهاست؛ که این عزم و مبارزه در فلسطین وجود دارد و به فضل الهی حتما به سرنگونی رژیم صهیونیستی منتهی خواهد شد.[4]

اکنون مستکبران طغیانگر بدانند که با خشونت و درندگی نخواهند توانست فروغ بیداری روز افزون اسلامی را خاموش کنند. مقاومت قهرمانانه‌ی ملت فلسطین و شجاعت حیرت برانگیز مرد وزن و پیر و جوان آنان در برابر صهیونیستهای خونخوار، گواه زنده‌ی این مدعا است. فرجام این درگیری، پیروزی حق بر باطل است، همچنانکه فرمود .. **فَانْتَقَمْنا مِنَ الَّذینَ أَجْرَمُوا وَ کانَ حَقًّا عَلَیْنا نَصْرُ الْمُؤْمِنین**[5][6]

---

۱. بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی دانشجویان دانشگاه افسری و اعطای سردوشی به دانشجویان جدید ۱۳۷۳/۰۷/۱۳

۲. سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی۲۶

۳. سخنرانی در دیدار گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه (روز ملی مبارزه با استکبار) ۱۳۷۰/۰۸/۱۵

۴. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۴/۰۸/۰۸

۵. سوره‌ی روم، آیه‌ی ۴۷

۶. پیام رهبر معظم انقلاب خطاب به امت بزرگ اسلام در پی حملات وحشیانه رژیم صهیونیستی ۱۳۸۶/۱۲/۱۲

نابودی حتمی اسرائیل و آمریکا

نظر ما نسبت به مسائل فلسطین روشن و واضح است. ما راه حل فلسطین را نابودی رژیم اسرائیل می‌دانیم. نگویند نمی‌شود؛ نمی‌شود در دنیا نیست. همه چیز شدنی است. همه‌ی کوههای عظیمی که مانع راه حرکت انسانها باشد، برداشتنی است. چهل سال گذشته است؛ اگر چهل سال دیگر هم بگذرد، عاقبت دولت اسرائیل نابودشدنی است و باید نابود بشود. تا چند صباح قبل از این، هیچ‌کس فکر نمی‌کرد که ابرقدرت شرق این‌گونه متلاشی بشود. اگر دو سال قبل کسی می‌گفت که ابرقدرت شرق از بین خواهد رفت، عده‌یی فیلسوفانه ریش می‌جنباندند که بله، شما ساده هستید! آن روزی که امام در نامه به گورباچف نوشتند که بعد از این مارکسیسم را باید در موزه‌ها پیدا کرد، عده‌یی پوزخند زدند! دو سال یا سه سال نگذشته بود که آن پیشگویی تحقق پیدا کرد. بعد از درگذشت امام، به یک سال نرسید که همه چیز دگرگون شد؛ چطور نمی‌شود؟

قدرت استکباری امریکا هم از بین خواهد رفت، او هم متلاشی خواهد شد، این قدرت جهنمی ماندنی نیست، اسرائیل هم ماندنی نیست. این، حرف دولت و ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی است، و همین خواهد شد. این، در سایه‌ی هوشیاری شما ملت و هوشیاری ملتهای مسلمان عملی خواهد شد. ما باید تلاش کنیم. وظیفه‌ی ما تلاش کردن است. [1]

حماسه‌ی دفاع از فلسطین به وسیله‌ی نسلهای تازه

این حماسه در ادامه مبارزات بر حقِ مردم فلسطین و به وسیله‌ی نسلهای تازه و آموزش دیده‌ی راه انقلاب و جهاد و با اتکاء به تجربیات گرانبهای آن به وقوع پیوسته و نشان‌دهنده‌ی آن است که نسل امروز، راه صحیح را برای پیروزی دریافته و با عزم و تصمیم آن را خواهد پیمود.

من به همه‌ی ملت مظلوم فلسطین بویژه جهادگران و پیروان راه انتفاضه

---

۱. سخنرانی در دیدار گروه کثیری از آزادگان، در اولین سالگرد آزادی و بازگشت به کشور ۱۳۷۰/۰۵/۲۸

درود می‌فرستم و بشارت می‌دهم که نهضت شما هر روز با استقبال بیشتر مسلمانان و انقلابیون مواجه خواهد شد و اشغالگران را بر سر جای خود خواهد نشاند ان‌شاءالله.

جمهوری اسلامی ایران هم چنان باافتخار به حمایت و تأیید خود از این حرکت مقدس ادامه خواهد داد و دعای خیر فرزندان راستین خود را بدرقه راهتان خواهد ساخت.

اِن تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم.[1] [2]

موقعیت استثنایی فلسطین، هم از نظر فشارها و هم فداکاریها و مبارزه‌ها

باید شک نکنیم که این روزها، روزهای سرنوشت‌سازی برای فلسطین است. البته فلسطین صحنه درگیریهای اسلام و دشمنانش در طول تاریخ ما بوده و در صد سال اخیر - بخصوص در پنجاه سال اخیر - خطّ مقدّم مبارزه با دشمنان اسلام بوده است. در واقع می‌شود فلسطین را تابلویی از حوادث مهم تاریخ اسلام در قرنهای متمادی دانست. ولی آنچه که امروز در فلسطین می‌گذرد - با توجه به جوانب قضیه - تقریباً استثنایی است. اوّلاً فشارهایی که امروز بر مردم فلسطین وارد می‌آید، بی‌سابقه است؛ ثانیاً فداکاری و مبارزه جانانه‌ای هم که امروز مردم فلسطین می‌کنند، بی‌سابقه است. ما هرگز ملت فلسطین را با این جدّیت، با جسم و جان و مال و فرزند و عزیزانشان در صحنه مشاهده نکرده‌ایم. این خصوصیت مربوط به این انتفاضه‌ی مبارک است.[3]

صبر و استقامت افسانه‌یِ ملت فلسطین

در قضیه‌ی فلسطین سه نکته‌ی برجسته است. این سه نکته‌ی برجسته در

---

۱. سوره‌ی محمّد(ص)، آیه‌ی ۷

۲. پیام به مردم فلسطین ۱۳۷۹/۰۷/۱۳

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش بین‌المللی رسانه‌های جهان اسلام حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین ۱۳۸۰/۱۱/۱۱

یاد تاریخ می‌ماند:

...نکته‌ی دومی[1] که در تاریخ می‌ماند، صبر و استقامت افسانه‌یِ ملت فلسطین است. یک ملت محاصره شده، تنها، اطرافش همه دشمن؛ اما این‌طور ایستاده. با گرسنگی می‌سازند، با غم فرزندان و داغ جوانهایشان می‌سازند، با ویرانی خانه‌ها و با خرابی مزارعشان می‌سازند، با بیکاری می‌سازند. الان چند میلیون فلسطینی – همه‌ی اینها که جزو احزاب و گروهها نیستند – که یک ملتند؛ زن، مرد، کوچک، بزرگ و پیر با قدرتِ تمام ایستاده‌اند. آفرین! آفرین! عجب ملت مقاومی هستند! این هم در تاریخ می‌ماند؛ این نکته در این قضیه درخشنده است و چشمها را در تاریخ به خودش جلب خواهد کرد.[2]

به نتیجه رسیدن مبارزات برپایه‌ی قرآن

عزیزان من! ملت ایران به همان اندازه‌ای که به قرآن نزدیک شده است، به عزت نزدیک شده است؛ به نجات نزدیک شده است؛ به رستگاری نزدیک شده است؛ به نصرت نزدیک شده است. راه نجات همه‌ی ملتهای دنیا نزدیکی به اسلام و به قرآن است. راه نجات فلسطین نیز همین است. شما ببینید؛ پنجاه سال است که یک حکومت غاصب در کشور فلسطین تشکیل شده است. در طول این مدّت، مبارزاتی هم انجام گرفت، لیکن به نهایت نرسید. چرا؟ چون در این مبارزات، دین خدا، ایمان اسلامی و حکم قرآنی ملاک نبود. امروز ملت فلسطین با نام اسلام علیه دشمن مبارزه می‌کند و این مبارزه در ارکان دشمن تزلزل ایجاد کرده است.[3]

شکست اسرائیل در محو کردن نام فلسطین

یک نمونه‌ی دیگر، قضایای فلسطین اشغالی است. رژیم امریکا در پنجاه سال گذشته – بخصوص در دهه‌های اخیر – چقدر برای باقی ماندن و بی‌خطر

---

۱. نکته‌ی اول و سوم در صفحه‌ی ۳۰۲ آمده‌است.
۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۳/۰۸/۱۵
۳. سخنرانی در مراسم اختتامیه‌ی مسابقات حفظ و قرائت قرآن کریم ۱۳۷۹/۰۸/۰۹

زندگی کردنِ رژیم غاصب صهیونیستی در سرزمین فلسطین خرج کرد؛ هم خرج پولی، هم خرج سیاسی، هم خرج آبرویی! امروز شما ببینید که این هزینه‌ی گزاف با یک مانع بسیار عمده مواجه شده است؛ آن مانع چیست؟ آن مانع، ملت فلسطین است؛ همان ملتی که اینها می‌خواستند انکارش کنند؛ می‌خواستند بگویند چیزی به نام ملت فلسطین دیگر وجود ندارد. پنجاه سال است که صهیونیستها با همه‌ی توان سعی کرده‌اند ملت فلسطین دیگر وجود نداشته باشد. یک عدّه آواره در کشورهای عربی، یک عدّه عرب هم به عنوان شهروند درجه‌ی دو در سرزمین به اصطلاح اسرائیل - سرزمین جعلی و دروغین - زندگی کنند. همه‌ی کارهای لازم را کرده‌اند؛ کار تبلیغاتی کرده‌اند؛ کار سیاسی کرده‌اند؛ فشار بسیار شدید و غیرانسانی بشری را بر اینها وارد کرده‌اند؛ اما می‌بینید که بعد از گذشت این مدت طولانی، حقیقت، خود را نشان می‌دهد؛ یعنی ملت فلسطین قیام می‌کند. [1]

وعده‌ی تخلف‌ناپذیر خداوند به مجاهدان صادق

صحنه‌ی امروز فلسطین مژده دهندی آینده‌ی محتومی است که خداوند به مجاهدان صادق و ثابت قدم وعده داده است و این وعده تخلف‌ناپذیر است. رژیم ظالم و قساوت پیشه‌ی صهیونیست و پشت‌سر آن، سیاست آمریکا و صهیونیسم جهانی و صلیبیهای مرتجع می‌پندارند، که با رفتار جنایت بار و فاجعه‌آمیز خود، خواهند توانست بر ملت فلسطین پیروز شوند. و آن را وادار به تسلیم کنند و این خطایی فاحش است که مرتکبان آن در آینده گوشمالی سخت خواهند دید. جلادان تل‌آویو در رفتارهای خود فقط توانسته‌اند بی‌گناهانی را به قتل برسانند و شهرهائی را ویران کنند، اما نتوانسته‌اند در عزم استوار مجاهدان فلسطینی خلل وارد سازند. انتفاضه‌ی مسجدالاقصی یکی از آیات الهی است و جنایتکاران روسیاه را بشدت مجازات خواهدکرد. [2]

---

۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم اراک ۱۳۷۹/۰۸/۲۴

۲. پیام به کنفرانس بین‌المللی امام خمینی(ره) و حمایت از فلسطین ۱۳۸۱/۰۳/۱۲

نویدهای شکل‌گیریِ هویت متحد اسلامی

نگاه به فلسطین امروز که در آن دولتی[1] پایبند به اصل بی‌خدشه‌ی «آزادی از اشغال صهیونیستی » بر سر کار آمده و مقایسه‌ی آن با غربت و انزوا و ناتوانی ملت فلسطین در گذشته... و بالاخره نگاه به جامعه‌ی جوان در کشورهای اسلامی و نسل روبه رشد و روبه افزایشی که با گرایش به ارزشهای اسلامی و نفرت روزافزون از آمریکا و غرب در حال رشد و بالندگی است ...

نگاه به این همه می‌تواند بخت واژگون و سیاستهای شکست خورده‌ی مستکبران غربی و پیش از همه آمریکا را به درستی به تصویر بکشد و شکل‌گیری هویت متحد اسلامی را نوید دهد.[2]

یأس در دل اشغالگران و امید در ناصیه‌ی ملت فلسطین

مسأله‌ی فلسطین که یک مسأله‌ی غم‌انگیز برای دنیای اسلام بود، امروز با اینکه وحشیگری صهیونیستها نسبت به فلسطینیان چند برابر شده است، در عین حال امید را شما در ناصیه‌ی ملت فلسطین مشاهده می‌کنید.

امروز خود اشغالگران فلسطین از ادامه‌ی راه خودشان احساس و اظهار یأس می‌کنند؛ خودشان اعتراف میکنند که به بن‌بست رسیده‌اند. رژیم ایالات متحده‌ی آمریکا که بعد از پایان روزگار و انهدام شوروی سابق احساس می‌کرد که کدخدای دهکده‌ی جهانی است و آقا و سرور بی‌منازع دنیاست، شما ملاحظه کنید در مناطق مختلف دچار بن‌بست، دچار اشکالهای اساسی و گره‌های بازنشدنی است. به بهانه‌ی مبارزه‌ی با تروریسم وارد این منطقه‌ی حساس شدند؛ آن در افغانستان، آن در عراق، آن در لبنان، آن در فلسطین. در همه‌ی مناطق که شما ملاحظه کنید، نقشه‌های آمریکا یکی پس از دیگری نقشه‌های باطل از آب درآمده است و هیچگونه امیدی به پیشرفت این

---

۱. دولت مردمی حماس
۲. پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت کنگره‌ی عظیم حج ۱۳۸۵/۱۰/۰۸

نقشه‌ها نیست؛ خودشان هم امید ندارند و این را بر زبان هم می‌آوردند؛ ذکر هم می‌کنند. [1]

ضعیفترشدن دشمن صهیونیست

در نقطه‌ی مقابل، دشمن صهیونیست هم از لحاظ روحیه، هم از لحاظ واقعیت ساخت و وجود خارجی خود، روز به روز ضعیفتر شده است. امروز بزرگان صهیونیست اعتراف می‌کنند که رو به ضعف و انهزام و شکست هستند و مسلماً دنیای اسلام آن روز را خواهد دید و امیدواریم همین نسل کنونیِ مردم فلسطین ببینند آن روزی را که فلسطین در اختیار مردم فلسطین، ملت فلسطین و صاحبان خانه قرار گرفته است و آنها بتوانند آنجا به اراده‌ی خودشان و آنچنانی که شایسته‌ی آنهاست، زندگی کنند. [2]

بشارت پیروزی به مجاهدین فلسطینی

ملت مجاهد فلسطین و مردم و دولت مردمی غزه نیز بدانند که دشمن خبیث آنان اکنون از همیشه ضعیفتر و آسیب‌پذیرتر است. جنایت دریائی روز دوشنبه نه نشانه‌ی قدرت، که نشان درماندگی و سراسیمگی رژیم غاصب است. سنت الهی بر این جاری شده که ستمگران در اواخر دوران ننگ‌آلود خود، به دست خویش، سرنوشت محتوم فنا و زوال خود را نزدیکتر کنند. حمله به لبنان و سپس حمله به غزه در سالهای پیش، از جمله‌ی همین اقدامهای دیوانه‌وار بود که تروریستهای اریکه‌نشین صهیونیست را به دره‌ی سقوط نهایی نزدیکتر کرد.حمله به کاروان امدادی بین‌المللی در آبهای مدیترانه نیز اقدام ابلهانه‌ی دیگری از همان قبیل است.

برادران و خواهران فلسطینی! به خداوند حکیم و قدیر اعتماد کنید، قدرت خود را باور کنید و بر آن بیفزائید. و به پیروزی نهایی یقین داشته

---

۱. دیدار مسؤولان نظام با رهبر انقلاب به مناسبت عید فطر ۱۳۸۷/۰۷/۱۱

۲. خطبه‌های نماز عید سعید فطر،اول شوال ۱۴۲۹ – ۱۳۸۷/۰۷/۱۰

باشید. و بدانید که: «وَ لَیَنْصُرَنّ اللهُ مَنْ یَنْصُرُهُ إِنّ اللهَ لَقَوِیٌّ عَزِیزٌ[1]»[2]

پیروزی مبارزان مصمّم بر ایستادگی برای اسلام و نصرت آن

ما معتقدیم که ملتهای مسلمان، در هر نقطه از دنیا که هستند، اگر تصمیم بر ایستادگی برای اسلام و نصرت آن داشته باشند، پیروز خواهند شد. اساس قضیه این است که مسلمانان در هر نقطه از عالم که هستند، باید تصمیم بگیرند از عدالت دفاع کنند، از عدالت بگویند، در مقابل ظلم بایستند و از اسلام - اسلامی که طرفدار مظلومین و ضعفاست - دفاع کنند. قدرتمندان عالم که بر همه جا مسلطند، خودشان قدرتشان را افسانه‌ای جلوه داده‌اند. واقعیت قدرت آنها با آنچه که دارند خیلی متفاوت است. اگر امریکا از آن قدرتی که ادعا و تلقین می‌کند برخوردار بود، امروز باید از مبارزات فلسطین اثری دیده نمی‌شد. اما می‌بینید که مبارزات مردم فلسطین، روزبه‌روز پیش می‌رود. فلسطینیهایی که در این سرمای زمستان از خانه و کاشانه‌ی خود بیرون رانده شده‌اند، مشکلترین مشکل را برای رژیم صهیونیست غاصب به وجود آورده‌اند. اینها قوی هستند و غالب خواهند شد؛ به شرط این‌که صبر کنند. اسرائیلیهای غاصب و خبیث، با این عمل، اشتباه بزرگی مرتکب شده‌اند و خودشان را در محظوری چند جانبه گذاشته‌اند. امروز از هر طرف حرکت کنند، شکست می‌خورند و ضربه می‌بینند. امروز هر کار که بکنند با شکست مواجه می‌شود. اگر فلسطینیها را برگردانند، شکست خورده‌اند. نگهشان بدارند، شکست خورده‌اند. اعدامشان کنند، شکست خورده‌اند. زندانی‌شان کنند، شکست خورده‌اند. البته شرطش این است که مبارزین فلسطینی خسته نشوند؛ مقاومت کنند و بایستند و از سخن خود برنگردند. دشمن، آسیب‌پذیر است. همه‌ی دشمنانی که با ملتها مبارزه می‌کنند، آسیب‌پذیرند.[3]

---

۱. سوره‌ی حج. آیه‌ی ۴۰

۲. پیام در پی جنایت دریایی رژیم صهیونیستی در حمله به کاروان دریایی آزادی غزه ۱۳۸۹/۰۳/۱۱

۳. بیانات در دیدار مهمانان خارجی دهه‌ی فجر و قشرهای مختلف مردم در روز نیمه شعبان ۱۳۷۱/۱۱/۱۸

بیداری اسلامی فلسطین، عامل نجات آن

در دنیای اسلام، بحمدالله بیداری اسلامی به وجود آمده است. صهیونیستهای غاصب، تقریبا بعد از چهل سال آسایش، که جز گاهی چند روزی مختصر حمله‌یی از طرف دولتها شده بود و بعد هم خساراتشان به اضعاف مضاعف از طرف امریکا جبران شده بود، امروز در داخل سرزمینهای فلسطین، از سوی اسلام تهدید می‌شوند. این اسلام است که آنها را تهدید می‌کند. سازمانهای فلسطینی، آنها که از دین فارغ و نسبت به آن بیگانه بودند، ناتوانی خودشان را نشان دادند. امروز کار به جایی رسیده است که سردمداران به اصطلاح سازمانهای فلسطینی، به فلسطینیهای داخل سرزمینهای اشغالی و بعضی مناطق دیگر پیغام می‌دهند که کار را سخت نکنید، ایجاد مشکل نکنید. آنها برای خودشان، مبارزه‌ی حقیقی را مشکل به حساب می‌آورند! سرنوشت حرکتی که از دین جدا باشد، بهتر از این نیست. اما دین، فلسطین را نجات خواهد داد. اسلام، فلسطین را از دست متجاوزان پس خواهد گرفت.[1]

برافراشته شدن پرچم فلسطین، با مبارزه

من به طور روشن می‌بینم که در آینده‌ی نزدیک، علی‌رغم میل امریکا و صهیونیستها و سازشکارانِ برخی از کشورهایی که در منطقه هستند، کشور و پرچم فلسطین، در همان جای حقیقی خودش، یک روز همه‌ی دنیا را به خود متوجه خواهد کرد. شرط این آینده‌ی مهمّ تاریخی، همین است که مردم خودِ فلسطین، بیدار باشند؛ به خاطر زندگی ذلیلانه، از مبارزه دست نکشند و به خاطر چهار صباح در زیر تیغ خونین دشمن با ذلّت زندگی کردن، از بیان حقیقت خودداری نکنند. این شرط هم بحمدالله حاصل شده است.

آن نسلی که فلسطین را تحویل دشمن داد، منقرض شد و گذشت. آن نسلی هم که با سازشکاری خواست، بلکه بتواند بخور و نمیری برای خود درست کند، رو به انقراض است. نسلی که امروز بر سرِ کار می‌آید، نسلی است که با شعار اسلامی، با هدف اسلامی، با تکیه به اسلام و به برکت

---

۱. سخنرانی در دیدار میهمانان و شرکت‌کنندگان کنفرانس جهانی اهل‌بیت(ع) ۱۳۶۹/۰۳/۰۴

آشنایی با قرآن، در صدد این است که کاری کند که از یک ملت مسلمان، انتظار می‌رود. این، نشانه‌های آن کار بزرگی است که انجام می‌دهند.

غاصبان سرزمین فلسطین، به فکر این نباشند که دائماً پای این و آن را به ماجرا بکشانند و بگویند جمهوری اسلامی ایران، تحریک می‌کند. تحریکِ کسی لازم نیست. امروز به برکت بیداری اسلامی، ملتهای مسلمان بیدارند. لازم نیست کسی به آنها بگوید، تشویقشان کند و دستی به پشت آنها بزند. خودشان می‌دانند. امروز جوانان فلسطین، در میدانند و نسلهای نو فهمیده‌اند که راه عزّت و سعادت و مسلمانی چیست. البته در سرتاسر دنیای اسلام هم، دلِ مخلصان به یاد آنها می‌تپد. این همدلی، مخصوص ایران نیست؛ در مصر هم بروید، همین است؛ در آفریقا هم بروید، همین است؛ به آسیا هم بیایید، همین است؛ در خاورمیانه هم بروید، همین است. شما به هر کشور اسلامی که بروید، با هر مذهبی از مذاهب اسلامی که باشند، اگر به سراغ انسانهای آگاه و مخلص بروید، خواهید دید دلشان به یاد فلسطین و مردم آن می‌تپد. [1]

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم از سراسر کشور ۱۳۷۵/۰۷/۱۸